

سَلَامٌ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه قرآن کریم استاد فولادوند

نویسنده:

محمد مهدی فولادوند

ناشر چاپی:

جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۱۰	ترجمه قرآن کریم استاد فولادوند
۱۰	مشخصات کتاب
۱۰	الفاتحه
۱۰	البقره
۲۵	آل عمران
۳۴	النساء
۴۳	المائدة
۵۰	الأنعام
۵۸	الأعراف
۶۷	الأنفال
۷۰	التوبة
۷۶	يونس
۸۱	هود
۸۵	يوسف
۹۰	الرعد
۹۲	إبراهيم
۹۴	الحجر
۹۶	النحل
۱۰۰	الإسراء
۱۰۴	الكهف
۱۰۸	مريم
۱۱۱	طه

۱۱۴	الأنبياء
۱۱۸	الحج
۱۲۱	المؤمنون
۱۲۴	النور
۱۲۷	الفرقان
۱۲۹	الشعراء
۱۳۳	النمل
۱۳۶	القصص
۱۳۹	العنكبوت
۱۴۲	الروم
۱۴۴	لقمان
۱۴۵	السجدة
۱۴۶	الأحزاب
۱۴۹	سبأ
۱۵۱	فاطر
۱۵۳	يس
۱۵۵	الصفات
۱۵۸	ص
۱۶۰	الزمر
۱۶۳	غافر
۱۶۶	فصلت
۱۶۸	الشورى
۱۷۰	الزخرف
۱۷۳	الدخان

۱۷۴	الجائیه
۱۷۵	الأحقاف
۱۷۷	محمد
۱۷۸	الفتح
۱۸۰	الحجرات
۱۸۱	ق
۱۸۲	الذاریات
۱۸۳	الطور
۱۸۴	النجم
۱۸۵	القمر
۱۸۶	الرحمن
۱۸۷	الواقعه
۱۸۸	الحدید
۱۸۹	المجادله
۱۹۱	الحشر
۱۹۲	المتحنه
۱۹۳	الصف
۱۹۳	الجمعه
۱۹۴	المنافقون
۱۹۴	التغابن
۱۹۵	الطلاق
۱۹۶	التحریم
۱۹۷	الملک
۱۹۸	القلم

۱۹۸	الحاقه
۱۹۹	المعارج
۲۰۰	نوح
۲۰۱	الجن
۲۰۱	المزمل
۲۰۲	المدثر
۲۰۳	القيامة
۲۰۳	الإنسان
۲۰۴	المرسلات
۲۰۵	النبأ
۲۰۵	النازعات
۲۰۶	عبس
۲۰۶	التكوير
۲۰۷	الانفطار
۲۰۷	المطففين
۲۰۷	الانشقاق
۲۰۸	البروج
۲۰۸	الطارق
۲۰۸	الأعلى
۲۰۹	الغاشية
۲۰۹	الفجر
۲۱۰	البلد
۲۱۰	الشمس
۲۱۰	الليل

۲۱۰	الضحى
۲۱۱	الشرح
۲۱۱	التين
۲۱۱	العلق
۲۱۱	القدر
۲۱۱	البينة
۲۱۲	الزلزلة
۲۱۲	العاديات
۲۱۲	القارعة
۲۱۲	التكاثر
۲۱۳	العصر
۲۱۳	الهمزة
۲۱۳	الفيل
۲۱۳	قريش
۲۱۳	الماعون
۲۱۳	الكوثر
۲۱۳	الكافرون
۲۱۴	النصر
۲۱۴	المسد
۲۱۴	الإخلاص
۲۱۴	الفلق
۲۱۴	الناس

ترجمه قرآن کریم استاد فولادوند

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران سرشناسه: فولادوند، محمد مهدی، ۱۲۹۹ - ۱۳۸۷. سرشناسه: Fouladvand, Mohammad
 Mehdy عنوان و نام پدید آور: ترجمه های فارسی قرآن کریم/محمد مهدی فولادوند منشا مقاله: جمهوری اسلامی، ۷ شهریور
 ۱۳۸۸: ص ۹ توصیفگر: تفسیر قرآن توصیفگر: ترجمه

الفاتحه

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان، (۲) رحمتگر مهربان، (۳) [و] خداوند روز جزاست. (۴) [بار
 الها] تنها تو را می پرستیم، و تنها از تو یاری می جویم. (۵) ما را به راه راست هدایت فرما، (۶) راه آنان که گرامی شان داشته ای، نه
 [راه] مغضوبان، و نه [راه] گمراهان. (۷)

البقره

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم. (۲) این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست؛ [و] مایه هدایت
 تقوایندگان است: (۳) آنان که به غیب ایمان می آورند، و نماز را بر پا می دارند، و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند؛
 (۴) و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده، و به آنچه پیش از تو نازل شده است، ایمان می آورند؛ و آنانند که به آخرت یقین
 دارند. (۵) آنان برخوردار از هدایتی از سوی پروردگار خویشند؛ و آنان همان رستگارانند. (۶) در حقیقت کسانی که کفر ورزیدند -
 چه بیمشان دهی، چه بیمشان ندهی - بر ایشان یکسان است؛ [آنها] نخواهند گروید. (۷) خداوند بر دل های آنان، و بر شنوایی ایشان
 مهر نهاده؛ و بر دیدگان شان پرده ای است؛ و آنان را عذابی دردناک است. (۸) و برخی از مردم می گویند: «ما به خدا و روز بازپسین
 ایمان آورده ایم»، ولی گروندگان [راستین] نیستند. (۹) با خدا و مؤمنان نیرنگ می بازند؛ ولی جز بر خویشتن نیرنگ نمی زنند، و
 نمی فهمند. (۱۰) در دل های شان مرضی است؛ و خدا بر مرضشان افزود؛ و به [سزای] آنچه به دروغ می گفتند، عذابی دردناک [در
 پیش] خواهند داشت. (۱۱) و چون به آنان گفته شود: «در زمین فساد مکنید»، می گویند: «ما خود اصلاحگریم». (۱۲) بهوش باشید که
 آنان فساد گراند، لیکن نمی فهمند. (۱۳) و چون به آنان گفته شود: «همان گونه که مردم ایمان آوردند، شما هم ایمان بیاورید»،
 می گویند: «آیا همان گونه که کم خردان ایمان آورده اند، ایمان بیاوریم؟» هشدار که آنان همان کم خردانند؛ ولی نمی دانند. (۱۴) و
 چون با کسانی که ایمان آورده اند برخورد کنند، می گویند: «ایمان آوردیم»، و چون با شیطان های خود خلوت کنند، می گویند: «در
 حقیقت ما با شما ایم، ما فقط [آنان را] ریشخند می کنیم». (۱۵) خدا [است که] ریشخندشان می کند، و آنان را در طغیان شان فرو
 می گذارد تا سرگردان شوند. (۱۶) همین کسانی که گمراهی را به [بهای] هدایت خریدند، در نتیجه داد و ستدشان سود [ی به بار]
 نیاورد؛ و هدایت یافته نبودند. (۱۷) مثل آنان، همچون مثل کسانی است که آتشی افروختند، و چون پیرامون آنان را روشنایی داد،
 خدا نورشان را برد؛ و در میان تاریکی هایی که نمی بینند رهایشان کرد. (۱۸) کردند، لالند، کورند؛ بنابراین به راه نمی آیند. (۱۹) یا چون
 [کسانی که در معرض] رگباری از آسمان - که در آن تاریکیها و رعد و برقی است - [قرار گرفته اند]؛ از [نهیب] آذرخش [و] بیم
 مرگ، سر انگشتان خود را در گوشه های شان نهند، ولی خدا بر کافران احاطه دارد. (۲۰) نزدیک است که برق چشمانشان را بر باید؛ هر
 گاه که بر آنان روشنی بخشد، در آن گام زنند؛ و چون راهشان را تاریک کند، [بر جای خود] بایستند؛ و اگر خدا می خواست

شنوایی و بینایی‌شان را برمی‌گرفت، که خدا بر همه چیز تواناست. (۲۱) ای مردم، پروردگارتان را که شما، و کسانی را که پیش از شما بوده‌اند آفریده است، پرستش کنید؛ باشد که به تقوا گرایید. (۲۲) همان [خدایی] که زمین را برای شما فرشی [گسترده]، و آسمان را بنایی [افراشته] قرار داد؛ و از آسمان آبی فرود آورد؛ و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد؛ پس برای خدا همتیانی قرار ندهید، در حالی که خود می‌دانید. (۲۳) و اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس -اگر راست می‌گویید- سوره‌ای مانند آن بیاورید؛ و گواهان خود را -غیر خدا- فراخوانید. (۲۴) پس اگر نکرديد -و هرگز نمی‌توانید کرد- از آن آتشی که سوختش مردمان و سنگها هستند، و برای کافران آماده شده، بپرهیزید. (۲۵) و کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، مژده ده که ایشان را باغهایی خواهد بود که از زیر [درختان] آنها جویها روان است. هر گاه میوه‌ای از آن روزی ایشان شود، می‌گویند: «این همان است که پیش از این [نیز] روزی ما بوده.» و مانند آن [نعمتها] به ایشان داده شود؛ و در آنجا همسرانی پاکیزه خواهند داشت؛ و در آنجا جاودانه بمانند. (۲۶) خدای را از اینکه به پشه‌ای -یا فروتر [یا فراتر] از آن- مثل زند، شرم نیاید. پس کسانی که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن [مثل] از جانب پروردگارشان بجاست؛ ولی کسانی که به کفر گراییده‌اند می‌گویند: «خدا از این مثل چه قصد داشته است؟» [خدا] بسیاری را با آن گمراه، و بسیاری را با آن راهنمایی می‌کند؛ و [لی] جز نافرمانان را با آن گمراه نمی‌کند. (۲۷) همانانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند؛ و آنچه را خداوند به پیوستنش امر فرموده می‌گسلند؛ و در زمین به فساد می‌پردازند؛ آنانند که زیانکارانند. (۲۸) چگونه خدا را منکرید؟ با آنکه مردگانی بودید و شما را زنده کرد؛ باز شما را می‌میراند [و] باز زنده می‌کند؛ [و] آنگاه به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۹) اوست آن کسی که آنچه در زمین است، همه را برای شما آفرید؛ سپس به [آفرینش] آسمان پرداخت، و هفت آسمان را استوار کرد؛ و او به هر چیزی داناست. (۳۰) و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد، و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم؛ و به تقدیست می‌پردازیم.» فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.» (۳۱) و [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت؛ سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود: «اگر راست می‌گویید، از اسامی اینها به من خبر دهید.» (۳۲) گفتند: «منزهی تو! ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای، هیچ دانشی نیست؛ تویی دانای حکیم.» (۳۳) فرمود: «ای آدم، ایشان را از اسامی آنان خبر ده.» و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد، فرمود: «آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمانها و زمین را می‌دانم؛ و آنچه را آشکار می‌کنید، و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم؟» (۳۴) و چون فرشتگان را فرمودیم: «برای آدم سجده کنید»، پس بجز ابلیس -که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد- [همه] به سجده درافتادند. (۳۵) و گفتیم: «ای آدم، خود و همسرت در این باغ سکونت گیر [ید]؛ و از هر کجای آن خواهید فراوان بخورید؛ و [لی] به این درخت نزدیک نشوید، که از ستمکاران خواهید بود.» (۳۶) پس شیطان هر دو را از آن بلغزاند؛ و از آنچه در آن بودند ایشان را به در آورد؛ و فرمودیم: «فرود آید، شما دشمن همدیگرید؛ و برای شما در زمین قرارگاه، و تا چندی برخوردار خواهد بود.» (۳۷) سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود؛ و [خدا] بر او ببخشد؛ آری، او [ست که] توبه‌پذیر مهربان است. (۳۸) فرمودیم: «جملگی از آن فرود آید. پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد، آنان که هدایت را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. (۳۹) و [لی] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه‌های ما را دروغ انگاشتند، آنانند که اهل آتشند؛ و در آن ماندگار خواهند بود.» (۴۰) ای فرزندان اسرائیل، نعمتهایم را که بر شما ارزانی داشتیم به یاد آرید، و به پیمانم وفا کنید، تا به پیمانتان وفا کنم، و تنها از من بترسید. (۴۱) و بدانچه نازل کرده‌ام -که مؤید همان چیزی است که با شماست- ایمان آرید؛ و نخستین منکر آن نباشید، و آیات مرا به بهایی ناچیز نفروشید، و تنها از من پروا کنید. (۴۲) و حق را به باطل درنیامیزید، و حقیقت را -با آنکه خود می‌دانید- کتمان نکنید. (۴۳) و نماز را بر پا دارید، و زکات را بدهید، و با رکوع کنندگان رکوع کنید. (۴۴) آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید، با اینکه شما کتاب [خدا] را می‌خوانید؟ آیا [هیچ] نمی‌اندیشید؟ (۴۵) از شکیبایی و نماز

یاری جوید. و به راستی این [کار] گران است، مگر بر فروتنان: (۴۶) همان کسانی که می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد؛ و به سوی او باز خواهند گشت. (۴۷) ای فرزندان اسرائیل، از نعمتهایم که بر شما ارزانی داشتیم، و [از] اینکه من شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید. (۴۸) و بترسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی‌کند؛ و نه از او شفاعتی پذیرفته، و نه به جای وی بدلی گرفته می‌شود؛ و نه یاری خواهند شد. (۴۹) و [به یاد آرید] آنگاه که شما را از [چنگ] فرعونیان رها کردیم؛ [آنان] شما را سخت شکنجه می‌کردند؛ پسران شما را سر می‌بریدند؛ و زنهایتان را زنده می‌گذاشتند، و در آن [امر، بلا و] آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود. (۵۰) و هنگامی که دریا را برای شما شکافتیم و شما را نجات بخشیدیم؛ و فرعونیان را - در حالی که شما نظاره می‌کردید - غرق کردیم. (۵۱) و آنگاه که با موسی چهل شب قرار گذاشتیم؛ آنگاه در غیاب وی، شما گوساله را [به پرستش] گرفتید، در حالی که ستمکار بودید. (۵۲) پس از آن بر شما بخشودیم، باشد که شکرگزاری کنید. (۵۳) و آنگاه که موسی را کتاب و فرقان [= جداکننده حق از باطل] دادیم، شاید هدایت یابید. (۵۴) و چون موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، شما با [به پرستش] گرفتن گوساله، بر خود ستم کردید، پس به درگاه آفریننده خود توبه کنید، و [خطاکاران] خودتان را به قتل برسانید، که این [کار] نزد آفریدگارتان برای شما بهتر است.» پس [خدا] توبه شما را پذیرفت، که او توبه‌پذیر مهربان است. (۵۵) و چون گفتید: «ای موسی، تا خدا را آشکارا نینیم، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.» پس - در حالی که می‌نگریستید - صاعقه شما را فرو گرفت. (۵۶) سپس شما را پس از مرگتان برانگیختیم؛ باشد که شکرگزاری کنید. (۵۷) و بر شما ابر را سایه گستر کردیم؛ و بر شما «گرانگین» و «بلدرچین» فرو فرستادیم؛ [و گفتیم: «از خوراکیهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید.» و [لی آنان] بر ما ستم نکردند، بلکه بر خویشان ستم روا می‌داشتند. (۵۸) و [نیز به یاد آرید] هنگامی را که گفتیم: «بدین شهر درآید، و از [نعمتهای] آن، هر گونه خواستید، فراوان بخورید، و سجده کنان از در [بزرگ] درآید؛ و بگویید: [خداوند،] گناهان ما را بریز. تا خطاهای شما را ببخشاییم، و [پاداش] نیکوکاران را خواهیم افزود.» (۵۹) اما کسانی که ستم کرده بودند، [آن سخن را] به سخن دیگری - غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود - تبدیل کردند. و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرو فرستادیم. (۶۰) و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد، گفتیم: «با عصایت بر آن تخته سنگ بزن.» پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت، [به گونه‌ای که] هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست. [و گفتیم: «از روزی خدا بخورید و بیاشامید، و [لی] در زمین سر به فساد برمدارید.» (۶۱) و چون گفتید: «ای موسی! هرگز بر یک [نوع] خوراک تاب نیاوریم، از خدای خود برای ما بخواه تا از آنچه زمین می‌رویاند، از [قبیل] سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز، برای ما برویاند» [موسی] گفت: «آیا به جای چیز بهتر، خواهان چیز پست‌ترید؟ پس به شهر فرود آید، که آنچه را خواسته‌اید برای شما [در آنجا مهیا] است.» و [داغ] خواری و ناداری بر [پیشانی] آنان زده شد، و به خشم خدا گرفتار آمدند؛ چرا که آنان به نشانه‌های خدا کفر ورزیده بودند، و پیامبران را بناحق می‌کشتند؛ این، از آن روی بود که سرکشی نموده، و از حد درگذرانیده بودند. (۶۲) در حقیقت، کسانی که [به اسلام] ایمان آورده، و کسانی که یهودی شده‌اند، و ترسایان و صابثان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد، پس اجرشان را پیش پروردگارشان خواهند داشت، و نه بیمی بر آنان است، و نه اندوهناک خواهند شد. (۶۳) و چون از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما افراشتیم، [و فرمودیم: «آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید، و آنچه را در آن است به خاطر داشته باشید، باشد که به تقوا گرایید.» (۶۴) سپس شما بعد از آن [پیمان] رویگردان شدید، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً از زیانکاران بودید. (۶۵) و کسانی از شما را که در روز شنبه [از فرمان خدا] تجاوز کردند نیک شناختید، پس ایشان را گفتیم: «بوزینگانی طرد شده باشید.» (۶۶) و ما آن [عقوبت] را برای حاضران، و [نسلهای] پس از آن، عبرتی، و برای پرهیزگاران پندی قرار دادیم. (۶۷) و هنگامی که موسی به قوم خود گفت: «خدا به شما فرمان می‌دهد که: ماده گاوی را سر ببرید»، گفتند: «آیا ما را به ریشخند می‌گیری؟» گفت: «پناه می‌برم به خدا که [مبادا] از جاهلان باشم.» (۶۸) گفتند:

«پروردگارت را برای ما بخوان، تا بر ما روشن سازد که آن چگونه [گاوی] است؟» گفت: «وی می‌فرماید: آن ماده گاوی است نه پیر و نه خردسال، [بلکه] میانسالی است بین این دو. پس آنچه را [بدان] مأمورید به جای آرید.» (۶۹) گفتند: «از پروردگارت بخواه، تا بر ما روشن کند که رنگش چگونه است؟» گفت: «وی می‌فرماید: آن ماده گاوی است زرد یکدست و خالص، که رنگش بینندگان را شاد می‌کند.» (۷۰) گفتند: «از پروردگارت بخواه، تا بر ما روشن گرداند که آن چگونه [گاوی] باشد؟ زیرا [چگونگی] این ماده گاو بر ما مشتبه شده، و [لی] با توضیحات بیشتر تو [ما ان شاء الله حتماً هدایت خواهیم شد.» (۷۱) گفت: «وی می‌فرماید: در حقیقت، آن ماده گاوی است که نه رام است تا زمین را شخم زند؛ و نه کشتزار را آبیاری کند؛ بی‌نقص است؛ و هیچ لکه‌ای در آن نیست.» گفتند: «اینک سخن درست آوردی.» پس آن را سر بریدند، و چیزی نمانده بود که نکنند. (۷۲) و چون شخصی را کشتید، و در باره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان می‌کردید، آشکار گردانید. (۷۳) پس فرمودیم: «پاره‌ای از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول] بزنید» [تا زنده شود]. این گونه خدا مردگان را زنده می‌کند، و آیات خود را به شما می‌نماید، باشد که بیندیشید. (۷۴) سپس دل‌های شما بعد از این [واقعه] سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت‌تر از آن، چرا که از برخی سنگها، جویهایی بیرون می‌زند، و پاره‌ای از آنها می‌شکافد و آب از آن خارج می‌شود، و برخی از آنها از بیم خدا فرو می‌ریزد، و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۷۵) آیا طمع دارید که [اینان] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهی از آنان سخنان خدا را می‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف می‌کردند، و خودشان هم می‌دانستند. (۷۶) و [همین یهودیان] چون با کسانی که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، می‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم.» و وقتی با همدیگر خلوت می‌کنند، می‌گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، برای آنان حکایت می‌کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمی‌کنید؟» (۷۷) آیا نمی‌دانند که خداوند آنچه را پوشیده می‌دارند، و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌داند؟ (۷۸) و [بعضی] از آنان بی‌سوادانی هستند که کتاب [خدا] را جز خیالات خامی نمی‌دانند، و فقط گمان می‌برند. (۷۹) پس وای بر کسانی که کتاب [تحریف‌شده‌ای] با دستهای خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این از جانب خداست»، تا بدان بهای ناچیزی به دست آرند؛ پس وای بر ایشان از آنچه دست‌هایشان نوشته، و وای بر ایشان از آنچه [از این راه] به دست می‌آورند. (۸۰) و گفتند: «جز روزهایی چند، هرگز آتش به ما نخواهد رسید.» بگو: «مگر پیمانی از خدا گرفته‌اید؟ - که خدا پیمان خود را هرگز خلاف نخواهد کرد- یا آنچه را نمی‌دانید به دروغ به خدا نسبت می‌دهید؟» (۸۱) آری، کسی که بدی به دست آورد، و گناهش او را در میان گیرد، پس چنین کسانی اهل آتشند، و در آن ماندگار خواهند بود. (۸۲) و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اهل بهشتند، و در آن جاودان خواهند ماند. (۸۳) و چون از فرزندان اسرائیل پیمان محکم گرفتیم که: «جز خدا را نپرستید، و به پدر و مادر، و خویشان و یتیمان و مستمندان احسان کنید، و با مردم [به زبان] خوش سخن بگویید، و نماز را به پا دارید، و زکات را بدهید؛» آنگاه، جز اندکی از شما، [همگی] به حالت اعراض روی برتافتید. (۸۴) و چون از شما پیمان محکم گرفتیم که: «خون همدیگر را مرزید، و یکدیگر را از سرزمین خود بیرون نکنید؛» سپس [به این پیمان] اقرار کردید، و خود گواھید. (۸۵) [ولی] باز همین شما هستید که یکدیگر را می‌کشید، و گروهی از خودتان را از دیارشان بیرون می‌رانید، و به گناه و تجاوز، بر ضد آنان به یکدیگر کمک می‌کنید. و اگر به اسارت پیش شما آیند، به [دادن] فدیة، آنان را آزاد می‌کنید، با آنکه [نه تنها کشتن، بلکه] بیرون کردن آنان بر شما حرام شده است. آیا شما به پاره‌ای از کتاب [تورات] ایمان می‌آوردید، و به پاره‌ای کفر می‌ورزید؟ پس جزای هر کس از شما که چنین کند، جز خواری در زندگی دنیا چیزی نخواهد بود، و روز رستاخیز ایشان را به سخت‌ترین عذابها باز برند، و خداوند از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۸۶) همین کسانی که زندگی دنیا را به [بهای] جهان دیگر خریدند. پس نه عذاب آنان سبک گردد، و نه ایشان یاری شوند. (۸۷) و همانا به موسی کتاب [تورات] را دادیم، و پس از او پیامبرانی را پشت سر هم فرستادیم، و عیسی پسر مریم را معجزه‌های آشکار بخشیدیم، و او را با «روح القدس» تأیید کردیم؛ پس چرا هر گاه پیامبری چیزی را که

خوشایند شما نبود برایتان آورد، کبر ورزیدید؟ گروهی را دروغگو خواندید و گروهی را کشتید. (۸۸) و گفتند: «دلهای ما در غلاف است.» [نه، چنین نیست] بلکه خدا به سزای کفرشان، لعنتشان کرده است. پس آنان که ایمان می‌آورند چه اندک شماره‌اند. (۸۹) و هنگامی که از جانب خداوند کتابی که مؤید آنچه نزد آنان است برایشان آمد، و از دیرباز [در انتظارش] بر کسانی که کافر شده بودند پیروزی می‌جستند؛ ولی همین که آنچه [که اوصافش] را می‌شناختند برایشان آمد، انکارش کردند. پس لعنت خدا بر کافران باد. (۹۰) و که به چه بد بهایی خود را فروختند که به آنچه خدا نازل کرده بود از سر رشک انکار آوردند، که چرا خداوند از فضل خویش بر هر کس از بندگانش که بخواهد [آیاتی] فرو می‌فرستد. پس به خشمی بر خشم دیگر گرفتار آمدند. و برای کافران عذابی خفت آور است. (۹۱) و چون به آنان گفته شود: «به آنچه خدا نازل کرده ایمان آورید»، می‌گویند: «ما به آنچه بر [پیامبر] خودمان نازل شده ایمان می‌آوریم.» و غیر آن را - با آنکه [کاملاً] حق و مؤید همان چیزی است که با آنان است - انکار می‌کنند. بگو: «اگر مؤمن بودید، پس چرا پیش از این، پیامبران خدا را می‌کشتید؟» (۹۲) و قطعاً موسی برای شما معجزات آشکاری آورد، سپس آن گوساله را در غیاب وی [به خدایی] گرفتید، و ستمکار شدید. (۹۳) و آنگاه که از شما پیمان محکم گرفتیم، و [کوه] طور را بر فراز شما برافراشتیم، [و گفتیم:] «آنچه را به شما داده‌ایم به جد و جهد بگیرید، و [به دستوره‌های آن] گوش فرا دهید.» گفتند: «شنیدیم و نافرمانی کردیم.» و بر اثر کفرشان، [مهر] گوساله در دلشان سرشته شد. بگو: «اگر مؤمنید [بدانید که] ایمانتان شما را به بد چیزی وامی‌دارد.» (۹۴) بگو: «اگر در نزد خدا، سرای بازپسین یکسر به شما اختصاص دارد، نه دیگر مردم، پس اگر راست می‌گویید آرزوی مرگ کنید.» (۹۵) ولی به سبب کارهایی که از پیش کرده‌اند، هرگز آن را آرزو نخواهند کرد. و خدا به [حال] ستمگران داناست. (۹۶) و آنان را مسلماً آزمندترین مردم به زندگی، و [حتی حریص‌تر] از کسانی که شرک می‌ورزند خواهی یافت. هر یک از ایشان آرزو دارد که کاش هزار سال عمر کند با آنکه اگر چنین عمری هم به او داده شود، وی را از عذاب دور نتواند داشت. و خدا بر آنچه می‌کنند بیناست. (۹۷) بگو: «کسی که دشمن جبرئیل است [در واقع دشمن خداست] چرا که او، به فرمان خدا، قرآن را بر قلبت نازل کرده است، در حالی که مؤید [کتابهای آسمانی] پیش از آن، و هدایت و بشارتی برای مؤمنان است.» (۹۸) هر که دشمن خدا، و فرشتگان و فرستادگان او، و جبرئیل و میکائیل است [بداند که] خدا یقیناً دشمن کافران است. (۹۹) و همانا بر تو آیاتی روشن فرو فرستادیم، و جز فاسقان [کسی] آنها را انکار نمی‌کند. (۱۰۰) و مگر نه این بود که [یهود] هر گاه پیمانی بستند، گروهی از ایشان آن را دور افکندند؟ بلکه [حقیقت این است که] بیشترشان ایمان نمی‌آورند. (۱۰۱) و آنگاه که فرستاده‌ای از جانب خداوند برایشان آمد - که آنچه را با آنان بود تصدیق می‌داشت - گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر افکندند، چنانکه گویی [از آن هیچ] نمی‌دانند. (۱۰۲) و آنچه را که شیطان [صفت]ها در سلطنت سلیمان خوانده [و درس گرفته] بودند، پیروی کردند. و سلیمان کفر نورزید، لیکن آن شیطان [صفت]ها به کفر گراییدند که به مردم سحر می‌آموختند. و [نیز از] آنچه بر آن دو فرشته، هاروت و ماروت، در بابل فرو فرستاده شده بود [پیروی کردند]، با اینکه آن دو [فرشته] هیچ کس را تعلیم [سحر] نمی‌کردند مگر آنکه [قبلاً به او] می‌گفتند: «ما [وسیله] آزمایشی [برای شما] هستیم، پس زنهار کافر نشوی.» و [لی] آنها از آن دو [فرشته] چیزهایی می‌آموختند که به وسیله آن میان مرد و همسرش جدایی بیفکنند. هر چند بدون فرمان خدا نمی‌توانستند به وسیله آن به احدی زیان برسانند. و [خلاصه] چیزی می‌آموختند که برایشان زیان داشت، و سودی بدیشان نمی‌رسانید. و قطعاً [یهودیان] دریافته بودند که هر کس خریدار این [متاع] باشد، در آخرت بهره‌ای ندارد. و که چه بد بود آنچه به جان خریدند - اگر می‌دانستند. (۱۰۳) اگر آنها گرویده و پرهیزگاری کرده بودند قطعاً پاداشی [که] از جانب خدا [می‌یافتند] بهتر بود - اگر می‌دانستند. (۱۰۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نگویید: «راعنا»، و بگویید: «انظرننا»، و [این توصیه را] بشنوید؛ و [گر نه] کافران را عذابی دردناک است. (۱۰۵) نه کسانی که از اهل کتاب کافر شده‌اند، و نه مشرکان [هیچ کدام] دوست نمی‌دارند خیری از جانب پروردگارتان بر شما فرود آید، با آنکه خدا هر که را خواهد به رحمت خود اختصاص دهد، و خدا دارای فزون‌بخشی عظیم است. (۱۰۶) هر حکمی را نسخ کنیم، یا آن را

به [دست] فراموشی بسیاریم، بهتر از آن، یا ماندش را می آوریم؛ مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؟ (۱۰۷) مگر ندانستی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست؛ و شما جز خدا سرور و یآوری ندارید؟ (۱۰۸) آیا می خواهید از پیامبر خود همان را بخواهید که قبلاً از موسی خواسته شد؟ و هر کس کفر را با ایمان عوض کند، مسلماً از راه درست گمراه شده است. (۱۰۹) بسیاری از اهل کتاب - پس از اینکه حق برایشان آشکار شد - از روی حسدی که در وجودشان بود، آرزو می کردند که شما را، بعد از ایمانتان، کافر گردانند. پس عفو کنید و درگذرید، تا خدا فرمان خویش را بیاورد، که خدا بر هر کاری تواناست. (۱۱۰) و نماز را به پا دارید و زکات را بدهید؛ و هر گونه نیکی که برای خویش از پیش فرستید، آن را نزد خدا باز خواهید یافت؛ آری، خدا به آنچه می کنید بیناست. (۱۱۱) و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد.» این آرزوهای [واهی] ایشان است. بگو: «اگر راست می گویند، دلیل خود را بیاورید.» (۱۱۲) آری، هر کس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند شد. (۱۱۳) و یهودیان گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان گفتند: «یهودیان بر حق نیستند» - با آنکه آنان کتاب [آسمانی] را می خوانند. افراد نادان نیز [سخنی] همانند گفته ایشان گفتند. پس خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف می کردند، میان آنان داوری خواهد کرد. (۱۱۴) و کیست بیدادگرتر از آن کس که نگذارد در مساجد خدا، نام وی برده شود، و در ویرانی آنها بکوشد؟ آنان حق ندارند جز ترسان-لرزان در آن [مسجد]ها در آیند. در این دنیا ایشان را خواری، و در آخرت عذابی بزرگ است. (۱۱۵) و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی [به] خداست. آری، خدا گشایشگر داناست. (۱۱۶) و گفتند: «خداوند فرزندی برای خود اختیار کرده است.» او منزله است. بلکه هر چه در آسمانها و زمین است، از آن اوست، [و] همه فرمانپذیر اویند. (۱۱۷) [و] پدید آورنده آسمانها و زمین [است]، و چون به کاری اراده فرماید، فقط می گوید: «[موجود] باش؛» پس [فوراً موجود] می شود. (۱۱۸) افراد نادان گفتند: «چرا خدا با ما سخن نمی گوید؟ یا برای ما معجزه ای نمی آید؟» کسانی که پیش از اینان بودند [نیز] مثل همین گفته ایشان را می گفتند. دلها [و افکار]شان به هم می ماند. ما نشانه ها [ی خود] را برای گروهی که یقین دارند، نیک روشن گردانیده ایم. (۱۱۹) ما تو را بحق فرستادیم، تا بشارتگر و بیم دهنده باشی، و [لی] درباره دوزخیان، از تو پرسشی نخواهد شد. (۱۲۰) و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی شوند، مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی. بگو: «در حقیقت، تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است.» و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد، باز از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا سرور و یآوری نخواهی داشت. (۱۲۱) کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده ایم، [و] آن را چنانکه باید می خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. [و لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند. (۱۲۲) ای فرزندان اسرائیل، نعمتم را، که بر شما ارزانی داشتم، و اینکه شما را بر جهانیان برتری دادم، یاد کنید. (۱۲۳) و برسید از روزی که هیچ کس چیزی [از عذاب خدا] را از کسی دفع نمی کند، و نه بدل و بلاگردانی از وی پذیرفته شود، و نه او را میانجیگری سودمند افتد، و نه یاری شوند. (۱۲۴) و چون ابراهیم را پروردگارش با کلماتی بیازمود، و وی آن همه را به انجام رسانید، [خدا به او] فرمود: «من تو را پیشوای مردم قرار دادم.» [ابراهیم] پرسید: «از دودمانم [چطور]؟» فرمود: «پیمان من به بیدادگران نمی رسد.» (۱۲۵) و چون خانه [کعبه] را برای مردم محل اجتماع و [جای] امنی قرار دادیم، [و فرمودیم]: «در مقام ابراهیم، نمازگاهی برای خود اختیار کنید»، و به ابراهیم و اسماعیل فرمان دادیم که: «خانه مرا برای طواف کنندگان و معتکفان و رکوع و سجود کنندگان پاکیزه کنید.» (۱۲۶) و چون ابراهیم گفت: «پروردگارا، این [سرزمین] را شهری امن گردان، و مردمش را - هر کس از آنان که به خدا و روز بازپسین ایمان بیاورد - از فرآورده ها روزی بخش»، فرمود: [و لی] هر کس کفر بورزد، اندکی برخوردارش می کنم، سپس او را با خواری به سوی عذاب آتش [دوزخ] می کشانم، و چه بد سرانجامی است.» (۱۲۷) و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه های خانه [کعبه] را بالا می بردند، [می گفتند]: «ای پروردگارا، ما، از ما بپذیر که در حقیقت، تو شنوای دانایی. (۱۲۸) پروردگارا، ما را تسلیم [فرمان] خود قرار ده؛ و از نسل ما، امتی فرمانبردار خود [پدید آر]؛ و آداب دینی ما را به ما

نشان ده؛ و بر ما بیخشی، که تویی توبه‌پذیر مهربان. (۱۲۹) پروردگارا، در میان آنان، فرستاده‌ای از خودشان برانگیز، تا آیات تو را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند، زیرا که تو خود، شکست‌ناپذیر حکیمی. (۱۳۰) و چه کسی -جز آنکه به سبک مغزی گراید- از آیین ابراهیم روی برمی‌تابد؟ و ما او را در این دنیا برگزیدیم؛ و البته در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. (۱۳۱) هنگامی که پروردگارش به او فرمود: «تسلیم شو»، گفت: «به پروردگار جهانیان تسلیم شدم.» (۱۳۲) و ابراهیم و یعقوب، پسران خود را به همان [آیین] سفارش کردند؛ [و هر دو در وصیتشان چنین گفتند:] «ای پسران من، خداوند برای شما این دین را برگزید؛ پس، البته نباید جز مسلمان بمیرید.» (۱۳۳) آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق -معبودی یگانه- را می‌پرستیم؛ و در برابر او تسلیم هستیم.» (۱۳۴) آن جماعت را روزگار به سر آمد؛ دستاورد آنان برای آنان و دستاورد شما برای شماست؛ و از آنچه آنان می‌کرده‌اند، شما بازخواست نخواهید شد. (۱۳۵) و [اهل کتاب] گفتند: «یهودی یا مسیحی باشید، تا هدایت یابید؛ بگو: «نه، بلکه [بر] آیین ابراهیم حق‌گرا [هستم]؛ و وی از مشرکان نبود.» (۱۳۶) بگویید: «ما به خدا، و به آنچه بر ما نازل شده، و به آنچه بر ابراهیم و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده، و به آنچه به موسی و عیسی داده شده، و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده، ایمان آورده‌ایم؛ میان هیچ‌یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم؛ و در برابر او تسلیم هستیم.» (۱۳۷) پس اگر آنان [هم] به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید، ایمان آوردند، قطعاً هدایت شده‌اند، ولی اگر روی برتافتند، جز این نیست که سرستیز [و جدایی] دارند؛ و به زودی خداوند [شر] آنان را از تو کفایت خواهد کرد، که او شنوای داناست. (۱۳۸) این است نگارگری الهی؛ و کیست خوش‌نگارتر از خدا؟ و ما او را پرستندگانیم. (۱۳۹) بگو: آیا درباره خدا با ما بحث و گفتگو می‌کنید؟ با آنکه او پروردگار ما و پروردگار شماست؛ و کردارهای ما از آن ما، و کردارهای شما از آن شماست، و ما برای او اخلاص می‌ورزیم. (۱۴۰) یا می‌گویید: «ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط [دوازده‌گانه] یهودی یا نصرانی بوده‌اند؟» بگو: «آیا شما بهتر می‌دانید یا خدا؟» و کیست ستمکارتر از آن کس که شهادتی از خدا را در نزد خویش پوشیده دارد؟ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۱۴۱) آن جماعت را روزگار سپری شد؛ برای ایشان است آنچه به دست آورده‌اند؛ و برای شماست آنچه به دست آورده‌اید؛ و از آنچه آنان می‌کرده‌اند، شما بازخواست نخواهید شد. (۱۴۲) به زودی مردم کم‌خرد خواهند گفت: «چه چیز آنان را از قبله‌ای که بر آن بودند رویگردان کرد؟» بگو: «مشرق و مغرب از آن خداست؛ هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند.» (۱۴۳) و بدین گونه شما را امتی میانه قرار دادیم، تا بر مردم گواه باشید؛ و پیامبر بر شما گواه باشد. و قبله‌ای را که [چندی] بر آن بودی، مقرر نکردیم جز برای آنکه کسی را که از پیامبر پیروی می‌کند، از آن کس که از عقیده خود برمی‌گردد بازشناسیم؛ هر چند [این کار] جز بر کسانی که خدا هدایت [شان] کرده، سخت گران بود؛ و خدا بر آن نبود که ایمان شما را ضایع گرداند، زیرا خدا [نسبت] به مردم دلسوز و مهربان است. (۱۴۴) ما [به هر سو] گردانیدن رویت در آسمان را نیک می‌بینیم. پس [باش تا] تو را به قبله‌ای که بدان خشنود شوی برگردانیم؛ پس روی خود را به سوی مسجدالحرام کن؛ و هر جا بودید، روی خود را به سوی آن بگردانید. در حقیقت، اهل کتاب نیک می‌دانند که این [تغییر قبله] از جانب پروردگارشان [بجا و] درست است؛ و خدا از آنچه می‌کنند غافل نیست. (۱۴۵) و اگر هر گونه معجزه‌ای برای اهل کتاب بیاوری [باز] قبله تو را پیروی نمی‌کنند، و تو [نیز] پیرو قبله آنان نیستی، و خود آنان پیرو قبله یکدیگر نیستند، و پس از علمی که تو را [حاصل] آمده، اگر از هوسهای ایشان پیروی کنی، در آن صورت جداً از ستمکاران خواهی بود. (۱۴۶) کسانی که به ایشان کتاب [آسمانی] داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسند، او [=محمد] را می‌شناسند؛ و مسلماً گروهی از ایشان حقیقت را نهفته می‌دارند، و خودشان [هم] می‌دانند. (۱۴۷) حق از جانب پروردگار توست. پس مبدا از تردید‌کنندگان باشی. (۱۴۸) و برای هر کسی قبله‌ای است که وی روی خود را به آن [سوی] می‌گرداند؛ پس در کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. هر کجا که باشید، خداوند همگی شما را [به سوی

خود باز] می آورد؛ در حقیقت، خدا بر همه چیز تواناست. (۱۴۹) و از هر کجا بیرون آمدی، روی خود را به سوی مسجدالحرام بگردان، و البته این [فرمان] حق است و از جانب پروردگار تو است و خداوند از آنچه می کنی غافل نیست. (۱۵۰) و از هر کجا بیرون آمدی، [به هنگام نماز] روی خود را به سمت مسجدالحرام بگردان؛ و هر کجا بودید رویهای خود را به سوی آن بگردانید، تا برای مردم غیر از ستمگانشان - بر شما حجتی نباشد. پس، از آنان نترسید، و از من بترسید، تا نعمت خود را بر شما کامل گردانم، و باشد که هدایت شوید. (۱۵۱) همان طور که در میان شما، فرستاده‌ای از خودتان روانه کردیم، [که] آیات ما را بر شما می خواند، و شما را پاک می گرداند، و به شما کتاب و حکمت می آموزد، و آنچه را نمی دانستید به شما یاد می دهد. (۱۵۲) پس مرا یاد کنید، [تا] شما را یاد کنم؛ و شکرانه‌ام را به جای آرید؛ و با من ناسپاسی نکنید. (۱۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از شکیبایی و نماز یاری جوید؛ زیرا خدا با شکیبایان است. (۱۵۴) و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده‌اند؛ ولی شما نمی دانید. (۱۵۵) و قطعاً شما را به چیزی از [قبیل] ترس و گرسنگی، و کاهش در اموال و جانها و محصولات می آزمایشیم؛ و مژده ده شکیبایان را: (۱۵۶) [همان] کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می گردیم.» (۱۵۷) بر ایشان درووها و رحمتی از پروردگارشان [باد] و راه یافتگان [هم] خود ایشانند. (۱۵۸) در حقیقت، «صفا» و «مروه» از شعایر خداست [که یادآور اوست]؛ پس هر که خانه [خدا] را حج کند، یا عمره گزارد، بر او گناهی نیست که میان آن دو سعی به جای آورد. و هر که افزون بر فریضه، کار نیکی کند، خدا حق شناس و داناست. (۱۵۹) کسانی که نشانه‌های روشن، و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم، بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم، نهفته می دارند، آنان را خدا لعنت می کند، و لعنت کنندگان لعنتشان می کنند. (۱۶۰) مگر کسانی که توبه کردند، و [خود را] اصلاح نمودند، و [حقیقت را] آشکار کردند، پس بر آنان خواهم بخشود؛ و من توبه‌پذیر مهربانم. (۱۶۱) کسانی که کافر شدند، و در حال کفر مردند، لعنت خدا و فرشتگان و تمام مردم بر آنان باد. (۱۶۲) در آن [لعنت] جاودانه بمانند؛ نه عذابشان کاسته گردد، و نه مهلت یابند. (۱۶۳) و معبود شما، معبود یگانه‌ای است که جز او هیچ معبودی نیست، [و اوست] بخشایشگر مهربان. (۱۶۴) راستی که در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، و کشتیهایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می رساند، و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده، و با آن، زمین را پس از مردنش زنده گردانیده، و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده، و [نیز در] گردانیدن باده‌ها، و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است، برای گروهی که می اندیشند، واقعاً نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد. (۱۶۵) و برخی از مردم، در برابر خدا، همانندهایی [برای او] برمی گزینند، و آنها را چون دوستی خدا، دوست می دارند؛ ولی کسانی که ایمان آورده‌اند، به خدا محبت بیشتری دارند. کسانی که [با برگزیدن بتها، به خود] ستم نموده‌اند اگر می دانستند هنگامی که عذاب را مشاهده کنند تمام نیرو [ها] از آن خداست، و خدا سخت کیفر است. (۱۶۶) آنگاه که پیشوایان از پیروان بیزاری جویند؛ و عذاب را مشاهده کنند، و میانشان پیوندها بریده گردد. (۱۶۷) و پیروان می گویند: «کاش برای ما بازگشتی بود تا همان گونه که [آنان] از ما بیزاری جستند [ما نیز] از آنان بیزاری می جستیم.» این گونه خداوند، کارهایشان را - که بر آنان مایه حسرتهاست - به ایشان می نمایاند، و از آتش بیرون آمدنی نیستند. (۱۶۸) ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را بخورید، و از گامهای شیطان پیروی مکنید که او دشمن آشکار شماست. (۱۶۹) [او] شما را فقط به بدی و زشتی فرمان می دهد، و [وامی دارد] تا بر خدا، چیزی را که نمی دانید بر بندید. (۱۷۰) و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا نازل کرده است پیروی کنید؛» می گویند: «نه، بلکه از چیزی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم، پیروی می کنیم.» آیا هر چند پدرانشان چیزی را درک نمی کرده و به راه صواب نمی رفته‌اند [باز هم در خور پیروی هستند]؟! (۱۷۱) و مثل [دعوت کننده] کافران چون مثل کسی است که حیوانی را که جز صدا و ندایی [مبهم، چیزی] نمی شنود بانگ می زند. [آری،] کزند، لالند، کورند. [و] در نمی یابند. (۱۷۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از نعمتهای پاکیزه‌ای که روزی شما کرده‌ایم، بخورید و اگر تنها او را می پرستید خدا را شکر کنید. (۱۷۳) [خداوند،] تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را

که [هنگام سر بریدن] نام غیر خدا بر آن برده شده، بر شما حرام گردانیده است. [ولی] کسی که [برای حفظ جان خود به خوردن آنها] ناچار شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد بر او گناهی نیست، زیرا خدا آمرزنده و مهربان است. (۱۷۴) کسانی که آنچه را خداوند از کتاب نازل کرده، پنهان می‌دارند و بدان بهای ناچیزی به دست می‌آورند، آنان جز آتش در شکمهای خویش فرو نبرند. و خدا روز قیامت با ایشان سخن نخواهد گفت، و پاکشان نخواهد کرد، و عذابی دردناک خواهند داشت. (۱۷۵) آنان همان کسانی هستند که گمراهی را به [بهای] هدایت، و عذاب را به [ازای] آموزش خریدند، پس به راستی چه اندازه باید بر آتش شکیبا باشند! (۱۷۶) چرا که خداوند کتاب [تورات] را به حق نازل کرده است، و کسانی که در باره کتاب [خدا] با یکدیگر به اختلاف پرداختند، در ستیزه‌ای دور و درازند. (۱۷۷) نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید، بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد، و مال [خود] را با وجود دوست داشتش، به خویشاوندان و یتیمان و بینویان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد، و نماز را برپای دارد، و زکات را بدهد، و آنان که چون عهد بندند، به عهد خود وفادارند؛ و در سختی و زیان، و به هنگام جنگ شکیبایانند؛ آنانند کسانی که راست گفته‌اند، و آنان همان پرهیزگارانند. (۱۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در باره کشتگان، بر شما [حق] قصاص مقرر شده: آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن. و هر کس که از جانب برادر [دینی] [اش] [یعنی ولی مقتول]، چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود، [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند، و با [رعایت] احسان، [خونبها را] به او بپردازد. این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست؛ پس هر کس، بعد از آن از اندازه درگذرد، وی را عذابی دردناک است. (۱۷۹) و ای خردمندان، شما را در قصاص زندگانی است، باشد که به تقوا گرایید. (۱۸۰) بر شما مقرر شده است که چون یکی از شما را مرگ فرا رسد، اگر مالی بر جای گذارد، برای پدر و مادر و خویشاوندان [خود] به طور پسندیده وصیت کند؛ [این کار] حقی است بر پرهیزگاران. (۱۸۱) پس هر کس آن [وصیت] را بعد از شنیدنش تغییر دهد، گناهِش تنها بر [گردن] کسانی است که آن را تغییر می‌دهند. آری، خدا شنوای داناست. (۱۸۲) ولی کسی که از انحراف [و تمایل بیجای] وصیت کننده‌ای [نسبت به ورثه‌اش] یا از گناه او [در وصیت به کار خلاف] بیم داشته باشد و میانشان را سازش دهد، بر او گناهی نیست، که خدا آمرزنده مهربان است. (۱۸۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما مقرر شده است، همان گونه که بر کسانی که پیش از شما [بودند] مقرر شده بود، باشد که پرهیزگاری کنید. (۱۸۴) [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است. و هر کس به میل خود، بیشتر نیکی کند، پس آن برای او بهتر است، و اگر بدانید، روزه گرفتن برای شما بهتر است. (۱۸۵) ماه رمضان [همان ماه] است که در آن، قرآن فرو فرستاده شده است، [کتابی] که مردم را راهبر، و [متضمن] دلایل آشکار هدایت، و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن]، تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد؛ تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونیتان کرده است به بزرگی بستانید، و باشد که شکرگزاری کنید. (۱۸۶) و هر گاه بندگان من، از تو در باره من پرسند، [بگو] من نزدیکم، و دعای دعاکننده را - به هنگامی که مرا بخواند - اجابت می‌کنم، پس [آنان] باید فرمان مرا گردن نهند و به من ایمان آورند، باشد که راه یابند. (۱۸۷) در شبهای روزه، همخوابگی با زنانان بر شما حلال گردیده است. آنان برای شما لباسی هستند و شما برای آنان لباسی هستید. خدا می‌داند که شما با خودتان ناراستی می‌کردید، پس توبه شما را پذیرفت و از شما درگذشت. پس، اکنون [در شبهای ماه رمضان می‌توانید] با آنان همخوابگی کنید، و آنچه را خدا برای شما مقرر داشته طلب کنید. و بخورید و بیاشامید تا رشته سپید بامداد از رشته سیاه [شب] بر شما نمودار شود؛ سپس روزه را تا [فرا رسیدن] شب به اتمام رسانید. و در حالی که در مساجد معتکف هستید

[با زنان] درنیامیزید. این است حدود احکام الهی! پس [زنهار به قصد گناه] بدان نزدیک نشوید. این گونه، خداوند آیات خود را برای مردم بیان می‌کند، باشد که پروا پیشه کنند. (۱۸۸) و اموالتان را میان خودتان به ناروا مخورید، و [به عنوان رشوه قسمتی از آن را به قضات مدهید تا بخشی از اموال مردم را به گناه بخورید، در حالی که خودتان [هم خوب] می‌دانید. (۱۸۹) در باره [حکمت] هلالها [ی ماه] از تو می‌پرسند، بگو: «آنها [شاخص] گاه‌شماری برای مردم و [موسم] حج‌اند.» و نیکی آن نیست که از پشت خانه‌ها درآید، بلکه نیکی آن است که کسی تقوا پیشه کند، و به خانه‌ها از در [ورودی] آنها درآید، و از خدا بترسید، باشد که رستگار گردید. (۱۹۰) و در راه خدا، با کسانی که با شما می‌جنگند، بجنگید، ولی از اندازه درنگذیرید، زیرا خداوند تجاوزکاران را دوست نمی‌دارد؛ (۱۹۱) و هر کجا بر ایشان دست یافتید آنان را بکشید، و همان گونه که شما را بیرون راندند، آنان را بیرون برانید، [چرا که] فتنه [=شُرک] از قتل بدتر است، [با این همه] در کنار مسجد الحرام با آنان جنگ نکنید، مگر آنکه با شما در آن جا به جنگ درآیند، پس اگر با شما جنگیدند، آنان را بکشید، که کیفر کافران چنین است. (۱۹۲) و اگر بازایستادند، البته خدا آمرزنده مهربان است. (۱۹۳) با آنان بجنگید تا دیگر فتنه‌ای نباشد، و دین، مخصوص خدا شود. پس اگر دست برداشتند، تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست. (۱۹۴) این ماه حرام در برابر آن ماه حرام است، و [هتک] حرمتها قصاص دارد. پس هر کس بر شما تعدی کرد، همان گونه که بر شما تعدی کرده، بر او تعدی کنید و از خدا پروا بدارید و بدانید که خدا با تقوایبندگان است. (۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید، و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید، و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۹۶) و برای خدا حج و عمره را به پایان رسانید، و اگر [به علت موانعی] بازداشته شدید، آنچه از قربانی میسر است [قربانی کنید]؛ و تا قربانی به قربانگاه نرسیده سر خود را متراشید؛ و هر کس از شما بیمار باشد یا در سر ناراحتی داشته باشد [و ناچار شود در احرام سر بتراشد] به کفاره [آن، باید] روزه‌ای بدارد، یا صدقه‌ای دهد، یا قربانی بکند؛ و چون ایمنی یافتید، پس هر کس از [اعمال] عمره به حج پرداخت، [باید] آنچه از قربانی میسر است [قربانی کند]، و آن کس که [قربانی نیافت] [باید] در هنگام حج، سه روز روزه [بدارد]؛ و چون برگشتید هفت [روز دیگر روزه بدارید]؛ این ده [روز] تمام است. این [حج تمتع] برای کسی است که اهل مسجد الحرام [=مکه] نباشد؛ و از خدا بترسید، و بدانید که خدا سخت کیفر است. (۱۹۷) حج در ماههای معینی است. پس هر کس در این [ماه‌ها، حج را] [برخود] واجب گرداند، [بداند که] در اثنای حج، همبستری و گناه و جدال [روا] نیست، و هر کار نیکی انجام می‌دهید، خدا آن را می‌داند، و برای خود توشه بگیرید که در حقیقت، بهترین توشه، پرهیزگاری است، و ای خردمندان! از من پروا کنید. (۱۹۸) بر شما گناهی نیست که [در سفر حج] از فضل پروردگارتان [روزی خویش] بجوید؛ پس چون از عرفات کوچ نمودید، خدا را در مشعر الحرام یاد کنید، و یادش کنید که شما را که پیشتر از بیراهان بودید، فرا راه آورد. (۱۹۹) پس، از همان جا که [انبوه] مردم روانه می‌شوند، شما نیز روانه شوید و از خداوند آموزش خواهید که خدا آمرزنده مهربان است. (۲۰۰) و چون آداب ویژه حج خود را به جای آوردید، همان گونه که پدران خود را به یاد می‌آوردید، یا با یادکردنی بیشتر، خدا را به یاد آورید. و از مردم کسی است که می‌گوید: «پروردگارا، به ما، در همین دنیا عطا کن» و حال آنکه برای او در آخرت نصیبی نیست. (۲۰۱) و برخی از آنان می‌گویند: «پروردگارا! در این دنیا به ما نیکی و در آخرت [نیز] نیکی عطا کن، و ما را از عذاب آتش [دور] نگه دار.» (۲۰۲) آنانند که از دستاوردشان بهره‌ای خواهند داشت و خدا زودشمار است. (۲۰۳) و خدا را در روزهایی معین یاد کنید، پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] گناهی بر او نیست. [این اختیار] برای کسی است که [از محرمات] پرهیز کرده باشد. و از خدا پروا کنید و بدانید که شما را به سوی او گرد خواهد آورد. (۲۰۴) و از میان مردم کسی است که در زندگی این دنیا سخنش تو را به تعجب وامی‌دارد، و خدا را بر آنچه در دل دارد گواه می‌گیرد، و حال آنکه او سخت‌ترین دشمنان است. (۲۰۵) و چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد، و خداوند تباہکاری را دوست ندارد. (۲۰۶) و چون به او گفته شود: «از خدا پروا کن» نخوت، وی را به گناه کشاند. پس

جهنم برای او بس است، و چه بد بستری است. (۲۰۷) و از میان مردم کسی است که جان خود را برای طلب خشنودی خدا می‌فروشد، و خدا نسبت به [این] بندگان مهربان است. (۲۰۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و گامهای شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. (۲۰۹) و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد، دستخوش لغزش شدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است. (۲۱۰) مگر انتظار آنان غیر از این است که خدا و فرشتگان، در [زیر] سایبانهایی از ابر سپید به سوی آنان بیایند و کار [داوری] یکسره شود؟ و کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود. (۲۱۱) از فرزندان اسرائیل بپرس: چه بسیار نشانه‌های روشنی به آنان دادیم و هر کس نعمت خدا را - پس از آنکه برای او آمد - [به کفران] بدل کند، خدا سخت کیفر است. (۲۱۲) زندگی دنیا در چشم کافران آراسته شده است، و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و [حال آنکه] کسانی که تقوای پیشه بوده‌اند، در روز رستاخیز، از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد. (۲۱۳) مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نوید آور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را بحق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند. و جز کسانی که [کتاب] به آنان داده شد - پس از آنکه دلایل روشن برای آنان آمد - به خاطر ستم [و حسدی] که میانشان بود، [هیچ کس] در آن اختلاف نکرد. پس خداوند آنان را که ایمان آورده بودند، به توفیق خویش، به حقیقت آنچه که در آن اختلاف داشتند، هدایت کرد. و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۲۱۴) آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید و حال آنکه هنوز مانند آنچه بر [سر] پیشینیان شما آمد، بر [سر] شما نیامده است؟ آنان دچار سختی و زیان شدند و به [هول و] تکان درآمدند، تا جایی که پیامبر [خدا] و کسانی که با وی ایمان آورده بودند گفتند: «پیروزی خدا کی خواهد بود؟» هش دار، که پیروزی خدا نزدیک است. (۲۱۵) از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند]؟» بگو: «هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه مانده تعلق دارد، و هر گونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.» (۲۱۶) بر شما کارزار واجب شده است، در حالی که برای شما ناگوار است. و بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و آن برای شما خوب است، و بسا چیزی را دوست می‌دارید و آن برای شما بد است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۱۷) از تو در باره ماهی که کارزار در آن حرام است می‌پرسند. بگو: «کارزار در آن، گناهی بزرگ و باز داشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و باز داشتن از مسجد الحرام [=حج]، و بیرون راندن اهل آن از آنجا، نزد خدا [گناهی] بزرگتر، و فتنه [=شرک] از کشتار بزرگتر است.» و آنان پیوسته با شما می‌جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دینتان برگردانند. و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می‌شود، و ایشان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۱۸) آنان که ایمان آورده، و کسانی که هجرت کرده و راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۱۹) در باره شراب و قمار، از تو می‌پرسند، بگو: «در آن دو، گناهی بزرگ، و سودهایی برای مردم است، و [لی] گناهشان از سودشان بزرگتر است.» و از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند؟» بگو: «مازاد [بر نیامندی خود] را.» این گونه، خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند، باشد که در [کار] دنیا و آخرت بیندیشید. (۲۲۰) و در باره یتیمان از تو می‌پرسند، بگو: «به صلاح آنان کار کردن بهتر است، و اگر با آنان همزیستی کنید، برادران [دینی] شما هستند. و خدا تباهاکار را از درستکار بازمی‌شناسد.» و اگر خدا می‌خواست [در این باره] شما را به دشواری می‌انداخت. آری، خداوند توانا و حکیم است. (۲۲۱) و با زنان مشرک ازدواج نکنید، تا ایمان بیاورند. قطعاً کنیز با ایمان بهتر از زن مشرک است، هر چند [زیبایی] او شما را به شگفت آورد. و به مردان مشرک زن مدهید تا ایمان بیاورند. قطعاً برده با ایمان بهتر از مرد آزاد مشرک است، هر چند شما را به شگفت آورد. آنان [شما را] به سوی آتش فرا می‌خوانند، و خدا به فرمان خود، [شما را] به سوی بهشت و آمرزش می‌خواند، و آیات خود را برای مردم روشن می‌گرداند، باشد که متذکر شوند. (۲۲۲) از تو در باره عادت ماهانه [زنان] می‌پرسند، بگو: «آن، رنجی است. پس هنگام عادت ماهانه، از [آمیزش با] زنان کناره‌گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند. پس چون پاک شدند، از همان جا که خدا به شما فرمان داده است،

با آنان آمیزش کنید.» خداوند توبه کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد. (۲۲۳) زنان شما کشتزار شما هستند. پس، از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید، و آنها را برای خودتان مقدم دارید، و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد، و مؤمنان را [به این دیدار] مژده ده. (۲۲۴) و خدا را دستاویز سوگندهای خود قرار دهید، تا [بدین بهانه] از نیکوکاری و پرهیزگاری و سازش دادن میان مردم [باز ایستید]، و خدا شنوای داناست. (۲۲۵) خداوند شما را به سوگندهای لغوتان مؤاخذه نمی‌کند، ولی شما را بدانچه دلهایتان [از روی عمد] فراهم آورده است، مؤاخذه می‌کند، و خدا آمرزنده بردبار است. (۲۲۶) برای کسانی که به ترک همخوابگی با زنان خود، سوگند می‌خورند [=ایلاء]، چهار ماه انتظار [و مهلت] است، پس اگر [به آشتی] باز آمدند، خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۲۷) و اگر آهنگ طلاق کردند، در حقیقت خدا شنوای داناست. (۲۲۸) و زنان طلاق داده شده، باید مدت سه پاکی انتظار کشند، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، برای آنان روا نیست که آنچه را خداوند در رحم آنان آفریده، پوشیده دارند؛ و شوهرانشان اگر سر آشتی دارند، به بازآوردن آنان در این [مدت] سزاوارترند. و مانند همان [وظایفی] که بر عهده زنان است، به طور شایسته، به نفع آنان [بر عهده مردان] است، و مردان بر آنان درجه برتری دارند، و خداوند توانا و حکیم است. (۲۲۹) طلاق [رجعی] دو بار است. پس از آن یا [باید زن را] بخوبی نگاه داشتن، یا بشایستگی آزاد کردن. و برای شما روا نیست که از آنچه به آنان داده‌اید، چیزی بازستانید. مگر آنکه [طرفین] در به پا داشتن حدود خدا بیمناک باشند. پس اگر بیم دارید که آن دو، حدود خدا را برپای نمی‌دارند، در آنچه که [زن برای آزاد کردن خود] فدیة دهد، گناهی بر ایشان نیست. این است حدود احکام الهی؛ پس، از آن تجاوز مکنید. و کسانی که از حدود احکام الهی تجاوز کنند، آنان همان ستمکارانند. (۲۳۰) و اگر [شوهر برای بار سوم] او را طلاق گفت، پس از آن، دیگر [آن زن] برای او حلال نیست، تا اینکه با شوهری غیر از او ازدواج کند [و با او همخوابگی نماید]. پس اگر [شوهر دوم] وی را طلاق گفت، اگر آن دو [همسر سابق] پندارند که حدود خدا را برپا می‌دارند، گناهی بر آن دو نیست که به یکدیگر بازگردند. و اینها حدود احکام الهی است که آن را برای قومی که می‌دانند، بیان می‌کند. (۲۳۱) و چون آنان را طلاق گفتید، و به پایان عده خویش رسیدند، پس بخوبی نگاهشان دارید یا بخوبی آزادشان کنید. و [لی] آنان را برای [آزار و] زیان رساندن [به ایشان] نگاه مدارید تا [به حقوقشان] تعدی کنید. و هر کس چنین کند، قطعاً بر خود ستم نموده است. و آیات خدا را به ریشخند مگیرید، و نعمت خدا را بر خود و آنچه را که از کتاب و حکمت بر شما نازل کرده و به [وسیله] آن به شما اندرز می‌دهد، به یاد آورید؛ و از خدا پروا داشته باشید، و بدانید که خدا به هر چیزی داناست. (۲۳۲) و چون زنان را طلاق گفتید، و عده خود را به پایان رساندند، آنان را از ازدواج با همسران [سابق] خود، چنانچه بخوبی با یکدیگر تراضی نمایند، جلوگیری مکنید. هر کس از شما به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، به این [دستورها] پند داده می‌شود. [مراعات] این امر برای شما پربرکت تر و پاکیزه تر است، و خدا می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۳۳) و مادران [باید] فرزندان خود را دو سال تمام شیر دهند. [این حکم] برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند. و خوراک و پوشاک آنان [=مادران]، به طور شایسته، بر عهده پدر است. هیچ کس جز به قدر وسعش مکلف نمی‌شود. هیچ مادری نباید به سبب فرزندش زیان ببیند، و هیچ پدری [نیز] نباید به خاطر فرزندش [ضرر ببیند]. و مانند همین [احکام] بر عهده وارث [نیز] هست. پس اگر [پدر و مادر] بخواهند با رضایت و صوابدید یکدیگر، کودک را [زودتر] از شیر بازگیرند، گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید برای فرزندان خود دایه بگیرید، بر شما گناهی نیست، به شرط آنکه چیزی را که پرداخت آن را به عهده گرفته‌اید، به طور شایسته بپردازید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۳۴) و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند؛ پس هرگاه عده خود را به پایان رساندند، در آنچه آنان به نحو پسندیده درباره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۳۵) و در باره آنچه شما به طور سربسته، از آنان [در عده وفات] خواستگاری کرده، یا [آن را] در دل پوشیده داشته‌اید، بر شما گناهی نیست. خدا می‌دانست

که [شما] به زودی به یاد آنان خواهید افتاد، ولی با آنان قول و قرار پنهانی مگذارید، مگر آنکه سخنی پسندیده بگویید. و به عقد زناشویی تصمیم مگیرید، تا زمان مقرر به سر آید، و بدانید که خداوند آنچه را در دل دارید می‌داند. پس، از [مخالفت] او بترسید، و بدانید که خداوند آمرزنده و بردبار است. (۲۳۶) اگر زنان را، مادامی که با آنان نزدیکی نکرده و بر ایشان مَه‌ری [نیز] معین نکرده‌اید، طلاق گوئید، بر شما گناهی نیست، و آنان را به طور پسندیده، به نوعی بهره‌مند کنید -توانگر به اندازه [توان] خود، و تنگدست به اندازه [وسع] خود. [این کاری است] شایسته نیکوکاران. (۲۳۷) و اگر پیش از آنکه با آنان نزدیکی کنید، طلاقشان گفتید، در حالی که برای آنان مَه‌ری معین کرده‌اید، پس نصف آنچه را تعیین نموده‌اید [به آنان بدهید]، مگر اینکه آنان خود ببخشند، یا کسی که پیوند نکاح به دست اوست ببخشد؛ و گذشت کردن شما به تقوا نزدیکتر است. و در میان یکدیگر بزرگواری را فراموش نکنید، زیرا خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۳۸) بر نمازها و نماز میانه مواظبت کنید، و خاضعانه برای خدا به پا خیزید. (۲۳۹) پس اگر بیم داشتید، پیاده یا سواره [نماز کنید]؛ و چون ایمن شدید، خدا را یاد کنید که آنچه نمی‌دانستید به شما آموخت. (۲۴۰) و کسانی از شما که مرگشان فرا می‌رسد، و همسرانی بر جای می‌گذارند، [باید] برای همسران خویش وصیت کنند که آنان را تا یک سال بهره‌مند سازند و [از خانه شوهر] بیرون نکنند. پس اگر بیرون بروند، در آنچه آنان به طور پسندیده در باره خود انجام دهند، گناهی بر شما نیست. و خداوند توانا و حکیم است. (۲۴۱) و فرض است بر مردان پرهیزگار که زنان طلاق داده شده را بشایستگی چیزی دهند. (۲۴۲) بدین گونه، خداوند آیات خود را برای شما بیان می‌کند، باشد که بیندیشید. (۲۴۳) آیا از [حال] کسانی که از بیم مرگ از خانه‌های خود خارج شدند، و هزاران تن بودند، خبر نیافتی؟ پس خداوند به آنان گفت: «تن به مرگ بسپارید» آنگاه آنان را زنده ساخت. آری، خداوند نسبت به مردم، صاحب بخشش است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۲۴۴) و در راه خدا کارزار کنید، و بدانید که خداوند شنوای داناست. (۲۴۵) کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید؟ و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد؛ و به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۲۴۶) آیا از [حال] سران بنی اسرائیل پس از موسی خبر نیافتی آنگاه که به پیامبری از خود گفتند: «پادشاهی برای ما بگمار تا در راه خدا پیکار کنیم»، [آن پیامبر] گفت: «اگر جنگیدن بر شما مقرر گردد، چه بسا پیکار نکنید.» گفتند: «چرا در راه خدا نجنگیم با آنکه ما از دیارمان و از [نزد] فرزندانمان بیرون رانده شده‌ایم.» پس هنگامی که جنگ بر آنان مقرر شد، جز شماری اندک از آنان، [همگی] پشت کردند، و خداوند به [حال] ستمکاران داناست. (۲۴۷) و پیامبرشان به آنان گفت: «در حقیقت، خداوند، طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است.» گفتند: «چگونه او را بر ما پادشاهی باشد با آنکه ما به پادشاهی از وی سزاوارتریم و به او از حیث مال، گشایشی داده نشده است؟» پیامبرشان گفت: «در حقیقت، خدا او را بر شما برتری داده، و او را در دانش و [نیروی] بدنی بر شما برتری بخشیده است، و خداوند پادشاهی خود را به هر کس که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست.» (۲۴۸) و پیامبرشان بدیشان گفت: «در حقیقت، نشانه پادشاهی او این است که آن صندوق [عهد] که در آن آرامش خاطری از جانب پروردگارتان، و بازمانده‌ای از آنچه خاندان موسی و خاندان هارون [در آن] بر جای نهاده‌اند -در حالی که فرشتگان آن را حمل می‌کنند- به سوی شما خواهد آمد. مسلماً اگر مؤمن باشید، برای شما در این [رویداد] نشانه‌ای است.» (۲۴۹) و چون طالوت با لشکریان [خود] بیرون شد، گفت: «خداوند شما را به وسیله رودخانه‌ای خواهد آزمود. پس هر کس از آن بنوشد از [پیروان] من نیست، و هر کس از آن نخورد، قطعاً او از [پیروان] من است، مگر کسی که با دستش کفی برگیرد. پس [همگی] جز اندکی از آنها، از آن نوشیدند. و هنگامی که [طالوت] با کسانی که همراه وی ایمان آورده بودند، از آن [نهر] گذشتند، گفتند: «امروز ما را یارای [مقابله با] جالوت و سپاهیان نیست.» کسانی که به دیدار خداوند یقین داشتند، گفتند: «بسا گروهی اندک که بر گروهی بسیار، به اذن خدا پیروز شدند، و خداوند با شکیبایان است.» (۲۵۰) و هنگامی که با جالوت و سپاهیان روبرو شدند، گفتند: «پروردگارا، بر [دل‌های] ما شکیبایی فرو ریز، و گام‌های ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران

پیروز فرمای.» (۲۵۱) پس آنان را به اذن خدا شکست دادند، و داوود، جالوت را کشت، و خداوند به او پادشاهی و حکمت ارزانی داشت، و از آنچه می‌خواست به او آموخت. و اگر خداوند برخی از مردم را به وسیله برخی دیگر دفع نمی‌کرد، قطعاً زمین تباہ می‌گردید. ولی خداوند نسبت به جهانیان تفضّل دارد. (۲۵۲) این [ها] آیات خداست که ما آن را بحق بر تو می‌خوانیم، و به راستی تو از جمله پیامبرانی. (۲۵۳) برخی از آن پیامبران را بر برخی دیگر برتری بخشیدیم. از آنان کسی بود که خدا با او سخن گفت و درجات بعضی از آنان را بالا برد؛ و به عیسی پسر مریم دلایل آشکار دادیم، و او را به وسیله روح القدس تأیید کردیم؛ و اگر خدا می‌خواست، کسانی که پس از آنان بودند، بعد از آن [همه] دلایل روشن که برایشان آمد، به کشتار یکدیگر نمی‌پرداختند، ولی با هم اختلاف کردند؛ پس، بعضی از آنان کسانی بودند که ایمان آوردند، و بعضی از آنان کسانی بودند که کفر ورزیدند؛ و اگر خدا می‌خواست با یکدیگر جنگ نمی‌کردند، ولی خداوند آنچه را می‌خواهد انجام می‌دهد. (۲۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی. و کافران خود ستمکارانند. (۲۵۵) خداست که معبودی جز او نیست؛ زنده و برپادارنده است؛ نه خوابی سبک او را فرو می‌گیرد و نه خوابی گران؛ آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن اوست. کیست آن کس که جز به اذن او در پیشگاهش شفاعت کند؟ آنچه در پیش روی آنان و آنچه در پشت سرشان است می‌داند. و به چیزی از علم او، جز به آنچه بخواهد، احاطه نمی‌یابند. کرسی او آسمانها و زمین را در بر گرفته، و نگهداری آنها بر او دشوار نیست، و اوست والای بزرگ. (۲۵۶) در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هر کس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ زده است. و خداوند شنوای داناست. (۲۵۷) خداوند سرور کسانی است که ایمان آورده‌اند. آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی به در می‌برد. و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، سرورانشان [همان عصیانگران] = طاغوتند، که آنان را از روشنایی به سوی تاریکیها به در می‌برند. آنان اهل آتشند که خود، در آن جاودانند. (۲۵۸) آیا از [حال] آن کس که چون خدا به او پادشاهی داده بود [و بدان می‌نازید، و] در باره پروردگار خود با ابراهیم محاجه [می] کرد، خبر نیافتی؟ آنگاه که ابراهیم گفت: «پروردگار من همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند.» گفت: «من [هم] زنده می‌کنم و [هم] می‌میرانم.» ابراهیم گفت: «خدا [ی من] خورشید را از خاور برمی‌آورد، تو آن را از باختر برآور.» پس آن کس که کفر ورزیده بود مبهوت ماند. و خداوند قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۲۵۹) یا چون آن کس که به شهری که بامهایش یکسر فرو ریخته بود، عبور کرد؛ [و با خود می] گفت: «چگونه خداوند، [اهل] این [ویرانکده] را پس از مرگشان زنده می‌کند؟». پس خداوند، او را [به مدت] صد سال میراند. آنگاه او را برانگیخت، [و به او] گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا پاره‌ای از روز را درنگ کردم.» گفت: «[نه] بلکه صد سال درنگ کردی، به خوراک و نوشیدنی خود بنگر [که طعم و رنگ آن] تغییر نکرده است، و به دراز گوش خود نگاه کن [که چگونه متلاشی شده است. این ماجرا برای آن است که هم به تو پاسخ گوئیم] و هم تو را [در مورد معاد] نشانه‌ای برای مردم قرار دهیم. و به [این] استخوانها بنگر، چگونه آنها را برداشته به هم پیوند می‌دهیم؛ سپس گوشت بر آن می‌پوشانیم.» پس هنگامی که [چگونگی زنده ساختن مرده] برای او آشکار شد، گفت: «[اکنون] می‌دانم که خداوند بر هر چیزی تواناست.» (۲۶۰) و [یاد کن] آنگاه که ابراهیم گفت: «پروردگارا، به من نشان ده؛ چگونه مردگان را زنده می‌کنی؟» فرمود: «مگر ایمان نیاورده‌ای؟» گفت: «چرا، ولی تا دلم آرامش یابد.» فرمود: «پس، چهار پرنده بگیر، و آنها را پیش خود، ریز ریز گردان؛ سپس بر هر کوهی پاره‌ای از آنها را قرار ده؛ آنگاه آنها را فراخوان، شتابان به سوی تو می‌آیند، و بدان که خداوند توانا و حکیم است.» (۲۶۱) مثل [صدقات] کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد [آن را] چند برابر می‌کند، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۲) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، سپس در پی آنچه انفاق کرده‌اند، منت و آزاری روا نمی‌دارند، پاداش آنان برایشان نزد پروردگارشان

[محموظ] است، و بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نمی‌شوند. (۲۶۳) گفتاری پسندیده [در برابر نیازمندان] و گذشت [از اصرار و تندی آنان] بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی‌نیاز بردبار است. (۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت و آزار، باطل مکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارایی است که بر روی آن، حاکی [نشسته] است، و رگباری به آن رسیده و آن [سنگ] را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان [=ریاکاران] نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۲۶۵) و مثل [صدقات] کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد [که اگر] رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی [برای آن بس است]، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۲۶۶) آیا کسی از شما دوست دارد که باغی از درختان خرما و انگور داشته باشد که از زیر آنها نهرها روان است، و برای او در آن [باغ] از هر گونه میوه‌ای [فراهم] باشد، و در حالی که او را پیری رسیده و فرزندان خردسال دارد، [ناگهان] گردبادی آتشین بر آن [باغ] زند و [باغ] یکسر [بسوزد؟] این گونه، خداوند آیات [خود] را برای شما روشن می‌گرداند، باشد که شما بیندیشید. (۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که [از آن] انفاق نمایید، در حالی که آن را [اگر به خودتان می‌دادند] جز با چشم‌پوشی [و بی‌میلی] نسبت به آن، نمی‌گرفتید، و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده [صفات] است. (۲۶۸) شیطان شما را از تهیدستی بیم می‌دهد و شما را به زشتی وامی‌دارد؛ و [لی] خداوند از جانب خود به شما وعده آمرزش و بخشش می‌دهد، و خداوند گشایشگر داناست. (۲۶۹) [خدا] به هر کس که بخواهد حکمت می‌بخشد، و به هر کس حکمت داده شود، به یقین، خیری فراوان داده شده است؛ و جز خردمندان، کسی پند نمی‌گیرد. (۲۷۰) و هر نفقه‌ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کرده‌اید، قطعاً خداوند آن را می‌داند، و برای ستمکاران هیچ یاوری نیست. (۲۷۱) اگر صدقه‌ها را آشکار کنید، این، کار خوبی است، و اگر آن را پنهان دارید و به مستمندان بدهید، این برای شما بهتر است؛ و بخشی از گناهانتان را می‌زداید، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۲۷۲) هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و [لی] جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید، و هر مالی را که انفاق کنید [پاداش آن] به طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت. (۲۷۳) [این صدقات] برای آن [دسته از] نیازمندانی است که در راه خدا فرومانده‌اند، و نمی‌توانند [برای تأمین هزینه زندگی] در زمین سفر کنند. از شدت خویشتن‌داری، فرد بی‌اطلاع، آنان را توانگر می‌پندارد. آنها را از سیمایشان می‌شناسی. با اصرار، [چیزی] از مردم نمی‌خواهند. و هر مالی [به آنان] انفاق کنید، قطعاً خدا از آن آگاه است. (۲۷۴) کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۵) کسانی که ربا می‌خورند، [از گور] بر نمی‌خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان بر اثر تماس، آشفته‌سرش کرده است. این بدان سبب است که آنان گفتند: «داد و ستد صرفاً مانند رباست.» و حال آنکه خدا داد و ستد را حلال، و ربا را حرام گردانیده است. پس، هر کس، اندرزی از جانب پروردگارش بدو رسید، و [از رباخواری] باز ایستاد، آنچه گذشته، از آن اوست، و کارش به خدا واگذار می‌شود، و کسانی که [به رباخواری] باز گردند، آنان اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۲۷۶) خدا از [برکت] ربا می‌کاهد، و بر صدقات می‌افزاید، و خداوند هیچ ناسپاس گناهکاری را دوست نمی‌دارد. (۲۷۷) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و نماز بر پا داشته و زکات داده‌اند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۲۷۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید؛ و اگر مؤمنید، آنچه از ربا باقی مانده است واگذارید. (۲۷۹) و اگر [چنین] نکردید، بدانید به جنگ با خدا و فرستاده وی، برخاسته‌اید؛ و اگر توبه کنید، سرمایه‌های شما از

خودتان است. نه ستم می کنید و نه ستم می بینید. (۲۸۰) و اگر [بدهکاران] تنگدست باشد، پس تا [هنگام] گشایش، مهلتی [به او دهید]؛ و [اگر به راستی قدرت پرداخت ندارد]، بخشیدن آن برای شما بهتر است - اگر بدانید. (۲۸۱) و برسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می شوید، سپس به هر کسی [پاداش] آنچه به دست آورده، تمام داده شود؛ و آنان مورد ستم قرار نمی گیرند. (۲۸۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه به وامی تا سررسیدی معین، با یکدیگر معامله کردید، آن را بنویسید. و باید نویسنده‌ای [صورت معامله را] بر اساس عدالت، میان شما بنویسد. و هیچ نویسنده‌ای نباید از نوشتن خودداری کند؛ همان گونه [و به شکرانه آن] که خدا او را آموزش داده است. و کسی که بدهکار است باید املا کند، و او [=نویسنده] بنویسد. و از خدا که پروردگار اوست پروا نمایید، و از آن، چیزی نگاهد. پس اگر کسی که حق بر ذمه اوست، سفیه یا ناتوان است، یا خود نمی تواند املا کند، پس ولی او باید با [رعایت] عدالت، املا نماید. و دو شاهد از مردانتان را به شهادت طلبید، پس اگر دو مرد نبودند، مردی را با دو زن، از میان گواهانی که [به عدالت آنان] رضایت دارید [گواه بگیرید]، تا [اگر] یکی از آن دو [زن] فراموش کرد، [زن] دیگر، وی را یادآوری کند. و چون گواهان احضار شوند، نباید خودداری ورزند. و از نوشتن [بدهی] چه خرد باشد یا بزرگ، ملول نشوید، تا سررسیدش [فرا رسد]. این [نوشتن] شما، نزد خدا عادلانه تر، و برای شهادت استوارتر، و برای اینکه دچار شک نشوید [به احتیاط] نزدیکتر است، مگر آنکه داد و ستدی نقدی باشد که آن را میان خود [دست به دست] برگزار می کنید؛ در این صورت، بر شما گناهی نیست که آن را بنویسید. و [در هر حال] هر گاه داد و ستد کردید گواه بگیرید. و هیچ نویسنده و گواهی نباید زیان ببیند، و اگر چنین کنید، از نافرمانی شما خواهد بود. و از خدا پروا کنید، و خدا [بدین گونه] به شما آموزش می دهد، و خدا به هر چیزی داناست. (۲۸۳) و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید وثیقه‌ای بگیرید؛ و اگر برخی از شما برخی دیگر را امین دانست، پس آن کس که امین شمرده شده، باید سپرده وی را بازپس دهد؛ و باید از خداوند که پروردگار اوست، پروا کند. و شهادت را کتمان نکنید، و هر که آن را کتمان کند قلبش گناهکار است، و خداوند به آنچه انجام می دهید داناست. (۲۸۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست. و اگر آنچه در دلهای خود دارید، آشکار یا پنهان کنید، خداوند شما را به آن محاسبه می کند؛ آنگاه هر که را بخواهد می بخشد، و هر که را بخواهد عذاب می کند، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۸۵) پیامبر [خدا] بدانچه از جانب پروردگارش بر او نازل شده است ایمان آورده است، و مؤمنان همگی به خدا و فرشتگان و کتابها و فرستادگانش ایمان آورده‌اند [و گفتند]: «میان هیچ یک از فرستادگانش فرق نمی گذاریم» و گفتند: «شنیدیم و گردن نهادیم، پروردگارا، آموزش تو را [خواستاریم] و فرجام به سوی تو است.» (۲۸۶) خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی اش تکلیف نمی کند. آنچه [از خوبی] به دست آورده به سود او، و آنچه [از بدی] به دست آورده به زیان اوست. پروردگارا، اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مگیر، پروردگارا، هیچ بار گرانی بر [دوش] ما مگذار؛ همچنانکه بر [دوش] کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، و آنچه تاب آن نداریم بر ما تحمیل مکن؛ و از ما درگذر؛ و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور؛ سرور ما تویی؛ پس ما را بر گروه کافران پیروز کن. (۲۸۷)

آل عمران

به نام خداوند رحمتگر مهربان (الف، لام، میم. (۲) خداست که هیچ معبود [بحقی] جز او نیست و زنده [پاینده] است. (۳) این کتاب را در حالی که مؤید آنچه [از کتابهای آسمانی] پیش از خود می باشد، به حق [و به تدریج] بر تو نازل کرد، و تورات و انجیل را... (۴) پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد، و فرقان [=جداکننده حق از باطل] را نازل کرد. کسانی که به آیات خدا کفر ورزیدند، بی تردید عذابی سخت خواهند داشت، و خداوند، شکست ناپذیر و صاحب انتقام است. (۵) در حقیقت، هیچ چیز [نه] در زمین و نه در آسمان بر خدا پوشیده نمی ماند. (۶) اوست کسی که شما را آن گونه که می خواهد در رحما صورتگری می کند. هیچ معبودی جز آن توانای حکیم نیست. (۷) اوست کسی که این کتاب [=قرآن] را بر تو فرو فرستاد. پاره‌ای از آن، آیات محکم

[صریح و روشن] است. آنها اساس کتابند؛ و [پاره‌ای] دیگر متشابهاتند [که تأویل پذیرند]. اما کسانی که در دل‌هایشان انحراف است برای فتنه‌جویی و طلب تأویل آن [به دلخواه خود]، از متشابه آن پیروی می‌کنند، با آنکه تأویلش را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند. [آنان که] می‌گویند: «ما بدان ایمان آوردیم، همه [چه محکم و چه متشابه] از جانب پروردگار ماست»، و جز خردمندان کسی متذکر نمی‌شود. (۸) [می‌گویند]: پروردگارا، پس از آنکه ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری. (۹) پروردگارا، به یقین، تو در روزی که هیچ تردیدی در آن نیست، گردآورنده [جمله] مردمانی. قطعاً خداوند در وعده [خود] خلاف نمی‌کند. (۱۰) در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، اموال و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دور نخواهد کرد؛ و آنان خود، هیزم دوزخند. (۱۱) [آنان] به شیوه فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند آیات ما را دروغ شمردند؛ پس خداوند به [سزای] گناهانشان [گریبان] آنان را گرفت، و خدا سخت کیفر است. (۱۲) به کسانی که کفر ورزیدند بگو: «به زودی مغلوب خواهید شد و [سپس در روز رستاخیز] در دوزخ محشور می‌شوید، و چه بد بستری است.» (۱۳) قطعاً در برخورد میان دو گروه، برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود. گروهی در راه خدا می‌جنگیدند، و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [=مؤمنان] را به چشم، دو برابر خود می‌دیدند؛ و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند، یقیناً در این [ماجرای] برای صاحبان بینش عبرتی است. (۱۴) دوستی خواستنیها [ی گوناگون] از: زنان و پسران و اموال فراوان از زر و سیم و اسب‌های نشاندار و دامها و کشتزارها [برای مردم آراسته شده، [لیکن] این جمله، مایه تمتع زندگی دنیاست، و [حال آنکه] فرجام نیکو نزد خداست. (۱۵) بگو: «آیا شما را به بهتر از اینها خبر دهم؟ برای کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نزد پروردگارشان باغهایی است که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است؛ در آن جاودانه بمانند، و همسرانی پاکیزه و [نیز] [خشنودی خدا] [را دارند]، و خداوند به [امور] بندگان [خود] بیناست. (۱۶) همان کسانی که می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما را بر ما ببخش، و ما را از عذاب آتش نگاه دار. (۱۷) [اینانند] شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان. (۱۸) خدا که همواره به عدل، قیام دارد، گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست؛ و فرشتگان [او] و دانشوران [نیز گواهی می‌دهند که:] جز او، که توانا و حکیم است، هیچ معبودی نیست. (۱۹) در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است. و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد، آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت. و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس [بداند] که خدا زودشمار است. (۲۰) پس اگر با تو به محاجه برخاستند، بگو: «من خود را تسلیم خدا نموده‌ام، و هر که مرا پیروی کرده [نیز خود را تسلیم خدا نموده است].» و به کسانی که اهل کتابند و به مشرکان بگو: «آیا اسلام آورده‌اید؟» پس اگر اسلام آوردند، قطعاً هدایت یافته‌اند، و اگر روی برتافتند، فقط رساندن پیام بر عهده توست، و خداوند به [امور] بندگان بیناست. (۲۱) کسانی که به آیات خدا کفر می‌ورزند، و پیامبران را بناحق می‌کشند، و دادگستران را به قتل می‌رسانند، آنان را از عذابی دردناک خبر ده. (۲۲) آنان کسانی‌اند که در [این] دنیا و [در سرای] آخرت، اعمالشان به هدر رفته و برای آنان هیچ یآوری نیست. (۲۳) آیا داستان کسانی را که بهره‌ای از کتاب [تورات] یافته‌اند ندانسته‌ای که چون به سوی کتاب خدا فرا خوانده می‌شوند تا میانشان حکم کند، آنگاه گروهی از آنان به حال اعراض، روی برمی‌تابند؟ (۲۴) این بدان سبب بود که آنان [به پندار خود] گفتند: «هرگز آتش جز چند روزی به ما نخواهد رسید»، و بر ساخته‌هایشان آنان را در دینشان فریفته کرده است. (۲۵) پس چگونه خواهد بود [حالشان] آنگاه که آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست گرد آوریم؛ و به هر کس [پاداش] دستاوردش به تمام [و کمال] داده شود و به آنان ستم نرسد؟ (۲۶) بگو: «بار خدایا، تویی که فرمانفرمایی؛ هر آن کس را که خواهی، فرمانروایی بخشی؛ و از هر که خواهی، فرمانروایی را باز ستانی؛ و هر که را خواهی، عزت بخشی؛ و هر که را خواهی، خوار گردانی؛ همه خوبیها به دست توست، و تو بر هر چیز توانایی.» (۲۷) شب را به روز در می‌آوری، و روز را به شب در می‌آوری؛ و زنده را از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده

خارج می‌سازی؛ و هر که را خواهی، بی حساب روزی می‌دهی. (۲۸) مؤمنان نباید کافران را - به جای مؤمنان - به دوستی بگیرند؛ و هر که چنین کند، در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بهره‌ای] نیست، مگر اینکه از آنان به نوعی تقیه کند و خداوند، شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند، و بازگشت [همه] به سوی خداست. (۲۹) بگو: «اگر آنچه در سینه‌های شماست نهان دارید یا آشکارش کنید، خدا آن را می‌داند، و [نیز] آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می‌داند، و خداوند بر هر چیزی تواناست.» (۳۰) روزی که هر کسی آنچه کار نیک به جای آورده و آنچه بدی مرتکب شده، حاضر شده می‌یابد؛ و آرزو می‌کند: کاش میان او و آن [کارهای بد] فاصله‌ای دور بود. و خداوند، شما را از [کیفر] خود می‌ترساند، و [در عین حال] خدا به بندگان [خود] مهربان است. (۳۱) بگو: «اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستان بدارد و گناهان شما را بر شما ببخشد، و خداوند آمرزنده مهربان است.» (۳۲) بگو: «خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید.» پس اگر رویگردان شدند، قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد. (۳۳) به یقین، خداوند، آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است. (۳۴) فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند، و خداوند شنوای داناست. (۳۵) چون زن عمران گفت: «پروردگارا، آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا آزاد شده [از مشاغل دنیا و پرستشگر تو] باشد؛ پس، از من بپذیر که تو خود شنوای دانایی.» (۳۶) پس چون فرزندش را بزاد، گفت: «پروردگارا، من دختر زاده‌ام - و خدا به آنچه او زایید داناتر بود - و پسر چون دختر نیست، و من نامش را مریم نهادم، و او و فرزندانش را از شیطان رانده‌شده، به تو پناه می‌دهم.» (۳۷) پس پروردگارش وی [=مریم] را با حُسن قبول پذیرا شد و او را نیکو بار آورد، و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او [نوعی] خوراکی می‌یافت. [می] گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟ او در پاسخ می‌گفت: «این از جانب خداست، که خدا به هر کس بخواهد، بی شمار روزی می‌دهد.» (۳۸) آنجا [بود که] زکریا پروردگارش را خواند [و] گفت: «پروردگارا، از جانب خود، فرزندی پاک و پسندیده به من عطا کن، که تو شنونده دعایی.» (۳۹) پس در حالی که وی ایستاده [و] در محراب [خود] دعا می‌کرد، فرشتگان، او را ندا دردادند که: خداوند تو را به [ولادت] یحیی - که تصدیق کننده [حقانیت] کلمه الله [=عیسی] است، و بزرگوار و خویشتندار [=پرهیزنده از آنان] و پیامبری از شایستگان است - مژده می‌دهد. (۴۰) گفت: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندی خواهد بود؟ در حالی که پیری من بالا - گرفته است و زخم «نازا» است [فرشته] گفت: «[کار پروردگار] چنین است. خدا هر چه بخواهد می‌کند.» (۴۱) گفت: «پروردگارا، برای من نشانه‌ای قرار ده.» فرمود: «نشانه‌ات این است که سه روز با مردم، جز به اشاره سخن نگوئی؛ و پروردگارت را بسیار یاد کن، و شبانگاه و بامدادان [او را] تسبیح گوی.» (۴۲) و [یاد کن] هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را برگزیده و پاک ساخته و تو را بر زنان جهان برتری داده است.» (۴۳) «ای مریم، فرمانبر پروردگار خود باش و سجده کن و با رکوع کنندگان رکوع نما.» (۴۴) این [جمله] از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و [گر نه] وقتی که آنان قلمهای خود را [برای قرعه‌کشی به آب] می‌افکندند تا کدام یک سرپرستی مریم را به عهده گیرد، نزد آنان نبود؛ و [نیز] وقتی با یکدیگر کشمکش می‌کردند نزدشان نبود. (۴۵) [یاد کن] هنگامی [را] که فرشتگان گفتند: «ای مریم، خداوند تو را به کلمه‌ای از جانب خود، که نامش مسیح، عیسی بن مریم است مژده می‌دهد، در حالی که [او] در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [درگاه خدا] است.» (۴۶) «و در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن می‌گویند و از شایستگان است.» (۴۷) [مریم] گفت: «پروردگارا، چگونه مرا فرزندی خواهد بود با آنکه بشری به من دست نزده است؟» گفت: «چنین است [کار] پروردگار.» خدا هر چه بخواهد می‌آفریند؛ چون به کاری فرمان دهد، فقط به آن می‌گوید: «باش؛» پس می‌باشد. (۴۸) و به او کتاب و حکمت و تورات و انجیل می‌آموزد. (۴۹) و [او را به عنوان] پیامبری به سوی بنی اسرائیل [می‌فرستد، که او به آنان می‌گوید: «در حقیقت، من از جانب پروردگارتان برایتان معجزه‌ای آورده‌ام: من از گل برای شما [چیزی] به شکل پرنده می‌سازم، آنگاه در آن می‌دمم، پس به اذن خدا پرنده‌ای می‌شود؛ و به اذن خدا نابینایان مادرزاد و پیر را بهبود می‌بخشد؛ و مردگان را زنده می‌گردانم؛ و شما را از آنچه

می خورید و در خانه هایتان ذخیره می کنید، خبر می دهیم؛ مسلماً در این [معجزات]، برای شما - اگر مؤمن باشید - عبرت است. (۵۰) و [می گوید: «آمده ام تا] تورات را که پیش از من [نازل شده] است تصدیق کننده باشم، و تا پاره ای از آنچه را که بر شما حرام گردیده، برای شما حلال کنم، و از جانب پروردگارتان برای شما نشانه ای آورده ام. پس، از خدا پروا دارید و مرا اطاعت کنید. (۵۱) «در حقیقت، خداوند پروردگار من و پروردگار شماست؛ پس او را پرستید [که] راه راست این است. (۵۲) چون عیسی از آنان احساس کفر کرد، گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانند؟» حواریون گفتند: «ما یاران [دین] خداییم، به خدا ایمان آورده ایم؛ و گواه باش که ما تسلیم [او] هستیم. (۵۳) پروردگارا، به آنچه نازل کردی گرویدیم و فرستاده [ات] را پیروی کردیم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس. (۵۴) و [دشمنان] مکر ورزیدند، و خدا [در پاسخشان] مکر در میان آورد، و خداوند بهترین مکرانگیزان است. (۵۵) [یاد کن] هنگامی را که خدا گفت: «ای عیسی، من تو را برگرفته و به سوی خویش بالا- می برم، و تو را از [آلایش] کسانی که کفر ورزیده اند پاک می گردانم، و تا روز رستاخیز، کسانی را که از تو پیروی کرده اند، فوق کسانی که کافر شده اند قرار خواهم داد؛ آنگاه فرجام شما به سوی من است، پس در آنچه بر سر آن اختلاف می کردید میان شما داوری خواهم کرد. (۵۶) اما کسانی که کفر ورزیدند، در دنیا و آخرت به سختی عذابشان کنم و یاورانی نخواهند داشت. (۵۷) و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، [خداوند] مزدشان را به تمامی به آنان می دهد. و خداوند، بیدادگران را دوست نمی دارد. (۵۸) اینهاست که ما آن را از آیات و قرآن حکمت آمیز بر تو می خوانیم. (۵۹) در واقع، مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: «باش»؛ پس وجود یافت. (۶۰) [آنچه درباره عیسی گفته شد] حق [و] از جانب پروردگار تو است. پس، از تردید کنندگان مباش. (۶۱) پس هر که در این [باره] پس از دانشی که تو را [حاصل] آمده، با تو محاجه کند، بگو: «بیایید پسرانمان و پسرانتان، و زنانمان و زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیک خود را فرا خوانیم؛ سپس مباحله کنیم، و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» (۶۲) آری، داستان درست [مسیح] همین است؛ و معبودی جز خدا نیست، و خداست که در واقع، همان شکست ناپذیر حکیم است. (۶۳) پس اگر رویگردان شدند، همانا خداوند به [حال] مفسدان داناست. (۶۴) بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند، بگوید: «شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما].» (۶۵) ای اهل کتاب، چرا در باره ابراهیم محاجه می کنید با آنکه تورات و انجیل بعد از او نازل شده است؟ آیا تعقل نمی کنید؟ (۶۶) هان، شما [اهل کتاب] همانان هستید که در باره آنچه نسبت به آن دانشی داشتید محاجه کردید؛ پس چرا در مورد چیزی که بدان دانشی ندارید محاجه می کنید؟ با آنکه خدا می داند و شما نمی دانید. (۶۷) ابراهیم نه یهودی بود و نه نصرانی، بلکه حق گرایی فرمانبردار بود، و از مشرکان نبود. (۶۸) در حقیقت، نزدیکترین مردم به ابراهیم، همان کسانی هستند که او را پیروی کرده اند، و [نیز] این پیامبر و کسانی که [به آیین او] ایمان آورده اند؛ و خدا سرور مؤمنان است. (۶۹) گروهی از اهل کتاب آرزو می کنند کاش شما را گمراه می کردند، در صورتی که جز خودشان [کسی] را گمراه نمی کنند و نمی فهمند. (۷۰) ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می ورزید با آنکه خود [به درستی آن] گواهی می دهید؟ (۷۱) ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل درمی آمیزید و حقیقت را کتمان می کنید، با اینکه خود می دانید؟ (۷۲) و جماعتی از اهل کتاب گفتند: «در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد، ایمان بیاورید، و در پایان [روز] انکار کنید؛ شاید آنان [از اسلام] برگردند.» (۷۳) و [گفتند: «جز به کسی که دین شما را پیروی کند، ایمان نیاورید - بگو: «هدایت، هدایت خداست» - مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده، داده شود، یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند.» بگو: «[این] تفضل به دست خداست؛ آن را به هر کس که بخواهد می دهد، و خداوند، گشایشگر داناست. (۷۴) رحمت خود را به هر کس که بخواهد مخصوص می گرداند، و خداوند دارای بخشش بزرگ است. (۷۵) و از اهل کتاب، کسی است که اگر او را بر مال فراوانی امین شمری، آن را به تو برگرداند؛

و از آنان کسی است که اگر او را بر دیناری امین شمری، آن را به تو نمی‌پردازد، مگر آنکه دایماً بر [سر] وی به پا ایستی. این بدان سبب است که آنان [به پندار خود] گفتند: «در مورد کسانی که کتاب آسمانی ندارند، بر زیان ما راهی نیست.» و بر خدا دروغ می‌بندند با اینکه خودشان [هم] می‌دانند. (۷۶) آری، هر که به پیمان خود وفا کند، و پرهیزگاری نماید، بی‌تردید خداوند، پرهیزگاران را دوست دارد. (۷۷) کسانی که پیمان خدا و سوگندهای خود را به بهای ناچیزی می‌فروشدند، آنان را در آخرت بهره‌ای نیست؛ و خدا روز قیامت با آنان سخن نمی‌گوید، و به ایشان نمی‌نگرد، و پاکشان نمی‌گرداند، و عذابی دردناک خواهند داشت. (۷۸) و از میان آنان گروهی هستند که زبان خود را به [خواندن] کتاب [تحریف شده‌ای] می‌پیچانند، تا آن [بر یافته] را از [مطالب] کتاب [آسمانی] پندارید، با اینکه آن از کتاب [آسمانی] نیست؛ و می‌گویند: آن از جانب خداست، در صورتی که از جانب خدا نیست، و بر خدا دروغ می‌بندند، با اینکه خودشان [هم] می‌دانند. (۷۹) هیچ بشری را نسزد که خدا به او کتاب و حکم و پیامبری بدهد؛ سپس او به مردم بگوید: «به جای خدا، بندگان من باشید.» بلکه [باید بگوید]: «به سبب آنکه کتاب [آسمانی] تعلیم می‌دادید و از آن رو که درس می‌خواندید، علمای دین باشید.» (۸۰) و [نیز] شما را فرمان نخواهد داد که فرشتگان و پیامبران را به خدایی بگیرید. آیا پس از آنکه سر به فرمان [خدا] نهاده‌اید [باز] شما را به کفر وامی‌دارد؟ (۸۱) و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از پیامبران پیمان گرفت که هر گاه به شما کتاب و حکمتی دادم، سپس شما را فرستاده‌ای آمد که آنچه را با شماست تصدیق کرد، البته به او ایمان بیاورید و حتماً یاریش کنید. آنگاه فرمود: «آیا اقرار کردید و در این باره پیمانم را پذیرفتید؟» گفتند: «آری، اقرار کردیم.» فرمود: «پس گواه باشید و من با شما از گواهانم.» (۸۲) پس، کسانی که بعد از این [پیمان] روی برتابند آنان، خود، نافرمانانند. (۸۳) آیا جز دین خدا را می‌جویند؟ با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است، و به سوی او بازگردانیده می‌شود. (۸۴) بگو: «به خدا و آنچه بر ما نازل شده، و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده، و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده، گرویدیم؛ و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم. (۸۵) و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است. (۸۶) چگونه خداوند، قومی را که بعد از ایمانشان کافر شدند، هدایت می‌کند؟ با آنکه شهادت دادند که این رسول، بر حق است و برایشان دلایل روشن آمد، و خداوند قوم بیدادگر را هدایت نمی‌کند. (۸۷) آنان، سزایشان این است که لعنت خدا و فرشتگان و مردم، همگی برایشان است. (۸۸) در آن [لعنت] جاودانه بمانند؛ نه عذاب از ایشان کاسته گردد و نه مهلت یابند. (۸۹) مگر کسانی که پس از آن توبه کردند و درستکاری [پیشه] نمودند، که خداوند آمرزنده مهربان است. (۹۰) کسانی که پس از ایمان خود کافر شدند، سپس بر کفر [خود] افزودند، هرگز توبه آنان پذیرفته نخواهد شد، و آنان خود گمراهانند. (۹۱) در حقیقت، کسانی که کافر شده و در حال کفر مرده‌اند، اگر چه [فراخای] زمین را پر از طلا کنند و آن را [برای خود] فدیة دهند، هرگز از هیچ یک از آنان پذیرفته نگردد؛ آنان را عذابی دردناک خواهد بود، و یاورانی نخواهند داشت. (۹۲) هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید؛ و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست. (۹۳) همه خوراکها بر فرزندان اسرائیل حلال بود. جز آنچه پیش از نزول تورات، اسرائیل [=یعقوب] بر خویشان حرام ساخته بود. بگو: «اگر [جز این است و] راست می‌گویید، تورات را بیاورید و آن را بخوانید.» (۹۴) پس کسانی که بعد از این، بر خدا دروغ بندند، آنان خود ستمکارانند. (۹۵) بگو: «خدا راست گفت، پس، از آیین ابراهیم که حق‌گرا بود و از مشرکان نبود، پیروی کنید. (۹۶) در حقیقت، نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم، نهاده شده، همان است که در مکه است و مبارک، و برای جهانیان [مایه] هدایت است. (۹۷) در آن، نشانه‌هایی روشن است [از جمله] مقام ابراهیم است؛ و هر که در آن درآید در امان است؛ و برای خدا، حج آن خانه، بر عهده مردم است؛ [البته بر] کسی که بتواند به سوی آن راه یابد. و هر که کفر ورزد، یقیناً خداوند از جهانیان بی‌نیاز است. (۹۸) بگو: «ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کفر می‌ورزید؟ با آنکه خدا بر آنچه می‌کنید گواه است.» (۹۹) بگو: «ای اهل

کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا بازمی‌دارید؛ و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهد؟» و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۱۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از فرقه‌ای از اهل کتاب فرمان برید، شما را پس از ایمانتان به حال کفر برمی‌گردانند. (۱۰۱) و چگونه کفر می‌ورزید، با اینکه آیات خدا بر شما خوانده می‌شود و پیامبر او میان شماست؟ و هر کس به خدا تمسک جوید، قطعاً به راه راست هدایت شده است. (۱۰۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا آن گونه که حق پروا کردن از اوست، پروا کنید؛ و زینهار، جز مسلمان نمیرید. (۱۰۳) و همگی به ریسمان خدا چنگ زید، و پراکنده نشوید؛ و نعمت خدا را بر خود یاد کنید: آنگاه که دشمنان [یکدیگر] بودید، پس میان دل‌های شما الفت انداخت، تا به لطف او برادران هم شدید؛ و بر کنار پرتگاه آتش بودید که شما را از آن رهانید. این گونه، خداوند نشانه‌های خود را برای شما روشن می‌کند، باشد که شما راه یابید. (۱۰۴) و باید از میان شما، گروهی، [مردم را] به نیکی دعوت کنند و به کار شایسته وادارند و از زشتی بازدارند، و آنان همان رستگارانند. (۱۰۵) و چون کسانی مباشید که پس از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، پراکنده شدند و با هم اختلاف پیدا کردند، و برای آنان عذابی سهمگین است؛ (۱۰۶) [در آن] روزی که چهره‌هایی سپید، و چهره‌هایی سیاه گردد. اما سیاه‌رویان [به آنان گویند]: آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟ پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید [این] عذاب را بچشید. (۱۰۷) و اما سپیدرویان همواره در رحمت خداوند جاویدانند. (۱۰۸) اینها آیات خداست که آن را به حق بر تو می‌خوانیم؛ و خداوند هیچ ستمی بر جهانیان نمی‌خواهد. (۱۰۹) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست، و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانده می‌شود. (۱۱۰) شما بهترین امتی هستید که برای مردم پدیدار شده‌اید: به کار پسندیده فرمان می‌دهید، و از کار ناپسند بازمی‌دارید، و به خدا ایمان دارید. و اگر اهل کتاب ایمان آورده بودند قطعاً برایشان بهتر بود؛ برخی از آنان مؤمنند و [لی] بیشترشان نافرمانند. (۱۱۱) [جز آزاری [اندک] هرگز به شما زیانی نخواهند رسانید؛ و اگر با شما بجنگند، به شما پشت نمایند، سپس یاری نیابند. (۱۱۲) هر کجا یافته شوند، به خواری دچار شده‌اند - مگر آنکه به پناه امان خدا و زینهار مردم [روند] - و به خشمی از خدا گرفتار آمدند، و [مهر] بینوایی بر آنان زده شد. این بدان سبب بود که به آیات خدا کفر می‌ورزیدند و پیامبران را بناحق می‌کشتند. [و نیز] این [عقوبت] به سزای آن بود که نافرمانی کردند و از اندازه درمی‌گذرانیدند. (۱۱۳) [ولی همه آنان] یکسان نیستند. از میان اهل کتاب، گروهی درست‌کردارند که آیات الهی را در دل شب می‌خوانند و سر به سجده می‌نهند. (۱۱۴) به خدا و روز قیامت ایمان دارند؛ و به کار پسندیده فرمان می‌دهند و از کار ناپسند باز می‌دارند؛ و در کارهای نیک شتاب می‌کنند، و آنان از شایستگانند. (۱۱۵) و هر کار نیکی انجام دهند، هرگز در باره آن ناسپاسی نبینند، و خداوند به [حال] تقوای پیشگان داناست. (۱۱۶) کسانی که کفر ورزیدند، هرگز اموالشان و اولادشان چیزی [از عذاب خدا] را از آنان دفع نخواهد کرد، و آنان اهل آتشند و در آن جاودانه خواهند بود. (۱۱۷) مثل آنچه [آنان] در زندگی این دنیا [در راه دشمنی با پیامبر] خرج می‌کنند، همانند بادی است که در آن، سرمای سختی است، که به کشتزار قومی که بر خود ستم نموده‌اند بوزد و آن را تباه سازد؛ و خدا به آنان ستم نکرده، بلکه آنان خود بر خویشتن ستم کرده‌اند. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از غیر خودتان، [دوست و] همراز مگیرید. [آنان] از هیچ نابکاری در حق شما کوتاهی نمی‌ورزند. آرزو دارند که در رنج بیفتید. دشمنی از لحن و سخنان آشکار است؛ و آنچه سینه‌هایشان نهان می‌دارد، بزرگتر است. در حقیقت، ما نشانه‌ها [ی دشمنی آنان] را برای شما بیان کردیم، اگر تعقل کنید. (۱۱۹) هان، شما کسانی هستید که آنان را دوست دارید، و [حال آنکه] آنان شما را دوست ندارند، و شما به همه کتابها [ی خدا] ایمان دارید؛ و چون با شما برخورد کنند می‌گویند: «ایمان آوردیم.» و چون [با هم] خلوت کنند، از شدت خشم بر شما، سر انگشتان خود را می‌گزند. بگو: «به خشم خود بمیرید» که خداوند به راز درون سینه‌ها داناست. (۱۲۰) اگر به شما خوشی رسد آنان را بدحال می‌کند؛ و اگر به شما گزندی رسد بدان شاد می‌شوند؛ و اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، نیرنگشان هیچ زیانی به شما نمی‌رساند؛ یقیناً خداوند به آنچه می‌کنند احاطه دارد. (۱۲۱) و [یاد کن] زمانی را که [در جنگ احد] بامدادان از پیش کسانت بیرون

آمدی [تا] مؤمنان را برای جنگیدن، در مواضع خود جای دهی، و خداوند، شنوای داناست. (۱۲۲) آن هنگام که دو گروه از شما بر آن شدند که سستی ورزند با آنکه خدا یاورشان بود. و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. (۱۲۳) و یقیناً خدا شما را در [جنگ] بدر - با آنکه ناتوان بودید - یاری کرد. پس، از خدا پروا کنید، باشد که سپاسگزاری نمایید. (۱۲۴) آنگاه که به مؤمنان می گفتی: «آیا شما را بس نیست که پروردگارتان، شما را با سه هزار فرشته فرود آمده، یاری کند؟» (۱۲۵) آری، اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، و با همین جوش [و خروش] بر شما بتازند، همانگاه پروردگارتان شما را با پنج هزار فرشته نشاندار یاری خواهد کرد. (۱۲۶) و خدا آن [وعده پیروزی] را، جز مژده‌ای برای شما قرار نداد تا [بدین وسیله شادمان شوید و] دل‌های شما بدان آرامش یابد، و پیروزی جز از جانب خداوند توانای حکیم نیست. (۱۲۷) تا برخی از کسانی را که کافر شده‌اند نابود کند، یا آنان را خوار سازد، تا نومید باز گردند. (۱۲۸) هیچ یک از این کارها در اختیار تو نیست؛ یا [خدا] بر آنان می‌بخشاید، یا عذابشان می‌کند، زیرا آنان ستمکارند. (۱۲۹) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست. هر که را بخواهد می‌آمزد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و خداوند، آمرزنده مهربان است. (۱۳۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا را [با سود] چندین برابر مخورید، و از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید. (۱۳۱) و از آتشی که برای کافران آماده شده است بترسید. (۱۳۲) خدا و رسول را فرمان برید، باشد که مشمول رحمت قرار گیرید. (۱۳۳) و برای نیل به آمرزشی از پروردگار خود، و بهشتی که پهنایش [به قدر] آسمانها و زمین است [و] برای پرهیزگاران آماده شده است، بشتابید. (۱۳۴) همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند؛ و خشم خود را فرو می‌برند؛ و از مردم در می‌گذرند؛ و خداوند نکوکاران را دوست دارد. (۱۳۵) و آنان که چون کار زشتی کنند، یا بر خود ستم روا دارند، خدا را به یاد می‌آورند و برای گناهانشان آمرزش می‌خواهند - چه کسی جز خدا گناهان را می‌آمزد؟ و بر آنچه مرتکب شده‌اند، با آنکه می‌دانند [که گناه است]، پافشاری نمی‌کنند. (۱۳۶) آنان، پاداششان آمرزشی از جانب پروردگارشان، و بوستانهایی است که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است. جاودانه در آن بمانند، و پاداش اهل عمل چه نیکوست. (۱۳۷) قطعاً پیش از شما سنتهایی [بوده و] سپری شده است. پس، در زمین بگردید و بنگرید که فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است؟ (۱۳۸) این [قرآن] برای مردم، بیانی، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. (۱۳۹) و اگر مؤمنید، سستی مکنید و غمگین مشوید، که شما برترید. (۱۴۰) اگر به شما آسیبی رسیده، آن قوم را نیز آسیبی نظیر آن رسید؛ و ما این روزها [ی شکست و پیروزی] را میان مردم به نوبت می‌گردانیم [تا آنان پند گیرند] و خداوند کسانی را که [واقعاً] ایمان آورده‌اند معلوم بدارد، و از میان شما گواهانی بگیرد، و خداوند ستمکاران را دوست نمی‌دارد. (۱۴۱) و تا خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند خالص گرداند و کافران را [به تدریج] نابود سازد. (۱۴۲) آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه خداوند جهادگران و شکیبایان شما را معلوم بدارد؟ (۱۴۳) و شما مرگ را پیش از آنکه با آن روبرو شوید، سخت آرزو می‌کردید؛ پس، آن را دیدید و [همچنان] نگاه می‌کردید. (۱۴۴) و محمد، جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند، نیست. آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی‌گردید؟ و هر کس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زیانی به خدا نمی‌رساند، و به زودی خداوند سپاسگزاران را پاداش می‌دهد. (۱۴۵) و هیچ نفسی جز به فرمان خدا نمیرد. [خداوند، مرگ را] به عنوان سرنوشتی معین [مقرر کرده است]. و هر که پاداش این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم؛ و هر که پاداش آن سرای را بخواهد از آن به او می‌دهیم، و به زودی سپاسگزاران را پاداش خواهیم داد. (۱۴۶) و چه بسیار پیامبرانی که همراه او توده‌های انبوه، کارزار کردند؛ و در برابر آنچه در راه خدا بدیشان رسید، سستی نورزیدند و ناتوان نشدند؛ و تسلیم [دشمن] نگردیدند، و خداوند، شکیبایان را دوست دارد. (۱۴۷) و سخن آنان جز این نبود که گفتند: «پروردگارا، گناهان ما و زیاده‌روی ما، در کارمان را بر ما ببخش، و گامهای ما را استوار دار، و ما را بر گروه کافران یاری ده.» (۱۴۸) پس خداوند، پاداش این دنیا، و پاداش نیک آخرت را به آنان عطا کرد، و خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (۱۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از کسانی که کفر ورزیده‌اند اطاعت کنید، شما را از عقیده‌تان بازمی‌گرداند و زیانکار خواهید گشت. (۱۵۰) آری،

خدا مولای شماست، و او بهترین یاری دهنده‌گان است. (۱۵۱) به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک گردانیده‌اند که بر [حقانیت] آن، [خدا] دلیلی نازل نکرده است. و جایگاهشان آتش است، و جایگاه ستمگران چه بد است. (۱۵۲) و [در نبرد اُحد] قطعاً خدا وعده خود را با شما راست گردانید: آنگاه که به فرمان او، آنان را می‌کشید، تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و بر سر تقسیم غنایم] با یکدیگر به نزاع پرداختید؛ و پس از آنکه آنچه را دوست داشتید [یعنی غنایم را] به شما نشان داد، نافرمانی نمودید. برخی از شما دنیا را و برخی از شما آخرت را می‌خواهد. سپس برای آنکه شما را بیازماید، از [تعقیب] آنان منصرفتان کرد و از شما در گذشت، و خدا نسبت به مؤمنان، با تفضل است. (۱۵۳) [یاد کنید] هنگامی را که در حال گریز [از کوه] بالا می‌رفتید و به هیچ کس توجه نمی‌کردید؛ و پیامبر، شما را از پشت سرتان فرا می‌خواند. پس [خداوند] به سزای [این بی‌انضباطی] غمی بر غمتان [افزود]، تا سرانجام بر آنچه از کف داده‌اید و برای آنچه به شما رسیده است اندوهگین نشوید، و خداوند از آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۵۴) سپس [خداوند] بعد از آن اندوه، آرامشی [به صورت] خواب سبکی، بر شما فرو فرستاد، که گروهی از شما را فرا گرفت، و گروهی [تنها] در فکر جان خود بودند؛ و در باره خدا، گمانهای ناروا، همچون گمانهای [دوران] جاهلیت می‌بردند. می‌گفتند: «آیا ما را در این کار اختیاری هست؟» بگو: «سررشته کارها [شکست یا پیروزی]، یکسر به دست خداست.» آنان چیزی را در دل‌هایشان پوشیده می‌داشتند، که برای تو آشکار نمی‌کردند. می‌گفتند: «اگر ما را در این کار اختیاری بود، [و وعده پیامبر واقعیت داشت]، در اینجا کشته نمی‌شدیم.» بگو: «اگر شما در خانه‌های خود هم بودید، کسانی که کشته شدن بر آنان نوشته شده، قطعاً [با پای خود] به سوی قتلگاه‌های خویش می‌رفتند. و [اینها] برای این است که خداوند، آنچه را در دل‌های شماست، [در عمل] بیازماید؛ و آنچه را در قلب‌های شماست، پاک گرداند؛ و خدا به راز سینه‌ها آگاه است. (۱۵۵) روزی که دو گروه [در اُحد] با هم رویاروی شدند، کسانی که از میان شما [به دشمن] پشت کردند، در حقیقت جز این نبود که به سبب پاره‌ای از آنچه [از گناه] حاصل کرده بودند، شیطان آنان را بلغزانید. و قطعاً خدا از ایشان در گذشت؛ زیرا خدا آمرزگار بردبار است. (۱۵۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همچون کسانی نباشید که کفر ورزیدند؛ و به برادرانشان - هنگامی که به سفر رفته [و در سفر مردند] و یا جهادگر شدند [و کشته شدند]، گفتند: «اگر نزد ما [مانده] بودند، نمی‌مردند و کشته نمی‌شدند.» [شما چنین سخنانی مگوئید] تا خدا آن را در دل‌هایشان حسرتی قرار دهد. و خدا [ست که] زنده می‌کند و می‌میراند، و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست. (۱۵۷) و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می‌کنند بهتر است. (۱۵۸) و اگر [در راه جهاد] بمیرید یا کشته شوید، قطعاً به سوی خدا گرد آورده خواهید شد. (۱۵۹) پس به [برکت] رحمت الهی، با آنان نرمخو [و پُرمهر] شدی، و اگر تندخو و سختدل بودی قطعاً از پیرامون تو پراکنده می‌شدند. پس، از آنان در گذر و برایشان آمرزش بخواه، و در کار [ها] با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن، زیرا خداوند توکل‌کنندگان را دوست می‌دارد. (۱۶۰) اگر خدا شما را یاری کند، هیچ کس بر شما غالب نخواهد شد؛ و اگر دست از یاری شما بردارد، چه کسی بعد از او شما را یاری خواهد کرد؟ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. (۱۶۱) و هیچ پیامبری را نسزد که خیانت ورزد، و هر کس خیانت ورزد، روز قیامت با آنچه در آن خیانت کرده بیاید؛ آنگاه به هر کس [پاداش] آنچه کسب کرده، به تمامی داده می‌شود، و بر آنان ستم نرود. (۱۶۲) آیا کسی که خشنودی خدا را پیروی می‌کند، چون کسی است که به خشمی از خدا دچار گردیده و جایگاهش جهنم است؟ و چه بد بازگشتگاهی است. (۱۶۳) [هر یک از] ایشان را نزد خداوند در جاتی است، و خدا به آنچه می‌کنند بیناست. (۱۶۴) به یقین، خدا بر مؤمنان منت نهاد [که] پیامبری از خودشان در میان آنان برانگیخت، تا آیات خود را بر ایشان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت به آنان بیاورد، قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (۱۶۵) آیا چون به شما [در نبرد اُحد] مصیبتی رسید - [با آنکه در نبرد بدر] دو برابرش را [به دشمنان خود] رساندید - گفتید: «این [مصیبت] از کجا [به ما رسید]؟» بگو: «آن از خود شما [و ناشی از بی‌انضباطی خودتان] است.» آری! خدا به هر چیزی تواناست. (۱۶۶) و روزی که

[در اُحد] آن دو گروه با هم برخورد کردند، آنچه به شما رسید به اذن خدا بود [تا شما را بیازماید] و مؤمنان را معلوم بدارد؛ (۱۶۷) همچنین کسانی را که دو رویی نمودند [نیز] معلوم بدارد. و به ایشان گفته شد: «بیایید در راه خدا بجنگید یا دفاع کنید.» گفتند: «اگر جنگیدن می‌دانستیم مسلماً از شما پیروی می‌کردیم.» آن روز، آنان به کفر نزدیکتر بودند تا به ایمان. به زبان خویش چیزی می‌گفتند که در دل‌هایشان نبود، و خدا به آنچه می‌نهفتند داناتر است. (۱۶۸) همان کسانی که [خود در خانه] نشستند و در باره دوستان خود گفتند: «اگر از ما پیروی می‌کردند کشته نمی‌شدند.» بگو: «اگر راست می‌گویید مرگ را از خودتان دور کنید.» (۱۶۹) هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده میندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. (۱۷۰) به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. (۱۷۱) بر نعمت و فضل خدا و اینکه خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند، شادی می‌کنند. (۱۷۲) کسانی که [در نبرد اُحد] پس از آنکه زخم برداشته بودند، دعوت خدا و پیامبر [او] را اجابت کردند، برای کسانی از آنان که نیکی و پرهیزگاری کردند پاداشی بزرگ است. (۱۷۳) همان کسانی که [برخی از] مردم به ایشان گفتند: «مردمان برای [جنگ با] شما گرد آمده‌اند؛ پس، از آن بترسید.» و [لی این سخن] بر ایمانشان افزود و گفتند: «خدا ما را بس است و نیکی حمایتگری است.» (۱۷۴) پس با نعمت و بخششی از جانب خدا، [از میدان نبرد] بازگشتند، در حالی که هیچ آسیبی به آنان نرسیده بود، و همچنان خشنودی خدا را پیروی کردند، و خداوند دارای بخششی عظیم است. (۱۷۵) در واقع، این شیطان است که دوستانش را می‌ترساند؛ پس اگر مؤمنان از آنان مترسید و از من بترسید. (۱۷۶) و کسانی که در کفر می‌کوشند، تو را اندوهگین نسازند؛ که آنان هرگز به خدا هیچ زیانی نمی‌رسانند. خداوند می‌خواهد در آخرت برای آنان بهره‌ای قرار ندهد، و برای ایشان عذابی بزرگ است. (۱۷۷) در حقیقت، کسانی که کفر را به [بهای] ایمان خریدند، هرگز به خداوند هیچ زیانی نخواهند رسانید، و برای آنان عذابی دردناک است. (۱۷۸) و البته نباید کسانی که کافر شده‌اند تصور کنند اینکه به ایشان مهلت می‌دهیم برای آنان نیکوست؛ ما فقط به ایشان مهلت می‌دهیم تا بر گناه [خود] بیفزایند، و [آنگاه] عذابی خفت‌آور خواهند داشت. (۱۷۹) خدا بر آن نیست که مؤمنان را به این [حالی] که شما بر آن هستید، واگذارد، تا آنکه پلید را از پاک جدا کند. و خدا بر آن نیست که شما را از غیب آگاه گرداند، ولی خدا از میان فرستادگانش هر که را بخواهد برمی‌گزیند. پس، به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید؛ و اگر بگروید و پرهیزگاری کنید، برای شما پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۸۰) و کسانی که به آنچه خدا از فضل خود به آنان عطا کرده، بخل می‌ورزند، هرگز تصور نکنند که آن [بخل] برای آنان خوب است، بلکه برایشان بد است. به زودی آنچه که به آن بخل ورزیده‌اند، روز قیامت طوق گردنشان می‌شود. میراث آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۸۱) مسلماً خداوند، سخن کسانی را که گفتند: «خدا نیازمند است و ما توانگریم»، شنید. به زودی آنچه را گفتند، و بناحق کشتن آنان پیامبران را، خواهیم نوشت و خواهیم گفت: «بچشید عذاب سوزان را.» (۱۸۲) این [عقوبت] به خاطر کار و کردار پیشین شماست، [و گر نه] خداوند هرگز نسبت به بندگان [خود] بیدادگر نیست. (۱۸۳) همانان که گفتند: «خدا با ما پیمان بسته که به هیچ پیامبری ایمان نیاوریم تا برای ما قربانی بیاورد که آتش [آسمانی] آن را [به نشانه قبول] بسوزاند.» بگو: «قطعاً پیش از من، پیامبرانی بودند که دلایل آشکار را با آنچه گفتید، برای شما آوردند. اگر راست می‌گویید، پس چرا آنان را کشتید؟» (۱۸۴) پس اگر تو را تکذیب کردند، بدان که پیامبرانی [هم] که پیش از تو، دلایل روشن و نوشته‌ها و کتاب روشن آورده بودند، تکذیب شدند. (۱۸۵) هر جانداري چشنده [طعم] مرگ است، و همانا روز رستاخیز پادشاهیتان به طور کامل به شما داده می‌شود. پس هر که را از آتش به دور دارند و در بهشت درآوردند قطعاً کامیاب شده است؛ و زندگی دنیا جز مایه فریب نیست. (۱۸۶) قطعاً در مالها و جانهایتان آزموده خواهید شد، و از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [نیز] از کسانی که به شرک گراییده‌اند، [سخنان دل] آزار بسیاری خواهید شنید، و [لی] اگر صبر کنید و پرهیزگاری نمایید، این [ایستادگی] حاکی از عزم استوار [شما] در

کارهاست. (۱۸۷) و [یاد کن] هنگامی را که خداوند از کسانی که به آنان کتاب داده شده، پیمان گرفت که حتماً باید آن را [به وضوح] برای مردم بیان نمایند و کتمانش نکنید. پس، آن [عهد] را پشت سر خود انداختند و در برابر آن، بهایی ناچیز به دست آوردند، و چه بد معامله‌ای کردند. (۱۸۸) البته گمان مبر کسانی که بدانچه کرده‌اند شادمانی می‌کنند و دوست دارند به آنچه نکرده‌اند مورد ستایش قرار گیرند، قطعاً گمان مبر که برای آنان نجاتی از عذاب است، [که] عذابی دردناک خواهند داشت. (۱۸۹) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و خداوند بر هر چیزی تواناست. (۱۹۰) مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی [قانع کننده] است. (۱۹۱) همانان که خدا را [در همه احوال] ایستاده و نشسته، و به پهلو آرمیده یاد می‌کنند، و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند [که]: پروردگارا، اینها را بیهوده نیافریده‌ای؛ منزهی تو! پس ما را از عذاب آتش دوزخ در امان بدار. (۱۹۲) پروردگارا، هر که را تو در آتش درآوری، یقیناً رسوایش کرده‌ای، و برای ستمکاران یاورانی نیست. (۱۹۳) پروردگارا، ما شنیدیم که دعوتگری به ایمان فرا می‌خواند که: «به پروردگار خود ایمان آورید»، پس ایمان آوردیم. پروردگارا، گناهان ما را بیامرز، و بدیهای ما را بزدای و ما را در زمره نیکان بمیران. (۱۹۴) پروردگارا، و آنچه را که به وسیله فرستادگانت به ما وعده داده‌ای به ما عطا کن، و ما را روز رستخیز رسوا مگردان، زیرا تو وعده‌ات را خلاف نمی‌کنی. (۱۹۵) پس، پروردگارشان دعای آنان را اجابت کرد [و فرمود که]: من عمل هیچ صاحب عملی از شما را، از مرد یا زن، که همه از یکدیگرید، تباه نمی‌کنم؛ پس، کسانی که هجرت کرده و از خانه‌های خود رانده شده و در راه من آزار دیده و جنگیده و کشته شده‌اند، بدیهایشان را از آنان می‌زدایم، و آنان را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم؛ [این] پاداشی است از جانب خدا و پاداش نیکو نزد خداست. (۱۹۶) مبادا رفت و آمد [و جنب و جوش] کافران در شهرها تو را دستخوش فریب کند. (۱۹۷) [این] کالای ناچیز [و برخورداری اندکی] است؛ سپس جایگاهشان دوزخ است، و چه بد قرارگاهی است. (۱۹۸) ولی کسانی که پروای پروردگارشان را پیشه ساخته‌اند باغهایی خواهند داشت که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آنجا جاودانه بمانند؛ [این] پذیرایی از جانب خداست، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است. (۱۹۹) و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند، در حالی که در برابر خدا خاشعند، و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند. اینانند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت. آری! خدا زودشمار است. (۲۰۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهبانی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. (۲۰۱)

النساء

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای مردم، از پروردگارتان که شما را از «نفس واحدی» آفرید و جفتش را [نیز] از او آفرید، و از آن دو، مردان و زنان بسیاری پراکنده کرد، پروا دارید؛ و از خدایی که به [نام] او از همدیگر درخواست می‌کنید پروا نمایید؛ و زنه‌ار از خویشاوندان مَبْرید، که خدا همواره بر شما نگهبان است. (۲) و اموال یتیمان را به آنان [باز] دهید، و [مال پاک] و [مرغوب] آنان [را با] مال [ناپاک] [خود] عوض نکنید؛ و اموال آنان را همراه با اموال خود مخورید که این گناهی بزرگ است. (۳) و اگر در اجرای عدالت میان دختران یتیم بیمناکید، هر چه از زنان [دیگر] که شما را پسند افتاد، دو دو، سه سه، چهار چهار، به زنی گیرید. پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، به یک [زن آزاد] یا به آنچه [از کنیزان] مالک شده‌اید [اکتفا کنید]. این [خودداری] نزدیکتر است تا به ستم گرایید [و بیهوده عیال‌وار گردید]. (۴) و مهر زنان را به عنوان هدیه‌ای از روی طیب خاطر به ایشان بدهید؛ و اگر به میل خودشان چیزی از آن را به شما واگذاشتند، آن را حلال و گوارا بخورید. (۵) و اموال خود را -که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده- به سفیهان بدهید، و [لی] از [عواید] آن به ایشان بخورانید و آنان را پوشاک دهید؛ و با آنان سخنی

پسندیده بگویند. (۶) و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید، و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. و آن کس که توانگر است باید [از گرفتن اجرت سرپرستی] خودداری ورزد؛ و هر کس تهیدست است باید مطابق عرف [از آن] بخورد؛ پس هر گاه اموالشان را به آنان رد کردید بر ایشان گواه بگیرید، خداوند حسابرسی را کافی است. (۷) برای مردان، از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی است؛ و برای زنان [نیز] از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان [آنان] بر جای گذاشته‌اند سهمی [خواهد بود] - خواه آن [مال] کم باشد یا زیاد - نصیب هر کس مفروض شده است. (۸) و هر گاه، خویشاوندان یتیمان و مستمندان در تقسیم [ارث] حاضر شدند، [چیزی] از آن را به ایشان ارزانی دارید و با آنان سخنی پسندیده گویند. (۹) و آنان که اگر فرزندان ناتوانی از خود بر جای بگذارند بر [آینده] آنان بیم دارند، باید [از ستم بر یتیمان مردم نیز] بترسند. پس باید از خدا پروا دارند و سخنی [بجا و درست] گویند. (۱۰) در حقیقت، کسانی که اموال یتیمان را به ستم می‌خورند، جز این نیست که آتشی در شکم خود فرو می‌برند، و به زودی در آتشی فروزان در آیند. (۱۱) خداوند به شما در باره فرزندانتان سفارش می‌کند: سهم پسر، چون سهم دو دختر است. و اگر [همه ورثه]، دختر [و] از دو تن بیشتر باشند، سهم آنان دو سوم ماترک است؛ و اگر [دختری که ارث می‌برد] یکی باشد، نیمی از میراث از آن اوست، و برای هر یک از پدر و مادر وی [=متوفی] یک ششم از ماترک [مقرر شده] است، این در صورتی است که [متوفی] فرزندی داشته باشد. ولی اگر فرزندی نداشته باشد و [تنها] پدر و مادرش از او ارث برند، برای مادرش یک سوم است [و] بقیه را پدر می‌برد؛ و اگر او برادرانی داشته باشد، مادرش یک ششم می‌برد، [البته همه اینها] پس از انجام وصیتی است که او بدان سفارش کرده یا دینی [که باید استثنا شود]. شما نمی‌دانید پدران و فرزندانان کدام یک برای شما سودمندترند. [این فرضی است از جانب خدا، زیرا خداوند دانای حکیم است. (۱۲) و نیمی از میراث همسرانان از آن شما [شوهران] است اگر آنان فرزندی نداشته باشند؛ و اگر فرزندی داشته باشند یک چهارم ماترک آنان از آن شماست، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اند یا دینی [که باید استثنا شود]، و یک چهارم از میراث شما برای آنان است اگر شما فرزندی نداشته باشید؛ و اگر فرزندی داشته باشید، یک هشتم برای میراث شما از ایشان خواهد بود، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش کرده‌اید یا دینی [که باید استثنا شود]، و اگر مرد یا زنی که از او ارث می‌برند کلاله [=بی‌فرزند و بی‌پدر و مادر] باشد و برای او برادر یا خواهری باشد، پس برای هر یک از آن دو، یک ششم [ماترک] است؛ و اگر آنان بیش از این باشند در یک سوم [ماترک] مشارکت دارند، [البته] پس از انجام وصیتی که بدان سفارش شده یا دینی که [باید استثنا شود]، به شرط آنکه از این طریق [زیانی] به ورثه [نرساند. این است سفارش خدا و خداست که دانای بردبار است. (۱۳) اینها احکام الهی است، و هر کس از خدا و پیامبر او اطاعت کند، وی را به باغهایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. در آن جاودانه‌اند، و این همان کامیابی بزرگ است. (۱۴) و هر کس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید، وی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است. (۱۵) و از زنان شما، کسانی که مرتکب زنا می‌شوند، چهار تن از میان خود [مسلمانان] بر آنان گواه بگیرید؛ پس اگر شهادت دادند، آنان [=زنان] را در خانه‌ها نگاه دارید تا مرگشان فرا رسد یا خدا راهی برای آنان قرار دهد. (۱۶) و از میان شما، آن دو تن را که مرتکب زشتکاری می‌شوند، آزارشان دهید؛ پس اگر توبه کردند و درستکار شدند از آنان صرف‌نظر کنید، زیرا خداوند توبه‌پذیر مهربان است. (۱۷) توبه، نزد خداوند، تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به زودی توبه می‌کنند؛ اینانند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد، و خداوند دانای حکیم است. (۱۸) و توبه کسانی که گناه می‌کنند، تا وقتی که مرگ یکی از ایشان دررسد، می‌گوید: «اکنون توبه کردم»، پذیرفته نیست؛ و [نیز توبه] کسانی که در حال کفر می‌میرند، پذیرفته نخواهد بود، آنانند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم. (۱۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه ارث برید؛ و آنان را زیر فشار مگذارید تا بخشی از آنچه را به آنان داده‌اید [از چنگشان به در] برید، مگر آنکه مرتکب

زشتکاری آشکاری شوند، و با آنها بشایستگی رفتار کنید؛ و اگر از آنان خوشتان نیامد، پس چه بسا چیزی را خوش نمی‌دارید و خدا در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد. (۲۰) و اگر خواستید همسری [دیگر] به جای همسر [پیشین خود] ستانید، و به یکی از آنان مال فراوانی داده باشید، چیزی از او پس مگیرید. آیا می‌خواهید آن [مال] را به بهتان و گناه آشکار بگیرید؟ (۲۱) و چگونه آن [مهر] را می‌ستانید با آنکه از یکدیگر کام گرفته‌اید، و آنان از شما پیمانی استوار گرفته‌اند؟ (۲۲) و با زنانی که پدرانتان به ازدواج خود درآورده‌اند، نکاح نکنید؛ مگر آنچه که پیشتر رخ داده است، چرا که آن، زشتکاری و [مایه] دشمنی، و بد راهی بوده است. (۲۳) [نکاح اینان] بر شما حرام شده است: مادرانتان، و دخترانتان، و خواهرانتان، و عمه‌هایتان، و خاله‌هایتان، و دختران برادر، و دختران خواهر، و مادرهایتان که به شما شیر داده‌اند، و خواهران رضاعی شما، و مادران زنانان، و دختران همسرانتان که [آنها دختران] در دامان شما پرورش یافته‌اند و با آن همسران همبستر شده‌اید - پس اگر با آنها همبستر نشده‌اید بر شما گناهی نیست [که با دخترانشان ازدواج کنید] - و زنان پسرانتان که از پشت خودتان هستند، و جمع دو خواهر با همدیگر - مگر آنچه که در گذشته رخ داده باشد - که خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۴) و زنان شوهردار [نیز بر شما حرام شده است] به استثنای زنانی که مالک آنان شده‌اید؛ [این] فریضه الهی است که بر شما مقرر گردیده است. و غیر از این [زنان نامبرده]، برای شما حلال است که [زنان دیگر را] به وسیله اموال خود طلب کنید - در صورتی که پاکدامن باشید و زناکار نباشید - و زنانی را که متعه کرده‌اید، مهرشان را به عنوان فریضه‌ای به آنان بدهید، و بر شما گناهی نیست که پس از [تعیین مبلغ] مقرر، با یکدیگر توافق کنید [که مدت عقد یا مهر را کم یا زیاد کنید]؛ مسلماً خداوند دانای حکیم است. (۲۵) و هر کس از شما، از نظر مالی نمی‌تواند زنان [آزاد] پاکدامن با ایمان را به همسری [خود] درآورد، پس با دختران جوانسال با ایمان شما که مالک آنان هستید [ازدواج کند]؛ و خدا به ایمان شما داناتر است. [همه] از یکدیگرید. پس آنان را با اجازه خانواده‌شان به همسری [خود] درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید [به شرط آنکه] پاکدامن باشند نه زناکار، و دوست‌گیران پنهانی نباشند. پس چون به ازدواج [شما] درآمدند، اگر مرتکب فحشا شدند، پس بر آنان نیمی از عذاب [=مجازات] زنان آزاد است. این [پیشنهاد زناشویی با کنیزان] برای کسی از شماست که از آرایش گناه بیم دارد؛ و صبر کردن، برای شما بهتر است، و خداوند آمرزنده مهربان است. (۲۶) خدا می‌خواهد برای شما توضیح دهد، و راه [و رسم] کسانی را که پیش از شما بوده‌اند به شما بنمایاند، و بر شما ببخشد، و خدا دانای حکیم است. (۲۷) خدا می‌خواهد تا بر شما ببخشد؛ و کسانی که از خواسته‌ها [ی نفسانی] پیروی می‌کنند می‌خواهند شما دستخوش انحرافی بزرگ شوید. (۲۸) خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند؛ و [می‌داند که] انسان، ناتوان آفریده شده است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال همدیگر را به ناروا مخورید - مگر آنکه داد و ستدی با تراضی یکدیگر، از شما [انجام گرفته] باشد - و خودتان را مکشید، زیرا خدا همواره با شما مهربان است. (۳۰) و هر کس از روی تجاوز و ستم چنین کند، به زودی وی را در آتشی درآوریم، و این کار بر خدا آسان است. (۳۱) اگر از گناهان بزرگی که از آن [ها] نهی شده‌اید دوری گزینید، بدیهای شما را از شما می‌زداییم، و شما را در جایگاهی ارجمند درمی‌آوریم. (۳۲) و زنه‌ار، آنچه را خداوند به [سبب] آن، بعضی از شما را بر بعضی [دیگر] برتری داده آرزو مکنید. برای مردان از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است، و برای زنان [نیز] از آنچه [به اختیار] کسب کرده‌اند بهره‌ای است. و از فضل خدا درخواست کنید، که خدا به هر چیزی دانا است. (۳۳) و از آنچه پدر و مادر و خویشاوندان، و کسانی که شما [با آنان] پیمان بسته‌اید، بر جای گذاشته‌اند، برای هر یک [از مردان و زنان]، وارثانی قرار داده‌ایم. پس نصیبشان را به ایشان بدهید، زیرا خدا همواره بر هر چیزی گواه است. (۳۴) مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند. پس، زنان درستکار، فرمانبردارند [و] به پاس آنچه خدا [برای آنان] حفظ کرده، اسرار [شوهران خود] را حفظ می‌کنند. و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید [نخست] پندشان دهید و [بعد] در خوابگاه‌ها از ایشان دوری کنید و [اگر تاثیر نکرد] آنان را بزیند؛ پس اگر شما را اطاعت کردند [دیگر] بر آنها هیچ راهی [برای سرزنش] مجوید، که

خدا والای بزرگ است. (۳۵) و اگر از جدایی میان آن دو [زن و شوهر] بیم دارید پس داوری از خانواده آن [شوهر] و داوری از خانواده آن [زن] تعیین کنید. اگر سر سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد. آری! خدا دانای آگاه است. (۳۶) و خدا را بپرستید، و چیزی را با او شریک مگردانید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشین و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید]، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد: (۳۷) همان کسانی که بخل می‌ورزند، و مردم را به بخل وامی‌دارند، و آنچه را خداوند از فضل خویش بدانها ارزانی داشته پوشیده می‌دارند. و برای کافران غذایی خوارکننده آماده کرده‌ایم. (۳۸) و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند، و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند. و هر کس شیطان یار او باشد، چه بد همدمی است. (۳۹) و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان می‌آوردند، و از آنچه خدا به آنان روزی داده، انفاق می‌کردند، چه زیانی برایشان داشت؟ و خدا به [کار] آنان دانا است. (۴۰) در حقیقت، خدا هم وزن ذره‌ای ستم نمی‌کند و اگر [آن ذره، کار] نیکی باشد دو چندانش می‌کند، و از نزد خویش پاداشی بزرگ می‌بخشد. (۴۱) پس چگونه است [حالشان] آنگاه که از هر امتی گواهی آوریم، و تو را بر آنان گواه آوریم؟ (۴۲) آن روز، کسانی که کفر ورزیده‌اند، و از پیامبر [خدا] نافرمانی کرده‌اند، آرزو می‌کنند که ای کاش با خاک یکسان می‌شدند. و از خدا هیچ سخنی را پوشیده نمی‌توانند داشت. (۴۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حال مستی به نماز نزدیک نشوید تا زمانی که بدانید چه می‌گویید؛ و [نیز] در حال جنابت [وارد نماز نشوید] - مگر اینکه راه‌گذر باشید - تا غسل کنید؛ و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از قضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاکی پاک تیمم کنید، و صورت و دستهایتان را مسح نمایید، که خدا بخشنده و آمرزنده است. (۴۴) آیا به کسانی که بهره‌ای از کتاب یافته‌اند ننگریستی؟ گمراهی را می‌خرند و می‌خواهند شما [نیز] گمراه شوید. (۴۵) و خدا به [حال] دشمنان شما داناتر است؛ کافی است که خدا سرپرست [شما] باشد، و کافی است که خدا یاور [شما] باشد. (۴۶) برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند، و با پیچانیدن زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین [اسلام]، با در آمیختن عبری به عربی [می‌گویند]: «شنیدیم و نافرمانی کردیم؛ و بشنو [که کاش] ناشنوا گردی.» و [نیز از روی استهزا می‌گویند]: «راعنا» [که در عربی یعنی: به ما التفات کن، ولی در عبری یعنی: خبیث ما]، و اگر آنان می‌گفتند: «شنیدیم و فرمان بردیم، و بشنو و به ما بنگر»، قطعاً برای آنان بهتر و درست‌تر بود، ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [گروهی] اندک ایمان نمی‌آورند. (۴۷) ای کسانی که به شما کتاب داده شده است، به آنچه فرو فرستادیم و تصدیق‌کننده همان چیزی است که با شماست ایمان بیاورید، پیش از آنکه چهره‌هایی را محو کنیم و در نتیجه آنها را به قهقرا بازگردانیم؛ یا همچنانکه «اصحاب سبت» را لعنت کردیم؛ آنان را [نیز] لعنت کنیم، و فرمان خدا همواره تحقق یافته است. (۴۸) مسلماً خدا، این را که به او شرک ورزیده شود نمی‌بخشاید و غیر از آن را برای هر که بخواهد می‌بخشاید، و هر کس به خدا شرک ورزد، به یقین گناهی بزرگ برافته است. (۴۹) آیا به کسانی که خویشان را پاک می‌شمارند ننگریسته‌ای؟ [چنین نیست]، بلکه خداست که هر که را بخواهد پاک می‌گرداند، و به قدر نخ روی هسته خرمایی ستم نمی‌بینند. (۵۰) ببین چگونه بر خدا دروغ می‌بندند. و بس است که این، یک گناه آشکار باشد. (۵۱) آیا کسانی را که از کتاب [آسمانی] نصیبی یافته‌اند ندیده‌ای؟ که به «جبت» و «طاغوت» ایمان دارند، و در باره کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌گویند: «اینان از کسانی که ایمان آورده‌اند راه یافته‌ترند.» (۵۲) اینانند که خدا لعنتشان کرده، و هر که را خدا لعنت کند هرگز برای او یآوری نخواهی یافت. (۵۳) آیا آنان نصیبی از حکومت دارند؟ [اگر هم داشتند]، به قدر نقطه پشت هسته خرمایی [چیزی] به مردم نمی‌دادند. (۵۴) بلکه به مردم، برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده رشک می‌ورزند؛ در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم، و به آنان ملکی بزرگ بخشیدیم. (۵۵) پس برخی از آنان به وی ایمان آوردند، و برخی از ایشان از او روی برتافتند، و [برای آنان] دوزخ پرشراره بس است. (۵۶) به زودی کسانی را که به آیات ما کفر ورزیده‌اند، در آتشی [سوزان] در آوریم؛ که هر چه پوستشان بریان گردد،

پوستهای دیگری بر جایش نهیم تا عذاب را بچشند. آری، خداوند توانای حکیم است. (۵۷) و به زودی کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درآوریم. برای همیشه در آن جاودانند، و در آنجا همسرانی پاکیزه دارند، و آنان را در سایه‌ای پایدار درآوریم. (۵۸) خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید؛ و چون میان مردم داوری می‌کنید، به عدالت داوری کنید. در حقیقت، نیکو چیزی است که خدا شما را به آن پند می‌دهد. خدا شنوای بیناست. (۵۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید؛ پس هر گاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید، اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید، این بهتر و نیک‌فرجام‌تر است. (۶۰) آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده، ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی طاغوت ببرند، با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند، و [لی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد. (۶۱) و چون به ایشان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [او] بیایید»، منافقان را می‌بینی که از تو سخت، روی برمی‌تابند. (۶۲) پس چگونه، هنگامی که به [سزای] کار و کردار پیشینشان مصیبتی به آنان می‌رسد، نزد تو می‌آیند و به خدا سوگند می‌خورند که ما جز نیکویی و موافقت قصدی نداشتیم؟ (۶۳) اینان همان کسانی که خدا می‌داند چه در دل دارند. پس، از آنان روی برتاب، و [لی] پندشان ده، و با آنها سخنی رسا که در دلشان [مؤثر] افتد، بگویی. (۶۴) و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند. و اگر آنان وقتی به خود ستم کرده بودند، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر [نیز] برای آنان طلب آمرزش می‌کرد، قطعاً خدا را توبه‌پذیر مهربان می‌یافتند. (۶۵) ولی چنین نیست، به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند، مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند؛ سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند، و کاملاً سر تسلیم فرود آورند. (۶۶) و اگر بر آنان مقرر می‌کردیم که تن به کشتن دهید، یا از خانه‌های خود به در آید، جز اندکی از ایشان آن را به کار نمی‌بستند؛ و اگر آنان آنچه را بدان پند داده می‌شوند به کار می‌بستند، قطعاً برایشان بهتر و در ثبات قدم ایشان مؤثرتر بود؛ (۶۷) و در آن صورت، [ما هم] از نزد خویش، یقیناً پاداشی بزرگ به آنان می‌دادیم؛ (۶۸) و قطعاً آنان را به راهی راست هدایت می‌کردیم. (۶۹) و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی خواهند بود که خدا ایشان را گرامی داشته [یعنی] با پیامبران و راستان و شهیدان و شایستگانند و آنان چه نیکو همدانند. (۷۰) این تفضّل از جانب خداست، و خدا بس داناست. (۷۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [در برابر دشمن] آماده باشید [= اسلحه خود را برگیرید] و گروه گروه [به جهاد] بیرون روید یا به طور جمعی روانه شوید. (۷۲) و قطعاً از میان شما کسی است که کندی به خرج دهد؛ پس اگر آسیبی به شما رسد گوید: «راستی خدا بر من نعمت بخشید که با آنان حاضر نبودم.» (۷۳) و اگر غنیمتی از خدا به شما برسد - چنانکه گویی میان شما و میان او [رابطه] دوستی نبوده - خواهد گفت: «کاش من با آنان بودم و به نوای بزرگی می‌رسیدم.» (۷۴) پس، باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می‌کنند در راه خدا بجنگند؛ و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود، به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. (۷۵) و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: «پروردگارا، ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند بیرون ببر، و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده، و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.» (۷۶) کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار می‌کنند. و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است. (۷۷) آیا ندیدی کسانی را که به آنان گفته شد: «[فعلاً] دست [از جنگ] بدارید، و نماز را برپا کنید و زکات بدهید»، و [لی] همین که کارزار بر آنان مقرر شد، بناگاه گروهی از آنان از مردم [= مشرکان مکه] ترسیدند مانند ترس از خدا یا ترسی سخت‌تر. و گفتند: «پروردگارا، چرا بر ما کارزار مقرر داشتی؟ چرا ما را تا مدتی کوتاه مهلت ندادی؟» بگو: «بر خورداری [از این] دنیا اندک، و برای کسی که تقوا پیشه کرده، آخرت بهتر است، و [در آنجا]

به قدر نخ هسته خرمایی بر شما ستم نخواهد رفت.» (۷۸) هر کجا باشید، شما را مرگ درمی‌یابد؛ هر چند در بُرجهای استوار باشید. و اگر [پیشامد] خوبی به آنان برسد، می‌گویند: «این از جانب خداست»؛ و چون صدمه‌ای به ایشان برسد، می‌گویند: «این از طرف توست.» بگو: «همه از جانب خداست.» [آخر] این قوم را چه شده است که نمی‌خواهند سخنی را [درست] دریابند؟ (۷۹) هر چه از خوبیها به تو می‌رسد از جانب خداست؛ و آنچه از بدی به تو می‌رسد از خود توست؛ و تو را به پیامبری، برای مردم فرستادیم، و گواه بودن خدا بس است. (۸۰) هر کس از پیامبر فرمان برد، در حقیقت، خدا را فرمان برده؛ و هر کس رویگردان شود، ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم. (۸۱) و می‌گویند: فرمانبرداریم، ولی چون از نزد تو بیرون می‌روند، جمعی از آنان شبانه، جز آنچه تو می‌گویی تدبیر می‌کنند. و خدا آنچه را که شبانه در سر می‌پرورند، می‌نگارد. پس، از ایشان روی برتاب و بر خدا توکل کن، و خدا بس کارساز است. (۸۲) آیا در [معانی] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعاً در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند. (۸۳) و چون خبری [حاکمی] از ایمنی یا وحشت به آنان برسد، انتشارش دهند؛ و اگر آن را به پیامبر و اولیای امر خود ارجاع کنند، قطعاً از میان آنان کسانی‌اند که [می‌توانند درست و نادرست] آن را دریابند، و اگر فضل خدا و رحمت او بر شما نبود، مسلماً جز [شمار] اندکی، از شیطان پیروی می‌کردید. (۸۴) پس در راه خدا پیکار کن؛ جز عهده‌دار شخص خود نیستی. و [لی] مؤمنان را [به مبارزه] برانگیز. باشد که خداوند آسیب کسانی را که کفر ورزیده‌اند [از آنان] باز دارد، و خداست که قدرتش بیشتر و کيفرش سخت‌تر است. (۸۵) هر کس شفاعت پسندیده کند، برای وی از آن نصیبی خواهد بود و هر کس شفاعت ناپسندیده‌ای کند، برای او از آن [نیز] سهمی خواهد بود. و خدا همواره به هر چیزی تواناست. (۸۶) و چون به شما درود گفته شد، شما به [صورتی] بهتر از آن درود گویند، یا همان را [در پاسخ] برگردانید، که خدا همواره به هر چیزی حسابرس است. (۸۷) خداوند کسی است که هیچ معبودی جز او نیست. به یقین، در روز رستاخیز - که هیچ شکی در آن نیست - شما را گرد خواهد آورد، و راستگوتر از خدا در سخن کیست؟ (۸۸) شما را چه شده است که در باره منافقان، دو دسته شده‌اید؟ با اینکه خدا آنان را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند سرنگون کرده است. آیا می‌خواهید کسی را که خدا در گمراهی‌اش وانهاده است به راه آورید؟ و حال آنکه هر که را خدا در گمراهی‌اش وانهد هرگز راهی برای [هدایت] او نخواهی یافت. (۸۹) همان گونه که خودشان کافر شده‌اند، آرزو دارند [که شما نیز] کافر شوید، تا با هم برابر باشید. پس زنه‌ار، از میان ایشان برای خود، دوستانی اختیار مکنید تا آنکه در راه خدا هجرت کنند. پس اگر روی برتافتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان؛ و از ایشان یار و یآوری برای خود مگیرید. (۹۰) مگر کسانی که با گروهی که میان شما و میان آنان پیمانی است، پیوند داشته باشند، یا نزد شما بیایند در حالی که سینه آنان از جنگیدن با شما یا جنگیدن با قوم خود، به تنگ آمده باشد. و اگر خدا می‌خواست، قطعاً آنان را بر شما چیره می‌کرد و حتماً با شما می‌جنگیدند. پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما جنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است. (۹۱) به زودی، گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما آسوده خاطر و از قوم خود [نیز] ایمن باشند. هر بار که به فتنه بازگردانده شوند، سر در آن فرو می‌برند. پس اگر از شما کناره‌گیری نکردند و به شما پیشنهاد صلح نکردند و از شما دست برنداشتند، هر کجا آنان را یافتید به اسارت بگیرید و بکشیدشان. آنانند که ما برای شما علیه ایشان تسلطی آشکار قرار داده‌ایم. (۹۲) و هیچ مؤمنی را نسزد که مؤمنی را - جز به اشتباه - بکشد. و هر کس مؤمنی را به اشتباه کشت، باید بنده مؤمنی را آزاد و به خانواده او خوبها پرداخت کند؛ مگر اینکه آنان گذشت کنند. و اگر [مقتول] از گروهی است که دشمنان شمایند و [خود] وی مؤمن است، [قاتل] باید بنده مؤمنی را آزاد کند [و پرداخت خوبها لازم نیست]. و اگر [مقتول] از گروهی است که میان شما و میان آنان پیمانی است، باید به خانواده وی خوبها پرداخت نماید و بنده مؤمنی را آزاد کند. و هر کس [بنده] نیافت، باید دو ماه پیایی - به عنوان توبه‌ای از جانب خدا - روزه بدارد، و خدا همواره دانای سنجیده‌کار است. (۹۳) و هر کس عمداً مؤمنی را بکشد، کيفرش دوزخ است که در آن ماندگار خواهد بود؛ و خدا بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و عذابی بزرگ

برایش آماده ساخته است. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون در راه خدا سفر می‌کنید [خوب] رسیدگی کنید و به کسی که نزد شما [اظهار] اسلام می‌کند؛ مگویید: «تو مؤمن نیستی» [تا بدین بهانه] متاع زندگی دنیا را بجوید، چرا که غنیمتهای فراوان نزد خداست. قبلاً خودتان [نیز] همین گونه بودید، و خدا بر شما منت نهاد. پس خوب رسیدگی کنید، که خدا همواره به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۹۵) مؤمنان خانه‌نشین که زیان‌دیده نیستند با آن مجاهدانی که با مال و جان خود در راه خدا جهاد می‌کنند یکسان نمی‌باشند. خداوند، کسانی را که با مال و جان خود جهاد می‌کنند به درجه‌ای بر خانه‌نشینان مزیت بخشیده، و همه را خدا وعده [پاداش] نیکو داده، و [لی] مجاهدان را بر خانه‌نشینان به پاداشی بزرگ، برتری بخشیده است؛ (۹۶) [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات و آموزش و رحمتی از جانب او [نصیب آنان می‌شود]، و خدا آمرزنده مهربان است. (۹۷) کسانی که بر خویشتن ستمکار بوده‌اند، [وقتی] فرشتگان جانشان را می‌گیرند، می‌گویند: «در چه [حال] بودید؟» پاسخ می‌دهند: «ما در زمین از مستضعفان بودیم.» می‌گویند: «مگر زمین خدا وسیع نبود تا در آن مهاجرت کنید؟» پس آنان جایگاهشان دوزخ است، و [دوزخ] بد سرانجامی است. (۹۸) مگر آن مردان و زنان و کودکان فرودستی که چاره‌جویی نتوانند و راهی نیابند. (۹۹) پس آنان [که فی الجمله عذری دارند] باشد که خدا از ایشان درگذرد، که خدا همواره خطابخش و آمرزنده است. (۱۰۰) و هر که در راه خدا هجرت کند، در زمین اقامتگاه‌های فراوان و گشایشها خواهد یافت؛ و هر کس [به قصد] مهاجرت در راه خدا و پیامبر او، از خانه‌اش به درآید، سپس مرگش دررسد، پاداش او قطعاً بر خداست، و خدا آمرزنده مهربان است. (۱۰۱) و چون در زمین سفر کردید، اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، چرا که کافران پیوسته برای شما دشمنی آشکارند. (۱۰۲) و هر گاه در میان ایشان بودی و برایشان نماز برپا داشتی، پس باید گروهی از آنان با تو [به نماز] ایستند؛ و باید جنگ‌افزارهای خود را برگیرند؛ و چون به سجده رفتند [و نماز را تمام کردند]، باید پشت سر شما قرار گیرند، و گروه دیگری که نماز نکرده‌اند باید بیایند و با تو نماز گزارند و البته جانب احتیاط را فرو نگذارند و جنگ‌افزارهای خود را برگیرند. [زیرا] کافران آرزو می‌کنند که شما از جنگ‌افزارها و ساز و برگ خود غافل شوید تا ناگهان بر شما یورش برند. و اگر از باران در زحمتید، یا بیمارید، گناهی بر شما نیست که جنگ‌افزارهای خود را بر زمین نهید، ولی مواظب خود باشید. بی گمان، خدا برای کافران عذاب خفت‌آوری آماده کرده است. (۱۰۳) و چون نماز را به جای آوردید، خدا را [در همه حال] ایستاده و نشسته و بر پهلو آرمیده، یاد کنید. پس چون آسوده‌خاطر شدید، نماز را [به طور کامل] به پا دارید، زیرا نماز بر مؤمنان، در اوقات معین مقرر شده است. (۱۰۴) و در تعقیب گروه [دشمنان] سستی نورزید. اگر شما درد می‌کشید، آنان [نیز] همان گونه که شما درد می‌کشید، درد می‌کشند، و حال آنکه شما چیزهایی از خدا امید دارید که آنها امید ندارند، و خدا همواره دانای سنجیده کار است. (۱۰۵) ما این کتاب را به حق بر تو نازل کردیم، تا میان مردم به [موجب] آنچه خدا به تو آموخته دآوری کنی، و زنهار جانبدار خیانتکاران مباش. (۱۰۶) و از خدا آموزش بخواه، که خدا آمرزنده مهربان است. (۱۰۷) و از کسانی که به خویشتن خیانت می‌کنند دفاع مکن، که خداوند هر کس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد. (۱۰۸) [کارهای ناروای خود را] از مردم پنهان می‌دارند، و [لی نمی‌توانند] از خدا پنهان دارند، و چون شبانگاه به چاره‌اندیشی می‌پردازند و سخنانی می‌گویند که وی [بدان] خشود نیست، او با آنان است. و خدا به آنچه انجام می‌دهند همواره احاطه دارد. (۱۰۹) هان، شما همانان هستید که در زندگی دنیا از ایشان جانبداری کردید، پس چه کسی روز رستاخیز از آنان در برابر خدا جانبداری خواهد کرد؟ یا چه کسی حمایتگر [و مدافع] آنان تواند بود؟ (۱۱۰) و هر کس کار بدی کند، یا بر خویشتن ستم ورزد؛ سپس از خدا آموزش بخواهد، خدا را آمرزنده مهربان خواهد یافت. (۱۱۱) و هر کس گناهی مرتکب شود، فقط آن را به زیان خود مرتکب شده، و خدا همواره دانای سنجیده کار است. (۱۱۲) و هر کس خطا یا گناهی مرتکب شود؛ سپس آن را به بی‌گناهی نسبت دهد، قطعاً بهتان و گناه آشکاری بر دوش کشیده است. (۱۱۳) و اگر فضل خدا و رحمت او بر تو نبود، طایفه‌ای از ایشان آهنگ آن داشتند که تو را از راه به در کنند، و [لی] جز خودشان [کسی] را گمراه نمی‌سازند، و هیچ گونه

زیانی به تو نمی‌رسانند. و خدا کتاب و حکمت بر تو نازل کرد و آنچه را نمی‌دانستی به تو آموخت، و تفضل خدا بر تو همواره بزرگ بود. (۱۱۴) در بسیاری از رازگوییهای ایشان خیری نیست، مگر کسی که [بدین وسیله] به صدقه یا کار پسندیده یا سازشی میان مردم، فرمان دهد. و هر کس برای طلب خشنودی خدا چنین کند، به زودی او را پاداش بزرگی خواهیم داد. (۱۱۵) و هر کس، پس از آنکه راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد، و [راهی] غیر راه مؤمنان در پیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم و به دوزخش کشانیم، و چه بازگشتگاه بدی است. (۱۱۶) خداوند، این را که به او شرک آورده شود، نمی‌آمرزد؛ و فروتر از آن را بر هر که بخواهد می‌بخشاید. و هر کس به خدا شرک ورزد، قطعاً دچار گمراهی دور و درازی شده است. (۱۱۷) [مشرکان]، به جای او، جز بتهای مادینه را [به دعا] نمی‌خوانند، و جز شیطان سرکش را نمی‌خوانند. (۱۱۸) خدا لعنتش کند، [وقتی که] گفت: «بی‌گمان، از میان بندگانت نصیبی معین [برای خود] برخوردارم گرفت. (۱۱۹) و آنان را سخت گمراه و دچار آرزوهای دور و دراز خواهم کرد، و وادارشان می‌کنم تا گوشهای دامها را شکاف دهند، و وادارشان می‌کنم تا آفریده خدا را دگرگون سازند.» و [لی] هر کس به جای خدا، شیطان را دوست [خدا] گیرد، قطعاً دستخوش زیان آشکاری شده است. (۱۲۰) [آری]، شیطان به آنان وعده می‌دهد، و ایشان را در آرزوها می‌افکند، و جز فریب به آنان وعده نمی‌دهد. (۱۲۱) آنان جایگاهشان جهنم است، و از آن راه گریزی ندارند. (۱۲۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به زودی آنان را در بوستانهایی که از زیر [درختان] آن، نه‌رها روان است درآوریم. همیشه در آن جاودانند. وعده خدا راست است و چه کسی در سخن، از خدا راستگوتر است؟ (۱۲۳) [پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست؛ هر کس بدی کند، در برابر آن کیفر می‌بیند، و جز خدا برای خود یار و مددکاری نمی‌یابد. (۱۲۴) و کسانی که کارهای شایسته کنند -چه مرد باشند یا آن- در حالی که مؤمن باشند، آنان داخل بهشت می‌شوند، و به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند. (۱۲۵) و دین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کرده و نیکوکار است و از آیین ابراهیم حق‌گرا پیروی نموده است؟ و خدا ابراهیم را دوست گرفت. (۱۲۶) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست، و خدا همواره بر هر چیزی احاطه دارد. (۱۲۷) و در باره آنان، رأی تو را می‌پرسند. بگو: «خدا در باره آنان به شما فتوا می‌دهد، و [نیز] در باره آنچه در قرآن بر شما تلاوت می‌شود: در مورد زنان یتیمی که حق مقرر آنان را به ایشان نمی‌دهید و تمایل به ازدواج با آنان دارید، و [در باره] کودکان ناتوان و اینکه با یتیمان [چگونه] به داد رفتار کنید [پاسخگر شماست]»، و هر کار نیکی انجام دهید، قطعاً خدا به آن داناست. (۱۲۸) و اگر زنی از شوهر خویش بیم ناسازگاری یا رویگردانی داشته باشد، بر آن دو گناهی نیست که از راه صلح با یکدیگر، به آشتی گرایند؛ که سازش بهتر است. و [لی] بخل [و بی‌گذشت بودن]، در نفوس، حضور [و غلبه] دارد؛ و اگر نیکی کنید و پرهیزگاری پیشه نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۲۹) و شما هرگز نمی‌توانید میان زنان عدالت کنید هر چند [بر عدالت] حریص باشید! پس به یک طرف یکسره تمایل نورزید تا آن [زن دیگر] را سرگشته [=بلا تکلیف] رها کنید. و اگر سازش نمایید و پرهیزگاری کنید، یقیناً خدا آمرزنده مهربان است. (۱۳۰) و اگر آن دو، از یکدیگر جدا شوند، خداوند هر یک را از گشایش خود بی‌نیاز گرداند، و خدا همواره گشایشگر حکیم است. (۱۳۱) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، از آن خداست. و ما به کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده، و [نیز] به شما سفارش کردیم که از خدا پروا کنید. و اگر کفر ورزید [چه باک؟] که [آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست، و خدا بی‌نیاز ستوده] صفات است. (۱۳۲) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن خداست، و خدا بس کارساز است. (۱۳۳) ای مردم، اگر [خدا] بخواهد، شما را [از میان] می‌برد و دیگران را [پدید] می‌آورد، و خدا بر این [کار] تواناست. (۱۳۴) هر کس پاداش دنیا بخواهد، پاداش دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوای بیناست. (۱۳۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پیوسته به عدالت قیام کنید و برای خدا گواهی دهید، هر چند به زیان خودتان یا [به زیان] پدر و مادر و خویشاوندان [شما] باشد. اگر [یکی از دو طرف دعوا] توانگر یا نیازمند باشد، باز خدا به آن دو [از شما

[سزاوارتر است؛ پس، از پی هوس نروید که [در نتیجه از حق] عدول کنید. و اگر به انحراف گرایید یا اعراض نمایید، قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۱۳۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد، و کتابهایی که قبلاً نازل کرده بگروید؛ و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد، در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است. (۱۳۷) کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند؛ آنگاه به کفر خود افزودند، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود. (۱۳۸) به منافقان خبر ده که عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. (۱۳۹) همانان که غیر از مؤمنان، کافران را دوستان [خود] می‌گیرند. آیا سربلندی را نزد آنان می‌جویند؟ [این خیالی خام است،] چرا که عزت، همه از آن خداست. (۱۴۰) و البتّه [خدا] در کتاب [قرآن] بر شما نازل کرده که: هر گاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و ریشخند قرار می‌گیرد، با آنان منشینید تا به سخنی غیر از آن درآیند، چرا که در این صورت شما هم مثل آنان خواهید بود. خداوند، منافقان و کافران را همگی در دوزخ گرد خواهد آورد. (۱۴۱) همانان که مترصد شمایند؛ پس اگر از جانب خدا به شما فتحی برسد، می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟» و اگر برای کافران نصیبی باشد، می‌گویند: «مگر ما بر شما تسلط نداشتیم و شما را از [ورود در جمع] مؤمنان باز نمی‌داشتیم؟» پس خداوند، روز قیامت میان شما داوری می‌کند؛ و خداوند هرگز بر [زبان] مؤمنان، برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است. (۱۴۲) منافقان، با خدا نیرنگ می‌کنند، و حال آنکه او با آنان نیرنگ خواهد کرد؛ و چون به نماز ایستند با کسالت برخیزند. با مردم ریا می‌کنند و خدا را جز اندکی یاد نمی‌کنند. (۱۴۳) میان آن [دو گروه] دو دلند؛ نه با اینانند و نه با آنان. و هر که را خدا گمراه کند، هرگز راهی برای [نجات] او نخواهی یافت. (۱۴۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به جای مؤمنان، کافران را به دوستی خود مگیرید. آیا می‌خواهید علیه خود حجّتی روشن برای خدا قرار دهید؟ (۱۴۵) آری، منافقان در فروترین درجات دوزخند، و هرگز برای آنان یابوری نخواهی یافت. (۱۴۶) مگر کسانی که توبه کردند و [عمل خود را] اصلاح نمودند و به خدا تمسک جستند و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند که [در نتیجه] آنان با مؤمنان خواهند بود، و به زودی خدا مؤمنان را پاداشی بزرگ خواهد بخشید. (۱۴۷) اگر سپاس بدارید و ایمان آورید، خدا می‌خواهد با عذاب شما چه کند؟ و خدا همواره سپاس‌پذیر [=حق‌شناس] داناست. (۱۴۸) خداوند، بانگ برداشتن به بدزبانی را دوست ندارد، مگر [از] کسی که بر او ستم رفته باشد، و خدا شنوای داناست. (۱۴۹) اگر خیری را آشکار کنید یا پنهانش دارید، یا از بدی در گذرید، پس خدا در گذرنده تواناست. (۱۵۰) کسانی که به خدا و پیامبرانش کفر می‌ورزند، و می‌خواهند میان خدا و پیامبران او جدایی اندازند، و می‌گویند: «ما به بعضی ایمان داریم و بعضی را انکار می‌کنیم» و می‌خواهند میان این [دو]، راهی برای خود اختیار کنند، (۱۵۱) آنان در حقیقت کافرنند؛ و ما برای کافران عذابی خفّت آور آماده کرده‌ایم. (۱۵۲) و کسانی که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده و میان هیچ کدام از آنان فرق نمی‌گذارند، به زودی [خدا] پاداش آنان را عطا می‌کند، و خدا آمرزنده مهربان است. (۱۵۳) اهل کتاب از تو می‌خواهند که کتابی از آسمان [یکباره] بر آنان فرود آوری. البتّه از موسی بزرگتر از این را خواستند و گفتند: «خدا را آشکارا به ما بنمای.» پس به سزای ظلمشان صاعقه آنان را فرو گرفت. سپس، بعد از آنکه دلایل آشکار برایشان آمد، گوساله را [به پرستش] گرفتند، و ما از آن هم در گذشتیم و به موسی برهانی روشن عطا کردیم. (۱۵۴) و کوه طور را به یادبود پیمان [با] آنان، بالای سرشان افراشته داشتیم؛ و به آنان گفتیم: «سجده کنان از در درآید» و [نیز] به آنان گفتیم: «در روز شنبه تجاوز مکنید.» و از ایشان پیمانی استوار گرفتیم. (۱۵۵) پس به [سزای] پیمان‌شکنی‌شان، و انکارشان نسبت به آیات خدا، و کشتار ناحق آنان [از] انبیا، و گفتارشان که: «دلهای ما در غلاف است» [لعنتشان کردیم] بلکه خدا به خاطر کفرشان بر دلهایشان مهر زده و در نتیجه جز شماری اندک [از ایشان] ایمان نمی‌آورند. (۱۵۶) و [نیز] به سزای کفرشان و آن تهمت بزرگی که به مریم زدند، (۱۵۷) و گفته ایشان که: «ما مسیح، عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم»، و حال آنکه آنان او را نکشتند و مصلوبش نکردند، لیکن امر بر آنان مشتبه شد؛ و کسانی که در باره او اختلاف کردند، قطعاً در مورد آن دچار شکّ

شده‌اند و هیچ علمی بدان ندارند، جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند، و یقیناً او را نکشتند. (۱۵۸) بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد، و خدا توانا و حکیم است. (۱۵۹) و از اهل کتاب، کسی نیست مگر آنکه پیش از مرگ خود حتماً به او ایمان می‌آورد، و روز قیامت [عیسی نیز] بر آنان شاهد خواهد بود. (۱۶۰) پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا باز داشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود حرام گردانیدیم؛ (۱۶۱) و [به سبب] رباگرفتنشان - با آنکه از آن نهی شده بودند - و به ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم. (۱۶۲) لیکن راسخانِ آنان در دانش، و مؤمنان، به آنچه بر تو نازل شده و به آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان دارند و خوشا بر نمازگزاران، و زکات‌دهندگان و ایمان‌آوردگان به خدا و روز بازپسین که به زودی به آنان پاداشی بزرگ خواهیم داد. (۱۶۳) ما همچنانکه به نوح و پیامبران بعد از او، وحی کردیم، به تو [نیز] وحی کردیم؛ و به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان [نیز] وحی نمودیم، و به داوود زبور بخشیدیم. (۱۶۴) و پیامبرانی [را فرستادیم] که در حقیقت [ماجرای] آنان را قبلاً بر تو حکایت نمودیم؛ و پیامبرانی [را نیز برانگیخته‌ایم] که [سرگذشت] ایشان را بر تو بازگو نکرده‌ایم. و خدا با موسی آشکارا سخن گفت. (۱۶۵) پیامبرانی که بشارتگر و هشداردهنده بودند، تا برای مردم، پس از [فرستادن] پیامبران، در مقابل خدا [بهبانه و] حجتی نباشد، و خدا توانا و حکیم است. (۱۶۶) لیکن خدا به [حقانیت] آنچه بر تو نازل کرده است گواهی می‌دهد. [او] آن را به علم خویش نازل کرده است؛ و فرشتگان [نیز] گواهی می‌دهند. و کافی است خدا گواه باشد. (۱۶۷) بی‌تردید، کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند. (۱۶۸) کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، خدا بر آن نیست که آنان را بیامرزد و به راهی هدایت کند، (۱۶۹) مگر راه جهنم، که همیشه در آن جاودانند؛ و این [کار] برای خدا آسان است. (۱۷۰) ای مردم، آن پیامبر [موعود]، حقیقت را از سوی پروردگارتان برای شما آورده است. پس ایمان بیاورید که برای شما بهتر است. و اگر کافر شوید [بدانید که] آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، و خدا دانای حکیم است. (۱۷۱) ای اهل کتاب، در دین خود غلو مکنید، و در باره خدا جز [سخن] درست مگویید. مسیح، عیسی بن مریم، فقط پیامبر خدا و کلمه اوست که آن را به سوی مریم افکنده و روحی از جانب اوست. پس به خدا و پیامبرانش ایمان بیاورید و نگوئید [خدا] سه‌گانه است. باز ایستید که برای شما بهتر است. خدا فقط معبودی یگانه است. منزّه از آن است که برای او فرزندی باشد. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و خداوند بس کارساز است. (۱۷۲) مسیح از اینکه بنده خدا باشد هرگز ابا نمی‌ورزد، و فرشتگان مقرب [نیز ابا ندارند]؛ و هر کس از پرستش او امتناع ورزد و بزرگی فروشد، به زودی همه آنان را به سوی خود گرد می‌آورد. (۱۷۳) اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پاداششان را به تمام [و کمال] خواهد داد، و از فضل خود به ایشان افزونتر می‌بخشد. و اما کسانی که امتناع ورزیده و بزرگی فروخته‌اند، آنان را به عذابی دردناک دچار می‌سازد و در برابر خدا برای خود یار و یآوری نخواهند یافت. (۱۷۴) ای مردم، در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهانی آمده است، و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستاده‌ایم. (۱۷۵) و اما کسانی که به خدا گرویدند و به او تمسک جستند، به زودی [خدا] آنان را در جوار رحمت و فضلی از جانب خویش درآورد، و ایشان را به سوی خود، به راهی راست هدایت کند. (۱۷۶) از تو [در باره کلاله] فتوا می‌طلبند؛ بگو: «خدا در باره کلاله فتوا می‌دهد: اگر مردی بمیرد و فرزندی نداشته باشد، و خواهری داشته باشد، نصف میراث از آن اوست. و آن [مرد نیز] از او ارث می‌برد، اگر برای او [=خواهر] فرزندی نباشد. پس اگر [ورثه فقط] دو خواهر باشند، دو سوم میراث برای آن دو است، و اگر [چند] خواهر و برادرند، پس نصیب مرد، مانند نصیب دو زن است. خدا برای شما توضیح می‌دهد تا مبادا گمراه شوید، و خداوند به هر چیزی داناست. (۱۷۷)

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید. برای شما [گوشت] چارپایان حلال گردیده، جز آنچه [حکمش] بر شما خوانده می‌شود، در حالی که نباید شکار را در حال احرام، حلال بشمرید. خدا هر چه بخواهد فرمان می‌دهد. (۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حرمت شعایر خدا، و ماه حرام، و قربانی بی‌نشان، و قربانیهای گردن‌بنددار، و راهیان بیت الحرام را که فضل و خشنودی پروردگار خود را می‌طلبند، نگه دارید. و چون از احرام بیرون آمدید [می‌توانید] شکار کنید، و البته نباید کینه‌توزی گروهی که شما را از مسجد الحرام باز داشتند، شما را به تعدی وادارد. و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است. (۳) بر شما حرام شده است: مردار، و خون، و گوشت خوک، و آنچه به نام غیر خدا کشته شده باشد، و [حیوان حلال گوشت] خفه شده، و به چوب مرده، و از بلندی افتاده، و به ضرب شاخ مرده، و آنچه درنده از آن خورده باشد - مگر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید - و [همچنین] آنچه برای بتان سربریده شده، و [نیز] قسمت کردن شما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه؛ این [کارها همه] نافرمانی [خدا] است. امروز کسانی که کافر شده‌اند، از [کارشکنی در] دین شما نومید گردیده‌اند. پس، از ایشان مترسید و از من بترسید. امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام گردانیدم، و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم. و هر کس دچار گرسنگی شود، بی‌آنکه به گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد]، بی‌تردید، خدا آمرزنده مهربان است. (۴) از تو می‌پرسند: چه چیزی برای آنان حلال شده است؟ بگو: «چیزهای پاکیزه برای شما حلال گردیده و [نیز صید] حیوانات شکارگر که شما بعنوان مریبان سگهای شکاری، از آنچه خدایتان آموخته، به آنها تعلیم داده‌اید [برای شما حلال شده است]. پس از آنچه آنها برای شما گرفته و نگاه داشته‌اند بخورید، و نام خدا را بر آن ببرید، و پروای خدا بدارید که خدا زودشمار است. (۵) امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است از دواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هر کس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به [عزم] نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشوید؛ و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین [هر دو پا] مسح کنید؛ و اگر جنب‌اید خود را پاک کنید [=غسل نمایید]؛ و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید؛ پس با خاک پاک تیمم کنید، و از آن به صورت و دستهایتان بکشید. خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک، و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس [او] بدارید. (۷) و نعمتی را که خدا بر شما ارزانی داشته و [نیز] پیمانی را که شما را به [انجام] آن متعهد گردانیده، به یاد آورید، آنگاه که گفتید: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» و از خدا پروا دارید که خدا به راز دلها آگاه است. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، برای خدا به داد برخیزید [و] به عدالت شهادت دهید، و البته نباید دشمنی گروهی شما را بر آن دارد که عدالت نکنید. عدالت کنید که آن به تقوا نزدیکتر است، و از خدا پروا دارید، که خدا به آنچه انجام می‌دهید آگاه است. (۹) خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به آمرزش و پاداشی بزرگ وعده داده است. (۱۰) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ انگاشتند، آنان اهل دوزخند. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود، یاد کنید: آنگاه که قومی آهنگ آن داشتند که بر شما دست یازند، و [خدا] دستشان را از شما کوتاه داشت. و از خدا پروا دارید، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند. (۱۲) در حقیقت، خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت. و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم. و خدا فرمود: «من با شما هستم.» اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید، قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم، و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم. پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد، در حقیقت از راه راست

گمراه شده است. (۱۳) پس به [سزای] پیمان شکستشان لعنتشان کردیم و دلهایشان را سخت گردانیدیم. [به طوری که] کلمات را از مواضع خود تحریف می‌کنند، و بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند به فراموشی سپردند. و تو همواره بر خیانتی از آنان آگاه می‌شوی، مگر [شماری] اندک از ایشان [که خیانتکار نیستند]. پس، از آنان در گذر و چشم پوشی کن که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد. (۱۴) و از کسانی که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، از ایشان [نیز] پیمان گرفتیم، و [لی] بخشی از آنچه را بدان اندرز داده شده بودند فراموش کردند، و ما [هم] تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنیدیم، و به زودی خدا آنان را از آنچه می‌کرده‌اند [و می‌ساخته‌اند] خبر می‌دهد. (۱۵) ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب [آسمانی خود] را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند، و از بسیاری [خطاهای شما] درمی‌گذرد. قطعاً برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است. (۱۶) خدا هر که را از خشنودی او پیروی کند، به وسیله آن [کتاب] به راه‌های سلامت رهنمون می‌شود، و به توفیق خویش، آنان را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون می‌برد و به راهی راست هدایتشان می‌کند. (۱۷) کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است» مسلماً کافر شده‌اند. بگو: اگر [خدا] اراده کند که مسیح پسر مریم و مادرش و هر که را که در زمین است، جملگی به هلاکت رساند، چه کسی در مقابل خدا اختیاری دارد؟ فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن خداست. هر چه بخواهد می‌آفریند، و خدا بر هر چیزی تواناست. (۱۸) و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند؟ عنه،] بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است. هر که را بخواهد می‌آمزد، و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی اوست.» (۱۹) ای اهل کتاب، پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان [حقایق را] برای شما بیان می‌کند، تا مبادا [روز قیامت] بگویید: «برای ما بشارتگر و هشداردهنده‌ای نیامد.» پس قطعاً برای شما بشارتگر و هشداردهنده‌ای آمده است. و خدا بر هر چیزی تواناست. (۲۰) و [یاد کن] زمانی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، نعمت خدا را بر خود یاد کنید، آنگاه که در میان شما پیامبرانی قرار داد، و شما را پادشاهانی ساخت، و آنچه را که به هیچ کس از جهانیان نداده بود، به شما داد.» (۲۱) «ای قوم من، به سرزمین مقدسی که خداوند برای شما مقرر داشته است در آید، و به عقب بازنگردید که زیانکار خواهید شد.» (۲۲) گفتند: «ای موسی، در آنجا مردمی زورمندند و تا آنان از آنجا بیرون نروند ما هرگز وارد آن نمی‌شویم. پس اگر از آنجا بیرون بروند ما وارد خواهیم شد.» (۲۳) دو مرد از [زمره] کسانی که [از خدا] می‌ترسیدند و خدا به آنان نعمت داده بود، گفتند: «از آن دروازه بر ایشان [بتازید و] وارد شوید؛ که اگر از آن، در آمدید قطعاً پیروز خواهید شد، و اگر مؤمنید، به خدا توکل کنید.» (۲۴) گفتند: «ای موسی، تا وقتی آنان در آن [شهر] اند ما هرگز پای در آن ننهیم. تو و پروردگارت برو [ید] و جنگ کنید که ما همین جا می‌نشینیم.» (۲۵) [موسی] گفت: «پروردگارا! من جز اختیار شخص خود و برادرم را ندارم؛ پس میان ما و میان این قوم نافرمان جدایی بینداز.» (۲۶) [خدا به موسی] فرمود: «[ورود به] آن [سرزمین] چهل سال بر ایشان حرام شد، [که] در بیابان سرگردان خواهند بود. پس تو بر گروه نافرمانان اندوه مخور.» (۲۷) و داستان دو پسر آدم را به درستی بر ایشان بخوان، هنگامی که [هر یک از آن دو] قربانی پیش داشتند. پس، از یکی از آن دو پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. [قابیل] گفت: «حتماً تو را خواهم کشت.» [هابیل] گفت: «خدا فقط از تقوای پیشگان می‌پذیرد.» (۲۸) «اگر دست خود را به سوی من دراز کنی تا مرا بکشی، من دستم را به سوی تو دراز نمی‌کنم تا تو را بکشم، چرا که من از خداوند، پروردگار جهانیان می‌ترسم.» (۲۹) «من می‌خواهم تو با گناه من و گناه خودت [به سوی خدا] بازگردی، و در نتیجه از اهل آتش باشی، و این است سزای ستمگران.» (۳۰) پس نفس [اماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد، و وی را کشت و از زیانکاران شد. (۳۱) پس، خدا زاغی را برانگیخت که زمین را می‌کاوید، تا به او نشان دهد چگونه جسد برادرش را پنهان کند. [قابیل] گفت: «وای بر من، آیا عاجزم که مثل این زاغ باشم تا جسد برادرم را پنهان کنم؟» پس از [زمره] پشیمانان گردید. (۳۲) از این روی بر فرزندان اسرائیل مقرر

داشتیم که هر کس کسی را -جز به قصاص قتل، یا [به کیفر] فسادی در زمین- بکشد، چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد. و هر کس کسی را زنده بدارد، چنان است که گویی تمام مردم را زنده داشته است. و قطعاً پیامبران ما دلایل آشکار برای آنان آوردند، [با این همه] پس از آن بسیاری از ایشان در زمین زنده روی می کنند. (۳۳) سزای کسانی که با [دوستداران] خدا و پیامبر او می جنگند و در زمین به فساد می کوشند، جز این نیست که کشته شوند یا بر دار آویخته گردند یا دست و پایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود یا از آن سرزمین تبعید گردند. این، رسوایی آنان در دنیاست و در آخرت عذابی بزرگ خواهند داشت. (۳۴) مگر کسانی که پیش از آنکه بر ایشان دست یابید، توبه کرده باشند. پس بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. (۳۵) ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا پروا کنید؛ و به او [توسل و] تقرب جوید؛ و در راهش جهاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۳۶) در حقیقت، کسانی که کفر ورزیدند، اگر تمام آنچه در زمین است برای آنان باشد، و مثل آن را [نیز] با آن [داشته باشند] تا به وسیله آن، خود را از عذاب روز قیامت بازخرند، از ایشان پذیرفته نمی شود و عذابی پر درد خواهند داشت. (۳۷) می خواهند که از آتش بیرون آیند، در حالی که از آن بیرون آمدنی نیستند، و برای آنان عذابی پایدار خواهد بود. (۳۸) و مرد و زن دزد را به سزای آنچه کرده اند، دستشان را به عنوان کیفری از جانب خدا ببرید، و خداوند توانا و حکیم است. (۳۹) پس هر که بعد از ستم کردنش توبه کند و به صلاح آید، خدا توبه او را می پذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است. (۴۰) مگر ندانسته ای که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست. هر که را بخواهد عذاب می کند و هر که را بخواهد می بخشد، و خدا بر هر چیزی تواناست؟ (۴۱) ای پیامبر، کسانی که در کفر شتاب می ورزند، تو را غمگین نسازند؛ [چه] از آنانکه با زبان خود گفتند: «ایمان آوردیم»، و حال آنکه دلهايشان ایمان نیاورده بود، و [چه] از یهودیان: [آنان] که [به سخنان تو] گوش می سپارند [تا بهانه ای] برای تکذیب [تو بیابند]، و برای گروهی دیگر که [خود] نزد تو نیامده اند، خبرچینی [=جاسوسی] می کنند، کلمات را از جاهای خود دگرگون می کنند [و] می گویند: «اگر این [حکم] به شما داده شد، آن را بپذیرید، و اگر آن به شما داده نشد، پس دوری کنید.» و هر که را خدا بخواهد به فتنه درافکند، هرگز در برابر خدا برای او از دست تو چیزی بر نمی آید. اینانند که خدا نخواستند دلهايشان را پاک گرداند. در دنیا برای آنان رسوایی، و در آخرت عذابی بزرگ خواهد بود. (۴۲) پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می خورند. پس اگر نزد تو آمدند، [یا] میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب. و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید. و اگر داوری می کنی، پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می دارد. (۴۳) و چگونه تو را داور قرار می دهند، با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا [آمده] است؟ سپس آنان بعد از این [طلب داوری] پشت می کنند، و [واقعاً] آنان مؤمن نیستند. (۴۴) ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم. پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند، به موجب آن برای یهود داوری می کردند؛ و [همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند. پس، از مردم نترسید و از من بترسید، و آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید؛ و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود کافراند. (۴۵) و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان، و چشم در برابر چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در برابر گوش، و دندان در برابر دندان می باشد؛ و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند. و هر که از آن [قصاص] درگذرد، پس آن، کفار [گناهان] او خواهد بود. و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند، آنان خود ستمگراند. (۴۶) و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان [=پیامبران دیگر] در آوردیم، در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت، و به او انجیل را عطا کردیم که در آن، هدایت و نوری است و تصدیق کننده تورات قبل از آن است، و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است. (۴۷) و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند، و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند، آنان خود، نافرمانند. (۴۸) و ما این کتاب [=قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم، در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست. پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده

حکم کن، و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده، پیروی مکن. برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم. و اگر خدا می‌خواست شما را یک امت قرار می‌داد، ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید. بازگشت [همه] شما به سوی خداست؛ آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاهتان خواهد کرد. (۴۹) و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده، داوری کن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش؛ مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازند. پس اگر پشت کردند، بدان که خدا می‌خواهد آنان را فقط به [سزای] پاره‌ای از گناهانشان برساند، و در حقیقت بسیاری از مردم نافرمانند. (۵۰) آیا خواستار حکم جاهلیت‌اند؟ و برای مردمی که یقین دارند، داوری چه کسی از خدا بهتر است؟ (۵۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یهود و نصاری را دوستان [خود] مگیرید [که] بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هر کس از شما آنها را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود. آری، خدا گروه ستمگران را راه نمی‌نماید. (۵۲) می‌بینی کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، در [دوستی] با آنان شتاب می‌ورزند. می‌گویند: «می‌ترسیم به ما حادثه ناگواری برسد.» امید است خدا از جانب خود فتح [منظور] یا امر دیگری را پیش آورد، تا [در نتیجه آنان] از آنچه در دل خود نهفته داشته‌اند پشیمان گردند. (۵۳) و کسانی که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «آیا اینان بودند که به خداوند سوگندهای سخت می‌خوردند که جداً با شما هستند؟» اعمالشان تباه شد و زیانکار گردیدند. (۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد و آنان [نیز] او را دوست دارند. [اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند. در راه خدا جهاد می‌کنند و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌ترسند. این فضل خداست. آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست. (۵۵) ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌دهند. (۵۶) و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیرومنداند. (۵۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، کسانی را که دین شما را به ریشخند و بازی گرفته‌اند [چه] از کسانی که پیش از شما به آنان کتاب داده شده و [چه از] کافران، دوستان [خود] مگیرید، و اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید. (۵۸) و هنگامی که [به وسیله اذان، مردم را] به نماز می‌خوانید، آن را به مسخره و بازی می‌گیرند، زیرا آنان مردمی‌اند که نمی‌اندیشند. (۵۹) بگو: «ای اهل کتاب، آیا جز این بر ما عیب می‌گیرید که ما به خدا و به آنچه به سوی ما نازل شده، و به آنچه پیش از این فرود آمده است ایمان آورده‌ایم، و اینکه بیشتر شما فاسقید؟» (۶۰) بگو: «آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا، خبر دهم؟ همانان که خدا لعنتشان کرده و بر آنان خشم گرفته و از آنان بوزینگان و خوکان پدید آورده، و آنانکه طاغوت را پرستش کرده‌اند. اینانند که از نظر منزلت، بدتر، و از راه راست گمراه‌ترند.» (۶۱) و چون نزد شما می‌آیند، می‌گویند: «ایمان آوردیم.» در حالی که با کفر وارد شده و قطعاً با همان [کفر] بیرون رفته‌اند. و خدا به آنچه پنهان می‌داشتند داناتر است. (۶۲) و بسیاری از آنان را می‌بینی که در گناه و تعدی و حرام‌خواری خود شتاب می‌کنند. واقعاً چه اعمال بدی انجام می‌دادند. (۶۳) چرا الهیون و دانشمندان، آنان را از گفتار گناه [آلود] و حرام‌خواری‌شان باز نمی‌دارند؟ راستی چه بد است آنچه انجام می‌دادند. (۶۴) و یهود گفتند: «دست خدا بسته است.» دستهای خودشان بسته باد. و به [سزای] آنچه گفتند، از رحمت خدا دور شوند. بلکه هر دو دست او گشاده است، هر گونه بخواهد می‌بخشد. و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو فرود آمده، بر طغیان و کفر بسیاری از ایشان خواهد افزود، و تا روز قیامت میانشان دشمنی و کینه افکنندیم. هر بار که آتشی برای پیکار برافروختند، خدا آن را خاموش ساخت. و در زمین برای فساد می‌کوشند. و خدا مفسدان را دوست نمی‌دارد. (۶۵) و اگر اهل کتاب ایمان آورده و پرهیزگاری کرده بودند، قطعاً گناهانشان را می‌زدودیم و آنان را به بوستانهای پر نعمت درمی‌آوردیم. (۶۶) و اگر آنان به تورات و انجیل و آنچه از جانب پروردگارشان به سویشان نازل شده است، عمل می‌کردند، قطعاً از بالای سرشان [برکات آسمانی] و از زیر پاهایشان [برکات زمینی] برخوردار می‌شدند. از میان آنان گروهی میانه‌رو هستند، و بسیاری از ایشان بد رفتار

می‌کنند. (۶۷) ای پیامبر، آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن؛ و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای. و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد. آری، خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۶۸) بگو: «ای اهل کتاب، تا [هنگامی که] به تورات و انجیل و آنچه از پروردگارتان به سوی شما نازل شده است عمل نکرده‌اید بر هیچ [آیین بر حقی] نیستید.» و قطعاً آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، بر طغیان و کفر بسیاری از آنان خواهد افزود. پس بر گروه کافران اندوه مخور. (۶۹) کسانی که ایمان آورده و کسانی که یهودی و صابئی و مسیحی‌اند، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آورد و کار نیکو کند، پس نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین خواهند شد. (۷۰) ما از فرزندان اسرائیل سخت پیمان گرفتیم، و به سویشان پیامبرانی روانه کردیم. هر بار پیامبری چیزی بر خلاف دلخواهشان برایشان آورد، گروهی را تکذیب می‌کردند و گروهی را می‌کشتند. (۷۱) و پنداشتند کیفری در کار نیست. پس کور و کر شدند. سپس خدا توبه آنان را پذیرفت. باز بسیاری از ایشان کور و کر شدند، و خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (۷۲) کسانی که گفتند: «خدا همان مسیح پسر مریم است»، قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه مسیح، می‌گفت: «ای فرزندان اسرائیل، پروردگار من و پروردگار خودتان را پرستید؛ که هر کس به خدا شرک آورد، قطعاً خدا بهشت را بر او حرام ساخته و جایگاهش آتش است، و برای ستمکاران یاورانی نیست.» (۷۳) کسانی که [به تثلیث قائل شده و] گفتند: «خدا سومین [شخص از] سه [شخص یا سه اقنوم] است، قطعاً کافر شده‌اند، و حال آنکه هیچ معبودی جز خدای یکتا نیست. و اگر از آنچه می‌گویند باز نایستند، به کافران ایشان عذابی دردناک خواهد رسید. (۷۴) چرا به درگاه خدا توبه نمی‌کنند، و از وی آموزش نمی‌خواهند؟ و خدا آمرزنده مهربان است. (۷۵) مسیح، پسر مریم جز پیامبری نبود که پیش از او [نیز] پیامبرانی آمده بودند؛ و مادرش زنی بسیار راستگو بود. هر دو غذا می‌خوردند. بنگر چگونه آیات [خود] را برای آنان توضیح می‌دهیم؛ سپس بین چگونه [از حقیقت] دور می‌افتند. (۷۶) بگو: «آیا غیر از خدا چیزی را که اختیار زیان و سود شما را ندارد، می‌پرستید؟ و حال آنکه خداوند شنوای داناست.» (۷۷) بگو: «ای اهل کتاب، در دین خود بناحق گزافه‌گویی نکنید، و از پی هوسهای گروهی که پیش از این گمراه گشتند و بسیاری [از مردم] را گمراه کردند و [خود] از راه راست منحرف شدند، نروید.» (۷۸) از میان فرزندان اسرائیل، آنان که کفر ورزیدند، به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند. این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند. (۷۹) [و] از کار زشتی که آن را مرتکب می‌شدند، یکدیگر را بازمی‌داشتند. راستی، چه بد بود آنچه می‌کردند. (۸۰) بسیاری از آنان را می‌بینی که با کسانی که کفر ورزیده‌اند دوستی می‌کنند. راستی چه زشت است آنچه برای خود پیش فرستادند که [در نتیجه] خدا بر ایشان خشم گرفت، و پیوسته در عذاب می‌مانند. (۸۱) و اگر به خدا و پیامبر و آنچه که به سوی او فرود آمده ایمان می‌آوردند، آنان را به دوستی نمی‌گرفتند، لیکن بسیاری از ایشان نافرمانند. (۸۲) مسلماً یهودیان و کسانی را که شرک ورزیده‌اند، دشمن‌ترین مردم نسبت به مؤمنان خواهی یافت؛ و قطعاً کسانی را که گفتند: «ما نصرانی هستیم»، نزدیکترین مردم در دوستی با مؤمنان خواهی یافت، زیرا برخی از آنان دانشمندان و رهبانانی‌اند که تکبر نمی‌ورزند. (۸۳) و چون آنچه را به سوی این پیامبر نازل شده، بشنوند، می‌بینی بر اثر آن حقیقتی که شناخته‌اند، اشک از چشمهایشان سرازیر می‌شود. می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم؛ پس ما را در زمره گواهان بنویس. (۸۴) و برای ما چه [عذری] است که به خدا و آنچه از حق به ما رسیده، ایمان نیاوریم و حال آنکه چشم داریم که پروردگارمان ما را با گروه شایستگان [به بهشت] درآورد؟ (۸۵) پس به پاس آنچه گفتند، خدا به آنان باغهایی پاداش داد که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه می‌مانند، و این پاداش نیکوکاران است. (۸۶) و کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما را دروغ پنداشتند، آنان همدم آتشند. (۸۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای [استفاده] شما حلال کرده، حرام شمارید و از حدّ مگذرید، که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد. (۸۸) و از آنچه خداوند روزی شما گردانیده، حلال و پاکیزه را بخورید، و از آن خدایی که بدو ایمان دارید پروا دارید. (۸۹) خدا شما را به سوگندهای یهوده‌تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند. و

کفاره اش خوراک دادن به ده بینواست - از غذاهای متوسطی که به کسان خود می خورانید - یا پوشانیدن آنان یا آزاد کردن بنده ای. و کسی که [هیچ یک از اینها را] نیابد [باید] سه روز روزه بدارد. این است کفاره سوگندهای شما وقتی که سوگند خوردید. و سوگندهای خود را پاس دارید. این گونه خداوند آیات خود را برای شما بیان می کند، باشد که سپاسگزاری کنید. (۹۰) ای کسانی که ایمان آورده اید، شراب و قمار و بتها و تیرهای قرعه پلیدند [و] از عمل شیطانند. پس، از آنها دوری گزینید، باشد که رستگار شوید. (۹۱) همانا شیطان می خواهد با شراب و قمار، میان شما دشمنی و کینه ایجاد کند، و شما را از یاد خدا و از نماز باز دارد. پس آیا شما دست برمی دارید؟ (۹۲) و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] برحذر باشید، پس اگر روی گردانید، بدانید که بر عهده پیامبر ما، فقط رساندن [پیام] آشکار است. (۹۳) بر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، گناهی در آنچه [قبلاً] خورده اند نیست، در صورتی که تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند و کارهای شایسته کنند؛ سپس تقوا پیشه کنند و ایمان بیاورند؛ آنگاه تقوا پیشه کنند و احسان نمایند، و خدا نیکوکاران را دوست می دارد. (۹۴) ای کسانی که ایمان آورده اید، خدا شما را به چیزی از شکار که در دسترس شما و نیزه های شما باشد خواهد آزمود، تا معلوم دارد چه کسی در نهان از او می ترسد. پس هر کس بعد از آن تجاوز کند، برای او عذابی دردناک خواهد بود. (۹۵) ای کسانی که ایمان آورده اید، در حالی که محرمید شکار را مکشید، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد، تا سزای زشتکاری خود را بچشد. خداوند از آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است، و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می گیرد، و خداوند، توانا و صاحب انتقام است. (۹۶) صید دریا و مأكولات آن برای شما حلال شده است تا برای شما و مسافران بهره ای باشد، و [لی] صید بیابان - مادام که محرم می باشید - بر شما حرام گردیده است. و از خدایی که نزد او محشور می شوید پروا دارید. (۹۷) خداوند [زیارت] کعبه بیت الحرام را وسیله به پا داشتن [مصلح] مردم قرار داده، و ماه حرام و قربانیهای بی نشان و قربانیهای نشاندار را [نیز به همین منظور مقرر فرموده است]، این [جمله] برای آن است تا بدانید که خدا آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است می داند، و خداست که بر هر چیزی داناست. (۹۸) بدانید که خدا سخت کیفر است، و [بدانید] که خدا آمرزنده مهربان است. (۹۹) بر پیامبر [خدا، وظیفه ای] جز ابلاغ [رسالت] نیست، و خداوند آنچه را آشکار و آنچه را پوشیده می دارید می داند. (۱۰۰) بگو: «پلید و پاک یکسان نیستند، هر چند کثرت پلید [ها] تو را به شگفت آورد. پس ای خردمندان، از خدا پروا کنید، باشد که رستگار شوید.» (۱۰۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، از چیزهایی که اگر برای شما آشکار گردد شما را اندوهناک می کند پرهیز کنید. و اگر هنگامی که قرآن نازل می شود، در باره آنها سؤال کنید، برای شما روشن می شود. خدا از آن [پرسشهای بیجا] گذشت، و خداوند آمرزنده بردبار است. (۱۰۲) گروهی پیش از شما [نیز] از این [گونه] پرسشها کردند؛ آنگاه به سبب آن کافر شدند. (۱۰۳) خدا [چیزهای ممنوعی از قبیل:] بحیره و سائبه و وصیله و حام قرار نداده است. ولی کسانی که کفر ورزیدند، بر خدا دروغ می بندند و بیشترشان تعقل نمی کنند. (۱۰۴) و چون به آنان گفته شود: «به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [ش] بیایید»، می گویند: «آنچه پدران خود را بر آن یافته ایم ما را بس است.» آیا هر چند پدرانشان چیزی نمی دانسته و هدایت نیافته بودند؟ (۱۰۵) ای کسانی که ایمان آورده اید، به خودتان پردازید. هر گاه شما هدایت یافتید، آن کس که گمراه شده است به شما زبانی نمی رساند. بازگشت همه شما به سوی خداست. پس شما را از آنچه انجام می دادید، آگاه خواهد کرد. (۱۰۶) ای کسانی که ایمان آورده اید، هنگامی که یکی از شما را [نشانه های] مرگ در رسید، باید از میان خود دو عادل را در موقع وصیت، به شهادت میان خود فرا خوانید؛ یا اگر در سفر بودید و مصیبت مرگ، شما را فرا رسید [و شاهد مسلمان نبود] دو تن از غیر [همکیشان] خود را [به شهادت بطلبید]. و اگر [در صداقت آنان] شک کردید، پس از نماز، آن دو را نگاه می دارید؛ پس به خدا سوگند یاد می کنند که ما این [حق] را به هیچ قیمتی نمی فروشیم هر چند [پای] خویشاوند [در کار] باشد، و شهادت الهی را کتمان

نمی‌کنیم، که [اگر کتمان حق کنیم] در این صورت از گناهکاران خواهیم بود. (۱۰۷) و اگر معلوم شد که آن دو دستخوش گناه شده‌اند، دو تن دیگر از کسانی که بر آنان ستم رفته است، و هر دو [به میت] نزدیکترند، به جای آن دو [شاهد قبلی] قیام کنند؛ پس به خدا سوگند یاد می‌کنند که: گواهی ما قطعاً از گواهی آن دو درست‌تر است، و [از حق] تجاوز نکرده‌ایم، چرا که [اگر چنین کنیم] از ستمکاران خواهیم بود. (۱۰۸) این [روش] برای اینکه شهادت را به صورت درست ادا کنند، یا بترسند که بعد از سوگند خوردنشان، سوگندهایی [به وارثان میت] برگردانده شود، [به صواب] نزدیکتر است. و از خدا پروا دارید، و [این پندها را] بشنوید، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۱۰۹) [یاد کن] روزی را که خدا پیامبران را گرد می‌آورد؛ پس می‌فرماید: «چه پاسخی به شما داده شد؟» می‌گویند: «ما را هیچ دانشی نیست. تویی که دانای رازهای نهانی.» (۱۱۰) [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، نعمت مرا بر خود و بر مادرت به یاد آور، آنگاه که تو را به روح القدس تأیید کردم که در گهواره [به اعجاز] و در میانسالی [به وحی] با مردم سخن گفتی؛ و آنگاه که تو را کتاب و حکمت و تورات و انجیل آموختم؛ و آنگاه که به اذن من، از گل، [چیزی] به شکل پرنده می‌ساختی، پس در آن می‌دمیدی، و به اذن من پرنده‌ای می‌شد، و کور مادرزاد و پسر را به اذن من شفا می‌دادی؛ و آنگاه که مردگان را به اذن من [زنده از قبر] بیرون می‌آوردی؛ و آنگاه که [آسیب] بنی اسرائیل را -هنگامی که برای آنان حجت‌های آشکار آورده بودی- از تو باز داشتم. پس کسانی از آنان که کافر شده بودند گفتند: این [ها چیزی] جز افسونی آشکار نیست. (۱۱۱) و [یاد کن] هنگامی را که به حواریون وحی کردم که به من و فرستاده‌ام ایمان آورید. گفتند: «ایمان آوردیم، و گواه باش که ما مسلمانیم.» (۱۱۲) و [یاد کن] هنگامی را که حواریون گفتند: «ای عیسی پسر مریم، آیا پروردگارت می‌تواند از آسمان، خوانی برای ما فرود آورد؟» [عیسی] گفت: «اگر ایمان دارید از خدا پروا دارید.» (۱۱۳) گفتند: «می‌خواهیم از آن بخوریم، و دل‌های ما آرامش یابد، و بدانیم که به ما راست گفته‌ای، و بر آن از گواهان باشیم.» (۱۱۴) عیسی پسر مریم گفت: «بار ال‌ها، پروردگارا، از آسمان، خوانی بر ما فرو فرست تا عیدی برای اول و آخر ما باشد و نشانه‌ای از جانب تو. و ما را روزی ده که تو بهترین روزی دهندگانی.» (۱۱۵) خدا فرمود: «من آن را بر شما فرو خواهم فرستاد، و [لی] هر کس از شما پس از آن انکار ورزد، وی را [چنان] عذابی کنم که هیچ یک از جهانیان را [آن چنان] عذاب نکرده باشم.» (۱۱۶) و [یاد کن] هنگامی را که خدا فرمود: «ای عیسی پسر مریم، آیا تو به مردم گفتی: من و مادرم را همچون دو خدا به جای خداوند بپرستید؟» گفت: «منزهی تو، مرا نزدیک که [در باره خویشتن] چیزی را که حق من نیست بگویم. اگر آن را گفته بودم قطعاً آن را می‌دانستی. آنچه در نفس من است تو می‌دانی؛ و آنچه در ذات توست من نمی‌دانم، چرا که تو خود، دانای رازهای نهانی.» (۱۱۷) جز آنچه مرا بدان فرمان دادی [چیزی] به آنان نگفتم؛ [گفته‌ام] که: خدا، پروردگار من و پروردگار خود را عبادت کنید، و تا وقتی در میانشان بودم بر آنان گواه بودم؛ پس چون روح مرا گرفتی، تو خود بر آنان نگهبان بودی، و تو بر هر چیز گواهی. (۱۱۸) اگر عذابشان کنی، آنان بندگان تواند و اگر بر ایشان ببخشایی تو خود، توانا و حکیمی.» (۱۱۹) خدا فرمود: «این، روزی است که راستگویان را راستی‌شان سود بخشد.» برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانند. خدا از آنان خشنود است و آنان [نیز] از او خشنودند. این است رستگاری بزرگ. (۱۲۰) فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست از آن خداست، و او بر هر چیزی تواناست. (۱۲۱)

الأنعام

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ستایش خدایی را که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها و روشنایی را پدید آورد. با این همه کسانی که کفر ورزیده‌اند، [غیر او را] با پروردگار خود برابر می‌کنند. (۲) اوست کسی که شما را از گل آفرید. آنگاه مدتی را [برای شما عُمر] مقرر داشت. و اجل حتمی نزد اوست. با این همه، [بعضی از] شما [در قدرت او] تردید می‌کنید. (۳) و او در آسمانها

و زمین خداست. نهان و آشکار شما را می‌داند، و آنچه را به دست می‌آورد [نیز] می‌داند. (۴) و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان به سویشان نمی‌آمد مگر آنکه از آن روی بر می‌تافتند. (۵) آنان حق را هنگامی که به سویشان آمد تکذیب کردند، پس به زودی، [حقیقت] خبرهای آنچه را که به ریشخند می‌گرفتند به آنان خواهد رسید. (۶) آیا ندیده‌اند که پیش از آنان چه بسیار امتها را هلاک کردیم؟ [امتهایی که] در زمین به آنان امکاناتی دادیم که برای شما آن امکانات را فراهم نکرده‌ایم، و [بارانهای] آسمان را پی در پی بر آنان فرو فرستادیم، و رودبارها از زیر [شهرهای] آنان روان ساختیم. پس ایشان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم، و پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم. (۷) و اگر مکتوبی، نوشته بر کاغذ، بر تو نازل می‌کردیم و آنان، آن را با دستهای خود لمس می‌کردند قطعاً کافران می‌گفتند: «این [چیزی] جز سحر آشکار نیست.» (۸) و گفتند: «چرا فرشته‌ای بر او نازل نشده است؟» و اگر فرشته‌ای فرود می‌آوردیم، قطعاً کار تمام شده بود؛ سپس مهلت نمی‌یافتند. (۹) و اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، حتماً وی را [به صورت] مردی در می‌آوردیم، و امر را همچنان بر آنان مشتبه می‌ساختیم. (۱۰) و پیش از تو پیامبرانی به استهزا گرفته شدند. پس آنچه را ریشخند می‌کردند گریبانگیر ریشخندکنندگان ایشان گردید. (۱۱) بگو: «در زمین بگردید، آنگاه بنگرید که فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است؟» (۱۲) بگو: «آنچه در آسمانها و زمین است از آن کیست؟» بگو: «از آن خداست»؛ که رحمت را بر خویشان واجب گردانیده است. یقیناً شما را در روز قیامت - که در آن هیچ شکی نیست - گرد خواهد آورد. خودباختگان کسانی‌اند که ایمان نمی‌آورند. (۱۳) و آنچه در شب و روز آرام [و تکاپو] دارد، از آن اوست و او شنوای داناست. (۱۴) بگو: «آیا غیر از خدا - پدیدآورنده آسمانها و زمین - سرپرستی بر گزینم؟ و اوست که خوراک می‌دهد، و خوراک داده نمی‌شود.» بگو: «من مأمورم که نخستین کسی باشم که اسلام آورده است، و [به من فرمان داده شده که]: هرگز از مشرکان مباش.» (۱۵) بگو: «اگر به پروردگارم عصیان ورزم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.» (۱۶) آن روز، کسی که [عذاب] از او برگردانده شود، قطعاً [خدا] بر او رحمت آورده، و این است همان رستگاری آشکار. (۱۷) و اگر خدا به تو زبانی برساند، کسی جز او برطرف کننده آن نیست، و اگر خیری به تو برساند پس او بر هر چیزی تواناست. (۱۸) و اوست که بر بندگان خویش چیره است، و اوست حکیم آگاه. (۱۹) بگو: «گواهی چه کسی از همه برتر است؟» بگو: «خدا میان من و شما گواه است. و این قرآن به من وحی شده تا به وسیله آن، شما و هر کس را [که این پیام به او] برسد، هشدار دهم. آیا واقعاً شما گواهی می‌دهید که در جنب خدا، خدایان دیگری است؟» بگو: «من گواهی نمی‌دهم.» بگو: «او تنها معبودی یگانه است، و بی‌تردید، من از آنچه شریک [او] قرار می‌دهید بیزارم.» (۲۰) کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم، همان گونه که پسران خود را می‌شناسد، او [=پیامبر] را می‌شناسد. کسانی که به خود زیان زده‌اند، ایمان نمی‌آورند. (۲۱) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بسته یا آیات او را تکذیب نموده؟ بی‌تردید، ستمکاران رستگار نمی‌شوند. (۲۲) و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کنیم، آنگاه به کسانی که شرک آورده‌اند می‌گوییم: «کجایند شریکان شما که [آنها را شریک خدا] می‌پنداشتید؟» (۲۳) آنگاه عذرشان جز این نیست که می‌گویند: «به خدا، پروردگارمان سوگند که ما مشرک نبودیم.» (۲۴) ببین، چگونه به خود دروغ می‌گویند و آنچه برمی‌بافتند از ایشان یاوه شد. (۲۵) و برخی از آنان به تو گوش فرا می‌دهند، و [لی] ما بر دلهایشان پرده‌ها افکنده‌ایم تا آن را نفهمند، و در گوشهایشان سنگینی [قرار داده‌ایم]. و اگر هر معجزه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند. تا آنجا که وقتی نزد تو می‌آیند و با تو جدال می‌کنند، کسانی که کفر ورزیدند، می‌گویند: «این [کتاب] چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» (۲۶) و آنان [مردم را] از آن باز می‌دارند و [خود نیز] از آن دوری می‌کنند، و [لی] جز خویشان را به هلاکت نمی‌افکنند و نمی‌دانند. (۲۷) و ای کاش [منکران را] هنگامی که بر آتش عرضه می‌شوند، می‌دیدید که می‌گویند: «کاش باز گردانده می‌شدیم و [دیگر] آیات پروردگارمان را تکذیب نمی‌کردیم و از مؤمنان می‌شدیم.» (۲۸) [ولی چنین نیست] بلکه آنچه را پیش از این نهان می‌داشتند، برای آنان آشکار شده است. و اگر هم باز گردانده شوند قطعاً به آنچه از آن منع شده بودند برمی‌گردند و آنان دروغ‌گویند. (۲۹) و گفتند: «جز زندگی دنیای ما [زندگی

دیگری] نیست و برانگیخته نخواهیم شد.» (۳۰) و اگر بنگری هنگامی را که در برابر پروردگارشان باز داشته می‌شوند. [خدا] می‌فرماید: «آیا این حق نیست؟» می‌گویند: «چرا، سوگند به پروردگاران [که حق است.]» می‌فرماید: «پس به [کیفر] آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید.» (۳۱) کسانی که لقای الهی را دروغ انگاشتند قطعاً زیان دیدند. تا آنگاه که قیامت بناگاه بر آنان دررسد، می‌گویند: «ای دریغ بر ما، بر آنچه در باره آن کوتاهی کردیم.» و آنان بار سنگین گناهانشان را به دوش می‌کشند. چه بد است باری که می‌کشند. (۳۲) و زندگی دنیا جز بازی و سرگرمی نیست، و قطعاً سرای بازپسین برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۳۳) به یقین، می‌دانیم که آنچه می‌گویند تو را سخت غمگین می‌کند. در واقع آنان تو را تکذیب نمی‌کنند، ولی ستمکاران آیات خدا را انکار می‌کنند. (۳۴) و پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند، ولی بر آنچه تکذیب شدند و آزار دیدند شکیبایی کردند تا یاری ما به آنان رسید، و برای کلمات خدا هیچ تغییردهنده‌ای نیست. و مسلماً اخبار پیامبران به تو رسیده است. (۳۵) و اگر اعراض کردن آنان [از قرآن] بر تو گران است، اگر می‌توانی نَفْبی در زمین یا نردبانی در آسمان بجویی تا معجزه‌ای [دیگر] برایشان بیاوری [پس چنین کن]، و اگر خدا می‌خواست قطعاً آنان را بر هدایت گرد می‌آورد، پس زنهار از نادانان مباش. (۳۶) تنها کسانی [دعوت تو را] اجابت می‌کنند که گوش شنوا دارند، و [امّیا] مردگان را خداوند [در قیامت] بر خواهد انگیخت؛ سپس به سوی او بازگردانیده می‌شوند. (۳۷) و گفتند: «چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «بی‌تردید، خدا قادر است که پدیده‌ای شگرف فرو فرستد، لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.» (۳۸) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند؛ مگر آنکه آنها [نیز] گروه‌هایی مانند شما هستند، ما هیچ چیزی را در کتاب [لوح محفوظ] فروگذار نکرده‌ایم؛ سپس [همه] به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید. (۳۹) و کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند، در تاریکیها [ی کفر] کر و لالند، هر که را خدا بخواهد گمراهش می‌گذارد؛ و هر که را بخواهد بر راه راست قرارش می‌دهد. (۴۰) بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا شما را دررسد یا رستائیز شما را دریابد، اگر راستگوید، کسی غیر از خدا را می‌خوانید؟» (۴۱) [نه]، بلکه تنها او را می‌خوانید، و اگر او بخواهد رنج و بلا را از شما دور می‌گرداند، و آنچه را شریک [او] می‌گردانید فراموش می‌کنید. (۴۲) و به یقین، ما به سوی امتهایی که پیش از تو بودند [پیامبرانی] فرستادیم، و آنان را به تنگی معیشت و بیماری دچار ساختیم، تا به زاری و خاکساری درآیند. (۴۳) پس چرا هنگامی که عذاب ما به آنان رسید تضرع نکردند؟ ولی [حقیقت این است که] دل‌هایشان سخت شده، و شیطان آنچه را انجام می‌دادند برایشان آراسته است. (۴۴) پس چون آنچه را که بدان پند داده شده بودند فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمتها] را بر آنان گشودیم، تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند شاد گردیدند؛ ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم، و یکباره نومید شدند. (۴۵) پس ریشه آن گروهی که ستم کردند برکنده شد، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است. (۴۶) بگو: «به نظر شما، اگر خدا شنوایی شما و دیدگانتان را بگیرد و بر دل‌هایتان مهر نهد، آیا غیر از خدا کدام معبودی است که آن را به شما بازپس دهد؟» بنگر چگونه آیات [خود] را [گوناگون] بیان می‌کنیم، سپس آنان روی برمی‌تابند؟ (۴۷) بگو: «به نظر شما، اگر عذاب خدا ناگهان یا آشکارا به شما برسد، آیا جز گروه ستمگران [کسی] هلاک خواهد شد؟» (۴۸) و ما پیامبران [خود] را جز بشارتگر و هشداردهنده نمی‌فرستیم، پس کسانی که ایمان آورند و نیکوکاری کنند بیمی بر آنان نیست و اندوهگین نخواهند شد. (۴۹) و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند، به [سزای] آنکه نافرمانی می‌کردند، عذاب به آنان خواهد رسید. (۵۰) بگو: «به شما نمی‌گویم گنجینه‌های خدا نزد من است؛ و غیب نیز نمی‌دانم؛ و به شما نمی‌گویم که من فرشته‌ام. جز آنچه را که به سوی من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم.» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسان است؟ آیا تفکر نمی‌کنید.» (۵۱) و به وسیله این [قرآن] کسانی را که بیم دارند که به سوی پروردگارشان محشور شوند هشدار ده [چرا] که غیر او برای آنها یار و شفیع نیست، باشد که پروا کنند. (۵۲) و کسانی را که پروردگار خود را بامدادان و شامگاهان می‌خوانند - در حالی که خشنودی او را می‌خواهند - مران. از حساب آنان چیزی بر عهده تو نیست، و از حساب تو [نیز] چیزی بر عهده آنان نیست، تا

ایشان را برانی و از ستمکاران باشی. (۵۳) و بدین گونه ما برخی از آنان را به برخی دیگر آزمودیم، تا بگویند: «آیا اینانند که از میان ما، خدا بر ایشان مَنّت نهاده است؟» آیا خدا به [حال] سپاسگزاران داناتر نیست؟ (۵۴) و چون کسانی که به آیات ما ایمان دارند، نزد تو آیند، بگو: «درود بر شما»، پروردگارتان رحمت را بر خود مقرر کرده که هر کس از شما به نادانی کار بدی کند و آنگاه به توبه و صلاح آید، پس وی آمرزنده مهربان است. (۵۵) و این گونه، آیات [خود] را به روشنی بیان می‌کنیم تا راه و رسم گناهکاران روشن شود. (۵۶) بگو: «من نهی شده‌ام که کسانی را که شما غیر از خدا می‌خوانید بپرستم!» بگو: «من از هوسهای شما پیروی نمی‌کنم، و گر نه گمراه شوم و از راه یافتگان نباشم.» (۵۷) بگو: «من از جانب پروردگارم دلیل آشکاری [همراه] دارم، و [لی] شما آن را دروغ پنداشتید، [و] آنچه را به شتاب خواستار آید در اختیار من نیست. فرمان جز به دست خدا نیست، که حق را بیان می‌کند، و او بهترین داوران است.» (۵۸) بگو: «اگر آنچه را با شتاب خواستار آید نزد من بود، قطعاً میان من و شما کار به انجام رسیده بود، و خدا به [حال] ستمکاران داناتر است.» (۵۹) و کلیدهای غیب، تنها نزد اوست. جز او [کسی] آن را نمی‌داند، و آنچه در خشکی و دریاست می‌داند، و هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر [اینکه] آن را می‌داند، و هیچ دانه‌ای در تاریکیهای زمین، و هیچ تر و خشکی نیست مگر اینکه در کتابی روشن [ثبت] است. (۶۰) و اوست کسی که شبانگاه، روح شما را [به هنگام خواب] می‌گیرد؛ و آنچه را در روز به دست آورده‌اید می‌داند؛ سپس شما را در آن بیدار می‌کند، تا هنگامی معین به سر آید؛ آنگاه باز گشت شما به سوی اوست؛ سپس شما را به آنچه انجام می‌داده‌اید آگاه خواهد کرد. (۶۱) و اوست که بر بندگانش قاهر [و غالب] است؛ و نگهبانانی بر شما می‌فرستد، تا هنگامی که یکی از شما را مرگ فرا رسد، فرشتگان ما جانش بستانند، در حالی که کوتاهی نمی‌کنند. (۶۲) آنگاه به سوی خداوند -مولای بحقشان- برگردانیده شوند. آگاه باشید که داوری از آن اوست، و او سریعترین حساب‌رسان است. (۶۳) بگو: «چه کسی شما را از تاریکیهای خشکی و دریا می‌رهاند؟ در حالی که او را به زاری و در نمان می‌خوانید: که اگر ما را از این [مهلکه] برهاند، البته از سپاسگزاران خواهیم بود.» (۶۴) بگو: «خداست که شما را از آن [تاریکیها] و از هر اندوهی می‌رهاند، باز شما شرک می‌ورزید.» (۶۵) بگو: «او تواناست که از بالای سرتان یا از زیر پاهایتان عذابی بر شما بفرستد یا شما را گروه گروه به هم اندازد [و دچار تفرقه سازد] و عذاب بعضی از شما را به بعضی [دیگر] بچشاند.» بنگر، چگونه آیات [خود] را گوناگون بیان می‌کنیم باشد که آنان بفهمند. (۶۶) و قوم تو آن [=قرآن] را دروغ شمردند، در حالی که آن بر حق است. بگو: «من بر شما نگهبان نیستم.» (۶۷) برای هر خبری هنگام [وقوع] است، و به زودی خواهید دانست. (۶۸) و چون ببینی کسانی [به قصد تخطئه] در آیات ما فرو می‌روند از ایشان روی برتاب، تا در سخنی غیر از آن در آیند؛ و اگر شیطان تو را [در این باره] به فراموشی انداخت، پس از توجه، [دیگر] با قوم ستمکار منشین. (۶۹) و چیزی از حساب آنان [=ستمکاران] بر عهده کسانی که پروا [ی خدا] دارند، نیست. لیکن، تذکر دادن [لازم] است، باشد که [از استهزا] پرهیز کنند. (۷۰) و کسانی را که دین خود را به بازی و سرگرمی گرفتند و زندگی دنیا آنان را فریفته است، رها کن؛ و [مردم را] به وسیله این [قرآن] اندرز ده؛ مبدا کسی به [کیفر] آنچه کسب کرده به هلاکت افتد، در حالی که برای او در برابر خدا یاری و شفاعتگری نباشد؛ و اگر [برای رهایی خود] هر گونه فدیهای دهد، از او پذیرفته نگردد. اینانند که به [سزای] آنچه کسب کرده‌اند به هلاکت افتاده‌اند، و به [کیفر] آنکه کفر می‌ورزیدند، شرابی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت. (۷۱) بگو: «آیا به جای خدا چیزی را بخوانیم که نه سودی به ما می‌رساند و نه زیانی؛ و آیا پس از اینکه خدا ما را هدایت کرده از عقیده خود بازگردیم؟ مانند کسی که شیطانها او را در بیابان از راه به در برده‌اند، و حیران [بر جای مانده] است؟ برای او یارانی است که وی را به سوی هدایت می‌خوانند که: «به سوی ما بیا. بگو:» هدایت خداست که هدایت [واقعی] است، و دستور یافته‌ایم که تسلیم پروردگار جهانیان باشیم. (۷۲) و اینکه نماز برپا دارید و از او بترسید، و هم اوست که نزد وی محشور خواهید گردید. (۷۳) و او کسی است که آسمانها و زمین را به حق آفرید، و هر گاه که می‌گوید: «باش»، بی‌درنگ موجود شود؛ سخنش راست است؛ و روزی که در صور دمیده شود، فرمانروایی از آن اوست؛ داننده غیب و شهود است؛

و اوست حکیم آگاه. (۷۴) و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود «آزر» گفت: «آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری؟ من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.» (۷۵) و این گونه، ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نمایانندیم تا از جمله یقین‌کنندگان باشد. (۷۶) پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید؛ گفت: «این پروردگار من است.» و آنگاه چون غروب کرد، گفت: «غروب کنندگان را دوست ندارم.» (۷۷) و چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: «این پروردگار من است.» آنگاه چون ناپدید شد، گفت: «اگر پروردگارم مرا هدایت نکرده بود قطعاً از گروه گمراهان بودم.» (۷۸) پس چون خورشید را برآمده دید، گفت: «این پروردگار من است. این بزرگتر است.» و هنگامی که افول کرد، گفت: «ای قوم من، من از آنچه [برای خدا] شریک می‌سازید بیزارم.» (۷۹) من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است؛ و من از مشرکان نیستم. (۸۰) و قوش با او به ستیزه پرداختند. گفت: «آیا با من در باره خدا محاجه می‌کنید و حال آنکه او مرا راهنمایی کرده است؟ و من از آنچه شریک او می‌سازید بیمی ندارم، مگر آنکه پروردگارم چیزی بخواهد. علم پروردگارم به هر چیزی احاطه یافته است. پس آیا متذکر نمی‌شوید؟» (۸۱) و چگونه از آنچه شریک [خدا] می‌گردانید برترسم، با آنکه شما خود از اینکه چیزی را شریک خدا ساخته‌اید که [خدا] دلیلی در باره آن بر شما نازل نکرده است نمی‌هراسید؟ پس اگر می‌دانید، کدام یک از [ما] دو دسته به ایمنی سزاوارتر است؟ (۸۲) کسانی که ایمان آورده و ایمان خود را به شرک نیالوده‌اند، آنان راست ایمنی و ایشان راه‌یافتگانند. (۸۳) و آن حیثیت ما بود که به ابراهیم در برابر قوش دادیم. درجات هر کس را که بخواهیم فرا می‌بریم، زیرا پروردگار تو حکیم داناست. (۸۴) و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم، و همه را به راه راست درآوردیم، و نوح را از پیش راه نمودیم، و از نسل او داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را [هدایت کردیم] و این گونه، نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۸۵) و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند، (۸۶) و اسماعیل و یسع و یونس و لوط، که جملگی را بر جهانیان برتری دادیم. (۸۷) و از پدران و فرزندان و برادرانشان برخی را [بر جهانیان برتری دادیم]، و آنان را برگزیدیم و به راه راست راهنمایی کردیم. (۸۸) این، هدایت خداست که هر کس از بندگانش را بخواهد بدان هدایت می‌کند. و اگر آنان شرک ورزیده بودند، قطعاً آن چه انجام می‌دادند از دستشان می‌رفت. (۸۹) آنان کسانی بودند که کتاب و داوری و نبوت بدیشان دادیم؛ و اگر اینان [=مشرکان] بدان کفر ورزند، بی‌گمان، گروهی [دیگر] را بر آن گماریم که بدان کافر نباشند. (۹۰) اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن. بگو: «من، از شما هیچ مزدی بر این [رسالت] نمی‌طلبم. این [قرآن] جز تذکری برای جهانیان نیست.» (۹۱) و آنگاه که [یهودیان] گفتند: «خدا چیزی بر بشری نازل نکرده»، بزرگی خدا را چنانکه باید نشناختند. بگو: «چه کسی آن کتابی را که موسی آورده است نازل کرده؟ [همان کتابی که] برای مردم روشنایی و رهنمود است، [و] آن را به صورت طومارها درمی‌آورید. [آنچه را] از آن [می‌خواهید] آشکار و بسیاری را پنهان می‌کنید، در صورتی که چیزی که نه شما می‌دانستید و نه پدرانتان، [به وسیله آن] به شما آموخته شد.» بگو: «خدا [همه را فرستاده]؛ آنگاه بگذار تا در ژرفای [باطل] خود به بازی [سرگرم] شوند.» (۹۲) و این خجسته کتابی است که ما آن را فرو فرستادیم، [و] کتابهایی را که پیش از آن آمده تصدیق می‌کند. و برای اینکه [مردم] ام‌القری [=مکه] و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی. و کسانی که به آخرت ایمان می‌آورند، به آن [قرآن نیز] ایمان می‌آورند، و آنان بر نمازهای خود مراقبت می‌کنند. (۹۳) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ می‌بندد یا می‌گوید: «به من وحی شده»، در حالی که چیزی به او وحی نشده باشد، و آن کس که می‌گوید: «به زودی نظیر آنچه را خدا نازل کرده است نازل می‌کنم»؟ و کاش ستمکاران را در گردابهای مرگ می‌دید که فرشتگان [به سوی آنان] دستهایشان را گشوده‌اند [و نهیب می‌زنند]: «جانهایتان را بیرون دهید»؛ امروز به [سزای] آنچه بناحق بر خدا دروغ می‌بستید و در برابر آیات او تکبر می‌کردید، به عذاب خوارکننده کیفر می‌یابید. (۹۴) و همان گونه که شما را نخستین بار آفریدیم [اکنون نیز] تنها به سوی ما آمده‌اید، و آنچه را به شما عطا کرده بودیم پشت سر خود نهاده‌اید، و شفیعانی را که در [کار] خودتان، شریکان [خدا]

می پنداشتید با شما نمی بینیم. به یقین، پیوند میان شما بریده شده، و آنچه را که می پنداشتید از دست شما رفته است. (۹۵) خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد. چنین است خدای شما؛ پس چگونه [از حق] منحرف می شوید؟ (۹۶) [هموست که] شکافنده صبح است، و شب را برای آرامش و خورشید و ماه را وسیله حساب قرار داده. این اندازه گیری آن توانای داناست. (۹۷) و اوست کسی که ستارگان را برای شما قرار داده تا به وسیله آنها در تاریکیهای خشکی و دریا راه یابید. به یقین، ما دلایل [خود] را برای گروهی که می دانند به روشنی بیان کرده ایم. (۹۸) و او همان کسی است که شما را از یک تن پدید آورد. پس [برای شما] قرارگاه و محل امانتی [مقرر کرد]. بی تردید، ما آیات [خود] را برای مردمی که می فهمند به روشنی بیان کرده ایم. (۹۹) و اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد؛ پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم، و از آن [گیاه] جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن، دانه های مترامی برمی آوریم، و از شکوفه درخت خرما خوشه هایی است نزدیک به هم. و [نیز] باغهایی از انگور و زیتون و انار - همانند و غیر همانند - خارج نمودیم. به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید. قطعاً در اینها برای مردمی که ایمان می آورند نشانه ها است. (۱۰۰) و برای خدا شریکانی از جن قرار دادند، با اینکه خدا آنها را خلق کرده است. و برای او، بی هیچ دانشی، پسران و دخترانی تراشیدند. او پاک و برتر است از آنچه وصف می کنند. (۱۰۱) پدیدآورنده آسمانها و زمین است. چگونه او را فرزندی باشد، در صورتی که برای او همسری نبوده، و هر چیزی را آفریده، و اوست که به هر چیزی داناست. (۱۰۲) این است خدا، پروردگار شما: هیچ معبودی جز او نیست، آفریننده هر چیزی است. پس او را بپرستید، و او بر هر چیزی نگهبان است. (۱۰۳) چشمها او را در نمی یابند و اوست که دیدگان را درمی یابد، و او لطیف آگاه است. (۱۰۴) به راستی رهنمودهایی از جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که به دیده بصیرت بنگرد به سود خود او، و هر کس از سر بصیرت ننگرد به زیان خود اوست، و من بر شما نگهبان نیستم. (۱۰۵) و این گونه آیات [خود] را گوناگون بیان می کنیم، تا مبادا بگویند تو درس خوانده ای، و تا اینکه آن را برای گروهی که می دانند روشن سازیم. (۱۰۶) از آنچه از پروردگارت به تو وحی شده پیروی کن. هیچ معبودی جز او نیست، و از مشرکان روی بگردان. (۱۰۷) و اگر خدا می خواست آنان شرک نمی آوردند، و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده ایم، و تو وکیل آنان نیستی. (۱۰۸) و آنهایی را که جز خدا می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت آنان به سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می دادند آگاه خواهد ساخت. (۱۰۹) و با سخت ترین سوگندهایشان، به خدا سوگند خوردند که اگر معجزه ای برای آنان بیاید، حتماً بدان می گروند. بگو: «معجزات، تنها در اختیار خداست.» و شما چه می دانید که اگر [معجزه هم] بیاید باز ایمان نمی آورند. (۱۱۰) و دلها و دیدگانشان را برمی گردانیم [در نتیجه به آیات ما ایمان نمی آورند] چنانکه نخستین بار به آن ایمان نیاوردند. و آنان را رها می کنیم تا در طغیانشان سرگردان بمانند. (۱۱۱) و اگر ما فرشتگان را به سوی آنان می فرستادیم و اگر مردگان با آنان به سخن می آمدند، و هر چیزی را دسته دسته در برابر آنان گرد می آوردیم، باز هم ایمان نمی آوردند - جز اینکه خدا بخواهد - ولی بیشترشان نادانی می کنند. (۱۱۲) و بدین گونه برای هر پیامبری دشمنی از شیطانهای انس و جن برگماشتیم. بعضی از آنها به بعضی، برای فریب [یکدیگر]، سخنان آراسته القا می کنند؛ و اگر پروردگار تو می خواست چنین نمی کردند. پس آنان را با آنچه به دروغ می سازند واگذار. (۱۱۳) و [چنین مقرر شده است] تا دلهای کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند به آن [سخن باطل] بگراید و آن را بپسندد، و تا اینکه آنچه را باید به دست بیاورند، به دست آورند. (۱۱۴) پس، آیا داوری جز خدا جویم؟ با اینکه اوست که این کتاب را به تفصیل به سوی شما نازل کرده است. و کسانی که کتاب [آسمانی] بدیشان داده ایم می دانند که آن از جانب پروردگارت به حق فرو فرستاده شده است. پس تو از تردیدکنندگان مباش. (۱۱۵) و سخن پروردگارت به راستی و داد، سرانجام گرفته است؛ و هیچ تغییردهنده ای برای کلمات او نیست؛ و او شنوای داناست. (۱۱۶) و اگر از بیشتر کسانی که در [این سر] زمین می باشند پیروی کنی، تو را از راه خدا گمراه می کنند. آنان جز از گمان [خود] پیروی نمی کنند و جز به حدس و

تخمین نمی‌پردازند. (۱۱۷) باری، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف می‌شود داناتر است، و او به [حال] راه‌یافتگان [نیز] داناتر است. (۱۱۸) پس، اگر به آیات او ایمان دارید از آنچه نام خدا [به هنگام ذبح] بر آن برده شده است بخورید. (۱۱۹) و شما را چه شده است که از آنچه نام خدا بر آن برده شده است نمی‌خورید؟ با اینکه [خدا] آنچه را بر شما حرام کرده - جز آنچه بدان ناچار شده‌اید - برای شما به تفصیل بیان نموده است. و به راستی، بسیاری [از مردم، دیگران را] از روی نادانی، با هوسهای خود گمراه می‌کنند. آری، پروردگار تو به [حال] تجاوزکاران داناتر است. (۱۲۰) و گناه آشکار و پنهان را رها کنید، زیرا کسانی که مرتکب گناه می‌شوند، به زودی در برابر آنچه به دست می‌آوردند کیفر خواهند یافت. (۱۲۱) و از آنچه نام خدا بر آن برده نشده است مخورید، چرا که آن قطعاً نافرمانی است. و در حقیقت، شیطانها به دوستان خود وسوسه می‌کنند تا با شما ستیزه نمایند. و اگر اطاعتشان کنید قطعاً شما هم مشرکید. (۱۲۲) آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده‌اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن، در میان مردم راه برود، چون کسی است که گویی گرفتار در تاریکیهاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است. (۱۲۳) و بدین گونه، در هر شهری گناهکاران بزرگش را می‌گماریم تا در آن به نیرنگ پردازند، و [لی] آنان جز به خودشان نیرنگ نمی‌زنند و درک نمی‌کنند. (۱۲۴) و چون آیتی برایشان بیاید، می‌گویند: «هرگز ایمان نمی‌آوریم تا اینکه نظیر آنچه به فرستادگان خدا داده شده است به ما [نیز] داده شود.» خدا بهتر می‌داند رسالتش را کجا قرار دهد. به زودی، کسانی را که مرتکب گناه شدند، به [سزای] آنکه نیرنگ می‌کردند، در پیشگاه خدا خواری و شکنجه‌ای سخت خواهد رسید. (۱۲۵) پس کسی را که خدا بخواهد هدایت نماید، دلش را به پذیرش اسلام می‌گشاید؛ و هر که را بخواهد گمراه کند، دلش را سخت تنگ می‌گرداند؛ چنانکه گویی به زحمت در آسمان بالا می‌رود. این گونه، خدا پلیدی را بر کسانی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد. (۱۲۶) و راه راست پروردگارت همین است. ما آیات [خود] را برای گروهی که پند می‌گیرند، به روشنی بیان نموده‌ایم. (۱۲۷) برای آنان، نزد پروردگارشان سرای عافیت است، و به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند، او یارشان خواهد بود. (۱۲۸) و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آورد [و می‌فرماید]: «ای گروه جنیان، از آدمیان [پیروان] فراوان یافتید.» و هواخواهان آنها از [نوع] انسان می‌گویند: «پروردگارا، برخی از ما از برخی دیگر بهره برداری کرد، و به پایانی که برای ما معین کردی رسیدیم.» [خدا] می‌فرماید: «جایگاه شما آتش است؛ در آن ماندگار خواهید بود، مگر آنچه را خدا بخواهد [که خود تخفیف دهد]؛ آری، پروردگار تو حکیم داناست.» (۱۲۹) و این گونه برخی از ستمکاران را به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند، سرپرست برخی دیگر می‌گردانیم. (۱۳۰) ای گروه جن و انس، آیا از میان شما فرستادگانی برای شما نیامدند که آیات مرا بر شما بخوانند و از دیدار این روزتان به شما هشدار دهند؟ گفتند: «ما به زیان خود گواهی دهیم.» [که آری، آمدند] و زندگی دنیا فریشان داد، و بر ضد خود گواهی دادند که آنان کافر بوده‌اند. (۱۳۱) این [اتمام حجت] بدان سبب است که پروردگار تو هیچ‌گاه شهرها را به ستم نابوده نکرده، در حالی که مردم آن غافل باشند. (۱۳۲) و برای هر یک [از این دو گروه]، از آنچه انجام داده‌اند، [در جزا] مراتبی خواهد بود، و پروردگارت از آنچه می‌کنند غافل نیست. (۱۳۳) و پروردگار تو بی‌نیاز و رحمتگر است. اگر بخواهد شما را می‌برد، و پس از شما، هر که را بخواهد جانشین [شما] می‌کند؛ همچنانکه شما را از نسل گروهی دیگر پدید آورده است. (۱۳۴) قطعاً آنچه به شما وعده داده می‌شود آمدنی است، و شما در مانده‌کنندگان [خدا] نیستید. (۱۳۵) بگو: «ای قوم من، هر چه مقدور شما هست انجام دهید؛ من [هم] انجام می‌دهم. به زودی خواهید دانست که فرجام [نیکوی] آن سرای از آن کیست. آری، ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» (۱۳۶) و [مشرکان]، برای خدا از آنچه از کشت و دامها که آفریده است سهمی گذاشتند، و به پندار خودشان گفتند: «این ویژه خداست و این ویژه بتان ما.» پس آنچه خاص بتانشان بود به خدا نمی‌رسید، و [لی] آنچه خاص خدا بود به بتانشان می‌رسید. چه بد داوری می‌کنند. (۱۳۷) و این گونه برای بسیاری از مشرکان، بتانشان کشتن فرزندانشان را آراستند، تا هلاکشان کنند و دینشان را بر آنان مشتبه سازند؛ و اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند. پس ایشان را با آنچه به دروغ می‌سازند

رها کن. (۱۳۸) و به زعم خودشان گفتند: «اینها دامها و کشتزار[های] ممنوع است، که جز کسی که ما بخواهیم نباید از آن بخورد، و دامهایی است که [سوار شدن بر] پشت آنها حرام شده است. و دامهایی [داشتند] که [هنگام ذبح] نام خدا را بر آن [ها] نمی بردند به صرف افترا بر [خدا] به زودی [خدا] آنان را به خاطر آنچه افترا می بستند جزا می دهد. (۱۳۹) و گفتند: «آنچه در شکم این دامهاست اختصاص به مردان ما دارد و بر همسران ما حرام شده است، و اگر [آن جنین] مرده باشد، همه آنان [از زن و مرد] در آن شریکند. به زودی [خدا] توصیف آنان را سزا خواهد داد، زیرا او حکیم داناست. (۱۴۰) کسانی که از روی بی خردی و نادانی، فرزندان خود را کشته اند، و آنچه را خدا روزیشان کرده بود - از راه افترا به خدا - حرام شمرده اند، سخت زیان کردند. آنان به راستی گمراه شده، و هدایت نیافته اند. (۱۴۱) و اوست کسی که باغهایی با داربست و بدون داربست، و خرما، و کشتزار با میوه های گوناگون آن، و زیتون، و انار، شبیه به یکدیگر و غیر شبیه پدید آورد. از میوه آن - چون ثمر داد - بخورید، و حق [بینویان از] آن را روز بهره برداری از آن بدهید، و [لی] زیاده روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. (۱۴۲) و [نیز] از دامها، حیوانات بارکش و حیوانات کرک و پشم دهنده را [پدید آورد]. از آنچه خدا روزیتان کرده است بخورید، و از پی گامهای شیطان مروید که او برای شما دشمنی آشکار است. (۱۴۳) هشت فرد [آفرید و بر شما حلال کرد]: از گوسفند دو تا، و از بز دو تا. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟» اگر راست می گوید، از روی علم، به من خبر دهید. (۱۴۴) و از شتر دو، و از گاو دو. بگو: «آیا [خدا] نرها [ی آنها] را حرام کرده یا ماده ها را؟ یا آنچه را که رحم آن دو ماده در بر گرفته است؟» آیا وقتی خداوند شما را به این [تحریم] سفارش کرد حاضر بودید؟ پس کیست ستمکارتر از آنکس که بر خدا دروغ بندد، تا از روی نادانی، مردم را گمراه کند؟ آری، خدا گروه ستمکاران را راهنمایی نمی کند. (۱۴۵) بگو: «در آنچه به من وحی شده است، بر خورنده ای که آن را می خورد هیچ حرامی نمی یابم، مگر آنکه مردار یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که اینها همه پلیدند. یا [قربانی که] از روی نافرمانی، [به هنگام ذبح] نام غیر خدا بر آن برده شده باشد. پس کسی که بدون سرکشی و زیاده خواهی [به خوردن آنها] ناچار گردد، قطعاً پروردگار تو آمرزنده مهربان است. (۱۴۶) و بر یهودیان، هر [حیوان] چنگال داری را حرام کردیم، و از گاو و گوسفند، پیه آن دو را بر آنان حرام کردیم، به استثنای پیه هایی که بر پشت آن دو یا بر روده هاست یا آنچه با استخوان در آمیخته است. این [تحریم] را به سزای ستم کردنشان، به آنان کیفر دادیم، و ما البته راستگوییم. (۱۴۷) [ای پیامبر]، پس اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «پروردگار شما دارای رحمتی گسترده است؛ و [با این حال] عذاب او از گروه مجرمان باز گردانده نخواهد شد.» (۱۴۸) کسانی که شرک آوردند به زودی خواهند گفت: «اگر خدا می خواست، نه ما و نه پدرانمان شرک نمی آوردیم، و چیزی را [خودسرانه] تحریم نمی کردیم.» کسانی هم که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبران خود را] تکذیب کردند، تا عقوبت ما را چشیدند. بگو: «آیا نزد شما دانشی هست که آن را برای ما آشکار کنید؟ شما جز از گمان پیروی نمی کنید، و جز دروغ نمی گوید.» (۱۴۹) بگو: «برهان رسا و ویژه خداست، و اگر [خدا] می خواست قطعاً همه شما را هدایت می کرد.» (۱۵۰) بگو: «گواهان خود را که گواهی می دهند به اینکه خدا اینها را حرام کرده، بیاورید.» پس اگر هم شهادت دادند تو با آنان شهادت مده، و هوسهای کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند و کسانی که به آخرت ایمان نمی آورند و [معبودان دروغین را] با پروردگارشان همتا قرار می دهند، پیروی مکن. (۱۵۱) بگو: «بیاید تا آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده برای شما بخوانم: چیزی را با او شریک قرار مدهید؛ و به پدر و مادر احسان کنید؛ و فرزندان خود را از بیم تنگدستی مکشید؛ ما شما و آنان را روزی می رسانیم؛ و به کارهای زشت - چه علنی آن و چه پوشیده [اش] - نزدیک مشوید؛ و نفسی را که خدا حرام گردانیده، جز بحق مکشید. اینهاست که [خدا] شما را به [انجام دادن] آن سفارش کرده است، باشد که ببیند. (۱۵۲) و به مال یتیم - جز به نحوی [هر چه نیکوتر] - نزدیک مشوید، تا به حد رشد خود برسد. و پیمان و ترازو را به عدالت، تمام پیمایید. هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم. و چون [به داوری یا شهادت] سخن گوید دادگری کنید، هر چند [در باره] خویشاوند [شما] باشد. و به پیمان

خدا وفا کنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که پند گیرید. (۱۵۳) و [بدانید] این است راه راست من؛ پس، از آن پیروی کنید. و از راه‌ها [دیگر] که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی نکنید. اینهاست که [خدا] شما را به آن سفارش کرده است، باشد که به تقوا گرایید. (۱۵۴) آنگاه به موسی کتاب دادیم، برای اینکه [نعمت را] بر کسی که نیکی کرده است تمام کنیم، و برای اینکه هر چیزی را بیان نماییم، و هدایت و رحمتی باشد، امید که به لقای پروردگارش ایمان بیاورند. (۱۵۵) و این، خجسته کتابی است که ما آن را نازل کردیم؛ پس، از آن پیروی کنید و پرهیزگاری نمایید، باشد که مورد رحمت قرار گیرید، (۱۵۶) تا نگویید: «کتاب [آسمانی]، تنها بر دو طایفه پیش از ما نازل شده، و ما از آموختن آنان بی‌خبر بودیم.» (۱۵۷) یا نگویید: «اگر کتاب بر ما نازل می‌شد، قطعاً از آنان هدایت یافته‌تر بودیم.» اینک حجتی از جانب پروردگارتان برای شما آمده و رهنمود و رحمتی است. پس کیست ستمکارتر از آن کس که آیات خدا را دروغ پندارد و از آنها روی گرداند؟ به زودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، به سبب [همین] اعراضشان، به عذابی سخت مجازات خواهیم کرد. (۱۵۸) آیا جز این انتظار دارند که فرشتگان به سویشان بیایند، یا پروردگارت بیایند، یا پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت بیاید؟ [اما] روزی که پاره‌ای از نشانه‌های پروردگارت [پدید] آید، کسی که قبلاً ایمان نیاورده یا خیری در ایمان آوردن خود به دست نیاورده، ایمان آوردنش سود نمی‌بخشد. بگو: «منتظر باشید که ما [هم] منتظریم.» (۱۵۹) کسانی که دین خود را پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند، تو هیچ‌گونه مسؤول ایشان نیستی، کارشان فقط با خداست. آنگاه به آنچه انجام می‌دادند آگاهشان خواهد کرد. (۱۶۰) هر کس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت، و هر کس کار بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود. (۱۶۱) بگو: «آری! پروردگارم مرا به راه راست هدایت کرده است: دینی پایدار، آیین ابراهیم حق‌گرای! و او از مشرکان نبود.» (۱۶۲) بگو: «در حقیقت، نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، برای خدا، پروردگار جهانیان است.» (۱۶۳) [که] او را شریکی نیست، و بر این [کار] دستور یافته‌ام، و من نخستین مسلمانم. (۱۶۴) بگو: «آیا جز خدا پروردگاری بجویم؟ با اینکه او پروردگار هر چیزی است، و هیچ کس جز بر زیان خود [گناهی] انجام نمی‌دهد، و هیچ باربرداری بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد، آنگاه بازگشت شما به سوی پروردگارتان خواهد بود، پس ما را به آنچه در آن اختلاف می‌کردید آگاه خواهد کرد. (۱۶۵) و اوست کسی که شما را در زمین جانشین [یکدیگر] قرار داد، و بعضی از شما را بر برخی دیگر به درجاتی برتری داد تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید. آری، پروردگار تو زود کیفر است، و [هم] او بس آمرزنده مهربان است. (۱۶۶)

الأعراف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم، صاد. (۲) کتابی است که به سوی تو فرو فرستاده شده است - پس نباید در سینه تو از ناحیه آن، تنگی باشد - تا به وسیله آن هشدار دهی و برای مؤمنان پندی باشد. (۳) آنچه را از جانب پروردگارتان به سوی شما فرو فرستاده شده است، پیروی کنید؛ و جز او از معبودان [دیگر] پیروی نکنید. چه اندک پند می‌گیرید! (۴) و چه بسیار شهرها که [مردم] آن را به هلاکت رسانیدیم، و در حالی که به خواب شبانگهی رفته یا نیمروز غنوده بودند، عذاب ما به آنها رسید. (۵) و هنگامی که عذاب ما بر آنان آمد سخنشان جز این نبود که گفتند: «راستی که ما ستمکار بودیم.» (۶) پس، قطعاً از کسانی که [پیامبران] به سوی آنان فرستاده شده‌اند خواهیم پرسید، و قطعاً از [خود] فرستادگان [نیز] خواهیم پرسید. (۷) و از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد و ما [از احوال آنان] غایب نبوده‌ایم. (۸) و در آن روز، سنجش [اعمال] درست است. پس هر کس میزانهای [عمل] او گران باشد، آنان خود رستگاراند. (۹) و هر کس میزانهای [عمل] او سبک باشد، پس آنانند که به خود زیان زده‌اند، چرا که به آیات ما ستم کرده‌اند. (۱۰) و قطعاً شما را در زمین قدرت عمل دادیم، و برای شما در آن، وسایل معیشت نهادیم، [اما] چه کم سپاسگزاری می‌کنید. (۱۱) و در حقیقت، شما را خلق کردیم، سپس به صورتگری شما پرداختیم؛ آنگاه به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده

کنید.» پس [همه] سجده کردند، جز ابلیس که از سجده کنندگان نبود. (۱۲) فرمود: «چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی؟» گفت: «من از او بهترم. مرا از آتشی آفریدی و او را از گِل آفریدی.» (۱۳) فرمود: «از آن [مقام] فرو شو، تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی. پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی.» (۱۴) گفت: «مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» (۱۵) فرمود: «تو از مهلت یافتگانی.» (۱۶) گفت: «پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی، من هم برای [فریفتن] آنان حتماً بر سر راه راست تو خواهم نشست. (۱۷) «آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم، و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت.» (۱۸) فرمود: «نکو هیده و رانده، از آن [مقام] بیرون شو؛ که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند، جهنم را از همه شما پر خواهد کرد.» (۱۹) «و ای آدم! تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر، و از هر جا که خواهید بخورید، و [لی] به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد.» (۲۰) پس شیطان، آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت‌هایشان برایشان پوشیده مانده بود، برای آنان نمایان گرداند؛ و گفت: «پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد، جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جاودانان شوید.» (۲۱) و برای آن دو سوگند یاد کرد که: من قطعاً از خیرخواهان شما هستم. (۲۲) پس آن دو را با فریب به سقوط کشانید؛ پس چون آن دو از [میوه] آن درخت [ممنوع] چشیدند، برهنگی‌هایشان بر آنان آشکار شد، و به چسباندن برگ [های درختان] بهشت بر خود آغاز کردند، و پروردگارشان بر آن دو بانگ بر زد: «مگر شما را از این درخت منع نکردم و به شما نگفتم که در حقیقت شیطان برای شما دشمنی آشکار است.» (۲۳) گفتند: «پروردگارا، ما بر خویشتن ستم کردیم، و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی، مسلماً از زیانکاران خواهیم بود.» (۲۴) فرمود: «فرود آید، که بعضی از شما دشمن بعضی [دیگر] یابد؛ و برای شما در زمین، تا هنگامی [معین] قرارگاه و برخورداری است.» (۲۵) فرمود: «در آن زندگی می‌کنید و در آن می‌میرید و از آن برانگیخته خواهید شد.» (۲۶) ای فرزندان آدم، در حقیقت، ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و [برای شما] زینتی است، و [لی] بهترین جامه، [لباس] تقوا است. این از نشانه‌های [قدرت] خداست، باشد که متذکر شوند. (۲۷) ای فرزندان آدم، زهار تا شیطان شما را به فتنه نیندازد؛ چنانکه پدر و مادر شما را از بهشت بیرون راند، و لباسشان را از ایشان بر کند، تا عورت‌هایشان را بر آنان نمایان کند. در حقیقت، او و قبیله‌اش، شما را از آنجا که آنها را نمی‌بینید، می‌بینند. ما شیاطین را دوستان کسانی قرار دادیم که ایمان نمی‌آورند. (۲۸) و چون کار زشتی کنند، می‌گویند: «پدران خود را بر آن یافتیم و خدا ما را بدان فرمان داده است.» بگو: «قطعاً خدا به کار زشت فرمان نمی‌دهد، آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟» (۲۹) بگو: «پروردگارم به دادگری فرمان داده است، و [اینکه] در هر مسجدی روی خود را مستقیم [به سوی قبله] کنید، و در حالی که دین خود را برای او خالص گردانیده‌اید وی را بخوانید، همان گونه که شما را پدید آورد [به سوی او] برمی‌گردید.» (۳۰) [در حالی که] گروهی را هدایت نموده، و گروهی گمراهی بر آنان ثابت شده است، زیرا آنان شیاطین را به جای خدا، دوستان [خود] گرفته‌اند و می‌پندارند که راه یافتگانند. (۳۱) ای فرزندان آدم، جامه خود را در هر نمازی برگیرید، و بخورید و بیاشامید و [لی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد. (۳۲) [ای پیامبر] بگو: «زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده، و [نیز] روزیهای پاکیزه را چه کسی حرام گردانیده؟» بگو: «این [نعمتها] در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند و روز قیامت [نیز] خاصّ آنان می‌باشد.» این گونه آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کنیم. (۳۳) بگو: «پروردگار من فقط زشتکاریها را - چه آشکارش [باشد] و چه پنهان- و گناه و ستم ناحق را حرام گردانیده است؛ و [نیز] اینکه چیزی را شریک خدا سازید که دلیلی بر [حقانیت] آن نازل نکرده؛ و اینکه چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید. (۳۴) و برای هر امری اجلی است؛ پس چون اجلشان فرا رسد، نه [می‌توانند] ساعتی آن را پس اندازند و نه پیش. (۳۵) ای فرزندان آدم، چون پیامبرانی از خودتان برای شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر کس به پرهیزگاری و صلاح گراید، نه بیمی بر آنان خواهد بود و نه اندوهگین می‌شوند. (۳۶) و کسانی که آیات ما را دروغ انگاشتند و از [پذیرش] آنها تکبر ورزیدند

آنان همدم آتشند [و] در آن جاودانند. (۳۷) پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ اینان کسانی هستند که نصیبشان از آنچه مقرّر شده به ایشان خواهد رسید، تا آنگاه که فرشتگان ما به سراغشان بیایند که جانشان بستانند، می گویند: «آنچه غیر از خدا می خواندید کجاست؟» می گویند: «از [چشم] ما ناپدید شدند» و علیه خود گواهی می دهند که آنان کافر بودند. (۳۸) می فرماید: «در میان امتهایی از جنّ و انس، که پیش از شما بوده اند، داخل آتش شوید.» هر بار که امتی [در آتش] درآید، همکیشان خود را لعنت کند، تا وقتی که همگی در آن به هم پیوندند؛ [آنگاه] پیروانشان در باره پیشوایانشان می گویند: «پروردگارا، اینان ما را گمراه کردند، پس دو برابر عذاب آتش به آنان بده.» [خدا] می فرماید: «برای هر کدام [عذاب] دو چندان است ولی شما نمی دانید.» (۳۹) و پیشوایانشان به پیروانشان می گویند: «شما را بر ما امتیازی نیست. پس به سزای آنچه به دست می آورید عذاب را بچشید.» (۴۰) در حقیقت، کسانی که آیات ما را دروغ شمردند و از [پذیرفتن] آنها تکبر ورزیدند، درهای آسمان را برایشان نمی گشایند و در بهشت در نمی آیند مگر آنکه شتر در سوراخ سوزن داخل شود. و بدینسان بزهکاران را کیفر می دهیم. (۴۱) برای آنان از جهنّم بستری و از بالایشان پوششهاست، و این گونه بیدادگران را سزا می دهیم. (۴۲) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند - هیچ کسی را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم - آنان همدم بهشتند [که] در آن جاودانند. (۴۳) و هر گونه کینه ای را از سینه هایشان می زداییم. از زیر [قصرهای] شان نهرها جاری است، و می گویند: «ستایش خدایی را که ما را بدین [راه] هدایت نمود، و اگر خدا ما را رهبری نمی کرد ما خود هدایت نمی یافتیم. در حقیقت، فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند.» و به آنان ندا داده می شود که این همان بهشتی است که آن را به [پاداش] آنچه انجام می دادید میراث یافته اید. (۴۴) و بهشتیان، دوزخیان را آواز می دهند که: «ما آنچه را پروردگاران ما به ما وعده داده بود درست یافتیم؛ آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود راست و درست یافتید؟» می گویند: «آری.» پس آواز دهنده ای میان آنان آواز در می دهد که: «لعنت خدا بر ستمکاران باد.» (۴۵) همانان که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند و آنها آخرت را منکرند. (۴۶) و میان آن دو [گروه] حایلی است، و بر اعراف، مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمایشان می شناسند، و بهشتیان را - که هنوز وارد آن نشده و [لی] [بدان] امید دارند - آواز می دهند که: «سلام بر شما.» (۴۷) و چون چشمانشان به سوی دوزخیان گردانیده شود، می گویند: «پروردگارا، ما را در زمره گروه ستمکاران قرار مده.» (۴۸) و اهل اعراف، مردانی را که آنان را از سیمایشان می شناسند، ندا می دهند [و] می گویند: «جمعیت شما و آن [همه] گردنکشی که می کردید، به حال شما سودی نداشت.» (۴۹) «آیا اینان همان کسان نبودند که سوگند یاد می کردید که خدا آنان را به رحمتی نخواهد رسانید؟» «[اینک] به بهشت درآید. نه بیمی بر شماست و نه اندوهگین می شوید.» (۵۰) و دوزخیان، بهشتیان را آواز می دهند که: «از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده، بر ما فرو ریزید.» می گویند: «خدا آنها را بر کافران حرام کرده است.» (۵۱) همانان که دین خود را سرگرمی و بازی پنداشتند، و زندگی دنیا مغرورشان کرد. پس همان گونه که آنان دیدار امروز خود را از یاد بردند، و آیات ما را انکار می کردند، ما [هم] امروز آنان را از یاد می بریم. (۵۲) و در حقیقت، ما برای آنان کتابی آوردیم که آن را از روی دانش، روشن و شیوایش ساخته ایم، و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است. (۵۳) آیا [آنان] جز در انتظار تأویل آتند؟ روزی که تأویلش فرا رسد، کسانی که آن را پیش از آن به فراموشی سپرده اند می گویند: «حقاً فرستادگان پروردگار ما حق را آوردند. پس آیا [امروز] ما را شفاعتگرانی هست که برای ما شفاعت کنند یا [ممکن است به دنیا] باز گردانیده شویم، تا غیر از آنچه انجام می دادیم انجام دهیم؟» به راستی که [آنان] به خویشان زیان زدند، و آنچه را به دروغ می ساختند از کف دادند. (۵۴) در حقیقت، پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش [جهانداری] استیلا یافت. روز را به شب - که شتابان آن را می طلبد - می پوشاند، و [نیز] خورشید و ماه و ستارگان را که به فرمان او رام شده اند [پدید آورد]. آگاه باش که [عالم] خلق و امر از آن اوست. فرخنده خدایی است پروردگار جهانیان. (۵۵) پروردگار خود را به زاری و نهانی بخوانید که او از

حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد. (۵۶) و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید، و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. (۵۷) و اوست که بادها را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد، تا آن گاه که ابرهای گرانبار را بردارند، آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم، و از آن، باران فرود آوریم؛ و از هر گونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم. بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می‌سازیم، باشد که شما متذکر شوید. (۵۸) و زمین پاک [و آماده]، گیاهش به اذن پروردگارش برمی‌آید؛ و آن [زمینی] که ناپاک [و نامناسب] است [گیاهش] جز اندک و بی‌فایده بر نمی‌آید. این گونه، آیات [خود] را برای گروهی که شکر می‌گزارند، گونه‌گون بیان می‌کنیم. (۵۹) همانا نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست، من از عذاب روزی سترگ بر شما بیمناکم.» (۶۰) سران قومش گفتند: «واقعاً ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.» (۶۱) گفت: «ای قوم من، هیچ گونه گمراهی در من نیست، بلکه من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. (۶۲) پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و اندرزتان می‌دهم و چیزهایی از خدا می‌دانم که [شما] نمی‌دانید.» (۶۳) آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را بیم دهد و تا شما پرهیزگاری کنید و باشد که مورد رحمت قرار گیرید؟ (۶۴) پس او را تکذیب کردند، و ما او و کسانی را که با وی در کشتی بودند نجات دادیم؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ پنداشتند غرق کردیم، زیرا آنان گروهی کور[دل] بودند. (۶۵) و به سوی عاد، برادرشان هود را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید که برای شما معبودی جز او نیست، پس آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟» (۶۶) سران قومش که کافر بودند گفتند: «در حقیقت، ما تو را در [نوعی] سفاهت می‌بینیم و جداً تو را از دروغگویان می‌پنداریم.» (۶۷) گفت: «ای قوم من، در من سفاهتی نیست، ولی من فرستاده‌ای از جانب پروردگار جهانیانم. (۶۸) پیامهای پروردگارم را به شما می‌رسانم و برای شما خیر خواهی امینم.» (۶۹) آیا تعجب کردید که بر مردی از خودتان، پندی از جانب پروردگارتان برای شما آمده تا شما را هشدار دهد؟ و به خاطر آورید زمانی را که [خداوند] شما را پس از قوم نوح، جانشینان [آنان] قرار داد، و در خلقت، بر قوت شما افزود. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید، باشد که رستگار شوید. (۷۰) گفتند: «آیا به سوی ما آمده‌ای که تنها خدا را پرستیم و آنچه را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم؟ اگر راست می‌گویی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور.» (۷۱) گفت: «راستی که عذاب و خشمی [سخت] از پروردگارتان بر شما مقرر گردیده است. آیا در باره نامهایی که خود و پدرانتان [برای بتها] نامگذاری کرده‌اید، و خدا بر [حقانیت] آنها برهانی فرو فرستاده با من مجادله می‌کنید؟ پس منتظر باشید که من [هم] با شما از منتظرانم.» (۷۲) پس او و کسانی را که با او بودند به رحمتی از خود رها کردیم؛ و کسانی را که آیات ما را دروغ شمردند و مؤمن نبودند ریشه کن کردیم. (۷۳) و به سوی قوم [ثمود] ثمود، صالح، برادرشان را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید، برای شما معبودی جز او نیست؛ در حقیقت، برای شما از جانب پروردگارتان دلیلی آشکار آمده است. این، ماده شتر خدا برای شماست که پدیده‌ای شگرف است. پس آن را بگذارید تا در زمین خدا بخورد و گزندی به او نرسانید تا [مبادا] شما را عذابی دردناک فرو گیرد.» (۷۴) و به یاد آورید هنگامی را که شما را پس از [قوم] عاد جانشینان [آنان] گردانید، و در زمین به شما جای [مناسب] داد. در دشتهای آن [برای خود] کاخهایی اختیار می‌کردید، و از کوهها خانه‌هایی [زمستانی] می‌تراشیدید. پس نعمتهای خدا را به یاد آورید و در زمین سر به فساد برمدارید. (۷۵) سران قوم او که استکبار می‌ورزیدند، به مستضعفانی که ایمان آورده بودند، گفتند: «آیا می‌دانید که صالح از طرف پروردگارش فرستاده شده است؟» گفتند: «بی‌تردید، ما به آنچه وی بدان رسالت یافته است مؤمنیم.» (۷۶) کسانی که استکبار می‌ورزیدند، گفتند: «ما به آنچه شما بدان ایمان آورده‌اید کافریم.» (۷۷) پس آن ماده شتر را پی کردند و از فرمان پروردگار خود سرپیچیدند و گفتند: «ای صالح، اگر از پیامبرانی، آنچه را به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور.» (۷۸) آنگاه زمین لرزه آنان را فرو گرفت و در خانه هایشان از پا درآمدند. (۷۹) پس [صالح] از ایشان روی برتافت و گفت: «ای قوم من، به راستی، من پیام پروردگارم را به شما رساندم و خیر شما را خواستم ولی شما [خیر خواهان و نصیحتگران] را دوست

نمی‌دارید.» (۸۰) و لوط را [فرستادیم] هنگامی که به قوم خود گفت: «آیا آن کار زشت [ی] را مرتکب می‌شوید، که هیچ کس از جهانیان در آن بر شما پیشی نگرفته است؟» (۸۱) شما از روی شهوت، به جای زنان با مردان درمی‌آمیزید، آری، شما گروهی تجاوزکارید.» (۸۲) ولی پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «آنان را از شهرتان بیرون کنید، زیرا آنان کسانی‌اند که به پاکی تظاهر می‌کنند.» (۸۳) پس او و خانواده‌اش را - غیر از زنش که از زمره باقیمانده‌گان [در خاکستر مواد گوگردی] بود - نجات دادیم. (۸۴) و بر سر آنان بارشی [از مواد گوگردی] بارانیدیم. پس بین فرجام گنهکاران چسان بود. (۸۵) و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]؛ گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید که برای شما هیچ معبودی جز او نیست. در حقیقت، شما را از جانب پروردگارتان برهانی روشن آمده است. پس پیمان‌ه و ترازو را تمام نهد، و اموال مردم را کم مدهید، و در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید. این [رهنمودها] اگر مؤمنید برای شما بهتر است.» (۸۶) و بر سر هر راهی منشینید که [مردم را] بترسانید و کسی را که ایمان به خدا آورده از راه خدا باز دارید و راه او را کج بخواهید؛ و به یاد آورید هنگامی را که اندک بودید، پس شما را بسیار گردانید، و بنگرید که فرجام فسادکاران چگونه بوده است.» (۸۷) و اگر گروهی از شما به آنچه من بدان فرستاده شده‌ام ایمان آورده و گروه دیگر ایمان نیاورده‌اند، صبر کنید تا خدا میان ما داوری کند [که] او بهترین داوران است.» (۸۸) سران قومش که تکبر می‌ورزیدند، گفتند: «ای شعیب، یا تو و کسانی را که با تو ایمان آورده‌اند، از شهر خودمان بیرون خواهیم کرد؛ یا به کیش ما برگردید.» گفت: «آیا هر چند کراهت داشته باشیم؟» (۸۹) اگر بعد از آنکه خدا ما را از آن نجات بخشیده [باز] به کیش شما برگردیم، در حقیقت به خدا دروغ بسته‌ایم؛ و ما را سزاوار نیست که به آن بازگردیم، مگر آنکه خدا، پروردگار ما بخواهد. [که] پروردگار ما از نظر دانش بر هر چیزی احاطه دارد. بر خدا توکل کرده‌ایم. بار پروردگارا، میان ما و قوم ما به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.» (۹۰) و سران قومش که کافر بودند گفتند: «اگر از شعیب پیروی کنید، در این صورت قطعاً زیانکارید.» (۹۱) پس زمین لرزه آنان را فرو گرفت، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۹۲) کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، گویی خود در آن [دیوار] سکونت نداشتند. کسانی که شعیب را تکذیب کرده بودند، خود، همان زیانکاران بودند. (۹۳) پس [شعیب] از ایشان روی برتافت و گفت: «ای قوم من، به راستی که پیامهای پروردگارم را به شما رسانیدم و پندتان دادم؛ دیگر چگونه بر گروهی که کافرند دریغ بخورم؟» (۹۴) و در هیچ شهری، پیامبری نفرستادیم مگر آنکه مردمش را به سختی و رنج دچار کردیم تا مگر به زاری درآیند. (۹۵) آنگاه به جای بدی [=بلا]، نیکی [=نعمت] قرار دادیم تا انبوه شدند و گفتند: «پدران ما را [هم مسلماً به حکم طبیعت] رنج و راحت می‌رسیده است.» پس در حالی که بی‌خبر بودند بناگاه [گریبان] آنان را گرفتیم. (۹۶) و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم، ولی تکذیب کردند؛ پس به [کیفر] دستاوردها [گریبان] آنان را گرفتیم. (۹۷) آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما شامگاهان - در حالی که به خواب فرو رفته‌اند - به آنان برسد؟ (۹۸) و آیا ساکنان شهرها ایمن شده‌اند از اینکه عذاب ما نیمروز - در حالی که به بازی سرگرمند - به ایشان دررسد؟ (۹۹) آیا از مکر خدا خود را ایمن دانستند؟ [با آنکه] جز مردم زیانکار [کسی] خود را از مکر خدا ایمن نمی‌داند. (۱۰۰) مگر برای کسانی که زمین را پس از ساکنان [پیشین] آن به ارث می‌برند، باز نموده است که اگر می‌خواستیم آنان را به [کیفر] گناهانشان می‌رساندیم و بر دل‌هایشان مَهر می‌نهادیم تا دیگر نشنوند. (۱۰۱) این شهرهاست که برخی از خبرهای آن را بر تو حکایت می‌کنیم. در حقیقت، پیامبرانشان دلایل روشن برایشان آوردند. اما آنان به آنچه قبلاً تکذیب کرده بودند [باز] ایمان نمی‌آوردند. این گونه خدا بر دل‌های کافران مَهر می‌نهد. (۱۰۲) و در بیشتر آنان عهدی [استوار] نیافتیم و بیشترشان را جداً نافرمان یافتیم. (۱۰۳) آنگاه بعد از آنان، موسی را با آیات خود به سوی فرعون و سران قومش فرستادیم. ولی آنها به آن [آیات] کفر ورزیدند. پس بین فرجام مفسدان چگونه بود. (۱۰۴) و موسی گفت: «ای فرعون، بی‌تردید، من پیامبری از سوی پروردگار جهانیانم.» (۱۰۵) شایسته است که بر خدا جز [سخن] حق نگویم. من در حقیقت دلیلی روشن از سوی پروردگارتان برای شما آورده‌ام، پس فرزندان اسرائیل را همراه من

بفرست. (۱۰۶) [فرعون] گفت: «اگر معجزه‌ای آورده‌ای، پس اگر راست می‌گویی آن را ارائه بده.» (۱۰۷) پس [موسی] عصایش را افکند و بناگاه اژدهایی آشکار شد. (۱۰۸) و دست خود را [از گریبان] بیرون کشید و ناگهان برای تماشاگران سپید [و درخشنده] بود. (۱۰۹) سران قوم فرعون گفتند: «بی‌شک، این [مرد] ساحری داناست.» (۱۱۰) می‌خواهد شما را از سرزمینتان بیرون کند. پس چه دستور می‌دهید؟ (۱۱۱) گفتند: «او و برادرش را بازداشت کن، و گردآورندگانی را به شهرها بفرست. (۱۱۲) تا هر ساحر دانایی را نزد تو آرند. (۱۱۳) و ساحران نزد فرعون آمدند [و] گفتند: «[آیا] اگر ما پیروز شویم برای ما پاداشی خواهد بود؟» (۱۱۴) گفت: «آری، و مسلماً شما از مقربان [دربار من] خواهید بود.» (۱۱۵) گفتند: «ای موسی، آیا تو می‌افکنی و یا اینکه ما می‌افکنیم؟» (۱۱۶) گفت: «شما بیفکنید.» و چون افکندند، دیدگان مردم را افسون کردند و آنان را به ترس انداختند و سحری بزرگ در میان آوردند. (۱۱۷) و به موسی وحی کردیم که: «عصایت را بینداز؛ پس [انداخت و اژدها شد] و ناگهان آنچه را به دروغ ساخته بودند فرو بلعید. (۱۱۸) پس حقیقت آشکار گردید و کارهایی که می‌کردند باطل شد. (۱۱۹) و در آنجا مغلوب و خوار گردیدند. (۱۲۰) و ساحران به سجده درافتادند. (۱۲۱) [و] گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم، (۱۲۲) پروردگار موسی و هارون. (۱۲۳) فرعون گفت: «آیا پیش از آنکه به شما رخصت دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً این نیرنگی است که در شهر به راه انداخته‌اید تا مردمش را از آن بیرون کنید. پس به زودی خواهید دانست.» (۱۲۴) دستها و پاهایتان را یکی از چپ و یکی از راست خواهم برید سپس همه شما را به دار خواهم آویخت. (۱۲۵) گفتند: «ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت. (۱۲۶) و تو جز برای این ما را به کیفر نمی‌رسانی که ما به معجزات پروردگارمان -وقتی برای ما آمد- ایمان آوردیم. پروردگارا، بر ما شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران.» (۱۲۷) و سران قوم فرعون گفتند: «آیا موسی و قومش را رها می‌کنی تا در این سرزمین فساد کنند و [موسی] تو و خدایانت را رها کند؟» [فرعون] گفت: «بزودی پسرانشان را می‌کشیم و زنانشان را زنده نگاه می‌داریم، و ما بر آنان مسلطیم.» (۱۲۸) موسی به قوم خود گفت: «از خدا یاری جویید و پایداری ورزید، که زمین از آن خداست؛ آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌دهد؛ و فرجام [نیک] برای پرهیزگاران است.» (۱۲۹) [قوم موسی] گفتند: «پیش از آنکه تو نزد ما بیایی و [حتی] بعد از آنکه به سوی ما آمدی مورد آزار قرار گرفتیم.» گفت: «امید است که پروردگارتان دشمن شما را هلاک کند و شما را روی زمین جاننشین [آنان] سازد؛ آنگاه بنگرد تا چگونه عمل می‌کنید.» (۱۳۰) و در حقیقت، ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند. (۱۳۱) پس هنگامی که نیکی [و نعمت] به آنان روی می‌آورد می‌گفتند: «این برای [شایستگی] خود ماست» و چون گزند می‌رسید، به موسی و همراهانش شگون بد می‌زدند. آگاه باشید که [سرچشمه] بدشگونی آنان تنها نزد خداست [که آنان را به بدی اعمالشان کیفر می‌دهد]، لیکن بیشترشان نمی‌دانستند. (۱۳۲) و گفتند: «هر گونه پدیده شگرفی که به وسیله آن ما را افسون کنی برای ما بیاوری، ما به تو ایمان آورنده نیستیم.» (۱۳۳) پس بر آنان طوفان و ملخ و کنه ریز و غوکها و خون را به صورت نشانه‌هایی آشکار فرستادیم و باز سرکشی کردند و گروهی بدکار بودند. (۱۳۴) و هنگامی که عذاب بر آنان فرود آمد، گفتند: «ای موسی، پروردگارت را به عهدی که نزد تو دارد برای ما بخوان، اگر این عذاب را از ما برطرف کنی حتماً به تو ایمان خواهیم آورد و بنی اسرائیل را قطعاً با تو روانه خواهیم ساخت.» (۱۳۵) و چون عذاب را -تا سر رسیدی که آنان بدان رسیدند- از آنها برداشتیم باز هم پیمان شکنی کردند. (۱۳۶) سرانجام از آنان انتقام گرفتیم و در دریا غرقشان ساختیم، چرا که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل بودند. (۱۳۷) و به آن گروهی که پیوسته تضعیف می‌شدند، [بخشهای] باختر و خاوری سرزمین [فلسطین] را -که در آن برکت قرار داده بودیم- به میراث عطا کردیم. و به پاس آنکه صبر کردند، وعده نیکوی پروردگارت به فرزندان اسرائیل تحقق یافت، و آنچه را که فرعون و قومش ساخته و افراشته بودند ویران کردیم. (۱۳۸) و فرزندان اسرائیل را از دریا گذراندیم. تا به قومی رسیدند که بر [پرسش] بتهای خویش همت می‌گماشتند. گفتند: «ای موسی، همان گونه که برای آنان خدایانی است، برای ما [نیز] خدایی قرار ده.» گفت: «راستی شما نادانی می‌کنید.» (۱۳۹) در حقیقت، آنچه ایشان در آنند نابود [و زایل] و آنچه انجام می‌دادند باطل

است. (۱۴۰) گفت: «آیا غیر از خدا معبودی برای شما بجویم، با اینکه او شما را بر جهانیان برتری داده است؟» (۱۴۱) و [یاد کن] هنگامی را که شما را از فرعونیان نجات دادیم که شما را سخت شکنجه می کردند: پسرانتان را می کشتند و زنانان را زنده باقی می گذاشتند و در این، برای شما آزمایش بزرگی از جانب پروردگارتان بود. (۱۴۲) و با موسی، سی شب وعده گذاشتیم و آن را با ده شب دیگر تمام کردیم. تا آنکه وقت معین پروردگارش در چهل شب به سر آمد. و موسی [هنگام رفتن به کوه طور] به برادرش هارون گفت: «در میان قوم من جانشینم باش، و [کار آنان را] اصلاح کن، و راه فسادگران را پیروی مکن.» (۱۴۳) و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت، عرض کرد: «پروردگارا، خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم.» فرمود: «هرگز مرا نخواهی دید، لیکن به کوه بنگر؛ پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید.» پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود، آن را ریز ریز ساخت، و موسی بیهوش بر زمین افتاد، و چون به خود آمد، گفت: «تو منزهی! به درگاہ توبه کردم و من نخستین مؤمنانم.» (۱۴۴) فرمود: «ای موسی، تو را با رسالتها و با سخن گفتنم [با تو]، بر مردم [روزگار] برگزیدم؛ پس آنچه را به تو دادم بگیر و از سپاسگزاران باش.» (۱۴۵) و در الواح [تورات] برای او در هر موردی پندی، و برای هر چیزی تفصیلی نگاشتیم، پس [فرمودیم]: «آن را به جدّ و جهد بگیر و قوم خود را وادار کن که بهترین آن را فرا گیرند، به زودی سرای نافرمانان را به شما می نمایانم.» (۱۴۶) به زودی کسانی را که در زمین، بناحق تکبر می ورزند، از آیاتم رویگردان سازم [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نیاورند، و اگر راه صواب را ببینند آن را برنگزینند، و اگر راه گمراهی را ببینند آن را راه خود قرار دهند. این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشته و غفلت ورزیدند. (۱۴۷) و کسانی که آیات ما و دیدار آخرت را دروغ پنداشتند، اعمالشان تباه شده است. آیا جز در برابر آنچه می کردند کيفر می بینند؟ (۱۴۸) و قوم موسی پس از [عزیمت] او، از زیورهای خود مجسمه گوساله‌ای برای خود ساختند که صدای گاو داشت. آیا ندیدند که آن [گوساله] با ایشان سخن نمی گوید و راهی بدانها نمی نماید؟ آن را [به پرستش] گرفتند و ستمکار بودند. (۱۴۹) و چون انگشت ندامت گزیدند و دانستند که واقعاً گمراه شده‌اند گفتند: «اگر پروردگار ما به ما رحم نکند و ما را نبخشاید قطعاً از زیانکاران خواهیم بود.» (۱۵۰) و چون موسی، خشمناک و اندوهگین به سوی قوم خود بازگشت، گفت: «پس از من چه بد جانشینی برای من بودید! آیا بر فرمان پروردگارتان پیشی گرفتید؟ و الواح را افکند و [موی] سر برادرش را گرفت و او را به طرف خود کشید. [هارون] گفت: «ای فرزند مادرم، این قوم، مرا ناتوان یافتند و چیزی نمانده بود که مرا بکشند؛ پس مرا دشمن شاد مکن و مرا در شمار گروه ستمکاران قرار مده. (۱۵۱) [موسی] گفت: «پروردگارا، من و برادرم را بیمارز و ما را در [پناه] رحمت خود درآور، و تو مهربانترین مهربانانی.» (۱۵۲) آری، کسانی که گوساله را [به پرستش] گرفتند، به زودی خشمی از پروردگارشان و ذلّتی در زندگی دنیا به ایشان خواهد رسید؛ و ما این گونه، دروغ‌پردازان را کيفر می دهیم. (۱۵۳) و [لی] کسانی که مرتکب گناهان شدند، آنگاه توبه کردند و ایمان آوردند، قطعاً پروردگار تو پس از آن آمرزنده مهربان خواهد بود. (۱۵۴) و چون خشم موسی فرو نشست، الواح را برگرفت، و در رونویس آن، برای کسانی که از پروردگارشان بیمناک بودند، هدایت و رحمتی بود. (۱۵۵) و موسی از میان قوم خود هفتاد مرد برای میعاد ما برگزید، و چون زلزله، آنان را فرو گرفت، گفت: «پروردگارا، اگر می‌خواستی، آنان را و مرا پیش از این هلاک می‌ساختی. آیا ما را به [سزای] آنچه کم‌خردان ما کرده‌اند هلاک می‌کنی؟ این جز آزمایش تو نیست؛ هر که را بخواهی به وسیله آن گمراه و هر که را بخواهی هدایت می‌کنی؛ تو سرور مایی؛ پس ما را بیمارز و به ما رحم کن، و تو بهترین آمرزندگان.» (۱۵۶) «و برای ما در این دنیا نیکی مقرر فرما و در آخرت [نیز]، زیرا که ما به سوی تو بازگشته‌ایم.» فرمود: «عذاب خود را به هر کس بخواهم می‌رسانم، و رحمت همه چیز را فرا گرفته است؛ و به زودی آن را برای کسانی که پرهیزگاری می‌کنند و زکات می‌دهند و آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند، مقرر می‌دارم.» (۱۵۷) همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده - که [نام] او را نزد خود، در تورات و انجیل نوشته می‌یابند - پیروی می‌کنند؛ [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد، و از کار ناپسند باز می‌دارد، و برای آنان

چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند، و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد. پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند، آنان همان رستگارانند. (۱۵۸) بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست؛ که زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس‌نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید.» (۱۵۹) و از میان قوم موسی جماعتی هستند که به حق راهنمایی می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. (۱۶۰) و آنان را به دوازده عشیره که هر یک امتی بودند تقسیم کردیم، و به موسی - وقتی قومش از او آب خواستند - وحی کردیم که با عصایت بر آن تخته سنگ بزن. پس، از آن، دوازده چشمه جوشید. هر گروهی آبشخور خود را بشناخت؛ و ابر را بر فراز آنان سایبان کردیم، و گزانگبین و بلدرچین بر ایشان فرو فرستادیم. از چیزهای پاکیزه‌ای که روزیتان کرده‌ایم بخورید. و بر ما ستم نکردند، لیکن بر خودشان ستم می‌کردند. (۱۶۱) و [یاد کن] هنگامی را که بدیشان گفته شد: «در این شهر سکونت گزینید، و از آن - هر جا که خواستید - بخورید، و بگویید: [خداوندا،] گناهان ما را فرو ریز. و سجده کنان از دروازه [شهر] درآید، تا گناهان شما را بر شما ببخشاییم [و] به زودی بر [اجر] نیکوکاران بیفزاییم.» (۱۶۲) پس، کسانی از آنان که ستم کردند، سخنی را که به ایشان گفته شده بود به سخن دیگری تبدیل کردند. پس به سزای آنکه ستم می‌ورزیدند، عذابی از آسمان بر آنان فرو فرستادیم. (۱۶۳) و از اهالی آن شهری که کنار دریا بود، از ایشان جويا شو: آنگاه که به [حکم] روز شنبه تجاوز می‌کردند؛ آنگاه که روز شنبه آنان، ماهیهایشان روی آب می‌آمدند، و روزهای غیر شنبه به سوی آنان نمی‌آمدند. این گونه ما آنان را به سبب آنکه نافرمانی می‌کردند، می‌آزمودیم. (۱۶۴) و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند: «برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است، یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد، پند می‌دهید؟» گفتند: «تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد، و شاید که آنان پرهیزگاری کنند.» (۱۶۵) پس هنگامی که آنچه را بدان تذکر داده شده بودند، از یاد بردند، کسانی را که از [کار] بد باز می‌داشتند نجات دادیم؛ و کسانی را که ستم کردند، به سزای آنکه نافرمانی می‌کردند، به عذابی شدید گرفتار کردیم. (۱۶۶) و چون از آنچه از آن نهی شده بودند سرپیچی کردند، به آنان گفتیم: «بوزینگانی رانده شده باشید.» (۱۶۷) و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت اعلام داشت که تا روز قیامت بر آنان [=یهودیان] کسانی را خواهد گماشت که بدیشان عذاب سخت بچشانند. آری، پروردگار تو زودکیفر است و همو آمرزنده بسیار مهربان است. (۱۶۸) و آنان را در زمین به صورت گروههایی پراکنده ساختیم: برخی از آنان درستکارند و برخی از آنان جز اینند. و آنها را به خوشیها و ناخوشیها آزمودیم، باشد که ایشان باز گردند. (۱۶۹) آنگاه بعد از آنان، جانشینانی وارث کتاب [آسمانی] شدند که متاع این دنیای پست را می‌گیرند و می‌گویند: «بخشیده خواهیم شد.» و اگر متاعی مانند آن به ایشان برسد [باز] آن را می‌ستانند. آیا از آنان پیمان کتاب [آسمانی] گرفته نشده که جز به حق نسبت به خدا سخن نگویند، با اینکه آنچه را که در آن [کتاب] است آموخته‌اند؟ و سرای آخرت برای کسانی که پروا پیشه می‌کنند بهتر است. آیا باز تعقل نمی‌کنید؟ (۱۷۰) و کسانی که به کتاب [آسمانی] چنگ درمی‌زنند و نماز برپا داشته‌اند [بدانند که] ما اجر درستکاران را تباه نخواهیم کرد. (۱۷۱) و [یاد کن] هنگامی را که کوه [طور] را بر فرازشان سایبان آسا، برافراشتیم، و چنان پنداشتند که [کوه] بر سرشان فرو خواهد افتاد. [و گفتیم:] آنچه را که به شما داده‌ایم به جدّ و جهد بگیرید، و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید. شاید که پرهیزگار شوید. (۱۷۲) و هنگامی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنان را برگرفت و ایشان را بر خودشان گواه ساخت که آیا پروردگار شما نیستیم؟ گفتند: «چرا، گواهی دادیم» تا مبادا روز قیامت بگویید ما از این [امر] غافل بودیم. (۱۷۳) یا بگویید پدران ما پیش از این مشرک بوده‌اند و ما فرزندان پس از ایشان بودیم. آیا ما را به خاطر آنچه باطل اندیشان انجام داده‌اند هلاک می‌کنی؟ (۱۷۴) و اینگونه آیات [خود] را به تفصیل بیان می‌کنیم، و باشد که آنان [به سوی حق] باز گردند. (۱۷۵) و خبر آن کس را که آیات خود را به او داده بودیم برای آنان بخوان که از آن عاری گشت؛ آنگاه شیطان، او را

دنبال کرد و از گمراهان شد. (۱۷۶) و اگر می‌خواستیم، قدر او را به وسیله آن [آیات] بالا می‌بردیم، اما او به زمین [=دنيا] گرایید و از هوای نفس خود پیروی کرد. از این رو داستانش چون داستان سگ است [که] اگر بر آن حمله‌ور شوی زبان از کام برآورد، و اگر آن را رها کنی [باز هم] زبان از کام برآورد. این، مثل آن گروهی است که آیات ما را تکذیب کردند. پس این داستان را [برای آنان] حکایت کن، شاید که آنان بیندیشند. (۱۷۷) چه زشت است داستان گروهی که آیات ما را تکذیب و به خود ستم می‌نمودند. (۱۷۸) هر که را خدا هدایت کند، او راه‌یافته است؛ و کسانی را که گمراه نماید، آنان خود زیانکارانند. (۱۷۹) و در حقیقت، بسیاری از جنیان و آدمیان را برای دوزخ آفریده‌ایم. [چرا که] دل‌هایی دارند که با آن [حقایق را] دریافت نمی‌کنند، و چشمانی دارند که با آنها نمی‌بینند، و گوش‌هایی دارند که با آنها نمی‌شنوند. آنان همانند چهارپایان بلکه گمراه‌ترند. [آری،] آنها همان غافل‌ماندگانند. (۱۸۰) و نام‌های نیکو به خدا اختصاص دارد، پس او را با آنها بخوانید، و کسانی را که در مورد نام‌های او به کژی می‌گیرند رها کنید. زودا که به [سزای] آنچه انجام می‌دادند کیفر خواهند یافت. (۱۸۱) و از میان کسانی که آفریده‌ایم، گروهی هستند که به حق هدایت می‌کنند و به حق داوری می‌نمایند. (۱۸۲) و کسانی که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج، از جایی که نمی‌دانند گریبانشان را خواهیم گرفت. (۱۸۳) و به آنان مهلت می‌دهم، که تدبیر من استوار است. (۱۸۴) آیا نیندیشیده‌اند که همنشین آنان هیچ جنونی ندارد؟ او جز هشداردهنده‌ای آشکار نیست. (۱۸۵) آیا در ملکوت آسمانها و زمین و هر چیزی که خدا آفریده است ننگریسته‌اند؛ و اینکه شاید هنگام مرگشان نزدیک شده باشد؟ پس به کدام سخن، بعد از قرآن ایمان می‌آورند؟ (۱۸۶) هر که را خداوند گمراه کند، برای او هیچ رهبری نیست، و آنان را در طغیانشان سرگردان و می‌گذارد. (۱۸۷) از تو در باره قیامت می‌پرسند [که] وقوع آن چه وقت است؟ بگو: «علم آن، تنها نزد پروردگار من است. جز او [هیچ کس] آن را به موقع خود آشکار نمی‌گرداند. [این حادثه] بر آسمانها و زمین گران است، جز ناگهان به شما نمی‌رسد.» [باز] از تو می‌پرسند گویا تو از [زمان وقوع] آن آگاهی. بگو: «علم آن، تنها نزد خداست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.» (۱۸۸) بگو: «جز آنچه خدا بخواهد، برای خودم اختیار سود و زیانی ندارم، و اگر غیب می‌دانستم قطعاً خیر بیشتری می‌اندوختم و هرگز به من آسیبی نمی‌رسید. من جز بیم‌دهنده و بشارتگر برای گروهی که ایمان می‌آورند، نیستم.» (۱۸۹) اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد تا بدان آرام گیرد. پس چون [آدم] با او [حوّا] در آمیخت باردار شد، باری سبک. و [چندی] با آن [بار سبک] گذرانید، و چون سنگین بار شد، پروردگار خود را خواندند که اگر به ما [فرزندی] شایسته عطا کنی قطعاً از سپاسگزاران خواهیم بود. (۱۹۰) و چون به آن دو، [فرزندی] شایسته داد، در آنچه [خدا] به ایشان داده بود، برای او شریکانی قرار دادند، و خدا از آنچه [با او] شریک می‌گرداند برتر است. (۱۹۱) آیا موجوداتی را [با او] شریک می‌گردانند که چیزی را نمی‌آفرینند و خودشان مخلوقند؟ (۱۹۲) و نمی‌توانند آنان را یاری کنند و نه خویشان را یاری دهند. (۱۹۳) و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید، از شما پیروی نمی‌کنند. چه آنها را بخوانید یا خاموش بمانید، برای شما یکسان است. (۱۹۴) در حقیقت، کسانی را که به جای خدا می‌خوانید، بندگانی امثال شما هستند. پس آنها را [در گرفتاریها] بخوانید، اگر راست می‌گویید باید شما را اجابت کنند. (۱۹۵) آیا آنها پاهایی دارند که با آن راه بروند، یا دست‌هایی دارند که با آن کاری انجام دهند، یا چشم‌هایی دارند که با آن بنگرند، یا گوش‌هایی دارند که با آن بشنوند؟ بگو: «شریکان خود را بخوانید؛ سپس در باره من حيله به کار برید و مرا مهلت مدهید.» (۱۹۶) بی‌تردید، سرور من آن خدایی است که قرآن را فرو فرستاده، و همو دوستدار شایستگان است. (۱۹۷) و کسانی را که به جای او می‌خوانید، نمی‌توانند شما را یاری کنند و نه خویشان را یاری دهند. (۱۹۸) و اگر آنها را به [راه] هدایت فراخوانید، نمی‌شنوند، و آنها را می‌بینی که به سوی تو می‌نگرند در حالی که نمی‌بینند. (۱۹۹) گذشت پیشه کن، و به [کار] پسندیده فرمان ده، و از نادانان رخ برتاب. (۲۰۰) و اگر از شیطان و سوسه‌ای به تو رسد، به خدا پناه بر، زیرا که او شنوای داناست. (۲۰۱) در حقیقت، کسانی که [از خدا] پروا دارند، چون و سوسه‌ای از جانب شیطان بدیشان رسد [خدا را] به یاد آورند و بناگاه بینا شوند. (۲۰۲) و یارانشان آنان را به گمراهی می‌کشاند و

کوتاهی نمی کنند. (۲۰۳) و هر گاه برای آنان آیاتی نیاوری، می گویند: «چرا آن را خود برنگزیدی؟» بگو: «من فقط آنچه را که از پروردگارم به من وحی می شود پیروی می کنم. این [قرآن] رهنمودی است از جانب پروردگار شما و برای گروهی که ایمان می آورند هدایت و رحمتی است. (۲۰۴) و چون قرآن خوانده شود، گوش بدان فرا دارید و خاموش مانید، امید که بر شما رحمت آید. (۲۰۵) و در دل خویش، پروردگارت را بامدادان و شامگاهان با تضرع و ترس، بی صدای بلند، یاد کن و از غافلان مباش. (۲۰۶) به یقین، کسانی که نزد پروردگار تو هستند، از پرستش او تکبر نمی ورزند و او را به پاکی می ستایند و برای او سجده می کنند. (۲۰۷)

الأنفال

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) [ای پیامبر] از تو در باره غنایم جنگی می پرسند. بگو: «غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده [او] دارد. پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید، و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. (۲) مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دل‌هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزایند، و بر پروردگار خود توکل می کنند. (۳) همانان که نماز را به پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند. (۴) آنان هستند که حقاً مؤمنند، برای آنان نزد پروردگارشان درجات و آمرزش و روزی نیکو خواهد بود. (۵) همان گونه که پروردگارت تو را از خانه‌ات به حق بیرون آورد و حال آنکه دسته‌ای از مؤمنان سخت کراهت داشتند. (۶) با تو در باره حق - بعد از آنکه روشن گردید - مجادله می کنند. گویی که آنان را به سوی مرگ می رانند و ایشان [بدان] می نگرند. (۷) و [به یاد آورید] هنگامی را که خدا یکی از دو دسته [کاروان تجارتنی قریش یا سپاه ابوسفیان] را به شما وعده داد که از آن شما باشد، و شما دوست داشتید که دسته بی سلاح برای شما باشد، و [لی] خدا می خواست حق [=اسلام] را با کلمات خود ثابت، و کافران را ریشه کن کند. (۸) تا حق را ثابت و باطل را نابود گرداند، هر چند بزهکاران خوش نداشته باشند. (۹) [به یاد آورید] زمانی را که پروردگار خود را به فریاد می طلبیدید، پس دعای شما را اجابت کرد که: «من شما را با هزار فرشته پیاپی، یاری خواهم کرد.» (۱۰) و این [وعده] را خداوند جز نویدی [برای شما] قرار نداد، و تا آنکه دل‌های شما بدان اطمینان یابد؛ و پیروزی جز از نزد خدا نیست، که خدا شکست ناپذیر [و حکیم] است. (۱۱) [به یاد آورید] هنگامی را که [خدا] خواب سبک آرامش بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت، و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند، و وسوسه شیطان را از شما بزداید و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار دارد. (۱۲) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان وحی می کرد که من با شما هستم، پس کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت قدم بدارید. به زودی در دل کافران وحشت خواهم افکنند. پس، فراز گردنها را بزینید، و همه سرانگشتان را قلم کنید. (۱۳) این [کیفر] بدان سبب است که آنان با خدا و پیامبر او به مخالفت برخاستند، و هر کس با خدا و پیامبر او به مخالفت برخیزد قطعاً خدا سخت کیفر است. (۱۴) این [عذاب دنیا] را بچشید، و [بدانید که] برای کافران عذاب آتش خواهد بود. (۱۵) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه [در میدان نبرد] به کافران برخورد کردید که [به سوی شما] روی می آورند، به آنان پشت مکنید. (۱۶) و هر که در آن هنگام به آنان پشت کند - مگر آنکه [هدفش] کناره گیری برای نبردی [مجدد] یا پیوستن به جمعی [دیگر از هم‌زمانش] باشد - قطعاً به خشم خدا گرفتار خواهد شد، و جایگاهش دوزخ است، و چه بد سرانجامی است. (۱۷) و شما آنان را نکشید، بلکه خدا آنان را کُشت. و چون [ریگ] به سوی آنان افکندی، تو نیفکندی، بلکه خدا افکند. [آری، خدا چنین کرد تا کافران را مغلوب کند] و بدین وسیله مؤمنان را به آزمایشی نیکو، بیازماید. قطعاً خدا شنوای داناست. (۱۸) [ماجرا] این بود، و [بدانید که] خدا نیرنگ کافران را سست می گرداند. (۱۹) [ای مشرکان] اگر شما پیروزی [حق] را می طلبید، اینک پیروزی به سراغ شما آمد [و اسلام پیروز شد]؛ و اگر [از دشمنی] بازایستید، آن برای شما بهتر است؛ و اگر [به جنگ] برگردید ما هم بر می گردیم،

و [بدانید] که گروه شما هر چند زیاد باشد، هرگز از شما چیزی را دفع نتوانند کرد و خداست که با مؤمنان است. (۲۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و فرستاده او را فرمان برید و از او روی برنمایید در حالی که [سخنان او را] می‌شنوید. (۲۱) و مانند کسانی مباشید که گفتند: «شنیدیم» در حالی که نمی‌شنیدند. (۲۲) قطعاً بدترین جنبندگان نزد خدا کران و لالانی‌اند که نمی‌اندیشند. (۲۳) و اگر خدا در آنان خیری می‌یافت قطعاً شنوایشان می‌ساخت، و اگر آنان را شنوا می‌کرد، حتماً باز به حال اعراض، روی برمی‌تافتند. (۲۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون خدا و پیامبر، شما را به چیزی فرا خوانند که به شما حیات می‌بخشد، آنان را اجابت کنید، و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد، و هم در نزد او محشور خواهید شد. (۲۵) و از فتنه‌ای که تنها به ستمکاران شما نمی‌رسد بترسید و بدانید که خدا سخت کیفر است. (۲۶) و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین، گروهی اندک و مستضعف بودید. می‌ترسیدید مردم شما را برابند، پس [خدا] به شما پناه داد و شما را به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد، باشد که سپاسگزاری کنید. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر او خیانت نکنید و [نیز] در امانتهای خود خیانت نوزید و خود می‌دانید [که نباید خیانت کرد]. (۲۸) و بدانید که اموال و فرزندان شما [وسیله] آزمایش [شما] هستند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. (۲۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا دارید، برای شما [نیروی] تشخیص [حق از باطل] قرار می‌دهد؛ و گناهانتان را از شما می‌زداید؛ و شما را می‌آموزد؛ و خدا دارای بخشش بزرگ است. (۳۰) و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند، و نیرنگ می‌زدند، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. (۳۱) و چون آیات ما بر آنان خوانده شود، می‌گویند: «به خوبی شنیدیم، اگر می‌خواستیم، قطعاً ما نیز همانند این را می‌گفتیم، این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» (۳۲) و [یاد کن] هنگامی را که گفتند: «خدایا، اگر این [کتاب] همان حق از جانب توست، پس بر ما از آسمان سنگهایی بباران یا عذابی دردناک بر سر ما بیاور.» (۳۳) و [لی] تا تو در میان آنان هستی، خدا بر آن نیست که ایشان را عذاب کند، و تا آنان طلب آمرزش می‌کنند، خدا عذاب‌کننده ایشان نخواهد بود. (۳۴) چرا خدا [در آخرت] عذابشان نکند، با اینکه آنان [مردم را] از [زیارت] مسجد الحرام باز می‌دارند در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند. چرا که سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند. (۳۵) و نمازشان در خانه [خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید! (۳۶) بی‌گمان، کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می‌کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می‌کنند، و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت؛ سپس مغلوب می‌شوند. و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد. (۳۷) تا خدا، ناپاک را از پاک جدا کند، و ناپاکها را روی یکدیگر نهد و همه را متراکم کند؛ آنگاه در جهنم قرار دهد. اینان همان زیانکارانند. (۳۸) به کسانی که کفر ورزیده‌اند، بگو: «اگر بازایستند، آنچه گذشته است برایشان آمرزیده می‌شود؛ و اگر بازگردند، به یقین، سنت [خدا در مورد] پیشینیان گذشت.» (۳۹) و با آنان بجنگید تا فتنه‌ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد. پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می‌دهند بیناست. (۴۰) و اگر روی برتافتند، پس بدانید که خدا سرور شماست. چه نیکو سرور و چه نیکو یآوری است. (۴۱) و بدانید که هر چیزی را به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و پیامبر و برای خویشاوندان [او] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده خود در روز جدایی [حق از باطل] - روزی که آن دو گروه با هم روبرو شدند - نازل کردیم، ایمان آورده‌اید. و خدا بر هر چیزی تواناست. (۴۲) آنگاه که شما بر دامنه نزدیکتر [کوه] بودید و آنان در دامنه دورتر [کوه]، و سواران [دشمن] پایین‌تر از شما [موضع گرفته] بودند، و اگر با یکدیگر وعده گذارده بودید، قطعاً در وعده‌گاه خود اختلاف می‌کردید، ولی [چنین شد] تا خداوند کاری را که انجام‌شدنی بود به انجام رساند [و] تا کسی که [باید] هلاک شود، با دلیلی روشن هلاک گردد، و کسی که [باید] زنده شود، با دلیلی واضح زنده بماند، و خداست که در حقیقت شنوای داناست. (۴۳) [ای پیامبر، یاد کن] آنگاه را که خداوند آنان [=سپاه دشمن] را در خوابت به

تو اندک نشان داد؛ و اگر ایشان را به تو بسیار نشان می داد قطعاً سست می شدید و حتماً در کار [جهاد] منازعه می کردید، ولی خدا شما را به سلامت داشت، چرا که او به راز دلها داناست. (۴۴) و آنگاه که چون با هم برخورد کردید، آنان را در دیدگان شما اندک جلوه داد و شما را [نیز] در دیدگان آنان کم نمودار ساخت تا خداوند کاری را که انجام شدنی بود تحقق بخشد، و کارها به سوی خدا بازگردانده می شود. (۴۵) ای کسانی که ایمان آورده اید، چون با گروهی برخورد می کنید پایداری ورزید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که رستگار شوید. (۴۶) و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود، و صبر کنید که خدا با شکیبایان است. (۴۷) و مانند کسانی مباشید که از خانه هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می داشتند، و خدا به آنچه می کنند احاطه دارد. (۴۸) و [یاد کن] هنگامی را که شیطان اعمال آنان را برایشان بیاراست و گفت: «امروز هیچ کس از مردم بر شما پیروز نخواهد شد، و من پناه شما هستم.» پس هنگامی که دو گروه، یکدیگر را دیدند [شیطان] به عقب برگشت و گفت: «من از شما بیزارم، من چیزی را می بینم که شما نمی بینید، من از خدا بیمناکم.» و خدا سخت کیفر است. (۴۹) آنگاه که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری بود می گفتند: «اینان [=مؤمنان] را دینشان فریفته است.» و هر کس بر خدا توکل کند [بداند که] در حقیقت خدا شکست ناپذیر حکیم است. (۵۰) و اگر ببینی آنگاه که فرشتگان جان کافران را می ستانند، بر چهره و پشت آنان می زنند و [گویند]: عذاب سوزان را بچشید. (۵۱) این [کیفر] دستاوردهای پیشین شماست، و [گر نه] خدا بر بندگان [خود] ستمکار نیست. (۵۲) [رفتارشان] مانند رفتار خاندان فرعون و کسانی است که پیش از آنان بودند: به آیات خدا کفر ورزیدند؛ پس خدا به [سزای] گناهانشان گرفتارشان کرد. آری، خدا نیرومند سخت کیفر است. (۵۳) این [کیفر] بدان سبب است که خداوند نعمتی را که بر قومی ارزانی داشته تغییر نمی دهد، مگر آنکه آنان آنچه را در دل دارند تغییر دهند، و خدا شنوای داناست. (۵۴) [رفتاری] چون رفتار فرعونیان و کسانی که پیش از آنان بودند، که آیات پروردگارشان را تکذیب کردند؛ پس ما آنان را به [سزای] گناهانشان هلاک کردیم و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان ستمکار بودند. (۵۵) بی تردید، بدترین جنبندها پیش خدا کسانی اند که کفر ورزیدند و ایمان نمی آورند. (۵۶) همانان که از ایشان پیمان گرفتی ولی هر بار پیمان خود را می شکنند و [از خدا] پروا نمی دارند. (۵۷) پس اگر در جنگ بر آنان دست یافتی با [عقوبت] آنان، کسانی را که در پی ایشانند تارومار کن، باشد که عبرت گیرند. (۵۸) و اگر از گروهی بیم خیانت داری [پیمانشان را] به سویشان بینداز [تا طرفین] به طور یکسان [بدانند که پیمان گسسته است]، زیرا خدا خائن را دوست نمی دارد. (۵۹) و زنهاری کسانی که کافر شده اند گمان نکنند که پیشی جسته اند، زیرا آنان نمی توانند [ما را] درمانده کنند. (۶۰) و هر چه در توان دارید از نیرو و اسبهای آماده بسیج کنید، تا با این [تدارکات]، دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان - که شما نمی شناسیدشان و خدا آنان را می شناسد - بترسانید. و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می شود و بر شما ستم نخواهد رفت. (۶۱) و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست. (۶۲) و اگر بخواهند تو را بفریبند، [یاری] خدا برای تو بس است. همو بود که تو را با یاری خود و مؤمنان نیرومند گردانید. (۶۳) و میان دلهایشان اُلفت انداخت، که اگر آنچه در روی زمین است همه را خرج می کردی نمی توانستی میان دلهایشان اُلفت برقرار کنی، ولی خدا بود که میان آنان اُلفت انداخت، چرا که او توانای حکیم است. (۶۴) ای پیامبر، خدا و کسانی از مؤمنان که پیرو تو اند تو را بس است. (۶۵) ای پیامبر، مؤمنان را به جهاد برانگیز. اگر از [میان] شما بیست تن، شکیبیا باشند بر دویست تن چیره می شوند، و اگر از شما یکصد تن باشند بر هزار تن از کافران پیروز می گردند، چرا که آنان قومی اند که نمی فهمند. (۶۶) اکنون خدا بر شما تخفیف داده و معلوم داشت که در شما ضعفی هست. پس اگر از [میان] شما یکصد تن شکیبیا باشند بر دویست تن پیروز گردند، و اگر از شما هزار تن باشند، به توفیق الهی بر دو هزار تن غلبه کنند، و خدا با شکیبایان است. (۶۷) هیچ پیامبری را سزاوار نیست که [برای اخذ سربها از دشمنان] اسپرانی بگیرد، تا در زمین به طور کامل از آنان کشتار کند. شما متاع دنیا را می خواهید و خدا آخرت را می خواهد، و خدا شکست ناپذیر

حکیم است. (۶۸) اگر در آنچه گرفته‌اید، از جانب خدا نوشته‌ای نبود، قطعاً به شما عذابی بزرگ می‌رسید. (۶۹) پس، از آنچه به غنیمت برده‌اید، حلال و پاکیزه بخورید و از خدا پروا دارید که خدا آمرزنده مهربان است. (۷۰) ای پیامبر، به کسانی که در دست شما اسیرند بگو: «اگر خدا در دلهای شما خیری سراغ داشته باشد، بهتر از آنچه از شما گرفته شده به شما عطا می‌کند و بر شما می‌بخشاید و خدا آمرزنده مهربان است.» (۷۱) و اگر بخواهند به تو خیانت کنند، پیش از این [نیز] به خدا خیانت کردند؛ [و خدا تو را] بر آنان مسلط ساخت، و خدا دانای حکیم است. (۷۲) کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مال و جان خود جهاد نموده‌اند و کسانی که [مهاجران را] پناه داده‌اند و یاری کرده‌اند، آنان یاران یکدیگرند؛ و کسانی که ایمان آورده‌اند ولی مهاجرت نکرده‌اند هیچ گونه خویشاوندی [دینی] با شما ندارند مگر آنکه [در راه خدا] هجرت کنند؛ و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است، مگر بر علیه گروهی باشد که میان شما و میان آنان پیمانی [منعقد شده] است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۷۳) و کسانی که کفر ورزیدند یاران یکدیگرند. اگر این [دستور] را به کار نبندید، در زمین فتنه و فساد بزرگ پدید خواهد آمد. (۷۴) و کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا به جهاد پرداخته، و کسانی که [مهاجران را] پناه داده و یاری کرده‌اند، آنان همان مؤمنان واقعی‌اند، برای آنان بخشایش و روزی شایسته‌ای خواهد بود. (۷۵) و کسانی که بعداً ایمان آورده و هجرت نموده و همراه شما جهاد کرده‌اند، اینان از زمره شمايند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر [از دیگران] در کتاب خدا سزاوارترند. آری، خدا به هر چیزی داناست. (۷۶)

التوبة

[این آیات] اعلام بیزاری [و عدم تعهد] است از طرف خدا و پیامبرش نسبت به آن مشرکانی که با ایشان پیمان بسته‌اید. (۱) پس [ای مشرکان،] چهار ماه [دیگر با امتیت کامل] در زمین بگردید و بدانید که شما نمی‌توانید خدا را به ستوه آورید، و این خداست که رسواکننده کافران است. (۲) و [این آیات] اعلامی است از جانب خدا و پیامبرش به مردم در روز حج اکبر که خدا و پیامبرش در برابر مشرکان تعهدی ندارند [با این حال] اگر [از کفر] توبه کنید آن برای شما بهتر است، و اگر روی بگردانید پس بدانید که شما خدا را درمانده نخواهید کرد؛ و کسانی را که کفر ورزیدند از عذابی دردناک خبر ده. (۳) مگر آن مشرکانی که با آنان پیمان بسته‌اید، و چیزی از [تعهدات خود نسبت به] شما فروگذار نکرده، و کسی را بر ضد شما پشتیبانی نموده‌اند. پس پیمان اینان را تا [پایان] مدتشان تمام کنید، چرا که خدا پرهیزگاران را دوست دارد. (۴) پس چون ماه‌های حرام سپری شد، مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید؛ پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند، راه برایشان گشاده گردانید، زیرا خدا آمرزنده مهربان است. (۵) و اگر یکی از مشرکان از تو پناه خواست پناهش ده تا کلام خدا را بشنود؛ سپس او را به مکان امنش برسان، چرا که آنان قومی نادانند. (۶) چگونه مشرکان را نزد خدا و نزد فرستاده او عهدی تواند بود؟ مگر با کسانی که کنار مسجد الحرام پیمان بسته‌اید. پس تا با شما [بر سر عهد] پایدارند، با آنان پایدار باشید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست می‌دارد. (۷) چگونه [برای آنان عهدی است] با اینکه اگر بر شما دست یابند، در باره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه تعهدی را، شما را با زبانشان راضی می‌کنند و حال آنکه دلهایشان امتناع می‌ورزد و بیشترشان منحرفند. (۸) آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او باز داشتند، به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می‌دادند. (۹) در باره هیچ مؤمنی مراعات خویشاوندی و پیمانی را نمی‌کنند، و ایشان همان تجاوزکارانند. (۱۰) پس اگر توبه کنند و نماز برپا دارند و زکات دهند، در این صورت برادران دینی شما می‌باشند، و ما آیات [خود] را برای گروهی که می‌دانند به تفصیل بیان می‌کنیم. (۱۱) و اگر سوگندهای خود را پس از پیمان خویش شکستند و شما را در دینتان طعن زدند، پس با پیشوایان کفر بجنگید، چرا که آنان را هیچ پیمانی نیست، باشد که [از پیمان‌شکنی] باز ایستند. (۱۲) چرا با گروهی که سوگندهای خود را

شکستند و بر آن شدند که فرستاده [خدا] را بیرون کنند، و آنان بودند که نخستین بار [جنگ را] با شما آغاز کردند، نمی جنگید؟ آیا از آنان می ترسید؟ با اینکه اگر مؤمنید خدا سزاوارتر است که از او بترسید. (۱۳) با آنان بجنگید؛ خدا آنان را به دست شما عذاب و رسوایشان می کند و شما را بر ایشان پیروزی می بخشد و دلهای گروه مؤمنان را خنک می گرداند. (۱۴) و خشم دلایشان را ببرد، و خدا توبه هر که را بخواهد می پذیرد، و خدا دانای حکیم است. (۱۵) آیا پنداشته اید که به خود واگذار می شوید، و خداوند کسانی را که از میان شما جهاد کرده و غیر از خدا و فرستاده او و مؤمنان، محرم اسراری نگرفته اند، معلوم نمی دارد؟ و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۱۶) مشرکان را نرسد که مساجد خدا را آباد کنند، در حالی که به کفر خویش شهادت می دهند. آنانند که اعمالشان به هدر رفته و خود در آتش جاودانند. (۱۷) مساجد خدا را تنها کسانی آباد می کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده اند، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند. (۱۸) آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجد الحرام را همانند [کار] کسی پنداشته اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می کند؟ [نه، این دو] نزد خدا یکسان نیستند، و خدا بیدادگران را هدایت نخواهد کرد. (۱۹) کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند. (۲۰) پروردگارشان آنان را از جانب خود، به رحمت و خشنودی و باغهایی [در بهشت] که در آنها نعمتهایی پایدار دارند، مژده می دهد. (۲۱) جاودانه در آنها خواهند بود، در حقیقت، خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. (۲۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر پدرانتان و برادرانتان کفر را بر ایمان ترجیح دهند [آنان را] به دوستی مگیرید، و هر کس از میان شما آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمکارانند. (۲۳) بگو: «اگر پدران و پسران و برادران و زنان و خاندان شما و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کسادهش بیمناکید و سراهایی را که خوش می دارید، نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راه وی دوست داشتنی تر است، پس منتظر باشید تا خدا فرمانش را [به اجرا در] آورد.» و خداوند گروه فاسقان را راهنمایی نمی کند. (۲۴) قطعاً خداوند شما را در مواضع بسیاری یاری کرده است، و [نیز] در روز «حنین»؛ آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ وجه از شما دفع [خطر] نکرد، و زمین با همه فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت [به دشمن] کرده بودید برگشتید. (۲۵) آنگاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد، و سپاهیان فرو فرستاد که آنها را نمی دیدید، و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد، و سزای کافران همین بود. (۲۶) سپس خدا بعد از این [واقعه] توبه هر کس را بخواهد می پذیرد، و خدا آمرزنده مهربان است. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده اید، حقیقت این است که مشرکان نپاکنند، پس نباید از سال آینده به مسجد الحرام نزدیک شوند، و اگر [در این قطع رابطه] از فقر بیمناکید، پس به زودی خدا - اگر بخواهد - شما را به فضل خویش بی نیاز می گرداند، که خدا دانای حکیم است. (۲۸) با کسانی از اهل کتاب که به خدا و روز بازپسین ایمان نمی آورند، و آنچه را خدا و فرستاده اش حرام گردانیده اند حرام نمی دارند و متدین به دین حق نمی گردند، کارزار کنید، تا با [کمال] خواری به دست خود جزیه دهند. (۲۹) و یهود گفتند: «عزیر، پسر خداست.» و نصاری گفتند: «مسیح، پسر خداست.» این سخنی است [باطل] که به زبان می آورند، و به گفتار کسانی که پیش از این کافر شده اند شباهت دارد. خدا آنان را بکشد؛ چگونه [از حق] باز گردانده می شوند؟ (۳۰) اینان دانشمندان و راهبان خود و مسیح پسر مریم را به جای خدا به الوهیت گرفتند، با آنکه مأمور نبودند جز اینکه خدایی یگانه را پرستند که هیچ معبودی جز او نیست. منزّه است او از آنچه [با وی] شریک می گردانند. (۳۱) می خواهند نور خدا را با سخنان خویش خاموش کنند، ولی خداوند نمی گذارد، تا نور خود را کامل کند، هر چند کافران را خوش نیاید. (۳۲) او کسی است که پیامبرش را با هدایت و دین درست، فرستاد تا آن را بر هر چه دین است پیروز گرداند، هر چند مشرکان خوش نداشته باشند. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند، و [آنان را] از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده. (۳۴) روزی که آن

[گنجینه]ها را در آتش دوزخ بگدازند، و پیشانی و پهلو و پشت آنان را با آنها داغ کنند [و گویند:] «این است آنچه برای خود اندوختید، پس [کیفر] آنچه را می‌اندوختید بچشید.» (۳۵) در حقیقت، شماره ماه‌ها نزد خدا، از روزی که آسمانها و زمین را آفریده، در کتاب [علم] خدا، دوازده ماه است؛ از این [دوازده ماه]، چهار ماه، [ماه] حرام است. این است آیین استوار، پس در این [چهار ماه] بر خود ستم مکنید، و همگی با مشرکان بجنگید، چنانکه آنان همگی با شما می‌جنگند، و بدانید که خدا با پرهیزگاران است. (۳۶) جز این نیست که جابجا کردن [ماههای حرام]، فزونی در کفر است که کافران به وسیله آن گمراه می‌شوند؛ آن را یکسال حلال می‌شمارند، و یکسال [دیگر]، آن را حرام می‌دانند، تا با شماره ماههایی که خدا حرام کرده است موافق سازند، و در نتیجه آنچه را خدا حرام کرده [بر خود] حلال گردانند. زشتی اعمالشان برایشان آراسته شده است، و خدا گروه کافران را هدایت نمی‌کند. (۳۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود: «در راه خدا بسیج شوید» کندی به خرج می‌دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (۳۸) اگر بسیج نشوید، [خدا] شما را به عذابی دردناک عذاب می‌کند، و گروهی دیگر به جای شما می‌آورد، و به او زیانی نخواهد رسانید، و خدا بر هر چیزی تواناست. (۳۹) اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را [از مکه] بیرون کردند، و او نفر دوم از دو تن بود، آنگاه که در غار [ثور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد، و او را با سپاهسانی که آنها را نمی‌دیدند تأیید کرد، و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست تر گردانید، و کلمه خداست که برتر است، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است. (۴۰) سبکبار و گرانبار، بسیج شوید و با مال و جانتان در راه خدا جهاد کنید. اگر بدانید، این برای شما بهتر است. (۴۱) اگر مالی در دسترس و سفری [آسان و] کوتاه بود، قطعاً از پی تو می‌آمدند، ولی آن راه پر مشقت بر آنان دور می‌نماید، و به زودی به خدا سوگند خواهند خورد که اگر می‌توانستیم حتماً با شما بیرون می‌آمدیم، [با سوگند دروغ]، خود را به هلاکت می‌کشاند و خدا می‌داند که آنان سخت دروغگویند. (۴۲) خدایت بیخشايد، چرا پیش از آنکه [حال] راستگویان بر تو روشن شود و دروغگویان را بازشناسی، به آنان اجازه دادی؟ (۴۳) کسانی که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند، در جهاد با مال و جانشان از تو عذر و اجازه نمی‌خواهند، و خدا به [حال] تقواییشان داناست. (۴۴) تنها کسانی از تو اجازه می‌خواهند [به جهاد نروند] که به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و دل‌هایشان به شک افتاده و در شک خود سرگردانند. (۴۵) و اگر [به راستی] اراده بیرون رفتن داشتند، قطعاً برای آن ساز و برگ تدارک می‌دیدند، ولی خداوند راه افتادن آنان را خوش نداشت، پس ایشان را منصرف گردانید و [به آنان] گفته شد: «با ماندگان بمانید.» (۴۶) اگر با شما بیرون آمده بودند جز فساد برای شما نمی‌افزودند، و به سرعت خود را میان شما می‌انداختند و در حق شما فتنه‌جویی می‌کردند، و در میان شما جاسوسانی دارند [که] به نفع آنان [اقدام می‌کنند]، و خدا به [حال] ستمکاران داناست. (۴۷) در حقیقت، پیش از این [نیز] در صدد فتنه‌جویی برآمدند و کارها را بر تو وارونه ساختند، تا حق آمد و امر خدا آشکار شد، در حالی که آنان ناخشنود بودند. (۴۸) و از آنان کسی است که می‌گوید: «مرا [در ماندن] اجازه ده و به فتنه‌ام مینداز.» هش دار، که آنان خود به فتنه افتاده‌اند، و بی‌تردید جهنم بر کافران احاطه دارد. (۴۹) اگر نیکی به تو رسد آنان را بدحال می‌سازد، و اگر پیشامد ناگواری به تو رسد می‌گویند: «ما پیش از این تصمیم خود را گرفته‌ایم.» و شادمان روی بر می‌تابند. (۵۰) بگو: «جز آنچه خدا برای ما مقرر داشته هرگز به ما نمی‌رسد. او سرپرست ماست، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» (۵۱) بگو: «آیا برای ما جز یکی از این دو نیکی را انتظار می‌برید؟ در حالی که ما انتظار می‌کشیم که خدا از جانب خود یا به دست ما عذابی به شما برساند. پس انتظار بکشید که ما هم با شما در انتظاریم.» (۵۲) بگو: «چه به رغبت چه با بی‌میلی انفاق کنید، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، چرا که شما گروهی فاسق بوده‌اید.» (۵۳) و هیچ چیز مانع پذیرفته شدن انفاقهای آنان نشد جز اینکه به خدا و پیامبرش کفر ورزیدند، و جز با [حال] کسالت نماز به جا نمی‌آورند، و جز با کراهت انفاق نمی‌کنند. (۵۴) اموال و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد. جز این نیست که

خدا می خواهد در زندگی دنیا به وسیله اینها عذابشان کند و جانشان در حال کفر بیرون رود. (۵۵) و به خدا سوگند یاد می کنند که آنان قطعاً از شما نیستند، لیکن آنان گروهی هستند که می ترسند. (۵۶) اگر پناهگاه یا غارها یا سوراخی [برای فرار] می یافتند، شتابزده به سوی آن روی می آوردند. (۵۷) و برخی از آنان در [تقسیم] صدقات بر تو خرده می گیرند، پس اگر از آن [اموال] به ایشان داده شود خشنود می گردند، و اگر از آن به ایشان داده نشود بناگاه به خشم می آیند. (۵۸) و اگر آنان بدانچه خدا و پیامبرش به ایشان داده اند خشنود می گشتند و می گفتند: «خدا ما را بس است به زودی خدا و پیامبرش از کرم خود به ما می دهند و ما به خدا مشتاقیم» [قطعاً برای آنان بهتر بود]. (۵۹) صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است. (۶۰) و از ایشان کسانی هستند که پیامبر را آزار می دهند و می گویند: «او زودباور است.» بگو: «گوش خوبی برای شماست، به خدا ایمان دارد و [سخن] مؤمنان را باور می کند، و برای کسانی که شما را آزار آورده اند رحمتی است.» و کسانی که پیامبر خدا را آزار می رسانند، عذابی پر درد [در پیش] خواهند داشت. (۶۱) برای [اغفال] شما به خدا سوگند یاد می کنند تا شما را خشنود گردانند، در صورتی که اگر مؤمن باشند [بدانند] سزاوارتر است که خدا و فرستاده او را خشنود سازند. (۶۲) آیا ندانسته اند که هر کس با خدا و پیامبر او درافتد برای او آتش جهنم است که در آن جاودانه خواهد بود، این همان رسوایی بزرگ است. (۶۳) منافقان بیم دارند از اینکه [مبادا] سوره ای در باره آنان نازل شود که ایشان را از آنچه در دلهایشان هست خبر دهد. بگو: «ریشخند کنید، بی تردید خدا آنچه را که [از آن] می ترسید برملا خواهد کرد.» (۶۴) و اگر از ایشان پرسید، مسلماً خواهند گفت: «ما فقط شوخی و بازی می کردیم.» بگو: «آیا خدا و آیات او و پیامبرش را ریشخند می کردید؟» (۶۵) عذر نیاورید، شما بعد از ایمانتان کافر شده اید. اگر از گروهی از شما در گذریم، گروهی [دیگر] را عذاب خواهیم کرد، چرا که آنان تبهکار بودند. (۶۶) مردان و زنان دو چهره، [همانند] یکدیگرند. به کار ناپسند وامی دارند و از کار پسندیده باز می دارند، و دستهای خود را [از انفاق] فرو می بندند. خدا را فراموش کردند، پس [خدا هم] فراموششان کرد. در حقیقت، این منافقانند که فاسقند. (۶۷) خدا به مردان و زنان دو چهره و کافران، آتش جهنم را وعده داده است. در آن جاودانه اند. آن [آتش] برای ایشان کافی است، و خدا لعنتشان کرده و برای آنان عذابی پایدار است. (۶۸) [حال شما منافقان] چون کسانی است که پیش از شما بودند: آنان از شما نیرومندتر و دارای اموال و فرزندان بیشتر بودند. پس، از نصیب خویش [در دنیا] برخوردار شدند، و شما [هم] از نصیب خود برخوردار شدید؛ همان گونه که آنان که پیش از شما بودند از نصیب خویش برخوردار شدند، و شما [در باطل] فرو رفتید؛ همان گونه که آنان فرو رفتند. آنان اعمالشان در دنیا و آخرت به هدر رفت و آنان همان زیانکارانند. (۶۹) آیا گزارش [حال] کسانی که پیش از آنان بودند: قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اصحاب مدین و شهرهای زیر و رو شده، به ایشان نرسیده است؟ پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، خدا بر آن نبود که به آنان ستم کند ولی آنان بر خود ستم روا می داشتند. (۷۰) و مردان و زنان با ایمان، دوستان یکدیگرند، که به کارهای پسندیده و می دارند، و از کارهای ناپسند باز می دارند، و نماز را بر پا می کنند و زکات می دهند، و از خدا و پیامبرش فرمان می برند. آنانند که خدا به زودی مشمول رحمتشان قرار خواهد داد، که خدا توانا و حکیم است. (۷۱) خداوند به مردان و زنان با ایمان باغهایی وعده داده است که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است. در آن جاودانه خواهند بود. و [نیز] سراهایی پاکیزه در بهشتهای جاودان [به آنان وعده داده است] و خشنودی خدا بزرگتر است. این است همان کامیابی بزرگ. (۷۲) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت بگیر، و جایگاهشان دوزخ است، و چه بد سرانجامی است. (۷۳) به خدا سوگند می خورند که [سخن ناروا] نگفته اند، در حالی که قطعاً سخن کفر گفته و پس از اسلام آوردنشان کفر ورزیده اند، و بر آنچه موفق به انجام آن نشدند همت گماشتند، و به عیبجویی برخاستند مگر [بعد از] آنکه خدا و پیامبرش از فضل خود آنان را بی نیاز گردانیدند. پس اگر توبه کنند برای آنان بهتر است، و اگر روی

برتابند، خدا آنان را در دنیا و آخرت عذابی دردناک می‌کند، و در روی زمین یار و یاورى نخواهند داشت. (۷۴) و از آنان کسانی‌اند که با خدا عهد کرده‌اند که اگر از کرم خویش به ما عطا کند، قطعاً صدقه خواهیم داد و از شایستگان خواهیم شد. (۷۵) پس چون از فضل خویش به آنان بخشید، بدان بخل ورزیدند، و به حال اعراض روی برتافتند. (۷۶) در نتیجه، به سزای آنکه با خدا خلف وعده کردند و از آن روی که دروغ می‌گفتند، در دل‌هایشان - تا روزی که او را دیدار می‌کنند - پیامدهای نفاق را باقی گذارد. (۷۷) آیا ندانسته‌اند که خدا راز آنان و نجوای ایشان را می‌داند و خدا دانای رازهای نهانی است؟ (۷۸) کسانی که بر مؤمنانی که [افزون بر صدقه واجب]، از روی میل، صدقات [مستحب نیز] می‌دهند، عیب می‌گیرند، و [همچنین] از کسانی که [در انفاق] جز به اندازه توانشان نمی‌یابند، [عیبجویی می‌کنند] و آنان را به ریشخند می‌گیرند، [بدانند که] خدا آنان را به ریشخند می‌گیرد و برای ایشان عذابی پر درد خواهد بود. (۷۹) چه برای آنان آموزش بخواهی یا برایشان آموزش نخواهی [یکسان است، حتی] اگر هفتاد بار برایشان آموزش طلب کنی هرگز خدا آنان را نخواهد آمرزید، چرا که آنان به خدا و فرستاده‌اش کفر ورزیدند، و خدا گروه فاسقان را هدایت نمی‌کند. (۸۰) بر جای ماندگان، به [خانه] نشستن خود، پس از رسول خدا، شادمان شدند، و از اینکه با مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، کراهت داشتند، و گفتند: «در این گرما بیرون نروید.» بگو: «اگر دریابند - آتش جهنم سوزان‌تر است.» (۸۱) از این پس کم بخندند، و به جزای آنچه به دست می‌آوردند، بسیار بگیرند. (۸۲) و اگر خدا تو را به سوی طایفه‌ای از آنان بازگردانید، و آنان برای بیرون آمدن [به جنگ دیگری] از تو اجازه خواستند، بگو: «شما هرگز با من خارج نخواهید شد، و هرگز همراه من با هیچ دشمنی نبرد نخواهید کرد، زیرا شما نخستین بار به نشستن تن دردادید. پس [اکنون هم] با خانه‌نشینان بنشینید.» (۸۳) و هرگز بر هیچ مرده‌ای از آنان نماز مگزار و بر سر قبرش نایست، چرا که آنان به خدا و پیامبر او کافر شدند و در حال فسق مردند. (۸۴) و اموال و فرزندان آنان تو را به شگفت نیندازد. جز این نیست که خدا می‌خواهد ایشان را در دنیا به وسیله آن عذاب کند و جانشان در حال کفر بیرون رود. (۸۵) و چون سوره‌ای نازل شود که به خدا ایمان آورید و همراه پیامبرش جهاد کنید، ثروتمندانشان از تو عذر و اجازه خواهند و گویند: «بگذار که ما با خانه‌نشینان باشیم.» (۸۶) راضی شدند که با خانه‌نشینان باشند، و بر دل‌هایشان مهر زده شده است، در نتیجه قدرت درک ندارند. (۸۷) ولی پیامبر و کسانی که با او ایمان آورده‌اند با مال و جانشان به جهاد برخاسته‌اند. و اینانند که همه خوبیها برای آنان است، اینان همان رستگارانند. (۸۸) خدا برای آنان باغهایی آماده کرده است که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، و در آن جاودانه‌اند. این همان رستگاری بزرگ است. (۸۹) و عذرخواهان بادیه‌نشین [نزد تو] آمدند تا به آنان اجازه [ترک جهاد] داده شود. و کسانی که به خدا و فرستاده او دروغ گفتند نیز در خانه نشستند. به زودی کسانی از آنان را که کفر ورزیدند عذابی دردناک خواهد رسید. (۹۰) بر ناتوانان و بر بیمارانی که چیزی نمی‌یابند [تا در راه جهاد] خرج کنند - در صورتی که برای خدا و پیامبرش خیرخواهی نمایند - هیچ گناهی نیست، [و نیز] بر نیکوکاران ایرادی نیست، و خدا آمرزنده مهربان است. (۹۱) و [نیز] گناهی نیست بر کسانی که چون پیش تو آمدند تا سوارشان کنی [و] گفتی: «چیزی پیدا نمی‌کنم تا بر آن سوارتان کنم»، برگشتند، و در اثر اندوه، از چشمانشان اشک فرو می‌ریخت که [چرا] چیزی نمی‌یابند تا [در راه جهاد] خرج کنند. (۹۲) ایراد فقط بر کسانی است که با اینکه توانگرند از تو اجازه [ترک جهاد] می‌خواهند. [و به این] راضی شده‌اند که با خانه‌نشینان باشند، و خدا بر دل‌هایشان مهر نهاد، در نتیجه آنان نمی‌فهمند. (۹۳) هنگامی که به سوی آنان باز گردید برای شما عذر می‌آورند. بگو: «عذر نیاورید، هرگز شما را باور نخواهیم داشت؛ خدا ما را از خبرهای شما آگاه گردانیده، و به زودی خدا و رسولش عمل شما را خواهند دید. آنگاه به سوی دانای نهان و آشکار، باز گردانیده می‌شوید، و از آنچه انجام می‌دادید به شما خبر می‌دهد.» (۹۴) وقتی به سوی آنان باز گشتید، برای شما به خدا سوگند می‌خورند تا از ایشان صرف‌نظر کنید. پس، از آنان روی برتابید، چرا که آنان پلیدند، و به [سزای] آنچه به دست آورده‌اند جایگاهشان دوزخ خواهد بود. (۹۵) برای شما سوگند یاد می‌کنند تا از آنان خشنود گردید. پس اگر شما هم از ایشان خشنود شوید قطعاً خدا از گروه فاسقان خشنود نخواهد

شد. (۹۶) بادیه‌نشینان عرب، در کفر و نفاق [از دیگران] سخت‌تر، و به اینکه حدود آنچه را که خدا بر فرستاده‌اش نازل کرده، ندانند، سزاوارترند. و خدا دانای حکیم است. (۹۷) و برخی از آن بادیه‌نشینان کسانی هستند که آنچه را [در راه خدا] هزینه می‌کنند، خسارتی [برای خود] می‌دانند، و برای شما پیشامدهای بد انتظار می‌برند. پیشامد بد برای آنان خواهد بود، و خدا شنوای داناست. (۹۸) و برخی [دیگر] از بادیه‌نشینان کسانی‌اند که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب نزد خدا و دعاهای پیامبر می‌دانند. بدانید که این [انفاق] مایه تقرب آنان است. به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد، که خدا آمرزنده مهربان است. (۹۹) و پیشگامان نخستین از مهاجران و انصار، و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خدا از ایشان خوشنود و آنان [نیز] از او خوشنودند، و برای آنان باغهایی آماده کرده که از زیر [درختان] آن نهرها روان است. همیشه در آن جاودانه‌اند. این است همان کامیابی بزرگ. (۱۰۰) و برخی از بادیه‌نشینانی که پیرامون شما هستند منافقند، و از ساکنان مدینه [نیز عده‌ای] بر نفاق خو گرفته‌اند. تو آنان را نمی‌شناسی، ما آنان را می‌شناسیم. به زودی آنان را دو بار عذاب می‌کنیم؛ سپس به عذابی بزرگ بازگردانیده می‌شوند. (۱۰۱) و دیگری هستند که به گناهان خود اعتراف کرده و کار شایسته را با [کاری] دیگر که بد است درآمیخته‌اند. امید است خدا توبه آنان را بپذیرد، که خدا آمرزنده مهربان است. (۱۰۲) از اموال آنان صدقه‌ای بگیر تا به وسیله آن پاک و پاکیزه‌شان سازی، و برایشان دعا کن، زیرا دعای تو برای آنان آرامشی است، و خدا شنوای داناست. (۱۰۳) آیا ندانسته‌اند که تنها خداست که از بندگانش توبه را می‌پذیرد و صدقات را می‌گیرد، و خداست که خود توبه‌پذیر مهربان است؟ (۱۰۴) و بگو: «[هر کاری می‌خواهید] بکنید، که به زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار شما خواهند نگرست، و به زودی به سوی دانای نهران آشکار بازگردانیده می‌شوید؛ پس ما را به آنچه انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.» (۱۰۵) و عده‌ای دیگر [کارشان] موقوف به فرمان خداست: یا آنان را عذاب می‌کند و یا توبه آنها را می‌پذیرد، و خدا دانای سنجیده کار است. (۱۰۶) و آنهایی که مسجدی اختیار کردند که مایه زیان و کفر و پراکندگی میان مؤمنان است، و [نیز] کمینگاهی است برای کسی که قبلاً با خدا و پیامبر او به جنگ برخاسته بود، و سخت سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی قصدی نداشتیم. و [لی] خدا گواهی می‌دهد که آنان قطعاً دروغگو هستند. (۱۰۷) هرگز در آن جا مایست، چرا که مسجدی که از روز نخستین بر پایه تقوا بنا شده، سزاوارتر است که در آن [به نماز] ایستی. [و] در آن، مردانی‌اند که دوست دارند خود را پاک سازند، و خدا کسانی را که خواهان پاکی‌اند دوست می‌دارد. (۱۰۸) آیا کسی که بنیاد [کار] خود را بر پایه تقوا و خشنودی خدا نهاده بهتر است یا کسی که بنای خود را بر لب پرتگاهی مُشرف به سقوط پی‌ریزی کرده و با آن در آتش دوزخ فرو می‌افتد؟ و خدا گروه بیدادگران را هدایت نمی‌کند. (۱۰۹) همواره آن ساختمان‌هایی که بنا کرده‌اند، در دل‌هایشان مایه شک [و نفاق] است، تا آنکه دل‌هایشان پاره پاره شود، و خدا دانای سنجیده کار است. (۱۱۰) در حقیقت، خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به [بهای] اینکه بهشت برای آنان باشد، خریده است؛ همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند و می‌کشند و کشته می‌شوند. [این] به عنوان وعده حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده اوست. و چه کسی از خدا به عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است. (۱۱۱) [آن مؤمنان،] همان توبه‌کنندگان، پرستندگان، سپاسگزاران، روزه‌داران، رکوع‌کنندگان، سجده‌کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند و پاسداران مقررات خدایند. و مؤمنان را بشارت ده. (۱۱۲) بر پیامبر و کسانی که ایمان آورده‌اند سزاوار نیست که برای مشرکان - پس از آنکه برایشان آشکار گردید که آنان اهل دوزخند - طلب آمرزش کنند، هر چند خویشاوند [آنان] باشند. (۱۱۳) و طلب آمرزش ابراهیم برای پدرش جز برای وعده‌ای که به او داده بود، نبود. و [لی] هنگامی که برای او روشن شد که وی دشمن خداست، از او بی‌زاری جست. راستی، ابراهیم، دلسوزی بردبار بود. (۱۱۴) و خدا بر آن نیست که گروهی را پس از آنکه هدایتشان نمود بی‌راه بگذارد، مگر آنکه چیزی را که باید از آن پروا کنند برایشان بیان کرده باشد. آری، خدا به هر چیزی داناست. (۱۱۵) در حقیقت، فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست. زنده می‌کند و می‌میراند، و برای شما جز خدا یار و یآوری

نیست. (۱۱۶) به یقین، خدا بر پیامبر و مهاجران و انصار که در آن ساعت دشوار از او پیروی کردند ببخشد، بعد از آنکه چیزی نمانده بود که دل‌های دسته‌ای از آنان منحرف شود. باز برایشان ببخشد، چرا که او نسبت به آنان مهربان و رحیم است. (۱۱۷) و [نیز] بر آن سه تن که بر جای مانده بودند، [و قبول توبه آنان به تعویق افتاد] تا آنجا که زمین با همه فراخی‌اش بر آنان تنگ گردید، و از خود به تنگ آمدند و دانستند که پناهی از خدا جز به سوی او نیست. پس [خدا] به آنان [توفیق] توبه داد، تا توبه کنند. بی تردید خدا همان توبه‌پذیر مهربان است. (۱۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا کنید و با راستان باشید. (۱۱۹) مردم مدینه و بادیه‌نشینان پیرامونشان را نرسد که از [فرمان] پیامبر خدا سر باز زنند و جان خود را عزیزتر از جان او بدانند، چرا که هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد؛ و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد قدم نمی‌گذارند و از دشمنی غنیمتی به دست نمی‌آورند مگر اینکه به سبب آن، عمل صالحی برای آنان [در کارنامه‌شان] نوشته می‌شود، زیرا خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۱۲۰) و هیچ مال کوچک و بزرگی را انفاق نمی‌کنند و هیچ وادی را نمی‌پیمایند مگر اینکه به حساب آنان نوشته می‌شود، تا خدا آنان را به بهتر از آنچه می‌کردند پاداش دهد. (۱۲۱) و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند. پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان، دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را -وقتی به سوی آنان بازگشتند بیم دهند- باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند؟ (۱۲۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، با کافرانی که مجاور شما هستند کارزار کنید، و آنان باید در شما خشونت بیابند، و بدانید که خدا با تقوای پیشگان است. (۱۲۳) و چون سوره‌ای نازل شود، از میان آنان کسی است که می‌گوید: «این [سوره] ایمان کدام یک از شما را افزود؟» اما کسانی که ایمان آورده‌اند بر ایمانشان می‌افزاید و آنان شادمانی می‌کنند. (۱۲۴) اما کسانی که در دل‌هایشان بیماری است، پلیدی بر پلیدیشان افزود و در حال کفر درمی‌گذرند. (۱۲۵) آیا نمی‌بینند که آنان در هر سال، یک یا دو بار آزموده می‌شوند، باز هم توبه نمی‌کنند و عبرت نمی‌گیرند؟ (۱۲۶) و چون سوره‌ای نازل شود، بعضی از آنان به بعضی دیگر نگاه می‌کنند [و می‌گویند]: «آیا کسی شما را می‌بیند؟» سپس [مخفیانه از حضور پیامبر] بازمی‌گردند. خدا دل‌هایشان را [از حق] برگرداند، زیرا آنان گروهی هستند که نمی‌فهمند. (۱۲۷) قطعاً، برای شما پیامبری از خودتان آمد که بر او دشوار است شما در رنج بیفتید، به [هدایت] شما حریص، و نسبت به مؤمنان، دلسوز مهربان است. (۱۲۸) پس اگر روی برتافتند، بگو: «خدا مرا بس است. هیچ معبودی جز او نیست. بر او توکل کردم، و او پروردگار عرش بزرگ است.» (۱۲۹)

یونس

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، راء. این است آیات کتاب حکمت آموز. (۲) آیا برای مردم شگفت‌آور است که به مردی از خودشان وحی کردیم که: مردم را بیم ده و به کسانی که ایمان آورده‌اند مژده ده که برای آنان نزد پروردگارش سابقه نیک است؟ کافران گفتند: «این [مرد] قطعاً افسونگری آشکار است.» (۳) پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید. سپس بر عرش استیلا یافت. کار [آفرینش] را تدبیر می‌کند. شفاعتگری جز پس از اذن او نیست. این است خدا، پروردگار شما، پس او را پرستید. آیا پند نمی‌گیرید؟ (۴) باز گشت همه شما به سوی اوست. وعده خدا حق است؛ هموست که آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به عدالت پاداش دهد، و کسانی که کفر ورزیده‌اند به سزای کفرشان شربتی از آب جوشان و عذابی پر درد خواهند داشت. (۵) اوست کسی که خورشید را روشنایی بخشید و ماه را تابان کرد، و برای آن منزل‌هایی معین کرد تا شماره سالها و حساب را بدانید. خدا اینها را جز به حق نیافریده است. نشانه‌ها [ی خود] را برای گروهی که می‌دانند به روشنی بیان می‌کند. (۶) به راستی، در آمد و رفت شب و روز و آنچه خدا در آسمانها و زمین آفریده، برای مردمی که پروا دارند دلایلی [آشکار] است. (۷) کسانی که امید به دیدار ما ندارند، و به

زندگی دنیا دل خوش کرده و بدان اطمینان یافته‌اند، و کسانی که از آیات ما غافلند، (۸) آنان به [کیفر] آنچه به دست می‌آوردند، جایگاهشان آتش است. (۹) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، پروردگارشان به پاس ایمانشان آنان را هدایت می‌کند به باغهای [پرناز و] نعمت، که از زیر [پای] آنان نهرها روان خواهد بود [در خواهند آمد]. (۱۰) نیایش آنان در آنجا سبحانک اللهم [=خدایا! تو پاک و منزهی] و درودشان در آنجا سلام است، و پایان نیایش آنان این است که: الحمد لله رب العالمین [=ستایش ویژه پروردگار جهانیان است]. (۱۱) و اگر خدا برای مردم به همان شتاب که آنان در کار خیر می‌طلبند، در رساندن بلا به آنها شتاب می‌نمود، قطعاً اجلشان فرا می‌رسید. پس کسانی را که به دیدار ما امید ندارند، در طغیانشان رها می‌کنیم تا سرگردان بمانند. (۱۲) و چون انسان را آسیبی رسد، ما را -به پهلو خوابیده یا نشسته یا ایستاده- می‌خواند، و چون گرفتاریش را برطرف کنیم چنان می‌رود که گویی ما را برای گرفتاریی که به او رسیده، نخوانده است. این گونه برای اسرافکاران آنچه انجام می‌دادند زینت داده شده است. (۱۳) و قطعاً نسلهای پیش از شما را هنگامی که ستم کردند به هلاکت رساندیم، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند و [لی] بر آن نبودند که ایمان بیاورند. این گونه مردم بزهکار را جزا می‌دهیم. (۱۴) آنگاه شما را پس از آنان در زمین جانشین قرار دادیم تا بنگریم چگونه رفتار می‌کنید. (۱۵) و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، آنانکه به دیدار ما امید ندارند می‌گویند: «قرآن دیگری جز این بیاور، یا آن را عوض کن.» بگو: «مرا نرسد که آن را از پیش خود عوض کنم. جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم، از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.» (۱۶) بگو: «اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم، و [خدا] شما را بدان آگاه نمی‌گردانید. قطعاً پیش از [آوردن] آن، روزگاری در میان شما به سر برده‌ام. آیا فکر نمی‌کنید؟» (۱۷) پس کیست ستمکارتر از آن کس که دروغی بر خدای بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ به راستی مجرمان رستگار نمی‌شوند. (۱۸) و به جای خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه به آنان سود می‌دهد. و می‌گویند: «اینها نزد خدا شفاعتگران ما هستند.» بگو: «آیا خدا را به چیزی که در آسمانها و در زمین نمی‌داند، آگاه می‌گردانید؟» او پاک و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند. (۱۹) و مردم جز یک امت نبودند. پس اختلاف پیدا کردند. و اگر وعده‌ای از جانب پروردگارت مقرر نگشته بود، قطعاً در آنچه بر سر آن با هم اختلاف می‌کنند، میانشان داوری می‌شد. (۲۰) و می‌گویند: «چرا معجزه‌ای از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟» بگو: «غیب فقط به خدا اختصاص دارد. پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.» (۲۱) و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده است، رحمتی بچشانیم، بناگاه آنان را در آیات ما نیرنگی است. بگو: «نیرنگ خدا سریع‌تر است.» در حقیقت، فرستادگان [فرشتگان] ما آنچه نیرنگ می‌کنید می‌نویسند. (۲۲) و کسی است که شما را در خشکی و دریا می‌گرداند، تا وقتی که در کشتیها باشید و آنها با بادی خوش، آنان را ببرند و ایشان بدان شاد شوند [بناگاه] بادی سخت بر آنها وزد و موج از هر طرف بر ایشان تازد و یقین کنند که در محاصره افتاده‌اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که: «اگر ما را از این [ورطه] برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.» (۲۳) پس چون آنان را رهانید، ناگهان در زمین بناحق سرکشی می‌کنند. ای مردم، سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. شما بهره زندگی دنیا را [می‌طلبید]. سپس بازگشت شما به سوی ما خواهد بود. پس شما را از آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد. (۲۴) در حقیقت، مثل زندگی دنیا بسان آبی است که آن را از آسمان فرو ریختیم، پس گیاه زمین -از آنچه مردم و دامها می‌خورند- با آن در آمیخت، تا آنگاه که زمین پیرایه خود را برگرفت و آراسته گردید و اهل آن پنداشتند که آنان بر آن قدرت دارند، شبی یا روزی فرمان [ویرانی] ما آمد و آن را چنان درویده کردیم که گویی دیروز وجود نداشته است. این گونه نشانه‌ها [ی خود] را برای مردمی که اندیشه می‌کنند به روشنی بیان می‌کنیم. (۲۵) و خدا [شما را] به سرای سلامت فرا می‌خواند، و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۲۶) برای کسانی که کار نیکو کرده‌اند، نیکویی [بهشت] و زیاده [بر آن] است. چهره‌هایشان را غباری و ذلتی نمی‌پوشاند. اینان اهل بهشتند [و] در آن جاودانه خواهند بود. (۲۷) و کسانی که مرتکب بدیها شده‌اند، [بدانند که] جزای [هر] بدی مانند آن است و خواری آنان را فرو

می‌گیرد. در مقابل خدا، هیچ حمایتگری برای ایشان نیست. گویی چهره‌هایشان با پاره‌ای از شبِ تار پوشیده شده است. آنان همدم آتشند، که در آن جاودانه خواهند بود. (۲۸) و [یاد کن] روزی را که همه آنان را گرد می‌آوریم. آنگاه به کسانی که شرک ورزیده‌اند می‌گوییم: «شما و شریکانتان بر جای خود باشید» پس میان آنها جدایی می‌افکنیم. و شریکان آنان می‌گویند: «در حقیقت، شما ما را نمی‌پرستیدید.» (۲۹) و گواهی خدا میان ما و میان شما بس است. به راستی ما از عبادت شما بی‌خبر بودیم.» (۳۰) آنجاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است می‌آزماید، و به سوی خدا مولای حقیقی خود باز گردانیده می‌شوند، و آنچه به دروغ برمی‌ساخته‌اند از دستشان به در می‌رود. (۳۱) بگو: «کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌بخشد؟ یا کیست که حاکم بر گوشها و دیدگان است؟ و کیست که زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده خارج می‌سازد؟ و کیست که کارها را تدبیر می‌کند؟» خواهند گفت: «خدا» پس بگو: «آیا پروا نمی‌کنید؟» (۳۲) این است خدا، پروردگار حقیقی شما، و بعد از حقیقت جز گمراهی چیست؟ پس چگونه [از حق] باز گردانیده می‌شوید؟ (۳۳) این گونه سخن پروردگارت بر کسانی که نافرمانی کردند به حقیقت پیوست، [چرا] که آنان ایمان نمی‌آورند. (۳۴) بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که آفرینش را آغاز کند و سپس آن را برگرداند؟» بگو: «خداست که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را برمی‌گرداند. پس چگونه [از حق] باز گردانیده می‌شوید؟» (۳۵) بگو: «آیا از شریکان شما کسی هست که به سوی حق رهبری کند؟» بگو: «خداست که به سوی حق رهبری می‌کند» پس، آیا کسی که به سوی حق رهبری می‌کند سزاوارتر است مورد پیروی قرار گیرد یا کسی که راه نمی‌نماید مگر آنکه [خود] هدایت شود؟ شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟ (۳۶) و بیشترشان جز از گمان پیروی نمی‌کنند [ولی] گمان به هیچ وجه [آدمی را] از حقیقت بی‌نیاز نمی‌گرداند. آری، خدا به آنچه می‌کنند داناست. (۳۷) و چنان نیست که این قرآن از جانب غیر خدا [و] به دروغ ساخته شده باشد. بلکه تصدیق [کننده] آنچه پیش از آن است می‌باشد، و توضیحی از آن کتاب است، که در آن تردیدی نیست، [و] از پروردگار جهانیان است. (۳۸) یا می‌گویند: «آن را به دروغ ساخته است؟» بگو: «اگر راست می‌گویید، سوره‌ای مانند آن بیاورید، و هر که را جز خدا می‌توانید، فرا خوانید.» (۳۹) بلکه چیزی را دروغ شمردند که به علم آن احاطه نداشتند و هنوز تأویل آن برایشان نیامده است. کسانی [هم] که پیش از آنان بودند، همین گونه [پیامبرانشان را] تکذیب کردند. پس بنگر که فرجام ستمگران چگونه بوده است. (۴۰) و از آنان کسی است که بدان ایمان می‌آورد، و از آنان کسی است که بدان ایمان نمی‌آورد، و پروردگار تو به [حال] فسادگران داناتر است. (۴۱) و اگر تو را تکذیب کردند، بگو: «عمل من به من اختصاص دارد، و عمل شما به شما اختصاص دارد. شما از آنچه من انجام می‌دهم غیر مسؤولید، و من از آنچه شما انجام نمی‌دهید غیر مسؤولم.» (۴۲) و برخی از آنان کسانی‌اند که به تو گوش فرا می‌دهند. آیا تو کران را - هر چند در نیابند - شنوا خواهی کرد؟ (۴۳) و از آنان کسی است که به سوی تو می‌نگرد. آیا تو نابینایان را - هر چند نبینند - هدایت توانی کرد؟ (۴۴) خدا به هیچ وجه به مردم ستم نمی‌کند، لیکن مردم خود بر خویشتن ستم می‌کنند. (۴۵) و روزی که آنان را گرد می‌آورد، گویی جز به اندازه ساعتی از روز درنگ نکرده‌اند. با هم اظهار آشنایی می‌کنند. قطعاً کسانی که دیدار خدا را دروغ شمردند زیان کردند و [به حقیقت] راه نیافتند. (۴۶) و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم [در هر دو صورت] باز گشتشان به سوی ماست. سپس خدا بر آنچه می‌کنند گواه است. (۴۷) و هر امتی را پیامبری است. پس چون پیامبرشان بیاید، میانشان به عدالت داوری شود و بر آنان ستم نرود. (۴۸) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده چه وقت است؟» (۴۹) بگو: «برای خود زیان و سودی در اختیار ندارم، مگر آنچه را که خدا بخواهد. هر امتی را زمانی [محدود] است. آنگاه که زمانشان به سر رسد، پس نه ساعتی [از آن] تأخیر کنند و نه پیشی گیرند.» (۵۰) بگو: «به من خبر دهید، اگر عذاب او شب یا روز به شما دررسد، بزهکاران چه چیزی از آن به شتاب می‌خواهند؟» (۵۱) سپس، آیا هنگامی که [عذاب بر شما] واقع شد، اکنون به آن ایمان آوردید، در حالی که به [آمدن] آن شتاب می‌نمودید؟ (۵۲) پس به کسانی که ستم ورزیدند گفته شود: «عذاب جاوید را بچشید. آیا جز به [کیفر] آنچه به

دست می آوردید، جزا داده می شوید؟» (۵۳) و از تو خبر می گیرند: «آیا آن راست است؟» بگو: «آری! سوگند به پروردگارم که آن قطعاً راست است، و شما نمی توانید [خدا را] درمانده کنید.» (۵۴) و اگر، برای هر کسی که ستم کرده است، آنچه در زمین است می بود، قطعاً آن را برای [خلاصی و] بازخرید خود می داد. و چون عذاب را ببینند پشیمانی خود را پنهان دارند، و میان آنان به عدالت داوری شود و بر ایشان ستم نرود. (۵۵) بدانید، که در حقیقت آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. بدانید، که در حقیقت وعده خدا حق است ولی بیشتر آنان نمی دانند. (۵۶) او زنده می کند و می میراند و به سوی او بازگردانیده می شوید. (۵۷) ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی، و درمانی برای آنچه در سینه هاست، و رهنمود و رحمتی برای گروندگان [به خدا] آمده است. (۵۸) بگو: «به فضل و رحمت خداست که [مؤمنان] باید شاد شوند.» و این از هر چه گرد می آورند بهتر است. (۵۹) بگو: «به من خبر دهید، آنچه از روزی که خدا برای شما فرود آورده [چرا] بخشی از آن را حرام و [بخشی را] حلال گردانیده اید.» بگو: «آیا خدا به شما اجازه داده یا بر خدا دروغ می بندید؟» (۶۰) و کسانی که بر خدا دروغ می بندند، روز رستاخیز چه گمان دارند؟ در حقیقت، خدا بر مردم، دارای بخشش است ولی بیشترشان سپاسگزاری نمی کنند. (۶۱) و در هیچ کاری نباشی و از سوی او [=خدا] هیچ [آیه ای] از قرآن نخوانی و هیچ کاری نکنید، مگر اینکه ما بر شما گواه باشیم آنگاه که بدان مبادرت می ورزید. و هم وزن دزه ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست، و نه کوچکتر و نه بزرگتر از آن چیزی نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است. (۶۲) آگاه باشید، که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می شوند. (۶۳) همانان که ایمان آورده و پرهیزگاری ورزیده اند. (۶۴) در زندگی دنیا و در آخرت مژده برای آنان است. وعده های خدا را تبدیلی نیست؛ این همان کامیابی بزرگ است. (۶۵) سخن آنان تو را غمگین نکند، زیرا عزت، همه از آن خداست. او شنوای داناست. (۶۶) آگاه باش، که هر که [و هر چه] در آسمانها، و هر که [و هر چه] در زمین است از آن خداست. و کسانی که غیر از خدا شریکانی را می خوانند، [از آنها] پیروی نمی کنند. اینان جز از گمان پیروی نمی کنند و جز گمان نمی برند. (۶۷) اوست کسی که برای شما شب را قرار داد تا در آن بیارامید و روز را روشن [گردانید]. بی گمان، در این [امر] برای مردمی که می شنوند نشانه هایی است. (۶۸) گفتند: «خدا فرزندی برای خود اختیار کرده است.» منزه است او. او بی نیاز است. آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. شما را بر این [ادعا] حجتی نیست. آیا چیزی را که نمی دانید، به دروغ بر خدا می بندید؟ (۶۹) بگو: «در حقیقت کسانی که بر خدا دروغ می بندند، رستگار نمی شوند.» (۷۰) بهره ای [اندرک] در دنیا [دارند]. سپس بازگشتشان به سوی ماست. آنگاه به [سزای] آنکه کفر می ورزیدند، عذاب سخت به آنان می چشانیم. (۷۱) و خبر نوح را بر آنان بخوان، آنگاه که به قوم خود گفت: «ای قوم من، اگر ماندن من [در میان شما] و اندرز دادن من به آیات خدا، بر شما گران آمده است، بدانید که من [بر خدا توکل کرده ام]. پس [در] کارتان با شریکان خود همداستان شوید، تا کارتان بر شما ملتبس ننماید سپس در باره من تصمیم بگیرید و مهتم ندهید.» (۷۲) «و اگر روی گردانیدید، من مزدی از شما نمی طلبم. پاداش من جز بر عهده خدا نیست، و مأمورم که از گردن نهندگان باشم.» (۷۳) پس او را تکذیب کردند. آنگاه وی را با کسانی که در کشتی همراه او بودند نجات دادیم، و آنان را جان نشین [تبهکاران] ساختیم، و کسانی را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم. پس بنگر که فرجام بیم داده شدگان چگونه بود. (۷۴) آنگاه، پس از وی رسولانی را به سوی قومشان برانگیختیم، و آنان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی ایشان بر آن نبودند که به چیزی که قبلاً آن را دروغ شمرده بودند ایمان بیاورند. این گونه ما بر دلهای تجاوزکاران مهر می نهیم. (۷۵) سپس، بعد از آنان موسی و هارون را با آیات خود، به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، و [لی] آنان [گردنکشی کردند و گروهی تبهکار بودند. (۷۶) پس چون حق از نزد ما به سویشان آمد، گفتند: «قطعاً این سحری آشکار است.» (۷۷) موسی گفت: «آیا وقتی حق به سوی شما آمد، می گوید: [این سحر است؟] آیا این سحر است؟ و حال آنکه جادوگران رستگار نمی شوند.» (۷۸) گفتند: «آیا به سوی ما آمده ای تا ما را از شیوه ای که پدرانمان را بر آن یافته ایم بازگردانی، و بزرگی در این سرزمین برای شما دو تن باشد؟ ما به شما دو

تن ایمان نداریم.» (۷۹) و فرعون گفت: «هر جادوگر دانایی را پیش من آورید.» (۸۰) و چون جادوگران آمدند، موسی به آنان گفت: «آنچه را می‌اندازید بیندازید.» (۸۱) پس چون افکندند، موسی گفت: «آنچه را شما به میان آوردید سحر است. به زودی خدا آن را باطل خواهد کرد. آری، خدا کار مفسدان را تأیید نمی‌کند.» (۸۲) و خدا با کلمات خود، حق را ثابت می‌گرداند، هر چند بزهکاران را خوش نیاید. (۸۳) سرانجام، کسی به موسی ایمان نیاورد مگر فرزندان از قوم وی، در حالی که بیم داشتند از آنکه مبادا فرعون و سران آنها ایشان را آزار رسانند، و در حقیقت، فرعون در آن سرزمین برتری جوی و از اسرافکاران بود. (۸۴) و موسی گفت: «ای قوم من، اگر به خدا ایمان آورده‌اید، و اگر اهل تسلیمید بر او توکل کنید.» (۸۵) پس گفتند: «بر خدا توکل کردیم. پروردگارا، ما را برای قوم ستمگر [وسیله] آزمایش قرار مده.» (۸۶) «و ما را به رحمت خویش، از گروه کافران نجات ده.» (۸۷) و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید و نماز برپا دارید و مؤمنان را مژده ده. (۸۸) و موسی گفت: «پروردگارا، تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای، پروردگارا، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند، پروردگارا، اموالشان را نابود کن و آنان را دل‌سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند.» (۸۹) فرمود: «دعای هر دوی شما پذیرفته شد. پس ایستادگی کنید و راه کسانی را که نمی‌دانند پیروی مکنید.» (۹۰) و فرزندان اسرائیل را از دریا گذرانیدیم، پس فرعون و سپاهیان از روی ستم و تجاوز، آنان را دنبال کردند، تا وقتی که در شرف غرق شدن قرار گرفت، گفت: «ایمان آوردم که هیچ معبودی جز آنکه فرزندان اسرائیل به او گرویده‌اند، نیست، و من از تسلیم‌شدگانم.» (۹۱) اکنون؟ در حالی که پیش از این نافرمانی می‌کردی و از تباهاکاران بودی؟ (۹۲) پس امروز تو را با زره [زرین] خودت به بلندی [ساحل] می‌افکنیم، تا برای کسانی که از پی تو می‌آیند عبرتی باشد، و بی‌گمان، بسیاری از مردم از نشانه‌های ما غافلند. (۹۳) به راستی ما فرزندان اسرائیل را در جایگاه [های] نیکو منزل دادیم، و از چیزهای پاکیزه به آنان روزی بخشیدیم. پس به اختلاف پرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان حاصل شد. همانا پروردگار تو در روز قیامت در باره آنچه بر سر آن اختلاف می‌کردند میانشان داوری خواهد کرد. (۹۴) و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده‌ایم در تردیدی، از کسانی که پیش از تو کتاب [آسمانی] می‌خواندند بپرس. قطعاً حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است. پس زنهار از تردیدکنندگان مباش. (۹۵) و از کسانی که آیات ما را دروغ پنداشتند مباش، که از زیانکاران خواهی بود. (۹۶) در حقیقت، کسانی که سخن پروردگارت بر آنان تحقق یافته ایمان نمی‌آورند، (۹۷) هر چند هر گونه آیتی برایشان بیاید، تا وقتی که عذاب دردناک را ببینند. (۹۸) چرا هیچ شهری نبود که [اهل آن] ایمان بیاورد و ایمانش به حال آن سود بخشد؟ مگر قوم یونس که وقتی [در آخرین لحظه] ایمان آوردند، عذاب رسوایی را در زندگی دنیا از آنان برطرف کردیم، و تا چندی آنان را برخوردار ساختیم. (۹۹) و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هر که در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگروند؟ (۱۰۰) و هیچ کس را نرسد که جز به اذن خدا ایمان بیاورد، و [خدا] بر کسانی که نمی‌اندیشند، پلیدی را قرار می‌دهد. (۱۰۱) بگو: «بنگرید که در آسمانها و زمین چیست؟» و [لی] نشانه‌ها و هشدارها، گروهی را که ایمان نمی‌آورند سود نمی‌بخشد. (۱۰۲) پس آیا جز مانند روزهای کسانی را که پیش از آنان در گذشتند، انتظار می‌برند؟ بگو: «انتظار برید که من [نیز] با شما از منتظرانم.» (۱۰۳) سپس فرستادگان خود و کسانی را که گرویدند می‌رهانیم، زیرا بر ما فریضه است که مؤمنان را نجات دهیم. (۱۰۴) بگو: «ای مردم، اگر در دین من تردید دارید، پس [بدانید که من] کسانی را که به جای خدا می‌پرستید نمی‌پرستم، بلکه خدایی را می‌پرستم که جان شما را می‌ستاند، و دستور یافته‌ام که از مؤمنان باشم.» (۱۰۵) و [به من دستور داده شده است] که به دین حنیف روی آور، و زنهار از مشرکان مباش. (۱۰۶) و به جای خدا، چیزی را که سود و زیانی به تو نمی‌رساند، مخوان؛ که اگر چنین کنی، در آن صورت قطعاً از جمله ستمکارانی. (۱۰۷) و اگر خدا به تو زیانی برساند، آن را برطرف کننده‌ای جز او نیست، و اگر برای تو خیری بخواهد، بخشش او را ردکننده‌ای نیست. آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، و او آمرزنده مهربان است. (۱۰۸) بگو: «ای مردم، حق از

جانب پروردگارتان برای شما آمده است. پس هر که هدایت یابد به سود خویش هدایت می‌یابد، و هر که گمراه گردد به زیان خود گمراه می‌شود، و من بر شما نگهبان نیستم.» (۱۰۹) و از آنچه بر تو وحی می‌شود پیروی کن و شکیا باش تا خدا [میان تو و آنان] داوری کند، و او بهترین داوران است. (۱۱۰)

هود

به نام خداوند رحمتگر مهربان (الف، لام، راء. کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه، به روشنی بیان شده است: (۲) که جز خدا را نپرستید. به راستی من از جانب او برای شما هشداردهنده و بشارتگر، (۳) و اینکه از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید، [تا اینکه] شما را با بهره‌مندی نیکویی تا زمانی معین بهره‌مند سازد، و به هر شایسته نعمتی از کرم خود عطا کند، و اگر رویگردان شوید من از عذاب روزی بزرگ بر شما بیمناکم. (۴) باز گشت شما به سوی خداست، و او بر هر چیزی تواناست. (۵) آگاه باشید که آنان دل می‌گردانند [و می‌کوشند] تا [راز خود را] از او نهفته دارند. آگاه باشید آنگاه که آنان جامه‌هایشان را بر سر می‌کشند [خدا] آنچه را نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند، می‌داند، زیرا او به اسرار سینه‌ها داناست. (۶) و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر [اینکه] روزیش بر عهده خداست، و [او] قرارگاه و محل مُردنش را می‌داند. همه [اینها] در کتابی روشن [ثبت] است. (۷) و اوست کسی که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود، تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید! و اگر بگویید: «شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد» قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت: «این [ادعا] جز سحری آشکار نیست.» (۸) و اگر عذاب را تا چندگاهی از آنان به تأخیر افکنیم، حتماً خواهند گفت: «چه چیز آن را باز می‌دارد؟» آگاه باش، روزی که [عذاب] به آنان برسد از ایشان بازگشتنی نیست، و آنچه را که مسخره می‌کردند آنان را فرو خواهد گرفت. (۹) و اگر از جانب خود رحمتی به انسان بچشانیم، سپس آن را از وی سلب کنیم، قطعاً نومید و ناسپاس خواهد بود. (۱۰) و اگر - پس از محنتی که به او رسیده - نعمتی به او بچشانیم حتماً خواهد گفت: «گرفتاریها از من دور شد!» بی‌گمان، او شادمان و فخر فروش است. (۱۱) مگر کسانی که شکیبایی ورزیده و کارهای شایسته کرده‌اند [که] برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۲) و مبادا تو برخی از آنچه را که به سویت وحی می‌شود ترک گویی و سینه‌ات بدان تنگ گردد که می‌گویند: «چرا گنجی بر او فرو فرستاده نشده یا فرشته‌ای با او نیامده است؟» تو فقط هشداردهنده‌ای، و خدا بر هر چیزی نگهبان است. (۱۳) یا می‌گویند: «این [قرآن] را به دروغ ساخته است.» بگو: «اگر راست می‌گویید، ده سوره بر ساخته شده مانند آن بیاورید و غیر از خدا هر که را می‌توانید فرا خوانید.» (۱۴) پس اگر شما را اجابت نکردند، بدانید که آنچه نازل شده است به علم خداست، و اینکه معبودی جز او نیست. پس آیا شما گردن می‌نهدید؟ (۱۵) کسانی که زندگی دنیا و زیور آن را بخواهند [جزای] کارهایشان را در آنجا به طور کامل به آنان می‌دهیم، و به آنان در آنجا کم داده نخواهد شد. (۱۶) اینان کسانی هستند که در آخرت جز آتش برایشان نخواهد بود، و آنچه در آنجا کرده‌اند به هدر رفته، و آنچه انجام می‌داده‌اند باطل گردیده است. (۱۷) آیا کسی که از جانب پروردگارش بر حجتی روشن است و شاهدی از [خویشان] او، پیرو آن است، و پیش از وی [نیز] کتاب موسی را هبر و مایه رحمت بوده است [دروغ می‌بافد]؟ آنان [که در جستجوی حقیقت‌اند] به آن می‌گروند، و هر کس از گروه‌های [مخالف] به آن کفر ورزد آتش وعده‌گاه اوست. پس در آن تردید مکن که آن حق است [و] از جانب پروردگارت [آمده است] ولی بیشتر مردم باور نمی‌کنند. (۱۸) و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بندد؟ آنان بر پروردگارشان دروغ عرضه می‌شوند، و گواهان خواهند گفت: «اینان بودند که بر پروردگارشان دروغ بستند. هان! لعنت خدا بر ستمگران باد.» (۱۹) همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود، آخرت را باور ندارند. (۲۰) آنان در زمین درمانده‌کنندگان [خدا] نیستند، و جز خدا دوستانی برای آنان نیست. عذاب برای آنان دو چندان می‌شود. آنان توان شنیدن [حق را] نداشتند و [حق را]

نمی‌دیدند. (۲۱) اینانند که به خویشتن زیان زده و آنچه را به دروغ بر ساخته بودند از دست داده‌اند. (۲۲) شک نیست که آنان در آخرت زیانکارترند. (۲۳) بی‌گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و [با فروتنی] به سوی پروردگارش آرام یافتند، آنان اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود. (۲۴) مثل این دو گروه، چون نابینا و کر [در مقایسه] با بینا و شنواست. آیا در مثل یکسانند؟ پس آیا پند نمی‌گیرید؟ (۲۵) و به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. [گفت:] من برای شما هشدار دهنده‌ای آشکارم، (۲۶) که جز خدا را نپرستید، زیرا من از عذاب روزی سهمگین بر شما بیمناکم. (۲۷) پس، سران قومش که کافر بودند، گفتند: «ما تو را جز بشری مثل خود نمی‌بینیم، و جز [جماعتی از] فرومایگان ما، آن هم نسنجیده، نمی‌بینیم کسی تو را پیروی کرده باشد، و شما را بر ما امتیازی نیست، بلکه شما را دروغگو می‌دانیم.» (۲۸) گفت: «ای قوم من، به من بگویید، اگر از طرف پروردگارم حاجتی روشن داشته باشم، و مرا از نزد خود رحمتی بخشیده باشد که بر شما پوشیده است، آیا ما [باید] شما را در حالی که بدان اکراره دارید، به آن وادار کنیم؟» (۲۹) «و ای قوم من، بر این [رسالت]، مالی از شما درخواست نمی‌کنم. مُزد من جز بر عهده خدا نیست. و کسانی را که ایمان آورده‌اند طرد نمی‌کنم. قطعاً آنان پروردگارش را دیدار خواهند کرد، ولی شما را قومی می‌بینم که نادانی می‌کنید.» (۳۰) «و ای قوم من! اگر آنان را برانم، چه کسی مرا در برابر خدا یاری خواهد کرد؟ آیا عبرت نمی‌گیرید؟» (۳۱) «و به شما نمی‌گویم که گنجینه‌های خدا پیش من است، و غیب نمی‌دانم، و نمی‌گویم که من فرشته‌ام، و در باره کسانی که دیدگان شما به خواری در آنان می‌نگرد، نمی‌گویم خدا هرگز خیرشان نمی‌دهد. خدا به آنچه در دل آنان است آگاه‌تر است. [اگر جز این بگویم] من در آن صورت از ستمکاران خواهم بود.» (۳۲) گفتند: «ای نوح، واقعاً با ما جدال کردی و بسیار [هم] جدال کردی. پس اگر از راستگویانی آنچه را [از عذاب خدا] به ما وعده می‌دهی برای ما بیاور.» (۳۳) گفت: «تنها خداست که اگر بخواهد، آن را برای شما می‌آورد و شما عاجز کننده [او] نخواهید بود.» (۳۴) و اگر بخواهم شما را اندرز دهم، در صورتی که خدا بخواهد شما را بیراه گذارد، اندرز من شما را سودی نمی‌بخشد. او پروردگار شماست و به سوی او باز گردانیده می‌شوید. (۳۵) یا [در باره قرآن] می‌گویند: «آن را بر یافته است.» بگو: «اگر آن را به دروغ سر هم کرده‌ام، گناه من بر عهده خود من است، و [لی] من از جرمی که به من نسبت می‌دهید برکنارم.» (۳۶) و به نوح وحی شد که: «از قوم تو، جز کسانی که [تاکنون] ایمان آورده‌اند هرگز [کسی] ایمان نخواهد آورد. پس، از آنچه می‌کردند غمگین مباش.» (۳۷) «و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز، و در باره کسانی که ستم کرده‌اند با من سخن مگویی، چرا که آنان غرق شدنی‌اند.» (۳۸) و [نوح] کشتی را می‌ساخت، و هر بار که اشرافی از قومش بر او می‌گذشتند، او را مسخره می‌کردند. می‌گفت: «اگر ما را مسخره می‌کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که مسخره می‌کنید، مسخره خواهیم کرد.» (۳۹) به زودی خواهید دانست چه کسی را عذاب‌ی خوارکننده درمی‌رسد و بر او عذاب‌ی پایدار فرود می‌آید؟ (۴۰) تا آنگاه که فرمان ما در رسید و تنور فوران کرد، فرمودیم: «در آن [کشتی] از هر حیوانی یک جفت، با کسانت - مگر کسی که قبلاً در باره او سخن رفته است - و کسانی که ایمان آورده‌اند، حمل کن.» و با او جز [عده] اندکی ایمان نیاورده بودند! (۴۱) و [نوح] گفت: «در آن سوار شوید. به نام خداست روان‌شدنش و لنگر انداختنش، بی‌گمان پروردگار من آمرزنده مهربان است.» (۴۲) و آن [کشتی] ایشان را در میان موجی کوه‌آسا می‌برد، و نوح پسرش را که در کناری بود بانگ در داد: «ای پسرک من، با ما سوار شو و با کافران مباش.» (۴۳) گفت: «به زودی به کوهی پناه می‌جویم که مرا از آب در امان نگاه می‌دارد.» گفت: «امروز در برابر فرمان خدا هیچ نگاهدارنده‌ای نیست، مگر کسی که [خدا بر او] رحم کند.» و موج میان آن دو حایل شد و [پسر] از غرق شدگان گردید. (۴۴) و گفته شد: «ای زمین، آب خود را فرو بر، و ای آسمان، [از باران] خودداری کن. و آب فرو کاست و فرمان گزارده شده و [کشتی] بر جودی قرار گرفت.» و گفته شد: «مرگ بر قوم ستمکار.» (۴۵) و نوح پروردگار خود را آواز داد و گفت: «پروردگارا، پسر من از کسان من است، و قطعاً وعده تو راست است و تو بهترین داورانی.» (۴۶) فرمود: «ای نوح، او در حقیقت از کسان تو نیست، او [دارای] کرداری ناشایسته است. پس چیزی را که بدان علم نداری از من نخواه. من به تو اندرز می‌دهم که مبادا از نادانان

باشی.» (۴۷) گفت: «پروردگارا، من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم، و اگر مرا نیامرزی و به من رحم نکنی از زیانکاران باشم.» (۴۸) گفته شد: «ای نوح، با درودی از ما و برکتهایی بر تو و بر گروههایی که با تو بودی، فرود آی. و گروههایی هستند که به زودی برخوردارشان می‌کنیم، سپس از جانب ما عذابی دردناک به آنان می‌رسد.» (۴۹) این از خبرهای غیب است که آن را به تو وحی می‌کنیم. پیش از این نه تو آن را می‌دانستی و نه قوم تو. پس شکبیا باش که فرجام [نیک] از آن تقوای پیشگان است. (۵۰) و به سوی [قوم] عاد، برادرشان هود را [فرستادیم. هود] گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید. جز او هیچ معبودی برای شما نیست. شما فقط دروغ پردازید.» (۵۱) «ای قوم من، برای این [رسالت] پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم. پاداش من جز بر عهده کسی که مرا آفریده است، نیست. پس آیا نمی‌اندیشید؟» (۵۲) «و ای قوم من، از پروردگارتان آمرزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید [تا] از آسمان بر شما بارش فراوان فرستد و نیرویی بر نیروی شما بیفزاید، و تبهکارانه روی بر مگردانید.» (۵۳) گفتند: «ای هود، برای ما دلیل روشنی نیوردی، و ما برای سخن تو دست از خدایان خود بر نمی‌داریم و تو را باور نداریم.» (۵۴) «[چیزی] جز این نمی‌گوییم که بعضی از خدایان ما به تو آسیبی رسانده‌اند.» گفت: «من خدا را گواه می‌گیرم، و شاهد باشید که من از آنچه جز او شریک وی می‌گیرید بیزارم.» (۵۵) پس، همه شما در کار من نیرنگ کنید و مرا مهلت دهید. (۵۶) در حقیقت، من بر خدا، پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهار هستی‌اش را در دست دارد. به راستی پروردگار من بر راه راست است. (۵۷) پس اگر روی بگردانید، به یقین، آنچه را که به منظور آن به سوی شما فرستاده شده بودم به شما رسانیدم، و پروردگارم قومی جز شما را جانشین [شما] خواهد کرد. و به او هیچ زبانی نمی‌رسانید. در حقیقت، پروردگارم بر هر چیزی نگاهبان است. (۵۸) و چون فرمان ما در رسید، هود و کسانی را که با او گرویده بودند، به رحمتی از جانب خود نجات بخشیدیم و آنان را از عذابی سخت رهانیدیم. (۵۹) و این، [قوم] عاد بود که آیات پروردگارشان را انکار کردند، و فرستادگانش را نافرمانی نمودند، و به دنبال فرمان هر زورگوی ستیزه‌جوی رفتند. (۶۰) و [سرانجام] در این دنیا و روز قیامت، لعنت بدرقه [راه] آنان گردید. آگاه باشید که عادیان به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، مرگ بر عادیان: قوم هود. (۶۱) و به سوی [قوم] ثمود، برادرشان صالح را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من! خدا را بپرستید. برای شما هیچ معبودی جز او نیست. او شما را از زمین پدید آورد و در آن شما را استقرار داد. پس، از او آمرزش بخواهید، آنگاه به درگاه او توبه کنید، که پروردگارم نزدیک [و] اجابت‌کننده است.» (۶۲) گفتند: «ای صالح، به راستی تو پیش از این، میان ما مایه امید بودی. آیا ما را از پرستش آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز می‌داری؟ و بی‌گمان، ما از آنچه تو ما را بدان می‌خوانی سخت دچار شکیم.» (۶۳) گفت: «ای قوم من، چه بینید، اگر [در این دعوا] بر حجتی روشن از پروردگار خود باشم و از جانب خود رحمتی به من داده باشد، پس اگر او را نافرمانی کنم چه کسی در برابر خدا مرا یاری می‌کند؟ در نتیجه، شما جز بر زیان من نمی‌افزاید.» (۶۴) «و ای قوم من، این ماده شتر خداست که برای شما پدید آمده‌ای شگرف است. پس بگذارید او در زمین خدا بخورد و آسیبش مرسانید که شما را عذابی زودرس فرو می‌گیرد.» (۶۵) پس آن [ماده شتر] را پی کردند، و [صالح] گفت: «سه روز در خانه‌هایتان برخوردار شوید. این وعده‌ای بی‌دروغ است.» (۶۶) پس چون فرمان ما در رسید، صالح و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمت خود رهانیدیم و از رسوایی آن روز [نجات دادیم]. به یقین، پروردگار تو همان نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۶۷) و کسانی را که ستم ورزیده بودند، آن بانگ [مرگبار] فرا گرفت، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۶۸) گویا هرگز در آن [خانه‌ها] نبوده‌اند. آگاه باشید که ثمودیان به پروردگارشان کفر ورزیدند. هان، مرگ بر ثمود. (۶۹) و به راستی، فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، سلام گفتند، پاسخ داد: «سلام». و دیری نپایید که گوساله‌ای بریان آورد. (۷۰) و چون دید دستهایشان به غذا دراز نمی‌شود، آنان را ناشناس یافت و از ایشان ترسی بر دل گرفت. گفتند: «مترس، ما به سوی قوم لوط فرستاده شده‌ایم.» (۷۱) و زن او ایستاده بود. خندید. پس وی را به اسحاق و از پی اسحاق به یعقوب مژده دادیم. (۷۲) «همسر ابراهیم» گفت: «ای وای بر من، آیا فرزند آورم با آنکه من پیرزنم، و این شوهرم

پیرمرد است؟ واقعاً این چیز بسیار عجیبی است.» (۷۳) گفتند: «آیا از کار خدا تعجب می‌کنی؟ رحمت خدا و برکات او بر شما خاندان [رسالت] باد. بی‌گمان، او ستوده‌ای بزرگوار است.» (۷۴) پس وقتی ترس ابراهیم زایل شد و مژده [فرزنددار شدن] به او رسید، در باره قوم لوط با ما [به قصد شفاعت] چون و چرا می‌کرد. (۷۵) زیرا ابراهیم، بردبار و نرمدل و بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود. (۷۶) ای ابراهیم! از این [چون و چرا] روی برتاب، که فرمان پروردگارت آمده و برای آنان عذابی که بی‌بازگشت است خواهد آمد. (۷۷) و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، به [آمدن] آنان ناراحت، و دستش از حمایت ایشان کوتاه شد و گفت: «امروز، روزی سخت است.» (۷۸) و قوم او شتابان به سویش آمدند، و پیش از آن کارهای زشت می‌کردند. [لوط] گفت: «ای قوم من، اینان دختران منند. آنان برای شما پاکیزه‌ترند. پس از خدا بترسید و مرا در کار مهمانانم رسوا نکنید. آیا در میان شما آدمی عقل‌رس پیدا نمی‌شود؟» (۷۹) گفتند: «تو خوب می‌دانی که ما را به دخترانت حاجتی نیست و تو خوب می‌دانی که ما چه می‌خواهیم.» (۸۰) [لوط] گفت: «کاش برای مقابله با شما قدرتی داشتم یا به تکیه‌گاهی استوار پناه می‌جستم.» (۸۱) گفتند: «ای لوط، ما فرستادگان پروردگار تویم. آنان هرگز به تو دست نخواهند یافت. پس، پاسی از شب گذشته خانوادهات را حرکت ده - و هیچ کس از شما نباید واپس بنگرد - مگر زنت، که آنچه به ایشان رسد به او [نیز] خواهد رسید. بی‌گمان، وعده‌گاه آنان صبح است. مگر صبح نزدیک نیست؟» (۸۲) پس چون فرمان ما آمد، آن [شهر] را زیر و زبر کردیم و سنگ‌پاره‌هایی از [نوع] سنگ گلهای لایه لایه، بر آن فرو ریختیم. (۸۳) [سنگهایی] که نزد پروردگارت نشان‌زده بود. و [خرابه‌های] آن از ستمگران چندان دور نیست. (۸۴) و به سوی [اهل] مَدِیْن، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خدا را بپرستید. برای شما جز او معبودی نیست. و پیمان‌ه و ترازو را کم کنید. به راستی شما را در نعمت می‌بینم. و [لی] از عذاب روزی فراگیر بر شما بیمناکم.» (۸۵) «و ای قوم من، پیمان‌ه و ترازو را به داد، تمام دهید، و حقوق مردم را کم مدهید، و در زمین به فساد سر برمدارید.» (۸۶) «اگر مؤمن باشید، باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است، و من بر شما نگاهبان نیستم.» (۸۷) گفتند: «ای شعیب، آیا نماز تو به تو دستور می‌دهد که آنچه را پدران ما می‌پرستیده‌اند رها کنیم، یا در اموال خود به میل خود تصرف نکنیم؟ راستی که تو بردبار فرزانه‌ای.» (۸۸) گفت: «ای قوم من، بیندیشید، اگر از جانب پروردگارم دلیل روشنی داشته باشم، و او از سوی خود روزی نیکویی به من داده باشد [آیا باز هم از پرستش او دست بردارم؟] من نمی‌خواهم در آنچه شما را از آن باز می‌دارم با شما مخالفت کنم [و خود مرتکب آن شوم]. من قصدی جز اصلاح [جامعه] تا آنجا که بتوانم، ندارم، و توفیق من جز به [یاری] خدا نیست. بر او توکل کرده‌ام و به سوی او باز می‌گردم.» (۸۹) «و ای قوم من، زنهار تا مخالفت شما با من، شما را بدانجا نکشاند که [بلایی] مانند آنچه به قوم نوح یا قوم هود یا قوم صالح رسید، به شما [نیز] برسد، و قوم لوط از شما چندان دور نیست.» (۹۰) «و از پروردگار خود آموزش بخواهید، سپس به درگاه او توبه کنید که پروردگار من مهربان و دوستدار [بندگان] است.» (۹۱) گفتند: «ای شعیب! بسیاری از آنچه را که می‌گویی نمی‌فهمیم، و واقعاً تو را در میان خود ضعیف می‌بینیم، و اگر عشیره تو نبود قطعاً سنگسارت می‌کردیم، و تو بر ما پیروز نیستی!» (۹۲) گفت: «ای قوم من، آیا عشیره من پیش شما از خدا عزیزتر است که او را پشت سر خود گرفته‌اید [و فراموشش کرده‌اید]؟ در حقیقت، پروردگار من به آنچه انجام می‌دهید احاطه دارد.» (۹۳) «و ای قوم من، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید، من [نیز] عمل می‌کنم. به زودی خواهید دانست که عذاب رسواکننده بر چه کسی فرود می‌آید و دروغگو کیست؛ و انتظار برید که من [هم] با شما منتظرم.» (۹۴) و چون فرمان ما آمد، شعیب و کسانی را که با او ایمان آورده بودند، به رحمتی از جانب خویش نجات دادیم، و کسانی را که ستم کرده بودند، فریاد [مرگبار] فرو گرفت، و در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۹۵) گویی در آن [خانه‌ها] هرگز اقامت نداشته‌اند. هان، مرگ بر [مردم] مَدِیْن، همان گونه که ثمود هلاک شدند. (۹۶) و به راستی، موسی را با آیات خود و حجّتی آشکار، (۹۷) به سوی فرعون و سران [قوم] وی فرستادیم، ولی [سران] از فرمان فرعون پیروی کردند، و فرمان فرعون صواب نبود. (۹۸) روز قیامت پیشاپیش قومش می‌رود و آنان را به آتش درمی‌آورد، و [دوزخ] چه ورودگاه بدی برای واردان

است. (۹۹) و در این دنیا و روز قیامت به لعنت بدرقه شدند، و چه بد عطایی نصیب آنان می‌شود. (۱۰۰) این، از خبرهای آن شهرهاست که آن را بر تو حکایت می‌کنیم. بعضی از آنها [هنوز] بر سر پا هستند و [بعضی] بر باد رفته‌اند. (۱۰۱) و ما به آنان ستم نکردیم، ولی آنان به خودشان ستم کردند. پس چون فرمان پروردگارت آمد، خدایانی که به جای خدا [حقیقی] می‌خواندند هیچ به کارشان نیامد، و جز بر هلاکت آنان نیفزود. (۱۰۲) و این گونه بود [به قهر] گرفتن پروردگارت، وقتی شهرها را در حالی که ستمگر بودند [به قهر] می‌گرفت. آری [به قهر] گرفتن او دردناک و سخت است. (۱۰۳) قطعاً در این [یادآوریها] برای کسی که از عذاب آخرت می‌ترسد عبرتی است. آن [روز] روزی است که مردم را برای آن گرد می‌آورند، و آن [روز] روزی است که [جملگی در آن] حاضر می‌شوند. (۱۰۴) و ما آن را جز تا زمان معینی به تأخیر نمی‌افکنیم. (۱۰۵) روزی [است] که چون فرا رسد هیچ کس جز به اذن وی سخن نگوید. آنگاه بعضی از آنان تیره‌بختند و [برخی] نیکبخت. (۱۰۶) و اما کسانی که تیره‌بخت شده‌اند، در آتش، فریاد و ناله‌ای دارند. (۱۰۷) تا آسمانها و زمین برجاست، در آن ماندگار خواهند بود، مگر آنچه پروردگارت بخواهد، زیرا پروردگار تو همان کُند که خواهد. (۱۰۸) و اما کسانی که نیکبخت شده‌اند، تا آسمانها و زمین برجاست، در بهشت جاودانند، مگر آنچه پروردگارت بخواهد. [که این] بخششی است که بریدنی نیست. (۱۰۹) پس در باره آنچه آنان [=مشرکان] می‌پرستند در تردید مباش. آنان جز همان گونه که قبلاً پدرانشان می‌پرستیدند، نمی‌پرستند. و ما بهره ایشان را تمام و ناکاسته خواهیم داد. (۱۱۰) و به حقیقت، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، پس در مورد آن اختلاف شد، و اگر از جانب پروردگارت وعده‌ای پیشی نگرفته بود، قطعاً میان آنها داوری شده بود، و بی گمان، آنان در باره آن در شکی بهتان‌آمیزند. (۱۱۱) و قطعاً پروردگارت [نتیجه] اعمال هر یک را به تمام [و کمال] به آنان خواهد داد، چرا که او به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. (۱۱۲) پس، همان گونه که دستور یافته‌ای ایستادگی کن، و هر که با تو توبه کرده [نیز چنین کند]، و طغیان مکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۱۱۳) و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش [دوزخ] به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد. (۱۱۴) و در دو طرف روز [=اول و آخر آن] و نخستین ساعات شب نماز را برپا دار، زیرا خویبها بدیها را از میان می‌برد. این برای پندگیرندگان، پندی است. (۱۱۵) و شکیبیا باش که خدا پاداش نیکوکاران را ضایع نمی‌گرداند. (۱۱۶) پس چرا از نسلهای پیش از شما خردمندانی نبودند که [مردم را] از فساد در زمین باز دارند؟ جز اندکی از کسانی که از میان آنان نجاتشان دادیم. و کسانی که ستم کردند به دنبال ناز و نعمتی که در آن بودند رفتند، و آنان بزهکار بودند. (۱۱۷) و پروردگار تو [هرگز] بر آن نبوده است که شهرهایی را که مردمش اصلاحگرند، به ستم هلاک کند. (۱۱۸) و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً همه مردم را امت واحدی قرار می‌داد، در حالی که پیوسته در اختلافند، (۱۱۹) مگر کسانی که پروردگار تو به آنان رحم کرده، و برای همین آنان را آفریده است. و وعده پروردگارت [چنین] تحقق پذیرفته است [که:]: «الْبَتَّةَ جَهَنَّمَ رَا از جنّ و انس یکسره پر خواهم کرد.» (۱۲۰) و هر یک از سرگذشتهای پیامبران [خود] را که بر تو حکایت می‌کنیم، چیزی است که دلت را بدان استوار می‌گردانیم، و در اینها حقیقت برای تو آمده، و برای مؤمنان اندرز و تذکری است. (۱۲۱) و به کسانی که ایمان نمی‌آورند بگو: «بر حسب امکانات خود عمل کنید که ما [هم] عمل خواهیم کرد.» (۱۲۲) «و منتظر باشید که ما [نیز] منتظر خواهیم بود.» (۱۲۳) و نهان آسمانها و زمین از آن خداست، و تمام کارها به او بازگردانده می‌شود؛ پس او را پرستش کن و بر او توکل نمای، و پروردگار تو از آنچه انجام می‌دهید غافل نیست. (۱۲۴)

یوسف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، راء. این است آیات کتاب روشنگر. (۲) ما آن را قرآنی عربی نازل کردیم، باشد که بیندیشید. (۳) ما نیکوترین سرگذشت را به موجب این قرآن که به تو وحی کردیم، بر تو حکایت می‌کنیم، و تو قطعاً پیش از آن از

بی‌خبران بودی. (۴) [یاد کن] زمانی را که یوسف به پدرش گفت: «ای پدر، من [در خواب] یازده ستاره را با خورشید و ماه دیدم. دیدم [آنها] برای من سجده می‌کنند.» (۵) [یعقوب] گفت: «ای پسرک من، خوابت را برای برادرانت حکایت مکن که برای تو نیرنگی می‌اندیشند، زیرا شیطان برای آدمی دشمنی آشکار است. (۶) و این چنین، پروردگارت تو را برمی‌گزیند، و از تعبیر خوابها به تو می‌آموزد، و نعمتش را بر تو و بر خاندان یعقوب تمام می‌کند، همان گونه که قبلاً بر پدران تو، ابراهیم و اسحاق، تمام کرد. در حقیقت، پروردگار تو دانای حکیم است. (۷) به راستی در [سرگذشت] یوسف و برادرانش برای پرسندگان عبرتهاست. (۸) هنگامی که [برادران او] گفتند: «یوسف و برادرش نزد پدرمان از ما - که جمعی نیرومند هستیم - دوست‌داشتنی‌ترینند. قطعاً پدر ما در گمراهی آشکاری است.» (۹) [یکی گفت]: «یوسف را بکشید یا او را به سرزمینی بیندازید، تا توجه پدرتان معطوف شما گردد، و پس از او مردمی شایسته باشید.» (۱۰) گوینده‌ای از میان آنان گفت: «یوسف را مکشید. اگر کاری می‌کنید، او را در نهنخانه چاه بیفکنید، تا برخی از مسافران او را بگیرند.» (۱۱) گفتند: «ای پدر، تو را چه شده است که ما را بر یوسف امین نمی‌دانی در حالی که ما خیرخواه او هستیم؟ (۱۲) فردا او را با ما بفرست تا [در چمن] بگردد و بازی کند، و ما به خوبی نگهبان او خواهیم بود. (۱۳) گفت: «اینکه او را ببرید سخت مرا اندوهگین می‌کند، و می‌ترسم از او غافل شوید و گرگ او را بخورد.» (۱۴) گفتند: «اگر گرگ او را بخورد با اینکه ما گروهی نیرومند هستیم، در آن صورت ما قطعاً [مردمی] بی‌مقدار خواهیم بود.» (۱۵) پس وقتی او را بردند و همداستان شدند تا او را در نهنخانه چاه بگذارند [چنین کردند]. و به او وحی کردیم که قطعاً آنان را از این کارشان - در حالی که نمی‌دانند - با خبر خواهی کرد. (۱۶) و شامگاهان، گریان نزد پدر خود [باز] آمدند. (۱۷) گفتند: «ای پدر، ما رفتیم مسابقه دهیم، و یوسف را پیش کالای خود نهادیم. آنگاه گرگ او را خورد، ولی تو ما را هر چند راستگو باشیم باور نمی‌داری.» (۱۸) و پیراهنش را [آغشته] به خونی دروغین آوردند. [یعقوب] گفت: «نه! بلکه نفَس شما کاری [بد] را برای شما آراسته است. اینک صبری نیکو [برای من بهتر است]. و بر آنچه توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است.» (۱۹) و کاروانی آمد. پس آب‌آور خود را فرستادند. و دلوش را انداخت. گفت: «مژده! این یک پسر است!» و او را چون کالایی پنهان داشتند. و خدا به آنچه می‌کردند دانا بود. (۲۰) و او را به بهای ناچیزی - چند درهم - فروختند و در آن بی‌رغبت بودند. (۲۱) و آن کس که او را از مصر خریده بود به همسرش گفت: «نیکش بدار، شاید به حال ما سود بخشد یا او را به فرزندی اختیار کنیم.» و بدین گونه ما یوسف را در آن سرزمین مکانت بخشیدیم تا به او تأویل خوابها را بیاموزیم، و خدا بر کار خویش چیره است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۲۲) و چون به حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (۲۳) و آن [بانو] که وی در خانه‌اش بود خواست از او کام گیرد، و درها را [پیاپی] چفت کرد و گفت: «بیا که از آن توام!» [یوسف] گفت: «پناه بر خدا، او آقای من است. به من جای نیکو داده است. قطعاً ستمکاران رستگار نمی‌شوند.» (۲۴) و در حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود. (۲۵) و آن دو به سوی در بر یکدیگر سبقت گرفتند، و [آن زن] پیراهن او را از پشت بدرید و در آستانه در آقای آن زن را یافتند. آن گفت: «کیفر کسی که قصد بد به خانواده تو کرده چیست؟ جز اینکه زندانی یا [دچار] عذابی دردناک شود.» (۲۶) [یوسف] گفت: «او از من کام خواست.» و شاهدی از خانواده آن زن شهادت داد: «اگر پیراهن او از جلو چاک خورده، زن راست گفته و او از دروغگویان است، (۲۷) و اگر پیراهن او از پشت دریده شده، زن دروغ گفته و او از راستگویان است.» (۲۸) پس چون [شوهرش] دید پیراهن او از پشت چاک خورده است گفت: «بی‌شک، این از نیرنگ شما [زنان] است، که نیرنگ شما [زنان] بزرگ است.» (۲۹) [ای یوسف، از این [پیشامد] روی بگردان. و تو [ای زن] برای گناه خود آمرزش بخواه که تو از خطاکاران بوده‌ای.» (۳۰) و [دسته‌ای از] زنان در شهر گفتند: «زن عزیز از غلام خود، کام خواسته و سخت خاطرخواه او شده است. به راستی ما او را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.» (۳۱) پس چون [همسر عزیز] از مکرشان اطلاع یافت، نزد آنان [کسی] فرستاد، و محفلی برایشان آماده ساخت، و به هر

یک از آنان [میوه و] کاردی داد و [به یوسف] گفت: «بر آنان در آی.» پس چون [زنان] او را دیدند، وی را بس شگرف یافتند و [از شدت هیجان] دستهای خود را بردند و گفتند: «منزه است خدا، این بشر نیست، این جز فرشته‌ای بزرگوار نیست.» (۳۲) [زلیخا] گفت: «این همان است که در باره او سرزنش می‌کردید. آری، من از او کام خواستم و [لی] او خود را نگاه داشت، و اگر آنچه را به او دستور می‌دهم نکند قطعاً زندانی خواهد شد و حتماً از خوارشدگان خواهد گردید.» (۳۳) [یوسف] گفت: «پروردگارا، زندان برای من دوست‌داشتنی‌تر است از آنچه مرا به آن می‌خوانند، و اگر نیرنگ آنان را از من بازنگردانی، به سوی آنان خواهم گرایید و از [جمله] نادانان خواهم شد.» (۳۴) پس، پروردگارش [دعای] او را اجابت کرد و نیرنگ آنان را از او بگردانید. آری، او شنوای داناست. (۳۵) آنگاه پس از دیدن آن نشانه‌ها، به نظرشان آمد که او را تا چندی به زندان افکنند. (۳۶) و دو جوان با او به زندان درآمدند. [روزی] یکی از آن دو گفت: «من خویشتن را [به خواب] دیدم که [انگور برای] شراب می‌فشارم؛ و دیگری گفت: «من خود را [به خواب] دیدم که بر روی سرم نان می‌برم و پرندگان از آن می‌خورند. به ما از تعبیرش خبر ده، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.» (۳۷) گفت: «غذایی را که روزی شماسه برای شما نمی‌آورند مگر آنکه من از تعبیر آن به شما خبر می‌دهم پیش از آنکه [تعبیر آن] به شما برسد. این از چیزهایی است که پروردگرم به من آموخته است. من آیین قومی را که به خدا اعتقاد ندارند و منکر آخرتند رها کرده‌ام، (۳۸) و آیین پدرانم، ابراهیم و اسحاق و یعقوب را پیروی نموده‌ام. برای ما سزاوار نیست که چیزی را شریک خدا کنیم. این از عنایت خدا بر ما و بر مردم است، ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی‌کنند. (۳۹) ای دو رفیق زندانیم، آیا خدایان پراکنده بهترند یا خدای یگانه مقتدر؟ (۴۰) شما به جای او جز نامهایی [چند] را نمی‌پرستید که شما و پدرانتان آنها را نامگذاری کرده‌اید، و خدا دلیلی بر [حقانیت] آنها نازل نکرده است. فرمان جز برای خدا نیست. دستور داده که جز او را نپرستید. این است دین درست، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۴۱) ای دو رفیق زندانیم، اما یکی از شما به آقای خود باده می‌نوشاند، و اما دیگری به دار آویخته می‌شود و پرندگان از [مغز] سرش می‌خورند. امری که شما دو تن از من جویا شدید تحقق یافت. (۴۲) و [یوسف] به آن کس از آن دو که گمان می‌کرد خلاص می‌شود، گفت: «مرا نزد آقای خود به یاد آور.» و [لی] شیطان، یادآوری به آقایش را از یاد او برد؛ در نتیجه، چند سالی در زندان ماند. (۴۳) و پادشاه [مصر] گفت: «من [در خواب] دیدم هفت گاو فربه است که هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر. ای سران قوم، اگر خواب تعبیر می‌کنید، در باره خواب من، به من نظر دهید.» (۴۴) گفتند: «خوابهایی است پریشان، و ما به تعبیر خوابهای آشفته دانا نیستیم.» (۴۵) و آن کس از آن دو [زندانی] که نجات یافته و پس از چندی [یوسف را] به خاطر آورده بود گفت: «مرا به [زندان] بفرستید تا شما را از تعبیر آن خبر دهم.» (۴۶) «ای یوسف، ای مرد راستگوی، در باره [این خواب که] هفت گاو فربه، هفت [گاو] لاغر آنها را می‌خورند، و هفت خوشه سبز و [هفت خوشه] خشکیده دیگر؛ به ما نظر ده، تا به سوی مردم برگردم، شاید آنان [تعبیرش را] بدانند.» (۴۷) گفت: «هفت سال پی در پی می‌کارید، و آنچه را درویدید - جز اندکی را که می‌خورید - در خوشه‌اش واگذارید. (۴۸) آنگاه پس از آن، هفت سال سخت می‌آید که آنچه را برای آن [سالها] از پیش نهاده‌اید - جز اندکی را که ذخیره می‌کنید - همه را خواهند خورد. (۴۹) آنگاه پس از آن، سالی فرا می‌رسد که به مردم در آن [سال] باران می‌رسد و در آن آب میوه می‌گیرند. (۵۰) و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید.» پس هنگامی که آن فرستاده نزد وی آمد، [یوسف] گفت: «نزد آقای خویش برگرد و از او پرس که حال آن زنانی که دستهای خود را بردند چگونه است؟ زیرا پروردگار من به نیرنگ آنان آگاه است.» (۵۱) [پادشاه] گفت: «وقتی از یوسف کام [می]خواستید چه منظور داشتید؟» زنان گفتند: «منزه است خدا، ما گناهی بر او نمی‌دانیم.» همسر عزیز گفت: «اکنون حقیقت آشکار شد. من [بودم که] از او کام خواستم، و بی‌شک او از راستگویان است.» (۵۲) [یوسف گفت:] «این [درخواست اعاده حیثیت] برای آن بود که [عزیز] بدانند من در نهان به او خیانت نکردم، و خدا نیرنگ خائنان را به جایی نمی‌رساند. (۵۳) و من نفس خود را تبرئه نمی‌کنم، چرا که نفس قطعاً به بدی امر می‌کند، مگر کسی را که خدا رحم کند، زیرا پروردگار من آمرزنده مهربان

است. (۵۴) و پادشاه گفت: «او را نزد من آورید، تا وی را خاص خود کنم.» پس چون با او سخن راند، گفت: «تو امروز نزد ما با منزلت و امین هستی.» (۵۵) [یوسف] گفت: «مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که من نگهداری دانا هستم.» (۵۶) و بدین گونه یوسف را در سرزمین [مصر] قدرت دادیم، که در آن، هر جا که می خواست سکونت می کرد. هر که را بخواهیم به رحمت خود می‌رسانیم و اجر نیکوکاران را تباه نمی‌سازیم. (۵۷) و البته اجر آخرت، برای کسانی که ایمان آورده و پرهیزگاری می‌نمودند، بهتر است. (۵۸) و برادران یوسف آمدند و بر او وارد شدند. [او] آنان را شناخت ولی آنان او را نشناختند. (۵۹) و چون آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد، گفت: «برادر پدری خود را نزد من آورید. مگر نمی‌بینید که من پیمانانه را تمام می‌دهم و من بهترین میزبانانم؟ (۶۰) پس اگر او را نزد من نیاوردید، برای شما نزد من پیمانانه‌ای نیست، و به من نزدیک نشوید. (۶۱) گفتند: «او را با نیرنگ از پدرش خواهیم خواست، و محققاً این کار را خواهیم کرد.» (۶۲) و [یوسف] به غلامان خود گفت: «سرمایه‌های آنان را در بارهایشان بگذارید، شاید وقتی به سوی خانواده خود برمی‌گردند آن را بازیابند، امید که آنان باز گردند.» (۶۳) پس چون به سوی پدر خود باز گشتند، گفتند: «ای پدر، پیمانانه از ما منع شد. برادرمان را با ما بفرست تا پیمانانه بگیریم، و ما نگهداری او خواهیم بود.» (۶۴) [یعقوب] گفت: «آیا همان گونه که شما را پیش از این بر برادرش امین گردانیدم، بر او امین سازم؟ پس خدا بهترین نگهدارنده است، و اوست مهربانترین میزبانان.» (۶۵) و هنگامی که بارهای خود را گشودند، دریافتند که سرمایه‌شان بدانها باز گردانیده شده است. گفتند: «ای پدر، [دیگر] چه می‌خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما باز گردانیده شده است. قوت خانواده خود را فراهم، و برادرمان را نگهداری می‌کنیم، و [با بردن او] یک بار شتر می‌افزاییم، و این [پیمانانه اضافی نزد عزیز] پیمانانه‌ای ناچیز است.» (۶۶) گفت: «هرگز او را با شما نخواهم فرستاد تا با من با نام خدا پیمان استواری ببندید که حتماً او را نزد من باز آورید، مگر آنکه گرفتار [حادثه‌ای] شوید.» پس چون پیمان خود را با او استوار کردند [یعقوب] گفت: «خدا بر آنچه می‌گوییم وکیل است.» (۶۷) و گفت: «ای پسران من، همه [از یک دروازه [به شهر] در نیاید، بلکه از دروازه‌های مختلف وارد شوید، و من [با این سفارش]، چیزی از [قضای] خدا را از شما دور نمی‌توانم داشت. فرمان جز برای خدا نیست. بر او توکل کردم، و توکل کنندگان باید بر او توکل کنند.» (۶۸) و چون همان گونه که پدرانشان به آنان فرمان داده بود وارد شدند، [این کار] چیزی را در برابر خدا از آنان برطرف نمی‌کرد جز اینکه یعقوب نیازی را که در دلش بود، برآورد و بی‌گمان، او از [برکت] آنچه بدو آموخته بودیم دارای دانشی [فراوان] بود، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۶۹) و هنگامی که بر یوسف وارد شدند، برادرش [بنیامین] را نزد خود جای داد [و] گفت: «من برادر تو هستم.» بنابراین، از آنچه [برادران] می‌کردند، غمگین مباش. (۷۰) پس هنگامی که آنان را به خوار و بارشان مجهز کرد، آبخوری را در بار برادرش نهاد. سپس [به دستور او] نداکننده‌ای بانگ در داد: «ای کاروانیان، قطعاً شما دزد هستید.» (۷۱) [برادران] در حالی که به آنان روی کردند، گفتند: «چه گم کرده‌اید؟» (۷۲) گفتند: «جام شاه را گم کرده‌ایم، و برای هر کس که آن را بیاورد یک بار شتر خواهد بود.» و [متصدی گفت: «من ضامن آنم.»] (۷۳) گفتند: «به خدا سوگند، شما خوب می‌دانید که ما نیامده‌ایم در این سرزمین فساد کنیم و ما دزد نبوده‌ایم.» (۷۴) گفتند: «پس، اگر دروغ بگویید، کیفرش چیست؟» (۷۵) گفتند: «کیفرش [همان] کسی است که [جام] در بار او پیدا شود. پس کیفرش خود اوست. ما ستمکاران را این گونه کیفر می‌دهیم.» (۷۶) پس [یوسف] به [بازرسی] بارهای آنان، پیش از بار برادرش، پرداخت. آنگاه آن را از بار برادرش [بنیامین] در آورد. این گونه به یوسف شیوه آموختیم. [چرا که] او در آیین پادشاه نمی‌توانست برادرش را بازداشت کند، مگر اینکه خدا بخواهد [و چنین راهی بدو بنماید]. درجات کسانی را که بخواهیم بالا می‌بریم و فوق هر صاحب دانشی دانشوری است. (۷۷) گفتند: «اگر او دزدی کرده، پیش از این [نیز] برادرش دزدی کرده است.» [یوسف این [سخن] را در دل خود پنهان داشت و آن را برایشان آشکار نکرد [ولی] گفت: «موقعیت شما بدتر [از او] است، و خدا به آنچه وصف می‌کنید داناتر است.» (۷۸) گفتند: «ای عزیز، او پدری پیر سالخورده دارد؛ بنابراین یکی از ما را به جای او بگیر، که ما تو را از نیکوکاران می‌بینیم.» (۷۹) گفت: «پناه به خدا، که جز آن کس را که کالای خود را نزد وی یافته‌ایم بازداشت کنیم، زیرا در

آن صورت قطعاً ستمکار خواهیم بود.» (۸۰) پس چون از او نومید شدند، رازگویان کنار کشیدند. بزرگشان گفت: «مگر نمی دانید که پدرتان با نام خدا پیمانی استوار از شما گرفته است و قبلاً [هم] در باره یوسف تقصیر کردید؟ هرگز از این سرزمین نمی روم تا پدرم به من اجازه دهد یا خدا در حق من داوری کند، و او بهترین داوران است.» (۸۱) پیش پدرتان باز گردید و بگویید: ای پدر، پسرت دزدی کرده، و ما جز آنچه می دانیم گواهی نمی دهیم و ما نگهبان غیب نبودیم.» (۸۲) و از [مردم] شهری که در آن بودیم و کاروانی که در میان آن آمدیم جویا شو، و ما قطعاً راست می گویم.» (۸۳) [یعقوب] گفت: «چنین نیست، بلکه نفس شما امری [نادرست] را برای شما آراسته است. پس [صبر من] صبری نیکوست. امید که خدا همه آنان را به سوی من [باز] آورد، که او دانای حکیم است.» (۸۴) و از آنان روی گردانید و گفت: «ای دریغ بر یوسف، و در حالی که اندوه خود را فرو می خورد، چشمانش از اندوه سپید شد.» (۸۵) [پسران او] گفتند: «به خدا سوگند که پیوسته یوسف را یاد می کنی تا بیمار شوی یا هلاک گردی.» (۸۶) گفت: «من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می برم، و از [عنایت] خدا چیزی می دانم که شما نمی دانید.» (۸۷) ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.» (۸۸) پس چون [برادران] بر او وارد شدند، گفتند: «ای عزیز، به ما و خانواده ما آسیب رسیده است و سرمایه ای ناچیز آورده ایم. بنابراین پیمان ما را تمام بده و بر ما تصدق کن که خدا صدقه دهندگان را پاداش می دهد.» (۸۹) گفت: «آیا دانستید، وقتی که نادان بودید، با یوسف و برادرش چه کردید؟» (۹۰) گفتند: «آیا تو خود، یوسفی؟» گفت: «آری،» من یوسفم و این برادر من است. به راستی خدا بر ما منت نهاده است. بی گمان، هر که تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی کند.» (۹۱) گفتند: «به خدا سوگند، که واقعاً خدا تو را بر ما برتری داده است و ما خطا کار بودیم.» (۹۲) [یوسف] گفت: «امروز بر شما سرزنشی نیست. خدا شما را می آمرزد و او مهربانترین مهربانان است.» (۹۳) «این پیراهن مرا ببرید و آن را بر چهره پدرم بیفکنید [تا] بینا شود، و همه کسان خود را نزد من آورید.» (۹۴) و چون کاروان رهسپار شد، پدرشان گفت: «اگر مرا به کم خردی نسبت ندهید، بوی یوسف را می شنوم.» (۹۵) گفتند: «به خدا سوگند که تو سخت در گمراهی دیرین خود هستی.» (۹۶) پس چون مژده رسان آمد، آن [پیراهن] را بر چهره او انداخت، پس بینا گردید. گفت: «آیا به شما نگفتم که بی شک من از [عنایت] خدا چیزهایی می دانم که شما نمی دانید؟» (۹۷) گفتند: «ای پدر، برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطا کار بودیم.» (۹۸) گفت: «به زودی از پروردگارم برای شما آمرزش می خواهم، که او همانا آمرزنده مهربان است.» (۹۹) پس چون بر یوسف وارد شدند، پدر و مادر خود را در کنار خویش گرفت و گفت: «ان شاء الله، با [امن و] امان داخل مصر شوید.» (۱۰۰) و پدر و مادرش را به تخت برنشانید، و [همه آنان] پیش او به سجده درافتادند، و [یوسف] گفت: «ای پدر، این است تعبیر خواب پیشین من، به یقین، پروردگارم آن را راست گردانید و به من احسان کرد آنگاه که مرا از زندان خارج ساخت و شما را از بیابان [کنعان به مصر] باز آورد - پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم را به هم زد - بی گمان، پروردگار من نسبت به آنچه بخواهد صاحب لطف است، زیرا که او دانای حکیم است.» (۱۰۱) «پروردگارا، تو به من دولت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی. ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی؛ مرا مسلمان بمیران و مرا به شایستگیان ملحق فرما.» (۱۰۲) این [ماجرا] از خبرهای غیب است که به تو وحی می کنیم، و تو هنگامی که آنان همداستان شدند و نیرنگ می کردند نزدشان نبودی.» (۱۰۳) و بیشتر مردم - هر چند آرزومند باشی - ایمان آورنده نیستند.» (۱۰۴) و تو بر این [کار] پاداشی از آنان نمی خواهی. آن [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست.» (۱۰۵) و چه بسیار نشانهها در آسمانها و زمین است که بر آنها می گذرند در حالی که از آنها روی برمی گردانند.» (۱۰۶) و بیشترشان به خدا ایمان نمی آورند جز اینکه [با او چیزی را] شریک می گیرند.» (۱۰۷) آیا ایمنند از اینکه عذاب فراگیر خدا به آنان دررسد، یا قیامت - در حالی که بی خبرند - بناگاه آنان را فرا رسد؟ (۱۰۸) بگو: «این است راه من، که من و هر کس (پیروی ام) کرد با بینایی به سوی خدا دعوت می کنیم، و منزّه است خدا، و من از مشرکان نیستم.» (۱۰۹) و پیش از تو [نیز] جز مردانی از اهل شهرها را - که به آنان وحی می کردیم - نفرستادیم. آیا در زمین

نگریده‌اند تا فرجام کسانی را که پیش از آنان بوده‌اند بنگرند؟ و قطعاً سرای آخرت برای کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند بهتر است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۱۱۰) تا هنگامی که فرستادگان [ما] نومی‌شدند و [مردم] پنداشتند که به آنان واقعاً دروغ گفته شده، یاری ما به آنان رسید. پس کسانی را که می‌خواستیم، نجات یافتند، و [لی] عذاب ما از گروه مجرمان برگشت ندارد. (۱۱۱) به راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [از کتابهایی] است که پیش از آن بوده و روشنگر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است. (۱۱۲)

الرعد

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم، راء. این است آیات کتاب، و آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است، ولی بیشتر مردم نمی‌گروند. (۲) خدا [همان] کسی است که آسمانها را بدون ستونهایی که آنها را ببینید برافراشت، آنگاه بر عرش استیلا یافت و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند. [خداوند] در کار [آفرینش] تدبیر می‌کند، و آیات [خود] را به روشنی بیان می‌نماید، امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید. (۳) و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن، کوهها و رودها نهاد، و از هر گونه میوه‌ای در آن، جفت جفت قرار داد. روز را به شب می‌پوشاند. قطعاً در این [امور] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌هایی وجود دارد. (۴) و در زمین قطعاتی است کنار هم، و باغهایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما، چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه، که با یک آب سیراب می‌گردند، و [با این همه] برخی از آنها را در میوه [از حیث مزه و نوع و کیفیت] بر برخی دیگر برتری می‌دهیم. بی‌گمان در این [امر نیز] برای مردمی که تعقل می‌کنند دلایل [روشنی] است. (۵) و اگر عجب داری، عجب از سخن آنان [= کافران] است که: «آیا وقتی خاک شدیم، به راستی در آفرینش جدیدی خواهیم بود؟» اینان همان کسانی‌اند که به پروردگارشان کفر ورزیده‌اند و در گردنهایشان زنجیرهاست، و آنان همدم آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (۶) و پیش از رحمت، شتابزده از تو عذاب می‌طلبند و حال آنکه پیش از آنان [بر کافران] عقوبتها رفته است، و به راستی پروردگار تو نسبت به مردم - با وجود ستمشان - بخشایشگر است، و به یقین پروردگار تو سخت کیفر است. (۷) و آنان که کافر شده‌اند می‌گویند: «چرا نشانه‌ای آشکار از طرف پروردگارش بر او نازل نشده است؟» [ای پیامبر]، تو فقط هشداردهنده‌ای، و برای هر قومی رهبری است. (۸) خدا می‌داند آنچه را که هر ماده‌ای [در رحم] بار می‌گیرد، و [نیز] آنچه را که رحما می‌کاهند و آنچه را می‌افزایند. و هر چیزی نزد او اندازه‌ای دارد. (۹) دانای نهران و آشکار، [و] بزرگ بلندمرتبه است. (۱۰) [برای او] یکسان است: کسی از شما سخن [خود] را نپنهان کند و کسی که آن را فاش گرداند، و کسی که خویشتن را به شب پنهان دارد و در روز، آشکارا حرکت کند. (۱۱) برای او فرشتگانی است که پی در پی او را به فرمان خدا از پیش رو و از پشت سرش پاسداری می‌کنند. در حقیقت، خدا حال قومی را تغییر نمی‌دهد تا آنان حال خود را تغییر دهند. و چون خدا برای قومی آسیبی بخواهد، هیچ برگشتی برای آن نیست، و غیر از او حمایتگری برای آنان نخواهد بود. (۱۲) اوست کسی که برق را برای بیم و امید به شما می‌نمایاند، و ابرهای گرانبار را پدیدار می‌کند. (۱۳) رعد، به حمد او، و فرشتگان [جملگی] از بیمش تسبیح می‌گویند، و صاعقه‌ها را فرو می‌فرستند و با آنها هر که را بخواهد، مورد اصابت قرار می‌دهد، در حالی که آنان در باره خدا مجادله می‌کنند، و او سخت کیفر است. (۱۴) دعوت حق برای اوست. و کسانی که [مشرکان] جز او می‌خوانند، هیچ جوابی به آنان نمی‌دهند، مگر مانند کسی که دو دستش را به سوی آب بگشاید تا [آب] به دهانش برسد، در حالی که [آب] به [دهان] او نخواهد رسید، و دعای کافران جز بر هدر نباشد. (۱۵) و هر که در آسمانها و زمین است - خواه و ناخواه - با سایه‌هایشان، بامدادان و شامگاهان، برای خدا سجده می‌کنند. (۱۶) بگو: «پروردگار آسمانها و زمین کیست؟» بگو: «خدا!» بگو: «پس آیا جز او سرپرستانی گرفته‌اید که اختیار سود و زیان خود را ندارند؟» بگو: «آیا نابینا و بینا یکسانند؟ یا تاریکیها و روشنایی برابرند؟ یا برای خدا شریکانی پنداشته‌اند که مانند

آفرینش او آفریده‌اند و در نتیجه، [این دو] آفرینش بر آنان مشتبه شده است؟» بگو: «خدا آفریننده هر چیزی است، و اوست یگانه قهار.» (۱۷) [همو که] از آسمان، آبی فرو فرستاد. پس رودخانه‌هایی به اندازه گنجایش خودشان روان شدند، و سیل، کفی بلند روی خود برداشت، و از آنچه برای به دست آوردن زینتی یا کالایی، در آتش می‌گدازند هم نظیر آن کفی برمی‌آید. خداوند، حق و باطل را چنین مَثَل می‌زند. اما کف، بیرون افتاده از میان می‌رود، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند در زمین [باقی] می‌ماند. خداوند مَثَلها را چنین می‌زند. (۱۸) برای کسانی که پروردگارشان را اجابت کرده‌اند پاداش بس نیکوست. و کسانی که وی را اجابت نکرده‌اند، اگر سراسر آنچه در زمین است و مانند آن را با آن داشته باشند، قطعاً آن را برای بازخرید خود خواهند داد. آنان به سختی بازخواست شوند و جایشان در دوزخ است و چه بد جایگاهی است. (۱۹) پس، آیا کسی که می‌داند آنچه از جانب پروردگارت به تو نازل شده، حقیقت دارد، مانند کسی است که کوردل است؟ تنها خردمندانند که عبرت می‌گیرند. (۲۰) همانان که به پیمان خدا وفادارند و عهد [او] را نمی‌شکنند. (۲۱) و آنان که آنچه را خدا به پیوستنش فرمان داده می‌پیوندند و از پروردگارشان می‌ترسند و از سختی حساب بیم دارند. (۲۲) و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم، نهان و آشکارا انفاق کردند، و بدی را با نیکی می‌زدایند، ایشان راست فرجام خوش سرای باقی. (۲۳) [همان] بهشتی‌های عدن که آنان با پدرانشان و همسرانشان و فرزندانسان که درستکارند در آن داخل می‌شوند، و فرشتگان از هر دری بر آنان درمی‌آیند. (۲۴) [و به آنان می‌گویند:] «درود بر شما به [پاداش] آنچه صبر کردید. راستی چه نیکوست فرجام آن سرای!» (۲۵) و کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می‌شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده می‌گسلند و در زمین فساد می‌کنند، بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست. (۲۶) خدا روزی را برای هر که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند، و [لی] آنان [به زندگی دنیا شاد شده‌اند، و زندگی دنیا در [برابر] آخرت جز بهره‌ای [ناچیز] نیست. (۲۷) و کسانی که کافر شده‌اند می‌گویند: «چرا از جانب پروردگارش معجزه‌ای بر او نازل نشده است؟» بگو: «در حقیقت خداست که هر کس را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر کس را که [به سوی او] بازگردد، به سوی خود راه می‌نماید.» (۲۸) همان کسانی که ایمان آورده‌اند و دل‌هایشان به یاد خدا آرام می‌گیرد. آگاه باش که با یاد خدا دل‌ها آرامش می‌یابد. (۲۹) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، خوشا به حالشان، و خوش سرانجامی دارند. (۳۰) بدین گونه تو را در میان امتی که پیش از آن، امت‌هایی روزگار به سر بردند، فرستادیم تا آنچه را به تو وحی کردیم بر آنان بخوانی، در حالی که آنان به [خدای] رحمان کفر می‌ورزند. بگو: «اوست پروردگار من. معبودی بجز او نیست. بر او توکل کرده‌ام و بازگشت من به سوی اوست.» (۳۱) و اگر قرآنی بود که کوهها بدان روان می‌شد، یا زمین بدان قطعه قطعه می‌گردید، یا مردگان بدان به سخن درمی‌آمدند [باز هم در آنان اثر نمی‌کرد]. نه چنین است، بلکه همه امور بستگی به خدا دارد. آیا کسانی که ایمان آورده‌اند، ندانسته‌اند که اگر خدا می‌خواست قطعاً تمام مردم را به راه می‌آورد؟ و کسانی که کافر شده‌اند پیوسته به [سزای] آنچه کرده‌اند مصیبت کوبنده‌ای به آنان می‌رسد یا نزدیک خانه‌هایشان فرود می‌آید، تا وعده خدا فرا رسد. آری، خدا وعده [خود را] خلاف نمی‌کند. (۳۲) و بی‌گمان، فرستادگان پیش از تو [نیز] مسخره شدند. پس به کسانی که کافر شده بودند مهلت دادم، آنگاه آنان را [به کیفر] گرفتم. پس چگونه بود کیفر من؟ (۳۳) آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده است مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی‌خبر است]؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: «نامشان را ببرید» آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی‌داند خبر می‌دهید، یا سخنی سطحی [و میان‌تهی] می‌گویید؟ [چنین نیست] بلکه برای کسانی که کافر شده‌اند نیرنگشان آراسته شده و از راه [حق] بازداشته شده‌اند و هر که را خدا بی‌راه گذارد رهبری نخواهد داشت. (۳۴) برای آنان در زندگی دنیا عذابی است، و قطعاً عذاب آخرت دشوارتر است، و برای ایشان در برابر خدا هیچ نگهدارنده‌ای نیست. (۳۵) وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [این است که] از زیر [درختان] آن نهرها روان است. میوه و سایه‌اش پایدار است. این است فرجام کسانی که پرهیزگاری کرده‌اند و فرجام کافران آتش [دوزخ] است. (۳۶) و کسانی که به آنان کتاب

[آسمانی] داده‌ایم، از آنچه به سوی تو نازل شده شاد می‌شوند. و برخی از دسته‌ها کسانی هستند که بخشی از آن را انکار می‌کنند. بگو: «جز این نیست که من مأمورم خدا را بپرستم و به او شرک نورزم. به سوی او می‌خوانم و بازگشتم به سوی اوست.» (۳۷) و بدین سان آن [قرآن] را فرمانی روشن نازل کردیم، و اگر پس از دانشی که به تو رسیده [باز] از هوسهای آنان پیروی کنی، در برابر خدا هیچ دوست و حمایتگری نخواهی داشت. (۳۸) و قطعاً پیش از تو [نیز] رسولانی فرستادیم، و برای آنان زنان و فرزندان قرار دادیم. و هیچ پیامبری را نرسد که جز به اذن خدا معجزه‌ای بیاورد. برای هر زمانی کتابی است. (۳۹) خدا آنچه را بخواهد محو یا اثبات می‌کند، و اصل کتاب نزد اوست. (۴۰) و اگر پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم، یا تو را بمیرانیم، جز این نیست که بر تو رساندن [پیام] است و بر ما حساب [آنان]. (۴۱) آیا ندیده‌اند که ما [همواره] می‌آییم و از اطراف این زمین می‌کاهیم؟ و خداست که حکم می‌کند. برای حکم او باز دارنده‌ای نیست، و او به سرعت حسابرسی می‌کند. (۴۲) و به یقین، کسانی که پیش از آنان بودند نیرنگ کردند، ولی همه تدبیرها نزد خداست. آنچه را که هر کسی به دست می‌آورد می‌داند. و به زودی کافران بدانند که فرجام آن سرای از کیست. (۴۳) و کسانی که کافر شدند می‌گویند: «تو فرستاده نیستی.» بگو: «کافی است خدا و آن کس که نزد او علم کتاب است، میان من و شما گواه باشد.» (۴۴)

ابراهیم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، راء. کتابی است که آن را به سوی تو فرود آوردیم تا مردم را به اذن پروردگارشان از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آوری: به سوی راه آن شکست ناپذیر ستوده. (۲) خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و وای بر کافران از عذابی سخت. (۳) همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند. آنانند که در گمراهی دور و درازی هستند. (۴) و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم، تا [حقایق را] برای آنان بیان کند. پس خدا هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و اوست ارجمند حکیم. (۵) و در حقیقت، موسی را با آیات خود فرستادیم [و به او فرمودیم] که قوم خود را از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون آور، و روزهای خدا را به آنان یادآوری کن، که قطعاً در این [یادآوری]، برای هر شکیبایی سپاسگزاری عبرت‌هاست. (۶) و [به خاطر بیاور] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «نعمت خدا را بر خود به یاد آورید، آنگاه که شما را از فرعونیان رهانید، همانان] که بر شما عذاب سخت روا می‌داشتند، و پسرانتان را سر می‌بریدند و زنانتان را زنده می‌گذاشتند، و در این [امر] برای شما از جانب پروردگارتان آزمایشی بزرگ بود. (۷) و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد، و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.» (۸) و موسی گفت: «اگر شما و هر که در روی زمین است همگی کافر شوید، بی‌گمان، خدا بی‌نیاز ستوده [صفات] است.» (۹) آیا خبر کسانی که پیش از شما بودند: قوم نوح و عاد و ثمود، و آنانکه بعد از ایشان بودند [و] کسی جز خدا از آنان آگاهی ندارد، به شما نرسیده است؟ فرستادگان نشان دلایل آشکار برایشان آوردند، ولی آنان دستهایشان را [به نشانه اعتراض] بر دهانه‌هایشان نهادند و گفتند: «ما به آنچه شما بدان مأموریت دارید کافریم، و از آنچه ما را بدان می‌خوانید سخت در شکیم.» (۱۰) پیامبران نشان گفتند: «مگر در باره خدا - پدید آورنده آسمانها و زمین - تردیدی هست؟ او شما را دعوت می‌کند تا پاره‌ای از گناهانتان را بر شما ببخشاید و تا زمان معینی شما را مهلت دهد.» گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید. می‌خواهید ما را از آنچه پدرانمان می‌پرستیدند باز دارید. پس برای ما حجّتی آشکار بیاورید.» (۱۱) پیامبران نشان به آنان گفتند: «ما جز بشری مثل شما نیستیم. ولی خدا بر هر یک از بندگانش که بخواهد منت می‌نهد، و ما را نرسد که جز به اذن خدا برای شما حجّتی بیاوریم، و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» (۱۲) و چرا بر خدا توکل نکنیم و حال آنکه ما را به راه‌ایمان رهبری کرده است؟ و البته ما بر آزاری که به ما رساندید شکیبایی خواهیم کرد، و توکل کنندگان باید

تنها بر خدا توکل کنند. (۱۳) و کسانی که کافر شدند، به پیامبران گفتند: «شما را از سرزمین خودمان بیرون خواهیم کرد مگر اینکه به کیش ما باز گردید.» پس پروردگارشان به آنان وحی کرد که حتماً ستمگران را هلاک خواهیم کرد. (۱۴) و قطعاً شما را پس از ایشان در آن سرزمین سکونت خواهیم داد. این برای کسی است که از ایستادن [در محشر به هنگام حساب] در پیشگاه من بترسد و از تهدیدم بیم داشته باشد. (۱۵) و [پیامبران از خدا] گشایش خواستند، و [سرانجام] هر زورگوی لجوجی نومید شد. (۱۶) [آن کس که] دوزخ پیش روی اوست و به او آبی چرکین نوشانده می شود. (۱۷) آن را جرعه جرعه می نوشد و نمی تواند آن را فرو برد، و مرگ از هر جانبی به سویش می آید ولی نمی میرد و عذابی سنگین به دنبال دارد. (۱۸) مثل کسانی که به پروردگار خود کافر شدند، کردارهایشان به خاکستری می ماند که بادی تند در روزی طوفانی بر آن بوزد: از آنچه به دست آورده اند هیچ [بهره ای] نمی توانند بُرد. این است همان گمراهی دور و دراز. (۱۹) آیا در نیافته ای که خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده؟ اگر بخواهد شما را می برد و خلق تازه ای می آورد، (۲۰) و این [کار] بر خدا دشوار نیست. (۲۱) و همگی در برابر خدا ظاهر می شوند. پس ناتوانان به گردنکشان می گویند: «ما پیروان شما بودیم. آیا چیزی از عذاب خدا را از ما دور می کنید؟» می گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، قطعاً شما را هدایت می کردیم. چه بی تابی کنیم، چه صبر نماییم برای ما یکسان است. ما را راه گریزی نیست.» (۲۲) و چون کار از کار گذشت [و داوری صورت گرفت] شیطان می گوید: «در حقیقت، خدا به شما وعده داد وعده راست، و من به شما وعده دادم و با شما خلاف کردم، و مرا بر شما هیچ تسلطی نبود، جز اینکه شما را دعوت کردم و اجابتم نمودید. پس مرا ملامت نکنید و خود را ملامت کنید. من فریادرس شما نیستم و شما هم فریادرس من نیستید. من به آنچه پیش از این مرا [در کار خدا] شریک می دانستید کافر.» آری! ستمکاران عذابی پردرد خواهند داشت. (۲۳) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند به بهشتهایی در آورده می شوند که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است که به اذن پروردگارشان در آنجا جاودانه به سر می برند، و درودشان در آنجا سلام است. (۲۴) آیا ندیدی خدا چگونه مثل زده: سخنی پاک که مانند درختی پاک است که ریشه اش استوار و شاخه اش در آسمان است؟ (۲۵) میوه اش را هر دم به اذن پروردگارش می دهد. و خدا مثلها را برای مردم می زند، شاید که آنان پند گیرند. (۲۶) و مثل سخنی ناپاک چون درختی ناپاک است که از روی زمین کنده شده و قراری ندارد. (۲۷) خدا کسانی را که ایمان آورده اند، در زندگی دنیا و در آخرت با سخن استوار ثابت می گرداند، و ستمگران را بی راه می گذارد، و خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. (۲۸) آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند ننگریستی؟ (۲۹) [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می شوند، و چه بد قرارگاهی است. (۳۰) و برای خدا مانندهایی قرار دادند تا [مردم را] از راه او گمراه کنند. بگو: «برخوردار شوید که قطعاً بازگشت شما به سوی آتش است.» (۳۱) به آن بندگانم که ایمان آورده اند بگو: «نماز را بر پا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم، پنهان و آشکارا انفاق کنند، پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی.» (۳۲) خداست که آسمانها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله آن از میوه ها برای شما روزی بیرون آورد، و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود، و رودها را برای شما مسخر کرد. (۳۳) و خورشید و ماه را - که پیوسته روانند - برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت. (۳۴) و از هر چه از او خواستید به شما عطا کرد، و اگر نعمت خدا را شماره کنید، نمی توانید آن را به شمار در آورید. قطعاً انسان ستم پیشه ناسپاس است. (۳۵) و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم گفت: «پروردگارا، این شهر را ایمن گردان، و مرا و فرزندانم را از پرستیدن بتان دور دار. (۳۶) پروردگارا، آنها بسیاری از مردم را گمراه کردند. پس هر که از من پیروی کند، بی گمان، او از من است، و هر که مرا نافرمانی کند، به یقین، تو آمرزنده و مهربانی.» (۳۷) پروردگارا، من [یکی از] فرزندانم را در درّه ای بی کشت، نزد خانه محترم تو، سکونت دادم. پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس دلهای برخی از مردم را به سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند. (۳۸) پروردگارا، بی گمان تو آنچه را که پنهان می داریم و آنچه را که آشکار

می‌سازیم می‌دانی، و چیزی در زمین و در آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. (۳۹) سپاس خدای را که با وجود سالخوردگی، اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. به راستی پروردگار من شنونده دعاست. (۴۰) پروردگارا، مرا برپادارنده نماز قرار ده، و از فرزندان من نیز پروردگارا، و دعای مرا بپذیر. (۴۱) پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان ببخشای. (۴۲) و خدا را از آنچه ستمکاران می‌کنند غافل میندار. جز این نیست که [کیفر] آنان را برای روزی به تأخیر می‌اندازد که چشمها در آن خیره می‌شود. (۴۳) شتابان سر برداشته و چشم بر هم نمی‌زنند و [از وحشت] دل‌هایشان تهی است. (۴۴) و مردم را از روزی که عذاب بر آنان می‌آید بترسان. پس آنان که ستم کرده‌اند می‌گویند: «پروردگارا، ما را تا چندی مهلت بخش تا دعوت تو را پاسخ گوئیم و از فرستادگان [تو] پیروی کنیم.» [به آنان گفته می‌شود]: «مگر شما پیش از این سوگند نمی‌خوردید که شما را فنائی نیست؟» (۴۵) و در سراهای کسانی که بر خود ستم روا داشتند سکونت گزیدید، و برای شما آشکار گردید که با آنان چگونه معامله کردیم، و مثلها برای شما زدیم. (۴۶) و به یقین آنان نیرنگ خود را به کار بردند، و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوهها از جای کنده می‌شد. (۴۷) پس میندار که خدا وعده خود را به پیامبرانش خلاف می‌کند، که خدا شکست‌ناپذیر انتقام‌گیرنده است. (۴۸) روزی که زمین به غیر این زمین، و آسمانها [به غیر این آسمانها] مبدل گردد، و [مردم] در برابر خدای یگانه قهار ظاهر شوند. (۴۹) و گناهکاران را در آن روز می‌بینی که با هم در زنجیرها بسته شده‌اند. (۵۰) تن‌پوشهایشان از «قطران» است و چهره‌هایشان را آتش می‌پوشاند. (۵۱) تا خدا به هر کس هر چه به دست آورده است جزا دهد، که خدا زودشمار است. (۵۲) این [قرآن] ابلاغی برای مردم است [تا به وسیله آن هدایت شوند] و بدان بیم یابند و بدانند که او معبودی یگانه است، و تا صاحبان خرد پند گیرند. (۵۳)

الحجر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، راء. این است آیات کتاب [آسمانی] و قرآن روشنگر. (۲) چه بسا کسانی که کافر شدند آرزو کنند که کاش مسلمان بودند. (۳) بگذارشان تا بخورند و بر خوردار شوند و آرزو [ها] سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست. (۴) و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر اینکه برای آن اجلی معین بود. (۵) هیچ امتی از اجل خویش نه پیش می‌افتد و نه پس می‌ماند. (۶) و گفتند: «ای کسی که قرآن بر او نازل شده است، به یقین تو دیوانه‌ای. (۷) اگر راست می‌گویی چرا فرشته‌ها را پیش ما نمی‌آوری؟» (۸) فرشتگان را جز به حق فرو نمی‌فرستیم، و در آن هنگام، دیگر مهلت نیابند. (۹) بی‌تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود. (۱۰) و به یقین، پیش از تو [نیز] در گروههای پیشینان [پیامبرانی] فرستادیم. (۱۱) و هیچ پیامبری برایشان نیامد جز آنکه او را به مسخره می‌گرفتند. (۱۲) بدین گونه آن [استهزا] را در دل بزهکاران راه می‌دهیم، (۱۳) [که] به او ایمان نمی‌آورند، و راه [و رسم] پیشینان پیوسته چنین بوده است. (۱۴) و اگر دری از آسمان بر آنان می‌گشودیم که همواره از آن بالا می‌رفتند، (۱۵) قطعاً می‌گفتند: «در حقیقت، ما چشم‌بندی شده‌ایم، بلکه ما مردمی هستیم که افسون شده‌ایم.» (۱۶) و به یقین، ما در آسمان بُرجهایی قرار دادیم و آن را برای تماشاگران آراستیم. (۱۷) و آن را از هر شیطان رانده‌شده‌ای حفظ کردیم. (۱۸) مگر آن کس که دزدیده گوش فرا دهد که شهابی روشن او را دنبال می‌کند. (۱۹) و زمین را گسترانیدیم و در آن کوههای استوار افکندیم و از هر چیز سنجیده‌ای در آن رویانیدیم. (۲۰) و برای شما و هر کس که شما روزی‌دهنده او نیستید، در آن وسایل زندگی قرار دادیم. (۲۱) و هیچ چیز نیست مگر آنکه گنجینه‌های آن نزد ماست، و ما آن را جز به اندازه‌ای معین فرو نمی‌فرستیم. (۲۲) و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان، آبی نازل کردیم، پس شما را بدان سیراب نمودیم، و شما خزانه‌دار آن نیستید. (۲۳) و بی‌تردید، این ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم، و ما وارث [همه] هستیم. (۲۴) و به یقین، پیشینان شما را شناخته‌ایم و آیندگان [شما را نیز] شناخته‌ایم. (۲۵) و مسلماً پروردگار توست که آنان را محشور خواهد کرد، چرا که او حکیم داناست. (۲۶) و در حقیقت، انسان را از

گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریدیم. (۲۷) و پیش از آن، جن را از آتشی سوزان و بی دود خلق کردیم. (۲۸) و [یاد کن] هنگامی را که پروردگار تو به فرشتگان گفت: «من بشری را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، خواهم آفرید. (۲۹) پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید. (۳۰) پس فرشتگان همگی یکسره سجده کردند، (۳۱) جز ابلیس که خودداری کرد از اینکه با سجده کنندگان باشد. (۳۲) فرمود: «ای ابلیس، تو را چه شده است که با سجده کنندگان نیستی؟» (۳۳) گفت: «من آن نیستم که برای بشری که او را از گلی خشک، از گلی سیاه و بدبو، آفریده‌ای، سجده کنم.» (۳۴) فرمود: «از این [مقام] بیرون شو که تو رانده شده‌ای. (۳۵) و تا روز جزا بر تو لعنت باشد. (۳۶) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته خواهند شد مهلت ده.» (۳۷) فرمود: «تو از مهلت یافتگانی، (۳۸) تا روز [و] وقت معلوم. (۳۹) گفت: «پروردگارا، به سبب آنکه مرا گمراه ساختی، من [هم گناهانشان را] در زمین برایشان می‌آرایم و همه را گمراه خواهم ساخت، (۴۰) مگر بندگان خالص تو از میان آنان را.» (۴۱) فرمود: «این راهی است راست [که] به سوی من [منتهی می‌شود]. (۴۲) در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، مگر کسانی از گمراهان که تو را پیروی کنند، (۴۳) و قطعاً وعده‌گاه همه آنان دوزخ است، (۴۴) [دوزخی] که برای آن هفت در است، و از هر دری بخشی معین از آنان [وارد می‌شوند]. (۴۵) بی‌گمان، پرهیزگاران در باغها و چشمه‌ساراند. (۴۶) به آنان گویند: «با سلامت و ایمنی در آنجا داخل شوید.» (۴۷) و آنچه کینه [و شائبه‌های نفسانی] در سینه‌های آنان است برکنیم؛ برادرانه بر تختهایی روبروی یکدیگر نشسته‌اند. (۴۸) نه رنجی در آنجا به آنان می‌رسد و نه از آنجا بیرون رانده می‌شوند. (۴۹) به بندگان من خیر ده که منم آمرزنده مهربان. (۵۰) و اینکه عذاب من، عذابی است دردناک. (۵۱) و از مهمانان ابراهیم به آنان خبر ده، (۵۲) هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند. [ابراهیم] گفت: «ما از شما بیمناکیم.» (۵۳) گفتند: «مترس، که ما تو را به پسری دانا مژده می‌دهیم.» (۵۴) گفت: «آیا با اینکه مرا پیری فرا رسیده است بشارت می‌دهید؟ به چه بشارت می‌دهید؟» (۵۵) گفتند: «ما تو را به حق بشارت دادیم. پس، از نومیدان مباش.» (۵۶) گفت: «چه کسی - جز گمراهان - از رحمت پروردگارش نومید می‌شود؟» (۵۷) [سپس] گفت: «ای فرشتگان، [دیگر] کارتان چیست؟» (۵۸) گفتند: «ما به سوی گروه مجرمان فرستاده شده‌ایم، (۵۹) مگر خانواده لوط، که ما قطعاً همه آنان را نجات می‌دهیم، (۶۰) جز آتش را که مقدر کردیم او از بازماندگان [در عذاب] باشد. (۶۱) پس چون فرشتگان نزد خاندان لوط آمدند، (۶۲) [لوط] گفت: «شما مردمی ناشناس هستید.» (۶۳) گفتند: «نه، [بلکه برای تو چیزی آورده‌ایم که در آن تردید می‌کردند، (۶۴) و حق را برای تو آورده‌ایم و قطعاً ما راستگویانیم، (۶۵) پس، پاسی از شب [گذشته] خانواده‌ات را حرکت ده و [خودت] به دنبال آنان برو، و هیچ یک از شما نباید به عقب بنگرد، و هر جا به شما دستور داده می‌شود بروید. (۶۶) و او را از این امر آگاه کردیم که ریشه آن گروه صبحگاهان بریده خواهد شد. (۶۷) و مردم شهر، شادی‌کنان روی آوردند. (۶۸) [لوط] گفت: «اینان مهمانان منند، مرا رسوا مکنید، (۶۹) و از خدا پروا کنید و مرا خوار نسازید.» (۷۰) گفتند: «آیا تو را [از مهمان کردن] مردم بیگانه منع نکردیم؟» (۷۱) گفت: «اگر می‌خواهید [کاری مشروع] انجام دهید، اینان دختران منند [با آنان ازدواج کنید].» (۷۲) به جان تو سوگند، که آنان در مستی خود سرگردان بودند. (۷۳) پس به هنگام طلوع آفتاب، فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت. (۷۴) و آن [شهر] را زیر و زبر کردیم و بر آنان سنگهایی از سنگ گِل بارانیدیم. (۷۵) به یقین، در این [کیفر] برای هوشیاران عبرت‌هاست. (۷۶) و [آثار] آن [شهر] هنوز [بر سر راهی] [دایر] برجاست. (۷۷) بی‌گمان، در این برای مؤمنان عبرتی است. (۷۸) و راستی اهل «ایکه» ستمگر بودند. (۷۹) پس، از آنان انتقام گرفتیم، و آن دو [شهر، اکنون] بر سر راهی آشکاراست. (۸۰) و اهل «حجر» [نیز] پیامبران [ما] را تکذیب کردند. (۸۱) و آیات خود را به آنان دادیم، و [لی] از آنها اعراض کردند. (۸۲) و [برای خود] از کوهها خانه‌هایی می‌تراشیدند که در امان بمانند. (۸۳) پس صبحدم، فریاد [مرگبار] آنان را فرو گرفت. (۸۴) و آنچه به دست می‌آوردند، به کارشان نخورد. (۸۵) و ما آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق نیافریده‌ایم، و یقیناً قیامت فرا خواهد رسید. پس به خوبی صرف نظر کن، (۸۶) زیرا پروردگار تو همان آفریننده داناست. (۸۷) و به راستی، به تو سبع المثانی [=سوره فاتحه] و قرآن بزرگ را عطا کردیم. (۸۸) و به آنچه

ما دسته‌هایی از آنان [=کافران] را بدان برخوردار ساخته‌ایم چشم مدوز، و بر ایشان اندوه مخور، و بال خویش برای مؤمنان فرو گستر. (۸۹) و بگو: «من همان هشداردهنده آشکارم.» (۹۰) همان گونه که [عذاب را] بر تقسیم‌کنندگان نازل کردیم: (۹۱) همانان که قرآن را جزء جزء کردند [به برخی از آن عمل کردند و بعضی را رها نمودند]. (۹۲) پس سوگند به پروردگارت که از همه آنان خواهیم پرسید، (۹۳) از آنچه انجام می‌دادند. (۹۴) پس آنچه را بدان مأموری آشکار کن و از مشرکان روی برتاب، (۹۵) که ما [شر] ریشخند گران را از تو برطرف خواهیم کرد. (۹۶) همانان که با خدا معبودی دیگر قرار می‌دهند. پس به زودی [حقیقت را] خواهند دانست. (۹۷) و قطعاً می‌دانیم که سینه تو از آنچه می‌گویند تنگ می‌شود. (۹۸) پس با ستایش پروردگارت تسبیح گوی و از سجده‌کنندگان باش. (۹۹) و پروردگارت را پرستش کن تا اینکه مرگ تو فرا رسد. (۱۰۰)

النحل

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) [هان] امر خدا در رسید، پس در آن شتاب مکنید. او منزّه و فراتر است از آنچه [با وی] شریک می‌سازند. (۲) فرشتگان را با «روح»، به فرمان خود، بر هر کس از بندگانش که بخواهد نازل می‌کند، که بیم دهید که معبودی جز من نیست. پس، از من پروا کنید. (۳) آسمانها و زمین را به حق آفریده است. او فراتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گرداند. (۴) انسان را از نطفه‌ای آفریده است، آنگاه ستیزه‌جویی آشکار است. (۵) و چارپایان را برای شما آفرید: در آنها برای شما [وسيله] گرمی و سودهایی است، و از آنها می‌خورید. (۶) و در آنها برای شما زیبایی است، آنگاه که [آنها را] از چراگاه برمی‌گردانید، و هنگامی که [آنها را] به چراگاه می‌برید. (۷) و بارهای شما را به شهری می‌برند که جز با مشقت بدنها بدان نمی‌توانستید برسید. قطعاً پروردگار شما رثوف و مهربان است. (۸) و اسبان و استران و خران را [آفرید] تا بر آنها سوار شوید و [برای شما] تجملی [باشد]، و آنچه را نمی‌دانید می‌آفریند. (۹) و نمودن راه راست بر عهده خداست، و برخی از آن [راهها] کژ است، و اگر [خدا] می‌خواست مسلماً همه شما را هدایت می‌کرد. (۱۰) اوست کسی که از آسمان، آبی فرود آورد که [آب] آشامیدنی شما از آن است، و رویدنی [هایی] که [رمه‌های خود را] در آن می‌چرانید [نیز] از آن است. (۱۱) به وسیله آن، کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هر گونه محصولات [دیگر] برای شما می‌رویند. قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌ای است. (۱۲) و شب و روز و خورشید و ماه را برای شما رام گردانید، و ستارگان به فرمان او مسخر شده‌اند. مسلماً در این [امور] برای مردمی که تعقل می‌کنند نشانه‌هاست. (۱۳) و [همچنین] آنچه را در زمین به رنگهای گوناگون برای شما پدید آورد [مسخر شما ساخت]. بی‌تردید، در این [امور] برای مردمی که پند می‌گیرند نشانه‌ای است. (۱۴) و اوست کسی که دریا را مسخر گردانید تا از آن گوشت تازه بخورید، و پیرایه‌ای که آن را می‌پوشید از آن بیرون آورید. و کشتیها را در آن، شکافنده [آب] می‌بینی، و تا از فضل او بجوید و باشد که شما شکر گزارید. (۱۵) و در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجنباند، و رودها و راهها [قرار داد] تا شما راه خود را پیدا کنید. (۱۶) و نشانه‌هایی [دیگر نیز قرار داد]، و آنان به وسیله ستاره [قطبی] راه‌یابی می‌کنند. (۱۷) پس آیا کسی که می‌آفریند چون کسی است که نمی‌آفریند؟ آیا پند نمی‌گیرد؟ (۱۸) و اگر نعمت [های] خدا را شماره کنید، آن را نمی‌توانید بشمارید. قطعاً خدا آمرزنده مهربان است. (۱۹) و خدا آنچه را که پنهان می‌دارید و آنچه را که آشکار می‌سازید می‌داند. (۲۰) و کسانی را که جز خدا می‌خوانند، چیزی نمی‌آفرینند در حالی که خود آفریده می‌شوند. (۲۱) مردگان نه زندگان، و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد. (۲۲) معبود شما معبودی است یگانه. پس کسانی که به آخرت ایمان ندارند، دل‌هایشان انکارکننده [حق] است و خودشان متکبرند. (۲۳) شک نیست که خداوند آنچه را پنهان می‌دارند و آنچه را آشکار می‌سازند، می‌داند، و او گردنکشان را دوست نمی‌دارد. (۲۴) و چون به آنان گفته شود: «پروردگارتان چه چیز نازل کرده است؟» می‌گویند: «افسانه‌های پیشینیان است.» (۲۵) تا روز قیامت بار گناهان خود را تمام بردارند، و [نیز] بخشی از بار گناهان کسانی را که ندانسته آنان را گمراه می‌کنند. آگاه باشید، چه

بد باری را می‌کشند. (۲۶) پیش از آنان کسانی بودند که مکر کردند، و [لی] خدا از پایه بر بنیانشان زد، در نتیجه از بالای سرشان سقف بر آنان فرو ریخت، و از آنجا که حدس نمی‌زدند عذاب به سراغشان آمد. (۲۷) سپس روز قیامت آنان را رسوا می‌کند و می‌گوید: «کجایند آن شریکان من که در باره آنها [با پیامبران] مخالفت می‌کردید؟» کسانی که به آنان علم داده شده است می‌گویند: «در حقیقت، امروز رسوایی و خواری بر کافران است.» (۲۸) همانان که فرشتگان جانشان را می‌گیرند در حالی که بر خود ستمکار بوده‌اند. پس، از در تسلیم درمی‌آیند [و می‌گویند]: «ما هیچ کار بدی نمی‌کردیم.» آری، خدا به آنچه می‌کردید داناست. (۲۹) پس، از درهای دوزخ وارد شوید و در آن همیشه بمانید، و حقا که چه بد است جایگاه متکبران. (۳۰) و به کسانی که تقوا پیشه کردند، گفته شود: «پروردگارتان چه نازل کرد؟» می‌گویند: «خوبی.» برای کسانی که در این دنیا نیکی کردند [پاداش] نیکویی است، و قطعاً سرای آخرت بهتر است، و چه نیکوست سرای پرهیزگاران: (۳۱) بهشت‌های عدن که در آن داخل می‌شوند؛ رودها از زیر [درختان] آنها روان است؛ در آنجا هر چه بخواهند برای آنان [فراهم] است. خدا این گونه پرهیزگاران را پاداش می‌دهد. (۳۲) همان کسانی که فرشتگان جانشان را -در حالی که پاکند- می‌ستانند [و به آنان] می‌گویند: «درود بر شما باد، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادید به بهشت درآیید.» (۳۳) آیا [کافران] جز این که فرشتگان [جانستان] به سویشان آیند، یا فرمان پروردگارت [دایر بر عذابشان] در رسد، انتظاری می‌برند؟ کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این گونه رفتار کردند، و خدا به ایشان ستم نکرد، بلکه آنان به خود ستم می‌کردند. (۳۴) پس [کیفر] بدیهایی که کردند به آنان رسید، و آنچه مسخره‌اش می‌کردند آنان را فرا گرفت. (۳۵) و کسانی که شرک ورزیدند گفتند: «اگر خدا می‌خواست -نه ما و نه پدرانمان- هیچ چیزی را غیر از او نمی‌پرستیدیم و بدون [حکم] او چیزی را حرام نمی‌شمردیم.» پیش از آنان [نیز] چنین رفتار کردند، و [لی] آیا جز ابلاغ آشکار بر پیامبران [وظیفه‌ای] است؟ (۳۶) و در حقیقت، در میان هر امتی فرستاده‌ای برانگیختیم [تا بگوید]: «خدا را پرستید و از طاغوت [=فریبگر] پرهیزید.» پس، از ایشان کسی است که خدا [او را] هدایت کرده، و از ایشان کسی است که گمراهی بر او سزاوار است. بنابراین در زمین بگردید و ببینید فرجام تکذیب‌کنندگان چگونه بوده است. (۳۷) اگر [چه] بر هدایت آنان حرص ورزی، ولی خدا کسی را که فرو گذاشته است هدایت نمی‌کند، و برای ایشان یاری‌کنندگانی نیست. (۳۸) و با سخت‌ترین سوگندهایشان بخدا سوگند یاد کردند که خدا کسی را که می‌میرد بر نخواهد انگیخت. آری، [انجام] این وعده بر او حق است، لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۹) تا [خدا] آنچه را در [مورد] آن اختلاف دارند، برای آنان توضیح دهد، و تا کسانی که کافر شده‌اند، بدانند که آنها خود دروغ می‌گفته‌اند. (۴۰) ما وقتی چیزی را اراده کنیم، همین قدر به آن می‌گوییم: «باش»، بی‌درنگ موجود می‌شود. (۴۱) و کسانی که پس از ستم‌دیدگی، در راه خدا هجرت کرده‌اند، در این دنیا جای نیکویی به آنان می‌دهیم، و اگر بدانند، قطعاً پاداش آخرت بزرگتر خواهد بود. (۴۲) همانان که صبر نمودند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۴۳) و پیش از تو [هم] جز مردانی که بدیشان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. پس اگر نمی‌دانید، از پژوهندگان کتابهای آسمانی جويا شوید، (۴۴) [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و نوشته‌ها [فرستادیم]، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند. (۴۵) آیا کسانی که تدبیرهای بد می‌اندیشند، ایمن شدند از اینکه خدا آنان را در زمین فرو ببرد، یا از جایی که حدس نمی‌زند عذاب برایشان بیاید؟ (۴۶) یا در حال رفت و آمدشان [گریبان] آنان را بگیرد، و کاری از دستشان برنیاید؟ (۴۷) یا آنان را در حالی که وحشت‌زده‌اند فرو گیرد؟ همانا پروردگار شما رؤوف و مهربان است. (۴۸) آیا به چیزهایی که خدا آفریده است، ننگریسته‌اند که [چگونه] سایه‌هایشان از راست و [از جوانب] چپ می‌گردد، و برای خدا در حال فروتنی سر بر خاک می‌سایند؟ (۴۹) و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین از جنندگان و فرشتگان است، برای خدا سجده می‌کنند و تکبر نمی‌ورزند. (۵۰) از پروردگارشان که حاکم بر آنهاست می‌ترسند و آنچه را مأمورند انجام می‌دهند. (۵۱) و خدا فرمود: «دو معبود برای خود مگیرید. جز این نیست که او خدایی یگانه است. پس تنها از من بترسید.» (۵۲) و آنچه در آسمانها و زمین است از آن

اوست، و آیین پایدار [نیز] از آن اوست. پس آیا از غیر خدا پروا دارید؟ (۵۳) و هر نعمتی که دارید از خداست، سپس چون آسیبی به شما رسد به سوی او روی می آورید [و می نالید]. (۵۴) و چون آن آسیب را از شما برطرف کرد، آنگاه گروهی از شما به پروردگارشان شرک می ورزند. (۵۵) [بگذار] تا آنچه را به ایشان عطا کرده ایم ناسپاسی کنند. اکنون برخوردار شوید، و [لی] زودا که بدانید. (۵۶) و از آنچه به ایشان روزی دادیم، نصیبی برای آن [خدایانی] که نمی دانند [چیست] می نهند. به خدا سوگند که از آنچه به دروغ برمی بافتید، حتماً سؤال خواهید شد. (۵۷) و برای خدا دخترانی می پندارند. منزه است او. و برای خودشان آنچه را میل دارند [قرار می دهند]. (۵۸) و هر گاه یکی از آنان را به دختر مژده آورند، چهره اش سیاه می گردد، در حالی که خشم [و اندوه] خود را فرو می خورد. (۵۹) از بدی آنچه بدو بشارت داده شده، از قبیل [خود] روی می پوشاند. آیا او را با خواری نگاه دارد، یا در خاک پنهانش کند؟ و چه بد داوری می کنند. (۶۰) و صف زشت برای کسانی است که به آخرت ایمان ندارند، و بهترین وصف از آن خداست، و اوست ارجمند حکیم. (۶۱) و اگر خداوند مردم را به [سزای] ستمشان مؤاخذه می کرد، جنبنده ای بر روی زمین باقی نمی گذاشت، لیکن [کیفر] آنان را تا وقتی معین بازپس می اندازد، و چون اجلشان فرا رسد، ساعتی آن را پس و پیش نمی توانند افکنند. (۶۲) و چیزی را که خوش نمی دارند، برای خدا قرار می دهند، و زبانشان دروغ پردازی می کند که [سرانجام] نیکو از آن ایشان است. حقاً که آتش برای آنان است و به سوی آن پیش فرستاده خواهند شد. (۶۳) سوگند به خدا که به سوی امتهای پیش از تو [رسولانی] فرستادیم [اما] شیطان اعمالشان را برایشان آراست و امروز [هم] سرپرستان هموست و برایشان عذابی دردناک است. (۶۴) و ما [این] کتاب را بر تو نازل نکردیم، مگر برای اینکه آنچه را در آن اختلاف کرده اند، برای آنان توضیح دهی، و [آن] برای مردمی که ایمان می آورند، رهنمود و رحمتی است. (۶۵) و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید، قطعاً در این [امر] برای مردمی که شنوایی دارند نشانه ای است. (۶۶) و در دامها قطعاً برای شما عبرتی است: از آنچه در [لابلائی] شکم آنهاست، از میان سرگین و خون، شیری ناب به شما می نوشانیم که برای نوشندگان گواراست. (۶۷) و از میوه درختان خرما و انگور، باده مستی بخش و خوراکی نیکو برای خود می گیرید. قطعاً در این [ها] برای مردمی که تعقل می کنند نشانه ای است. (۶۸) و پروردگار تو به زنبور عسل وحی [=الهام غریزی] کرد که از پاره ای کوهها و از برخی درختان و از آنچه داربست [و چفته سازی] می کنند، خانه هایی برای خود درست کن، (۶۹) سپس از همه میوه ها بخور، و راههای پروردگارت را فرمانبردارانه، بیوی. [آنگاه] از درون [شکم] آن، شهدی که به رنگهای گوناگون است بیرون می آید. در آن، برای مردم درمانی است. راستی در این [زندگی زنبوران] برای مردمی که تفکر می کنند نشانه [قدرت الهی] است. (۷۰) و خدا شما را آفرید، سپس [جان] شما را می گیرد، و بعضی از شما تا خوارترین [دوره] سالهای زندگی [فرتوتی] باز گردانده می شود، به طوری که بعد از [آن همه] دانستن، [دیگر] چیزی نمی دانند. قطعاً خدا دانای تواناست. (۷۱) و خدا بعضی از شما را در روزی بر بعضی دیگر برتری داده است. و [لی] کسانی که فزونی یافته اند، روزی خود را به بندگان خود نمی دهند تا در آن با هم مساوی باشند. آیا باز نعمت خدا را انکار می کنند؟ (۷۲) و خدا برای شما از خودتان همسرانی قرار داد، و از همسرانتان برای شما پسران و نوادگانی نهاد و از چیزهای پاکیزه به شما روزی بخشید. آیا [باز هم] به باطل ایمان می آورند و به نعمت خدا کفر می ورزند؟ (۷۳) و به جای خدا چیزهایی را می پرستند که در آسمانها و زمین به هیچ وجه اختیار روزی آنان را ندارند و [به کاری] توانایی ندارند. (۷۴) پس برای خدا مثل نزنید، که خدا می داند و شما نمی دانید. (۷۵) خدا مثلی می زند: بنده ای است ز خرید که هیچ کاری از او بر نمی آید. آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده ایم، و او از آن در نهان و آشکار انفاق می کند یکسان است؟ سپاس خدای راست. [نه]، بلکه بیشترشان نمی دانند. (۷۶) و خدا مثلی [دیگر] می زند: دو مردند که یکی از آنها لال است و هیچ کاری از او بر نمی آید و او سربار خداوندگارش می باشد. هر جا که او را می فرستد خیری به همراه نمی آورد. آیا او با کسی که به عدالت فرمان می دهد و خود بر راه راست است یکسان است؟ (۷۷) و نهان آسمانها و زمین از آن خداست، و کار قیامت جز مانند یک چشم بر هم زدن یا نزدیکتر [از

آن] نیست، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. (۷۸) و خدا شما را از شکم مادرانتان - در حالی که چیزی نمی دانستید - بیرون آورد، و برای شما گوش و چشمها و دلها قرار داد، باشد که سپاسگزاری کنید. (۷۹) آیا به سوی پرندگان که در فضای آسمان، رام شده اند ننگریسته اند؟ جز خدا کسی آنها را نگاه نمی دارد. راستی در این [قدرت نمایی] برای مردمی که ایمان می آورند نشانه هایی است. (۸۰) و خدا برای شما خانه هایتان را مایه آرامش قرار داد، و از پوست دامها برای شما خانه هایی نهاد که آن [ها] را در روز جابجا شدنشان و هنگام ماندنشان سبک می یابید، و از پشمها و گُرکها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است [قرار داد]. (۸۱) و خدا از آنچه آفریده، به سود شما سایه هایی فراهم آورده و از کوهها برای شما پناهگاه هایی قرار داده و برای شما تن پوشهایی مقرر کرده که شما را از گرما [و سرما] حفظ می کند، و تن پوشها [=زرها] یی که شما را در جنگتان حمایت می نماید. این گونه وی نعمتش را بر شما تمام می گرداند، امید که شما [به فرمانش] گردن نهید. (۸۲) پس اگر رویگردان شونید، بر تو فقط ابلاغ آشکار است. (۸۳) نعمت خدا را می شناسند، اما باز هم منکر آن می شوند و بیشترشان کافرند. (۸۴) و [یاد کن] روزی را که از هر امتی گواهی برمی انگیزیم، سپس به کسانی که کافر شده اند رخصت داده نمی شود و آنان مورد بخشش قرار نخواهند گرفت. (۸۵) و چون کسانی که ستم کرده اند عذاب را ببینند [شکنجه] آنان کاسته نمی گردد و مهلت نمی یابند. (۸۶) و چون کسانی که شرک ورزیدند، شریکان خود را ببینند می گویند: «پروردگارا، اینها بودند آن شریکانی که ما به جای تو می خواندیم.» و [لی شریکان] قول آنان را رد می کنند که: «شما جدا دروغگویانید.» (۸۷) و آن روز در برابر خدا از در تسلیم درآیند و آنچه را که برمی بافتند بر باد می رود. (۸۸) کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا باز داشتند به [سزای] آنکه فساد می کردند غذایی بر عذابشان می افزاییم. (۸۹) و [به یاد آور] روزی را که در هر امتی گواهی از خودشان برایشان برانگیزیم، و تو را [هم] بر این [امت] گواه آوریم، و این کتاب را که روشنگر هر چیزی است و برای مسلمانان رهنمود و رحمت و بشارتگری است، بر تو نازل کردیم. (۹۰) در حقیقت، خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می دارد. به شما اندرز می دهد، باشد که پند گیرید. (۹۱) و چون با خدا پیمان بستید، به پیمان خود وفا کنید و سوگندهای [خود را] پس از استوار کردن آنها مشکنید، با اینکه خدا را بر خود ضامن [و گواه] قرار داده اید، زیرا خدا آنچه را انجام می دهید می داند. (۹۲) و مانند آن [زنی] که رشته خود را پس از محکم بافتن، [یکی یکی] از هم می گسست مبادید که سوگندهای خود را میان خویش وسیله [فریب و] تقلب سازید [به خیال این] که گروهی از گروه دیگر [در داشتن امکانات] افزونترند. جز این نیست که خدا شما را بدین وسیله می آزماید و روز قیامت در آنچه اختلاف می کردید، قطعاً برای شما توضیح خواهد داد. (۹۳) و اگر خدا می خواست قطعاً شما را امتی واحد قرار می داد، ولی هر که را بخواهد بپراه و هر که را بخواهد هدایت می کند و از آنچه انجام می دادید حتماً سؤال خواهید شد. (۹۴) و زنها، سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید، تا گامی بعد از استواریش بلغزد، و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا باز داشته اید دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد. (۹۵) و پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفروشید، زیرا آنچه نزد خداست - اگر بدانید - همان برای شما بهتر است. (۹۶) آنچه پیش شماست تمام می شود و آنچه پیش خداست پایدار است، و قطعاً کسانی را که شکیبایی کردند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد. (۹۷) هر کس - از مرد یا زن - کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می دادند پاداش خواهیم داد. (۹۸) پس چون قرآن می خوانی از شیطان مطرود به خدا پناه بر، (۹۹) چرا که او را بر کسانی که ایمان آورده اند، و بر پروردگارشان توکل می کنند، تسلطی نیست. (۱۰۰) تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی برمی گیرند، و بر کسانی که آنها به او [=خدا] شرک می ورزند. (۱۰۱) و چون حکمی را به جای حکم دیگر بیاوریم - و خدا به آنچه به تدریج نازل می کند داناتر است - می گویند: «جز این نیست که تو دروغ بافی.» [نه،] بلکه بیشتر آنان نمی دانند. (۱۰۲) بگو: «آن را روح القدس از طرف پروردگارت به حق فرود آورده، تا کسانی را که ایمان آورده اند استوار گرداند، و برای مسلمانان هدایت و بشارتی است.» (۱۰۳) و

نیک می دانیم که آنان می گویند: «جز این نیست که بشری به او می آموزد.» [نه چنین نیست، زیرا] زبان کسی که [این] نسبت را به او می دهند غیر عربی است و این [قرآن] به زبان عربی روشن است. (۱۰۴) در حقیقت، کسانی که به آیات خدا ایمان ندارند، خدا آنان را هدایت نمی کند و برایشان عذابی دردناک است. (۱۰۵) تنها کسانی دروغ پردازی می کنند که به آیات خدا ایمان ندارند و آنان خود دروغگویانند. (۱۰۶) هر کس پس از ایمان آوردن خود، به خدا کفر ورزد [عذابی سخت خواهد داشت] مگر آن کس که مجبور شده و [لی] قلبش به ایمان اطمینان دارد. لیکن هر که سینه اش به کفر گشاده گردد خشم خدا بر آنان است و برایشان عذابی بزرگ خواهد بود، (۱۰۷) زیرا آنان زندگی دنیا را بر آخرت برتری دادند و [هم] اینکه خدا گروه کافران را هدایت نمی کند. (۱۰۸) آنان کسانی اند که خدا بر دلها و گوش و دیدگانشان مهر نهاده و آنان خود غافلاند. (۱۰۹) شک نیست که آنها در آخرت همان زیانکارانند. (۱۱۰) با این حال، پروردگار تو نسبت به کسانی که پس از [آن همه] زجر کشیدن، هجرت کرده و سپس جهاد نمودند و صبر پیشه ساختند، پروردگارت [نسبت به آنان] بعد از آن [همه مصایب] قطعاً آمرزنده و مهربان است. (۱۱۱) [یاد کن] روزی را که هر کس می آید [و] از خود دفاع می کند، و هر کس به آنچه کرده، بی کم و کاست پاداش می یابد و بر آنان ستم نمی رود. (۱۱۲) و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزیش از هر سو فراوان می رسید، پس [ساکنانش] نعمتهای خدا را ناسپاسی کردند، و خدا هم به سزای آنچه انجام می دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاند. (۱۱۳) و به یقین، فرستاده ای از خودشان برایشان آمد، اما او را تکذیب کردند، پس در حالی که ظالم بودند آنان را عذاب فرو گرفت. (۱۱۴) پس، از آنچه خدا شما را روزی کرده است، حلال [و] پاکیزه بخورید، و نعمت خدا را - اگر تنها او را می پرستید - شکر گزاید. (۱۱۵) جز این نیست که [خدا] مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که نام غیر خدا بر آن برده شده حرام گردانیده است. [با این همه،] هر کس که [به خوردن آنها] ناگزیر شود، و سرکش و زیاده خواه نباشد، قطعاً خدا آمرزنده مهربان است. (۱۱۶) و برای آنچه زبان شما به دروغ می پردازد، مگویید: «این حلال است و آن حرام» تا بر خدا دروغ بندید، زیرا کسانی که بر خدا دروغ می بندند رستگار نمی شوند. (۱۱۷) [ایشان راست] اندک بهره ای، و [لی] عذابشان پر درد است. (۱۱۸) و بر کسانی که یهودی شدند، آنچه را قبلاً بر تو حکایت کردیم، حرام گردانیدیم، و ما بر آنان ستم نکردیم، بلکه آنها به خود ستم می کردند. (۱۱۹) [با این همه] پروردگار تو نسبت به کسانی که به نادانی مرتکب گناه شده، سپس توبه کرده و به صلاح آمده اند، البته پروردگارت پس از آن آمرزنده مهربان است. (۱۲۰) به راستی ابراهیم، پیشوایی مطیع خدا [و] حق گرای بود و از مشرکان نبود. (۱۲۱) [و] نعمتهای او را شکر گزار بود. [خدا] او را برگزید و به راهی راست هدایتش کرد. (۱۲۲) و در دنیا به او نیکویی و [نعمت] دادیم و در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. (۱۲۳) سپس به تو وحی کردیم که: «از آیین ابراهیم حق گرای پیروی کن، [چرا که] او از مشرکان نبود.» (۱۲۴) [بزرگداشت] شنبه، بر کسانی که در باره آن اختلاف کردند مقرر گردید، و قطعاً پروردگارت روز رستاخیز میان آنها در باره چیزی که در مورد آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۱۲۵) با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای. در حقیقت، پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده داناتر، و او به [حال] راه یافتگان [نیز] داناتر است. (۱۲۶) و اگر عقوبت کردید، همان گونه که مورد عقوبت قرار گرفته اید [متجاوز را] به عقوبت رسانید، و اگر صبر کنید البته آن برای شکیبایان بهتر است. (۱۲۷) و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست و بر آنان اندوه مخور و از آنچه نیرنگ می کنند دل تنگ مدار. (۱۲۸) در حقیقت، خدا با کسانی است که پروا داشته اند و [با] کسانی [است] که آنها نیکوکارند. (۱۲۹)

الإسراء

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) منزّه است آن [خدایی] که بنده اش را شبانگاهی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی - که پیرامون آن را برکت داده ایم - سیر داد، تا از نشانه های خود به او بنمایانیم، که او همان شنوای بیناست. (۲) و کتاب آسمانی را به

موسی دادیم و آن را برای فرزندان اسرائیل رهنمودی گردانیدیم که: زنه‌ار، غیر از من کارسازی مگیرید، (۳) [ای] فرزندان کسانی که [آنان را در کشتی] با نوح برداشتیم. راستی که او بنده‌ای سپاسگزار بود. (۴) و در کتاب آسمانی [شان] به فرزندان اسرائیل خبر دادیم که: «قطعاً دو بار در زمین فساد خواهید کرد، و قطعاً به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست.» (۵) پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرا رسد، بندگانی از خود را که سخت نیرومندند بر شما می‌گماریم، تا میان خانه‌ها [یتان برای قتل و غارت شما] به جستجو در آیند، و این تهدید تحقق‌یافتنی است. (۶) پس [از چندی] دوباره شما را بر آنان چیره می‌کنیم و شما را با اموال و پسران یاری می‌دهیم و [تعداد] نفرات شما را بیشتر می‌گردانیم. (۷) اگر نیکی کنید، به خود نیکی کرده‌اید، و اگر بدی کنید، به خود [بد نموده‌اید]. و چون تهدید آخر فرا رسد [بیایند] تا شما را اندوهگین کنند و در معبد [تان] چنانکه بار اول داخل شدند [به زور] در آیند و بر هر چه دست یافتند یکسره [آن را] نابود کنند. (۸) امید است که پروردگارتان شما را رحمت کند، و [لی] اگر [به گناه] بازگردید [ما نیز به کیفر شما] بازمی‌گردیم، و دوزخ را برای کافران زندان قرار دادیم. (۹) قطعاً این قرآن به [آیینی] که خود پایدارتر است راه می‌نماید، و به آن مؤمنانی که کارهای شایسته می‌کنند، مژده می‌دهد که پاداشی بزرگ برایشان خواهد بود. (۱۰) و اینکه برای کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند عذابی پر درد آماده کرده‌ایم. (۱۱) و انسان [همان گونه که] خیر را فرا می‌خواند، [پیشامد] بد را می‌خواند و انسان همواره شتابزده است. (۱۲) و شب و روز را دو نشانه قرار دادیم. نشانه شب را تیره‌گون و نشانه روز را روشنی‌بخش گردانیدیم تا [در آن]، فضلی از پروردگارتان بجوید، و تا شماره سالها و حساب [عمرها و رویدادها] را بدانید و هر چیزی را به روشنی باز نمودیم. (۱۳) و کارنامه هر انسانی را به گردن او بسته‌ایم، و روز قیامت برای او نامه‌ای که آن را گشاده می‌بیند بیرون می‌آوریم. (۱۴) «نامه‌ات را بخوان؛ کافی است که امروز خودت حسابرس خود باشی.» (۱۵) هر کس به راه آمده تنها به سود خود به راه آمده، و هر کس بیراهه رفته تنها به زیان خود بیراهه رفته است. و هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد، و ما تا پیامبری برنینگیزیم، به عذاب نمی‌پردازیم. (۱۶) و چون بخوایم شهری را هلاک کنیم، خوشگذرانانش را و می‌داریم تا در آن به انحراف [و فساد] بپردازند، و در نتیجه عذاب بر آن [شهر] لازم گردد، پس آن را [یکسره] زیر و زبر کنیم. (۱۷) و چه بسیار نسلها را که ما پس از نوح به هلاکت رساندیم، و پروردگار تو به گناهان بندگانش بس آگاه و بیناست. (۱۸) هر کس خواهان [دنای] زودگذر است، به زودی هر که را خواهیم [نصیبی] از آن می‌دهیم، آنگاه جهنم را که در آن خوار و رانده داخل خواهد شد، برای او مقرر می‌داریم. (۱۹) و هر کس خواهان آخرت است و نهایت کوشش را برای آن بکند و مؤمن باشد، آنانند که تلاش آنها مورد حق‌شناسی واقع خواهد شد. (۲۰) هر دو [دسته]: اینان و آنان را از عطای پروردگارت مدد می‌بخشیم، و عطای پروردگارت [از کسی] منع نشده است. (۲۱) بین چگونه بعضی از آنان را بر بعضی دیگر برتری داده‌ایم، و قطعاً درجات آخرت و برتری آن بزرگتر و بیشتر است. (۲۲) معبود دیگری با خدا قرار مده تا نکوهیده و وامانده بنشیند. (۲۳) و پروردگار تو مقرر کرد که جز او را پرستید و به پدر و مادر [خود] احسان کنید. اگر یکی از آن دو یا هر دو، در کنار تو به سالخوردگی رسیدند به آنها [حتی] «اوف» مگو و به آنان پرخاش مکن و با آنها سخنی شایسته بگوی. (۲۴) و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و بگو: «پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنانکه مرا در خردی پروردند.» (۲۵) پروردگار شما به آنچه در دل‌های خود دارید آگاه‌تر است. اگر شایسته باشید، قطعاً او آمرزنده توبه‌کنندگان است. (۲۶) و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه‌مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن. (۲۷) چرا که اسرافکاران برادران شیطان‌نمایند، و شیطان همواره نسبت به پروردگارش ناسپاس بوده است. (۲۸) و اگر به امید رحمتی که از پروردگارت جویای آنی، از ایشان روی می‌گردانی، پس با آنان سخنی نرم بگوی. (۲۹) و دستت را به گردنت زنجیر مکن و بسیار [هم] گشاده‌دستی منما تا ملامت‌شده و حسرت‌زده بر جای مانی. (۳۰) بی‌گمان، پروردگار تو برای هر که بخواید، روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. در حقیقت، او به [حال] بندگانش آگاه بیناست. (۳۱) و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است. (۳۲) و به زنا نزدیک مشوید، چرا

که آن همواره زشت و بد راهی است. (۳۳) و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید، و هر کس مظلوم کشته شود، به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم، پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند، زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است. (۳۴) و به مال یتیم - جز به بهترین وجه - نزدیک مشوید تا به رشد برسد، و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد. (۳۵) و چون پیمانه می‌کنید، پیمانه را تمام دهید، و با ترازوی درست بسنجید که این بهتر و خوش فرجام‌تر است. (۳۶) و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن، زیرا گوش و چشم و قلب، همه مورد پرسش واقع خواهند شد. (۳۷) و در [روی] زمین به نخوت گام برمدار، چرا که هرگز زمین را نمی‌توانی شکافت، و در بلندی به کوهها نمی‌توانی رسید. (۳۸) همه این [کارها] بدش نزد پروردگار تو ناپسندیده است. (۳۹) این [سفارشها] از حکمت‌هایی است که پروردگارت به تو وحی کرده است، و با خدای یگانه معبودی دیگر قرار مده، و گرنه حسرت‌زده و مطرود در جهنم افکنده خواهی شد. (۴۰) آیا [پنداشتید که] پروردگارتان شما را به [داشتن] پسران اختصاص داده، و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟ حقا که شما سخنی بس بزرگ می‌گویید. (۴۱) و به راستی، ما در این قرآن [حقایق را] گونه‌گون بیان کردیم، تا پسند گیرند؛ و [لی] آنان را جز نفرت نمی‌افزاید. (۴۲) بگو: «اگر - چنانکه می‌گویند - با او خدایانی [دیگر] بود، در آن صورت حتماً در صدد جستن راهی به سوی [خداوند]، صاحب عرش، برمی‌آمدند.» (۴۳) او [پاک و] منزّه است و از آنچه می‌گویند بسی والاتر است. (۴۴) آسمانهای هفتگانه و زمین و هر کس که در آنهاست او را تسبیح می‌گویند، و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش، تسبیح او می‌گوید، ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید. به راستی که او همواره بردبار [و] [آمرزنده] است. (۴۵) و چون قرآن بخوانی، میان تو و کسانی که به آخرت ایمان ندارند پرده‌ای پوشیده قرار می‌دهیم. (۴۶) و بر دل‌هایشان پوششها می‌نهم تا آن را نفهمند و در گوش‌هایشان سنگینی [قرار می‌دهیم] و چون در قرآن پروردگار خود را به یگانگی یاد کنی با نفرت پشت می‌کنند. (۴۷) هنگامی که به سوی تو گوش فرا می‌دارند ما بهتر می‌دانیم به چه [منظور] گوش می‌دهند، و [نیز] آنگاه که به نجوا می‌پردازند؛ وقتی که ستمگران گویند: «جز مردی افسون‌شده را پیروی نمی‌کنید.» (۴۸) ببین چگونه برای تو مثلاً زدند و گمراه شدند، در نتیجه راه به جایی نمی‌توانند ببرند. (۴۹) و گفتند: «آیا وقتی استخوان و خاک شدیم [باز] به آفرینشی جدید برانگیخته می‌شویم؟» (۵۰) بگو: «سنگ باشید یا آهن، (۵۱) یا آفریده‌ای از آنچه در خاطر شما بزرگ می‌نماید [باز هم برانگیخته خواهید شد].» پس خواهند گفت: «چه کسی ما را بازمی‌گرداند؟» بگو: «همان کس که نخستین بار شما را پدید آورد.» [باز] سرهای خود را به طرف تو تکان می‌دهند و می‌گویند: «آن کی خواهد بود؟» بگو: «شاید که نزدیک باشد.» (۵۲) روزی که شما را فرا می‌خواند، پس در حالی که او را ستایش می‌کنید اجابتش می‌نمایید و می‌پندارید که جز اندکی [در دنیا] نمانده‌اید. (۵۳) و به بندگانم بگو: «آنچه را که بهتر است بگویند»، که شیطان میانشان را به هم می‌زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی آشکار است. (۵۴) پروردگار شما به [حال] شما داناتر است؛ اگر بخواهد بر شما رحمت می‌آورد، یا اگر بخواهد شما را عذاب می‌کند، و تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم. (۵۵) و پروردگار تو به هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است داناتر است. و در حقیقت، بعضی از انبیا را بر بعضی برتری بخشیدیم و به داوود زبور دادیم. (۵۶) بگو: «کسانی را که به جای او [معبود خود] پنداشتید، بخوانید. [آنها] نه اختیاری دارند که از شما دفع زیان کنند و نه [آنکه بلایی را از شما] بگردانند. (۵۷) آن کسانی را که ایشان می‌خوانند [خود] به سوی پروردگارشان تقرب می‌جویند [تا بدانند] کدام یک از آنها [به او] نزدیک‌ترند، و به رحمت وی امیدوارند، و از عذابش می‌ترسند، چرا که عذاب پروردگارت همواره در خور پرهیز است. (۵۸) و هیچ شهری نیست مگر اینکه ما آن را [در صورت نافرمانی]، پیش از روز رستاخیز، به هلاکت می‌رسانیم یا آن را سخت عذاب می‌کنیم. این [عقوبت] در کتاب [الهی] به قلم رفته است. (۵۹) و [چیزی] ما را از فرستادن معجزات باز نداشت جز اینکه پیشینیان، آنها را به دروغ گرفتند، و به نمود ماده‌شتر دادیم که [پدیده‌ای] روشنگر بود، و [لی] به آن ستم کردند، و ما معجزه‌ها را جز برای بیم‌دادن [مردم] نمی‌فرستیم. (۶۰) و [یاد کن] هنگامی را که به تو گفتیم: «به راستی پروردگارت بر مردم احاطه دارد.» و آن رؤیایی را که به تو نمایانندیم، و [نیز] آن درخت لعنت شده در

قرآن را جز برای آزمایش مردم قرار ندادیم؛ و ما آنان را بیم می‌دهیم، ولی جز بر طغیان بیشتر آنها نمی‌افزاید. (۶۱) و هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید» پس [همه] جز ابلیس سجده کردند. گفت: «آیا برای کسی که از گل آفریدی سجده کنم؟» (۶۲) [سپس] گفت: «به من بگو: این کسی را که بر من برتری دادی [برای چه بود]؟ اگر تا روز قیامت مهلتم دهی قطعاً فرزندانم را - جز اندکی [از آنها] - ریشه کن خواهم کرد.» (۶۳) فرمود: «برو که هر کس از آنان تو را پیروی کند مسلماً جهنم سزایتان خواهد بود که کیفری تمام است. (۶۴) و از ایشان هر که را توانستی با آوای خود تحریک کن و با سواران و پیادگان بر آنها بتاز و با آنان در اموال و اولاد شرکت کن و به ایشان وعده بده»، و شیطان جز فریب به آنها وعده نمی‌دهد. (۶۵) «در حقیقت، تو را بر بندگان من تسلطی نیست، و حمایتگری [چون] پروردگارت بس است.» (۶۶) پروردگار شما کسی است که کشتی را در دریا برای شما به حرکت در می‌آورد، تا از فضل او برای خود بجویید، چرا که او همواره به شما مهربان است. (۶۷) و چون در دریا به شما صدمه‌ای برسد، هر که را جز او می‌خوانید ناپدید [و فراموش] می‌گردد، و چون [خدا] شما را به سوی خشکی رهناید، رویگردان می‌شوید، و انسان همواره ناسپاس است. (۶۸) مگر ایمن شدید از اینکه شما را در کنار خشکی در زمین فرو برد یا بر شما طوفانی از سنگریزه‌ها بفرستد، سپس برای خود نگاهبانی نیابید. (۶۹) یا [مگر] ایمن شدید از اینکه بار دیگر شما را در آن [دریا] باز گرداند و تندبادی شکننده بر شما بفرستد و به سزای آنکه کفر ورزیدید غرقتان کند؛ آنگاه برای خود در برابر ما کسی را نیابید که آن را دنبال کند؟ (۷۰) و به راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [بر مهربانی] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. (۷۱) [یاد کن] روزی را که هر گروهی را با پیشوایشان فرا می‌خوانیم. پس هر کس کارنامه‌اش را به دست راستش دهند، آنان کارنامه خود را می‌خوانند و به قدر نخک هسته خرمایی به آنها ستم نمی‌شود. (۷۲) و هر که در این [دنیا] کور [دل] باشد در آخرت [هم] کور [دل] و گمراهتر خواهد بود. (۷۳) و چیزی نمانده بود که تو را از آنچه به سوی تو وحی کرده‌ایم گمراه کنند تا غیر از آن را بر ما ببندی و در آن صورت تو را به دوستی خود بگیرند. (۷۴) و اگر تو را استوار نمی‌داشتیم، قطعاً نزدیک بود کمی به سوی آنان متمایل شوی. (۷۵) در آن صورت، حتماً تو را دو برابر [در] زندگی و دو برابر [پس از] مرگ [عذاب] می‌چشانیدیم، آنگاه در برابر ما برای خود یاوری نمی‌یافتی. (۷۶) و چیزی نمانده بود که تو را از این سرزمین بزرگند، تا تو را از آنجا بیرون سازند، و در آن صورت آنان [هم] پس از تو جز [زمان] اندکی نمی‌ماندند؛ (۷۷) سستی که همواره در میان [امتهای] فرستادگانی که پیش از تو گسیل داشته‌ایم [جاری] بوده است، و برای سنت [و قانون] ما تغییری نخواهی یافت. (۷۸) نماز را از زوال آفتاب تا نهایت تاریکی شب برپادار، و [نیز] نماز صبح را، زیرا نماز صبح همواره [مقرون با] حضور [فرشتگان] است. (۷۹) و پاسی از شب را زنده بدار، تا برای تو [به منزله] نافله‌ای باشد، امید که پروردگارت تو را به مقامی ستوده برساند. (۸۰) و بگو: «پروردگارا، مرا [در هر کاری] به طرز درست داخل کن و به طرز درست خارج ساز، و از جانب خود برای من تسلطی یاری بخش قرار ده.» (۸۱) و بگو: «حق آمد و باطل نابود شد. آری، باطل همواره نابودشدنی است.» (۸۲) و ما آنچه را برای مؤمنان مایه درمان و رحمت است از قرآن نازل می‌کنیم، و [لی] ستمگران را جز زیان نمی‌افزاید. (۸۳) و چون به انسان نعمت ارزانی داریم، روی می‌گرداند و پهلو تهی می‌کند، و چون آسیبی به وی رسد نومید می‌گردد. (۸۴) بگو: «هر کس بر حسب ساختار [روانی و بدنی] خود عمل می‌کند، و پروردگار شما به هر که راه یافته‌تر باشد داناتر است.» (۸۵) و در باره روح از تو می‌پرسند، بگو: «روح از [سنخ] فرمان پروردگار من است، و به شما از دانش جز اندکی داده نشده است.» (۸۶) و اگر بخواهیم، قطعاً آنچه را به تو وحی کرده‌ایم می‌بریم، آنگاه برای [حفظ] آن، در برابر ما، برای خود مدافعی نمی‌یابی، مگر رحمتی از جانب پروردگارت [به تو برسد]؛ زیرا فضل او بر تو همواره بسیار است. (۸۸) بگو: «اگر انس و جن گرد آیند تا نظیر این قرآن را بیاورند، مانند آن را نخواهند آورد، هر چند برخی از آنها پشتیبان برخی [دیگر] باشند.» (۸۹) و به راستی در این قرآن از هر گونه مثلی، گوناگون آوردیم، ولی بیشتر مردم جز سرانکار ندارند. (۹۰) و گفتند: «تا از زمین چشمه‌ای

برای ما نجوشانی، هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد. (۹۱) یا [باید] برای تو باغی از درختان خرما و انگور باشد و آشکارا از میان آنها جویبارها روان سازی، (۹۲) یا چنانکه ادعا می‌کنی، آسمان را پاره پاره بر [سر] ما فرو اندازی، یا خدا و فرشتگان را در برابر [ما حاضر] آوری، (۹۳) یا برای تو خانه‌ای از طلا [کاری] باشد، یا به آسمان بالا روی، و به بالا رفتن تو [هم] اطمینان نخواهیم داشت، تا بر ما کتابی نازل کنی که آن را بخوانیم. «بگو:» پاک است پروردگار من، آیا [من] جز بشری فرستاده هستم؟ (۹۴) و [چیزی] مردم را از ایمان آوردن باز نداشت، آنگاه که هدایت برایشان آمد، جز اینکه گفتند: «آیا خدا بشری را به ستمت رسول مبعوث کرده است؟» (۹۵) بگو: «اگر در روی زمین فرشتگانی بودند که با اطمینان راه می‌رفتند، البته بر آنان [نیز] فرشته‌ای را بعنوان پیامبر از آسمان نازل می‌کردیم.» (۹۶) بگو: «میان من و شما، گواه بودن خدا کافی است، چرا که او همواره به [حال] بندگانش آگاه بینا است.» (۹۷) و هر که را خدا هدایت کند او رهیافته است، و هر که را گمراه سازد، در برابر او برای آنان هرگز دوستانی نیایی، و روز قیامت آنها را کور و لال و کر، به روی چهره‌شان درافتاده، برخواهیم انگیخت: جایگاهشان دوزخ است. هر بار که آتش آن فرو نشیند، شراره‌ای [تازه] برایشان می‌افزاییم. (۹۸) جزای آنها این است، چرا که آیات ما را انکار کردند و گفتند: «آیا وقتی ما استخوان و خاک شدیم [باز] در آفرینشی جدید برانگیخته خواهیم شد؟» (۹۹) آیا ندانستند که خدایی که آسمانها و زمین را آفریده، تواناست که مانند آنان را بیافریند و [همان خداست که] برایشان زمانی مقرر فرموده که در آن هیچ شکی نیست؟ و [لی] ستمگران جز انکار [چیزی را] نپذیرفتند. (۱۰۰) بگو: «اگر شما مالک گنجینه‌های رحمت پروردگارم بودید، باز هم از بیم خرج کردن قطعاً امساک می‌ورزیدید، و انسان همواره بخیل است.» (۱۰۱) و در حقیقت، ما به موسی نه نشانه آشکار دادیم. - پس، از فرزندان اسرائیل پرس- آنگاه که نزد آنان آمد، و فرعون به او گفت: «ای موسی، من جداً تو را افسون شده می‌پندارم.» (۱۰۲) گفت: «قطعاً می‌دانی که این [نشانه‌ها] را که باعث بینشهاست، جز پروردگار آسمانها و زمین نازل نکرده است، و راستی ای فرعون، تو را تباه شده می‌پندارم.» (۱۰۳) پس [فرعون] تصمیم گرفت که آنان را از سرزمین [مصر] برکند، پس او و هر که را با وی بود همه را غرق کردیم. (۱۰۴) و پس از او به فرزندان اسرائیل گفتیم: «در این سرزمین ساکن شوید، پس چون وعده آخرت فرا رسد شما را همه با هم محشور می‌کنیم.» (۱۰۵) و آن [قرآن] را به حق فرود آوردیم و به حق فرود آمد، و تو را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان نفرستادیم. (۱۰۶) و قرآنی [با عظمت را] بخش بخش [بر تو] نازل کردیم تا آن را به آرامی به مردم بخوانی، و آن را به تدریج نازل کردیم. (۱۰۷) بگو: «[چه] به آن ایمان بیاورید یا نیاورید، بی‌گمان کسانی که پیش از [نزول] آن دانش یافته‌اند، چون [این کتاب] بر آنان خوانده شود سجده‌کنان به روی درمی‌افتند.» (۱۰۸) و می‌گویند: «منزه است پروردگار ما، که وعده پروردگار ما قطعاً انجام‌شدنی است.» (۱۰۹) و بر روی زمین می‌افتند و می‌گیرند و بر فروتنی آنها می‌افزاید. (۱۱۰) بگو: «خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید، برای او نامهای نیکوتر است.» و نمازت را به آواز بلند مخوان و بسیار آهسته‌اش مکن، و میان این [و آن] راهی [میانه] جوی. (۱۱۱) و بگو: «ستایش خدایی را که نه فرزندی گرفته و نه در جهانداري شریکی دارد و نه خوار بوده که [نیاز به] دوستی داشته باشد.» و او را بسیار بزرگ شمار. (۱۱۲)

الکھف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ستایش خدایی را که این کتاب [آسمانی] را بر بنده خود فرو فرستاد و هیچ گونه کژی در آن نهاد، (۲) [کتابی] راست و درست، تا [گناهکاران را] از جانب خود به عذابی سخت بیم دهد، و مؤمنانی را که کارهای شایسته می‌کنند نوید بخشد که برای آنان پاداشی نیکوست. (۳) در حالی که جاودانه در آن [بهشت] ماندگار خواهند بود. (۴) و تا کسانی را که گفته‌اند: خداوند فرزندی گرفته است، هشدار دهد. (۵) نه آنان و نه پدرانشان به این [ادعا] دانشی ندارند. بزرگ سخنی است که از دهانشان برمی‌آید. [آنان] جز دروغ نمی‌گویند. (۶) شاید، اگر به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از اندوه، در پیگیری

[کار]شان تباہ کنی. (۷) در حقیقت، ما آنچه را که بر زمین است، زیوری برای آن قرار دادیم، تا آنان را بیازماییم که کدام یک از ایشان نیکوکارترند. (۸) و ما آنچه را که بر آن است، قطعاً بیابانی بی گیاه خواهیم کرد. (۹) مگر پنداشتی اصحاب کهف و رقیم [=خفتگان غار لوحه دار] از آیات ما شگفت بوده است؟ (۱۰) آنگاه که جوانان به سوی غار پناه جستند و گفتند: «پروردگار ما! از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان.» (۱۱) پس در آن غار، سالیانی چند بر گوشه‌هایشان پرده زدیم. (۱۲) آنگاه آنان را بیدار کردیم، تا بدانیم کدام یک از آن دو دسته، مدت درنگشان را بهتر حساب کرده‌اند. (۱۳) ما خبرشان را بر تو درست حکایت می‌کنیم: آنان جوانانی بودند که به پروردگارشان ایمان آورده بودند و بر هدایتشان افزودیم. (۱۴) و دل‌هایشان را استوار گردانیدیم آنگاه که [به قصد مخالفت با شرک] برخاستند و گفتند: «پروردگار ما پروردگار آسمانها و زمین است. جز او هرگز معبودی را نخواهیم خواند، که در این صورت قطعاً ناصواب گفته‌ایم.» (۱۵) این قوم ما جز او معبودانی اختیار کرده‌اند. چرا بر [حقیقت] آنها برهانی آشکار نمی‌آورند؟ پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد؟ (۱۶) و چون از آنها و از آنچه که جز خدا می‌پرستند کناره گرفتید، پس به غار پناه جوید، تا پروردگارتان از رحمت خود بر شما بگستراند و برای شما در کارت‌ان گشایشی فراهم سازد. (۱۷) و آفتاب را می‌بینی که چون برمی‌آید، از غارشان به سمت راست مایل است، و چون فرو می‌شود از سمت چپ دامن برمی‌چیند، در حالی که آنان در جایی فراخ از آن [غار قرار گرفته]‌اند. این از نشانه‌های [قدرت] خداست. خدا هر که را راهنمایی کند او راه یافته است، و هر که را بی‌راه گذارد، هرگز برای او یاری راهبر نخواهی یافت. (۱۸) و می‌پنداری که ایشان بیدارند، در حالی که خفته‌اند و آنها را به پهلوی راست و چپ می‌گردانیم، و سگشان بر آستانه [غار] دو دست خود را دراز کرده [بود]. اگر بر حال آنان اطلاع می‌یافتی، گریزان روی از آنها برمی‌تافتی و از [مشاهده] آنها آکنده از بیم می‌شدی. (۱۹) و این چنین بیدارشان کردیم، تا میان خود از یکدیگر پرسش کنند. گوینده‌ای از آنان گفت: «چقدر مانده‌اید؟» گفتند: «روزی یا پاره‌ای از روز را مانده‌ایم.» [سرانجام] گفتند: «پروردگارتان به آنچه مانده‌اید دانایانتر است، اینک یکی از خودتان را با این پول خود به شهر بفرستید، تا ببیند کدام یک از غذاهای آن پاکیزه‌تر است و از آن، غذایی برایتان بیاورد، و باید زیرکی به خرج دهد و هیچ کس را از [حال] شما آگاه نگرداند. (۲۰) چرا که اگر آنان بر شما دست یابند، سنگسارتان می‌کنند یا شما را به کیش خود بازمی‌گردانند، و در آن صورت هرگز روی رستگاری نخواهید دید. (۲۱) و بدین گونه [مردم آن دیار را] بر حالشان آگاه ساختیم تا بدانند که وعده خدا راست است و [در فرا رسیدن] قیامت هیچ شکی نیست، هنگامی که میان خود در کارشان با یکدیگر نزاع می‌کردند، پس [عده‌ای] گفتند: «بر روی آنها ساختمانی بنا کنید، پروردگارشان به [حال] آنان دانایانتر است.» [سرانجام] کسانی که بر کارشان غلبه یافتند گفتند: «حتماً بر ایشان معبدی بنا خواهیم کرد.» (۲۲) به زودی خواهند گفت: «سه تن بودند [و] چهارمین آنها سگشان بود.» و می‌گویند: «پنج تن بودند [و] ششمین آنها سگشان بود.» تیر در تاریکی می‌اندازند. و [عده‌ای] می‌گویند: «هفت تن بودند و هشتمین آنها سگشان بود.» بگو: «پروردگارم به شماره آنها آگاه‌تر است، جز اندکی [کسی شماره] آنها را نمی‌داند.» پس در باره ایشان جز به صورت ظاهر جدال مکن و در مورد آنها از هیچ کس جويا مشو. (۲۳) و زنه‌ار در مورد چیزی مگوی که من آن را فردا انجام خواهم داد. (۲۴) مگر آنکه خدا بخواهد، و چون فراموش کردی پروردگارت را یاد کن و بگو: «امید که پروردگارم مرا به راهی که نزدیکتر از این به صواب است، هدایت کند.» (۲۵) و سیصد سال در غارشان درنگ کردند و نه سال [نیز بر آن] افزودند. (۲۶) بگو: «خدا به آنچه درنگ کردند دانایانتر است. نهان آسمانها و زمین به او اختصاص دارد. وه! چه بی‌باک و شنواست. برای آنان یآوری جز او نیست و هیچ کس را در فرمانروایی خود شریک نمی‌گیرد.» (۲۷) و آنچه را که از کتاب پروردگارت به تو وحی شده است بخوان. کلمات او را تغییردهنده‌ای نیست، و جز او هرگز پناهی نخواهی یافت. (۲۸) و با کسانی که پروردگارشان را صبح و شام می‌خوانند [و] خشنودی او را می‌خواهند، شکیبایی پیشه کن، و دو دیده‌ات را از آنان برمگیر که زیور زندگی دنیا را بخواهی، و از آن کس که قلبش را از یاد خود غافل ساخته‌ایم و از هوس خود پیروی کرده و [اساس] کارش بر

زیاده‌روی است، اطاعت مکن. (۲۹) و بگو: «حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم که سرپرده‌هایش آنان را در بر می‌گیرد، و اگر فریادرسی جویند، به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند. وه! چه بد شرابی و چه زشت جایگاهی است.» (۳۰) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدانند که] ما پاداش کسی را که نیکوکاری کرده است تباه نمی‌کنیم. (۳۱) آنانند که بهشت‌های عدن به ایشان اختصاص دارد که از زیر [قصرها] شان جویبارها روان است. در آنجا با دستبندهایی از طلا آراسته می‌شوند و جامه‌هایی سبز از پرنیان نازک و حریر سبتر می‌پوشند. در آنجا بر سریرها تکیه می‌زنند. چه خوش پاداش و نیکو تکیه‌گاهی! (۳۲) و برای آنان، آن دو مرد را مثل بز که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو [باغ] را با درختان خرما پوشانیدیم، و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم. (۳۳) هر یک از این دو باغ محصول خود را [به موقع] می‌داد و از [صاحبش] چیزی دریغ نمی‌ورزید، و میان آن دو [باغ] نه‌ری روان کرده بودیم. (۳۴) و برای او میوه فراوان بود. پس به رفیقش - در حالی که با او گفت و گو می‌کرد - گفت: «مال من از تو بیشتر است و از حیث افراد از تو نیرومندترم.» (۳۵) و در حالی که او به خویشتن ستمکار بود، داخل باغ شد [و] گفت: «گمان نمی‌کنم این نعمت هرگز زوال پذیرد.» (۳۶) و گمان نمی‌کنم که رستخیز بر پا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم بازگردانده شوم قطعاً بهتر از این را در بازگشت، خواهم یافت. (۳۷) رفیقش - در حالی که با او گفت و گو می‌کرد - به او گفت: «آیا به آن کسی که تو را از خاک، سپس از نطفه آفرید، آنگاه تو را [به صورت] مردی درآورد، کافر شدی؟» (۳۸) اما من [می‌گویم]: اوست خدا، پروردگار من، و هیچ کس را با پروردگارم شریک نمی‌سازم. (۳۹) و چون داخل باغت شدی، چرا نگفتی: ماشاء الله، نیرویی جز به [قدرت] خدا نیست. اگر مرا از حیث مال و فرزند کمتر از خود می‌بینی، (۴۰) امید است که پروردگارم بهتر از باغ تو به من عطا فرماید، و بر آن [باغ تو] آفتی از آسمان بفرستد، تا به زمینی هموار و لغزنده تبدیل گردد؛ (۴۱) یا آب آن [در زمین] فروکش کند تا هرگز نتوانی آن را به دست آوری.» (۴۲) [تا به او رسید آنچه را باید برسد] و [آفت آسمانی] میوه‌هایش را فرو گرفت. پس برای [از کف دادن] آنچه در آن [باغ] هزینه کرده بود، دستهایش را بر هم می‌زد در حالی که داربستهای آن فرو ریخته بود. و [به حسرت] می‌گفت: «ای کاش هیچ کس را شریک پروردگارم نمی‌ساختم.» (۴۳) و او را در برابر خدا گروهی نبود، تا یاریش کنند، و توانی نداشت که خود را یاری کند. (۴۴) در آنجا [آشکار شد که] یاری به خدای حق تعلق دارد. اوست بهترین پاداش و [اوست] بهترین فرجام. (۴۵) و برای آنان زندگی دنیا را مثل بز که مانند آبی است که آن را از آسمان فرو فرستادیم؛ سپس گیاه زمین با آن درآمیخت و [چنان] خشک گردید که بادها پراکنده‌اش کردند، و خداست که همواره بر هر چیزی تواناست. (۴۶) مال و پسران زیور زندگی دنیایند، و نیکیهای ماندگار از نظر پاداش نزد پروردگارت بهتر و از نظر امید [نیز] بهتر است. (۴۷) و [یاد کن] روزی را که کوهها را به حرکت درمی‌آوریم، و زمین را آشکار [و صاف] می‌بینی، و آنان را گرد می‌آوریم و هیچ یک را فرو گذار نمی‌کنیم. (۴۸) و ایشان به صف بر پروردگارت عرضه می‌شوند [و به آنها می‌فرماید]: به راستی همان گونه که نخستین بار شما را آفریدیم [باز] به سوی ما آمدید، بلکه پنداشتید هرگز برای شما موعدی مقرر قرار نخواهیم داد. (۴۹) و کارنامه [عمل شما در میان] نهاده می‌شود، آنگاه بزهکاران را از آنچه در آن است بیمناک می‌بینی، و می‌گویند: «ای وای بر ما، این چه نامه‌ای است که هیچ [کار] کوچک و بزرگی را فرو نگذاشته، جز اینکه همه را به حساب آورده است.» و آنچه را انجام داده‌اند حاضر یابند، و پروردگار تو به هیچ کس ستم روا نمی‌دارد. (۵۰) و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «آدم را سجده کنید،» پس [همه] - جز ابلیس - سجده کردند، که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سرپیچید. آیا [با این حال]، او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید، و حال آنکه آنها دشمن شمایند؟ و چه بد جانشینانی برای ستمگرانند. (۵۱) [من] آنان را نه در آفرینش آسمانها و زمین به شهادت طلبیدم و نه در آفرینش خودشان. و من آن نیستم که گمراهگران را همکار خود بگیرم. (۵۲) و [یاد کن] روزی را که [خدا] می‌گوید: «آنهايي را که شریکان من پنداشتید، ندا دهید»، پس آنها را بخوانند و [لی] اجابتشان نکنند،

و ما میان آنان ورطه‌ای قرار دهیم. (۵۳) و گناهکاران آتش [دوزخ] را می‌بینند و درمی‌یابند که در آن خواهند افتاد، و از آن راه گریزی نیابند. (۵۴) و به راستی در این قرآن، برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و [لی] انسان بیش از هر چیز سرِ جدال دارد. (۵۵) چیزی مانع مردم نشد از اینکه وقتی هدایت به سویشان آمد ایمان بیاورند، و از پروردگارشان آموزش بخواهند، جز اینکه [مستحق شوند] تا سنت [خدا در مورد عذاب] پیشینیان، در باره آنان [نیز] به کار رود، یا عذاب رویارویشان بیاید. (۵۶) و پیامبران [خود] را جز بشارت‌دهنده و بیم‌رسان گسیل نمی‌داریم، و کسانی که کافر شده‌اند، به باطل مجادله می‌کنند تا به وسیله آن، حق را پایمال گردانند، و نشانه‌های من و آنچه را [بدان] بیم داده شده‌اند به ریشخند گرفتند. (۵۷) و کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شده، و از آن روی برتافته، و دستاورد پیشینه خود را فراموش کرده است؟ ما بر دل‌های آنان پوششهایی قرار دادیم تا آن را درنیابند و در گوشه‌هایشان سنگینی [نهادیم]. و اگر آنها را به سوی هدایت فراخوانی باز هرگز به راه نخواهند آمد. (۵۸) و پروردگار تو آمرزنده [و] صاحب رحمت است. اگر به [جرم] آنچه مرتکب شده‌اند، آنها را مؤاخذه می‌کرد، قطعاً در عذاب آنان تعجیل می‌نمود [ولی چنین نمی‌کند] بلکه برای آنها سر رسیدی است که هرگز از برابر آن راه گریزی نمی‌یابند. (۵۹) و [مردم] آن شهرها چون بیدادگری کردند، هلاکشان کردیم، و برای هلاکتشان موعدی مقرر داشتیم. (۶۰) و [یاد کن] هنگامی را که موسی به جوان [همراه] خود گفت: «دست بردار نیستم تا به محل برخورد دو دریا برسم، هر چند سالها [ی سال] سیر کنم.» (۶۱) پس چون به محل برخورد دو [دریا] رسیدند، ماهی خودشان را فراموش کردند، و ماهی در دریا راه خود را در پیش گرفت [و رفت]. (۶۲) و هنگامی که [از آنجا] گذشتند [موسی] به جوان خود گفت: «غذایمان را بیاور که راستی ما از این سفر رنج بسیار دیدیم.» (۶۳) گفت: «دیدی؟ وقتی به سوی آن صخره پناه جستیم، من ماهی را فراموش کردم، و جز شیطان، [کسی] آن را از یاد من نبرد، تا به یادش باشم، و به طور عجیبی راه خود را در دریا پیش گرفت.» (۶۴) گفت: «این همان بود که ما می‌جستیم.» پس جستجوکنان رد پای خود را گرفتند و برگشتند. (۶۵) تا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود بدو دانشی آموخته بودیم. (۶۶) موسی به او گفت: «آیا تو را - به شرط اینکه از بینشی که آموخته شده‌ای به من یاد دهی - پیروی کنم؟» (۶۷) گفت: «تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی.» (۶۸) و چگونه می‌توانی بر چیزی که به شناخت آن احاطه نداری صبر کنی؟» (۶۹) گفت: «ان شاء الله مرا شکبیا خواهی یافت و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد.» (۷۰) گفت: «اگر مرا پیروی می‌کنی، پس از چیزی سؤال مکن، تا [خود] از آن با تو سخن آغاز کنم.» (۷۱) پس رهسپار گردیدند، تا وقتی که سوار کشتی شدند، [وی] آن را سوراخ کرد. [موسی] گفت: «آیا کشتی را سوراخ کردی تا سرنشینانش را غرق کنی؟ واقعاً به کار ناروایی مبادرت ورزیدی.» (۷۲) گفت: «آیا نگفتم که تو هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی؟» (۷۳) [موسی] گفت: «به سبب آنچه فراموش کردم، مرا مؤاخذه مکن و در کارم بر من سخت مگیر.» (۷۴) پس رفتند تا به نوجوانی برخوردند. [بنده ما] او را کشت. [موسی به او] گفت: «آیا شخص بی‌گناهی را بدون اینکه کسی را به قتل رسانده باشد کشتی؟ واقعاً کار ناپسندی مرتکب شدی.» (۷۵) گفت: «آیا به تو نگفتم که هرگز نمی‌توانی همپای من صبر کنی؟» (۷۶) [موسی] گفت: «اگر از این پس چیزی از تو پرسیدم، دیگر با من همراهی مکن [و] از جانب من قطعاً معذور خواهی بود.» (۷۷) پس رفتند تا به اهل قریه‌ای رسیدند. از مردم آنجا خوراکی خواستند، و [لی آنها] از مهمان نمودن آن دو خودداری کردند. پس در آنجا دیواری یافتند که می‌خواست فرو ریزد، و [بنده ما] آن را استوار کرد. [موسی] گفت: «اگر می‌خواستی [می‌توانستی] برای آن مزدی بگیری.» (۷۸) گفت: «این [بار، دیگر وقت] جدایی میان من و توست. به زودی تو را از تأویل آنچه که نتوانستی بر آن صبر کنی آگاه خواهم ساخت.» (۷۹) اما کشتی، از آن بینوایانی بود که در دریا کار می‌کردند، خواستم آن را معیوب کنم، [چرا که] پیشاپیش آنان پادشاهی بود که هر کشتی [درستی] را به زور می‌گرفت. (۸۰) و اما نوجوان، پدر و مادرش [هر دو] مؤمن بودند، پس ترسیدیم [مبادا] آن دو را به طغیان و کفر بکشند. (۸۱) پس خواستیم که پروردگارشان آن دو را به پاکتر و مهربانتر از او عوض دهد. (۸۲) و اما دیوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود،

و زیر آن، گنجی متعلق به آن دو بود، و پدرشان [مردی] نیکوکار بود، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حد رشد برسند و گنجینه خود را - که رحمتی از جانب پروردگارت بود - بیرون آورند. و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی. (۸۳) و از تو در باره «ذوالقرنین» می پرسند. بگو: «به زودی چیزی از او برای شما خواهم خواند.» (۸۴) ما در زمین به او امکاناتی دادیم و از هر چیزی وسیله‌ای بدو بخشیدیم. (۸۵) تا راهی را دنبال کرد. (۸۶) تا آنگاه که به غروبگاه خورشید رسید، به نظرش آمد که [خورشید] در چشمه‌ای گل آلود و سیاه غروب می کند، و نزدیک آن طایفه‌ای را یافت. فرمودیم: «ای ذوالقرنین، [اختیار با توست] یا عذاب می کنی یا در میانشان [روش] نیکویی پیش می گیری.» (۸۷) گفت: «اما هر که ستم ورزد عذابش خواهیم کرد، سپس به سوی پروردگارش بازگردانیده می شود، آنگاه او را عذابی سخت خواهد کرد.» (۸۸) و اما هر که ایمان آورد و کار شایسته کند، پاداشی [هر چه] نیکوتر خواهد داشت، و به فرمان خود، او را به کاری آسان و خواهیم داشت. (۸۹) سپس راهی [دیگر] را دنبال کرد. (۹۰) تا آنگاه که به جایگاه برآمدن خورشید رسید. [خورشید] را [چنین] یافت که بر قومی طلوع می کرد که برای ایشان در برابر آن پوششی قرار نداده بودیم. (۹۱) این چنین [می رفت]، و قطعاً به خبری که پیش او بود احاطه داشتیم. (۹۲) باز راهی را دنبال نمود. (۹۳) تا وقتی به میان دو سد رسید، در برابر آن دو [سد]، طایفه‌ای را یافت که نمی توانستند هیچ زبانی را بفهمند. (۹۴) گفتند: «ای ذوالقرنین، یا جوج و مأجوج سخت در زمین فساد می کنند، آیا [ممکن است] مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی؟» (۹۵) گفت: «آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده، [از کمک مالی شما] بهتر است. مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم.» (۹۶) برای من قطعات آهن بیاورید، تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد، گفت: «بدمید» تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید، گفت: «مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم.» (۹۷) [در نتیجه، اقوام وحشی] نتوانستند از آن [مانع] بالا روند و نتوانستند آن را سوراخ کنند. (۹۸) گفت: «این رحمتی از جانب پروردگار من است، و [لی] چون وعده پروردگارم فرا رسد، آن [سد] را درهم کوبد، و وعده پروردگارم حق است.» (۹۹) و در آن روز آنان را رها می کنیم تا موج آسا بعضی با برخی در آمیزند و [همین که] در صور دمیده شود، همه آنها را گرد خواهیم آورد. (۱۰۰) و آن روز، جهنم را آشکارا به کافران بنماییم. (۱۰۱) [به] همان کسانی که چشمان [بصیرت]شان از یاد من در پرده بود، و توانایی شنیدن [حق] نداشتند. (۱۰۲) آیا کسانی که کفر ورزیده اند، پنداشته اند که [می توانند] به جای من، بندگانم را سرپرست بگیرند؟ ما جهنم را آماده کرده ایم تا جایگاه پذیرایی کافران باشد. (۱۰۳) بگو: «آیا شما را از زیانکارترین مردم آگاه گردانم؟» (۱۰۴) [آنان] کسانی اند که کوشششان در زندگی دنیا به هدر رفته و خود می پندارند که کار خوب انجام می دهند. (۱۰۵) [آری]، [آنان] کسانی اند که آیات پروردگارشان و لقای او را انکار کردند، در نتیجه اعمالشان تباه گردید، و روز قیامت برای آنها [قدر و] ارزشی نخواهیم نهاد. (۱۰۶) این جهنم سزای آنان است، چرا که کافر شدند و آیات من و پیامبرانم را به ریشخند گرفتند. (۱۰۷) بی گمان کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، باغهای فردوس جایگاه پذیرایی آنان است. (۱۰۸) جاودانه در آن خواهند بود، و از آنجا درخواست انتقال نمی کنند. (۱۰۹) بگو: «اگر دریا برای کلمات پروردگارم مرکب شود، پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان پذیرد، قطعاً دریا پایان می یابد، هر چند نظیرش را به مدد [آن] بیاوریم.» (۱۱۰) بگو: «من هم مثل شما بشری هستم و [لی] به من وحی می شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس هر کس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته بپردازد، و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.» (۱۱۱)

مریم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) کاف، ها، یا، عین، صاد. (۲) [این] یادی از رحمت پروردگار تو [در باره] بنده اش زکریاست. (۳) آنگاه که [زکریا] پروردگارش را آهسته ندا کرد. (۴) گفت: «پروردگارا، من استخوانم سست گردیده و [موی] سرم از

پیری سپید گشته، و -ای پروردگار من- هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام. (۵) و من پس از خویشتن از بستگانم بی‌مناکم و زخم نازاست، پس از جانب خود ولی [و جانشینی] به من ببخش، (۶) که از من ارث برد و از خاندان یعقوب [نیز] ارث برد، و او را -ای پروردگار من- پسندیده گردان. (۷) ای زکریا، ما تو را به پسری -که نامش یحیی است- مژده می‌دهیم، که قبلاً همنامی برای او قرار نداده‌ایم. (۸) گفت: «پروردگارا، چگونه مرا پسری خواهد بود و حال آنکه زخم نازاست و من از سالخوردگی ناتوان شده‌ام؟» (۹) [فرشته] گفت: «[فرمان] چنین است. پروردگار تو گفته که این [کار] بر من آسان است، و تو را در حالی که چیزی نبود قبلاً آفریده‌ام.» (۱۰) گفت: «پروردگارا، نشانه‌ای برای من قرار ده» فرمود: «نشانه تو این است که سه شبانه [روز] با اینکه سالمی با مردم سخن نمی‌گویی.» (۱۱) پس، از محراب بر قوم خویش درآمد و ایشان را آگاه گردانید که روز و شب به نیایش پردازید. (۱۲) ای یحیی، کتاب [خدا] را به جد و جهد بگیر، و از کودکی به او نبوت دادیم. (۱۳) و [نیز] از جانب خود، مهربانی و پاکی [به او دادیم] و تقوای پیشه بود. (۱۴) و با پدر و مادر خود نیک رفتار بود و زورگویی نافرمان نبود. (۱۵) و درود بر او، روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته می‌شود. (۱۶) و در این کتاب از مریم یاد کن، آنگاه که از کسان خود، در مکانی شرقی به کناری شتافت. (۱۷) و در برابر آنان پرده‌ای بر خود گرفت. پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد. (۱۸) [مریم] گفت: «اگر پرهیزگاری، من از تو به خدای رحمان پناه می‌برم.» (۱۹) گفت: «من فقط فرستاده پروردگار توام، برای اینکه به تو پسری پاکیزه ببخشم.» (۲۰) گفت: «چگونه مرا پسری باشد با آنکه دست بشری به من نرسیده و بدکار نبوده‌ام؟» (۲۱) گفت: «[فرمان] چنین است، پروردگار تو گفته که آن بر من آسان است، و تا او را نشانه‌ای برای مردم و رحمتی از جانب خویش قرار دهیم، و [این] دستوری قطعی بود.» (۲۲) پس [مریم] به او [عیسی] آبتن شد و با او به مکان دورافتاده‌ای پناه جست. (۲۳) تا درد زایمان، او را به سوی تنه درخت خرمایی کشانید. گفت: «ای کاش، پیش از این مرده بودم و یکسر فراموش شده بودم.» (۲۴) پس، از زیر [پای] او [فرشته] وی را ندا داد که: غم مدار، پروردگارت زیر [پای] تو چشمه آبی پدید آورده است. (۲۵) و تنه درخت خرما را به طرف خود [بگیر و] بتکان، بر تو خرماي تازه می‌ریزد. (۲۶) و بخور و بنوش و دیده روشن دار. پس اگر کسی از آدمیان را دیدی، بگویی: «من برای [خدای] رحمان روزه نذر کرده‌ام، و امروز مطلقاً با انسانی سخن نخواهم گفت.» (۲۷) پس [مریم] در حالی که او را در آغوش گرفته بود به نزد قومش آورد. گفتند: «ای مریم، به راستی کار بسیار ناپسندی مرتکب شده‌ای.» (۲۸) ای خواهر هارون، پدرت مرد بدی نبود و مادرت [نیز] بدکاره نبود. (۲۹) [مریم] به سوی [عیسی] اشاره کرد. گفتند: «چگونه با کسی که در گهواره [و] کودک است سخن بگوییم؟» (۳۰) [کودک] گفت: «منم بنده خدا، به من کتاب داده و مرا پیامبر قرار داده است، (۳۱) و هر جا که باشم مرا با برکت ساخته، و تا زنده‌ام به نماز و زکات سفارش کرده است، (۳۲) و مرا نسبت به مادرم نیکوکار کرده و زورگو و نافرمانم نگردانیده است، (۳۳) و درود بر من، روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم.» (۳۴) این است [ماجرای] عیسی پسر مریم، [همان] گفتار درستی که در آن شک می‌کنند. (۳۵) خدا را نезд که فرزندی برگیرد. منزّه است او؛ چون کاری را اراده کند، همین قدر به آن می‌گوید: «موجود شو»، پس بی‌درنگ موجود می‌شود. (۳۶) و در حقیقت، خداست که پروردگار من و پروردگار شماست، پس او را پرستید. این است راه راست. (۳۷) اما دسته‌ها [ی گوناگون] از میان آنها به اختلاف پرداختند، پس وای بر کسانی که کافر شدند از مشاهده روزی دهشتناک. (۳۸) چه شنوا و بینایند روزی که به سوی ما می‌آیند، ولی ستمگران امروز در گمراهی آشکارند. (۳۹) و آنان را از روز حسرت بیم ده، آنگاه که داوری انجام گیرد، و حال آنکه آنها [اکنون] در غفلتند و سرایمان آوردن ندارند. (۴۰) ماییم که زمین را با هر که در آن است، به میراث می‌بریم و [همه] به سوی ما باز گردانیده می‌شوند. (۴۱) و در این کتاب به یاد ابراهیم پرداز، زیرا او پیامبری بسیار راستگوی بود. (۴۲) چون به پدرش گفت: «پدر جان، چرا چیزی را که نمی‌شنود و نمی‌بیند و از تو چیزی را دور نمی‌کند می‌پرستی؟» (۴۳) ای پدر، به راستی مرا از دانش [و حی، حقایقی به دست] آمده که تو را نیامده است. پس، از من پیروی کن

تا تو را به راهی راست هدایت نمایم، (۴۴) پدر جان، شیطان را میرست، که شیطان [خدای] رحمان را عصیانگر است، (۴۵) پدر جان، من می ترسم از جانب [خدای] رحمان عذابی به تو رسد و تو یار شیطان باشی. (۴۶) گفت: «ای ابراهیم، آیا تو از خدایان من متنفری؟ اگر باز نایستی تو را سنگسار خواهم کرد، و [برو] برای مدتی طولانی از من دور شو.» (۴۷) [ابراهیم] گفت: «درود بر تو باد، به زودی از پروردگارم برای تو آموزش می خواهم، زیرا او همواره نسبت به من پر مهر بوده است، (۴۸) و از شما و [از] آنچه غیر از خدا می خوانید کناره می گیرم و پروردگارم را می خوانم. امیدوارم که در خواندن پروردگارم ناامید نباشم.» (۴۹) و چون از آنها و [از] آنچه به جای خدا می پرستیدند کناره گرفت، اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و همه را پیامبر گردانیدیم. (۵۰) و از رحمت خویش به آنان ارزانی داشتیم، و ذکر خیر بلندی برایشان قرار دادیم. (۵۱) و در این کتاب از موسی یاد کن، زیرا که او پاکدل و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۲) و از جانب راست طور، او را ندا دادیم، و در حالی که با وی راز گفتیم او را به خود نزدیک ساختیم. (۵۳) و به رحمت خویش برادرش هارون پیامبر را به او بخشیدیم. (۵۴) و در این کتاب از اسماعیل یاد کن، زیرا که او درست وعده و فرستاده ای پیامبر بود. (۵۵) و خاندان خود را به نماز و زکات فرمان می داد و همواره نزد پروردگارش پسندیده [رفتار] بود. (۵۶) و در این کتاب از ادريس یاد کن که او راستگویی پیامبر بود. (۵۷) و [ما] او را به مقامی بلند ارتقا دادیم. (۵۸) آنان کسانی از پیامبران بودند که خداوند بر ایشان نعمت ارزانی داشت: از فرزندان آدم بودند و از کسانی که همراه نوح [بر کشتی] سوار کردیم؛ و از فرزندان ابراهیم و اسرائیل و از کسانی که [آنان را] هدایت نمودیم و برگردیدیم؛ [و] هر گاه آیات [خدای] رحمان بر ایشان خوانده می شد، سجده کنان و گریان به خاک می افتادند. (۵۹) آنگاه، پس از آنان جانشینانی به جای ماندند که نماز را تپاه ساخته و از هوسها پیروی کردند، و به زودی [سزای] گمراهی [خود] را خواهند دید. (۶۰) مگر آنان که توبه کرده و ایمان آورده و کار شایسته انجام دادند، که آنان به بهشت درمی آیند و ستمی بر ایشان نخواهد رفت. (۶۱) باغهای جاودانی که [خدای] رحمان به بندگانش در جهان ناپیدا وعده داده است. در حقیقت، وعده او انجام شدنی است. (۶۲) در آنجا سخن بیهوده ای نمی شنوند، جز درود. و روزی شان صبح و شام در آنجا [آماده] است. (۶۳) این همان بهشتی است که به هر یک از بندگان ما که پرهیزگار باشند به میراث می دهیم. (۶۴) و [ما فرشتگان] جز به فرمان پروردگارت نازل نمی شویم. آنچه پیش روی ما و آنچه پشت سر ما و آنچه میان این دو است، [همه] به او اختصاص دارد، و پروردگارت هرگز فراموشکار نبوده است. (۶۵) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است. پس او را پرست و در پرستش او شکبیا باش. آیا برای او همانمی می شناسی؟ (۶۶) و انسان می گوید: «آیا وقتی بمیرم، راستی زنده [از قبر] بیرون آورده می شوم؟» (۶۷) آیا انسان به یاد نمی آورد که ما او را قبلاً آفریده ایم و حال آنکه چیزی نبوده است؟ (۶۸) پس، به پروردگارت سوگند که آنها را با شیاطین محشور خواهیم ساخت، سپس در حالی که به زانو در آمده اند، آنان را گرداگرد دوزخ حاضر خواهیم کرد. (۶۹) آنگاه از هر دسته ای، کسانی از آنان را که بر [خدای] رحمان سرکش تر بوده اند، بیرون خواهیم کشید. (۷۰) پس از آن، به کسانی که برای درآمدن به [جهنم] سزاوارترند خود داناتریم. (۷۱) و هیچ کس از شما نیست مگر [اینکه] در آن وارد می گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است. (۷۲) آنگاه کسانی را که پرهیزگار بوده اند می رهانیم، و ستمگران را به زانو در افتاده در [دوزخ] رها می کنیم. (۷۳) و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، کسانی که کفر ورزیده اند به آنان که ایمان آورده اند می گویند: «کدام یک از [ما] دو گروه جایگاهش بهتر و محفلش آراسته تر است؟» (۷۴) و چه بسیار نسلها را پیش از آنان نابود کردیم، که اثاثی بهتر و ظاهری فریباتر داشتند. (۷۵) بگو: «هر که در گمراهی است [خدای] رحمان به او تا زمانی مهلت می دهد، تا وقتی آنچه به آنان وعده داده می شود: یا عذاب، یا روز رستاخیز را ببینند؛ پس به زودی خواهند دانست جایگاه چه کسی بدتر و سپاهش ناتوان تر است.» (۷۶) و خداوند کسانی را که هدایت یافته اند بر هدایتشان می افزاید، و نیکبهای ماندگار، نزد پروردگارت از حیث پاداش بهتر و خوش فرجام تر است. (۷۷) آیا دیدی آن کسی را که به آیات ما کفر ورزید و گفت: «قطعاً به من مال و فرزند [بسیار] داده خواهد شد.»؟ (۷۸) آیا بر غیب آگاه شده یا از [خدای] رحمان عهدی گرفته است؟

(۷۹) نه چنین است. به زودی آنچه را می گوید، می نویسیم و عذاب را برای او خواهیم افزود. (۸۰) و آنچه را می گوید، از او به ارث می بریم و تنها به سوی ما خواهد آمد. (۸۱) و به جای خدا، معبودانی اختیار کردند تا برای آنان [مايه] عزّت باشد. (۸۲) نه چنین است. به زودی [آن معبودان] عبادت ایشان را انکار می کنند و دشمن آنان می گردند. (۸۳) آیا ندانستی که ما شیطانها را بر کافران گماشته ایم، تا آنان را [به گناهان] تحریک کنند؟ (۸۴) پس بر ضد آنان شتاب مکن، که ما [روزها] را برای آنها شماره می کنیم. (۸۵) [یاد کن] روزی را که پرهیزگاران را به سوی [خدای] رحمان گروه گروه محشور می کنیم. (۸۶) و مجرمان را با حال تشنگی به سوی دوزخ می رانیم. (۸۷) [آنان] اختیار شفاعت را ندارند، جز آن کس که از جانب [خدای] رحمان پیمانی گرفته است. (۸۸) و گفتند: «[خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده است.» (۸۹) واقعاً چیز زشتی را [بر زبان] آوردید. (۹۰) چیزی نمانده است که آسمانها از این [سخن] بشکافند و زمین چاک خورد و کوهها به شدت فرو ریزند. (۹۱) از اینکه برای [خدای] رحمان فرزندی قایل شدند. (۹۲) [خدای] رحمان را نسزد که فرزندی اختیار کند. (۹۳) هر که در آسمانها و زمین است جز بنده وار به سوی [خدای] رحمان نمی آید. (۹۴) و یقیناً آنها را به حساب آورده و به دقت شماره کرده است. (۹۵) و روز قیامت همه آنها تنها، به سوی او خواهند آمد. (۹۶) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، به زودی [خدای] رحمان برای آنان محبتی [در دلها] قرار می دهد. (۹۷) در حقیقت، ما این [قرآن] را بر زبان تو آسان ساختیم تا پرهیزگاران را بدان نوید، و مردم ستیزه جو را بدان بیم دهی. (۹۸) و چه بسیار نسلها که پیش از آنان هلاک کردیم. آیا کسی از آنان را می یابی یا صدایی از ایشان می شنوی؟ (۹۹)

طه

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) طه. (۲) قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به رنج آفتی، (۳) جز اینکه برای هر که می ترسد، پندی باشد. (۴) [کتابی است] نازل شده از جانب کسی که زمین و آسمانهای بلند را آفریده است. (۵) خدای رحمان که بر عرش استیلا یافته است. (۶) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک است از آن اوست. (۷) و اگر سخن به آواز گویی، او نهان و نهان تر را می داند. (۸) خدایی که جز او معبودی نیست [و] نامهای نیکو به او اختصاص دارد. (۹) و آیا خبر موسی به تو رسید؟ (۱۰) هنگامی که آتشی دید، پس به خانواده خود گفت: «درنگ کنید، زیرا من آتشی دیدم، امید که پاره ای از آن برای شما بیاورم یا در پرتو آتش راه [خود را باز] یابم. (۱۱) پس چون بدان رسید، ندا داده شد که: «ای موسی، (۱۲) این منم پروردگار تو، پای پوش خویش بیرون آور که تو در وادی مقدس «طوی» هستی. (۱۳) و من تو را برگزیده ام، پس بدانچه وحی می شود گوش فرا ده. (۱۴) منم، من، خدایی که جز من خدایی نیست، پس مرا پرستش کن و به یاد من نماز برپا دار. (۱۵) در حقیقت، قیامت فرارسنده است. می خواهم آن را پوشیده دارم، تا هر کسی به [موجب] آنچه می کوشد جزا یابد. (۱۶) پس هرگز نباید کسی که به آن ایمان ندارد و از هوس خویش پیروی کرده است، تو را از [ایمان به] آن باز دارد، که هلاک خواهی شد. (۱۷) و ای موسی، در دست راست تو چیست؟» (۱۸) گفت: «این عصای من است، بر آن تکیه می دهم و با آن برای گوسفندانم برگ می تکانم، و کارهای دیگری هم برای من از آن برمی آید.» (۱۹) فرمود: «ای موسی، آن را بینداز.» (۲۰) پس آن را انداخت و ناگاه ماری شد که به سرعت می خزید. (۲۱) فرمود: «آن را بگیر و مترس، به زودی آن را به حال نخستینش بازخواهیم گردانید، (۲۲) و دست خود را به پهلویت ببر، سپید بی گزند برمی آید، [این] معجزه ای دیگر است، (۲۳) تا به تو معجزات بزرگ خود را بنمایانیم. (۲۴) به سوی فرعون برو که او به سرکشی برخاسته است. (۲۵) گفت: «پروردگارا، سینه ام را گشاده گردان، (۲۶) و کارم را برای من آسان ساز، (۲۷) و از زبانم گره بگشای، (۲۸) [تا] سخنم را بفهمند، (۲۹) و برای من دستیاری از کسانم قرار ده، (۳۰) هارون برادرم را، (۳۱) پشتم را به او استوار کن، (۳۲) و او را شریک کارم گردان، (۳۳) تا تو را فراوان تسبیح گویم، (۳۴) و بسیار به یاد تو باشیم، (۳۵) زیرا تو همواره به [حال] ما بینایی.» (۳۶) فرمود: «ای موسی، خواسته ات به تو داده شد.» (۳۷) و به راستی، بار دیگر [هم] بر تو منت نهادیم، (۳۸) هنگامی که به

مادرت آنچه را که [باید] وحی می شد وحی کردیم: (۳۹) که او را در صندوقچه ای بگذار، سپس در دریایش افکن تا دریا [=رود نیل] او را به کرانه اندازد [و] دشمن من و دشمن وی، او را برگردد. و مِهْری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی. (۴۰) آنگاه که خواهر تو می رفت و می گفت: آیا شما را بر کسی که عهده دار او گردد دلالت کنم؟ پس تو را به سوی مادرت بازگردانیدیم تا دیده اش روشن شود و غم نخورد، و [سپس] شخصی را کُشتی و [ما] تو را از اندوه رهانیدیم، و تو را بارها آزمودیم، و سالی چند در میان اهل «مدین» ماندی، سپس ای موسی در زمان مقدر [و مقتضی] آمدی. (۴۱) و تو را برای خود پرورد. (۴۲) تو و برادرت معجزه های مرا [برای مردم] ببرید و در یاد کردن من سستی مکنید. (۴۳) به سوی فرعون بروید که او به سرکشی برخاسته، (۴۴) و با او سخنی نرم گوید، شاید که پند پذیرد یا بترسد. (۴۵) آن دو گفتند: «پروردگارا، ما می ترسیم که [او] آسیبی به ما برساند یا آنکه سرکشی کند.» (۴۶) فرمود: «مترسید، من همراه شمایم، می شنوم و می بینم، (۴۷) پس به سوی او بروید و بگویید: ما دو فرستاده پروردگار توایم، پس فرزندان اسرائیل را با ما بفرست، و عذابشان مکن، به راستی ما برای تو از جانب پروردگارت معجزه ای آورده ایم، و بر هر کس که از هدایت پیروی کند درود باد. (۴۸) در حقیقت به سوی ما وحی آمده که عذاب بر کسی است که تکذیب کند و روی گرداند. (۴۹) [فرعون] گفت: «ای موسی، پروردگار شما دو تن کیست؟» (۵۰) گفت: «پروردگار ما کسی است که هر چیزی را خلقتی که درخور اوست داده، سپس آن را هدایت فرموده است.» (۵۱) گفت: «حال نسلهای گذشته چون است؟» (۵۲) گفت: «علم آن، در کتابی نزد پروردگار من است. پروردگارم نه خطا می کند و نه فراموش می نماید.» (۵۳) همان کسی که زمین را برایتان گهواره ای ساخت، و برای شما در آن، راهها ترسیم کرد و از آسمان آبی فرود آورد، پس به وسیله آن رستنیهای گوناگون، جفت جفت بیرون آوردیم. (۵۴) بخورید و دامهایتان را بچرانید که قطعاً در اینها برای خردمندان نشانه هایی است. (۵۵) از این [زمین] شما را آفریده ایم، در آن شما را بازمی گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می آوریم. (۵۶) در حقیقت، [ما] همه آیات خود را به [فرعون] نشان دادیم، ولی [او آنها را] دروغ پنداشت و نپذیرفت. (۵۷) گفت: «ای موسی، آمده ای تا با سحر خود، ما را از سرزمینمان بیرون کنی؟» (۵۸) ما [هم] قطعاً برای تو سحری مثل آن خواهیم آورد، پس میان ما و خودت موعدی بگذار که نه ما آن را خلاف کنیم و نه تو، [آن هم] در جایی هموار.» (۵۹) [موسی] گفت: «موعد شما روز جشن باشد که مردم پیش از ظهر گرد می آیند.» (۶۰) پس فرعون رفت و [همه] نیرنگ خود را گرد آورد و باز آمد. (۶۱) موسی به [ساحران] گفت: «وای بر شما، به خدا دروغ مبنیدید که شما را به عذابی [سخت] هلاک می کند، و هر که دروغ بندد نومید می گردد.» (۶۲) [ساحران] میان خود، در باره کارشان به نزاع برخاستند و به نجوا پرداختند. (۶۳) [فرعونیان] گفتند: «قطعاً این دو تن ساحرنده [و] می خواهند شما را با سحر خود از سرزمینتان بیرون کنند، و آیین والای شما را براندازند.» (۶۴) پس نیرنگ خود را گرد آورید و به صف پیش آید. در حقیقت، امروز هر که فایق آید خوشبخت می شود.» (۶۵) [ساحران] گفتند: «ای موسی، یا تو می افکنی یا [ما] نخستین کس باشیم که می اندازیم؟» (۶۶) گفت: «[نه]، بلکه شما بیندازید.» پس ناگهان ریسمانها و چوبدستی هایشان، بر اثر سحرشان، در خیال او، [چنین] می نمود که آنها به شتاب می خزند. (۶۷) و موسی در خود بیمی احساس کرد. (۶۸) گفتیم: «مترس که تو خود برتری؟» (۶۹) و آنچه در دست راست داری بینداز، تا هر چه را ساخته اند ببلعد. در حقیقت، آنچه سرهم بندی کرده اند، افسون افسونگر است، و افسونگر هر جا برود رستگار نمی شود.» (۷۰) پس ساحران به سجده درافتادند. گفتند: «به پروردگار موسی و هارون ایمان آوردیم.» (۷۱) [فرعون] گفت: «آیا پیش از آنکه به شما اجازه دهم، به او ایمان آوردید؟ قطعاً او بزرگ شماست که به شما سحر آموخته است، پس بی شک دستهای شما و پاهایتان را یکی از راست و یکی از چپ قطع می کنم و شما را بر تنه های درخت خرما به دار می آویزم، تا خوب بدانید عذاب کدام یک از ما سخت تر و پایدارتر است.» (۷۲) گفتند: «ما هرگز تو را بر معجزاتی که به سوی ما آمده و [بر] آن کس که ما را پدید آورده است، ترجیح نخواهیم داد؛ پس هر حکمی می خواهی بکن که تنها در این زندگی دنیاست که [تو] حکم می رانی.» (۷۳) ما به پروردگارمان ایمان آوردیم، تا گناهان ما و آن

سحری که ما را بدان واداشتی بر ما بیخشايد، و خدا بهتر و پایدارتر است.» (۷۴) در حقیقت، هر که به نزد پروردگارش گنهکار رود، جهنم برای اوست. در آن نه می‌میرد و نه زندگی می‌یابد. (۷۵) و هر که مؤمن به نزد او رود، در حالی که کارهای شایسته انجام داده باشد، برای آنان درجات والا خواهد بود: (۷۶) بهشتهای عدن که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است. جاودانه در آن می‌مانند، و این است پاداش کسی که به پاکی گراید. (۷۷) و در حقیقت به موسی وحی کردیم که: «بندگانم را شبانه ببر، و راهی خشک در دریا برای آنان باز کن که نه از فرارسیدن [دشمن] بررسی و نه [از غرق شدن] بیمناک باشی.» (۷۸) پس فرعون با لشکریانش آنها را دنبال کرد، و [لی] از دریا آنچه آنان را فرو پوشانید، فرو پوشانید. (۷۹) و فرعون قوم خود را گمراه کرد و هدایت نمود. (۸۰) ای فرزندان اسرائیل، در حقیقت، [ما] شما را از [دست] دشمنان رهانیدیم، و در جانب راست طور با شما وعده نهادیم و بر شما ترنجبین و بلدرچین فرو فرستادیم. (۸۱) از خوراکیهای پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و [لی] در آن زیاده‌روی نکنید که خشم من بر شما فرود آید، و هر کس خشم من بر او فرود آید، قطعاً در [ورطه] هلاکت افتاده است. (۸۲) و به یقین، من آمرزنده کسی هستم که توبه کند و ایمان بیاورد و کار شایسته نماید و به راه راست راهسپر شود. (۸۳) «و ای موسی، چه چیز تو را [دور] از قوم خودت، به شتاب واداشته است؟» (۸۴) گفت: «اینان در پی منند، و من -ای پروردگرم- به سویت شتافتم تا خشنود شوی.» (۸۵) فرمود: «در حقیقت، ما قوم تو را پس از [عزیمت] تو آزمودیم و سامری آنها را گمراه ساخت.» (۸۶) پس موسی خشمگین و اندوهناک به سوی قوم خود برگشت [و] گفت: «ای قوم من، آیا پروردگارتان به شما وعده نیکو نداد؟ آیا این مدت بر شما طولانی می‌نمود، یا خواستید خشمی از پروردگارتان بر شما فرود آید که با وعده من مخالفت کردید؟» (۸۷) گفتند: «ما به اختیار خود با تو خلاف وعده نکردیم، ولی از زینت آلات قوم، بارهایی سنگین بر دوش داشتیم و آنها را افکندیم و [خود] سامری [هم زینت آلاتش را] همین گونه بینداخت. (۸۸) پس برای آنان پیکر گوساله‌ای که صدایی داشت بیرون آورد، و [او و پیروانش] گفتند: «این خدای شما و خدای موسی است، و [بیمان خدا را] فراموش کرد.» (۸۹) مگر نمی‌بینند که [گوساله] پاسخ سخن آنان را نمی‌دهد و به حالشان سود و زیانی ندارد؟ (۹۰) و در حقیقت، هارون قبلاً به آنان گفته بود: «ای قوم من، شما به وسیله این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید، و پروردگار شما [خدای] رحمان است، پس مرا پیروی کنید و فرمان مرا پذیرا باشید.» (۹۱) گفتند: «ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما باز گردد.» (۹۲) [موسی] گفت: «ای هارون، وقتی دیدی آنها گمراه شدند چه چیز مانع تو شد، (۹۳) که از من پیروی کنی؟ آیا از فرمانم سر باز زدی؟» (۹۴) گفت: «ای پسر مادرم، نه ریش مرا بگیر و نه [موی] سرم را، من ترسیدم بگویی: میان بنی اسرائیل تفرقه انداختی و سخنم را مراعات نکردی.» (۹۵) [موسی] گفت: «ای سامری، منظور تو چه بود؟» (۹۶) گفت: «به چیزی که [دیگران] به آن پی نبردند، پی بردم، و به قدر مثنی از رد پای فرستاده [خدا، جبرئیل] برداشتم و آن را در پیکر [گوساله] انداختم، و نفس من برایم چنین فریبکاری کرد.» (۹۷) گفت: «پس برو که بهره تو در زندگی این باشد که [به هر که نزدیک تو آمد] بگویی: [به من] دست مزیند و تو را موعدی خواهد بود که هرگز از آن تخلف نخواهی کرد، و [اینک] به آن خدایی که پیوسته ملازمش بودی بنگر، آن را قطعاً می‌سوزانیم و خاکسترش می‌کنیم [و] در دریا فرو می‌پاشیم.» (۹۸) «معبود شما تنها آن خدایی است که جز او معبودی نیست، و دانش او همه چیز را در بر گرفته است.» (۹۹) این گونه از اخبار پیشین بر تو حکایت می‌رانیم، و مسلماً به تو از جانب خود قرآنی داده‌ایم. (۱۰۰) هر کس از [پیروی] آن روی برتابد، روز قیامت بار گناهی بر دوش می‌گیرد. (۱۰۱) پیوسته در آن [حال] می‌ماند، و چه بد باری روز قیامت خواهند داشت. (۱۰۲) [همان] روزی که در صور دمیده می‌شود، و در آن روز مجرمان را کبودچشم برمی‌انگیزیم. (۱۰۳) میان خود به طور پنهانی با یکدیگر می‌گویند: «شما [در دنیا] جز ده [روز، بیش] نمانده‌اید.» (۱۰۴) ما داناتریم به آنچه می‌گویند، آنگاه که نیک‌آیین‌ترین آنان می‌گویند: «جز یک روز، بیش نمانده‌اید.» (۱۰۵) و از تو در باره کوهها می‌پرسند، بگو: «پروردگرم آنها را [در قیامت] ریز ریز خواهد ساخت، (۱۰۶) پس آنها را پهن و هموار خواهد کرد، (۱۰۷) نه در آن کژی می‌بینی و نه ناهمواری. (۱۰۸) در آن روز، همه

مردم]، داعی [حق] را - که هیچ انحرافی در او نیست - پیروی می کنند، و صداها در مقابل [خدای] رحمان خاشع می گردد، و جز صدایی آهسته نمی شنوی. (۱۰۹) در آن روز، شفاعت [به کسی] سود نبخشد، مگر کسی را که [خدای] رحمان اجازه دهد و سخنش او را پسند آید. (۱۱۰) آنچه را که آنان در پیش دارند و آنچه را که پشت سر گذاشته اند می داند، و حال آنکه ایشان بدان دانشی ندارند. (۱۱۱) و چهره ها برای آن [خدای] زنده پاینده خضوع می کنند، و آن کس که ظلمی بر دوش دارد نومید می ماند. (۱۱۲) و هر کس کارهای شایسته کند، در حالی که مؤمن باشد، نه از ستمی می هراسد و نه از کاسته شدن [حَقِّش]. (۱۱۳) و این گونه آن را [به صورت] قرآنی عربی نازل کردیم، و در آن از انواع هشدارها سخن آوردیم، شاید آنان راه تقوا در پیش گیرند، یا [این کتاب] پندی تازه برای آنان بیاورد. (۱۱۴) پس بلندمرتبه است خدا، فرمانروای بر حق، و در [خواندن] قرآن، پیش از آنکه وحی آن بر تو پایان یابد، شتاب مکن، و بگو: «پروردگارا، بر دانشم بیفرای.» (۱۱۵) و به یقین پیش از این با آدم پیمان بستیم، و [لی آن را] فراموش کرد، و برای او عزمی [استوار] نیافتیم. (۱۱۶) و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید.» پس، جز ابلیس که سر باز زد [همه] سجده کردند. (۱۱۷) پس گفتیم: «ای آدم، در حقیقت، این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است، زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی.» (۱۱۸) در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی. (۱۱۹) و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب زده. (۱۲۰) پس شیطان او را وسوسه کرد، گفت: «ای آدم، آیا تو را به درخت جاودانگی و مُلکی که زایل نمی شود، راه نمایم؟» (۱۲۱) آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگهای بهشت بر خود. و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت. (۱۲۲) سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشد و [وی را] هدایت کرد. (۱۲۳) فرمود: «همگی از آن [مقام] فرود آید، در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است، پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد، هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت. (۱۲۴) و هر کس از یاد من دل بگرداند، در حقیقت، زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت، و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم.» (۱۲۵) می گوید: «پروردگارا، چرا مرا نابینا محشور کردی با آنکه بینا بودم؟» (۱۲۶) می فرماید: «همان طور که نشانه های ما بر تو آمد و آن را به فراموشی سپردی، امروز همان گونه فراموش می شوی.» (۱۲۷) و این گونه هر که را به افراط گراییده و به نشانه های پروردگارش نگروریده است سزا می دهیم، و قطعاً شکنجه آخرت سخت تر و پایدارتر است. (۱۲۸) آیا برای هدایتشان کافی نبود که [بینند] چه نسلها را پیش از آنان نابود کردیم که [اینک آنها] در سراهای ایشان راه می روند؟ به راستی برای خردمندان در این [امر] نشانه هایی [عبرت انگیز] است. (۱۲۹) و اگر سخنی از پروردگارت پیشی نگرفته و موعدی معین مقرر نشده بود، قطعاً [عذاب آنها] لازم می آمد. (۱۳۰) پس بر آنچه می گویند شکبیا باش، و پیش از بر آمدن آفتاب و قبل از فرو شدن آن، با ستایش پروردگارت [او را] تسبیح گوی، و برخی از ساعات شب و حوالی روز را به نیایش پرداز، باشد که خشنود گردی. (۱۳۱) و زنهار به سوی آنچه اصنافی از ایشان را از آن برخوردار کردیم [و فقط] زیور زندگی دنیاست تا ایشان را در آن بیازماییم، دیدگان خود مدوز، و [بدان که] روزی پروردگار تو بهتر و پایدارتر است. (۱۳۲) و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکبیا باش. ما از تو جویای روزی نیستیم، ما به تو روزی می دهیم، و فرجام [نیک] برای پرهیزگاری است. (۱۳۳) و گفتند: «چرا از جانب پروردگارش معجزه ای برای ما نمی آورد؟» آیا دلیل روشن آنچه در صحیفه های پیشین است برای آنان نیامده است؟ (۱۳۴) و اگر ما آنان را قبل از [آمدن قرآن] به عذابی هلاک می کردیم، قطعاً می گفتند: «پروردگارا، چرا پیامبری به سوی ما نفرستادی تا پیش از آنکه خوار و رسوا شویم از آیات تو پیروی کنیم؟» (۱۳۵) بگو: «همه در انتظارند. پس در انتظار باشید. زودا که بدانید یاران راه راست کیانند و چه کسی راه یافته است.» (۱۳۶)

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) برای مردم [وقت] حسابشان نزدیک شده است، و آنان در بی خبری رویگردانند. (۲) هیچ پند تازه‌ای از پروردگارشان نیامد، مگر اینکه بازی کنان آن را شنیدند. (۳) در حالی که دل‌هایشان مشغول است. و آنانکه ستم کردند پنهانی به نجوا برخاستند که: «آیا این [مرد] جز بشری مانند شماست؟ آیا دیده و دانسته به سوی سحر می‌روید؟» (۴) [پیامبر] گفت: «پروردگارم [هر] گفتار [ی] را در آسمان و زمین می‌داند، و اوست شنوای دانا.» (۵) بلکه گفتند: «خوابهای شوریده است، [نه] بلکه آن را برافشته، بلکه او شاعری است. پس همان گونه که برای پیشینیان هم عرضه شد، باید برای ما نشانه‌ای بیاورد.» (۶) قبل از آنان [نیز مردم] هیچ شهری - که آن را نابود کردیم - [به آیات ما] ایمان نیاوردند. پس آیا اینان [به معجزه] ایمان می‌آورند؟ (۷) و پیش از تو [نیز] جز مردانی را که به آنان وحی می‌کردیم گسیل نداشتیم. اگر نمی‌دانید از پژوهندگان کتابهای آسمانی برسید. (۸) و ایشان را جسدی که غذا نخورند قرار ندادیم و جاویدان [هم] نبودند. (۹) سپس وعده [خود] به آنان را راست گردانیدیم و آنها و هر که را خواستیم نجات دادیم و افراطکاران را به هلاکت رسانیدیم. (۱۰) در حقیقت، ما کتابی به سوی شما نازل کردیم که یاد شما در آن است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۱۱) و چه بسیار شهرها را که [مردمش] ستمکار بودند در هم شکستیم، و پس از آنها قومی دیگر پدید آوردیم. (۱۲) پس چون عذاب ما را احساس کردند، بناگاه از آن می‌گریختند. (۱۳) [هان] مگریزید، و به سوی آنچه در آن متعمم بودید و [به سوی] سراهایتان باز گردید، باشد که شما مورد پرسش قرار گیرید. (۱۴) گفتند: «ای وای بر ما، که ما واقعاً ستمگر بودیم.» (۱۵) سخنان پیوسته همین بود، تا آنان را درو شده بی‌جان گردانیدیم. (۱۶) و آسمان و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازیچه نیافریدیم. (۱۷) اگر می‌خواستیم بازیچه‌ای بگیریم، قطعاً آن را از پیش خود اختیار می‌کردیم. (۱۸) بلکه حق را بر باطل فرو می‌افکنیم، پس آن را در هم می‌شکنند، و بناگاه آن نابود می‌گردد. وای بر شما از آنچه وصف می‌کنید. (۱۹) و هر که در آسمانها و زمین است برای اوست، و کسانی که نزد اویند از پرستش وی تکبر نمی‌ورزند و درمانده نمی‌شوند. (۲۰) شبانه روز، بی‌آنکه سستی ورزند، نیایش می‌کنند. (۲۱) آیا برای خود خدایانی از زمین اختیار کرده‌اند که آنها [مردگان را] زنده می‌کنند؟ (۲۲) اگر در آنها [= زمین و آسمان] جز خدا، خدایانی [دیگر] وجود داشت، قطعاً [زمین و آسمان] تباه می‌شد. پس منزّه است خدا، پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند. (۲۳) در آنچه [خدا] انجام می‌دهد چون و چرا راه ندارد، و [لی] آنان [= انسانها] سؤال خواهند شد. (۲۴) آیا به جای او خدایانی برای خود گرفته‌اند؟ بگو: «برهانتان را بیاورید.» این است یادنامه هر که با من است و یادنامه هر که پیش از من بوده. [نه!] بلکه بیشترشان حق را نمی‌شناسند و در نتیجه از آن رویگردانند. (۲۵) و پیش از تو هیچ پیامبری نفرستادیم مگر اینکه به او وحی کردیم که: «خدایی جز من نیست، پس مرا پرستید.» (۲۶) و گفتند: «[خدای] رحمان فرزندی اختیار کرده.» منزّه است او. بلکه [فرشتگان] بندگانی ارجمندند، (۲۷) که در سخن بر او پیشی نمی‌گیرند، و خود به دستور او کار می‌کنند. (۲۸) آنچه فراروی آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند، و جز برای کسی که [خدا] رضایت دهد، شفاعت نمی‌کنند و خود از بیم او هراسانند. (۲۹) و هر کس از آنان بگوید: «من [نیز] جز او خدایی هستم»، او را به دوزخ کیفر می‌دهیم. [آری] سزای ستمکاران را این گونه می‌دهیم. (۳۰) آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمانها و زمین هر دو به هم پیوسته بودند، و ما آن دو را از هم جدا ساختیم، و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم؟ آیا [باز هم] ایمان نمی‌آورند؟ (۳۱) و در زمین کوههایی استوار نهادیم تا مبادا [زمین] آنان [= مردم] را بجنابند، و در آن راههایی فراخ پدید آوردیم، باشد که راه یابند. (۳۲) و آسمان را سقفی محفوظ قرار دادیم، و [لی] آنان از [مطالعه در] نشانه‌های آن اعراض می‌کنند. (۳۳) و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. هر کدام از این دو در مداری [معین] شناورند. (۳۴) و پیش از تو برای هیچ بشری جاودانگی [در دنیا] قرار ندادیم. آیا اگر تو از دنیا بروی آنان جاویدانند؟ (۳۵) هر نفسی چشنده مرگ است، و شما را از راه آزمایش به بد و نیک خواهیم آزمود، و به سوی ما باز گردانیده می‌شوید. (۳۶) و کسانی که کافر شدند، چون تو را ببینند فقط به مسخره‌ات می‌گیرند [و می‌گویند]: «آیا این همان کس است که خدایاتان را [به بدی] یاد می‌کند؟» در حالی که آنان خود، یاد [خدای] رحمان را منکرند. (۳۷) انسان از شتاب

آفریده شده است. به زودی آیاتم را به شما نشان می‌دهم. پس [عذاب را] به شتاب از من نخواهید. (۳۸) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویند، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟» (۳۹) کاش آنان که کافر شده‌اند می‌دانستند آنگاه که آتش را نه از چهره‌های خود و نه از پشتشان باز نمی‌توانند داشت، و خود مورد حمایت قرار نمی‌گیرند [چه حالی خواهند داشت]. (۴۰) بلکه [آتش] به طور ناگهانی به آنان می‌رسد و ایشان را بهت زده می‌کند [به گونه‌ای] که نه می‌توانند آن را برگردانند و نه به آنان مهلت داده می‌شود. (۴۱) و مسلماً پیامبران پیش از تو [نیز] مورد ریشخند قرار گرفتند، پس کسانی که آنان را مسخره می‌کردند، [سزای] آنچه که آن را به ریشخند می‌گرفتند گریبانگیرشان شد. (۴۲) بگو: «چه کسی شما را شب و روز از [عذاب] رحمان حفظ می‌کند؟» [نه] بلکه آنان از یاد پروردگارشان رویگردانند. (۴۳) [۳۴] آیا برای آنان خدایانی غیر از ماست که از ایشان حمایت کنند؟ [آن خدایان] نه می‌توانند خود را یاری کنند و نه از جانب ما یاری شوند. (۴۴) [نه] بلکه اینها و پدرانشان را برخوردار کردیم تا عمرشان به درازا کشید. آیا نمی‌بینند که ما می‌آییم و زمین را از جوانب آن فرو می‌کاهیم؟ آیا باز هم آنان پیروزند؟ (۴۵) بگو: «من شما را فقط به وسیله وحی هشدار می‌دهم.» و [لی] چون کران بیم داده شوند، دعوت را نمی‌شنوند. (۴۶) و اگر شمه‌ای از عذاب پروردگارت به آنان برسد، خواهند گفت: «ای وای بر ما که ستمکار بودیم.» (۴۷) و ترازوهای داد را در روز رستخیز می‌نهییم، پس هیچ کس [در] چیزی ستم نمی‌بیند، و اگر [عمل] هموزن دانه خردلی باشد آن را می‌آوریم و کافی است که ما حسابرس باشیم. (۴۸) و در حقیقت، به موسی و هارون فرقان دادیم و [کتابشان] برای پرهیزگاران روشنایی و اندرزی است. (۴۹) [همان] کسانی که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و از قیامت هراسناکنند. (۵۰) و این [کتاب] - که آن را نازل کرده‌ایم - پندی خجسته است. آیا باز هم آن را انکار می‌کنید؟ (۵۱) و در حقیقت، پیش از آن، به ابراهیم رشد [فکری] اش را دادیم و ما به [شایستگی] او دانا بودیم. (۵۲) آنگاه که به پدر خود و قومش گفت: «این مجسمه‌هایی که شما ملازم آنها شده‌اید چیستند؟» (۵۳) گفتند: «پدران خود را پرستندگان آنها یافتیم.» (۵۴) گفت: «قطعاً شما و پدرانتان در گمراهی آشکاری بودید.» (۵۵) گفتند: «آیا حق را برای ما آورده‌ای یا تو از شوخی کنندگانی؟» (۵۶) گفت: «[نه] بلکه پروردگارتان، پروردگار آسمانها و زمین است، همان کسی که آنها را پدید آورده است، و من بر این [واقعیت] از گواهانم. (۵۷) و سوگند به خدا که پس از آنکه پشت کردید و رفتید، قطعاً در کار بتانتان تدبیری خواهم کرد.» (۵۸) پس آنها را - جز بزرگترشان را - ریز ریز کرد، باشد که ایشان به سراغ آن بروند. (۵۹) گفتند: «چه کسی با خدایان ما چنین [معامله‌ای] کرده، که او واقعاً از ستمکاران است؟» (۶۰) گفتند: «شنیدیم جوانی، از آنها [به بدی] یاد می‌کرد که به او ابراهیم گفته می‌شود.» (۶۱) گفتند: «پس او را در برابر دیدگان مردم بیاورید، باشد که آنان شهادت دهند.» (۶۲) گفتند: «ای ابراهیم، آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟» (۶۳) گفت: «[نه] بلکه آن را این بزرگترشان کرده است، اگر سخن می‌گویند از آنها پرسید.» (۶۴) پس به خود آمده و [به یکدیگر] گفتند: «در حقیقت، شما ستمکارید.» (۶۵) سپس سرافکنده شدند [و گفتند: «قطعاً دانسته‌ای که اینها سخن نمی‌گویند.»] (۶۶) گفت: «آیا جز خدا چیزی را می‌پرستید که هیچ سود و زبانی به شما نمی‌رساند؟» (۶۷) ف بر شما و بر آنچه غیر از خدا می‌پرستید. مگر نمی‌اندیشید؟» (۶۸) گفتند: «اگر کاری می‌کنید، او را بسوزانید و خدایانتان را یاری دهید.» (۶۹) گفتیم: «ای آتش، برای ابراهیم سرد و بی‌آسیب باش.» (۷۰) و خواستند به او نیرنگی بزنند و [لی] آنان را زیانکارترین [مردم] قرار دادیم. (۷۱) و او به لوط را [برای رفتن] به سوی آن سرزمینی که برای جهانیان در آن برکت نهاده بودیم، رهانیدیم. (۷۲) و اسحاق و یعقوب را [به عنوان نعمتی] افزون به او بخشودیم و همه را از شایستگان قرار دادیم. (۷۳) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما هدایت می‌کردند، و به ایشان انجام دادن کارهای نیک و برپاداشتن نماز و دادن زکات را وحی کردیم و آنان پرستنده ما بودند. (۷۴) و به لوط حکمت و دانش عطا کردیم و او را از آن شهری که [مردمش] کارهای پلید [جنسی] می‌کردند نجات دادیم. به راستی آنها گروه بد و منحرفی بودند. (۷۵) و او را در رحمت خویش داخل کردیم، زیرا او از شایستگان بود. (۷۶) و نوح را [یاد کن] آنگاه که پیش از [سایر پیامبران] ندا کرد، پس ما او را اجابت کردیم، و وی را با خانواده‌اش از بلای بزرگ رهانیدیم. (۷۷) و او را در برابر

مردمی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفته بودند پیروزی بخشیدیم، چرا که آنان مردم بدی بودند، پس همه ایشان را غرق کردیم. (۷۸) و داوود و سلیمان را [یاد کن] هنگامی که در باره آن کشتزار - که گوسفندان مردم شب‌هنگام در آن چریده بودند - داوری می‌کردند، و [ما] شاهد داوری آنان بودیم. (۷۹) پس آن [داوری] را به سلیمان فهماندیم، و به هر یک [از آن دو] حکمت و دانش عطا کردیم، و کوهها را با داوود و پرندگان به نیایش واداشتیم، و ما کننده [این کار] بودیم. (۸۰) و به [داوود] فن زره [سازی] آموختیم، تا شما را از [خطرات] جنگتان حفظ کند. پس آیا شما سپاسگزارید؟ (۸۱) و برای سلیمان، تندباد را [رام کردیم] که به فرمان او به سوی سرزمینی که در آن برکت نهاده بودیم جریان می‌یافت، و ما به هر چیزی دانا بودیم. (۸۲) و برخی از شیاطین بودند که برای او غواصی و کارهایی غیر از آن می‌کردند، و ما مراقب [حال] آنها بودیم. (۸۳) و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که: «به من آسیب رسیده است و تویی مهربانترین مهربانان.» (۸۴) پس [دعای] او را اجابت نمودیم و آسیب وارده بر او را برطرف کردیم، و کسان او و نظیرشان را همراه با آنان [مجدداً] به وی عطا کردیم [تا] رحمتی از جانب ما و عبرتی برای عبادت‌کنندگان [باشد]. (۸۵) و اسماعیل و ادریس و ذوالکفل را [یاد کن] که همه از شکیبایان بودند. (۸۶) و آنان را در رحمت خود داخل نمودیم، چرا که ایشان از شایستگان بودند. (۸۷) و «ذوالنون» را [یاد کن] آنگاه که خشمگین رفت و پنداشت که ما هرگز بر او قدرتی نداریم، تا در [دل] تاریکیها ندا درداد که: «معبودی جز تو نیست، منزهی تو، راستی که من از ستمکاران بودم.» (۸۸) پس [دعای] او را برآورده کردیم و او را از اندوه رهانیدیم، و مؤمنان را [نیز] چنین نجات می‌دهیم. (۸۹) و زکریا را [یاد کن] هنگامی که پروردگار خود را خواند: «پروردگارا، مرا تنها مگذار و تو بهترین ارث برندگانی.» (۹۰) پس [دعای] او را اجابت نمودیم، و یحیی را بدو بخشیدیم و همسرش را برای او شایسته [و آماده حمل] کردیم، زیرا آنان در کارهای نیک شتاب می‌نمودند و ما را از روی رغبت و بیم می‌خواندند و در برابر ما فروتن بودند. (۹۱) و آن [زن را یاد کن] که خود را پاکدامن نگاه داشت، و از روح خویش در او دمیدیم و او و پسرش را برای جهانیان آیتی قرار دادیم. (۹۲) این است امت شما که امتی یگانه است، و منم پروردگار شما، پس مرا پرستید. (۹۳) و [لی] دینشان را میان خود پاره پاره کردند. همه به سوی ما بازمی‌گردند. (۹۴) پس هر که کارهای شایسته انجام دهد و مؤمن [هم] باشد، برای تلاش او ناسپاسی نخواهد بود، و ما میم که به سود او ثبت می‌کنیم. (۹۵) و بر [مردم] شهری که آن را هلاک کرده‌ایم، بازگشتشان [به دنیا] حرام است. (۹۶) تا وقتی که یاجوج و ماجوج [راهشان] گشوده شود و آنها از هر پشته‌ای بتازند، (۹۷) و وعده حق نزدیک گردد، ناگهان دیدگان کسانی که کفر ورزیده‌اند خیره می‌شود [و می‌گویند]: «ای وای بر ما که از این [روز] در غفلت بودیم، بلکه ما ستمگر بودیم.» (۹۸) در حقیقت، شما و آنچه غیر از خدا می‌پرستید، هیزم دوزخید. شما در آن وارد خواهید شد. (۹۹) اگر اینها خدایانی [واقعی] بودند در آن وارد نمی‌شدند، و حال آنکه جملگی در آن ماندگارند. (۱۰۰) برای آنها در آنجا ناله‌ای زار است و در آنجا [چیزی] نمی‌شنوند. (۱۰۱) بی‌گمان کسانی که قبلاً از جانب ما به آنان وعده نیکو داده شده است از آن [آتش] دور داشته خواهند شد. (۱۰۲) صدای آن را نمی‌شنوند، و آنان در میان آنچه دل‌هایشان بخواهد جاودانند. (۱۰۳) دلهره بزرگ، آنان را غمگین نمی‌کند و فرشتگان از آنها استقبال می‌کنند [و به آنان می‌گویند]: این همان روزی است که به شما وعده می‌دادند. (۱۰۴) روزی که آسمان را همچون در پیچیدن صفحه نامه‌ها در می‌پیچیم. همان گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم، دوباره آن را بازمی‌گردانیم. وعده‌ای است بر عهده ما، که ما انجام‌دهنده آنیم. (۱۰۵) و در حقیقت، در زیور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان شایسته ما به ارث خواهند برد. (۱۰۶) به راستی در این [امور] برای مردم عبادت پیشه ابلاغی [حقیقی] است. (۱۰۷) و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم. بگو: «جز این نیست که به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس آیا مسلمان می‌شوید؟» (۱۰۹) پس اگر روی برتافتند بگو: «به [همه] شما به طور یکسان اعلام کردم، و نمی‌دانم آنچه وعده داده شده‌اید آیا نزدیک است یا دور.» (۱۱۰) [آری،] او سخن آشکار را می‌داند و آنچه را پوشیده می‌دارید می‌داند. (۱۱۱) و نمی‌دانم، شاید آن برای شما آزمایشی و تا چند گاهی [وسیله] برخوردار باشد. (۱۱۲) گفت:

«پروردگارا، [خودت] به حق داوری کن، و به رغم آنچه وصف می کنی، پروردگار ما همان بخشایشگر دستگیر است.» (۱۱۳)

الحج

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای مردم، از پروردگار خود پروا کنید، چرا که زلزله رستاخیز امری هولناک است. (۲) روزی که آن را ببینید، هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می دهد [از ترس] فرو می گذارد، و هر آبستنی بار خود را فرو می نهد، و مردم را مست می بینی و حال آنکه مست نیستند، ولی عذاب خدا شدید است. (۳) و برخی از مردم در باره خدا بدون هیچ علمی مجادله می کنند و از هر شیطان سرکشی پیروی می نمایند. (۴) بر [شیطان] مقرر شده است که هر کس او را به دوستی گیرد، قطعاً او وی را گمراه می سازد و به عذاب آتشش می کشاند. (۵) ای مردم، اگر در باره برانگیخته شدن در شکید، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و [احیاناً] خلقت ناقص، تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم. و آنچه را اراده می کنیم تا مدتی معین در رحمها قرار می دهیم، آنگاه شما را [به صورت] کودک برون می آوریم، سپس [حیات شما را ادامه می دهیم] تا به حد رشدتان برسید، و برخی از شما [زودرس] می میرد، و برخی از شما به غایت پیری می رسد به گونه‌ای که پس از دانستن [بسی چیزها] چیزی نمی داند. و زمین را خشکیده می بینی و [لی] چون آب بر آن فرود آوریم به جنبش درمی آید و نمو می کند و از هر نوع [رستنیهای] نیکو می رویاند. (۶) این [قدرت نمایها] بدان سبب است که خدا خود حق است، و اوست که مردگان را زنده می کند و [هم] اوست که بر هر چیزی تواناست. (۷) و [هم] آنکه رستاخیز آمدنی است [و] شکی در آن نیست، و در حقیقت، خداست که کسانی را که در گورهایند برمی انگیزد. (۸) و از [میان] مردم کسی است که در باره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد، (۹) [آن هم] از سرِ نخوت، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در این دنیا برای او رسوایی است، و در روز رستاخیز او را عذاب آتش سوزان می چشانیم. (۱۰) این [کیفر] به سزای چیزهایی است که دستهای تو پیش فرستاده است و [گرنه] خدا به بندگان خود بیدادگر نیست. (۱۱) و از میان مردم کسی است که خدا را فقط بر یک حال [و بدون عمل] می پرستد. پس اگر خیری به او برسد بدان اطمینان یابد، و چون بلایی بدو رسد روی برتابد. در دنیا و آخرت زیان دیده است. این است همان زیان آشکار. (۱۲) به جای خدا چیزی را می خواند که نه زبانی به او می رساند و نه سودش می دهد. این است همان گمراهی دور و دراز. (۱۳) کسی را می خواند که زبانش از سودش نزدیکتر است. و چه بد مولایی و چه بد دمسازی! (۱۴) بی گمان، خدا کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند به باغهایی درمی آورد که از زیر [درختان] آن رودبارها روان است. خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. (۱۵) هر که می پندارد که خدا [پیامبرش] را در دنیا و آخرت هرگز یاری نخواهد کرد [بگو] تا طنابی به سوی سقف کشد [و خود را حلق آویز کند] سپس [آن را] ببرد. آنگاه بنگرد که آیا نیرنگش چیزی را که مایه خشم او شده از میان خواهد برد؟ (۱۶) و بدین گونه [قرآن] را [به صورت] آیاتی روشنگر نازل کردیم، و خداست که هر که را بخواهد راه می نماید. (۱۷) کسانی که ایمان آوردند و کسانی که یهودی شدند و صابئی‌ها و مسیحیان و زرتشتیان و کسانی که شرک ورزیدند، البته خدا روز قیامت میانشان داوری خواهد کرد، زیرا خدا بر هر چیزی گواه است. (۱۸) آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمانها و هر کس در زمین است، و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوهها و درختان و جنندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می کنند؟ و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است. و هر که را خدا خوار کند او را گرمی دارنده‌ای نیست، چرا که خدا هر چه بخواهد انجام می دهد. (۱۹) این دو [گروه]، دشمنان یکدیگرند که در باره پروردگارشان با هم ستیزه می کنند، و کسانی که کفر ورزیدند، جامه‌هایی از آتش برایشان بریده شده است [و] از بالای سرشان آب جوشان ریخته می شود. (۲۰) آنچه در شکم آنهاست با پوست [بدن]شان بدان گذاخته می گردد. (۲۱) و برای [وارد کردن ضربت بر سر] آنان گرزهایی آهنین است. (۲۲) هر بار بخواهند از [شدت] غم، از آن بیرون روند در آن باز گردانیده می شوند [که هان] بچشید عذاب

آتش سوزان را. (۲۳) خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی آورد: در آنجا با دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌شوند، و لباسشان در آنجا از پرنیان است. (۲۴) و به گفتار پاک هدایت می‌شوند و به سوی راه [خدای] ستوده هدایت می‌گردند. (۲۵) بی‌گمان، کسانی که کافر شدند و از راه خدا و مسجد الحرام - که آن را برای مردم، اعم از مقیم در آنجا و بادیه‌نشین، یکسان قرار داده‌ایم - جلو گیری می‌کنند، و [نیز] هر که بخواهد در آنجا به ستم [از حق] منحرف شود، او را از عذابی دردناک می‌چشانیم. (۲۶) و چون برای ابراهیم جای خانه را معین کردیم [بدو گفتیم: «چیزی را با من شریک مگردان و خانه‌ام را برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان [و] سجده کنندگان پاکیزه دار.»] (۲۷) و در میان مردم برای [ادای] حج بانگ برآور تا [زایران] پیاده و [سوار] بر هر شتر لاغری - که از هر راه دوری می‌آیند - به سوی تو روی آورند، (۲۸) تا شاهد منافع خویش باشند، و نام خدا را در روزهای معلومی بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنان کرده است ببرند. پس، از آنها بخورید و به درمانده مستمند بخورانید. (۲۹) سپس باید آلودگی خود را بزدايند و به نذرهای خود وفا کنند و بر گرد آن خانه کهن [= کعبه] طواف به جای آورند. (۳۰) این است [آنچه مقرر شده] و هر کس مقررات خدا را بزرگ دارد، آن برای او نزد پروردگارش بهتر است، و برای شما دامها حلال شده است، مگر آنچه بر شما خوانده می‌شود. پس، از پلیدی بتها دوری کنید، و از گفتار باطل اجتناب ورزید. (۳۱) در حالی که گروندگان خالص به خدا باشید؛ نه شریک گیرندگان [برای] او! و هر کس به خدا شرک ورزد چنان است که گویی از آسمان فرو افتاده و مرغان [شکاری] او را ربوده‌اند یا باد او را به جایی دور افکنده است. (۳۲) این است [فرائض خدا] و هر کس شعایر خدا را بزرگ دارد در حقیقت، آن [حاکمی] از پاکی دلهاست. (۳۳) برای شما در آن [دامها] تا مدتی معین سودهایی است، سپس جایگاه [قربانی کردن آنها و سایر فرائض] در خانه کهن [= کعبه] است. (۳۴) و برای هر امتی مناسکی قرار دادیم، تا نام خدا را بر دامهای زبان‌بسته‌ای که روزی آنها گردانیده یاد کنند. پس [بدانید که] خدای شما خدایی یگانه است، پس به [فرمان] او گردن نهید. و فروتنان را بشارت ده. (۳۵) همانان که چون [نام] خدا یاد شود، دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه‌کنند و برپا دارندگان نمازند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۳۶) و شتران فربه را برای شما از [جمله] شعایر خدا قرار دادیم: در آنها برای شما خیر است. پس نام خدا را بر آنها - در حالی که برپای ایستاده‌اند - ببرید و چون به پهلو درغلتیدند از آنها بخورید و به تنگدست [سائل] و به بینوای [غیر سائل] بخورانید. این گونه آنها را برای شما رام کردیم، امید که شکر گزار باشید. (۳۷) هرگز [نه] گوشت‌های آنها و نه خون‌هایشان به خدا نخواهد رسید، ولی [این] تقوای شماست که به او می‌رسد. این گونه [خداوند] آنها را برای شما رام کرد، تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت نموده به بزرگی یاد کنید، و نیکوکاران را مژده ده. (۳۸) قطعاً خداوند از کسانی که ایمان آورده‌اند دفاع می‌کند، زیرا خدا هیچ خیانتکار ناسپاسی را دوست ندارد. (۳۹) به کسانی که جنگ بر آنان تحمیل شده، رخصت [جهاد] داده شده است، چرا که مورد ظلم قرار گرفته‌اند، و البته خدا بر پیروزی آنان سخت تواناست. (۴۰) همان کسانی که بناحق از خانه‌هایشان بیرون رانده شدند. [آنها گناهی نداشتند] جز اینکه می‌گفتند: «پروردگار ما خداست» و اگر خدا بعضی از مردم را با بعضی دیگر دفع نمی‌کرد، صومعه‌ها و کلیساها و کنیسه‌ها و مساجدی که نام خدا در آنها بسیار برده می‌شود، سخت ویران می‌شد، و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد، چرا که خدا سخت نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۴۱) همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و امی دارند، و از کارهای ناپسند باز می‌دارند، و فرجام همه کارها از آن خداست. (۴۲) و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از آنان قوم نوح و عاد و ثمود [نیز] به تکذیب پرداختند. (۴۳) و [نیز] قوم ابراهیم و قوم لوط. (۴۴) و [همچنین] اهل مدین. و موسی تکذیب شد، پس کافران را مهلت دادم، سپس [گریبان] آنها را گرفتم. بنگر، عذاب من چگونه بود؟ (۴۵) و چه بسیار شهرها را - که ستمکار بودند - هلاکشان کردیم و [اینک] آن [شهرها] سقف‌هایش فرو ریخته است، و [چه بسیار] چاههای متروک و کوشک‌های افراشته را. (۴۶) آیا در زمین گردش نکرده‌اند، تا دل‌هایی داشته باشند که با آن بیندیشند

یا گوشه‌هایی که با آن بشنوند؟ در حقیقت، چشمها کور نیست لیکن دل‌هایی که در سینه‌هاست کور است. (۴۷) و از تو با شتاب تقاضای عذاب می‌کنند، با آنکه هرگز خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، و در حقیقت، یک روز [از قیامت] نزد پروردگارت مانند هزار سال است از آنچه می‌شمردی. (۴۸) و چه بسا شهری که مهلتش دادم، در حالی که ستمکار بود؛ سپس [گریبان] آن را گرفتم، و فرجام به سوی من است. (۴۹) بگو: «ای مردم، من برای شما فقط هشداردهنده‌ای آشکارم.» (۵۰) پس آنان که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و روزی نیکو برای ایشان خواهد بود. (۵۱) و کسانی که در [تخطئه] آیات ما می‌کوشند [و به خیال خود] عاجزکنندگان ما هستند، آنان اهل دوزخند. (۵۲) و پیش از تو [نیز] هیچ رسول و پیامبری را نفرستادیم جز اینکه هر گاه چیزی تلاوت می‌نمود، شیطان در تلاوتش القای [شبهه] می‌کرد. پس خدا آنچه را شیطان القا می‌کرد محو می‌گردانید، سپس خدا آیات خود را استوار می‌ساخت، و خدا دانای حکیم است. (۵۳) تا آنچه را که شیطان القا می‌کند، برای کسانی که در دل‌هایشان بیماری است و [نیز] برای سنگدلان آزمایشی گرداند، و ستمگران در ستیزه‌ای بس دور و درازند. (۵۴) و تا آنان که دانش یافته‌اند بدانند که این [قرآن] حق است [و] از جانب پروردگار توست. و بدان ایمان آورند و دل‌هایشان برای او خاضع گردد. و به راستی خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند، به سوی راهی راست راهبر است. (۵۵) و [لی] کسانی که کفر ورزیده‌اند، همواره از آن در تردیدند، تا بناگاه قیامت برای آنان فرا رسد، یا عذاب روزی بدفرجام به سراغشان بیاید. (۵۶) در آن روز، پادشاهی از آن خداست: میان آنان داوری می‌کند، و [در نتیجه] کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهای پرناز و نعمت خواهند بود. (۵۷) و کسانی که کفر ورزیده و نشانه‌های ما را دروغ پنداشته‌اند، برای آنان عذابی خفت‌آور خواهد بود. (۵۸) و آنان که در راه خدا مهاجرت کرده‌اند، و آنگاه کشته شده یا مرده‌اند، قطعاً خداوند به آنان رزقی نیکو می‌بخشد. و راستی این خداست که بهترین روزی دهندگان است. (۵۹) آنان را به جایگاهی که آن را می‌پسندند در خواهد آورد، و شک نیست که خداوند دانایی بردبار است. (۶۰) آری چنین است، و هر کس نظیر آنچه بر او عقوبت رفته است دست به عقوبت زند، سپس مورد ستم قرار گیرد، قطعاً خدا او را یاری خواهد کرد، چرا که خدا بخشایشگر و آمرزنده است. (۶۱) این بدان سبب است که خدا شب را در روز درمی‌آورد و روز را [نیز] در شب درمی‌آورد، و خداست که شنوای بیناست. (۶۲) [آری]، این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به جای او می‌خوانند آن باطل است، و این خداست که والا- و بزرگ است. (۶۳) آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرو فرستاد و زمین سرسبز گردید؟ آری، خداست که دقیق و آگاه است. (۶۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و در حقیقت، این خداست که خود بی‌نیاز ستوده [صفات] است. (۶۵) آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید، و کشتیها در دریا به فرمان او روانند، و آسمان را نگاه می‌دارد تا [مبادا] بر زمین فرو افتد، مگر به اذن خودش [باشد]. در حقیقت، خداوند نسبت به مردم سخت رئوف و مهربان است. (۶۶) و اوست که شما را زندگی بخشید، سپس شما را می‌میراند، و باز زندگی [نو] می‌دهد. حقا که انسان سخت ناسپاس است. (۶۷) برای هر امتی مناسبی قرار دادیم که آنها بدان عمل می‌کنند، پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند، به راه پروردگارت دعوت کن، زیرا تو بر راهی راست قرار داری. (۶۸) و اگر با تو مجادله کردند، بگو: «خدا به آنچه می‌کنید داناتر است.» (۶۹) خدا روز قیامت در مورد آنچه با یکدیگر در آن اختلاف می‌کردید، داوری خواهد کرد. (۷۰) آیا ندانسته‌ای که خداوند آنچه را در آسمان و زمین است می‌داند؟ اینها [همه] در کتابی [مندرج] است. قطعاً این بر خدا آسان است. (۷۱) و به جای خدا چیزی را می‌پرستند که بر [تأیید] آن حجّتی نازل نکرده و بدان دانشی ندارند، و برای ستمکاران یآوری نخواهد بود. (۷۲) و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده می‌شود، در چهره کسانی که کفر ورزیده‌اند [اثر] انکار را تشخیص می‌دهی: چیزی نمانده که بر کسانی که آیات ما را برایشان تلاوت می‌کنند حمله‌ور شوند. بگو: «آیا شما را به بدتر از این خبر دهم؟ [همان] آتش است که خدا آن را به کسانی که کفر ورزیده‌اند وعده داده، و چه بد سرانجامی است.» (۷۳) ای مردم، مثلی زده شد. پس بدان گوش فرا دهید: کسانی را که جز خدا می‌خوانید هرگز [حتی] مگسی نمی‌آفرینند، هر چند برای [آفریدن] آن

اجتماع کنند، و اگر آن مگس چیزی از آنان بریاید نمی‌توانند آن را بازپس گیرند. طالب و مطلوب هر دو ناتوانند. (۷۴) قدر خدا را چنانکه در خور اوست نشناختند. در حقیقت، خداست که نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۷۵) خدا از میان فرشتگان رسولانی برمی‌گزیند، و نیز از میان مردم. بی‌گمان خدا شنوای بیناست. (۷۶) آنچه در دسترس آنان و آنچه پشت سرشان است می‌داند و [همه] کارها به خدا بازگردانیده می‌شود. (۷۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، رکوع و سجود کنید و پروردگارتان را پرستید و کار خوب انجام دهید، باشد که رستگار شوید. (۷۸) و در راه خدا چنانکه حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را [برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن نیز همین مطلب آمده است] تا این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید و به پناه خدا روید. او مولای شماست؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یاور. (۷۹)

المؤمنون

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) به راستی که مؤمنان رستگار شدند، (۲) همانان که در نمازشان فروتنند، (۳) و آنان که از بیهوده رویگردانند، (۴) و آنان که زکات می‌پردازند، (۵) و کسانی که پاکدامنند، (۶) مگر در مورد همسرانشان یا کنیزانی که به دست آورده‌اند، که در این صورت بر آنان نکوهشی نیست. (۷) پس هر که فراتر از این جوید، آنان از حد در گذرند گانند. (۸) و آنان که امانتها و پیمان خود را رعایت می‌کنند، (۹) و آنان که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند، (۱۰) آنانند که خود وارثانند، (۱۱) همانان که بهشت را به ارث می‌برند و در آنجا جاودان می‌مانند. (۱۲) و به یقین، انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم. (۱۳) سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. (۱۴) آنگاه نطفه را به صورت علقه در آوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آنگاه مضغه را استخوانهایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم، آنگاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. (۱۵) بعد از این [مراحل] قطعاً خواهید مُرد. (۱۶) آنگاه شما در روز رستاخیز برانگیخته خواهید شد. (۱۷) و به راستی [ما] بالای سر شما هفت راه [آسمانی] آفریدیم و از [کار] آفرینش غافل نبوده‌ایم. (۱۸) و از آسمان، آبی به اندازه [معین] فرود آوردیم، و آن را در زمین جای دادیم، و ما برای از بین بردن آن مسلماً تواناییم. (۱۹) پس برای شما به وسیله آن باغهایی از درختان خرما و انگور پدیدار کردیم که در آنها برای شما میوه‌های فراوان است و از آنها می‌خورید. (۲۰) و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورشی برای خورندگان است. (۲۱) و البته برای شما در دامها [گلّه درس] عبرتی است: از [شیری] که در شکم آنهاست، به شما می‌نوشانیم، و برای شما در آنها سوده‌های فراوان است و از آنها می‌خورید. (۲۲) و بر آنها و بر کشتیها سوار می‌شوید. (۲۳) و به یقین نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس [به آنان] گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید. شما را جز او خدایی نیست. مگر پروا ندارید؟» (۲۴) و اشراف قومش که کافر بودند گفتند: «این [مرد] جز بشری چون شما نیست، می‌خواهد بر شما برتری جوید، و اگر خدا می‌خواست قطعاً فرشتگانی می‌فرستاد. [ما] در میان پدران نخستین خود، چنین [چیزی] نشنیده‌ایم.» (۲۵) او نیست جز مردی که در وی [حال] جنون است، پس تا چندی در باره‌اش دست نگاه دارید. (۲۶) [نوح] گفت: «پروردگارا، از آن روی که دروغ‌زنم خواندند مرا یاری کن.» (۲۷) پس به او وحی کردیم که: زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز، و چون فرمان ما در رسید و تنور به فوران آمد، پس در آن از هر نوع [حیوانی] دو تا [یکی نر و دیگری ماده] با خانواده‌ات - بجز کسی از آنان که حکم [عذاب] بر او پیشی گرفته است - وارد کن، در باره کسانی که ظلم کرده‌اند با من سخن مگوی، زیرا آنها غرق خواهند شد. (۲۸) و چون تو با آنان که همراه تو بر کشتی نشستی بگو: «ستایش خدایی را که ما را از [چنگ] گروه ظالمان رها کند.» (۲۹) و بگو: «پروردگارا، مرا در جایی پربرکت فرود آور [که] تو نیکترین مهمان‌نوازی.» (۳۰) در حقیقت، در این [ماجرا] عبرتهایی است، و قطعاً ما آزمایش‌کننده بودیم. (۳۱) سپس، بعد از آنان نسل [هایی] دیگر پدید

آوردیم. (۳۲) و در میانشان پیامبری از خودشان روانه کردیم که: خدا را بپرستید. جز او برای شما معبودی نیست. آیا سر پرهیزگاری ندارید؟ (۳۳) و اشراف قومش که کافر شده، و دیدار آخرت را دروغ پنداشته بودند، و در زندگی دنیا آنان را مرفه ساخته بودیم گفتند: «این [مرد] جز بشری چون شما نیست: از آنچه می خورید، می خورد؛ و از آنچه می نوشید، می نوشد. (۳۴) و اگر بشری مثل خودتان را اطاعت کنید در آن صورت قطعاً زیانکار خواهید بود. (۳۵) آیا به شما وعده می دهد که وقتی مُردید و خاک و استخوان شدید [باز] شما [از گور زنده] بیرون آورده می شوید؟ (۳۶) وه، چه دور است آنچه که وعده داده می شوید. (۳۷) جز این زندگانی دنیای ما چیزی نیست. می میریم و زندگی می کنیم و دیگر برانگیخته نخواهیم شد. (۳۸) او جز مردی که بر خدا دروغ می بندد نیست، و ما به او اعتقاد نداریم.» (۳۹) گفت: «پروردگارا، از آن روی که مرا دروغزن خواندند یاریم کن.» (۴۰) فرمود: «به زودی سخت پشیمان خواهند شد.» (۴۱) پس فریاد [مرگبار] آنان را به حق فرو گرفت، و آنها را [چون] خاشاکی که بر آب افتد، گردانیدیم. دور باد [از رحمت خدا] گروه ستمکاران. (۴۲) آنگاه پس از آنان نسلهای دیگری پدید آوردیم. (۴۳) هیچ امتی نه از اجل خود پیشی می گیرد و نه باز پس می ماند. (۴۴) باز فرستادگان خود را پیاپی روانه کردیم. هر بار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند؛ پس [ما امتهای سرکش را] یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبازرد مردم] گردانیدیم. دور باد [از رحمت خدا] مردمی که ایمان نمی آورند. (۴۵) سپس موسی و برادرش هارون را با آیات خود و حجتی آشکار فرستادیم، (۴۶) به سوی فرعون و سران [قوم] او، ولی تکبر نمودند و مردمی گردنکش بودند، (۴۷) پس گفتند: «آیا به دو بشر که مثل خود ما هستند و طایفه آنها بندگان ما می باشند ایمان بیاوریم؟» (۴۸) در نتیجه، آن دو را دروغزن خواندند، پس از زمره هلاک شدگان گشتند. (۴۹) و به یقین، ما به موسی کتاب [آسمانی] دادیم، باشد که آنان به راه راست روند. (۵۰) و پسر مریم و مادرش را نشانه ای گردانیدیم و آن دو را در سرزمین بلندی که جای زیست و [دارای] آب زلال بود جای دادیم. (۵۱) ای پیامبران، از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید، که من به آنچه انجام می دهید دانایم. (۵۲) و در حقیقت، این امت شماس است که امتی یگانه است، و من پروردگار شمایم؛ پس، از من پروا دارید. (۵۳) تا کار [دین]شان را میان خود قطعه قطعه کردند [و] دسته دسته شدند: هر دسته ای به آنچه نزدشان بود، دل خوش کردند. (۵۴) پس آنها را در ورطه گمراهی شان تا چندی واگذار. (۵۵) آیا می پندارند که آنچه از مال و پسران که بدیشان مدد می دهیم، (۵۶) [از آن روی است که] می خواهیم به سودشان در خیرات شتاب ورزیم؟ [نه]، بلکه نمی فهمند. (۵۷) در حقیقت، کسانی که از بیم پروردگارشان هراسانند، (۵۸) و کسانی که به نشانه های پروردگارشان ایمان می آورند، (۵۹) و آنان که به پروردگارشان شرک نمی آورند، (۶۰) و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می دهند، در حالی که دلهایشان ترسان است [و می دانند] که به سوی پروردگارشان بازخواهند گشت، (۶۱) آنانند که در کارهای نیک شتاب می ورزند و آنانند که در انجام آنها سبقت می جویند. (۶۲) و هیچ کس را جز به قدر توانش تکلیف نمی کنیم، و نزد ما کتابی است که به حق سخن می گوید و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۶۳) [نه]، بلکه دلهای آنان از این [حقیقت] در غفلت است، و آنان غیر از این [گناهان] کردارهایی [دیگر] دارند که به انجام آن مبادرت می ورزند. (۶۴) تا وقتی خوشگذرانان آنها را به عذاب گرفتار ساختیم، بناگاه به زاری درمی آیند. (۶۵) امروز زاری مکنید که قطعاً شما از جانب ما یاری نخواهید شد. (۶۶) در حقیقت، آیات من بر شما خوانده می شد و شما بودید که همواره به قهقرا می رفتید. (۶۷) در حالی که از [پذیرفتن] آن تکبر می ورزیدید و شب هنگام [در محافل خود] بدگویی می کردید. (۶۸) آیا در [عظمت] این سخن نیندیشیده اند، یا چیزی برای آنان آمده که برای پدران پیشین آنها نیامده است؟ (۶۹) یا پیامبر خود را [درست] نشناخته و [لذا] به انکار او پرداخته اند؟ (۷۰) یا می گویند او جنونی دارد؟ [نه]، بلکه [او] حق را برای ایشان آورده و [لی] بیشترشان حقیقت را خوش ندارند. (۷۱) و اگر حق از هوسهای آنها پیروی می کرد، قطعاً آسمانها و زمین و هر که در آنهاست تباه می شد. [نه!] بلکه یادنامه شان را به آنان داده ایم، ولی آنها از [پیروی] یادنامه خود رویگردانند. (۷۲) یا از ایشان مزدی مطالبه می کنی؟ و مزد پروردگارت بهتر است، و اوست که بهترین روزی دهندگان است. (۷۳) و در حقیقت، این تویی که جلداً آنها

را به راه راست می‌خوانی. (۷۴) و به راستی کسانی که به آخرت ایمان ندارند، از راه [درست] سخت منحرفند. (۷۵) و اگر ایشان را ببخشاییم، و آنچه از صدمه بر آنان [وارد آمده] است برطرف کنیم، در طغیان خود کوردلانه اصرار می‌ورزند. (۷۶) و به راستی ایشان را به عذاب گرفتار کردیم و [لی] نسبت به پروردگارشان فروتنی نکردند و به زاری درنیامدند. (۷۷) تا وقتی که دری از عذاب دردناک بر آنان گشودیم، بناگاه ایشان در آن [حال] نومید شدند. (۷۸) و اوست آن کس که برای شما گوش و چشم و دل پدید آورد. چه اندک سپاسگزارید. (۷۹) و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد، و به سوی اوست که گرد آورده خواهید شد. (۸۰) و اوست آن کس که زنده می‌کند و می‌میراند، و اختلاف شب و روز از اوست. مگر نمی‌اندیشید؟ (۸۱) [نه]، بلکه آنان [نیز] مثل آنچه پیشینان گفته بودند، گفتند. (۸۲) گفتند: «آیا چون بمیریم و خاک و استخوان شویم، آیا واقعاً باز ما زنده خواهیم شد؟» (۸۳) درست همین را قبلاً به ما و پدرانمان وعده دادند. این جز افسانه‌های پیشینان [چیزی] نیست. (۸۴) بگو: «اگر می‌دانید [بگویید] زمین و هر که در آن است به چه کسی تعلق دارد؟» (۸۵) خواهند گفت: «به خدا.» بگو: «آیا عبرت نمی‌گیرید؟» (۸۶) بگو: «پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار عرش بزرگ کیست؟» (۸۷) خواهند گفت: «خدا.» بگو: «آیا پرهیزگاری نمی‌کنید؟» (۸۸) بگو: «فرمانروایی هر چیزی به دست کیست؟ و اگر می‌دانید [کیست آنکه] او پناه می‌دهد و در پناه کسی نمی‌رود؟» (۸۹) خواهند گفت: «خدا.» بگو: «پس چگونه دستخوش افسون شده‌اید؟» (۹۰) [نه!] بلکه حقیقت را بر ایشان آوردیم، و قطعاً آنان دروغگویند. (۹۱) خدا فرزندی اختیار نکرده و با او معبودی [دیگر] نیست، و اگر جز این بود، قطعاً هر خدایی آنچه را آفریده [بود] با خود می‌برد، و حتماً بعضی از آنان بر بعضی دیگر تفوق می‌جستند. منزّه است خدا از آنچه وصف می‌کنند. (۹۲) دانای نهان و آشکار، و برتر است از آنچه [با او] شریک می‌گردانند. (۹۳) بگو: «پروردگارا، اگر آنچه را که [از عذاب] به آنان وعده داده شده است به من نشان دهی، (۹۴) پروردگارا، پس مرا در میان قوم ستمکار قرار مده.» (۹۵) و به راستی که ما تواناییم که آنچه را به آنان وعده داده‌ایم بر تو بنمایانیم. (۹۶) بدی را به شیوه‌ای نیکو دفع کن. ما به آنچه وصف می‌کنند داناتریم. (۹۷) و بگو: «پروردگارا، از وسوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم. (۹۸) و پروردگارا، از اینکه [آنها] به پیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم.» (۹۹) تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می‌گوید: «پروردگارا، مرا باز گردانید، (۱۰۰) شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد. (۱۰۱) پس آنگاه که در صور دمیده شود، [دیگر] میانشان نسبت خویشاوندی وجود ندارد، و از [حال] یکدیگر نمی‌پرسند. (۱۰۲) پس کسانی که کفه میزان [اعمال] آنان سنگین باشد، ایشان رستگارانند. (۱۰۳) و کسانی که کفه میزان [اعمال] شان سبک باشد، آنان به خویشان زیان زده [و] همیشه در جهنم می‌مانند. (۱۰۴) آتش چهره آنها را می‌سوزاند، و آنان در آنجا ترش رویند. (۱۰۵) آیا آیات من بر شما خوانده نمی‌شد و [همواره] آن را مورد تکذیب قرار نمی‌دادید؟» (۱۰۶) می‌گویند: «پروردگارا، شقاوت ما بر ما چیره شد و ما مردمی گمراه بودیم.» (۱۰۷) پروردگارا، ما را از اینجا بیرون بر، پس اگر باز هم [به بدی] برگشتیم، در آن صورت ستمگر خواهیم بود. (۱۰۸) می‌فرماید: «[بروید] در آن گم شوید و با من سخن مگویید.» (۱۰۹) در حقیقت، دسته‌ای از بندگان من بودند که می‌گفتند: «پروردگارا، ایمان آوردیم. بر ما ببخشای و به ما رحم کن [که] تو بهترین مهربانی.» (۱۱۰) و شما آنان [=مؤمنان] را به ریشخند گرفتید، تا [با این کار] یاد مرا از خاطرتان بردند و شما بر آنان می‌خندیدید. (۱۱۱) من [هم] امروز به [پاس] آنکه صبر کردند، بدانان پاداش دادم. آری، ایشانند که رستگارانند. (۱۱۲) می‌فرماید: «چه مدت به عدد سالها در زمین ماندید؟» (۱۱۳) می‌گویند: «یک روز یا پاره‌ای از یک روز ماندیم. از شما گران [خود] بپرس.» (۱۱۴) می‌فرماید: «جز اندکی درنگ نکردید، کاش شما می‌دانستید.» (۱۱۵) آیا پنداشتید که شما را بیهوده آفریده‌ایم و اینکه شما به سوی ما باز گردانیده نمی‌شوید؟» (۱۱۶) پس والایست خدا، فرمانروای برحق، خدایی جز او نیست. [اوست] پروردگار عرش گرانمایه. (۱۱۷) و هر کس با خدا معبود دیگری بخواند، برای آن برهانی نخواهد داشت، و حسابش فقط با پروردگارش می‌باشد، در

حقیقت، کافران رستگار نمی‌شوند. (۱۱۸) و بگو: «پروردگارا، ببخشای و رحمت کن [که] تو بهترین بخشاینده گانی. (۱۱۹)

النور

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) [این] سوره‌ای است که آن را نازل و آن را فرض گردانیدیم و در آن آیاتی روشن فرو فرستادیم، باشد که شما پند پذیرید. (۲) به هر زن زناکار و مرد زناکاری صد تازیانه بزنید، و اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید، در [کار] دین خدا، نسبت به آن دو دلسوزی نکنید، و باید گروهی از مؤمنان در کیفر آن دو حضور یابند. (۳) مرد زناکار، جز زن زناکار یا مشرک را به همسری نگیرد، و زن زناکار، جز مرد زناکار یا مشرک را به زنی نگیرد، و بر مؤمنان این [امر] حرام گردیده است. (۴) و کسانی که نسبت زنا به زنان شوهردار می‌دهند، سپس چهار گواه نمی‌آورند، هشتاد تازیانه به آنان بزنید، و هیچگاه شهادتی از آنها نپذیرید، و اینانند که خود فاسقند. (۵) مگر کسانی که بعد از آن [بهتان] توبه کرده و به صلاح آمده باشند که خدا البته آمرزنده مهربان است. (۶) و کسانی که به همسران خود نسبت زنا می‌دهند، و جز خودشان گواهی [دیگر] ندارند، هر یک از آنان [باید] چهار بار به خدا سوگند یاد کند که او قطعاً از راستگویان است. (۷) و [گواهی در دفعه] پنجم این است که [شوهر بگوید]: لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد. (۸) و از [زن]، کیفر ساقط می‌شود، در صورتی که چهار بار به خدا سوگند یاد کند که [شوهر] او جداً از دروغگویان است. (۹) و [گواهی] پنجم آنکه خشم خدا بر او باد اگر [شوهرش] از راستگویان باشد. (۱۰) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا توبه‌پذیر سنجیده کار است [رسوا می‌شدید]. (۱۱) در حقیقت، کسانی که آن بهتان [داستانِ افک] را [در میان] آوردند، دسته‌ای از شما بودند. آن [تهمت] را شری برای خود تصور مکنید بلکه برای شما در آن مصلحتی [بوده] است. برای هر مردی از آنان [که در این کار دست داشته] همان گناهی است که مرتکب شده است، و آن کس از ایشان که قسمت عمده آن را به گردن گرفته است عذابی سخت خواهد داشت. (۱۲) چرا هنگامی که آن [بهتان] را شنیدید، مردان و زنان مؤمن گمان نیک به خود نبردند و نگفتند: «این بهتانی آشکار است»؟ (۱۳) چرا چهار گواه بر [صحت] آن [بهتان] نیاوردند؟ پس چون گواهان [لازم] را نیاورده‌اند، اینانند که نزد خدا دروغگویانند. (۱۴) و اگر فضل خدا و رحمتش در دنیا و آخرت بر شما نبود، قطعاً به [سزای] آنچه در آن به دخالت پرداختید، به شما عذابی بزرگ می‌رسید. (۱۵) آنگاه که آن [بهتان] را از زبان یکدیگر می‌گفتید و با زبانهای خود چیزی را که بدان علم نداشتید، می‌گفتید و می‌پنداشتید که کاری سهل و ساده است با اینکه آن [امر] نزد خدا بس بزرگ بود. (۱۶) و [گر نه] چرا وقتی آن را شنیدید نگفتید: «برای ما سزاوار نیست که در این [موضوع] سخن گوئیم. [خداوند]، تو منزهی، این بهتانی بزرگ است.» (۱۷) خدا اندر زتان می‌دهد که هیچ گاه دیگر مثل آن را - اگر مؤمنید - تکرار نکنید. (۱۸) و خدا برای شما آیات [خود] را بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده کار است. (۱۹) کسانی که دوست دارند که زشتکاری در میان آنان که ایمان آورده‌اند، شیوع پیدا کند، برای آنان در دنیا و آخرت عذابی پر درد خواهد بود، و خدا [ست که] می‌داند و شما نمی‌دانید. (۲۰) و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نبود و اینکه خدا رثوف و مهربان است [مجازات سختی در انتظارتان بود]. (۲۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، پای از پی گامهای شیطان منهدید، و هر کس پای بر جای گامهای شیطان نهد [بداند که] او به زشتکاری و ناپسند وامی‌دارد، و اگر فضل خدا و رحمتش بر شما نبود، هرگز هیچ کس از شما پاک نمی‌شد، ولی [این] خداست که هر کس را بخواهد پاک می‌گرداند و خدا [ست که] شنوای داناست. (۲۲) و سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند، و باید عفو کنند و گذشت نمایند. مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشاید؟ و خدا آمرزنده مهربان است. (۲۳) بی‌گمان، کسانی که به زنان پاکدامن بی‌خبر [از همه جا] و با ایمان نسبت زنا می‌دهند، در دنیا و آخرت لعنت شده‌اند، و برای آنها عذابی سخت خواهد بود، (۲۴) در روزی که زبان و دستها و پاهایشان، بر ضد آنان برای آنچه انجام می‌دادند، شهادت می‌دهند. (۲۵) آن روز خدا جزای شایسته آنان را به طور کامل می‌دهد و خواهند دانست که خدا

همان حقیقت آشکار است. (۲۶) زنان پلید برای مردان پلیدند، و مردان پلید برای زنان پلید. و زنان پاک برای مردان پاکند، و مردان پاک برای زنان پاک. اینان از آنچه در باره ایشان می‌گویند بر کنارند، برای آنان آموزش و روزی نیکو خواهد بود. (۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌هایی که خانه‌های شما نیست داخل مشوید تا اجازه بگیرید و بر اهل آن سلام گوید. این برای شما بهتر است، باشد که پند گیرید. (۲۸) و اگر کسی را در آن نیافتید، پس داخل آن مشوید تا به شما اجازه داده شود؛ و اگر به شما گفته شد: «برگردید» برگردید، که آن برای شما سزاوارتر است، و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. (۲۹) بر شما گناهی نیست که به خانه‌های غیرمسکونی - که در آنها برای شما استفاده‌ای است - داخل شوید، و خدا آنچه را آشکار و آنچه را پنهان می‌دارد می‌داند. (۳۰) به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.» (۳۱) و به زنان با ایمان بگو: «دیدگان خود را [از هر نامحرمی] فرو بندند و پاکدامنی ورزند و زیورهای خود را آشکار نگردانند مگر آنچه که طبعاً از آن پیداست. و باید روسری خود را بر گردن خویش [فرو] اندازند، و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان یا پسران خواهرانشان یا زنان [همکیش] خود یا کنیزانشان یا خدمتکاران مرد که [از زن] بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف حاصل نکرده‌اند، آشکار نکنند؛ و پاهای خود را [به گونه‌ای به زمین] نکوبند تا آنچه از زینتشان نهفته می‌دارند معلوم گردد. ای مؤمنان، همگی [از مرد و زن] به درگاه خدا توبه کنید، امید که رستگار شوید. (۳۲) بی‌همسران خود، و غلامان و کنیزان درستکاران را همسر دهید. اگر تنگدستند، خداوند آنان را از فضل خویش بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا گشایشگر داناست. (۳۳) و کسانی که [وسیله] زناشویی نمی‌یابند، باید عفت ورزند تا خدا آنان را از فضل خویش بی‌نیاز گرداند. و از میان غلامانتان، کسانی که در صدقند با قرارداد کتبی، خود را آزاد کنند، اگر در آنان خیری [و توانایی پرداخت مال] می‌یابید، قرار باز خرید آنها را بنویسید، و از آن مالی که خدا به شما داده است به ایشان بدهید [تا تدریجاً خود را آزاد کنند]، و کنیزان خود را - در صورتی که تمایل به پاکدامنی دارند - برای اینکه متاع زندگی دنیا را بجویید، به زنا وادار مکنید، و هر کس آنان را به زور وادار کند، در حقیقت، خدا پس از اجبار نمودن ایشان، [نسبت به آنها] آمرزنده مهربان است. (۳۴) و قطعاً به سوی شما آیاتی روشنگر و خبری از کسانی که پیش از شما روزگار به سر برده‌اند، و موعظه‌ای برای اهل تقوا فرود آورده‌ایم. (۳۵) خدا نور آسمانها و زمین است. مثل نور او چون چراغدانی است که در آن چراغی، و آن چراغ در شیشه‌ای است. آن شیشه گویی اختری درخشان است که از درخت خجسته زیتونی که نه شرقی است و نه غربی، افروخته می‌شود. نزدیک است که روغنش - هر چند بدان آتشی نرسیده باشد - روشنی بخشد. روشنی بر روی روشنی است. خدا هر که را بخواهد با نور خویش هدایت می‌کند، و این مثلها را خدا برای مردم می‌زند و خدا به هر چیزی داناست. (۳۶) در خانه‌هایی که خدا رخصت داده که [قدر و منزلت] آنها رفعت یابد و نامش در آنها یاد شود. در آن [خانه]ها هر بامداد و شامگاه او را نیایش می‌کنند: (۳۷) مردانی که نه تجارت و نه داد و ستدی، آنان را از یاد خدا و برپا داشتن نماز و دادن زکات، به خود مشغول نمی‌دارد، و از روزی که دلها و دیده‌ها در آن زیور و می‌شود می‌هراسند. (۳۸) تا خدا بهتر از آنچه انجام می‌دادند، به ایشان جزا دهد و از فضل خود بر آنان بیفزاید، و خدا [ست که] هر که را بخواهد بی‌حساب روزی می‌دهد. (۳۹) و کسانی که کفر ورزیدند، کارهایشان چون سرابی در زمینی هموار است که تشنه، آن را آبی می‌پندارد، تا چون بدان رسد آن را چیزی نیابد و خدا را نزد خویش یابد و حسابش را تمام به او دهد و خدا زودشمار است. (۴۰) یا [کارهایشان] مانند تاریکیهایی است که در دریایی ژرف است که موجی آن را می‌پوشاند [و] روی آن موجی [دیگر] است [و] بالای آن ابری است. تاریکیهایی است که بعضی بر روی بعضی قرار گرفته است. هر گاه [غرقه] دستش را بیرون آورد، به زحمت آن را می‌بیند، و خدا به هر کس نوری نداده باشد او را هیچ نوری نخواهد بود. (۴۱) آیا ندانسته‌ای که هر که [و هر چه] در آسمانها و زمین است برای خدا تسبیح می‌گویند، و پرندگان [نیز] در حالی که در آسمان پر گشوده‌اند [تسبیح او می‌گویند]؟ همه ستایش و نیایش خود را

می‌دانند، و خدا به آنچه می‌کنند داناست. (۴۲) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی خداست. (۴۳) آیا ندانسته‌ای که خدا [ست که] ابر را به آرامی می‌راند، سپس میان [اجزاء] آن پیوند می‌دهد، آنگاه آن را متراکم می‌سازد، پس دانه‌های باران را می‌بینی که از خلال آن بیرون می‌آید، و [خداست که] از آسمان از کوههایی [از ابر یخزده] که در آنجاست تگرگی فرو می‌ریزد؛ و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند، و آن را از هر که بخواهد باز می‌دارد. نزدیک است روشنی برقش چشمها را ببرد. (۴۴) خداست که شب و روز را با هم جابجا می‌کند. قطعاً در این [تبدیل] برای دیده‌وران [درس] عبرتی است. (۴۵) و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید. پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار [پا] راه می‌روند. خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. در حقیقت، خدا بر هر چیزی تواناست. (۴۶) قطعاً آیاتی روشنگر فرود آورده‌ایم، و خدا هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند. (۴۷) و می‌گویند: «به خدا و پیامبر [او] گرویدیم و اطاعت کردیم.» آنگاه دسته‌ای از ایشان پس از این [اقرار] روی برمی‌گردانند، و آنان مؤمن نیستند. (۴۸) و چون به سوی خدا و پیامبر او خوانده شوند، تا میان آنان داوری کند، بناگاه دسته‌ای از آنها روی برمی‌تابند. (۴۹) و اگر حق به جانب ایشان باشد، به حال اطاعت به سوی او می‌آیند. (۵۰) آیا در دل‌هایشان بیماری است، یا شک دارند، یا از آن می‌ترسند که خدا و فرستاده‌اش بر آنان ستم ورزند؟ [نه]، بلکه خودشان ستمکارند. (۵۱) گفتار مؤمنان - وقتی به سوی خدا و پیامبرش خوانده شوند تا میانشان داوری کند - تنها این است که می‌گویند: «شنیدیم و اطاعت کردیم.» اینانند که رستگارند. (۵۲) و کسی که خدا و فرستاده او را فرمان برد، و از خدا بترسد و از او پروا کند؛ آنانند که خود کامیابند. (۵۳) و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر به آنان فرمان دهی، بی شک [برای جهاد] بیرون خواهند آمد. بگو: «سوگند مخورید. اطاعتی پسندیده [بهتر است] که خدا به آنچه می‌کنید داناست.» (۵۴) بگو: «خدا و پیامبر را اطاعت کنید. پس اگر پشت نمودید، [بدانید که] بر عهده اوست آنچه تکلیف شده و بر عهده شماست آنچه موظف هستید. و اگر اطاعتش کنید راه خواهید یافت، و بر فرستاده [خدا] جز ابلاغ آشکار [مأموریتی] نیست. (۵۵) خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در این سرزمین جانشین [خود] قرار دهد؛ همان گونه که کسانی را که پیش از آنان بودند جانشین [خود] قرار داد، و آن دینی را که برایشان پسندیده است به سودشان مستقر کند، و بیمشان را به ایمنی مبدل گرداند، [تا] مرا عبادت کنند و چیزی را با من شریک نگردانند، و هر کس پس از آن به کفر گراید؛ آنانند که نافرمانند. (۵۶) و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید. (۵۷) و مپندار کسانی که کفر ورزیدند [ما را] در زمین در مانده می‌کنند؛ جایگاهشان در آتش است و چه بد بازگشتگاهی است. (۵۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، قطعاً باید غلام و کنیزهای شما و کسانی از شما که به [سن] بلوغ نرسیده‌اند سه بار در شبانه روز از شما کسب اجازه کنند: پیش از نماز بامداد، و نیمروز که جامه‌های خود را بیرون می‌آورید، و پس از نماز شامگاهان. [این] سه هنگام برهنگی شماست، نه بر شما و نه بر آنان گناهی نیست که غیر از این [سه هنگام] گرد یکدیگر بچرخید [و با هم معاشرت نمایید]. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می‌کند، و خدا دانای سنجیده کار است. (۵۹) و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند کسب اجازه کردند. خدا آیات خود را این گونه برای شما بیان می‌دارد، و خدا دانای سنجیده کار است. (۶۰) و بر زنان از کار افتاده‌ای که [دیگر] امید زناشویی ندارند گناهی نیست که پوشش خود را کنار نهند [به شرطی که] زینتی را آشکار نکنند؛ و عفت ورزیدن برای آنها بهتر است، و خدا شنوای داناست. (۶۱) بر نابینا و لنگ و بیمار و بر شما ایرادی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید، یا از خانه‌های پدرانتان یا خانه‌های مادرانتان یا خانه‌های برادرانتان یا خانه‌های خواهرانتان یا خانه‌های عموهایتان یا خانه‌های عمه‌هایتان یا خانه‌های دایه‌هایتان یا خانه‌های خاله‌هایتان یا آن [خانه‌هایی] که کلیدهایش را در اختیار دارید یا [خانه] دوستان. [هم چنین] بر شما باکی نیست که با هم بخورید یا پراکنده. پس چون به خانه‌هایی [که گفته شد] درآمدید، به یکدیگر

سلام کنید؛ درودی که نزد خدا مبارک و خوش است. خداوند آیات [خود] را این گونه برای شما بیان می کند، امید که بیندیشید. (۶۲) جز این نیست که مؤمنان کسانی اند که به خدا و پیامبرش گرویده اند، و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند، تا از وی کسب اجازه نکنند نمی روند. در حقیقت، کسانی که از تو کسب اجازه می کنند؛ آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند. پس چون برای برخی از کارهایشان از تو اجازه خواستند، به هر کس از آنان که خواستی اجازه ده و برایشان آموزش بخواه که خدا آمرزنده مهربان است. (۶۳) خطاب کردن پیامبر را در میان خود، مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار دهید. خدا می داند [چه] کسانی از شما دزدانه [از نزد او] می گیرند. پس کسانی که از فرمان او تمرد می کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند. (۶۴) هشدار که آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست. به یقین آنچه را که بر آنید می داند، و روزی که به سوی او بازگردانیده می شوند آنان را [از حقیقت] آنچه انجام داده اند خبر می دهد، و خدا به هر چیزی داناست. (۶۵)

الفرقان

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بزرگ [و خجسته] است کسی که بر بنده خود، فرقان [= کتاب جدا سازنده حق از باطل] را نازل فرمود، تا برای جهانیان هشدار دهنده ای باشد. (۲) همان کس که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، و فرزندی اختیار نکرده و برای او شریکی در فرمانروایی نبوده است، و هر چیزی را آفریده و بدان گونه که درخور آن بوده اندازه گیری کرده است. (۳) و به جای او خدایانی برای خود گرفته اند که چیزی را خلق نمی کنند و خود خلق شده اند و برای خود نه زبانی را در اختیار دارند و نه سودی را، و نه مرگی را در اختیار دارند و نه حیاتی و نه رستاخیزی را. (۴) و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «این [کتاب] جز دروغی که آن را بر یافته [چیزی] نیست، و گروهی دیگر او را بر آن یاری کرده اند.» و قطعاً [با چنین نسبتی] ظلم و بهتانی به پیش آوردند. (۵) و گفتند: «افسانه های پیشینیان است که آنها را برای خود نوشته، و صبح و شام بر او املا می شود.» (۶) بگو: «آن را کسی نازل ساخته است که راز نمانها را در آسمانها و زمین می داند، و هموست که همواره آمرزنده مهربان است.» (۷) و گفتند: «این چه پیامبری است که غذا می خورد و در بازارها راه می رود؟ چرا فرشته ای به سوی او نازل نشده تا همراه وی هشدار دهنده باشد؟ (۸) یا گنجی به طرف او افکنده نشده یا باغی ندارد که از [بار و بر] آن بخورد؟» و ستمکاران گفتند: «جز مردی افسون شده را دنبال نمی کنید.» (۹) بنگر چگونه برای تو مثلها زدند و گمراه شدند؛ در نتیجه نمی توانند راهی بیابند. (۱۰) بزرگ [و خجسته] است کسی که اگر بخواهد بهتر از این را برای تو قرار می دهد: باغهایی که جویبارها از زیر [درختان] آن روان خواهد بود، و برای تو کاخها پدید می آورد. (۱۱) [نه!] بلکه [آنها] رستاخیز را دروغ خواندند، و برای هر کس که رستاخیز را دروغ خواند آتش سوزان آماده کرده ایم. (۱۲) چون [دوزخ] از فاصله ای دور، آنان را ببیند، خشم و خروشی از آن می شنوند. (۱۳) و چون آنان را در تنگنایی از آن به زنجیر کشیده بیندازند، آنجاست که مرگ [خود] را می خواهند. (۱۴) «امروز یک بار هلاک [خود] را خواهید و بسیار هلاک [خود] را بخواهید.» (۱۵) بگو: «آیا این [عقوبت] بهتر است یا بهشت جاویدان که به پرهیزگاران وعده داده شده است که پاداش و سرانجام آنان است؟» (۱۶) جاودانه هر چه بخواهند در آنجا دارند. پروردگار تو مسؤول [تحقق] این وعده است. (۱۷) و روزی که آنان را با آنچه به جای خدا می پرستند، محشور می کند، پس می فرماید: «آیا شما این بندگان مرا به بیراهه کشاندید یا خود گمراه شدند؟» (۱۸) می گویند: «منزهی تو، ما را نسزد که جز تو دوستی برای خود بگیریم، ولی تو آنان و پدرانشان را برخوردار کردی تا [آنجا که] یاد [تو] را فراموش کردند و گروهی هلاک شده، بودند.» (۱۹) قطعاً [خدایانتان] در آنچه می گفتید، شما را تکذیب کردند؛ در نتیجه نه می توانید [عذاب را از خود] دفع کنید و نه [خود را] یاری نمایید و هر کس از شما شرک ورزد عذابی سهمگین به او می چشانیم. (۲۰) و پیش از تو پیامبران [خود] را نفرستادیم جز اینکه آنان [نیز] غذا می خوردند و در بازارها راه می رفتند، و

برخی از شما را برای برخی دیگر [وسیله] آزمایش قرار دادیم. آیا شکیبایی می‌کنید؟ و پروردگار تو همواره بیناست. (۲۱) و کسانی که به لقای ما امید ندارند، گفتند: «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند یا پروردگاران را نمی‌بینیم؟» قطعاً در مورد خود تکبر ورزیدند و سخت سرکشی کردند. (۲۲) روزی که فرشتگان را ببینند، آن روز برای گناهکاران بشارتی نیست، و می‌گویند: «دور و ممنوع [آید از رحمت خدا]». (۲۳) و به هر گونه کاری که کرده‌اند می‌پردازیم و آن را [چون] گردی پراکنده می‌سازیم. (۲۴) آن روز، جایگاه اهل بهشت بهتر و استراحتگاهشان نیکوتر است. (۲۵) و روزی که آسمان با ابری سپید از هم می‌شکافد و فرشتگان نزول یابند! (۲۶) آن روز، فرمانروایی بحق، از آن [خدای] رحمان است و روزی است که بر کافران بسی دشوار است. (۲۷) و روزی است که ستمکار دستهای خود را می‌گزد [و] می‌گوید: «ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم». (۲۸) «ای وای، کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم. (۲۹) او [بود که] مرا به گمراهی کشانید پس از آنکه قرآن به من رسیده بود.» و شیطان همواره فروگذارنده انسان است. (۳۰) و پیامبر [خدا] گفت: «پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند.» (۳۱) و این گونه برای هر پیامبری دشمنی از گناهکاران قرار دادیم، و همین بس که پروردگارت راهبر و یاور توست. (۳۲) و کسانی که کافر شدند، گفتند: «چرا قرآن یکجا بر او نازل نشده است؟» این گونه [ما آن را به تدریج نازل کردیم] تا قلبت را به وسیله آن استوار گردانیم، و آن را به آرامی [بر تو] خواندیم. (۳۳) و برای تو مثلی نیاوردند، مگر آنکه [ما] حق را با نیکوترین بیان برای تو آوردیم. (۳۴) کسانی که -به رو درافتاده- به سوی جهنم رانده می‌شوند، آنان بدترین جای و گم‌ترین راه را دارند. (۳۵) و به یقین [ما] به موسی کتاب [آسمانی] عطا کردیم، و برادرش هارون را همراه او دستیار [ش] گردانیدیم. (۳۶) پس گفتیم: «هر دو به سوی قومی که نشانه‌های ما را به دروغ گرفتند بروید.» پس [ما] آنان را به سختی هلاک نمودیم. (۳۷) و قوم نوح را آنگاه که پیامبران [خدا] را تکذیب کردند غرقشان ساختیم، و آنان را برای [همه] مردم عبرتی گردانیدیم و برای ستمکاران عذابی پر درد آماده کرده‌ایم. (۳۸) و [نیز] عادیان و ثمودیان و اصحاب رس و نسلهای بسیاری میان این [جماعتها] را [هلاک کردیم]. (۳۹) و برای همه آنان مثلها زدیم و همه را زیر و زبر کردیم. (۴۰) و قطعاً بر شهری که باران بلا بر آن بارانده شد گذشته‌اند؛ مگر آن را ندیده‌اند؟ [چرا]، ولی امید به زنده شدن ندارند. (۴۱) و چون تو را ببینند، جز به ریشخندت نگیرند، [که:] «آیا این همان کسی است که خدا او را به رسالت فرستاده است؟ (۴۲) چیزی نمانده بود که ما را از خدایانمان -اگر بر آن ایستادگی نمی‌کردیم- منحرف کند. «و هنگامی که عذاب را می‌بینند به زودی خواهند دانست چه کسی گمراه‌تر است. (۴۳) آیا آن کس که هوای [نفس] خود را معبود خویش گرفته است دیدی؟ آیا [می‌توانی] ضامن او باشی؟ (۴۴) یا گمان داری که بیشترشان می‌شنوند یا می‌اندیشند؟ آنان جز مانند ستوران نیستند، بلکه گمراه‌ترند. (۴۵) آیا ندیده‌ای که پروردگارت چگونه سایه را گسترده است؟ و اگر می‌خواست، آن را ساکن قرار می‌داد، آنگاه خورشید را بر آن دلیل گردانیدیم. (۴۶) سپس آن [سایه] را اندک اندک به سوی خود بازمی‌گیریم. (۴۷) و اوست کسی که شب را برای شما پوششی قرار داد و خواب را [مایه] آرامشی. و روز را زمان برخاستن [شما] گردانید. (۴۸) و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [=باران] فرستاد و از آسمان، آبی پاک فرود آوردیم، (۴۹) تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده‌ایم -از دامها و انسانهای بسیار- بنوشانیم. (۵۰) و قطعاً آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند، و [لی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند. (۵۱) و اگر می‌خواستیم قطعاً در هر شهری هشداردهنده‌ای برمی‌انگیزیم. (۵۲) پس، از کافران اطاعت مکن، و با [الهام گرفتن از] قرآن با آنان به جهادی بزرگ پرداز. (۵۳) و اوست کسی که دو دریا را موج‌زنان به سوی هم روان کرد: این یکی شیرین [و] گوارا و آن یکی شور [و] تلخ است؛ و میان آن دو، مانع و حریمی استوار قرار داد. (۵۴) و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نسبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. (۵۵) و غیر از خدا چیزی را می‌پرستند که نه سودشان می‌دهد و نه زیانشان می‌رساند؛ و کافر همواره در برابر پروردگار خود همپشت [شیطان] است. (۵۶) و تو را جز بشارتگر و بیم‌دهنده نفرستادیم. (۵۷) بگو: «بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم، جز اینکه هر کس بخواهد راهی به سوی پروردگارش

[در پیش] گیرد. (۵۸) و بر آن زنده که نمی‌میرد توکل کن و به ستایش او تسبیح گوی؛ و همین بس که او به گناهان بندگانش آگاه است. (۵۹) همان کسی که آسمانها و زمین، و آنچه را که میان آن دو است، در شش روز آفرید. آنگاه بر عرش استیلا یافت. رحمتگر عام [اوست]. در باره وی از خبره‌ای پرس [که می‌داند]. (۶۰) و چون به آنان گفته شود: «[خدای] رحمان را سجده کنید»، می‌گویند: «رحمان چیست؟ آیا برای چیزی که ما را [بدان] فرمان می‌دهی سجده کنیم؟» و بر رمیدنشان می‌افزاید. (۶۱) [فرخنده و] بزرگوار است آن کسی که در آسمان برجهایی نهاد، و در آن، چراغ و ماهی نوربخش قرار داد. (۶۲) و اوست کسی که برای هر کس که بخوهد عبرت گیرد یا بخوهد سپاسگزاری نماید، شب و روز را جانشین یکدیگر گردانید. (۶۳) و بندگان خدای رحمان کسانی‌اند که روی زمین به نرمی گام برمی‌دارند؛ و چون نادانان ایشان را طرف خطاب قرار دهند به ملایمت پاسخ می‌دهند. (۶۴) و آنانند که در حال سجده یا ایستاده، شب را به روز می‌آورند. (۶۵) و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، عذاب جهنم را از ما بازگردان که عذابش سخت و دایمی است. (۶۶) و در حقیقت، آن بد قرارگاه و جایگاهی است. (۶۷) و کسانی‌اند که چون انفاق کنند، نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند، و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند. (۶۸) و کسانی‌اند که با خدا معبودی دیگر نمی‌خوانند و کسی را که خدا [خونش را] حرام کرده است جز به حق نمی‌کشند، و زنا نمی‌کنند، و هر کس اینها را انجام دهد سزایش را دریافت خواهد کرد. (۶۹) برای او در روز قیامت عذاب دو چندان می‌شود و پیوسته در آن خوار می‌ماند. (۷۰) مگر کسی که توبه کند و ایمان آورد و کار شایسته کند. پس خداوند بدیهایشان را به نیکیها تبدیل می‌کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۷۱) و هر کس توبه کند و کار شایسته انجام دهد، در حقیقت به سوی خدا بازمی‌گردد. (۷۲) و کسانی‌اند که گواهی دروغ نمی‌دهند؛ و چون بر لغو بگذرند با بزرگواری می‌گذرند. (۷۳) و کسانی‌اند که چون به آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی‌افتند. (۷۴) و کسانی‌اند که می‌گویند: «پروردگارا، به ما از همسران و فرزندانمان آن ده که مایه روشنی چشمان [ما] باشد، و ما را پیشوای پرهیزگاران گردان.» (۷۵) اینانند که به پاس آنکه صبر کردند، غرفه‌های بهشت را [پاداش خواهند یافت و در آنجا با سلام و درود مواجه خواهند شد. (۷۶) در آنجا، جاودانه خواهند ماند. چه خوش قرارگاه و مقامی! بگو: (۷۷) اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنایی به شما نمی‌کند. در حقیقت شما به تکذیب پرداخته‌اید و به زودی [عذاب بر شما] لازم خواهد شد. (۷۸)

الشعراء

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ط، سین، میم. (۲) این است آیه‌های کتاب روشنگر. (۳) شاید تو از اینکه [مشرکان] ایمان نمی‌آورند، جان خود را تباه سازی. (۴) اگر بخواهیم، معجزه‌ای از آسمان بر آنان فرود می‌آوریم، تا در برابر آن، گردنهایشان خاضع گردد. (۵) و هیچ تذکر جدیدی از سوی [خدای] رحمان برایشان نیامد جز اینکه همواره از آن روی برمی‌تافتند. (۶) [آنان] در حقیقت به تکذیب پرداختند، و به زودی خبر آنچه که بدان ریشخند می‌کردند، بدیشان خواهد رسید. (۷) مگر در زمین ننگریسته‌اند که چه قدر در آن از هر گونه جفتهای زیبا رویانیده‌ایم؟ (۸) قطعاً در این [هنرنمایی] عبرتی است و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نیستند. (۹) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۱۰) و [یاد کن] هنگامی را که پروردگارت موسی را ندا درداد که به سوی قوم ستمکار برو: (۱۱) قوم فرعون؛ آیا پروا ندارند؟! (۱۲) گفت: «پروردگارا، می‌ترسم مرا تکذیب کنند، (۱۳) و سینه‌ام تنگ می‌گردد، و زبانم باز نمی‌شود، پس به سوی هارون بفرست. (۱۴) و [از طرفی] آنان بر [گردن] من خونی دارند و می‌ترسم مرا بکشند.» (۱۵) فرمود: «نه، چنین نیست؛ نشانه‌های ما را [برای آنان] بپرس که ما با شما شنونده‌ایم.» (۱۶) پس به سوی فرعون بروید و بگویید: «ما پیامبر پروردگار جهانیانیم، (۱۷) فرزندان اسرائیل را با ما بفرست.» (۱۸) [فرعون] گفت: «آیا تو را از کودکی در میان خود پروردیم و سالیانی چند از عمرت را پیش ما نماندی؟ (۱۹) و [سرانجام] کار خود را کردی، و تو از ناسپاسانی.» (۲۰) گفت: «آن را

هنگامی مرتکب شدم که از گمراهان بودم، (۲۱) و چون از شما ترسیدم، از شما گریختم، تا پروردگرم به من دانش بخشید و مرا از پیامبران قرار داد. (۲۲) و [آیا] اینکه فرزندان اسرائیل را بنده [خود] ساخته‌ای نعمتی است که منتش را بر من می‌نهی؟» (۲۳) فرعون گفت: «و پروردگار جهانیان چیست؟» (۲۴) گفت: «پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است - اگر اهل یقین باشید.» (۲۵) [فرعون] به کسانی که پیرامونش بودند گفت: «آیا نمی‌شنوید؟» (۲۶) [موسی دوباره] گفت: «پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شما.» (۲۷) [فرعون] گفت: «واقعاً این پیامبری که به سوی شما فرستاده شده، سخت دیوانه است.» (۲۸) [موسی] گفت: «پروردگار خاور و باختر و آنچه میان آن دو است - اگر تعقل کنید.» (۲۹) [فرعون] گفت: «اگر خدایی غیر از من اختیار کنی قطعاً تو را از [جمله] زندانیان خواهم ساخت.» (۳۰) گفت: «گر چه برای تو چیزی آشکار بیاورم؟» (۳۱) گفت: «اگر راست می‌گویی آن را بیاور.» (۳۲) پس عصای خود بیفکند و بناگاه آن اژدری نمایان شد. (۳۳) و دستش را بیرون کشید و بناگاه آن برای تماشاگران سپید می‌نمود. (۳۴) [فرعون] به سرانی که پیرامونش بودند گفت: «واقعاً این ساحری بسیار دانا است.» (۳۵) می‌خواهد با سحر خود، شما را از سرزمینتان بیرون کند، اکنون چه رأی می‌دهید؟» (۳۶) گفتند: «او و برادرش را در بند دار و گردآورندگان را به شهرها بفرست، (۳۷) تا هر ساحر ماهری را نزد تو بیاورند.» (۳۸) پس ساحران برای موعدِ روزی معلوم گردآوری شدند. (۳۹) و به توده مردم گفته شد: «آیا شما هم جمع خواهید شد؟» (۴۰) بدین امید که اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم؟» (۴۱) و چون ساحران پیش فرعون آمدند، گفتند: «آیا اگر ما غالب آییم واقعاً برای ما مزدی خواهد بود؟» (۴۲) گفت: «آری، و در آن صورت شما حتماً از [زمره] مقربان خواهید شد.» (۴۳) موسی به آنان گفت: «آنچه را شما می‌اندازید بیندازید.» (۴۴) پس ریسمانها و چوبدستی‌هایشان را انداختند و گفتند: «به عزت فرعون که ما حتماً پیروزیم.» (۴۵) پس موسی عصایش را انداخت و بناگاه هر چه را به دروغ بر ساخته بودند بلعید. (۴۶) در نتیجه، ساحران به حالت سجده در افتادند. (۴۷) گفتند: «به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم.» (۴۸) پروردگار موسی و هارون.» (۴۹) گفت: «[آیا] پیش از آنکه به شما اجازه دهم به او ایمان آوردید؟ قطعاً او همان بزرگ شماس است که به شما سحر آموخته است. به زودی خواهید دانست. حتماً دستها و پاهای شما را از چپ و راست خواهیم برید و همه‌تان را به دار خواهم آویخت.» (۵۰) گفتند: «باکی نیست، ما روی به سوی پروردگار خود می‌آوریم.» (۵۱) ما امیدواریم که پروردگارمان گناهانمان را بر ما ببخشد، [چرا] که نخستین ایمان‌آوردگان بودیم.» (۵۲) و به موسی وحی کردیم که: «بندگان مرا شبانه حرکت ده، زیرا شما مورد تعقیب قرار خواهید گرفت.» (۵۳) پس فرعون مأموران جمع‌آوری [خود را] به شهرها فرستاد، (۵۴) [و گفت:] «اینها عده‌ای ناچیزند.» (۵۵) و راستی آنها ما را بر سر خشم آورده‌اند، (۵۶) و [لی] ما همگی به حال آماده‌باش درآمده‌ایم.» (۵۷) سرانجام، ما آنان را از باغستانها و چشمه‌سارها، (۵۸) و گنجینه‌ها و جایگاه‌های پر ناز و نعمت بیرون کردیم. (۵۹) [اراده ما] چنین بود، و آن [نعمتها] را به فرزندان اسرائیل میراث دادیم. (۶۰) پس هنگام برآمدن آفتاب، آنها را تعقیب کردند. (۶۱) چون دو گروه، همدیگر را دیدند، یاران موسی گفتند: «ما قطعاً گرفتار خواهیم شد.» (۶۲) گفت: «چنین نیست، زیرا پروردگرم با من است و به زودی مرا راهنمایی خواهد کرد.» (۶۳) پس به موسی وحی کردیم: «با عصای خود بر این دریا بزن.» تا از هم شکافت، و هر پاره‌ای همچون کوهی سترگ بود. (۶۴) و دیگران را بدانجا نزدیک گردانیدیم. (۶۵) و موسی و همه کسانی را که همراه او بودند نجات دادیم؛ (۶۶) آنگاه دیگران را غرق کردیم. (۶۷) مسلماً در این [واقعه] عبرتی بود، و [لی] بیشترشان ایمان‌آورنده نبودند. (۶۸) و قطعاً پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۶۹) و بر آنان گزارش ابراهیم را بخوان. (۷۰) آنگاه که به پدر خود و قومش گفت: «چه می‌پرستید؟» (۷۱) گفتند: «بتانی را می‌پرستیم و همواره ملازم آنهایم.» (۷۲) گفت: «آیا وقتی دعا می‌کنید، از شما می‌شنوند؟» (۷۳) یا به شما سود یا زیان می‌رسانند؟» (۷۴) گفتند: «نه، بلکه پدران خود را یافتیم که چنین می‌کردند.» (۷۵) گفت: «آیا در آنچه می‌پرستیده‌اید تأمل کرده‌اید؟» (۷۶) شما و پدران پیشین شما؟ (۷۷) قطعاً همه آنها - جز پروردگار جهانیان - دشمن منند. (۷۸) آن کس که مرا آفریده و همو راهنمایی می‌کند، (۷۹) و آن کس که او به من خوراک می‌دهد و سیراب می‌گرداند، (۸۰) و چون بیمار شوم او مرا درمان

می بخشد، (۸۱) و آن کس که مرا می میراند و سپس زنده ام می گرداند، (۸۲) و آن کس که امید دارم روز پاداش، گناهم را بر من ببخشد، (۸۳) پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای، (۸۴) و برای من در [میان] آیندگان آوازه نیکو گذار، (۸۵) و مرا از وارثان بهشت پر نعمت گردان، (۸۶) و بر پدرم ببخشای که او از گمراهان بود، (۸۷) و روزی که [مردم] برانگیخته می شوند رسوایم مکن: (۸۸) روزی که هیچ مال و فرزندی سود نمی دهد، (۸۹) مگر کسی که دلی پاک به سوی خدا بیاورد. (۹۰) و [آن روز] بهشت برای پرهیزگاران نزدیک می گردد. (۹۱) و جهنم برای گمراهان نمودار می شود. (۹۲) و به آنان گفته می شود: «آنچه جز خدا می پرستیدید کجایند؟ (۹۳) آیا یاریتان می کنند یا خود را یاری می دهند؟ (۹۴) پس آنها و همه گمراهان در آن [آتش] افکنده می شوند، (۹۵) و [نیز] همه سپاهیان ابلیس. (۹۶) آنها در آنجا با یکدیگر ستیزه می کنند [و] می گویند: (۹۷) «سوگند به خدا که ما در گمراهی آشکاری بودیم، (۹۸) آنگاه که شما را با پروردگار جهانیان برابر می کردیم، (۹۹) و جز تباهاکاران ما را گمراه نکردند، (۱۰۰) در نتیجه شفاعتگرانی نداریم، (۱۰۱) و نه دوستی نزدیک. (۱۰۲) و ای کاش که بازگشتی برای ما بود و از مؤمنان می شدیم. (۱۰۳) حَقّاً در این [سرگذشت درس] عبرتی است [و] لی [بیشترشان مؤمن نبودند. (۱۰۴) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است. (۱۰۵) قوم نوح پیامبران را تکذیب کردند. (۱۰۶) چون برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (۱۰۷) من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد؛ (۱۰۸) از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید، (۱۰۹) و بر این [رسالت] اجرای از شما طلب نمی کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۱۰) پس، از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید.» (۱۱۱) گفتند: «آیا به تو ایمان بیاوریم و حال آنکه فرومایگان از تو پیروی کرده‌اند؟» (۱۱۲) [نوح] گفت: «به [جزئیات] آنچه می کرده‌اند چه آگاهی دارم؟ (۱۱۳) حسابشان - اگر درمی یابید - جز با پروردگارم نیست. (۱۱۴) و من طردکننده مؤمنان نیستم. (۱۱۵) من جز هشداردهنده‌ای آشکار [بیش] نیستم.» (۱۱۶) گفتند: «ای نوح، اگر دست برداری قطعاً از [جمله] سنگسارشدگان خواهی بود.» (۱۱۷) گفت: «پروردگارا، قوم من مرا تکذیب کردند؛ (۱۱۸) میان من و آنان فیصله ده، و من و هر کس از مؤمنان را که با من است نجات بخش.» (۱۱۹) پس او و هر که را در آن کشتی آکنده با او بود، رهانیدیم؛ (۱۲۰) آنگاه باقی ماندگان را غرق کردیم. (۱۲۱) قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۲۲) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است. (۱۲۳) عادیان، پیامبران [خدا] را تکذیب کردند. (۱۲۴) آنگاه که برادرشان هود به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (۱۲۵) من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد. (۱۲۶) از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید. (۱۲۷) و بر این [رسالت] اجرای از شما طلب نمی کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۲۸) آیا بر هر تپه‌ای بنایی می سازید که [در آن] دست به بیهوده کاری زنید؟ (۱۲۹) و کاخهای استوار می گیرید به امید آنکه جاودانه بمانید؟ (۱۳۰) و چون حمله‌ور می شوید [چون] زورگویان حمله‌ور می شوید؟ (۱۳۱) پس، از خدا پروا دارید و فرمانم بپذیرید. (۱۳۲) و از آن کس که شما را به آنچه می دانید مدد کرد پروا دارید: (۱۳۳) شما را به [دادن] دامها و پسران مدد کرد، (۱۳۴) و به [دادن] باغها و چشمه‌ساران؛ (۱۳۵) من از عذاب روزی هولناک بر شما می ترسم. (۱۳۶) گفتند: «خواه اندرز دهی و خواه از اندرز دهندگان نباشی برای ما یکسان است. (۱۳۷) این جز شیوه پیشینیان نیست. (۱۳۸) و ما عذاب نخواهیم شد.» (۱۳۹) پس تکذیبش کردند و هلاکشان کردیم. قطعاً در این [ماجرا درس] عبرتی بود، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۴۰) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست ناپذیر مهربان است. (۱۴۱) ثمودیان، پیامبران [خدا] را تکذیب کردند؛ (۱۴۲) آنگاه که برادرشان صالح به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (۱۴۳) من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتماد. (۱۴۴) از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید. (۱۴۵) و بر این [رسالت] اجرای از شما طلب نمی کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۴۶) آیا شما را در آنچه اینجا دارید آسوده رها می کنند؟ (۱۴۷) در باغها و در کنار چشمه‌ساران، (۱۴۸) و کشتزارها و خرمانبانی که شکوفه‌هایشان لطیف است؟ (۱۴۹) و هنرمندانه برای خود از کوهها خانه‌هایی می تراشید. (۱۵۰) از خدا پروا کنید و فرمانم بپذیرید. (۱۵۱) و فرمان افراطگران را پیروی مکنید: (۱۵۲) آنان که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند.» (۱۵۳) گفتند: «قطعاً تو از افسون‌شدگانی. (۱۵۴) تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی.

اگر راست می‌گویی معجزه‌ای بیاور. (۱۵۵) گفت: «این ماده‌شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماس. (۱۵۶) و به آن گزند می‌رسانید که عذاب روزی هولناک شما را فرو می‌گیرد. (۱۵۷) پس آن را پی کردند و پشیمان گشتند. (۱۵۸) آنگاه آنان را عذاب فرو گرفت. قطعاً در این [ماجرا] عبرتی است، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۵۹) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۱۶۰) قوم لوط فرستادگان را تکذیب کردند. (۱۶۱) آنگاه برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (۱۶۲) من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم. (۱۶۳) از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. (۱۶۴) و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۶۵) آیا از میان مردم جهان، با مردها در می‌آمیزید؟ (۱۶۶) و آنچه را پروردگارتان از همسرانتان برای شما آفریده و می‌گذارید؟ [نه]، بلکه شما مردمی تجاوزکارید. (۱۶۷) گفتند: «ای لوط، اگر دست بر ننداری، قطعاً از اخراج‌شدگان خواهی بود.» (۱۶۸) گفت: «به راستی من دشمن کردار شما می‌باشم. (۱۶۹) پروردگارا، مرا و کسان مرا از آنچه انجام می‌دهند رهایی بخش.» (۱۷۰) پس او و کسانش را همگی، رهانیدیم - (۱۷۱) جز پیرزنی که از باقی‌ماندگان [در خاکستر آتش] بود. (۱۷۲) سپس دیگران را سخت هلاک کردیم. (۱۷۳) و بر [سر] آنان بارانی [از آتش گوگرد] فرو ریختیم. و چه بد بود باران بیم‌داده‌شدگان. (۱۷۴) قطعاً در این [عقوبت] عبرتی است، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۷۵) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۱۷۶) اصحاب ایکه فرستادگان را تکذیب کردند. (۱۷۷) آنگاه که شعیب به آنان گفت: «آیا پروا ندارید؟ (۱۷۸) من برای شما فرستاده‌ای در خور اعتمادم. (۱۷۹) از خدا پروا دارید و فرمانم ببرید. (۱۸۰) و بر این [رسالت] اجری از شما طلب نمی‌کنم. اجر من جز بر عهده پروردگار جهانیان نیست. (۱۸۱) پیمان‌ها را تمام دهید و از کم‌فروشان مباشید. (۱۸۲) و با ترازوی درست بسنجید. (۱۸۳) و از ارزش اموال مردم مکاهید و در زمین سر به فساد بر مدارید. (۱۸۴) و از آن کس که شما و خلق [انبوه] گذشته را آفریده است پروا کنید.» (۱۸۵) گفتند: «تو واقعاً از افسون‌شدگانی.» (۱۸۶) «و تو جز بشری مانند ما [بیش] نیستی، و قطعاً تو را از دروغگویان می‌دانیم. (۱۸۷) پس اگر از راستگویانی، پاره‌ای از آسمان بر [سر] ما بیفتد.» (۱۸۸) [شعیب] گفت: «پروردگارا، به آنچه می‌کنید دانایانتر است.» (۱۸۹) پس او را تکذیب کردند، و عذاب روز ابر [آتشبار] آنان را فرو گرفت. به راستی آن، عذاب روزی هولناک بود. (۱۹۰) قطعاً در این [عقوبت درس] عبرتی است، و [لی] بیشترشان ایمان آورنده نبودند. (۱۹۱) و در حقیقت، پروردگار تو همان شکست‌ناپذیر مهربان است. (۱۹۲) و راستی که این [قرآن] وحی پروردگار جهانیان است. (۱۹۳) «روح الامین» آن را بر دلت نازل کرد، (۱۹۴) تا از [جمله] هشداردهندگان باشی؛ (۱۹۵) به زبان عربی روشن، (۱۹۶) و [وصف] آن در کتابهای پیشینیان آمده است. (۱۹۷) آیا برای آنان، این خود دلیلی روشن نیست که علمای بنی‌اسرائیل از آن اطلاع دارند؟ (۱۹۸) و اگر آن را بر برخی از غیر عرب زبانان نازل می‌کردیم، (۱۹۹) و پیامبر آن را برایشان می‌خواند به آن ایمان نمی‌آوردند. (۲۰۰) این گونه در دل‌های گناهکاران، [انکار را] راه می‌دهیم: (۲۰۱) که به آن نگروند تا عذاب پردرد را ببینند، (۲۰۲) که به طور ناگهانی - در حالی که بی‌خبرند - بدیشان برسد. (۲۰۳) و بگویند: «آیا مهلت خواهیم یافت؟» (۲۰۴) پس آیا عذاب ما را به شتاب می‌خواهند؟ (۲۰۵) مگر نمی‌دانی که اگر سالها آنان را برخوردار کنیم، (۲۰۶) و آنگاه آنچه که [بدان] بیم داده می‌شوند بدیشان برسد، (۲۰۷) آنچه از آن برخوردار می‌شدند، به کارشان نمی‌آید [و عذاب را از آنان دفع نمی‌کند]؟ (۲۰۸) و هیچ شهری را هلاک نکردیم مگر آنکه برای آن هشداردهندگان بود. (۲۰۹) [تا آنان را] تذکر [دهند]؛ و ما ستمکار نبوده‌ایم. (۲۱۰) و شیطانها آن را فرود نیاورده‌اند. (۲۱۱) و آنان را نسزد و نمی‌توانند [وحی کنند]. (۲۱۲) در حقیقت آنها از شنیدن، معزول [و محروم] اند. (۲۱۳) پس با خدا، خدای دیگر مخوان که از عذاب‌شدگان خواهی شد. (۲۱۴) و خویشان نزدیک را هشدار ده. (۲۱۵) و برای آن مؤمنانی که تو را پیروی کرده‌اند، بال خود را فرو گستر. (۲۱۶) و اگر تو را نافرمانی کردند، بگو: «من از آنچه می‌کنید بیزارم.» (۲۱۷) و بر [خدای] عزیز مهربان تو کل کن، (۲۱۸) آن کس که چون [به نماز] برمی‌خیزی تو را می‌بیند، (۲۱۹) و حرکت تو را در میان سجده‌کنندگان [می‌نگرد]. (۲۲۰) او همان شنوای داناست. (۲۲۱) آیا شما را خبر دهم که شیاطین بر چه کسی

فرود می آیند؟ (۲۲۲) بر هر دروغزن گناهکاری فرود می آیند، (۲۲۳) که [دزدانه] گوش فرا می دارند و بیشترشان دروغگویند، (۲۲۴) و شاعران را گمراهان پیروی می کنند. (۲۲۵) آیا ندیده‌ای که آنان در هر وادی سرگردانند؟ (۲۲۶) و آنانند که چیزهایی می گویند که انجام نمی دهند. (۲۲۷) مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده و خدا را بسیار به یاد آورده و پس از آنکه مورد ستم قرار گرفته‌اند یاری خواسته‌اند. و کسانی که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه برخواهند گشت. (۲۲۸)

النمل

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ط، سین. این است آیات قرآن و [آیات] کتابی روشنگر، (۲) که [مایه] هدایت و بشارت برای مؤمنان است. (۳) همانان که نماز برپا می دارند و زکات می دهند و خود به آخرت یقین دارند. (۴) کسانی که به آخرت ایمان ندارند، کردارهایشان را در نظرشان بیاراستیم [تا همچنان] سرگشته بمانند. (۵) آنان کسانی‌اند که عذاب سخت برای ایشان خواهد بود، و در آخرت، خود زیانکارترین [مردم]‌اند. (۶) و حقاً تو قرآن را از سوی حکیمی دانا دریافت می داری. (۷) [یاد کن] هنگامی را که موسی به خانواده خود گفت: «من آتشی به نظرم رسید، به زودی برای شما خبری از آن خواهم آورد، یا شعله آتشی برای شما می آورم، باشد که خود را گرم کنید.» (۸) چون نزد آن آمد، آوا رسید که: «خجسته [و مبارک گردید] آنکه در کنار این آتش و آنکه پیرامون آن است، و منزّه است خدا، پروردگار جهانیان.» (۹) «ای موسی، این منم خدای عزیز حکیم.» (۱۰) و عصایت را بیفکن. پس چون آن را همچون ماری دید که می جنبد، پشت گردانید و به عقب بازنگشت. «ای موسی، مترس که فرستادگان پیش من نمی ترسند. (۱۱) لیکن کسی که ستم کرده سپس -بعد از بدی- نیکی را جایگزین [آن] گردانیده، [بداند] که من آمرزنده مهربانم. (۱۲) و دستت را در گریبان کن تا سپید بی عیب بیرون آید. [اینها] از [جمله] نشانه‌های نه گانه‌ای است [که باید] به سوی فرعون و قومش [ببری]، زیرا که آنان مردمی نافرمانند. (۱۳) و هنگامی که آیات روشنگر ما به سویشان آمد گفتند: «این سحری آشکار است.» (۱۴) و با آنکه دل‌هایشان بدان یقین داشت، از روی ظلم و تکبر آن را انکار کردند. پس بین فرجام فساد گران چگونه بود. (۱۵) و به راستی به داوود و سلیمان دانشی عطا کردیم، و آن دو گفتند: «ستایش خدایی را که ما را بر بسیاری از بندگان باایمانش برتری داده است.» (۱۶) و سلیمان از داوود میراث یافت و گفت: «ای مردم، ما زبان پرندگان را تعلیم یافته‌ایم و از هر چیزی به ما داده شده است. راستی که این همان امتیاز آشکار است.» (۱۷) و برای سلیمان سپاهیان از جن و انس و پرندگان جمع‌آوری شدند و [برای رژه] دسته دسته گردیدند. (۱۸) تا آنگاه که به وادی مورچگان رسیدند. مورچه‌ای [به زبان خویش] گفت: «ای مورچگان، به خانه‌هایتان داخل شوید، مبدا سلیمان و سپاهیان -ندیده و ندانسته- شما را پایمال کنند.» (۱۹) [سلیمان] از گفتار او دهان به خنده گشود و گفت: «پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس بگزارم، و به کار شایسته‌ای که آن را می‌پسندی پردازم، و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن.» (۲۰) و جویای [حال] پرندگان شد و گفت: «مرا چه شده است که همدرد را نمی‌بینم؟ یا شاید از غایبان است؟ (۲۱) قطعاً او را به عذابی سخت عذاب می‌کنم یا سرش را می‌برم مگر آنکه دلیلی روشن برای من بیاورد.» (۲۲) پس دیری نپایید که [هدهد آمد و] گفت: «از چیزی آگاهی یافتم که از آن آگاهی نیافته‌ای، و برای تو از «سبا» گزارشی درست آورده‌ام. (۲۳) من [آنجا] زنی را یافتم که بر آنها سلطنت می‌کرد و از هر چیزی به او داده شده بود و تختی بزرگ داشت. (۲۴) او و قومش را چنین یافتم که به جای خدا به خورشید سجده می‌کنند، و شیطان اعمالشان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] باز داشته بود، در نتیجه [به حق] راه نیافته بودند. (۲۵) [آری، شیطان چنین کرده بود] تا برای خدایی که نهان را در آسمانها و زمین بیرون می‌آورد و آنچه را پنهان می‌دارید و آنچه را آشکار می‌نماید می‌داند، سجده نکنند؛ (۲۶) خدای یکتا که هیچ خدایی جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است.» (۲۷) گفت: «خواهیم دید آیا راست گفته‌ای یا از دروغگویان بوده‌ای.» (۲۸) «این نامه مرا ببر و به سوی آنها بیفکن، آنگاه از ایشان روی برتاب، پس بین چه

پاسخ می دهند.» (۲۹) [ملکه سبا] گفت: «ای سران [کشور] نامه‌ای ارجمند برای من آمده است، (۳۰) که از طرف سلیمان است و [مضمون آن] این است: به نام خداوند رحمتگر مهربان. (۳۱) بر من بزرگی مکنید و مرا از در اطاعت درآیید.» (۳۲) گفت: «ای سران [کشور] در کارم به من نظر دهید که بی حضور شما [تا به حال] کاری را فیصله نداده‌ام.» (۳۳) گفتند: «ما سخت نیرومند و دلاوریم، و [لی] اختیار کار با توست، بنگر چه دستور می دهی؟» (۳۴) [ملکه] گفت: «پادشاهان چون به شهری درآیند، آن را تباه و عزیزانش را خوار می گردانند، و این گونه می کنند.» (۳۵) و [اینک] من ارمغانی به سویشان می فرستم و می نگرم که فرستادگان [من] با چه چیز بازمی گردند.» (۳۶) و چون [فرستاده] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: «آیا مرا به مالی کمک می دهید؟ آنچه خدا به من عطا کرده، بهتر است از آنچه به شما داده است. [نه]، بلکه شما به ارمغان خود شادمانی می نمایید.» (۳۷) به سوی آنان بازگرد که قطعاً سپاهانی بر [سر] ایشان می آوریم که در برابر آنها تاب ایستادگی نداشته باشند و از آن [دیوار] به خواری و زبونی بیرونشان می کنیم.» (۳۸) [سپس] گفت: «ای سران [کشور] کدام یک از شما تخت او را -پیش از آنکه مطیعانه نزد من آیند- برای من می آورد؟» (۳۹) عفریتی از جن گفت: «من آن را پیش از آنکه از مجلس خود برخیزی برای تو می آورم و بر این [کار] سخت توانا و مورد اعتمادم.» (۴۰) کسی که نزد او دانشی از کتاب [الهی] بود، گفت: «من آن را پیش از آنکه چشم خود را بر هم زنی برایت می آورم.» پس چون [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید، گفت: «این از فضل پروردگار من است، تا مرا بیازماید که آیا سپاسگزارم یا ناسپاسی می کنم. و هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می گزارد، و هر کس ناسپاسی کند، بی گمان پروردگارم بی نیاز و کریم است.» (۴۱) گفت: «تخت [ملکه] را برایش ناشناس گردانید تا ببینیم آیا پی می برد یا از کسانی است که پی نمی برند.» (۴۲) پس وقتی [ملکه] آمد، [بدو] گفته شد: «آیا تخت تو همین گونه است؟» گفت: «گویا این همان است و پیش از این، ما آگاه شده و از در اطاعت درآمده بودیم.» (۴۳) و [در حقیقت قبلاً] آنچه غیر از خدا می پرستید مانع [ایمان] او شده بود و او از جمله گروه کافران بود. (۴۴) به او گفته شد: «وارد ساحت کاخ [پادشاهی] شو.» و چون آن را دید، بر که ای پنداشت و ساقهایش را نمایان کرد. [سلیمان] گفت: «این کاخی مفروش از آبنگینه است.» [ملکه] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کردم و [اینک] با سلیمان در برابر خدا، پروردگار جهانیان، تسلیم شدم.» (۴۵) و به راستی، به سوی ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که: «خدا را پرستید.» پس به ناگاه آنان دو دسته متخاصم شدند. (۴۶) [صالح] گفت: «ای قوم من، چرا پیش از [جستن] نیکی، شتابزده خواهان بدی هستید؟ چرا از خدا آمرزش نمی خواهید؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید.» (۴۷) گفتند: «ما به تو و به هر کس که همراه توست شگون بد زدیم.» گفت: «سرنوشت خوب و بدتان پیش خداست، بلکه شما مردمی هستید که مورد آزمایش قرار گرفته اید.» (۴۸) و در آن شهر، نه دسته بودند که در آن سرزمین فساد می کردند و از در اصلاح در نمی آمدند. (۴۹) [با هم] گفتند: «با یکدیگر سوگند بخورید که: حتماً به [صالح] و کسانی شیخون می زنیم، سپس به ولی او خواهیم گفت: ما در محل قتل کسانش حاضر نبودیم، و ما قطعاً راست می گوئیم.» (۵۰) و دست به نیرنگ زدند و [ما نیز] دست به نیرنگ زدیم و خبر نداشتند. (۵۱) پس بنگر که فرجام نیرنگشان چگونه بود: ما آنان و قومشان را همگی هلاک کردیم. (۵۲) و این [هم] خانه‌های خالی آنهاست به [سزای] بیدادی که کرده اند. قطعاً در این [کیفر] برای مردمی که می دانند عبرتی خواهد بود. (۵۳) و کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند رها کردیم. (۵۴) و [یاد کن] لوط را که چون به قوم خود گفت: «آیا دیده و دانسته مرتکب عمل ناشایست [لواط] می شوید؟ (۵۵) آیا شما به جای زنان، از روی شهوت با مردها در می آمیزید؟ [نه]! بلکه شما مردمی جهالت پیشه اید.» (۵۶) و [لی] پاسخ قومش غیر از این نبود که گفتند: «خاندان لوط را از شهرتان بیرون کنید که آنها مردمی هستند که به پاکی تظاهر می نمایند.» (۵۷) پس او و خانواده اش را نجات دادیم، جز زنش را که مقدر کردیم از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] باشد. (۵۸) و بارانی [از سجیل] بر ایشان فرو باریدیم، و باران هشار داده شدگان، چه بد بارانی بود. (۵۹) بگو: «سپاس برای خداست، و درود بر آن بندگانش که [آنان را] برگزیده است.» آیا خدا بهتر است یا آنچه [با او] شریک می گردانند؟ (۶۰) [آیا آنچه شریک می پندارند بهتر

است] یا آن کس که آسمانها و زمین را خلق کرد و برای شما آبی از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، باغهای بهجت انگیز رویانیدیم. کار شما نبود که درختانش را برویانید. آیا معبودی با خداست؟ [نه]، بلکه آنان قومی منحرفند. (۶۱) [آیا شریکانی که می‌پندارند بهتر است] یا آن کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن، کوهها را [مانند لنگر] قرار داد، و میان دو دریا برزخی گذاشت؟ آیا معبودی با خداست؟ [نه]، بلکه بیشترشان نمی‌دانند. (۶۲) یا [کیست] آن کس که درمانده را -چون وی را بخواند- اجابت می‌کند، و گرفتاری را برطرف می‌گرداند، و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ چه کم پند می‌پذیرید. (۶۳) یا آن کس که شما را در تاریکیهای خشکی و دریا راه می‌نماید و آن کس که بادها [ی باران زا] را پیشاپیش رحمتش بشارتگر می‌فرستد؟ آیا معبودی با خداست؟ خدا برتر [و بزرگتر] است از آنچه [با او] شریک می‌گردانند. (۶۴) یا آن کس که خلق را آغاز می‌کند و سپس آن را بازمی‌آورد، و آن کس که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ آیا معبودی با خداست؟ بگو: «اگر راست می‌گویید، برهان خویش را بیاورید.» (۶۵) بگو: «هر که در آسمانها و زمین است -جز خدا- غیب را نمی‌شناسند و نمی‌دانند کی برانگیخته خواهند شد؟» (۶۶) [نه]، بلکه علم آنان در باره آخرت نارساست؛ [نه]، بلکه ایشان در باره آن تردید دارند؛ [نه]، بلکه آنان در مورد آن کور شدند. (۶۷) و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «آیا وقتی ما و پدرانمان خاک شدیم، آیا حتماً [زنده از گور] بیرون آورده می‌شویم؟» (۶۸) در حقیقت، این را به ما و پدرانمان قبلاً وعده داده‌اند؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست.» (۶۹) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام گنه‌پیشگان چگونه بوده است.» (۷۰) و بر آنان غم مخور، و از آنچه مکر می‌کنند تنگدل مباش. (۷۱) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟» (۷۲) بگو: «شاید برخی از آنچه را به شتاب می‌خواهید در پی شما باشد.» (۷۳) و راستی پروردگارت بر [این] مردم دارای بخشش است، ولی بیشترشان سپاس نمی‌دارند. (۷۴) و در حقیقت، پروردگار تو آنچه را در سینه‌هایشان نهفته و آنچه را آشکار می‌دارند نیک می‌داند. (۷۵) و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر اینکه در کتابی روشن [درج] است. (۷۶) بی‌گمان، این قرآن بر فرزندان اسرائیل بیشتر آنچه را که آنان در باره‌اش اختلاف دارند حکایت می‌کند. (۷۷) و به راستی که آن، رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. (۷۸) در حقیقت، پروردگار تو طبق حکم خود میان آنان داوری می‌کند، و اوست شکست‌ناپذیر دانا. (۷۹) پس بر خدا توکل کن که تو واقعاً بر حق آشکاری. (۸۰) البته تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی، و این ندا را به کران -چون پشت بگردانند- نمی‌توانی بشنوانی. (۸۱) و راهبر کوران [و باز گرداننده] از گمراهی‌شان نیستی. تو جز کسانی را که به نشانه‌های ما ایمان آورده‌اند و مسلمانند، نمی‌توانی بشنوانی. (۸۲) و چون قول [عذاب] بر ایشان واجب گردد، جنبنده‌ای را از زمین برای آنان بیرون می‌آوریم که با ایشان سخن گوید که: مردم [چنانکه باید] به نشانه‌های ما یقین نداشتند. (۸۳) و آن روز که از هر امتی، گروهی از کسانی را که آیات ما را تکذیب کرده‌اند محشور می‌گردانیم، پس آنان نگاه داشته می‌شوند تا همه به هم بیبوندند. (۸۴) تا چون [همه کافران] بیایند، [خدا] می‌فرماید: «آیا نشانه‌های مرا به دروغ گرفتید و حال آنکه از نظر علم، بدانها احاطه نداشتید؟ آیا [در طول حیات] چه می‌کردید؟» (۸۵) و به [کیفر] آنکه ستم کردند، حکم [عذاب] بر آنان واجب گردد، در نتیجه ایشان دم برنیارند. (۸۶) آیا ندیده‌اند که ما شب را قرار داده‌ایم تا در آن بیسایند، و روز را روشنی‌بخش [گردانیدیم]؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند مایه‌های عبرت است. (۸۷) و روزی که در صور دمیده شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است به هراس افتد، مگر آن کس که خدا بخواهد. و جملگی با زبونی رو به سوی او آورند. (۸۸) و کوهها را می‌بینی [و] می‌پنداری که آنها بی‌حرکتند و حال آنکه آنها ابرآسا در حرکتند. [این] صُنعِ خدایی است که هر چیزی را در کمال استواری پدید آورده است. در حقیقت، او به آنچه انجام می‌دهد آگاه است. (۸۹) هر کس نیکی به میان آورد، پاداشی بهتر از آن خواهد داشت، و آنان از هراس آن روز ایمنند. (۹۰) و هر کس بدی به میان آورد، به رو در آتش [دوزخ] سرنگون شوند. آیا جز آنچه می‌کردید سزا داده می‌شوید؟ (۹۱) من مأمورم که تنها پروردگار این شهر را که آن را مقدس شمرده و هر چیزی از آن اوست پرستش کنم، و مأمورم که از مسلمانان باشم، (۹۲) و

اینکه قرآن را بخوانم. پس هر که راه یابد تنها به سود خود راه یافته است؛ و هر که گمراه شود بگو: «من فقط از هشاردهند گانم.» (۹۳) و بگو: «ستایش از آن خداست. به زودی آیاتش را به شما نشان خواهد داد و آن را خواهید شناخت.» و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۹۴)

القصص

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ط، سین، میم. (۲) این است آیات کتاب روشنگر. (۳) [بخشی] از گزارش [حال] موسی و فرعون را برای [آگاهی] مردمی که ایمان می‌آورند، به درستی بر تو می‌خوانیم: (۴) فرعون در سرزمین [مصر] سر برافراشت، و مردم آن را طبقه طبقه ساخت؛ طبقه‌ای از آنان را زبون می‌داشت: پسرانشان را سر می‌برید، و زنانشان را [برای بهره‌کشی] زنده بر جای می‌گذاشت، که وی از فسادکاران بود. (۵) و خواستیم بر کسانی که در آن سرزمین فرو دست شده بودند منت نهیم و آنان را پیشوایان [مردم] گردانیم، و ایشان را وارث [زمین] کنیم، (۶) و در زمین قدرتشان دهیم و [از طرفی] به فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از جانب آنان بیمناک بودند، بنمایانیم. (۷) و به مادر موسی وحی کردیم که: «او را شیر ده، و چون بر او بیمناک شدی او را در نیل بینداز، و مترس و اندوه مدار که ما او را به تو باز می‌گردانیم و از [زمره] پیمبرانش قرار می‌دهیم.» (۸) پس خاندان فرعون، او را [از آب] برگرفتند تا سرانجام دشمن [جان] آنان و مایه اندوهشان باشد. آری، فرعون و هامان و لشکریان آنها خطاکار بودند. (۹) و همسر فرعون گفت: «[این کودک] نور چشم من و تو خواهد بود. او را مکشید. شاید برای ما سودمند باشد یا او را به فرزندی بگیریم، ولی آنها خبر نداشتند. (۱۰) و دل مادر موسی [از هر چیز، جز از فکر فرزند] تهی گشت. اگر قلبش را استوار نساخته بودیم تا از ایمان آورندگان باشد، چیزی نمانده بود که آن [راز] را افشا کند. (۱۱) و به خواهر [موسی] گفت: «از پی او برو.» پس او را از دور دید، در حالی که آنان متوجه نبودند. (۱۲) و از پیش، شیر دایگان را بر او حرام گردانیده بودیم. پس [خواهرش آمد و] گفت: «آیا شما را بر خانواده‌ای راهنمایی کنم که برای شما از وی سرپرستی کنند و خیرخواه او باشند؟» (۱۳) پس او را به مادرش باز گردانیدیم تا چشمش [بدو] روشن شود و غم نخورد و بداند که وعده خدا درست است، ولی بیشترشان نمی‌دانند. (۱۴) و چون به رشد و کمال خویش رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم، و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (۱۵) و داخل شهر شد بی آنکه مردمش متوجه باشند. پس دو مرد را با هم در زد و خورد یافت: یکی، از پیروان او و دیگری از دشمنانش [بود]. آن کس که از پیروانش بود، بر ضد کسی که دشمن وی بود، از او یاری خواست. پس موسی مشت‌ی بدو زد و او را کشت. گفت: «این کار شیطان است، چرا که او دشمنی گمراه‌کننده [و] آشکار است.» (۱۶) گفت: «پروردگارا، من بر خویشتن ستم کردم، مرا ببخش.» پس خدا از او درگذشت که وی آمرزنده مهربان است. (۱۷) [موسی] گفت: «پروردگارا به پاس نعمتی که بر من ارزانی داشتی هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود.» (۱۸) صبحگاهان در شهر، بیمناک و در انتظار [حادثه‌ای] بود. ناگاه همان کسی که دیروز از وی یاری خواسته بود [باز] با فریاد از او یاری خواست. موسی به او گفت: «به راستی که تو آشکارا گمراهی.» (۱۹) و چون خواست به سوی آنکه دشمن هر دویشان بود حمله آورد، گفت: «ای موسی، آیا می‌خواهی مرا بکشی چنانکه دیروز شخصی را کشتی؟ تو می‌خواهی در این سرزمین فقط زورگو باشی، و نمی‌خواهی از اصلاحگران باشی.» (۲۰) و از دورافتاده‌ترین [نقطه] شهر، مردی دوان دوان آمد [و] گفت: «ای موسی، سران قوم در باره تو مشورت می‌کنند تا تو را بکشند. پس [از شهر] خارج شو. من جداً از خیرخواهان توام.» (۲۱) موسی ترسان و نگران از آنجا بیرون رفت [در حالی که می‌گفت: «پروردگارا، مرا از گروه ستمکاران نجات بخش.»] (۲۲) و چون به سوی [شهر] مدین رو نهاد [با خود] گفت: «امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند.» (۲۳) و چون به آب مدین رسید، گروهی از مردم را بر آن یافت که [دامهای خود را] آب می‌دادند، و پشت سرشان دو زن را یافت که [گوسفندان خود را] دور می‌کردند. [موسی] گفت: «منظورتان [از این کار] چیست؟» گفتند: «ما به گوسفندان خود [آب نمی‌دهیم

تا شبانان [همگی گوسفندانشان را] برگردانند، و پدر ما پیری سالخورده است.» (۲۴) پس برای آن دو، [گوسفندان را] آب داد، آنگاه به سوی سایه برگشت و گفت: «پروردگارا، من به هر خیری که سویم بفرستی سخت نیازمندم.» (۲۵) پس یکی از آن دو زن - در حالی که به آزر گام بر می داشت - نزد وی آمد [و] گفت: «پدرم تو را می طلبد تا تو را به پادشاه آب دادن [گوسفندان] برای ما، مزد دهد.» و چون [موسی] نزد او آمد و سرگذشت [خود] را بر او حکایت کرد، [وی] گفت: «مترس که از گروه ستمگران نجات یافتی.» (۲۶) یکی از آن دو [دختر] گفت: «ای پدر، او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می کنی: هم نیرومند [و هم] در خور اعتماد است.» (۲۷) [شعیب] گفت: «من می خواهم یکی از این دو دختر خود را [که مشاهده می کنی] به نکاح تو در آورم، به این [شرط] که هشت سال برای من کار کنی، و اگر ده سال را تمام گردانی اختیار با تو است، و نمی خواهم بر تو سخت گیرم، و مرا ان شاء الله از درستکاران خواهی یافت.» (۲۸) [موسی] گفت: «این [قرار داد] میان من و تو باشد که هر یک از دو مدت را به انجام رسانیدم، بر من تعدی [روا] نباشد، و خدا بر آنچه می گوئیم وکیل است.» (۲۹) و چون موسی آن مدت را به پایان رسانید و همسرش را [همراه] برد، آتشی را از دور در کنار طور مشاهده کرد، به خانواده خود گفت: «اینجا [بمانید، که من آتشی از دور دیدم، شاید خبری از آن یا شعله ای آتش برایتان بیاورم، باشد که خود را گرم کنید.» (۳۰) پس چون به آن [آتش] رسید، از جانب راست وادی، در آن جایگاه مبارک، از آن درخت ندا آمد که: «ای موسی، منم، من، خداوند، پروردگار جهانیان.» (۳۱) و [فرمود:] «عصای خود را بیفکن.» پس چون دید آن مثل ماری می جنبد، پشت کرد و برنگشت. «ای موسی، پیش آی و مترس که تو در امانی.» (۳۲) «دست خود را به گریبان بیاور تا سبید بی گزند بیرون بیاید، و [برای رهایی] از این هراس بازویت را به خویشتن بچسبان. این دو [نشانه] دو برهان از جانب پروردگار تو است [که باید] به سوی فرعون و سران [کشور] او [ببری]، زیرا آنان همواره قومی نافرمانند.» (۳۳) گفت: «پروردگارا، من کسی از ایشان را کشته ام، می ترسم مرا بکشند.» (۳۴) و برادرش هارون از من زبان آورتر است، پس او را با من به دستگیری گسیل دار تا مرا تصدیق کند، زیرا می ترسم مرا تکذیب کنند.» (۳۵) فرمود: «به زودی بازویت را به [وسیله] برادرت نیرومند خواهیم کرد و برای شما هر دو، تسلطی قرار خواهیم داد که با [وجود] آیات ما، به شما دست نخواهند یافت شما و هر که شما را پیروی کند چیره خواهید بود.» (۳۶) پس چون موسی آیات روشن ما را برای آنان آورد، گفتند: «این جز سحری ساختگی نیست و از پدران پیشین خود چنین [چیزی] نشنیده ایم.» (۳۷) و موسی گفت: «پروردگارم به [حال] کسی که از جانب او رهنمودی آورده و [نیز] کسی که فرجام [نیکوی] آن سرا برای اوست، داناتر است. در حقیقت، ظالمان رستگار نمی شوند.» (۳۸) و فرعون گفت: «ای بزرگان قوم، من جز خویشتن برای شما خدایی نمی شناسم. پس ای هامان؛ برایم بر گل آتش بیفروز و برجی [بلند] برای من بساز، شاید به [حال] خدای موسی اطلاع یابم، و من جداً او را از دروغگویان می پندارم.» (۳۹) و او و سپاهیان در آن سرزمین به ناحق سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانیده نمی شوند. (۴۰) تا او و سپاهیان را فرو گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم، بنگر که فرجام کار ستمکاران چگونه بود. (۴۱) و آنان را پیشوایانی که به سوی آتش می خوانند گردانیدیم، و روز رستاخیز یاری نخواهند شد. (۴۲) و در این دنیا لعنتی بدرقه [نام] آنان کردیم و روز قیامت [نیز] ایشان از [جمله] زشت رویانند. (۴۳) و به راستی، پس از آنکه نسلهای نخستین را هلاک کردیم، به موسی کتاب دادیم که [در بردارنده] روشنگریها و رهنمود و رحمتی برای مردم بود، امید که آنان پند گیرند. (۴۴) و چون امر [پیامبری] را به موسی واگذاشتیم، تو در جانب غربی [طور] نبودی و از گواهان [نیز] نبودی. (۴۵) لیکن ما نسلهایی پدید آوردیم و عمرشان طولانی شد. و تو در میان ساکنان [شهر] مدین مقیم نبودی تا آیات ما را بر ایشان بخوانی، لیکن ما بودیم که فرستنده [پیامبران] بودیم. (۴۶) و آدم که [موسی را] ندا در دادیم، تو در جانب طور نبودی، ولی [این اطلاع تو] رحمتی است از پروردگار تو، تا قومی را که هیچ هشداردهنده ای پیش از تو برایشان نیامده است بیم دهی، باشد که آنان پندپذیرند. (۴۷) و اگر نبود که وقتی به [سزای] پیش فرست دستهایشان مصیبتی به ایشان برسد، بگویند: «پروردگارا، چرا فرستاده ای به سوی ما نفرستادی تا از احکام تو پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم» [قطعاً در کیفر آنان شتاب

می کردیم]. (۴۸) پس چون حق از جانب ما برایشان آمد، گفتند: «چرا نظیر آنچه به موسی داده شد، به او داده نشده است؟» آیا به آنچه قبلاً به موسی داده شد کفر نورزیدند؟ گفتند: «دو ساحر با هم ساخته اند.» و گفتند: «ما همه را منکریم.» (۴۹) بگو: «پس اگر راست می گویند، کتابی از جانب خدا بیاورید که از این دو هدایت کننده تر باشد تا پیرویش کنم.» (۵۰) پس اگر تو را اجابت نکردند، بدان که فقط هوسهای خود را پیروی می کنند؛ و کیست گمراه تر از آنکه بی راهنمایی خدا از هوشش پیروی کند؟ بی تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی کند. (۵۱) و به راستی، این گفتار را برای آنان پی در پی و به هم پیوسته نازل ساختیم، امید که آنان پند پذیرند. (۵۲) کسانی که قبل از آن، کتاب [آسمانی] به ایشان داده ایم، آنان به [قرآن] می گروند. (۵۳) و چون بر ایشان فرو خوانده می شود، می گویند: «بدان ایمان آوردیم که آن درست است [و] از طرف پروردگار ماست؛ ما پیش از آن [هم] از تسلیم شونده گان بودیم.» (۵۴) آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می نمایند و از آنچه روزی شان داده ایم انفاق می کنند، دو بار پاداش خواهند یافت. (۵۵) و چون لغوی بشنوند از آن روی برمی تابد و می گویند: «کردارهای ما از آن ما و کردارهای شما از آن شماست، سلام بر شما، جویای [مصاحبت] نادانان نیستیم.» (۵۶) در حقیقت، تو هر که را دوست داری نمی توانی راهنمایی کنی، لیکن خداست که هر که را بخواهد راهنمایی می کند، و او به راه یافتگان دانتر است. (۵۷) و گفتند: «اگر با تو از [نور] هدایت پیروی کنیم، از سرزمین خود ربوده خواهیم شد.» آیا آنان را در حرمی امن جای ندادیم که محصولات هر چیزی - که رزقی از جانب ماست - به سوی آن سرازیر می شود؟ ولی بیشترشان نمی دانند. (۵۸) و چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم، [زیرا] زندگی خوش، آنها را سرمست کرده بود. این است سرهایشان که پس از آنان - جز برای عده کمی - مورد سکونت قرار نگرفته، و ماییم که وارث آنان بودیم. (۵۹) و پروردگار تو [هرگز] ویرانگر شهرها نبوده است تا [بیشتر] در مرکز آنها پیامبری برانگیزد که آیات ما را بر ایشان بخواند، و ما شهرها را - تا مردمشان ستمگر نباشند - ویران کننده نبوده ایم. (۶۰) و هر آنچه به شما داده شده است، کالای زندگی دنیا و زیور آن است، و [لی] آنچه پیش خداست بهتر و پایدارتر است؛ مگر نمی اندیشید؟ (۶۱) آیا کسی که وعده نیکو به او داده ایم و او به آن خواهد رسید، مانند کسی است که از کالای زندگی دنیا بهره مندش گردانیده ایم [ولی] او روز قیامت از [جمله] احضارشدگان [در آتش] است؟ (۶۲) و [به یاد آور] روزی را که آنان را ندا می دهد و می فرماید: «آن شریکان من، که می پنداشتید کجایند؟» (۶۳) آنان که حکم [عذاب] بر ایشان واجب آمده، می گویند: «پروردگارا، اینانند کسانی که گمراه کردیم، گمراهشان کردیم همچنانکه خود گمراه شدیم، [از آنان] به سوی تو بیزاری می جوئیم، ما را نمی پرستیدند [بلکه پندار خود را دنبال می کردند].» (۶۴) و [به آنان] گفته می شود: «شریکان خود را فرا خوانید.» [پس آنها را می خوانند] ولی پاسخشان نمی دهند و عذاب را می بینند [و آرزو می کنند که] ای کاش هدایت یافته بودند. (۶۵) و روزی را که [خدا] آنان را ندا درمی دهد و می فرماید: «فرستادگان [ما] را چه پاسخ دادید؟» (۶۶) پس در آن روز اخبار بر ایشان پوشیده گردد و از یکدیگر نمی توانند بپرسند. (۶۷) و اما کسی که توبه کند و ایمان آورد و به کار شایسته پردازد، امید که از رستگاران باشد. (۶۸) و پروردگار تو هر چه را بخواهد می آفریند و برمی گزیند، و آنان اختیاری ندارند. منزله است خدا، و از آنچه [با او] شریک می گردانند برتر است. (۶۹) و آنچه را سینه هایشان پوشیده یا آشکار می دارد، پروردگارت می داند. (۷۰) و اوست خدا [یی که] جز او معبودی نیست. در این [سرای] نخستین و در آخرت، ستایش از آن اوست، و فرمان، او راست و به سوی او باز گردانیده می شوید. (۷۱) بگو: «هان، چه می پندارید اگر خدا تا روز رستاخیز شب را بر شما جاوید بدارد؛ جز خداوند کدامین معبود برای شما روشنی می آورد؟ آیا نمی شنوید؟» (۷۲) بگو: «هان، چه می پندارید اگر خدا تا روز قیامت روز را بر شما جاوید بدارد؛ جز خداوند کدامین معبود برای شما شبی می آورد که در آن آرام گیرید، آیا نمی بینید؟» (۷۳) و از رحمتش برایتان شب و روز را قرار داد تا در این [یک] بیارامید و [در آن یک] از فزون بخشی او [روزی خود] بجوئید، باشد که سپاس بدارید. (۷۴) و [یاد کن] روزی را که ندایشان می کند و می فرماید: «آن شریکان که می پنداشتید کجایند؟» (۷۵) و از میان هر امتی گواهی بیرون می کشیم و می گوئیم: «برهان خود را بیاورید.» پس

بدانند که حق از آن خداست، و آنچه برمی‌بافتند از دستشان می‌رود. (۷۶) قارون از قوم موسی بود و بر آنان ستم کرد، و از گنجینه‌ها آن قدر به او داده بودیم که کلیدهای آنها بر گروه نیرومندی سنگین می‌آمد، آنگاه که قوم وی بدو گفتند: «شادی مکن که خدا شادی کندگان را دوست نمی‌دارد. (۷۷) و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن، و همچنانکه خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد. (۷۸) [قارون] گفت: «من اینها را در نتیجه دانش خود یافته‌ام.» آیا وی ندانست که خدا نسلهایی را پیش از او نابود کرد که از او نیرومندتر و مال‌اندوزتر بودند؟ [ولی این گونه] مجرمان را [نیازی] به پرسیده شدن از گناهانشان نیست. (۷۹) پس [قارون] با کوبه خود بر قومش نمایان شد؛ کسانی که خواستار زندگی دنیا بودند گفتند: «ای کاش مثل آنچه به قارون داده شده به ما [هم] داده می‌شد، واقعاً او بهره بزرگی [از ثروت] دارد.» (۸۰) و کسانی که دانش [واقعی] یافته بودند، گفتند: «وای بر شما! برای کسی که گرویده و کار شایسته کرده پاداش خدا بهتر است، و جز شکیبایان آن را نیابند.» (۸۱) آنگاه [قارون] را با خانه‌اش در زمین فرو بردیم، و گروهی نداشت که در برابر [عذاب] خدا او را یاری کنند و [خود نیز] نتوانست از خود دفاع کند. (۸۲) و همان کسانی که دیروز آرزو داشتند به جای او باشند، صبح می‌گفتند: «وای، مثل اینکه خدا روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند، و اگر خدا بر ما منت نهاده بود، ما را [هم] به زمین فرو برده بود؛ وای، گویی که کافران رستگار نمی‌گردند.» (۸۳) آن سرای آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین خواستار برتری و فساد نیستند، و فرجام [خوش] از آن پرهیزگاران است. (۸۴) هر کس نیکی به میان آورد، برای او [پاداشی] بهتر از آن خواهد بود، و هر کس بدی به میان آورد، کسانی که کارهای بد کرده‌اند جز سزای آنچه کرده‌اند نخواهند یافت. (۸۵) در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند. بگو: «پروردگرم بهتر می‌داند چه کس هدایت آورده و چه کس در گمراهی آشکاری است؟» (۸۶) و تو امیدوار نبودی که بر تو کتاب القا شود، بلکه این رحمتی از پروردگار تو بود. پس تو هرگز پشتیبان کافران مباش. (۸۷) و البته نباید تو را از آیات خدا - بعد از آنکه بر تو نازل شده است - باز دارند، و به سوی پروردگارت دعوت کن، و زنه‌ار از مشرکان مباش. (۸۸) و با خدا معبودی دیگر مخوان. خدایی جز او نیست. جز ذات او همه چیز نابودشونده است. فرمان از آن اوست. و به سوی او بازگردانیده می‌شوی. (۸۹)

العنکبوت

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم. (۲) آیا مردم پنداشتند که تا گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و مورد آزمایش قرار نمی‌گیرند؟ (۳) و به یقین، کسانی را که پیش از اینان بودند آزمودیم، تا خدا آنان را که راست گفته‌اند معلوم دارد و دروغگویان را [نیز] معلوم دارد. (۴) آیا کسانی که کارهای بد می‌کنند، می‌پندارند که بر ما پیشی خواهند جست؟ چه بد داوری می‌کنند. (۵) کسی که به دیدار خدا امید دارد [بداند که] [اَجَل] [او از سوی] خدا آمدنی است، و اوست شنوای دانا. (۶) و هر که بکوشد، تنها برای خود می‌کوشد، زیرا خدا از جهانیان سخت بی‌نیاز است. (۷) و کسانی که ایمان آورده، و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً گناهانشان را از آنان می‌زداییم، و بهتر از آنچه می‌کردند پاداششان می‌دهیم. (۸) و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادر خود نیکی کند، و [ولی] اگر آنها با تو در کوشند تا چیزی را که بدان علم نداری با من شریک گردانی، از ایشان اطاعت مکن. سرانجامتان به سوی من است، و شما را از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید باخبر خواهیم کرد. (۹) و کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، البته آنان را در زمره شایستگان درمی‌آوریم. (۱۰) و از میان مردم کسانی‌اند که می‌گویند: «به خدا ایمان آورده‌ایم» و چون در [راه] خدا آزار کشند، آزمایش مردم را مانند عذاب خدا قرار می‌دهند؛ و اگر از جانب پروردگارت پیروزی رسد حتماً خواهند گفت: «ما با شما بودیم.» آیا خدا به آنچه در دلهای جهانیان است داناتر نیست؟ (۱۱) و قطعاً خدا کسانی را که ایمان آورده‌اند می‌شناسد، و یقیناً منافقان را [نیز] می‌شناسد. (۱۲) و کسانی که کافر شده‌اند، به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند:

«راه ما را پیروی کنید و گناهانتان به گردن ما.» و [لی] چیزی از گناهانشان را به گردن نخواهند گرفت؛ قطعاً آنان دروغگویند. (۱۳) و قطعاً بارهای گران خودشان و بارهای گران [دیگر] را با بارهای گران خود برخواهند گرفت، و مسلماً روز قیامت از آنچه به دروغ برمی‌بستند پرسیده خواهند شد. (۱۴) و به راستی، نوح را به سوی قومش فرستادیم، پس در میان آنان نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان آنها را در حالی که ستمکار بودند فرا گرفت. (۱۵) و او را با کشتی‌نشینان برهاندیم و آن [سفینه] را برای جهانیان عبرتی گردانیدیم. (۱۶) و [یاد کن] ابراهیم را چون به قوم خویش گفت: «خدا را پرستید و از او پروا بدارید؛ اگر بدانید این [کار] برای شما بهتر است.» (۱۷) واقعاً آنچه را که شما سوای خدا می‌پرستید جز بتانی [بیش] نیستند و دروغی برمی‌سازید. در حقیقت، کسانی را که جز خدا می‌پرستید اختیار روزی شما را در دست ندارند. پس روزی را پیش خدا بجوید و او را پرستید و وی را سپاس گوید، که به سوی او بازگردانیده می‌شوید. (۱۸) و اگر تکذیب کنید، قطعاً امت‌های پیش از شما [هم] تکذیب کردند، و بر پیامبر [خدا] جز ابلاغ آشکار [وظیفه‌ای] نیست. (۱۹) آیا ندیده‌اند که خدا چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را باز می‌گرداند؟ در حقیقت، این [کار] بر خدا آسان است. (۲۰) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید چگونه آفرینش را آغاز کرده است سپس [باز] خداست که نشأ آخرت را پدید می‌آورد؛ خداست که بر هر چیزی تواناست.» (۲۱) هر که را بخواهد عذاب و هر که را بخواهد رحمت می‌کند و به سوی او بازگردانیده می‌شوید. (۲۲) و شما نه در زمین و نه در آسمان درمانده‌کننده [او] نیستید، و جز خدا برای شما یار و یابوری نیست. (۲۳) و کسانی که آیات خدا و لقای او را منکر شدند، آنانند که از رحمت من نومیدند و ایشان را عذابی پر درد خواهد بود. (۲۴) و پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «بکشیدش یا بسوزانیدش.» ولی خدا او را از آتش نجات بخشید. آری، در این [نجات بخشی خدا] برای مردمی که ایمان دارند قطعاً دلایلی است. (۲۵) و [ابراهیم] گفت: «جز خدا، فقط بت‌هایی را اختیار کرده‌اید که آن هم برای دوستی میان شما در زندگی دنیاست، آنگاه روز قیامت بعضی از شما بعضی دیگر را انکار و برخی از شما برخی دیگر را لعنت می‌کنند و جایتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود.» (۲۶) پس لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگار خود روی می‌آورم، که اوست ارجمند حکیم.» (۲۷) و اسحاق و یعقوب را به او عطا کردیم و در میان فرزندانش پیامبری و کتاب قرار دادیم و در دنیا پاداشش را به او بخشیدیم و قطعاً او در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. (۲۸) و [یاد کن] لوط را هنگامی که به قوم خود گفت: «شما به کاری زشت می‌پردازید که هیچ یک از مردم زمین در آن [کار] بر شما پیشی نگرفته است. (۲۹) آیا شما با مردها درمی‌آمیزید و راه [توالد و تناسل] را قطع می‌کنید و در محافل [انس] خود پلیدکاری می‌کنید؟» و [لی] پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر راست می‌گویی عذاب خدا را برای ما بیاور.» (۳۰) [لوط] گفت: «پروردگارا، مرا بر قوم فسادکار غالب گردان.» (۳۱) و چون فرستادگان ما برای ابراهیم مژده آوردند، گفتند: «ما اهل این شهر را هلاک خواهیم کرد، زیرا مردمش ستمکار بوده‌اند.» (۳۲) گفت: «لوط [نیز] در آنجاست.» گفتند: «ما بهتر می‌دانیم چه کسانی در آنجا هستند؛ او و کسانی را -جز زنش که از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] است- حتماً نجات خواهیم داد.» (۳۳) و هنگامی که فرستادگان ما به سوی لوط آمدند، به علت [حضور] ایشان ناراحت شد و دستش از [حمایت] آنها کوتاه گردید. گفتند: «مترس و غم‌مدار که ما تو و خانواده‌ات را -جز زنت که از باقی ماندگان [در خاکستر آتش] است- حتماً می‌رهانیم.» (۳۴) ما بر مردم این شهر به [سزای] فسقی که می‌کردند، عذابی از آسمان فرو خواهیم فرستاد. (۳۵) و از آن [شهر سوخته] برای مردمی که می‌اندیشند نشانه‌ای روشن باقی گذاشتیم. (۳۶) و به سوی [مردم] مدین، برادرشان شعیب را [فرستادیم]. گفت: «ای قوم من، خدا را پرستید و به روز بازپسین امید داشته باشید و در زمین سر به فساد برمدارید.» (۳۷) پس او را دروغگو خواندند و زلزله آنان را فرو گرفت و بامدادان در خانه‌هایشان از پا درآمدند. (۳۸) و عاد و ثمود را [نیز] هلاک نمودیم. قطعاً [فرجام آنان] از سزای ایشان بر شما آشکار گردیده است، و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند. (۳۹) و قارون و فرعون و هامان را [هم] هلاک کردیم. و به راستی موسی برای آنان دلایل آشکار آورد، و [لی] آنها در

آن سرزمین سرکشی نمودند و [با این همه بر ما] پیشی نجستند. (۴۰) و هر یک [از ایشان] را به گناهش گرفتار [عذاب] کردیم: از آنان کسانی بودند که بر [سر] ایشان بادی همراه با شن فرو فرستادیم؛ و از آنان کسانی بودند که فریاد [مرگبار] آنها را فرو گرفت؛ و برخی از آنان را در زمین فرو بردیم؛ و بعضی را غرق کردیم؛ و [این] خدا نبود که بر ایشان ستم کرد بلکه خودشان بر خود ستم می کردند. (۴۱) داستان کسانی که غیر از خدا دوستانی اختیار کرده اند، همچون عنکبوت است که [با آب دهان خود] خانه‌ای برای خویش ساخته، و در حقیقت - اگر می دانستند - سست ترین خانه‌ها همان خانه عنکبوت است. (۴۲) خدا می داند هر آنچه را که جز او می خوانند، و هم اوست شکست‌ناپذیر سنجیده کار. (۴۳) و این مثلها را برای مردم می‌زنیم و [لی] جز دانشوران آنها را در نیابند. (۴۴) خداوند آسمانها و زمین را به حق آفرید. قطعاً در این [آفرینش] برای مؤمنان عبرتی است. (۴۵) آنچه از کتاب به سوی تو وحی شده است بخوان، و نماز را برپا دار، که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد، و قطعاً یاد خدا بالاتر است، و خدا می‌داند چه می‌کنید. (۴۶) و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنان که ستم کرده‌اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم اویم.» (۴۷) و همچنین ما قرآن را بر تو نازل کردیم. پس آنان که بدیشان کتاب داده‌ایم بدان ایمان می‌آورند، و از میان اینان کسانی اند که به آن می‌گروند، و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند. (۴۸) و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی‌خواندی و با دست [راست] خود [کتابی] نمی‌نوشتی، و گر نه باطل‌اندیشان قطعاً به شک می‌افتادند. (۴۹) بلکه [قرآن] آیاتی روشن در سینه‌های کسانی است که علم [الهی] یافته‌اند، و جز ستمگران منکر آیات ما نمی‌شوند. (۵۰) و گفتند: «چرا بر او از جانب پروردگارش نشانه‌هایی [معجزه‌آسا] نازل نشده است؟» بگو: «آن نشانه‌ها پیش خداست، و من تنها هشداردهنده‌ای آشکارم.» (۵۱) آیا برای ایشان بس نیست که این کتاب را که بر آنان خوانده می‌شود بر تو فرو فرستادیم؟ در حقیقت، در این [کار] برای مردمی که ایمان دارند، رحمت و یادآوری است. (۵۲) بگو: «کافی است خدا میان من و شما شاهد باشد. آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند، و آنان که به باطل گرویده و خدا را انکار کرده‌اند همان زیانکارانند.» (۵۳) و از تو به شتاب درخواست عذاب [الهی] را دارند، و اگر سرآمدی معین نبود، قطعاً عذاب به آنان می‌رسید و بی‌آنکه خبردار شوند غافلگیرشان می‌کرد. (۵۴) و شتابزده از تو عذاب می‌خواهند، و حال آنکه جهنم قطعاً بر کافران احاطه دارد. (۵۵) آن روز که عذاب از بالای [سر] آنها و از زیر پاهایشان آنها را فرو گیرد، و [خدا] می‌فرماید: «[نتیجه] آنچه را می‌کردید بچشید.» (۵۶) ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، زمین من فراخ است؛ تنها مرا بپرستید.» (۵۷) هر نفسی چشیده مرگ است، آنگاه به سوی ما باز گردانیده خواهید شد. (۵۸) و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که از زیر آنها جویها روان است، جاودان در آنجا خواهند بود؛ چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان! (۵۹) همان کسانی که شکیبایی ورزیده و بر پروردگارشان توکل نموده‌اند. (۶۰) و چه بسیار جاندارانی که نمی‌توانند متحمل روزی خود شوند. خداست که آنها و شما را روزی می‌دهد، و اوست شنوای دانا. (۶۱) و اگر از ایشان پرسسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را [چنین] رام کرده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله!»؛ پس چگونه [از حق] باز گردانیده می‌شوند؟ (۶۲) خدا بر هر کس از بندگان که بخواهد روزی را گشاده می‌گرداند و [یا] بر او تنگ می‌سازد، زیرا خدا به هر چیزی دانا است. (۶۳) و اگر از آنان پرسسی: «چه کسی از آسمان، آبی فرو فرستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است؟» حتماً خواهند گفت: «الله.» بگو: «ستایش از آن خداست با این همه، بیشترشان نمی‌اندیشند. (۶۴) این زندگی دنیا جز سرگرمی و بازیچه نیست، و زندگی حقیقی همانا [در] سرای آخرت است؛ ای کاش می‌دانستند. (۶۵) و هنگامی که بر کشتی سوار می‌شوند، خدا را پاکدلانه می‌خوانند، و [لی] چون به سوی خشکی رساند و نجاتشان داد، بناگاه شرک می‌ورزند. (۶۶) بگذار تا به آنچه بدیشان داده‌ایم انکار آورند و بگذار تا برخوردار شوند، زودا که بدانند. (۶۷) آیا ندیده‌اند که ما [برای آنان] حرمی امن قرار دادیم و حال آنکه مردم از حوالی آنان ربوده می‌شوند؟ آیا به باطل ایمان می‌آورند و به

نعمت خدا کفر می‌ورزند؟ (۶۸) و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بندد یا چون حق به سوی او آید آن را تکذیب کند؟ آیا جای کافران [در] جهنم نیست؟ (۶۹) و کسانی که در راه ما کوشیده‌اند، به یقین راه‌های خود را بر آنان می‌نماییم و در حقیقت، خدا با نیکوکاران است. (۷۰)

الروم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم. (۲) رومیان شکست خوردند، (۳) در نزدیکترین سرزمین، و [لی] بعد از شکستشان، در ظرف چند سالی، به زودی پیروز خواهند گردید. (۴) [فرجام] کار در گذشته و آینده از آن خداست، و در آن روز است که مؤمنان از یاری خدا شاد می‌گردند. (۵) هر که را بخواهد یاری می‌کند، و اوست شکست‌ناپذیر مهربان. (۶) وعده خداست. خدا وعده‌اش را خلاف نمی‌کند، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۷) از زندگی دنیا، ظاهری را می‌شناسند، و حال آنکه از آخرت غافلند. (۸) آیا در خودشان به تفکر نپرداخته‌اند؟ خداوند آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، جز به حق و تا هنگامی معین، نیافریده است، و [با این همه] بسیاری از مردم لقای پروردگارش را سخت منکرند. (۹) آیا در زمین نگردیده‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آنها بس نیرومندتر از ایشان بودند، و زمین را زیر و رو کردند و بیش از آنچه آنها آبادش کردند آن را آباد ساختند، و پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند. بنابراین خدا بر آن نبود که بر ایشان ستم کند، لیکن خودشان بر خود ستم می‌کردند. (۱۰) آنگاه فرجام کسانی که بدی کردند [بسی] بدتر بود، [چرا] که آیات خدا را تکذیب کردند و آنها را به ریشخند می‌گرفتند. (۱۱) خداست که آفرینش را آغاز و سپس آن را تجدید می‌کند، آنگاه به سوی او باز گردانیده می‌شود. (۱۲) و روزی که قیامت برپا شود مجرمان نومید می‌گردند. (۱۳) و برای آنان از شریکانشان شفیعانی نیست، و خود منکر شریکان خود می‌شوند. (۱۴) و روزی که رستاخیز برپا گردد، آن روز [مردم] پراکنده می‌شوند. (۱۵) اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، در گلستانی، شادمان می‌گردند. (۱۶) و اما کسانی که کافر شده و آیات ما و دیدار آخرت را به دروغ گرفته‌اند، پس آنان در عذاب حاضر آیند. (۱۷) پس خدا را تسبیح گوئید آنگاه که به عصر درمی‌آید و آنگاه که به بامداد درمی‌شوید. (۱۸) و ستایش از آن اوست در آسمانها و زمین و شامگاهان و وقتی که به نیمروز می‌رسید. (۱۹) زنده را از مرده بیرون می‌آورد، و مرده را از زنده بیرون می‌آورد، و زمین را بعد از مرگش زنده می‌سازد؛ و بدین گونه [از گورها] بیرون آورده می‌شود. (۲۰) و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید؛ پس بناگاه شما [به صورت] بشری هر سو پراکنده شدید. (۲۱) و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدانها آرام گیرید، و میانتان دوستی و رحمت نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. (۲۲) و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمانها و زمین و اختلاف زبانهای شما و رنگهای شماست. قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است. (۲۳) و از نشانه‌های [حکمت] او خواب شما در شب و [نیم] روز و جستجوی شما [روزی خود را] از فزون‌بخشی اوست. در این [معنی نیز] برای مردمی که می‌شنوند، قطعاً نشانه‌هایی است. (۲۴) و از نشانه‌های او [اینکه] برق را برای شما بیم‌آور و امیدبخش می‌نمایاند، و از آسمان به تدریج آبی فرو می‌فرستد، که به وسیله آن، زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در این [امر هم] برای مردمی که تعقل می‌کنند، قطعاً نشانه‌هایی است. (۲۵) و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند؛ پس چون شما را با یک بار خواندن فرا خواند، بناگاه [از گورها] خارج می‌شوید. (۲۶) و هر که در آسمانها و زمین است از آن اوست؛ همه او را گردن نهاده‌اند. (۲۷) و اوست آن کس که آفرینش را آغاز می‌کند و باز آن را تجدید می‌نماید؛ و این [کار] بر او آسانتر است. و در آسمانها و زمین نمونه والا [ی] هر صفت برتر [از آن اوست، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار. (۲۸) خداوند] برای شما از خودتان مثلی زده است: آیا در آنچه به شما روزی داده‌ایم شریکانی از بردگانتان دارید که در آن [مال با هم] مساوی باشید و همان طور که شما از یکدیگر بیم دارید از

آنها بیم داشته باشید؟ این گونه، آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند، به تفصیل بیان می‌کنیم. (۲۹) نه، [این چنین نیست] بلکه کسانی که ستم کرده‌اند، بدون هیچ گونه دانشی هوسهای خود را پیروی کرده‌اند. پس آن کس را که خدا گمراه کرده، چه کسی هدایت می‌کند؟ و برای آنان یاورانی نخواهد بود. (۳۰) پس روی خود را با گرایش تمام به حق، به سوی این دین کن، با همان سرشتی که خدا مردم را بر آن سرشته است. آفرینش خدای تغییرپذیر نیست. این است همان دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۳۱) به سویش توبه برید و از او پروا بدارید و نماز را برپا کنید و از مشرکان مباشید: (۳۲) از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند؛ هر حزبی بدانچه پیش آنهاست دلخوش شدند. (۳۳) و چون مردم را زیانی رسد، پروردگار خود را، در حالی که به درگاه او توبه می‌کنند، می‌خوانند، و آنگاه که از جانب خود رحمتی به آنان چشانید، بناگاه دسته‌ای از ایشان به پروردگارشان شرک می‌آورند. (۳۴) بگذار تا به آنچه بدانها عطا کرده‌ایم کفران ورزند. [بگو]: برخوردار شوید، زودا که خواهید دانست. (۳۵) یا [مگر] حجتی بر آنان نازل کرده‌ایم که آن [حجت] در باره آنچه با [خدا] شریک می‌گردانیده‌اند سخن می‌گوید؟ (۳۶) و چون مردم را رحمتی بچشانیم، بدان شاد می‌گردند؛ و چون به [سزای] آنچه دستاورد گذشته آنان است، صدمه‌ای به ایشان برسد، بناگاه نومید می‌شوند. (۳۷) آیا ندانسته‌اند که [این] خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد فراخ یا تنگ می‌گرداند؟ قطعاً در این [امر] برای مردمی که ایمان می‌آورند عبرت‌هاست. (۳۸) پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه‌مانده را بده. این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند. (۳۹) و آنچه [به قصد] ربا می‌دهید تا در اموال مردم سود و افزایش بردارد، نزد خدا فزونی نمی‌گیرد؛ و [لی] آنچه را از زکات -در حالی که خشنودی خدا را خواستارید- دادید، پس آنان همان فزونی‌یافتگانند [و مضاعف می‌شود]. (۴۰) خدا همان کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی بخشید، آنگاه شما را می‌میراند و پس از آن زنده می‌گرداند. آیا در میان شریکان شما کسی هست که کاری از این [قیل] کند؟ منزّه است او، و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند. (۴۱) به سبب آنچه دستهای مردم فراهم آورده، فساد در خشکی و دریا نمودار شده است، تا [سزای] بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشانند، باشد که باز گردند. (۴۲) بگو: «در زمین بگردید و بنگرید فرجام کسانی که پیشتر بوده [و] بیشترشان مشرک بودند چگونه بوده است.» (۴۳) پس به سوی این دین پایدار روی بیاور، پیش از آنکه روزی از جانب خدا فرا رسد که برگشت‌ناپذیر باشد، و در آن روز [مردم] دسته دسته می‌شوند. (۴۴) هر که کفر ورزد، کفرش به زیان اوست، و کسانی که کار شایسته کنند، [فرجام نیک] را به سود خودشان آماده می‌کنند. (۴۵) تا [خدا] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به فضل خویش پاداش دهد، که او کافران را دوست نمی‌دارد. (۴۶) و از نشانه‌های او این است که بادهای بشارت آور را می‌فرستد، تا بخشی از رحمتش را به شما بچشاند و تا کشتی به فرمانش روان گردد، و تا از فضل او [روزی] بجوید، و امید که سپاسگزاری کنید. (۴۷) و در حقیقت، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم، پس دلایل آشکار برایشان آوردند، و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است. (۴۸) خدا همان کسی است که بادهای او را می‌فرستد و ابری برمی‌انگیزد و آن را در آسمان -هر گونه بخواهد- می‌گستراند و انبوهش می‌گرداند، پس می‌بینی باران از لابلای آن بیرون می‌آید. و چون آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، رسانید، بناگاه آنان شادمانی می‌کنند. (۴۹) و قطعاً پیش از آنکه بر ایشان فرو ریزد، [آری]، پیش از آن سخت نومید بودند. (۵۰) پس به آثار رحمت خدا بنگر که چگونه زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. در حقیقت، هم اوست که قطعاً زنده کننده مردگان است، و اوست که بر هر چیزی تواناست. (۵۱) و اگر بادی [آفت‌زا] بفرستیم و [کشت خود را] زرد شده ببینند، قطعاً پس از آن کفران می‌کنند. (۵۲) و در حقیقت، تو مردگان را شنوا نمی‌گردانی، و این دعوت را به کران -آنگاه که به ادبار پشت می‌گردانند- نمی‌توانی بشنوانی. (۵۳) و تو کوران را از گمراهی‌شان به راه نمی‌آوری. تو تنها کسانی را می‌شنوانی که به آیات ما ایمان می‌آورند و خود تسلیمند. (۵۴) خداست آن کس که شما را ابتدا ناتوان آفرید، آنگاه پس از ناتوانی قوت بخشید، سپس بعد از قوت، ناتوانی و پیری داد. هر چه بخواهد می‌آفریند و هموست دانای

توانا. (۵۵) و روزی که رستاخیز بر پا شود، مجرمان سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [بیش] درنگ نکرده‌اند؛ [در دنیا هم] این گونه به دروغ کشانیده می‌شدند. (۵۶) و [لی] کسانی که دانش و ایمان یافته‌اند، می‌گویند: «قطعاً شما [به موجب آنچه] در کتاب خدا [ست] تا روز رستاخیز مانده‌اید، و این، روز رستاخیز است ولی شما خودتان نمی‌دانستید.» (۵۷) و در چنین روزی، [دیگر] پوزش آنان که ستم کرده‌اند سود نمی‌بخشد، و بازگشت به سوی حق از آنان خواسته نمی‌شود. (۵۸) و به راستی در این قرآن برای مردم از هر گونه مثلی آوردیم، و چون برای ایشان آیه‌ای بیاوری، آنان که کفر ورزیده‌اند حتماً خواهند گفت: «شما جز بر باطل نیستید.» (۵۹) این گونه، خدا بر دل‌های کسانی که نمی‌دانند مهر می‌نهد. (۶۰) پس صبر کن که وعده خدا حق است، و زنه‌ار تا کسانی که یقین ندارند، تو را به سبکسری و اندازند. (۶۱)

لقمان

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم. (۲) این است آیات کتاب حکمت آموز، (۳) که [برای نیکوکاران رهنمود و رحمتی است، (۴) همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند، و [هم] ایشانند که به آخرت یقین دارند. (۵) آنانند که از جانب پروردگارشان از هدایت برخوردارند، و ایشانند که رستگارانند. (۶) و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ [دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خواهد بود. (۷) و چون آیات ما بر او خوانده شود، با نخوت روی برمی‌گرداند، چنانکه گویی آن را نشنیده [یا] گویی در گوشه‌های سنگینی است؛ پس او را از عذابی پر درد خبر ده. (۸) در حقیقت، کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، باغهای پر نعمت خواهند داشت، (۹) که در آن جاودان می‌مانند؛ وعده خداست که حق است و هموست شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار. (۱۰) آسمانها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید خلق کرد و در زمین کوههای استوار بیفکند تا [مبادا زمین] شما را بجنابند، و در آن از هر گونه جنبنده‌ای پراکنده گردانید، و از آسمان آبی فرو فرستادیم و از هر نوع [گیاه] نیکو در آن رویانیدیم. (۱۱) این، خلق خداست. [اینک] به من نشان دهید کسانی که غیر از اویند چه آفریده‌اند؟ [هیچ!] بلکه ستمگران در گمراهی آشکارند. (۱۲) و به راستی، لقمان را حکمت دادیم که: خدا را سپاس بگزار و هر که سپاس بگزارد، تنها برای خود سپاس می‌گزارد؛ و هر کس کفران کند، در حقیقت، خدا بی‌نیاز ستوده است. (۱۳) و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که وی او را اندرز می‌داد - گفت: «ای پسرک من، به خدا شرک می‌اور که به راستی شرک ستمی بزرگ است.» (۱۴) و انسان را در باره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش به او باردار شد، سستی بر روی سستی. و از شیر باز گرفتنش در دو سال است. [آری، به او سفارش کردیم] که شکر گزار من و پدر و مادرت باش که بازگشت [همه] به سوی من است. (۱۵) و اگر تو را وادارند تا در باره چیزی که تو را بدان دانشی نیست به من شرک ورزی، از آنان فرمان مبر، و [لی] در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن، و راه کسی را پیروی کن که توبه‌کنان به سوی من بازمی‌گردد؛ و [سرانجام] بازگشت شما به سوی من است، و از [حقیقت] آنچه انجام می‌دادید شما را با خبر خواهم کرد. (۱۶) «ای پسرک من، اگر [عمل تو] هموزن دانه خردلی و در تخته‌سنگی یا در آسمانها یا در زمین باشد، خدا آن را می‌آورد، که خدا بس دقیق و آگاه است. (۱۷) ای پسرک من، نماز را برپا دار و به کار پسندیده وادار و از کار ناپسند باز دار، و بر آسیبی که بر تو وارد آمده است شکبیا باش. این [حاکمی] از عزم [و اراده تو در] امور است. (۱۸) و از مردم [به نخوت] رُخ برمتاب، و در زمین خرامان راه مرو که خدا خودپسند لافزن را دوست نمی‌دارد. (۱۹) و در راه رفتن خود میانه‌رو باش، و صدایت را آهسته‌ساز، که بدترین آوازه بانگ خرامان است. (۲۰) آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است، مسخر شما ساخته و نعمتهای ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است؟ و برخی از مردم در باره خدا بی‌آنکه [دانش و رهنمود و کتابی روشن] داشته باشند [به مجادله برمی‌خیزند. (۲۱) و چون به آنان گفته شود: «آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید»، می‌گویند: «نه! بلکه آنچه که پدرانمان را بر

آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم؛ آیا هر چند شیطان آنان را به سوی عذاب سوزان فرا خواند؟ (۲۲) و هر کس خود را -در حالی که نیکوکار باشد- تسلیم خدا کند، قطعاً در ریسمان استوارتری چنگ درزده، و فرجام کارها به سوی خداست. (۲۳) و هر کس کفر ورزد، نباید کفر او تو را غمگین گرداند. باز گشتشان به سوی ماست، و به [حقیقت] آنچه کرده‌اند آگاهشان خواهیم کرد. در حقیقت، خدا به راز دلها داناست. (۲۴) [ما] آنان را اندکی برخوردار می‌سازیم، سپس ایشان را در عذابی پر فشار در مانده می‌کنیم. (۲۵) و اگر از آنها پرسسی: «چه کسی آسمانها و زمین را آفریده است؟ مسلماً خواهند گفت: «خدا». بگو: «ستایش از آن خداست» ولی بیشترشان نمی‌دانند. (۲۶) آنچه در آسمانها و زمین است از آن خداست، در حقیقت، خدا همان بی‌نیاز ستوده [صفات] است. (۲۷) و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد. قطعاً خداست که شکست‌ناپذیر حکیم است. (۲۸) آفرینش و برانگیختن شما [در نزد ما] جز مانند [آفرینش] یک تن نیست، که خدا شنوای بیناست. (۲۹) آیا ندیده‌ای که خدا شب را در روز درمی‌آورد، و روز را [نیز] در شب درمی‌آورد، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا وقت معلومی روانند و [نیز] خدا به آنچه می‌کنید آگاه است؟ (۳۰) این [ها همه] دلیل آن است که خدا خود حق است و غیر از او هر چه را که می‌خوانند باطل است، و خدا همان بلندمرتبه بزرگ است. (۳۱) آیا ندیده‌ای که کشتیها به نعمت خدا در دریا روان می‌گردند تا برخی از نشانه‌های [قدرت] خود را به شما بنمایانند؟ قطعاً در این [قدرت نمایی]، برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه‌هاست. (۳۲) و چون موجی کوه آسا آنان را فرا گیرد، خدا را بخوانند و اعتقاد [خود] را برای او خالص گردانند، و [لی] چون نجاتشان داد و به خشکی رساند برخی از آنان میانه‌رو هستند، و نشانه‌های ما را جز هر خائن ناسپاسگزاری انکار نمی‌کند. (۳۳) ای مردم، از پروردگارتان پروا بدارید، و بترسید از روزی که هیچ پدری به کار فرزندش نمی‌آید، و هیچ فرزندی [نیز] به کار پدرش نخواهد آمد. آری، وعده خدا حق است. زنهار تا این زندگی دنیا شما را نفریبید، و زنهار تا شیطان شما را مغرور نسازد. (۳۴) در حقیقت، خداست که علم [به] قیامت نزد اوست، و باران را فرو می‌فرستد، و آنچه را که در رحمهاست می‌داند و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد، و کسی نمی‌داند در کدامین سرزمین می‌میرد. در حقیقت، خداست [که] دانای آگاه است. (۳۵)

السجده

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) الف، لام، میم. (۲) نازل شدن این کتاب -که هیچ [جای] شک در آن نیست- از طرف پروردگار جهانهاست. (۳) آیا می‌گویند: «آن را برافته است؟» [نه چنین است] بلکه آن حقّ و از جانب پروردگار توست، تا مردمی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای برای آنان نیامده است هشدار دهی، امید که راه یابند. (۴) خدا کسی است که آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است، در شش هنگام آفرید، آنگاه بر عرش [قدرت] استیلا یافت، برای شما غیر از او سرپرست و شفاعتگری نیست؛ آیا باز هم پند نمی‌گیرید؟ (۵) کار [جهان] را از آسمان [گرفته] تا زمین، اداره می‌کند؛ آنگاه [نتیجه و گزارش آن] در روزی که مقدارش - آن چنان که شما [آدمیان] برمی‌شمارید- هزار سال است، به سوی او بالا می‌رود. (۶) اوست دانای نهران و آشکار، که شکوهمند مهربان است. (۷) همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده، و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ (۸) سپس [تداوم] نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود؛ (۹) آنگاه او را درست‌اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، و برای شما گوش و دیدگان و دلها قرار داد؛ چه اندک سپاس می‌گزارید. (۱۰) و گفتند: «آیا وقتی در [دل] زمین گم شدیم، آیا [باز] ما در خلقت جدیدی خواهیم بود؟» [نه]، بلکه آنها به لقای پروردگارشان [و حضور او] کافرند. (۱۱) بگو: «فرشته مرگی که بر شما گمارده شده، جانتان را می‌ستاند، آنگاه به سوی پروردگارتان باز گردانیده می‌شوید.» (۱۲) و کاش هنگامی را که مجرمان پیش پروردگارشان سرهاشان را به زیر افکنده‌اند می‌دیدید [که می‌گویند: «پروردگارا، دیدیم و شنیدیم؛ ما را بازگردان تا کار شایسته کنیم، چرا که ما

یقین داریم.» (۱۳) و اگر می‌خواستیم، حتماً به هر کسی [از روی جبر] هدایتش را می‌دادیم، لیکن سخن من محقق گردیده که: «هر آینه جهنم را از همه جنیان و آدمیان خواهم آکنده.» (۱۴) پس به [سزای] آنکه دیدار این روزتان را از یاد بردید [عذاب را] بچشید؛ ما [نیز] فراموشتان کردیم، و به [سزای] آنچه انجام می‌دادید عذاب جاودان را بچشید. (۱۵) تنها کسانی به آیات ما می‌گروند که چون آن [آیات] را به ایشان یادآوری کنند، سجده‌کنان به روی درمی‌افتند، و به ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند و آنان بزرگی نمی‌فروشند. (۱۶) پهلوهایشان از خوابگاهها جدا می‌گردد [و] پروردگارشان را از روی بیم و طمع می‌خوانند، و از آنچه روزیشان داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۱۷) هیچ کس نمی‌داند چه چیز از آنچه روشنی‌بخش دیدگان است به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند برای آنان پنهان کرده‌ام. (۱۸) آیا کسی که مؤمن است، چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند. (۱۹) اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند در باغهایی که در آن جایگزین می‌شوند، پذیرایی می‌گردند. (۲۰) و اما کسانی که نافرمانی کرده‌اند، پس جایگاهشان آتش است. هر بار که بخواهند از آن بیرون بیایند، در آن بازگردانیده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: «عذاب آن آتشی را که دروغش می‌پنداشتید بچشید.» (۲۱) و قطعاً غیر از آن عذاب بزرگتر، از عذاب این دنیا [نیز] به آنان می‌چشانیم، امید که آنها [به خدا] بازگردند. (۲۲) و کیست بیدادگرتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده شود [و] آنگاه از آن روی بگرداند؟ قطعاً ما از مجرمان انتقام‌کشنده‌ایم. (۲۳) و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم. پس در لقای او [با خدا] تردید مکن، و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرائیل [مایه] هدایت قرار دادیم. (۲۴) و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند. (۲۵) در حقیقت، پروردگار تو، خود روز قیامت در آنچه با یکدیگر در باره آن اختلاف می‌کردند، میانشان داوری خواهد کرد. (۲۶) آیا برای آنان روشن نگردیده که چه بسیار نسلها را پیش از آنها نابود گردانیدیم [که اینان] در سرهایشان راه می‌روند؟ قطعاً در این [امر] عبرت‌هاست، مگر نمی‌شنوند؟ (۲۷) آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم، و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دامهایشان و خودشان از آن می‌خورند؟ مگر نمی‌بینند؟ (۲۸) و می‌پرسند: «اگر راست می‌گوئید، این پیروزی [شما] چه وقت است؟» (۲۹) بگو: «روز پیروزی، ایمان کسانی که کافر شده‌اند سود نمی‌بخشد و آنان مهلت نمی‌یابند.» (۳۰) پس، از ایشان روی برتاب و منتظر باش که آنها نیز در انتظارند. (۳۱)

الأحزاب

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای پیامبر، از خدا پروا بدار و کافران و منافقان را فرمان مبر، که خدا همواره دانای حکیم است. (۲) و آنچه را که از جانب پروردگارت به سوی تو وحی می‌شود، پیروی کن که خدا همواره به آنچه می‌کنید آگاه است. (۳) و بر خدا اعتماد کن، همین بس که خدا نگهدار تو است. (۴) خداوند برای هیچ مردی در درونش دو دل ننهاده است، و آن همسرانتان را که مورد «ظهار» قرار می‌دهید مادران شما نگردانیده، و پسرخواندگانتان را پسران [واقعی] شما قرار نداده است. این، گفتار شما به زبان شماست، و [لی] خدا حقیقت را می‌گوید، و او [ست که] به راه راست هدایت می‌کند. (۵) آنان را به [نام] پدرانشان بخوانید، که این نزد خدا عادلانه‌تر است، و اگر پدرانشان را نمی‌شناسید پس برادران دینی و موالی شمایند، و در آنچه اشتباهاً مرتکب آن شده‌اید بر شما گناهی نیست، ولی در آنچه دل‌هایتان عمده داشته است [مسئولید] و خداست که همواره آمرزنده مهربان است. (۶) پیامبر به مؤمنان از خودشان سزاوارتر [و نزدیکتر] است و همسرانش مادران ایشانند، و خویشاوندان [طبق] کتاب خدا، بعضی [نسبت] به بعضی اولویت دارند [و] بر مؤمنان و مهاجران [مقدمند]، مگر آنکه بخواهید به دوستان [مؤمن] خود [وصیت یا] احسانی کنید، و این در کتاب [خدا] نگاشته شده است. (۷) و [یاد کن] هنگامی را که از پیامبران پیمان گرفتیم، و از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی پسر مریم، و از [همه] آنان پیمانی استوار گرفتیم. (۸) تا راستان را از صدقشان باز پرسد، و برای کافران

عذابی دردناک آماده کرده است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت خدا را بر خود به یاد آرید، آنگاه که لشکریایی به سوی شما [در] آمدند، پس بر سر آنان تندبادی و لشکریایی که آنها را نمی‌دیدید فرستادیم، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست. (۱۰) هنگامی که از بالای [سر] شما و از زیر [پای] شما آمدند، و آنگاه که چشمها خیره شد و جانها به گلوگاهها رسید و به خدا گمانهایی [نابجا] می‌بردید. (۱۱) آنجا [بود که] مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند و سخت تکان خوردند. (۱۲) و هنگامی که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری است می‌گفتند: «خدا و فرستاده‌اش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند.» (۱۳) و چون گروهی از آنان گفتند: «ای مردم مدینه، دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید.» و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است» و [لی‌خانه‌هایشان] بی‌حفاظ نبود، [آنان] جز گریز [از جهاد] چیزی نمی‌خواستند. (۱۴) و اگر از اطراف [مدینه] مورد هجوم واقع می‌شدند و آنگاه آنان را به ارتداد می‌خواندند، قطعاً آن را می‌پذیرفتند و جز اندکی در این [کار] درنگ نمی‌کردند؛ (۱۵) با آنکه قبلاً با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت [به دشمن] نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد. (۱۶) بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن بگریزید، هرگز این گریز برای شما سود نمی‌بخشد، و در آن صورت جز اندکی برخوردار نخواهید شد.» (۱۷) بگو: «چه کسی می‌تواند در برابر خدا از شما حمایت کند اگر او بخواهد برای شما بد بیاورد یا بخواهد شما را رحمت کند؟ و غیر از خدا برای خود یار و یآوری نخواهند یافت.» (۱۸) خداوند کارشکنان [و مانع‌شوندگان] شما و آن کسانی را که به برادرانشان می‌گفتند: «نزد ما بیایید» و جز اندکی روی به جنگ نمی‌آورند [خوب] می‌شناسد. (۱۹) بر شما بیخیلانند، و چون خطر فرا رسد آنان را می‌بینی که مانند کسی که مرگ او را فرو گرفته، چشمانشان در حدقه می‌چرخد [و] به سوی تو می‌نگرند؛ و چون ترس برطرف شود شما را با زبانهایی تند نیش می‌زنند؛ بر مال حریصند. آنان ایمان نیاورده‌اند و خدا اعمالشان را تباہ گردانیده، و این [کار] همواره بر خدا آسان است. (۲۰) اینان [چنین] می‌پندارند که دسته‌های دشمن نرفته‌اند، و اگر دسته‌های دشمن باز آیند آرزو می‌کنند: کاش میان اعراب بادیه‌نشین بودند و از اخبار [مربوط به] شما جويا می‌شدند، و اگر در میان شما بودند، جز اندکی جنگ نمی‌کردند. (۲۱) قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست: برای آن کس که به خدا و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند. (۲۲) و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: «این همان است که خدا و فرستاده‌اش به ما وعده دادند و خدا و فرستاده‌اش راست گفتند»، و جز بر ایمان و فرمانبرداری آنان نیفزود. (۲۳) از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند. برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و [هرگز عقیده خود را] تبدیل نکردند. (۲۴) تا خدا راستگویان را به [پاداش] راستی‌شان پاداش دهد، و منافقان را اگر بخواهد، عذاب کند یا بر ایشان ببخشد که خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۲۵) و خداوند آنان را که کفر ورزیده‌اند، بی‌آنکه به مالی رسیده باشند، به غیظ [و حسرت] برگرداند، و خدا [زحمت] جنگ را از مؤمنان برداشت، و خدا همواره نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۲۶) و کسانی از اهل کتاب را که با [مشرکان] هم‌پشتی کرده بودند، از دژهایشان به زیر آورد و در دلهایشان هراس افکند: گروهی را می‌کشید و گروهی را اسیر می‌کردید. (۲۷) و زمینشان و خانه‌ها و اموالشان و سرزمینی را که در آن پانهاده بودید به شما میراث داد، و خدا بر هر چیزی تواناست. (۲۸) ای پیامبر، به همسرانت بگو: «اگر خواهان زندگی دنیا و زینت آنید، بیایید تا مهرتان را بدهم و [خوش و] خرم شما را رها کنم. (۲۹) و اگر خواستار خدا و فرستاده وی و سرای آخرتید، پس به راستی خدا برای نیکوکاران شما پاداش بزرگی آماده گردانیده است. (۳۰) ای همسران پیامبر، هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری کند، عذابش دو چندان خواهد بود؛ و این بر خدا همواره آسان است. (۳۱) و هر کس از شما خدا و فرستاده‌اش را فرمان برد و کار شایسته کند، پاداشش را دو چندان می‌دهیم و برایش روزی نیکو فراهم خواهیم ساخت. (۳۲) ای همسران پیامبر، شما مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نیستید، اگر سر پروا دارید پس به ناز سخن مگویید تا آنکه در دلش بیماری است طمع ورزد؛ و گفتاری شایسته گوید. (۳۳) و در خانه‌هایتان قرار گیرید و مانند روزگار جاهلیت قدیم زینتهای خود را آشکار مکنید و نماز برپا دارید و زکات بدهید و خدا و

فرستاده‌اش را فرمان برید. خدا فقط می‌خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند. (۳۴) و آنچه را که از آیات خدا و [سخنان] حکمت [آمیز] در خانه‌های شما خوانده می‌شود یاد کنید. در حقیقت، خدا همواره دقیق و آگاه است. (۳۵) مردان و زنان مسلمان، و مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان عبادت‌پیشه، و مردان و زنان راستگو، و مردان و زنان شکیبیا، و مردان و زنان فروتن، و مردان و زنان صدقه‌دهنده، و مردان و زنان روزه‌دار، و مردان و زنان پاکدامن، و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند، خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است. (۳۶) و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند، برای آنان در کارشان اختیاری باشد؛ و هر کس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است. (۳۷) و آنگاه که به کسی که خدا بر او نعمت ارزانی داشته بود و تو [نیز] به او نعمت داده بودی، می‌گفتی: «همسرت را پیش خود نگاه دار و از خدا پروا بدار» و آنچه را که خدا آشکارکننده آن بود، در دل خود نهان می‌کردی و از مردم می‌ترسیدی، با آنکه خدا سزاوارتر بود که از او بترسی. پس چون زید از آن [زن] کام بر گرفت [و او را ترک گفت] وی را به نکاح تو در آوردیم تا [در آینده] در مورد ازدواج مؤمنان با زنان پسرخواندگانشان - چون آنان را طلاق گفتند - گناهی نباشد، و فرمان خدا صورت اجرا پذیرد. (۳۸) بر پیامبر در آنچه خدا برای او فرض گردانیده گناهی نیست. [این] سنت خداست که از دیرباز در میان گذشتگان [معمول] بوده، و فرمان خدا همواره به اندازه مقرر [و متناسب با توانایی] است. (۳۹) همان کسانی که پیامهای خدا را ابلاغ می‌کنند و از او می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا بیم ندارند. و خدا برای حسابرسی کفایت می‌کند. (۴۰) محمد پدر هیچ یک از مردان شما نیست، ولی فرستاده خدا و خاتم پیامبران است. و خدا همواره بر هر چیزی داناست. (۴۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را یاد کنید، یادی بسیار. (۴۲) و صبح و شام او را به پاکی بستابید. (۴۳) اوست کسی که با فرشتگان خود بر شما درود می‌فرستد تا شما را از تاریکیها به سوی روشنائی بر آورد، و به مؤمنان همواره مهربان است. (۴۴) درودشان - روزی که دیدارش کنند - سلام خواهد بود، و برای آنان پاداشی نیکو آماده کرده است. (۴۵) ای پیامبر، ما تو را [به سمت] گواه و بشارتگر و هشداردهنده فرستادیم، (۴۶) و دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او، و چراغی تابناک. (۴۷) و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از جانب خدا بخشایشی فراوان خواهد بود. (۴۸) و کافران و منافقان را فرمان مبر، و از آزارشان بگذر و بر خدا اعتماد کن و کارسازی [چون] خدا کفایت می‌کند. (۴۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر زنان مؤمن را به نکاح خود در آوردید، آنگاه پیش از آنکه با آنان همخوابگی کنید، طلاقشان دادید، دیگر بر عهده آنها عده‌ای که آن را بشمارید، نیست؛ پس مهرشان را بدهید و خوش و خرم آنها را رها کنید. (۵۰) ای پیامبر، ما برای تو آن همسرانی را که مهرشان را داده‌ای حلال کردیم، و [کنیزانی] را که خدا از غنیمت جنگی در اختیار تو قرار داده، و دختران عموی و دختران عمه‌های و دختران دایی تو و دختران خاله‌های که با تو مهاجرت کرده‌اند، و زن مؤمنی که خود را [داوطلبانه] به پیامبر ببخشد - در صورتی که پیامبر بخواهد او را به زنی گیرد. [این ازدواج از روی بخشش] ویژه توست نه دیگر مؤمنان. ما نیک می‌دانیم که در مورد زنان و کنیزانشان چه بر آنان مقرر کرده‌ایم، تا برای تو مشکلی پیش نیاید، و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۵۱) نوبت هر کدام از آن زنها را که می‌خواهی به تأخیر انداز و هر کدام را که می‌خواهی پیش خود جای ده، و بر تو باکی نیست که هر کدام را که ترک کرده‌ای [دوباره] طلب کنی. این نزدیکتر است برای اینکه چشمانشان روشن گردد و دل‌تنگ نشوند و همگی شان به آنچه به آنان داده‌ای خوشود گردند، و آنچه در دل‌های شماست خدا می‌داند، و خدا همواره دانای بردبار است. (۵۲) از این پس، دیگر [گرفتن] زنان و نیز اینکه به جای آنان، زنان دیگری بر تو حلال نیست، هر چند زیبایی آنها برای تو مورد پسند افتد، به استثنای کنیزان، و خدا همواره بر هر چیزی مراقب است. (۵۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، داخل اتاقهای پیامبر مشوید، مگر آنکه برای [خوردن] طعامی به شما اجازه داده شود، [آن هم] بی آنکه در انتظار پخته‌شدن آن باشید؛ ولی هنگامی که دعوت شدید داخل گردید، و وقتی غذا خوردید پراکنده شوید بی آنکه سرگرم سخنی گردید. این [رفتار] شما پیامبر را می‌رنجاند و [لی] از شما شرم می‌دارد، و حال آنکه خدا از

حق [گویی] شرم نمی‌کند، و چون از زنان [پیامبر] چیزی خواستید از پشت پرده از آنان بخواهید؛ این برای دل‌های شما و دل‌های آنان پاکیزه‌تر است، و شما حق ندارید رسول خدا را برنجانید، و مطلقاً [نباید] زانوش را پس از [مرگ] او به نکاح خود در آورید، چرا که این [کار] نزد خدا همواره [گناهی] بزرگ است. (۵۴) اگر چیزی را فاش کنید یا آن را پنهان دارید قطعاً خدا به هر چیزی داناست. (۵۵) بر زنان در مورد پدران و پسران و برادران و پسران برادران و پسران خواهران و زنان [همکیش] و بردگان گناهی نیست [که دیده شوند]؛ و باید از خدا پروا بدارید که خدا همواره بر هر چیزی گواه است. (۵۶) خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بر او درود فرستید و به فرمانش بخوبی گردن نهید. (۵۷) بی‌گمان، کسانی که خدا و پیامبر او را آزار می‌رسانند، خدا آنان را در دنیا و آخرت لعنت کرده و برایشان عذابی خفت‌آور آماده ساخته است. (۵۸) و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بی‌آنکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند آزار می‌رسانند، قطعاً تهمت و گناهی آشکار به گردن گرفته‌اند. (۵۹) ای پیامبر، به زنان و دختران و به زنان مؤمنان بگو: «پوشش‌های خود را بر خود فروتر گیرند. این برای آنکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند [به احتیاط] نزدیکتر است، و خدا آمرزنده مهربان است. (۶۰) اگر منافقان و کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست و شایعه‌افکنان در مدینه، [از کارشان] باز نیستند، تو را سخت بر آنان مسلط می‌کنیم تا جز [مدتی] اندک در همسایگی تو نیند. (۶۱) از رحمت خدا دور گردیده و هر کجا یافته شوند گرفته و سخت کشته خواهند شد. (۶۲) در باره کسانی که بیشتر بوده‌اند [همین] سنت خدا [جاری بوده] است؛ و در سنت خدا هرگز تغییری نخواهی یافت. (۶۳) مردم از تو در باره رستاخیز می‌پرسند؛ بگو: «علم آن فقط نزد خداست.» و چه می‌دانی؟ شاید رستاخیز نزدیک باشد. (۶۴) خدا کافران را لعنت کرده و برای آنها آتش فروزانی آماده کرده است. (۶۵) جاودانه در آن می‌مانند، نه یاری می‌یابند و نه یآوری. (۶۶) روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیرورو می‌کنند، می‌گویند: «ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم.» (۶۷) و می‌گویند: «پروردگارا، ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند.» (۶۸) «پروردگارا، آنان را دو چندان عذاب ده و لعنتشان کن لعنتی بزرگ.» (۶۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مانند کسانی مباشید که موسی را [با اتهام خود] آزار دادند، و خدا او را از آنچه گفتند مبرا ساخت و نزد خدا آبرومند بود. (۷۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و سخنی استوار گوید. (۷۱) تا اعمال شما را به صلاح آورد و گناهانتان را بر شما ببخشد، و هر کس خدا و پیامبرش را فرمان برد قطعاً به رستگاری بزرگی نایل آمده است. (۷۲) ما امانت [الهی و بار تکلیف] را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه کردیم، پس، از برداشتن آن سر باز زدند و از آن هراسناک شدند، و [لی] انسان آن را برداشت؛ راستی او ستمگری نادان بود. (۷۳) [آری، چنین است] تا خدا مردان و زنان منافق، و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبه مردان و زنان با ایمان را بپذیرد، و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۷۴)

سبأ

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سپاس خدایی را که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست، و در آخرت [نیز] سپاس از آن اوست، و هم اوست سنجیده کار آگاه. (۲) آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه از آن بر می‌آید و آنچه از آسمان فرو می‌شود و آنچه در آن بالا می‌رود [همه را] می‌داند، و اوست مهربان آمرزنده. (۳) و کسانی که کافر شدند، گفتند: «رستاخیز برای ما نخواهد آمد.» بگو: «چرا، سوگند به پروردگارم که حتماً برای شما خواهد آمد. [همان] دانای نهان [ها] که هموزن ذره‌ای، نه در آسمانها و نه در زمین، از وی پوشیده نیست، و نه کوچکتر از آن و نه بزرگتر از آن است مگر اینکه در کتابی روشن [درج شده] است.» (۴) تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند به پاداش رساند؛ آنانند که آمرزش و روزی خوش برایشان خواهد بود. (۵) و کسانی که در [ابطال] آیات ما کوشش می‌ورزند که ما را در مانده کنند، برایشان عذابی از بلایی دردناک باشد. (۶) و کسانی که از دانش بهره یافته‌اند، می‌دانند که آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، حق است و به راه آن

عزیز ستوده [صفات] راهبری می کند. (۷) و کسانی که کفر ورزیدند، گفتند: «آیا مردی را به شما نشان دهیم که شما را خبر می دهد که چون کاملاً متلاشی شدید، [باز] قطعاً در آفرینشی جدید خواهید بود؟ (۸) آیا [این مرد] بر خدا دروغی بسته یا جنونی در اوست؟» [نه!] بلکه آنان که به آخرت ایمان ندارند در عذاب و گمراهی دور و درازند. (۹) آیا به آنچه - از آسمان و زمین - در دسترستان و پشت سرشان است ننگریسته اند؟ اگر بخواهیم آنان را در زمین فرو می بریم، یا پاره سنگهایی از آسمان بر سرشان می افکنیم. قطعاً در این [تهدید] برای هر بنده توبه کاری عبرت است. (۱۰) و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم. [و گفتیم: ای کوهها، با او [در تسیح خدا] همصدا شوید، و ای پرندگان [هماهنگی کنید]. و آهن را برای او نرم گردانیدیم. (۱۱) [که] زره های فراخ بساز و حلقه ها را درست اندازه گیری کن. و کار شایسته کنید، زیرا من به آنچه انجام می دهید بینام. (۱۲) و باد را برای سلیمان [رام کردیم:] که رفتن آن بامداد، یک ماه، و آمدنش شبانگاه، یک ماه [راه] بود، و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم، و برخی از جن به فرمان پروردگارش پیش او کار می کردند، و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی تافت، از عذاب سوزان به او می چشانیدیم. (۱۳) [آن متخصصان] برای او هر چه می خواست: از نمازخانه ها و مجسمه ها و ظروف بزرگ مانند حوضچه ها و دیگهای چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داوود، شکر گزار باشید. و از بندگان من اندکی سپاسگزارند. (۱۴) پس چون مرگ را بر او مقرر داشتیم، جز جنبنده ای خاکی [=موریانه] که عصای او را [به تدریج] می خورد، [آدمیان را] از مرگ او آگاه نگردانید، پس چون [سلیمان] فرو افتاد برای جنیان روشن گردید که اگر غیب می دانستند، در آن عذاب خفت آور [باقی] نمی ماندند. (۱۵) قطعاً برای [مردم] سبا در محل سکونتشان نشانه [رحمتی] بود: دو باغستان از راست و چپ [به آنان گفتیم:] از روزی پروردگارتان بخورید و او را شکر کنید. شهری است خوش و خدایی آمرزنده. (۱۶) پس روی گردانیدند، و بر آن سیل [سد] عرم را روانه کردیم، و دو باغستان آنها را به دو باغ که میوه های تلخ و شوره گز و نوعی از کُنار تنک داشت تبدیل کردیم. (۱۷) این [عقوبت] را به [سزای] آنکه کفران کردند به آنان جزا دادیم؛ و آیا جز ناسپاس را به مجازات می رسانیم؟ (۱۸) و میان آنان و میان آبادانیهایی که در آنها برکت نهاده بودیم شهرهای متصل به هم قرار داده بودیم، و در میان آنها مسافت را، به اندازه، مقرر داشته بودیم. در این [راه] ها، شبان و روزان آسوده خاطر بگردید. (۱۹) تا گفتند: «پروردگارا، میان [منزلهای] سفرهایمان فاصله انداز.» و بر خویشان ستم کردند. پس آنها را [برای آیندگان، موضوع] حکایتها گردانیدیم، و سخت تارومارشان کردیم؛ قطعاً در این [ماجرای] برای هر شکیبای سپاسگزاری عبرت است. (۲۰) و قطعاً شیطان گمان خود را در مورد آنها راست یافت. و جز گروهی از مؤمنان، [بقیه] از او پیروی کردند! (۲۱) و [شیطان] را بر آنان تسلطی نبود، جز آنکه کسی را که به آخرت ایمان دارد از کسی که در باره آن در تردید است باز شناسیم. و پروردگار تو بر هر چیزی نگاهبان است. (۲۲) بگو: «کسانی را که جز خدا [معبود خود] نداشته اید بخوانید؛ هموزن ذره ای نه در آسمانها و نه در زمین مالک نیستند، و در آن دو شرکتی ندارند، و برای وی از میان آنان هیچ پشتیبانی نیست.» (۲۳) و شفاعتگری در پیشگاه او سود نمی بخشد، مگر برای آن کس که به وی اجازه دهد. تا چون هراس از دلهایشان برطرف شود، می گویند: «پروردگارتان چه فرمود؟» می گویند: «حقیقت؛ و هموست بلندمرتبه و بزرگ.» (۲۴) بگو: «کیست که شما را از آسمانها و زمین روزی می دهد؟» بگو: «خدا؛ و در حقیقت یا ما، یا شما بر هدایت یا گمراهی آشکاریم.» (۲۵) بگو: «[شما] از آنچه ما مرتکب شده ایم بازخواست نخواهید شد، و [ما نیز] از آنچه شما انجام می دهید بازخواست نخواهیم شد.» (۲۶) بگو: «پروردگاران ما و شما را جمع خواهد کرد؛ سپس میان ما به حق داوری می کند، و اوست داور دانا.» (۲۷) بگو: «کسانی را که [به عنوان] شریک به او ملحق گردانیده اید، به من نشان دهید.» چنین نیست، بلکه اوست خدای عزیز حکیم. (۲۸) و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشداردهنده برای تمام مردم، نفرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی دانند. (۲۹) و می گویند: «اگر راست می گویند، این وعده چه وقت است؟» (۳۰) بگو: «میعاد شما روزی است که نه ساعتی از آن پس توانید رفت، و نه پیشی توانید جست.» (۳۱) و کسانی که کافر شدند گفتند: «نه به این قرآن و نه به آن [توراتی] که پیش از آن است هرگز ایمان

نخواهیم آورد». و ای کاش بیدادگران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان بازداشت شده‌اند می‌دیدید [که چگونه] برخی از آنان با برخی [دیگر جدل و] گفتگو می‌کنند؛ کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، می‌گویند: «اگر شما نبودید قطعاً ما مؤمن بودیم». (۳۲) کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، به کسانی که زیردست بودند، می‌گویند: «مگر ما بودیم که شما را از هدایت - پس از آنکه به سوی شما آمد- بازداشتیم؟ [نه،] بلکه خودتان گناهکار بودید». (۳۳) و کسانی که زیردست بودند به کسانی که [ریاست و] برتری داشتند، می‌گویند: «[نه،] بلکه نیرنگ شب و روز [شما بود] آنگاه که ما را وادار می‌کردید که به خدا کافر شویم و برای او همتیانی قرار دهیم». و هنگامی که عذاب را ببینند پشیمانی خود را آشکار کنند. و در گردنهای کسانی که کافر شده‌اند غلها می‌نهمیم؛ آیا جز به سزای آنچه انجام می‌دادند می‌رسند؟ (۳۴) و [ما] در هیچ شهری هشداردهنده‌ای نفرستادیم جز آنکه خوشگذرانان آنها گفتند: «ما به آنچه شما بدان فرستاده شده‌اید کافریم». (۳۵) و گفتند: «ما دارایی و فرزندانمان از همه بیشتر است و ما عذاب نخواهیم شد». (۳۶) بگو: «پروردگار من است که روزی را برای هر کس که بخواهد گشاده یا تنگ می‌گرداند؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند». (۳۷) و اموال و فرزندانان چیزی نیست که شما را به پیشگاه ما نزدیک گرداند، مگر کسانی که ایمان آورده و کار شایسته کرده باشند. پس برای آنان دو برابر آنچه انجام داده‌اند پاداش است و آنها در غرفه‌ها [ی بهشتی] آسوده خاطر خواهند بود. (۳۸) و کسانی که در [ابطال] آیات ما می‌کوشند که [ما را به خیال خود] در مانده کنند؛ آنانند که در عذاب احضار می‌شوند. (۳۹) بگو: «در حقیقت، پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند. و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد. و او بهترین روزی دهندگان است». (۴۰) و [یاد کن] روزی را که همه آنان را محشور می‌کند، آنگاه به فرشتگان می‌فرماید: «آیا اینها بودند که شما را می‌پرستیدند؟» (۴۱) می‌گویند: «مژهی تو، سرپرست ما تویی نه آنها بلکه جنیان را می‌پرستیدند؛ بیشترشان به آنها اعتقاد داشتند». (۴۲) اکنون برای یکدیگر سود و زیانی ندارید، و به کسانی که ستم کرده‌اند می‌گوییم: «بپشید عذاب آتشی را که آن را دروغ می‌شمردید». (۴۳) و چون آیات تابناک ما بر آنان خوانده می‌شود می‌گویند: «این جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانانان می‌پرستیدند باز دارد.» و [نیز] می‌گویند: «این جز دروغی برافته نیست.» و کسانی که به حق - چون به سویشان آمد- کافر شدند می‌گویند: «این جز افسونی آشکار نیست». (۴۴) و ما کتابهایی به آنان نداده بودیم که آن را بخوانند، و پیش از تو هشداردهنده‌ای به سویشان نفرستاده بودیم. (۴۵) و کسانی که پیش از اینان بودند، [نیز] تکذیب کردند، در حالی که اینان به ده یک آنچه بدیشان داده بودیم نرسیده‌اند. [آری،] فرستادگان مرا دروغ شمردند؛ پس چگونه بود کیفر من؟ (۴۶) بگو: «من فقط به شما یک اندرز می‌دهم که: دو و به تنهایی برای خدا به پا خیزید، سپس ببینید که رفیق شما هیچ گونه دیوانگی ندارد. او شما را از عذاب سختی که در پیش است جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیست. (۴۷) بگو: «هر مزدی که از شما خواستم آن از خودتان مزد من جز بر خدا نیست، و او بر هر چیزی گواه است». (۴۸) بگو: «بی‌گمان، پروردگارم حقیقت را القا می‌کند؛ [اوست] دانای نهانها». (۴۹) بگو: «حق آمد و [دیگر] باطل از سر نمی‌گیرد و بر نمی‌گردد». (۵۰) بگو: «اگر گمراه شوم، فقط به زیان خود گمراه شده‌ام، و اگر هدایت یابم [این از برکت] چیزی است که پروردگارم به سویم وحی می‌کند، که اوست شنوای نزدیک». (۵۱) و ای کاش می‌دیدید هنگامی را که [کافران] وحشت زده‌اند [آنجا که راه] گریزی نمانده است و از جایی نزدیک گرفتار آمده‌اند. (۵۲) و می‌گویند: «به او ایمان آوردیم.» و چگونه از جایی [چنین] دور، دست یافتن [به ایمان] برای آنان میسر است؟ (۵۳) و حال آنکه پیش از این منکر او شدند، و از جایی دور، به نادیده [تیر تهمت] می‌افکندند. (۵۴) و میان آنان و میان آنچه [به آرزو] می‌خواستند حایلی قرار می‌گیرد؛ همان گونه که از دیرباز با امثال ایشان چنین رفت، زیرا آنها [نیز] در دودلی سختی بودند. (۵۵)

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سپاس خدای را که پدیدآورنده آسمان و زمین است [و] فرشتگان را که دارای بالهای دوگانه و سه گانه و چهارگانه اند پیام آورنده قرار داده است. در آفرینش، هر چه بخواهد می‌افزاید، زیرا خدا بر هر چیزی تواناست. (۲) هر رحمتی را که خدا برای مردم گشاید، بازدارنده‌ای برای آن نیست، و آنچه را که باز دارد، پس از [باز گرفتن] گشاینده‌ای ندارد، و اوست همان شکست‌ناپذیر سنجیده کار. (۳) ای مردم، نعمت خدا را بر خود یاد کنید. آیا غیر از خدا آفریدگاری است که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ خدایی جز او نیست. پس چگونه [از حق] انحراف می‌یابید؟ (۴) و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً پیش از تو [هم] فرستادگانی تکذیب شدند. و [همه] کارها به سوی خدا بازگردانیده می‌شود. (۵) ای مردم، همانا وعده خدا حق است. زنه‌ار تا این زندگی دنیا شما را فریب ندهد، و زنه‌ار تا [شیطان] فریبنده شما را در باره خدا نفریبد. (۶) در حقیقت، شیطان دشمن شماست، شما [نیز] او را دشمن گیرید. [او] فقط دار و دسته خود را می‌خواند تا آنها از یاران آتش باشند. (۷) کسانی که کفر ورزیده‌اند، عذابی سخت خواهند داشت. و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۸) آیا آن کس که زشتی کردارش برای او آراسته شده و آن را زیبا می‌بیند [مانند مؤمن نیکوکار است]؟ خداست که هر که را بخواهد بی‌راه می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند. پس مبادا به سبب حسرتها [ی گوناگون] بر آنان، جانت [از کف] [برود]؛ قطعاً خدا به آنچه می‌کنند داناست. (۹) و خدا همان کسی است که بادها را روانه می‌کند؛ پس [بادها] ابری را برمی‌انگیزند، و [ما] آن را به سوی سرزمینی مرده رانندیم، و آن زمین را بدان [وسیله]، پس از مرگش زندگی بخشیدیم؛ رستاخیز [نیز] چنین است. (۱۰) هر کس سربلندی می‌خواهد، سربلندی یکسره از آن خداست. سخنان پاکیزه به سوی او بالا می‌رود، و کار شایسته به آن رفعت می‌بخشد. و کسانی که با حيله و مکر کارهای بد می‌کنند، عذابی سخت خواهند داشت، و نیرنگشان خود تباه می‌گردد. (۱۱) و خدا [است که] شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه شما را جفت جفت گردانید، و هیچ ماده‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌نهد مگر به علم او. و هیچ سالخورده‌ای عمر دراز نمی‌یابد و از عمرش کاسته نمی‌شود، مگر آنکه در کتابی [مندرج] است. در حقیقت، این [کار] بر خدا آسان است! (۱۲) و دو دریا یکسان نیستند: این یک، شیرین‌ترین تشنگی‌زدا [و] نوشیدنش گواراست؛ و آن یک، شور تلخ‌مزه است؛ و از هر یک گوشتی تازه می‌خورید و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید؛ و کشتی را در آن، موج‌شکاف می‌بینی تا از فضل او [روزی خود را] جستجو کنید، و امید که سپاس بگزارید. (۱۳) شب را به روز درمی‌آورد و روز را به شب درمی‌آورد، و آفتاب و ماه را تسخیر کرده است [که] هر یک تا هنگامی معین روانند؛ این است خدا پروردگار شما؛ فرمانروایی از آن اوست. و کسانی را که بجز او می‌خوانید، مالک پوست هسته خرمایی [هم] نیستند. (۱۴) اگر آنها را بخوانید، دعای شما را نمی‌شنوند، و اگر [فرضاً] بشنوند اجابتان نمی‌کنند، و روز قیامت شرک شما را انکار می‌کنند؛ و [هیچ کس] چون [خدای] آگاه، تو را خبردار نمی‌کند. (۱۵) ای مردم، شما به خدا نیازمندید، و خداست که بی‌نیاز ستوده است. (۱۶) و اگر بخواهد شما را می‌برد و خلقی نو [بر سر کار] می‌آورد. (۱۷) و این [امر] برای خدا دشوار نیست. (۱۸) و هیچ باربردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد، و اگر گرانباری [دیگری را به یاری] به سوی بارش فراخواند چیزی از آن برداشته نمی‌شود، هر چند خویشاوند باشد. [تو] تنها کسانی را که از پروردگارشان در نهان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند، هشدار می‌دهی؛ و هر کس پاکیزگی جوید تنها برای خود پاکیزگی می‌جوید، و فرجام [کارها] به سوی خداست. (۱۹) و نابینا و بینا یکسان نیستند، (۲۰) و نه تیرگیها و روشنایی، (۲۱) و نه سایه و گرمای آفتاب. (۲۲) و زندگان و مردگان یکسان نیستند. خداست که هر که را بخواهد شنوا می‌گرداند؛ و تو کسانی را که در گورهایند نمی‌توانی شنوا سازی. (۲۳) تو جز هشداردهنده‌ای [بیش] نیستی. (۲۴) ما تو را بحق، [به سمت] بشارتگر و هشداردهنده گسیل داشتیم، و هیچ امتی نبوده مگر اینکه در آن هشداردهنده‌ای گذشته است. (۲۵) و اگر تو را تکذیب کنند، قطعاً کسانی که پیش از آنها بودند [نیز] به تکذیب پرداختند. پیامبرانشان دلایل آشکار و نوشته‌ها و کتاب روشن برای آنان آوردند. (۲۶) آنگاه کسانی را که کافر شده بودند فرو گرفتیم؛ پس چگونه بود کیفر من؟ (۲۷) آیا ندیده‌ای که خدا از

آسمان، آبی فرود آورد و به [وسیله] آن میوه‌هایی که رنگهای آنها گوناگون است بیرون آوردیم؟ و از برخی کوهها، راهها [و رگه‌ها]ی سپید و گلگون به رنگهای مختلف و سیاه پر رنگ [آفریدیم]. (۲۸) و از مردمان و جانوران و دامها که رنگهایشان همان گونه مختلف است [پدید آوردیم]. از بندگان خدا تنها دانایانند که از او می‌ترسند. آری، خدا ارجمند آمرزنده است. (۲۹) در حقیقت، کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم، نهان و آشکارا انفاق می‌کنند، امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد. (۳۰) تا پاداششان را تمام بدیشان عطا کند و از فزون‌بخشی خود در حق آنان بیفزاید که او آمرزنده حق‌شناس است. (۳۱) و آنچه از کتاب به سوی تو وحی کرده‌ایم، خود حق [و] تصدیق‌کننده [کتابهای] پیش از آن است. قطعاً خدا نسبت به بندگانش آگاه بیناست. (۳۲) سپس این کتاب را به آن بندگان خود که [آنان را] برگزیده بودیم، به میراث دادیم؛ پس برخی از آنان بر خود ستمکارند و برخی از ایشان میانه‌رو، و برخی از آنان در کارهای نیک به فرمان خدا پیشگامند؛ و این خود توفیق بزرگ است. (۳۳) [در] بهشت‌های همیشگی [که] به آنها درخواهند آمد. در آنجا با دستبندهایی از زر و مروارید زیور یابند و در آنجا جامه‌شان پرنیان خواهد بود. (۳۴) و می‌گویند: «سپاس خدایی را که اندوه را از ما زدود، به راستی پروردگار ما آمرزنده [و] حق‌شناس است؛ (۳۵) همان [خدایی] که ما را به فضل خویش در سرای ابدی جای داد. در اینجا رنجی به ما نمی‌رسد و در اینجا درماندگی به ما دست نمی‌دهد. (۳۶) و [لی] کسانی که کافر شده‌اند، آتش جهنم برای آنان خواهد بود. حکم به مرگ بر ایشان [جاری] نمی‌شود تا بمیرند، و نه عذاب آن از ایشان کاسته شود. [آری]، هر ناسپاسی را چنین کیفر می‌دهیم. (۳۷) و آنان در آنجا فریاد برمی‌آورند: «پروردگارا، ما را بیرون بیاور، تا غیر از آنچه می‌کردیم، کار شایسته کنیم.» مگر شما را [آن قدر] عمر دراز ندادیم که هر کس که باید در آن عبرت گیرد، عبرت می‌گرفت؛ و [آیا] برای شما هشداردهنده نیامد؟ پس بچشید که برای ستمگران یآوری نیست. (۳۸) خدا [ست که] دانای نهان آسمانها و زمین است، و اوست که به راز دلها داناست. (۳۹) اوست آن کس که شما را در این سرزمین جانشین گردانید. پس هر کس کفر ورزد کفرش به زیان اوست، و کافران را کفرشان جز دشمنی نزد پروردگارشان نمی‌افزاید، و کافران را کفرشان غیر از زیان نمی‌افزاید. (۴۰) بگو: «به من خبر دهید از شریکان خودتان که به جای خدا می‌خوانید؛ به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند؟ یا آنان در [کار] آسمانها همکاری داشته‌اند؟ یا به ایشان کتابی داده‌ایم که دلیلی بر [حَقَّانیت] خود از آن دارند؟» [نه]، بلکه ستمکاران جز فریب به یکدیگر وعده نمی‌دهند. (۴۱) همانا خدا آسمانها و زمین را نگاه می‌دارد تا نیفتند، و اگر بیفتند بعد از او هیچ کس آنها را نگاه نمی‌دارد؛ اوست بردبار آمرزنده. (۴۲) و با سوگندهای سخت خود به خدا سوگند یاد کردند که اگر هر آینه هشداردهنده‌ای برای آنان بیاید، قطعاً از هر یک از امتها [ی دیگر] راه یافته‌تر شوند، و [لی] چون هشداردهنده‌ای برای ایشان آمد، جز بر نفریشان نیفزود. (۴۳) [انگیزه] این کارشان فقط گردنکشی در [روی] زمین و نیرنگ زشت بود، و نیرنگ زشت جز [دامن] صاحبش را نگیرد. پس آیا جز سَنَت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند؟ و هرگز برای سَنَت خدا دگرگونی نخواهی یافت. (۴۴) آیا در زمین نگردیده‌اند تا فرجام [کار] کسانی را که پیش از ایشان [زیسته] و نیرومندتر از ایشان بودند بنگرند؟ و هیچ چیز، نه در آسمانها و نه در زمین، خدا را درمانده نکرده است، چرا که او همواره دانای تواناست. (۴۵) و اگر خدا مردم را به [سزای] آنچه انجام داده‌اند مؤاخذه می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت؛ ولی تا مدتی معین مهلتشان می‌دهد، و چون اجلشان فرا رسد خدا به [کار] بندگانش بیناست. (۴۶)

یسی

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) یس [یا سین] (۲) سوگند به قرآن حکمت‌آموز، (۳) که قطعاً تو از [جمله] پیامبرانی، (۴) بر راهی راست! (۵) [و کتابت] از جانب آن عزیز مهربان نازل شده است، (۶) تا قومی را که پدرانشان بیم‌داده نشدند و در غفلت ماندند، بیم دهی. (۷) آری، گفته [خدا] در باره بیشترشان محقق گردیده است، در نتیجه آنها نخواهند گروید. (۸) ما در گردنهای آنان، تا

چانه‌هایشان، غله‌هایی نهاده‌ایم، به طوری که سرهایشان را بالا نگاه داشته و دیده فرو هشته‌اند. (۹) و [ما] فراروی آنها سدی و پشت سرشان سدی نهاده و پرده‌ای بر [چشمان] آنان فرو گسترده‌ایم، در نتیجه نمی‌توانند ببینند. (۱۰) و آنان را چه بیم دهی [و] چه بیم ندهی، به حالشان تفاوت نمی‌کند: نخواهند گروید. (۱۱) بیم دادن تو، تنها کسی را [سودمند] است که کتاب حق را پیروی کند و از [خدای] رحمان در نهان بترسد. [چنین کسی را] به آموزش و پاداشی پر ارزش مژده ده. (۱۲) آری! ماییم که مردگان را زنده می‌سازیم و آنچه را از پیش فرستاده‌اند، با آثار [و اعمال] شان درج می‌کنیم، و هر چیزی را در کارنامه‌ای روشن برشمرده‌ایم. (۱۳) [داستان] مردم آن شهری را که رسولان بدانجا آمدند برای آنان مثل زن: (۱۴) آنگاه که دو تن سوی آنان فرستادیم، و [لی] آن دو را دروغزن پنداشتند، تا با [فرستاده] سومین [آنان را] تأیید کردیم، پس [رسولان] گفتند: «ما به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم.» (۱۵) [ناباوران آن دیار] گفتند: «شما جز بشری مانند ما نیستید، و [خدای] رحمان چیزی نفرستاده، و شما جز دروغ نمی‌پردازید.» (۱۶) گفتند: «پروردگار ما می‌داند که ما واقعاً به سوی شما به پیامبری فرستاده شده‌ایم.» (۱۷) و بر ما [وظیفه‌ای] جز رسانیدن آشکار [پیام] نیست. (۱۸) پاسخ دادند: «ما [حضور] شما را به شگون بد گرفته‌ایم. اگر دست برندارید، سنگسارتان می‌کنیم و قطعاً عذاب دردناکی از ما به شما خواهد رسید.» (۱۹) [رسولان] گفتند: «شومی شما با خود شماست. آیا اگر شما را پند دهند [باز کفر می‌ورزید]؟ نه! بلکه شما قومی اسرافکارید.» (۲۰) و [در این میان] مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد، [و] گفت: «ای مردم، از این فرستادگان پیروی کنید. (۲۱) از کسانی که پاداشی از شما نمی‌خواهند و خود [نیز] بر راه راست قرار دارند، پیروی کنید. (۲۲) آخر چرا کسی را نپرستم که مرا آفریده است و [همه] شما به سوی او بازگشت می‌یابید؟ (۲۳) آیا به جای او خدایانی را بپرستم که اگر [خدای] رحمان بخواهد به من گزند برساند، نه شفاعتشان به حالم سود می‌دهد و نه می‌توانند مرا برهانند؟ (۲۴) در آن صورت، من قطعاً در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۵) من به پروردگارتان ایمان آوردم. [اقرار] مرا بشنوید.» (۲۶) [سرانجام به جرم ایمان کشته شد، و بدو] گفته شد: «به بهشت در آی.» گفت: «ای کاش، قوم من می‌دانستند، (۲۷) که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد.» (۲۸) پس از [شهادت] وی هیچ سپاهی از آسمان بر قومش فرود نیاوردیم و [پیش از این هم] فروفرستنده نبودیم. (۲۹) تنها یک فریاد بود و بس. و بناگاه [همه] آنها سرد بر جای فسرند. (۳۰) دریغا بر این بندگان! هیچ فرستاده‌ای بر آنان نیامد مگر آنکه او را ریشخند می‌کردند. (۳۱) مگر ندیده‌اند که چه بسیار نسلها را پیش از آنان هلاک گردانیدیم که دیگر آنها به سویشان باز نمی‌گردند؟ (۳۲) و قطعاً همه آنان در پیشگاه ما احضار خواهند شد. (۳۳) و زمین مرده، برهانی است برای ایشان، که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند. (۳۴) و در آن [زمین] باغهایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم. (۳۵) تا از میوه آن و [از] کارکرد دستهای خودشان بخورند، آیا باز [هم] سپاس نمی‌گزارند؟ (۳۶) پاک [خدایی] که از آنچه زمین می‌رویاند و [نیز] از خودشان و از آنچه نمی‌دانند، همه را نر و ماده گردانیده است. (۳۷) و نشانه‌ای [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] از آن برمی‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند. (۳۸) و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است. تقدیر آن عزیز دانا این است. (۳۹) و برای ماه منزلهایی معین کرده‌ایم، تا چون شاخک خشک خوشه خرما بر گردد. (۴۰) نه خورشید را سزد که به ماه رسد، و نه شب بر روز پیشی جوید، و هر کدام در سپهری شناورند. (۴۱) و نشانه‌ای [دیگر] برای آنان اینکه: ما نیاکانشان را در کشتی انباشته، سوار کردیم. (۴۲) و مانند آن برای ایشان مرکوبها [ی دیگری] خلق کردیم. (۴۳) و اگر بخواهیم غرقشان می‌کنیم و هیچ فریادرسی نمی‌یابند و روی نجات نمی‌بینند. (۴۴) مگر رحمتی از جانب ما [شامل آنها گردد] و تا چندی [آنها را] بر خوردار سازیم. (۴۵) و چون به ایشان گفته شود: «از آنچه در پیش رو و پشت سر دارید بترسید، امید که مورد رحمت قرار گیرید» [نمی‌شنوند]. (۴۶) و هیچ نشانه‌ای از نشانه‌های پروردگارشان بر آنان نیامد، جز اینکه از آن رویگردان شدند. (۴۷) و چون به آنان گفته شود: «از آنچه خدا به شما روزی داده انفاق کنید»، کسانی که کافر شده‌اند، به آنان که ایمان آورده‌اند، می‌گویند: «آیا کسی را بخورانیم که اگر خدا می‌خواست [خودش] وی

را می‌خورانید؟ شما جز در گمراهی آشکاری [بیش] نیستید.» (۴۸) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، پس این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟» (۴۹) جز یک فریاد [مرگبار] را انتظار نخواهند کشید که هنگامی که سرگرم جدالند غافلگیرشان کند. (۵۰) آنگاه نه توانایی وصیّتی دارند و نه می‌توانند به سوی کسان خود برگردند. (۵۱) و در صور دمیده خواهد شد، پس بناگاه از گورهای خود شتابان به سوی پروردگار خویش می‌آیند. (۵۲) می‌گویند: «ای وای بر ما، چه کسی ما را از آرامگاهمان برانگیخت؟ این است همان وعده خدای رحمان، و پیامبران راست می‌گفتند.» (۵۳) [باز هم] یک فریاد است و بس؛ و بناگاه همه در پیشگاه ما حاضر آیند. (۵۴) امروز بر کسی هیچ ستم نمی‌رود، جز در برابر آنچه کرده‌اید پاداشی نخواهید یافت. (۵۵) در این روز، اهل بهشت کار و باری خوش در پیش دارند. (۵۶) آنها با همسرانشان در زیر سایه‌ها بر تختها تکیه می‌زنند. (۵۷) در آنجا برای آنها [هر گونه] میوه است و هر چه دلشان بخواهد. (۵۸) از جانب پروردگار [ی] مهربان [به آنان] سلام گفته می‌شود. (۵۹) و ای گناهکاران، امروز [از بی‌گناهان] جدا شوید. (۶۰) ای فرزندان آدم، مگر با شما عهد نکرده بودم که شیطان را مپرستید، زیرا وی دشمن آشکار شماست؟ (۶۱) و اینکه مرا بپرستید؛ این است راه راست! (۶۲) و [او] گروهی انبوه از میان شما را سخت گمراه کرد؛ آیا تعقل نمی‌کردید؟ (۶۳) این است جهنمی که به شما وعده داده می‌شد! (۶۴) به [جرم] آنکه کفر می‌ورزیدید، اکنون در آن درآیید. (۶۵) امروز بر دهانهای آنان مهر می‌نهم، و دستهایشان با ما سخن می‌گویند، و پاهایشان بدانچه فراهم می‌ساختند گواهی می‌دهند. (۶۶) و اگر بخواهیم، هر آینه فروغ از دیدگان‌شان می‌گیریم تا در راه [کج] بر هم پیشی جویند؛ ولی [راه راست را] از کجا می‌توانند ببینند؟ (۶۷) و اگر بخواهیم، هر آینه ایشان را در جای خود مسخ می‌کنیم [به گونه‌ای] که نه بتوانند بروند و نه برگردند. (۶۸) و هر که را عمر دراز دهیم، او را [از نظر] خلقت فروکاسته [و شکسته] گردانیم، آیا نمی‌اندیشند؟ (۶۹) و [ما] به او شعر نیاموختیم و در خور وی نیست، این [سخن] جز اندرز و قرآنی روشن نیست. (۷۰) تا هر که را [دلی] زنده است بیم دهد، و گفتار [خدا] در باره کافران محقق گردد. (۷۱) آیا ندیده‌اند که ما به قدرت خویش برای ایشان چهارپایانی آفریده‌ایم تا آنان مالک آنها باشند؟ (۷۲) و آنها را برای ایشان رام گردانیدیم. از برخی‌شان سواری می‌گیرند و از بعضی می‌خورند. (۷۳) و از آنها سودها و نوشیدنیها دارند. پس چرا شکر گزار نیستید؟ (۷۴) و غیر از خدا [ی یگانه] خدایانی به پرستش گرفتند، تا مگر یاری شوند. (۷۵) [ولی بتان] نمی‌توانند آنان را یاری کنند و آنانند که برای [بتان] چون سپاهی احضار شده‌اند. (۷۶) پس، گفتار آنان تو را غمگین نگرداند که ما آنچه را پنهان و آنچه را آشکار می‌کنند، می‌دانیم. (۷۷) مگر آدمی ندانسته است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم، پس بناگاه وی ستیزه‌جویی آشکار شده است. (۷۸) و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد؛ گفت: «چه کسی این استخوانها را که چنین پوسیده است زندگی می‌بخشد؟» (۷۹) بگو: «همان کسی که نخستین بار آن را پدید آورد و اوست که به هر [گونه] آفرینشی داناست.» (۸۰) همو که برایتان در درخت سبزم آخگر نهاد که از آن [چون نیازتان افتد] آتش می‌افروزید. (۸۱) آیا کسی که آسمانها و زمین را آفریده توانا نیست که [باز] مانند آنها را بیافریند؟ آری، اوست آفریننده دانا. (۸۲) چون به چیزی اراده فرماید، کارش این بس که می‌گوید: «باش»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود. (۸۳) پس [شکوه‌مند و] پاک است آن کسی که ملکوت هر چیزی در دست اوست، و به سوی اوست که باز گردانیده می‌شود. (۸۴)

الصفات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به صف بستگان - که صفی [با شکوه] بسته‌اند - (۲) و به زجر کنندگان - که به سختی زجر می‌کنند - (۳) و به تلاوت کنندگان [آیات الهی]! (۴) که قطعاً معبود شما یگانه است! (۵) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، و پروردگار خاورها! (۶) ما آسمان این دنیا را به زیور اختران آراستیم! (۷) و [آن را] از هر شیطان سرکشی نگاه داشتیم! (۸) به طوری که [نمی‌توانند به انبوه] فرشتگان [عالم بالا] گوش فرا دهند، و از هر سوی پرتاب می‌شوند. (۹) با شدت به دور رانده می‌شوند،

و برایشان عذابی دایم است. (۱۰) مگر کسی که [از سخن بالاییان] یکباره استراق سمع کند، که شهابی شکافنده از پی او می‌تازد! (۱۱) پس، [از کافران] پرس: آیا ایشان [از نظر] آفرینش سخت‌ترند یا کسانی که [در آسمانها] خلق کردیم؟ ما آنان را از گلی چسبنده پدید آوردیم. (۱۲) بلکه عجب می‌داری و [آنها] ریشخند می‌کنند! (۱۳) و چون پند داده شوند عبرت نمی‌گیرند. (۱۴) و چون آیتی ببینند به ریشخند می‌پردازند! (۱۵) و می‌گویند: «این جز سحری آشکار نیست.» (۱۶) «آیا چون مردیم و خاک و استخوانهای [خُرد] گردیدیم، آیا راستی برانگیخته می‌شویم؟» (۱۷) و همین‌طور پدران اولیه ما؟! (۱۸) بگو: «آری! در حالی که شما خوارید!» (۱۹) و آن تنها یک فریاد است و بس! و بناگاه آنان به تماشا خیزند! (۲۰) و می‌گویند: «ای وای بر ما! این است روز جزا!» (۲۱) این است همان روز داوری که آن را تکذیب می‌کردید! (۲۲) کسانی را که ستم کرده‌اند، با همدیفا نشان و آنچه غیر از خدا می‌پرستیده‌اند، (۲۳) گرد آورید و به سوی راه جهنم رهبری‌شان کنید! (۲۴) و بازداشتشان نمایید که آنها مسؤولند! (۲۵) شما را چه شده است که همدیگر را یاری نمی‌کنید؟! (۲۶) [نه!] بلکه امروز آنان از در تسلیم درآمدگانند! (۲۷) و بعضی روی به بعضی دیگر می‌آورند [و] از یکدیگر می‌پرسند! (۲۸) [و] می‌گویند: «شما [ظاهراً] از در راستی با ما درمی‌آمدید [و خود را حق به جانب می‌نمودید]!» (۲۹) [متهمان] می‌گویند: «[نه!] بلکه با ایمان نبودید. (۳۰) و ما را بر شما هیچ تسلطی نبود، بلکه خودتان سرکش بودید. (۳۱) پس فرمان پروردگارمان بر ما سزاوار آمد؛ ما واقعاً باید [عذاب را] بچشیم! (۳۲) و شما را گمراه کردیم، زیرا خودمان گمراه بودیم!» (۳۳) پس، در حقیقت، آنان در آن روز در عذاب شریک یکدیگرند! (۳۴) [آری]، ما با مجرمان چنین رفتار می‌کنیم! (۳۵) چرا که آنان بودند که وقتی به ایشان گفته می‌شد: «خدایی جز خدای یگانه نیست»، تکبر می‌ورزیدند! (۳۶) و می‌گفتند: «آیا ما برای شاعری دیوانه دست از خدایانمان برداریم؟! (۳۷) ولی نه! [او] حقیقت را آورده و فرستادگان را تصدیق کرده است. (۳۸) در واقع، شما عذاب پر درد را خواهید چشید! (۳۹) و جز آنچه می‌کردید جزا نمی‌یابید! (۴۰) مگر بندگان پاکدل خدا! (۴۱) آنان روزی معین خواهند داشت. (۴۲) [انواع] میوه‌ها! و آنان مورد احترام خواهند بود. (۴۳) در باغهای پر نعمت! (۴۴) بر سریرها در برابر همدیگر [می‌نشینند]. (۴۵) با جامی از باده ناب پیرامونشان به گردش درمی‌آیند؛ (۴۶) [باده‌ای] سخت سپید که نوشندگان را لذتی [خاص] می‌دهد؛ (۴۷) نه در آن فساد عقل است و نه ایشان از آن به بدمستی [و فرسودگی] می‌افتند! (۴۸) و نزدشان [دلبرانی] فروهسته‌نگاه و فراخ‌دیده باشند! (۴۹) [از شدت سپیدی] گویی تخم شتر مرغ [زیر پَر]ند! (۵۰) پس برخی‌شان به برخی روی نموده و از همدیگر پرس‌وجو می‌کنند. (۵۱) گوینده‌ای از آنان می‌گوید: «راستی من [در دنیا] همنشین داشتم، (۵۲) که به من [می‌گفت]: «آیا واقعاً تو از باوردارندگانی؟ (۵۳) آیا وقتی مُردیم و خاک و [مشتی] استخوان شدیم، آیا واقعاً جزا می‌یابیم؟» (۵۴) [مؤمن] می‌پرسد: «آیا شما اطلاع دارید [کجاست]؟» (۵۵) پس اطلاع حاصل می‌کند، و او را در میان آتش می‌بیند! (۵۶) [و] می‌گوید: «به خدا سوگند، چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی. (۵۷) و اگر رحمت پروردگارم نبود، هر آینه من [نیز] از احضارشدگان بودم.» (۵۸) [و از روی شوق می‌گوید: «آیا دیگر روی مرگ نمی‌بینیم، (۵۹) جز همان مرگ نخستین خود؟ و ما هرگز عذاب نخواهیم شد؟! (۶۰) راستی که این همان کامیابی بزرگ است! (۶۱) برای چنین [پاداشی] باید کوشندگان بکوشند. (۶۲) آیا از نظر پذیرایی این بهتر است یا درخت زقوم؟! (۶۳) در حقیقت، ما آن را برای ستمگران [مایه آزمایش] و [عذابی گردانیدیم. (۶۴) آن، درختی است که از قعر آتش سوزان می‌روید، (۶۵) میوه‌اش گویی چون کله‌های شیاطین است، (۶۶) پس [دوزخیان] حتماً از آن می‌خورند و شکمها را از آن پر می‌کنند، (۶۷) سپس ایشان را بر سر آن، آمیغی از آب جوشان است؛ (۶۸) آنگاه بازگشتشان بی‌گمان به سوی دوزخ است. (۶۹) آنها پدران خود را گمراه یافتند، (۷۰) پس ایشان به دنبال آنها می‌شتابند! (۷۱) و قطعاً پیش از آنها بیشتر پیشینیان به گمراهی افتادند. (۷۲) و حال آنکه مسلماً در میانشان هشداردهندگان فرستادیم. (۷۳) پس ببین فرجام هشدارداده‌شدگان چگونه بود! (۷۴) به استثنای بندگان پاکدل خدا! (۷۵) و نوح، ما را ندا داد، و چه نیک اجابت‌کننده بودیم! (۷۶) و او و کسانش را از اندوه بزرگ رهانیدیم. (۷۷) و [تنها] نسل او را باقی گذاشتیم. (۷۸) و در میان

آیندگان [آوازه نیک] او را بر جای گذاشتیم. (۷۹) درود بر نوح در میان جهانیان! (۸۰) ما این گونه نیکوکاران را پاداش می‌دهیم. (۸۱) به راستی او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۲) سپس دیگران را غرق کردیم. (۸۳) و بی‌گمان، ابراهیم از پیروان اوست. (۸۴) آنگاه که با دلی پاک به [پیشگاه] پروردگارش آمد. (۸۵) چون به پدر [خوانده] و قوم خود گفت: «چه می‌پرستید؟» (۸۶) آیا غیر از آنها، به دروغ، خدایانی [دیگر] می‌خواهید؟! (۸۷) پس گمانتان به پروردگار جهانیان چیست؟» (۸۸) پس نظری به ستارگان افکند، (۸۹) و گفت: «من کسالت دارم!» (۹۰) پس پشت کنان از او روی برتافتند! (۹۱) تا نهانی به سوی خدایانشان رفت و [به ریشخند] گفت: «آیا غذا نمی‌خورید؟» (۹۲) شما را چه شده که سخن نمی‌گویید؟! (۹۳) پس با دست راست، بر سر آنها زدن گرفت! (۹۴) تا دوان دوان روی آور شدند. (۹۵) [ابراهیم] گفت: «آیا آنچه را می‌تراشید، می‌پرستید؟» (۹۶) با اینکه خدا شما و آنچه را که برمی‌سازید آفریده است!» (۹۷) گفتند: «برایش [کوره] خانه‌ای بسازید و در آتشش بیندازید!» (۹۸) پس خواستند به از نیرنگی زنند؛ و [لی] ما آنان را پست گردانیدیم. (۹۹) و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگارم رهسپارم، زودا که مرا راه نماید!» (۱۰۰) «ای پروردگار من! مرا [فرزندی] از شایستگان بخش.» (۱۰۱) پس او را به پسری بردبار مژده دادیم. (۱۰۲) و وقتی با او به جایگاه «سعی» رسید، گفت: «ای پسرک من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سیر می‌بُرم، پس ببین چه به نظرت می‌آید؟» گفت: «ای پدر من! آنچه را مأموری بکن! ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت.» (۱۰۳) پس وقتی هر دو تن دردادند [و همدیگر را بدرود گفتند] و [پسر] را به پیشانی بر خاک افکند، (۱۰۴) او را ندا دادیم که ای ابراهیم! (۱۰۵) رؤیا [ی خود] را حقیقت بخشیدی! ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم! (۱۰۶) راستی که این همان آزمایش آشکار بود! (۱۰۷) و او را در ازای قربانی بزرگی باز رهانیدیم. (۱۰۸) و در [میان] آیندگان برای او [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. (۱۰۹) درود بر ابراهیم! (۱۱۰) نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (۱۱۱) در حقیقت، او از بندگان با ایمان ما بود. (۱۱۲) و او را به اسحاق که پیامبری از [جمله] شایستگان است مژده دادیم. (۱۱۳) و به او و به اسحاق برکت دادیم، و از نسل آن دو برخی نیکوکار و [برخی] آشکارا به خود ستمکار بودند. (۱۱۴) و در حقیقت، بر موسی و هارون منت نهادیم. (۱۱۵) و آن دو و قومشان را از اندوه بزرگ رهانیدیم. (۱۱۶) و آنان را یاری دادیم تا ایشان غالب آمدند. (۱۱۷) و آن دو را کتاب روشن دادیم. (۱۱۸) و هر دو را به راه راست هدایت کردیم. (۱۱۹) و برای آن دو در [میان] آیندگان [نام نیک] به جای گذاشتیم. (۱۲۰) درود بر موسی و هارون! (۱۲۱) ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم، (۱۲۲) زیرا آن دو از بندگان با ایمان ما بودند. (۱۲۳) و به راستی الیاس از فرستادگان [ما] بود. (۱۲۴) چون به قوم خود گفت: «آیا پروا نمی‌دارید؟» (۱۲۵) آیا «بعل» را می‌پرستید و بهترین آفرینندگان را وامی‌گذارید؟! (۱۲۶) [یعنی:] خدا را که پروردگار شما و پروردگار پدران پیشین شماست؟! (۱۲۷) پس او را دروغگو شمردند، و قطعاً آنها [در آتش] احضار خواهند شد- (۱۲۸) مگر بندگان پاکدین خدا. (۱۲۹) و برای او در [میان] آیندگان [آوازه نیک] به جای گذاشتیم. (۱۳۰) درود بر پیروان الیاس! (۱۳۱) ما نیکوکاران را این گونه پاداش می‌دهیم، (۱۳۲) زیرا او از بندگان با ایمان ما بود. (۱۳۳) و در حقیقت، لوط از زمره فرستادگان بود. (۱۳۴) آنگاه که او و همه کسانش را رهانیدیم- (۱۳۵) جز پیرزنی که در میان باقی ماندگان [و خاکسترشدگان] بود- (۱۳۶) سپس دیگران را هلاک کردیم. (۱۳۷) و در حقیقت، شما بر آنان صبحگاهان (۱۳۸) و شامگاهان می‌گذرید! آیا به فکر فرو نمی‌روید؟! (۱۳۹) و در حقیقت، یونس از زمره فرستادگان بود. (۱۴۰) آنگاه که به سوی کشتی پر، بگریخت! (۱۴۱) پس [سرنشینان] با هم قرعه انداختند و [یونس] از باختگان شد. (۱۴۲) [او را به دریا افکندند] و عنبرماهی او را بلعید در حالی که او نکوهشگر خویش بود! (۱۴۳) و اگر او از زمره تسبیح‌کنندگان نبود، (۱۴۴) قطعاً تا روزی که برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] می‌ماند! (۱۴۵) پس او را در حالی که ناخوش بود به زمین خشکی افکندیم! (۱۴۶) و بر بالای [سر] او درختی از [نوع] کدوئین رویانیدیم. (۱۴۷) و او را به سوی یکصد هزار [نفر] از ساکنان نینوا یا بیشتر روانه کردیم. (۱۴۸) پس ایمان آوردند و تا چندی برخوردارشان کردیم. (۱۴۹) پس، از مشرکان جويا شو: آیا پروردگارت را دختران و آنان را پسران است؟! (۱۵۰) یا فرشتگان را مادینه آفریدیم و آنان شاهد بودند؟! (۱۵۱) هشدار که اینان از

دروغ پردازی خود قطعاً خواهند گفت: (۱۵۲) «خدا فرزند آورده!» در حالی که آنها قطعاً دروغ‌گویانند! (۱۵۳) آیا [خدا] دختران را بر پسران برگزیده است؟ (۱۵۴) شما را چه شده؟ چگونه داوری می‌کنید؟ (۱۵۵) آیا سرپند گرفتن ندارید؟! (۱۵۶) یا دلیلی آشکار [در دست] دارید؟ (۱۵۷) پس اگر راست می‌گویید کتابتان را بیاورید. (۱۵۸) و میان خدا و جن‌ها پیوندی انگاشتند و حال آنکه جنیان نیک دانسته‌اند که [برای حساب پس دادن،] خودشان احضار خواهند شد. (۱۵۹) خدا منزّه است از آنچه در وصف می‌آورند. (۱۶۰) به استثنای بندگان پاکدل خدا. (۱۶۱) در حقیقت، شما و آنچه [که شما آن را] می‌پرستید، (۱۶۲) بر ضد او گمراه‌گر نیستید، (۱۶۳) مگر کسی را که به دوزخ رفتنی است! (۱۶۴) و هیچ یک از ما [فرشتگان] نیست مگر [اینکه] برای او [مقام و] مرتبه‌ای معین است. (۱۶۵) و در حقیقت، ما میم که [برای انجام فرمان خدا] صف بسته‌ایم. (۱۶۶) و ما میم که خود تسبیح‌گویانیم. (۱۶۷) و [مشرکان] به تأکید می‌گفتند: (۱۶۸) «اگر پند [نامه‌ای] از پیشینیان نزد ما بود، (۱۶۹) قطعاً از بندگان خالص خدا می‌شدیم!» (۱۷۰) ولی [وقتی قرآن آمد] به آن کافر شدند، و زودا که بدانند! (۱۷۱) و قطعاً فرمان ما در باره بندگان فرستاده ما از پیش [چنین] رفته است: (۱۷۲) که آنان [بر دشمنان خودشان] حتماً پیروز خواهند شد. (۱۷۳) و سپاه ما هرآینه غالب آیندگانند. (۱۷۴) پس تا مدتی [معین] از آنان روی برتاب. (۱۷۵) و آنان را بنگر که خواهند دید. (۱۷۶) آیا عذاب ما را شتابزده خواستارند؟ (۱۷۷) [پس هشدار داده شدگان را] آنگاه که عذاب به خانه آنان فرود آید چه بد صبحگاهی است! (۱۷۸) و از ایشان تا مدتی [معین] روی برتاب. (۱۷۹) و بنگر که خواهند دید! (۱۸۰) منزّه است پروردگار تو، پروردگار شکوهمند، از آنچه وصف می‌کنند. (۱۸۱) و درود بر فرستادگان! (۱۸۲) و ستایش، ویژه خدا، پروردگار جهانهاست. (۱۸۳)

ص

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) صاد. سوگند به قرآن پراندرزا! (۲) آری، آنان که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزه‌اند. (۳) چه بسیار نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [ما را] به فریاد خواندند، و [لی] دیگر مجال گریز نبود. (۴) و از اینکه هشداردهنده‌ای از خودشان برایشان آمده درشگفتند، و کافران می‌گویند: «این، ساحری شیاد است. (۵) آیا خدایان [متعدد] را خدای واحدی قرار داده؟ این واقعاً چیز عجیبی است.» (۶) و بزرگانشان روان شدند [و گفتند: «بروید و بر خدایان خود ایستادگی نمایید که این امر قطعاً هدف [ما] است. (۷) [از طرفی] این [مطلب] را در آیین اخیر [عیسوی هم] نشنیده‌ایم، این [ادعا] جز دروغ‌بافی نیست. (۸) آیا از میان ما قرآن بر او نازل شده است؟» [نه!] بلکه آنان در باره قرآن من دودلند. [نه،] بلکه هنوز عذاب [ما] نچشیده‌اند. (۹) آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار ارجمند بسیار بخشنده تو نزد ایشان است؟ (۱۰) آیا فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است از آن ایشان است؟ [اگر چنین است] پس [با چنگ زدن] در آن اسباب به بالا روند. (۱۱) این سپاهک دسته‌های دشمن در آنجا [=بندر] در هم شکستنی‌اند. (۱۲) پیش از ایشان قوم نوح و عاد و فرعون صاحب [عمارت و] خرگاهها تکذیب کردند. (۱۳) و ثمود و قوم لوط و اصحاب ایکه [نیز به تکذیب پرداختند] آنها دسته‌های مخالف بودند. (۱۴) هیچ کدام نبودند که پیامبران [ما] را تکذیب نکنند، پس عقوبت [من بر آنان] سزاوار آمد. (۱۵) و اینان جز یک فریاد را انتظار نمی‌برند که هیچ [مجال] سر خاراندنی در آن نیست. (۱۶) و گفتند: «پروردگارا، پیش از [رسیدن] روز حساب، بهره ما را [از عذاب] به شتاب به ما بده.» (۱۷) بر آنچه می‌گویند صبر کن، و داوود، بنده ما را که دارای امکانات [متعدد] بود به یاد آور؛ آری، او بسیار بازگشت‌کننده [به سوی خدا] بود. (۱۸) ما کوهها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند. (۱۹) و پرندگان را از هر سو [بر او] گرد [آوردیم] همگی [به نوای دلنوازش] به سوی او بازگشت‌کننده [و خدا را ستایشگر] بودند. (۲۰) و پادشاهیش را استوار کردیم و او را حکمت و کلام فیصله‌دهنده عطا کردیم. (۲۱) و آیا خبر دادخواهان - چون از نمازخانه [او] بالا رفتند - به تو رسید؟ (۲۲) [به طور ناگهانی] بر داوود در آمدند، و او از آنان به هراس افتاد، گفتند: «مترس، [ما] دو مدعی [هستیم] که یکی از ما بر دیگری تجاوز کرده، پس میان

ما به حق داوری کن، و از حق دور مشو، و ما را به راه راست راهبر باش.» (۲۳) «این [شخص] برادر من است. او را نود و نه میش، و مرا یک میش است، و می گوید: آن را به من بسپار، و در سخنوری بر من غالب آمده است.» (۲۴) [داوود] گفت: «قطعاً او در مطالبه میش تو [اضافه] بر میش های خودش، بر تو ستم کرده، و در حقیقت بسیاری از شریکان به همدیگر ستم روا می دارند، به استثنای کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، و اینها بس اندکند، و داوود دانست که ما او را آزمایش کرده ایم. پس، از پروردگارش آموزش خواست و به رو درافتاد و توبه کرد. (۲۵) و بر او این [ماجرا] را بخشودیم؛ و در حقیقت برای او پیش ما تقرّب و فرجامی خوش خواهد بود. (۲۶) ای داوود، ما تو را در زمین خلیفه [و جانشین] گردانیدیم؛ پس میان مردم به حق داوری کن، و زنهار از هوس پیروی مکن که تو را از راه خدا به در کند. در حقیقت کسانی که از راه خدا به در می روند، به [سزای] آنکه روز حساب را فراموش کرده اند غذایی سخت خواهند داشت! (۲۷) و آسمان و زمین و آنچه را که میان این دو است به باطل نیافریدیم، این گمان کسانی است که کافر شده [و حق پوشی کرده] اند، پس وای از آتش بر کسانی که کافر شده اند. (۲۸) یا [مگر] کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده اند، چون مفسدان در زمین می گردانیم، یا پرهیزگاران را چون پلیدکاران قرار می دهیم؟ (۲۹) [این] کتابی مبارک است که آن را به سوی تو نازل کرده ایم تا در [باره] آیات آن بیندیشند، و خردمندان پند گیرند. (۳۰) و سلیمان را به داوود بخشیدیم. چه نیکو بنده ای. به راستی او توبه کار [و ستایشگر] بود. (۳۱) هنگامی که [طرف] غروب، اسبهای اصیل را بر او عرضه کردند، (۳۲) [سلیمان] گفت: «واقعاً من دوستی اسبان را بر یاد پروردگارم ترجیح دادم تا [هنگام نماز گذشت و خورشید] در پس حجاب ظلمت شد.» (۳۳) [گفت]: «اسبها] را نزد من باز آورید.» پس شروع کرد به دست کشیدن بر ساقها و گردن آنها [و سرانجام وقف کردن آنها در راه خدا]. (۳۴) و قطعاً سلیمان را آزمودیم و بر تخت او جسدی بیفکنندیم؛ پس به توبه باز آمد. (۳۵) گفت: «پروردگارا، مرا ببخش و ملکی به من ارزانی دار که هیچ کس را پس از من سزاوار نباشد، در حقیقت، تویی که خود بسیار بخشنده ای.» (۳۶) پس باد را در اختیار او قرار دادیم که هر جا تصمیم می گرفت، به فرمان او نرم، روان می شد. (۳۷) و شیطانها را [از] بنا و غواص، (۳۸) تا [وحشیان] دیگر را که جفت جفت با زنجیرها به هم بسته بودند [تحت فرمانش در آوردیم]. (۳۹) [گفتیم]: «این بخشش ماست، [آن را] بی شمار ببخش یا نگاه دار.» (۴۰) و قطعاً برای او در پیشگاه ما تقرّب و فرجام نیکوست. (۴۱) و بنده ما ایوب را به یاد آور، آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد.» (۴۲) [به او گفتیم]: «با پای خود [به زمین] بکوب، اینک این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی.» (۴۳) و [مجدداً] کسانش را و نظایر آنها را همراه آنها به او بخشیدیم، تا رحمتی از جانب ما و عبرتی برای خردمندان باشد. (۴۴) [و به او گفتیم]: «یک بسته تر که به دستت برگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگند مشکن.» ما او را شکبیا یافتیم. چه نیکو بنده ای! به راستی او توبه کار بود. (۴۵) و بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند به یاد آور. (۴۶) ما آنان را با موهبت ویژه ای - که یادآوری آن سرای بود - خالص گردانیدیم. (۴۷) و آنان در پیشگاه ما جداً از برگزیدگان نیکانند. (۴۸) و اسماعیل و یسع و ذوالکفل را به یاد آور [که] همه از نیکانند. (۴۹) این یاد کردی است، و قطعاً برای پرهیزگاران فرجامی نیک است. (۵۰) باغهای همیشگی در حالی که درهای [آنها] برایشان گشوده است. (۵۱) در آنجا تکیه می زنند [و] میوه های فراوان و نوشیدنی در آنجا طلب می کنند. (۵۲) و نزدشان [دلبران] فروهشته نگاه همسال است. (۵۳) این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می شد. (۵۴) [می گویند]: «در حقیقت، این روزی ماست و آن را پایانی نیست.» (۵۵) این است [حال بهشتیان] و [اما] برای طغیانگران واقعاً بد فرجامی است. (۵۶) به جهنم درمی آیند، و چه بد آرامگاهی است. (۵۷) این جوشاب و چرکاب است، باید آن را بچشند. (۵۸) و از همین گونه، انواع دیگر [عذابها]! (۵۹) اینها گروهی اند که با شما به اجبار [در آتش] درمی آیند. بدا به حال آنها، زیرا آنان داخل آتش می شوند. (۶۰) [به رؤسای خود] می گویند: «بلکه بر خود شما خوش مباد! این [عذاب] را شما خود برای ما از پیش فراهم آوردید، و چه بد قرارگاهی است.» (۶۱) می گویند: «پروردگارا، هر کس این [عذاب] را از پیش برای ما فراهم آورده، عذاب او را در آتش دو چندان

کن. (۶۲) و می گویند: «ما را چه شده است که مردانی را که ما آنان را از [زمره] اشرار می شمردیم نمی بینیم؟ (۶۳) آیا آنان را [در دنیا] به ریشخند می گرفتیم یا چشمها [ی ما] بر آنها نمی افتد؟» (۶۴) این مجادله اهل آتش قطعاً راست است. (۶۵) بگو: «من فقط هشداردهنده‌ای هستم، و جز خدای یگانه قهار معبودی دیگر نیست. (۶۶) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، همان شکست‌ناپذیر آمرزنده. (۶۷) بگو: «این خبری بزرگ است، (۶۸) [که] شما از آن روی برمی تائید. (۶۹) مرا در باره ملاء اعلیٰ هیچ دانشی نبود آنگاه که مجادله می کردند. (۷۰) به من هیچ [چیز] وحی نمی شود، جز اینکه من هشداردهنده‌ای آشکارم. (۷۱) آنگاه که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خواهم آفرید. (۷۲) پس چون او را [کاملاً] درست کردم و از روح خویش در آن دمیدم، سجده کنان برای او [به خاک] بیفتید.» (۷۳) پس همه فرشتگان یکسره سجده کردند. (۷۴) مگر ابلیس [که] تکبر نمود و از کافران شد. (۷۵) فرمود: «ای ابلیس، چه چیز تو را مانع شد که برای چیزی که به دستان قدرت خویش خلق کردم سجده آوری؟ آیا تکبر نمودی یا از [جمله] برتری جویانی؟» (۷۶) گفت: «من از او بهترم؛ مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گل آفریده‌ای.» (۷۷) فرمود: «پس، از آن [مقام] بیرون شو، که تو رانده‌ای. (۷۸) و تا روز جزا لعنت من بر تو باد.» (۷۹) گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته می شوند مهلت ده.» (۸۰) فرمود: «در حقیقت، تو از مهلت یافتگانی، (۸۱) تا روز معین معلوم.» (۸۲) [شیطان] گفت: «پس به عزت تو سوگند که همگی را جداً از راه به در می برم، (۸۳) مگر آن بندگان پاکدل تو را.» (۸۴) فرمود: «حق [از من] است و حق را می گویم: (۸۵) هرآینه جهنم را از تو و از هر کس از آنان که تو را پیروی کند، از همگی شان، خواهم انباشت.» (۸۶) بگو: «مزدی بر این [رسالت] از شما طلب نمی کنم و من از کسانی نیستم که چیزی از خود بسازم و به خدا نسبت دهم. (۸۷) این [قرآن] جز پندی برای جهانیان نیست. (۸۸) و قطعاً پس از چندی خبر آن را خواهید دانست.» (۸۹)

الزمر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) نازل شدن [این کتاب] از جانب خدای شکست‌ناپذیر سنجیده کار است. (۲) ما [این] کتاب را به حق به سوی تو فرود آوردیم، پس خدا را -در حالی که اعتقاد [خود] را برای او خالص کننده‌ای- عبادت کن. (۳) آگاه باشید: آیین پاک از آن خداست، و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند [به این بهانه که: ما آنها را جز برای اینکه ما را هر چه بیشتر به خدا نزدیک گردانند، نمی پرستیم، البته خدا میان آنان در باره آنچه که بر سر آن اختلاف دارند، داوری خواهد کرد. در حقیقت، خدا آن کسی را که دروغ‌پرداز ناسپاس است هدایت نمی کند. (۴) اگر خدا می خواست برای خود فرزندی بگیرد، قطعاً از [میان] آنچه خلق می کند، آنچه را می خواست برمی گزید. منزّه است او، اوست خدای یگانه قهار. (۵) آسمانها و زمین را به حق آفرید. شب را به روز درمی پیچد، و روز را به شب درمی پیچد و آفتاب و ماه را تسخیر کرد. هر کدام تا مدتی معین روانند. آگاه باش که او همان شکست‌ناپذیر آمرزنده است. (۶) شما را از نفسی واحد آفرید، سپس جفتش را از آن قرار داد، و برای شما از دامها هشت قسم پدید آورد. شما را در شکمهای مادرانتان آفرینشی پس از آفرینشی [دیگر] در تاریکیهای سه گانه: [مَشیمه و رحم و شکم] خلق کرد. این است خدا، پروردگار شما، فرمانروایی [و حکومت مطلق] از آن اوست. خدایی جز او نیست، پس چگونه [او کجا از حق] برگردانیده می شوید؟ (۷) اگر کفر ورزید، خدا از شما سخت بی نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی دارد، و اگر سپاس دارید آن را برای شما می پسندد، و هیچ بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی دارد، آنگاه باز گشت شما به سوی پروردگارتان است، و شما را به آنچه می کردید خبر خواهد داد، که او به راز دلها داناست. (۸) و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را -در حالی که به سوی او بازگشت کننده است- می خواند؛ سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند، آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می کرد، فراموش می نماید و برای خدا همتیانی قرار می دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند. بگو: «به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی.» (۹) [آیا چنین کسی بهتر است] یا آن کسی که او

در طول شب در سجده و قیام اطاعت [خدا] می کند [و] از آخرت می ترسد و رحمت پروردگارش را امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟» تنها خردمندانند که پندپذیرند. (۱۰) بگو: «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، از پروردگارتان پروا بدارید. برای کسانی که در این دنیا خوبی کرده‌اند، نیکی خواهد بود، و زمین خدا فراخ است. بی تردید، شکیبایان پاداش خود را بی حساب [و] به تمام خواهند یافت.» (۱۱) بگو: «من مأمورم که خدا را -در حالی که آیینم را برای او خالص گردانیده‌ام- بپرستم، (۱۲) و مأمورم که نخستین مسلمانان باشم.» (۱۳) بگو: «من اگر به پروردگارم عصیان ورزم، از عذاب روزی هولناک می ترسم.» (۱۴) بگو: «خدا را می پرستم در حالی که دینم را برای او بی آلایش می گردانم. (۱۵) پس هر چه را غیر از او می خواهید، بپرستید [ولی به آنان] بگو: «زیانکاران در حقیقت کسانی‌اند که به خود و کسانشان در روز قیامت زیان رسانده‌اند؛ آری، این همان خسران آشکار است.» (۱۶) آنها از بالای سرشان چترهایی از آتش خواهند داشت و از زیر پایشان [نیز] طبق‌هایی [آتشین است]، این [کیفری] است که خدا بندگانش را به آن بیم می دهد. ای بندگان من، از من بترسید. (۱۷) و [ولی] آنان که خود را از طاغوت به دور می دارند تا مبادا او را بپرستند و به سوی خدا بازگشته‌اند آنان را مژده باد، پس بشارت ده به آن بندگان من که: (۱۸) به سخن گوش فرامی دهند و بهترین آن را پیروی می کنند؛ اینانند که خدایشان راه نموده و اینانند همان خردمندان. (۱۹) پس آیا کسی که فرمان عذاب بر او واجب آمده [کجا روی رهایی دارد]؟ آیا تو کسی را که در آتش است می رهایی؟ (۲۰) لیکن کسانی که از پروردگارش پروا داشتند، برای ایشان غرفه‌هایی است که بالای آنها غرفه‌هایی [دیگر] بنا شده است؛ نهرها از زیر آن روان است. وعده خداست؛ خدا خلاف وعده نمی کند. (۲۱) مگر ندیده‌ای که خدا از آسمان، آبی فرود آورد پس آن را به چشمه‌هایی که در [طبقات زیرین] زمین است راه داد، آنگاه به وسیله آن کشتزاری را که رنگهای آن گوناگون است بیرون می آورد، سپس خشک می گردد، آنگاه آن را زرد می بینی، سپس خاشاکش می گرداند. قطعاً در این [دگرگونیها] برای صاحبان خرد عبرتی است. (۲۲) پس آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای [پذیرش] اسلام گشاده، و [در نتیجه] برخوردار از نوری از جانب پروردگارش می باشد [همانند فرد تاریکدل است]؟ پس وای بر آنان که از سخت‌دلی یاد خدا نمی کنند؛ اینانند که در گمراهی آشکارند. (۲۳) خدا زیباترین سخن را [به صورت] کتابی متشابه، متضمن وعده و وعید، نازل کرده است. آنان که از پروردگارش می هراسند، پوست بدنشان از آن به لرزه می افتد، سپس پوستشان و دلشان به یاد خدا نرم می گردد. این است هدایت خدا، هر که را بخواهد، به آن راه نماید، و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست. (۲۴) پس آیا آن کس که [به جای دستها] با چهره خود، گزند عذاب را روز قیامت دفع می کند [مانند کسی است که از عذاب ایمن است]؟ و به ستمگران گفته می شود: «آنچه را که دستاوردتان بوده است بچشید.» (۲۵) کسانی [هم] که پیش از آنان بودند به تکذیب پرداختند، و از آنجا که حدس نمی زدند عذاب برایشان آمد. (۲۶) پس خدا در زندگی دنیا رسوایی را به آنان چشاند، و اگر می دانستند، قطعاً عذاب آخرت بزرگتر است. (۲۷) و در این قرآن از هر گونه مثلی برای مردم آوردیم، باشد که آنان پندگیرند. (۲۸) قرآنی عربی، بی هیچ کژی؛ باشد که آنان راه تقوا پویند. (۲۹) خدا مثلی زده است: مردی است که چند خواجه ناسازگار در [مالکیت] او شرکت دارند [و هر یک او را به کاری می گمارند] و مردی است که تنها فرمانبر یک مرد است. آیا این دو در مثل یکسانند؟ سپاس خدای را. [نه]، بلکه بیشترشان نمی دانند. (۳۰) قطعاً تو خواهی مُرد، و آنان [نیز] خواهند مُرد؛ (۳۱) سپس شما روز قیامت پیش پروردگارتان مجادله خواهید کرد. (۳۲) پس کیست ستمگرتر از آن کس که بر خدا دروغ بست، و [سخن] راست را چون به سوی او آمد، دروغ پنداشت؟ آیا جای کافران در جهنم نیست؟ (۳۳) و آن کس که راستی آورد و آن را باور نمود؛ آنانند که خود پرهیزگارانند. (۳۴) برای آنان، هر چه بخواهند پیش پروردگارش خواهد بود. این است پاداش نیکوکاران. (۳۵) تا خدا، بدترین عملی را که کرده‌اند، از ایشان بزداید، و آنان را به بهترین کاری که می کرده‌اند، پاداش دهد. (۳۶) آیا خدا کفایت کننده بنده‌اش نیست؟ و [کافران] تو را از آنها که غیر اویند می ترسانند و هر که را خدا گمراه گرداند برایش راهبری نیست. (۳۷) و هر که را خدا هدایت کند گمراه کننده‌ای ندارد. مگر

خدا نیست که نیرومند کیفرخواه است؟ (۳۸) و اگر از آنها بپرسی: «چه کسی آسمانها و زمین را خلق کرده؟» قطعاً خواهند گفت: «خدا». بگو: «هان! چه تصور می کنید، اگر خدا بخواهد صدمه‌ای به من برساند؛ آیا آنچه را به جای خدا می خوانید، می توانند صدمه او را برطرف کنند؛ یا اگر او رحمتی برای من اراده کند آیا آنها می توانند رحمتش را بازدارند؟» بگو: «خدا مرا بس است. اهل توکل تنها بر او توکل می کنند.» (۳۹) بگو: «ای قوم من، شما بر حسب امکانات خود عمل کنید، من [نیز] عمل می کنم، پس به زودی خواهید دانست: (۴۰) [که] چه کس را عذابی که رسوایش کند خواهد آمد و عذابی پایدار بر او نازل می شود.» (۴۱) ما این کتاب را برای [رهبری] مردم به حق بر تو فرورستادیم. پس هر کس هدایت شود، به سود خود اوست، و هر کس بیراهه رود، تنها به زیان خودش گمراه می شود، و تو بر آنها وکیل نیستی. (۴۲) خدا روح مردم را هنگام مرگشان به تمامی باز می ستاند، و [نیز] روحی را که در [موقع] خوابش نمرده است [قبض می کند]؛ پس آن [نفسی] را که مرگ را بر او واجب کرده نگاه می دارد، و آن دیگر [نفسها] را تا هنگامی معین [به سوی زندگی دنیا] بازپس می فرستد. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه‌هایی [از قدرت خدا] است. (۴۳) آیا غیر از خدا شفاعتگرانی برای خود گرفته‌اند؟ بگو: «آیا هر چند اختیار چیزی را نداشته باشند و نیندیشند؟» (۴۴) بگو: «شفاعت، یکسره از آن خداست. فرمانروایی آسمانها و زمین خاص اوست؛ سپس به سوی او باز گردانیده می شوید.» (۴۵) و چون خدا به تنهایی یاد شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، متزجر می گردد، و چون کسانی غیر از او یاد شوند، بناگاه آنان شادمانی می کنند. (۴۶) بگو: «بار الها، ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، [ای] دانای نهان و آشکار، تو خود در میان بندگانت بر سر آنچه اختلاف می کردند، داوری می کنی.» (۴۷) و اگر آنچه در زمین است، یکسره برای کسانی که ظلم کرده‌اند باشد و نظیرش [نیز] با آن باشد، قطعاً [همه] آن را برای رهایی خودشان از سختی عذاب روز قیامت خواهند داد، و آنچه تصور [ش را] نمی کردند، از جانب خدا بر ایشان آشکار می گردد. (۴۸) و [نتیجه] گناهانی که مرتکب شده‌اند، برایشان ظاهر می شود، و آنچه را که بدان ریشخند می کردند، آنها را فرا می گیرد. (۴۹) و چون انسان را آسیبی رسد، ما را فرا می خواند؛ سپس چون نعمتی از جانب خود به او عطا کنیم می گوید: «تنها آن را به دانش خود یافته‌ام». نه چنان است، بلکه آن آزمایشی است، ولی بیشترشان نمی دانند. (۵۰) قطعاً کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] این [سخن] را گفتند و آنچه به دست آورده بودند، کاری برایشان نکرد. (۵۱) تا [آنکه] کیفر آنچه مرتکب شده بودند، بدیشان رسید و کسانی از این [گروه] که ستم کرده‌اند، به زودی نتایج سوء آنچه مرتکب شده‌اند، بدیشان خواهد رسید و آنان درمانده کننده [ما] نیستند. (۵۲) آیا ندانسته‌اند که خداست که روزی را برای هر کس که بخواهد، گشاده یا تنگ می گرداند؟ قطعاً در این [اندازه گیری] برای مردمی که ایمان دارند نشانه‌هایی [از حکمت] است. (۵۳) بگو: «ای بندگان من - که بر خویشان زیاده‌روی روا داشته‌اید - از رحمت خدا نومید مشوید. در حقیقت، خدا همه گناهان را می آمرزد، که او خود آمرزنده مهربان است. (۵۴) و پیش از آنکه شما را عذاب در رسد، و دیگر یاری نشوید، به سوی پروردگارتان باز گردید، و تسلیم او شوید. (۵۵) و پیش از آنکه به طور ناگهانی و در حالی که حدس نمی زیند شما را عذاب در رسد، نیکوترین چیزی را که از جانب پروردگارتان به سوی شما نازل آمده است پیروی کنید.» (۵۶) تا آنکه [مبادا] کسی بگوید: «دریغاً بر آنچه در حضور خدا کوتاهی ورزیدم؛ بی تردید من از ریشخند کنندگان بودم.» (۵۷) یا بگوید: «اگر خدایم هدایت می کرد، مسلماً از پرهیزگاران بودم.» (۵۸) یا چون عذاب را ببیند، بگوید: «کاش مرا برگشتی بود تا از نیکوکاران می شدم.» (۵۹) [به او گویند]: آری، نشانه‌های من بر تو آمد و آنها را تکذیب کردی و تکبر ورزیدی و از [جمله] کافران شدی. (۶۰) و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بسته‌اند رو سیاه می بینی، آیا جای سرکشان در جهنم نیست؟ (۶۱) و خدا کسانی را که تقوا پیشه کرده‌اند، به [پاس] کارهایی که مایه رستگاری‌شان بوده، نجات می دهد. عذاب به آنان نمی رسد و غمگین نخواهند گردید. (۶۲) خدا آفریدگار هر چیزی است، و اوست که بر هر چیز نگهبان است. (۶۳) کلیدهای آسمان و زمین از آن اوست، و کسانی که نشانه‌های خدا را انکار کردند، آنانند که زیانکارانند. (۶۴) بگو: «ای نادانان، آیا مرا وادار می کنید که جز خدا را پرستم؟» (۶۵) و قطعاً به تو و به کسانی که

پیش از تو بودند وحی شده است: «اگر شرک ورزی حتماً کردارت تباہ و مسلماً از زیانکاران خواهی شد.» (۶۶) بلکه خدا را بپرست و از سپاسگزاران باش. (۶۷) و خدا را آنچنان که باید به بزرگی نشناخته‌اند، و حال آنکه روز قیامت زمین یکسره در قبضه [قدرت] اوست، و آسمانها در پیچیده به دست اوست؛ او منزّه است و برتر است از آنچه [با وی] شریک می‌گردانند. (۶۸) و در صور دمیده می‌شود، پس هر که در آسمانها و هر که در زمین است بیهوش درمی‌افتد، مگر کسی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در آن دمیده می‌شود و بناگاه آنان بر پای ایستاده می‌نگرند. (۶۹) و زمین به نور پروردگارش روشن گردد، و کارنامه [اعمال در میان] نهاده شود، و پیامبران و شاهدان را بیاورند، و میانشان به حق داوری گردد، و مورد ستم قرار نگیرند. (۷۰) و هر کسی [نتیجه] آنچه انجام داده است به تمام بیاید و او به آنچه می‌کند دانتر است. (۷۱) و کسانی که کافر شده‌اند، گروه گروه به سوی جهنم رانده شوند، تا چون بدان رسند، درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانانش به آنان گویند: «مگر فرستادگانی از خودتان بر شما نیامدند که آیات پروردگارتان را بر شما بخوانند و به دیدار چنین روزی شما را هشدار دهند؟» گویند: «چرا»، ولی فرمان عذاب بر کافران واجب آمد. (۷۲) و گفته شود: «از درهای دوزخ درآیید، جاودانه در آن بمانید؛ و چه بد [جایی] است جای سرکشان!» (۷۳) و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، گروه گروه به سوی بهشت سوق داده شوند، تا چون بدان رسند و درهای آن [به رویشان] گشوده گردد و نگهبانان آن به ایشان گویند: «سلام بر شما، خوش آمدید، در آن درآیید [و] جاودانه [بمانید].» (۷۴) و گویند: «سپاس خدایی را که وعده‌اش را بر ما راست گردانید و سرزمین [بهشت] را به ما میراث داد، از هر جای آن باغ [پهناور] که بخواهیم جای می‌گزینیم.» چه نیک است پاداش عمل‌کنندگان. (۷۵) و فرشتگان را می‌بینی که پیرامون عرش به ستایش پروردگار خود تسبیح می‌گویند و میانشان به حق داوری می‌گردد و گفته می‌شود: «سپاس، ویژه پروردگار جهانیان است.» (۷۶)

غافر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) حاء، میم. (۲) فرو فرستادن این کتاب، از جانب خدای ارجمند داناست، (۳) [که] گناه‌بخش و توبه‌پذیر [و] سخت‌کیفر [و] فراخ‌نعمت است. خدایی جز او نیست. بازگشت به سوی اوست. (۴) جز آنهایی که کفر ورزیدند [کسی] در آیات خدا ستیزه نمی‌کند، پس رفت و آمدشان در شهرها تو را دستخوش فریب نگرداند. (۵) پیش از اینان قوم نوح، و بعد از آنان دسته‌های مخالف [دیگر] به تکذیب پرداختند، و هر امتی آهنگ فرستاده خود را کردند تا او را بگیرند، و به [وسیله] باطل جدال نمودند تا حقیقت را با آن پایمال کنند. پس آنان را فرو گرفتیم؛ آیا چگونه بود کیفر من؟ (۶) و بدین سان فرمان پروردگارت در باره کسانی که کفر ورزیده بودند، به حقیقت پیوست که ایشان همدمان آتش خواهند بود. (۷) کسانی که عرش [خدا] را حمل می‌کنند، و آنها که پیرامون آنند، به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و به او ایمان دارند و برای کسانی که گرویده‌اند طلب آموزش می‌کنند: «پروردگارا، رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد؛ کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده‌اند ببخش و آنها را از عذاب آتش نگاه دار.» (۸) «پروردگارا، آنان را در باغهای جاوید که وعده‌شان داده‌ای، با هر که از پدران و همسران و فرزندانشان که به صلاح آمده‌اند، داخل کن، زیرا تو خود ارجمند و حکیمی. (۹) و آنان را از بدیها نگاه دار، و هر که را در آن روز از بدیها حفظ کنی، البته رحمتش کرده‌ای؛ و این همان کامیابی بزرگ است.» (۱۰) کسانی که کافر بوده‌اند مورد ندا قرار می‌گیرند که: «قطعاً دشمنی خدا از دشمنی شما نسبت به همدیگر سخت‌تر است، آنگاه که به سوی ایمان فرا خوانده می‌شدید و انکار می‌ورزیدید.» (۱۱) می‌گویند: «پروردگارا، دو بار ما را به مرگ رسانیدی و دو بار ما را زنده گردانیدی. به گناهانمان اعتراف کردیم؛ پس آیا راه بیرون‌شدنی [از آتش] هست؟» (۱۲) این [کیفر] از آن روی برای شماست که چون خدا به تنهایی خوانده می‌شد، کفر می‌ورزیدید؛ و چون به او شرک آورده می‌شد، آن را باور می‌کردید. پس [امروز] فرمان از آن خدای والایی بزرگ است. (۱۳) اوست آن کس که نشانه‌های خود را به شما می‌نمایاند و برای شما از آسمان روزی می‌فرستد، و جز آن کس که

توبه کار است [کسی] پند نمی گیرد. (۱۴) پس خدا را پاکدلانه فرا خوانید، هر چند ناباوران را ناخوش افتد! (۱۵) بالا برنده درجات، خداوند عرش، به هر کس از بندگانش که خواهد آن روح [فرشته] را، به فرمان خویش می فرستد، تا [مردم را] از روز ملاقات [با خدا] بترساند. (۱۶) آن روز که آنان ظاهر گردند، چیزی از آنها بر خدا پوشیده نمی ماند. امروز فرمانروایی از آن کیست؟ از آن خداوند یکتای قهار است. (۱۷) امروز هر کسی به [موجب] آنچه انجام داده است کیفر می یابد. امروز ستمی نیست؛ آری، خدا زودشمار است. (۱۸) و آنها را از آن روز قریب [الوقوع] بترسان، آنگاه که جانها به گلوگاه می رسد در حالی که اندوه خود را فرو می خورند. برای ستمگران نه یاری است و نه شفاعتگری که مورد اطاعت باشد. (۱۹) [خدا] نگاههای دزدانه و آنچه را که دلها نهان می دارند، می داند. (۲۰) و خداست که به حق داوری می کند، و کسانی را که در برابر او می خوانند [عاجزند و] به چیزی داوری نمی کنند؛ در حقیقت، خداست که خود شنوای بیناست. (۲۱) آیا در زمین نگردیده اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها [زیسته] اند چگونه بوده است؟ آنها از ایشان نیرومندتر [بوده] و آثار [پایداری] در روی زمین [از خود باقی گذاشتند]، با این همه، خدا آنان را به کیفر گناهانشان گرفتار کرد و در برابر خدا حمایتگری نداشتند. (۲۲) این [کیفر] از آن روی بود که پیامبران دلایل آشکار برایشان می آوردند ولی [آنها] انکار می کردند. پس خدا [گریبان] آنها را گرفت، زیرا او نیرومند سخت کیفر است. (۲۳) و به یقین، موسی را با آیات خود و حجّتی آشکار فرستادیم، (۲۴) به سوی فرعون و هامان و قارون، [اما آنان] گفتند: «افسونگری شیاد است.» (۲۵) پس وقتی حقیقت را از جانب ما برای آنان آورد، گفتند: «پسران کسانی را که با او ایمان آورده اند بکشید و زنانشان را زنده بگذارید.» و [لی] نیرنگ کافران جز در گمراهی نیست. (۲۶) و فرعون گفت: «مرا بگذارید موسی را بکشم تا پروردگارش را بخواند. من می ترسم آیین شما را تغییر دهد یا در این سرزمین فساد کند.» (۲۷) و موسی گفت: «من از هر متکبری که به روز حساب عقیده ندارد، به پروردگار خود و پروردگار شما پناه برده ام.» (۲۸) و مردی مؤمن از خاندان فرعون که ایمان خود را نهان می داشت، گفت: «آیا مردی را می کشید که می گوید: پروردگار من خداست؟ و مسلماً برای شما از جانب پروردگارتان دلایل آشکاری آورده، و اگر دروغگو باشد دروغش به زیان اوست، و اگر راستگو باشد برخی از آنچه به شما وعده می دهد به شما خواهد رسید، چرا که خدا کسی را که افراطکار دروغزن باشد هدایت نمی کند. (۲۹) ای قوم من، امروز فرمانروایی از آن شماست [و] در این سرزمین مسلطید، و [لی] چه کسی ما را از بلای خدا - اگر به ما برسد - حمایت خواهد کرد؟» فرعون گفت: «جز آنچه می بینم، به شما نمی نمایم، و شما را جز به راه راست راهبر نیستم.» (۳۰) و کسی که ایمان آورده بود، گفت: «ای قوم من، من از [روزی] مثل روز دسته های مخالف خدا] بر شما می ترسم. (۳۱) [از سرنوشتی] نظیر سرنوشت قوم نوح و عاد و ثمود، و کسانی که پس از آنها [آمدند]. و [گرنه] خدا بر بندگان [خود] ستم نمی خواهد. (۳۲) و ای قوم من، من بر شما از روزی که مردم یکدیگر را [به یاری هم] ندا درمی دهند، بیم دارم. (۳۳) روزی که پشت کنان [به عنف] بازمی گردید، برای شما در برابر خدا هیچ حمایتگری نیست؛ و هر که را خدا گمراه کند او را راهبری نیست.» (۳۴) و به یقین، یوسف پیش از این، دلایل آشکار برای شما آورد، و از آنچه برای شما آورد همواره در تردید بودید تا وقتی که از دنیا رفت، گفتید: «خدا بعد از او هرگز فرستاده ای را برنخواهد انگیخت.» این گونه، خدا هر که را افراطگر شکاک است، بی راه می گذارد. (۳۵) کسانی که در باره آیات خدا - بدون حجّتی که برای آنان آمده باشد - مجادله می کنند، [این ستیزه] در نزد خدا و نزد کسانی که ایمان آورده اند [مایه] عداوت بزرگی است. این گونه، خدا بر دل هر متکبر و زورگویی مَهر می نهد. (۳۶) و فرعون گفت: «ای هامان، برای من کوشکی بلند بساز، شاید من به آن راهها برسم.» (۳۷) راههای [دستیابی به] آسمانها، تا از خدای موسی اطلاع حاصل کنم و من او را سخت دروغپرداز می پندارم.» و این گونه برای فرعون، زشتی کارش آراسته شد و از راه [راست] بازماند؛ و نیرنگ فرعون جز به تباهی نینجامد. (۳۸) و آن کس که ایمان آورده بود گفت: «ای قوم من، مرا پیروی کنید تا شما را به راه درست هدایت کنم.» (۳۹) ای قوم من، این زندگی دنیا تنها کالایی [ناچیز] است، و در حقیقت، آن آخرت است که سرای پایدار است. (۴۰) هر که بدی کند، جز به مانند آن کیفر نمی یابد؛ و هر که کار شایسته کند - چه

مرد باشد یا زن- در حالی که ایمان داشته باشد، در نتیجه آنان داخل بهشت می شوند و در آنجا بی حساب روزی می یابند. (۴۱) و ای قوم من، چه شده است که من شما را به نجات فرا می خوانم و [شما] مرا به آتش فرا می خوانید؟ (۴۲) مرا فرا می خوانید تا به خدا کافر شوم و چیزی را که بدان علمی ندارم با او شریک گردانم؛ و من شما را به سوی آن ارجمند آمرزنده دعوت می کنم. (۴۳) آنچه مرا به سوی آن دعوت می کنید، به ناچار نه در دنیا و نه در آخرت [درخور] خواندن نیست، و در حقیقت، برگشت ما به سوی خداست، و افراطگران همدمان آتشند. (۴۴) پس به زودی آنچه را به شما می گویم به یاد خواهید آورد. و کارم را به خدا می سپارم؛ خداست که به [حال] بندگان [خود] بیناست. (۴۵) پس خدا او را از عواقب سوء آنچه نیرنگ می کردند حمایت فرمود، و فرعونیان را عذاب سخت فرو گرفت. (۴۶) [اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می شوند، و روزی که رستاخیز بر پا شود [فریاد می رسد که: «فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب در آورید.» (۴۷) و آنگاه که در آتش شروع به آوردن حجّت می کنند، زبردستان به کسانی که گردنکش بودند، می گویند: «ما پیرو شما بودیم؛ پس آیا می توانید پاره ای از این آتش را از ما دفع کنید؟» (۴۸) کسانی که گردنکشی می کردند، می گویند: «[اکنون] همه ما در آن هستیم. خداست که میان بندگان [خود] داوری کرده است.» (۴۹) و کسانی که در آتشند، به نگهبانان جهنّم می گویند: «پروردگارتان را بخوانید تا یک روز از این عذاب را به ما تخفیف دهد.» (۵۰) می گویند: «مگر پیامبرانتان دلایل روشن به سوی شما نیاوردند؟» می گویند: «چرا.» می گویند: «پس بخوانید. و [لی] دعای کافران جز در بیراهه نیست.» (۵۱) در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می ایستند قطعاً یاری می کنیم؛ (۵۲) [همان] روزی که ستمگران را پوزش طلبی شان سود نمی دهد، و برای آنان لعنت است، و برایشان بدفرجامی آن سرای است. (۵۳) و قطعاً موسی را هدایت دادیم، و به فرزندان اسرائیل تورات را به میراث نهادیم؛ (۵۴) [که] رهنمود و یاد کردی برای خردمندان است. (۵۵) پس صبر کن که وعده خدا حق است و برای گناهت آمرزش بخواه و به سپاس پروردگارت، شامگاهان و بامدادان ستایشگر باش. (۵۶) در حقیقت، آنان که در باره نشانه های خدا - بی آنکه حجّتی برایشان آمده باشد- به مجادله برمی خیزند در دلهایشان جز بزرگنمایی نیست [و] آنان به آن [بزرگی که آرزویش را دارند] نخواهند رسید. پس به خدا پناه جوی، زیرا او خود شنوای بیناست. (۵۷) قطعاً آفرینش آسمانها و زمین بزرگتر [و شکوهمندتر] از آفرینش مردم است، ولی بیشتر مردم نمی دانند. (۵۸) و نابینا و بینا یکسان نیستند، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند [نیز] با [مردم] بدکار [یکسان] نیستند؛ چه اندک پند می پذیرید. (۵۹) در حقیقت، رستاخیز قطعاً آمدنی است؛ در آن تردیدی نیست، ولی بیشتر مردم ایمان نمی آورند. (۶۰) و پروردگارتان فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. در حقیقت، کسانی که از پرستش من کبر می ورزند به زودی خوار در دوزخ درمی آیند.» (۶۱) خدا [همان] کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام گیرید، و روز را روشنی بخش [قرار داد]. آری، خدا بر مردم بسیار صاحب تفضل است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی دارند. (۶۲) این است خدا، پروردگار شما [که] آفریننده هر چیزی است: خدایی جز او نیست. پس چگونه [از او] باز گردانیده می شوید؟ (۶۳) کسانی که نشانه های خدا را انکار می کردند، این گونه [از خدا] رویگردان می شوند. (۶۴) خدا [همان] کسی است که زمین را برای شما قرارگاه ساخت و آسمان را بنایی [گردانید] و شما را صورتگری کرد و صورتهای شما را نیکو نمود و از چیزهای پاکیزه به شما روزی داد. این است خدا پروردگار شما! بلندمرتبه و بزرگ است خدا، پروردگار جهانیان. (۶۵) اوست [همان] زنده ای که خدایی جز او نیست. پس او را در حالی که دین [خود] را برای وی بی آلایش گردانیده اید بخوانید. سپاس [ها همه] ویژه خدا پروردگار جهانیان است. (۶۶) بگو: «من نهی شده ام از اینکه جز خدا کسانی را که [شما] می خوانید پرستش کنم [آن هم] هنگامی که از جانب پروردگارم مرا دلایل روشن رسیده باشد، و مأمورم که فرمانبر پروردگار جهانیان باشم.» (۶۷) او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه ای، آنگاه از علقه ای، و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی آورد، تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید، و از میان شما کسی است که مرگ پیش رس می یابد، و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است برسید، و امید که در

اندیشه فرو روید. (۶۸) او همان کسی است که زنده می‌کند و می‌میراند، و چون به کاری حکم کند، همین قدر به آن می‌گوید: «باش.» بی‌درنگ موجود می‌شود. (۶۹) آیا کسانی را که در [ابطال] آیات خدا مجادله می‌کنند ندیده‌ای [که] تا کجا [از حقیقت] انحراف حاصل کرده‌اند؟ (۷۰) کسانی که کتاب [خدا] و آنچه را که فرستادگان خود را بدان گسیل داشته‌ایم تکذیب کرده‌اند، به زودی خواهند دانست؛ (۷۱) هنگامی که غلها در گردنهایشان [افتاده] و [با] زنجیرها کشانیده می‌شوند، (۷۲) در میان جوشاب. [و] آنگاه در آتش برافروخته می‌شوند. (۷۳) آنگاه به آنان گفته می‌شود: «آنچه را در برابر خدا [با] او [شریک می‌ساختید کجایند؟]» (۷۴) می‌گویند: «گمشان کردیم، بلکه پیشتر [هم] ما چیزی را نمی‌خواندیم.» این گونه خدا کافران را بی‌راه می‌گذارد. (۷۵) این [عقوبت] به سبب آن است که در زمین به ناروا شادی و سرمستی می‌کردید و بدان سبب است که [سخت به خود] می‌نازیدید. (۷۶) از درهای دوزخ درآید، در آن جاودان [بمانید]. چه بد است جای سرکشان. (۷۷) پس صبر کن که وعده خدا راست است. پس -چه پاره‌ای از آنچه را که به آنان وعده داده‌ایم، به تو بنمایانیم، چه تو را از دنیا ببریم- [در هر صورت آنان] به سوی ما بازگردانیده می‌شوند. (۷۸) و مسلماً پیش از تو فرستادگانی را روانه کردیم. برخی از آنان را [ماجرایشان را] بر تو حکایت کرده‌ایم و برخی از ایشان را بر تو حکایت نکرده‌ایم، و هیچ فرستاده‌ای را نرسد که بی‌اجازه خدا نشانه‌ای بیاورد. پس چون فرمان خدا برسد به حق داوری می‌شود، و آنجاست که باطل کاران زیان می‌کنند. (۷۹) خدا [همان] کسی است که چهارپایان را برای شما پدید آورد تا از برخی از آنها سواری گیرید و از برخی از آنها بخورید. (۸۰) و در آنها برای شما سوده‌است تا با [سوار شدن بر] آنها به مقصودی که در دلهایتان است برسید، و بر آنها و بر کشتی حمل می‌شوید. (۸۱) و نشانه‌های [قدرت] خویش را به شما می‌نمایاند. پس کدام یک از آیات خدا را انکار می‌کنید؟ (۸۲) آیا در زمین نگشته‌اند تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ [آنها به مراتب از حیث تعداد،] بیشتر از آنان، و [از حیث] نیرو و آثار در روی زمین، استوارتر بودند، و [لی] آنچه به دست می‌آوردند، به حالشان سودی نبخشید. (۸۳) و چون پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان آوردند، به آن چیز [مختصری] از دانش که نزدشان بود خرسند شدند، و [سرانجام] آنچه به ریشخند می‌گرفتند آنان را فروگرفت. (۸۴) پس چون سختی [عذاب] ما را دیدند گفتند: «فقط به خدا ایمان آوردیم و بدانچه با او شریک می‌گردانیدیم کافریم.» (۸۵) و [لی] هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، دیگر ایمانشان برای آنها سودی نداد. سنت خداست که از [دیرباز] در باره بندگانش چنین جاری شده، و آنجاست که ناباوران زیان کرده‌اند. (۸۶)

فصلت

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) حاء، میم. (۲) وحی [نامه] ای است از جانب [خدای] رحمتگر مهربان. (۳) کتابی است که آیات آن، به روشنی بیان شده. قرآنی است به زبان عربی برای مردمی که می‌دانند. (۴) بشارتگر و هشداردهنده است. و [لی] بیشتر آنان رویگردان شدند، در نتیجه [چیزی را] نمی‌شنوند. (۵) و گفتند: «دل‌های ما از آنچه ما را به سوی آن می‌خوانی سخت محبوب و مهجور است. و در گوشه‌های ما سنگینی و میان ما و تو پرده‌ای است؛ پس تو کار خود را بکن ما [هم] کار خود را می‌کنیم.» (۶) بگو: «من، بشری چون شما، جز اینکه به من وحی می‌شود که خدای شما خدایی یگانه است. پس مستقیماً به سوی او بشتابید و از او آمرزش بخواهید. و وای بر مشرکان.» (۷) همان کسانی که زکات نمی‌دهند و آنان که به آخرت ناباورند. (۸) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند آنان را پاداشی بی‌پایان است. (۹) بگو: «آیا این شماست که واقعاً به آن کسی که زمین را در دو هنگام آفرید، کفر می‌ورزید و برای او همتیانی قرار می‌دهید؟ این است پروردگار جهانیان.» (۱۰) و در [زمین]، از فراز آن [لنگر آسا] کوهها نهاد و در آن خیر فراوان پدید آورد، و مواد خوراکی آن را در چهار روز اندازه‌گیری کرد [که] برای خواهند گان، درست [و] متناسب با نیازهایشان [است]. (۱۱) سپس آهنگ [آفرینش] آسمان کرد، و آن بخاری بود. پس به آن و به زمین فرمود: «خواه یا

ناخواه بیايید.» آن دو گفتند: «فرمان پذیر آمدیم.» (۱۲) پس آنها را [به صورت] هفت آسمان، در دو هنگام مقرر داشت و در هر آسمانی کار [مربوط به] آن را وحی فرمود، و آسمان [این] دنیا را به چراغها آذین کردیم و [آن را نیک] نگاه داشتیم؛ این است اندازه گیری آن نیرومند دانا. (۱۳) پس اگر روی برتافتند بگو: «شما را از آذرخشی چون آذرخش عاد و ثمود بر حذر داشتیم.» (۱۴) چون فرستادگان [ما] از پیش رو و از پشت سرشان بر آنان آمدند [و گفتند]: «زنهار، جز خدا را مپرستید»، گفتند: «اگر پروردگار ما می خواست، قطعاً فرشتگانی فرومی فرستاد، پس ما به آنچه بدان فرستاده شده اید کافریم.» (۱۵) و اما عادیان، به ناحق، در زمین سر برافراشتند و گفتند: «از ما نیرومندتر کیست؟» آیا ندانسته اند که آن خدایی که خلقشان کرده خود از ایشان نیرومندتر است؟ و در نتیجه آیات ما را انکار می کردند. (۱۶) پس بر آنان تندبادی توفنده در روزهایی شوم فرستادیم تا در زندگی دنیا عذاب رسوایی را بدانان بچشانیم و قطعاً عذاب آخرت رسواکننده تر است و آنان یاری نخواهند شد. (۱۷) و اما ثمودیان: پس آنان را راهبری کردیم و [لی] کوردلی را بر هدایت ترجیح دادند، پس به [کیفر] آنچه مرتکب می شدند صاعقه عذاب خفت آور آنان را فرو گرفت. (۱۸) و کسانی را که ایمان آورده بودند و پروا می داشتند رهانیدیم. (۱۹) و [یاد کن] روزی را که دشمنان خدا به سوی آتش گرد آورده و بازداشت [و دسته دسته تقسیم] می شوند. (۲۰) تا چون بدان رسند، گوششان و دیدگانشان و پوستشان به آنچه می کرده اند، بر ضدشان گواهی دهند. (۲۱) و به پوست [بدن] خود می گویند: «چرا بر ضد ما شهادت دادید؟» می گویند: «همان خدایی که هر چیزی را به زبان در آورده ما را گویا گردانیده است، و او نخستین بار شما را آفرید و به سوی او برگردانیده می شوید.» (۲۲) و [شما] از اینکه مبدا گوش و دیدگان و پوستتان بر ضد شما گواهی دهند [گناهانتان را] پوشیده نمی داشتید لیکن گمان داشتید که خدا بسیاری از آنچه را که می کنید نمی داند. (۲۳) و همین بود گمانتان که در باره پروردگارتان بردید؛ شما را هلاک کرد و از زیانکاران شدید. (۲۴) پس اگر شکیبایی نمایند جایشان در آتش است و اگر از در پوزش در آیند مورد اجابت قرار نمی گیرند. (۲۵) و برای آنان دمسازانی گذاشتیم، و آنچه در دسترس ایشان و آنچه در پی آنان بود در نظرشان زیبا جلوه دادند و فرمان [عذاب] در میان امتهایی از جن و انس که پیش از آنان روزگار به سر برده بودند، بر ایشان واجب آمد، چرا که آنها زیانکاران بودند. (۲۶) و کسانی که کافر شدند گفتند: «به این قرآن گوش دهید و سخن لغو در آن اندازید، شاید شما پیروز شوید.» (۲۷) و قطعاً کسانی را که کافر شده اند عذابی سخت می چشانیم و حتماً آنها را به بدتر از آنچه می کرده اند جزا می دهیم. (۲۸) آری، سزای دشمنان خدا همان آتش است که در آن، منزل همیشگی دارند. [این] جزا به کیفر آن است که نشانه های ما را انکار می کردند. (۲۹) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «پروردگارا، آن دو [گمراه گری] از جن و انس که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر قدمهایمان بگذاریم تا بزبون شوند.» (۳۰) در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست؛» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می آیند [و می گویند]: «هان، بیم مدارید و غمین باشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید. (۳۱) در زندگی دنیا و در آخرت دوستانان ماییم، و هر چه دلهایتان بخواهد در [بهشت] برای شماست، و هر چه خواستار باشید در آنجا خواهید داشت؛ (۳۲) روزی آماده ای از سوی آمرزنده مهربان است.» (۳۳) و کیست خوشگفتارتر از آن کس که به سوی خدا دعوت نماید و کار نیک کند و گوید: «من [در برابر خدا] از تسلیم شدگانم؟» (۳۴) و نیکی با بدی یکسان نیست. [بدی را] آنچه خود بهتر است دفع کن؛ آنگاه کسی که میان تو و میان او دشمنی است، گویی دوستی یکدل می گردد. (۳۵) و این [خصلت] را جز کسانی که شکیبیا بوده اند نمی یابند، و آن را جز صاحب بهره ای بزرگ، نخواهد یافت. (۳۶) و اگر دمدمه ای از شیطان تو را از جای در آورد، پس به خدا پناه ببر که او خود شنوای دانا است. (۳۷) و از نشانه های [حضور] او شب و روز و خورشید و ماه است؛ نه برای خورشید سجده کنید و نه برای ماه، و اگر تنها او را می پرستید آن خدایی را سجده کنید که آنها را خلق کرده است. (۳۸) پس اگر کبر ورزیدند، کسانی که در پیشگاه پروردگار تواند شبانه روز او را نیایش می کنند و خسته نمی شوند. (۳۹) و از [دیگر] نشانه های او این است که تو زمین را فسرده می بینی و چون باران بر آن فروریزیم به جنبش در آید و بردمد. آری، همان کسی که

آن را زندگی بخشید قطعاً زنده کننده مردگان است. در حقیقت، او بر هر چیزی تواناست. (۴۰) کسانی که در [فهم و ارائه] آیات ما کژ می‌روند بر ما پوشیده نیستند. آیا کسی که در آتش افکنده می‌شود بهتر است یا کسی که روز قیامت آسوده‌خاطر می‌آید؟ هر چه می‌خواهید بکنید که او به آنچه انجام می‌دهید بیناست. (۴۱) کسانی که به این قرآن - چون بدیشان رسید - کفر ورزیدند [به کیفر خود می‌رسند] و به راستی که آن کتابی ارجمند است. (۴۲) از پیش روی آن و از پشت سرش باطل به سویش نمی‌آید؛ وحی [نامه] ای است از حکیمی ستوده [صفات]. (۴۳) به تو جز آنچه به پیامبران پیش از تو گفته شده است گفته نمی‌شود. به راستی که پروردگار تو دارای آمرزش و دارنده کیفری پر درد است. (۴۴) و اگر [این کتاب را] قرآنی غیر عربی گردانیده بودیم، قطعاً می‌گفتند: «چرا آیه‌های آن روشن بیان نشده؟ کتابی غیر عربی و [مخاطب آن] عرب زبان؟» بگو: «این [کتاب] برای کسانی که ایمان آورده‌اند رهنمود و درمانی است، و کسانی که ایمان نمی‌آورند در گوشه‌هایشان سنگینی است و قرآن برایشان نامفهوم است، و [گویی] آنان را از جایی دور ندا می‌دهند! (۴۵) و به راستی موسی را کتاب [تورات] دادیم، پس در آن اختلاف واقع شد، و اگر از جانب پروردگارت فرمان [مهلت] سبقت نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود؛ و در حقیقت آنان در باره آن به شکی سخت دچارند. (۴۶) هر که کار شایسته کند، به سود خود اوست؛ و هر که بدی کند، به زیان خود اوست، و پروردگار تو به بندگان [خود] ستمکار نیست. (۴۷) دانستن هنگام رستاخیز فقط منحصر به اوست، و میوه‌ها از غلافهایشان بیرون نمی‌آیند و هیچ ماده‌ای بار نمی‌گیرد و بار نمی‌گذارد مگر آنکه او به آن علم دارد. و روزی که [خدا] آنان را ندا می‌دهد: «شریکان من کجایند؟» می‌گویند: «با بانگ رسا به تو می‌گوییم که هیچ گواهی از میان ما نیست.» (۴۸) و آنچه از پیش می‌خواندند، از [نظر] آنان ناپدید می‌شود و می‌دانند که آنان را روی گریز نیست. (۴۹) انسان از دعای خیر خسته نمی‌شود، و چون آسیبی به او رسد مایوس [و] نومید می‌گردد. (۵۰) و اگر از جانب خود رحمتی - پس از زبانی که به او رسیده است - بچشانیم، قطعاً خواهد گفت: «من سزاوار آنم و گمان ندارم که رستاخیز برپا شود، و اگر هم به سوی پروردگارم باز گردانیده شوم، قطعاً نزد او برایم خوبی خواهد بود.» پس بدون شک، کسانی را که کفران کرده‌اند، به آنچه انجام داده‌اند آگاه خواهیم کرد، و مسلماً از عذابی سخت به آنان خواهیم چشانید. (۵۱) و چون انسان را نعمت بخشیم، روی برتابد و خود را کنار کشد، و چون آسیبی بدو رسد دست به دعای فراوان بردارد. (۵۲) بگو: «به من خبر دهید، اگر [قرآن] از نزد خدا [آمده] باشد و آن را انکار کرده باشید، چه کسی گمراه‌تر از آن کس خواهد بود که به مخالفتی دور و دراز [دچار] آمده باشد؟» (۵۳) به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟ (۵۴) آری، آنان در لقای پروردگارشان تردید دارند. آگاه باش که مسلماً او به هر چیزی احاطه دارد. (۵۵)

الشوری

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) - هاء، میم، (۲) عین، سین، قاف. (۳) این گونه، خدای نیرومند حکیم به سوی تو و به سوی کسانی که پیش از تو بودند، وحی می‌کند. (۴) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست و او بلندمرتبه بزرگ است. (۵) چیزی نمانده که آسمانها از فرازشان بشکافند و [حال آنکه] فرشتگان به سپاس پروردگارشان تسبیح می‌گویند و برای کسانی که در زمین هستند آمرزش می‌طلبند. آگاه باش، در حقیقت خداست که آمرزنده مهربان است. (۶) و کسانی که به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند، خدا برایشان نگهبان است و تو بر آنان گمارده نیستی. (۷) و بدین گونه قرآن عربی به سوی تو وحی کردیم تا [مردم] مکه و کسانی را که پیرامون آنند هشدار دهی، و از روز گرد آمدن [خلق] - که تردیدی در آن نیست - بیم دهی؛ گروهی در بهشتند و گروهی در آتش. (۸) و اگر خدا می‌خواست، قطعاً آنان را امتی یگانه می‌گردانید، لیکن هر که را بخواهد، به رحمت خویش درمی‌آورد و ستمگران نه یاری دارند و نه یاور. (۹) آیا به جای او دوستانی برای خود گرفته‌اند؟ خداست که دوست راستین است،

و اوست که مردگان را زنده می‌کند، و هموست که بر هر چیزی تواناست. (۱۰) و در باره هر چیزی اختلاف پیدا کردید، داوریش به خدا [ارجاع می‌گردد]. چنین خدایی پروردگار من است. بر او توکل کردم و به سوی او باز می‌گردم. (۱۱) پدیدآورنده آسمانها و زمین است. از خودتان برای شما جفتهایی قرار داد، و از دامها [نیز] نر و ماده [قرار داد]. بدین وسیله شما را بسیار می‌گرداند. چیزی مانند او نیست و اوست شنوای بی‌نا. (۱۲) کلیدهای آسمانها و زمین از آن اوست. برای هر کس که بخواهد روزی را گشاده یا تنگ می‌گرداند. اوست که بر هر چیزی داناست. (۱۳) از [احکام] دین، آنچه را که به نوح در باره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که در باره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین را برپا دارید و در آن تفرقه‌اندازی نکنید.» بر مشرکان آنچه که ایشان را به سوی آن فرا می‌خوانی، گران می‌آید. خدا هر که را بخواهد، به سوی خود برمی‌گزیند، و هر که را که از در توبه درآید، به سوی خود راه می‌نماید. (۱۴) و فقط پس از آنکه علم برایشان آمد، راه تفرقه پیمودند [آن هم] به صرف حسد [و برتری جویی] میان همدیگر. و اگر سخنی [دایر بر تأخیر عذاب] از جانب پروردگارت تا زمانی معین، پیشی نگرفته بود، قطعاً میانشان داوری شده بود. و کسانی که بعد از آنان کتاب [تورات] را میراث یافتند واقعاً در باره او در تردیدی سخت [دچار] اند. (۱۵) بنابراین به دعوت پرداز، و همان گونه که مأموری ایستادگی کن، و هوسهای آنان را پیروی مکن و بگو: «به هر کتابی که خدا نازل کرده است ایمان آوردم و مأمور شدم که میان شما عدالت کنم؛ خدا پروردگار ما و پروردگار شماست؛ اعمال ما از آن ما و اعمال شما از آن شماست؛ میان ما و شما خصومتی نیست؛ خدا میان ما را جمع می‌کند، و فرجام به سوی اوست. (۱۶) و کسانی که در باره خدا پس از اجابت [دعوت] او به مجادله می‌پردازند، حجتشان پیش پروردگارش باطل است، و خشمی [از خدا] برایشان است و برای آنان عذابی سخت خواهد بود. (۱۷) خدا همان کسی است که کتاب و وسیله سنجش را به حق فرود آورد، و تو چه می‌دانی شاید رستاخیز نزدیک باشد. (۱۸) کسانی که به آن ایمان ندارند شتابزده آن را می‌خواهند، و کسانی که ایمان آورده‌اند، از آن هراسناکند و می‌دانند که آن حق است. بدان که آنان که در مورد قیامت تردید می‌ورزند، قطعاً در گمراهی دور و درازی‌اند. (۱۹) خدا نسبت به بندگانش مهربان است: هر که را بخواهد روزی می‌دهد و اوست نیرومند غالب. (۲۰) کسی که کشت آخرت بخواهد، برای وی در کشته‌اش می‌افزایم، و کسی که کشت این دنیا را بخواهد به او از آن می‌دهیم و [لی] در آخرت او را نصیبی نیست. (۲۱) آیا برای آنان شریکانی است که در آنچه خدا بدان اجازه نداده، برایشان بنیاد آیینی نهاده‌اند؟ و اگر فرمان قاطع [در باره تأخیر عذاب در کار] نبود مسلماً میانشان داوری می‌شد؛ و برای ستمکاران شکنجه‌ای پر درد است. (۲۲) [در قیامت] ستمگران را از آنچه انجام داده‌اند، هراسناک می‌بینی و [جزای عملشان] به آنان خواهد رسید، و کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند در باغهای بهشتند. آنچه را بخواهند نزد پروردگارش خواهند داشت؛ این است همان فضل عظیم. (۲۳) این همان [پاداشی] است که خدا بندگان خود را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [بدان] مژده داده است. بگو: «به ازای آن [رسالت] پاداشی از شما خواستار نیستم، مگر دوستی در باره خویشاوندان.» و هر کس نیکی به جای آورد [و طاعتی اندوزد]، برای او در ثواب آن خواهیم افزود. قطعاً خدا آمرزنده و قدرشناس است. (۲۴) آیا می‌گویند: «بر خدا دروغی بسته است؟» پس اگر خدا بخواهد بر دلت مهر می‌نهد؛ و خدا باطل را محو و حقیقت را با کلمات خویش پا برجا می‌کند. اوست که به راز دلها داناست. (۲۵) و اوست کسی که توبه را از بندگان خود می‌پذیرد و از گناهان درمی‌گذرد و آنچه می‌کنید می‌داند. (۲۶) و [درخواست] کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند اجابت می‌کند و از فضل خویش به آنان زیاده می‌دهد، و [لی] برای کافران عذاب سختی خواهد بود. (۲۷) و اگر خدا روزی را بر بندگانش فراخ گرداند، مسلماً در زمین سر به عصیان برمی‌دارند، لیکن آنچه را بخواهد به اندازه‌ای [که مصلحت است] فرو می‌فرستد. به راستی که او به [حال] بندگانش آگاه بیناست. (۲۸) و اوست کسی که باران را - پس از آنکه [مردم] نومید شدند - فرود می‌آورد، و رحمت خویش را می‌گسترده و هموست سرپرست ستوده. (۲۹) و از نشانه‌های [قدرت] اوست آفرینش آسمانها و زمین و آنچه از [انواع] جنبنده در میان آن دو

پراکنده است، و او هر گاه بخواهد بر گرد آوردن آنان تواناست. (۳۰) و هر [گونه] مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خود شمامست، و [خدا] از بسیاری درمی گذرد. (۳۱) و شما در زمین در مانده کننده [خدا] نیستید، و جز خدا شما را سرپرست و یآوری نیست. (۳۲) و از نشانه های او سفینه های کوه آسا در دریاست. (۳۳) اگر بخواهد باد را ساکن می گرداند و [سفینه ها] بر پشت [آب] متوقف می ماند. قطعاً در این [امر] برای هر شکیبای شکر گزاری نشانه هاست. (۳۴) یا به [سزای] آنچه [کشتی نشینان] مرتکب شده اند هلاکشان کند، و [لی] از بسیاری درمی گذرد. (۳۵) و [تا] آنان که در آیات ما مجادله می کنند، بدانند که ایشان را [روی] گریزی نیست. (۳۶) و آنچه به شما داده شده، برخورداری [و کالای] زندگی دنیاست، و آنچه پیش خداست برای کسانی که گرویده اند و به پروردگارشان اعتماد دارند بهتر و پایدارتر است. (۳۷) و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتکاریها خود را به دور می دارند و چون به خشم درمی آیند درمی گذرند. (۳۸) و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می کنند. (۳۹) و کسانی که چون ستم بر ایشان رسد، یاری می جویند [و به انتقام بر می خیزند]. (۴۰) و جزای بدی، مانند آن، بدی است. پس هر که در گذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست. به راستی او ستمگران را دوست نمی دارد. (۴۱) و هر که پس از ستم [دیدن] خود، یاری جوید [و انتقام گیرد] راه [نکوهشی] بر ایشان نیست. (۴۲) راه [نکوهش] تنها بر کسانی است که به مردم ستم می کنند، و در [روی] زمین به ناحق سر برمی دارند. آنان عذابی دردناک [در پیش] خواهند داشت. (۴۳) و هر که صبر کند و در گذرد، مسلماً این [خویشتن داری، حاکی] از اراده قوی [در] کارهاست. (۴۴) و هر که را خدا بی راه گذارد، پس از او یار [و یاور] نخواهد داشت، و ستمگران را می بینی که چون عذاب را بنگرند می گویند: «آیا راهی برای برگشتن [به دنیا] هست؟» (۴۵) آنان را می بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می شوند، از [شدت] زبونی، فروتن شده اند: زیرچشمی می نگرند. و کسانی که گرویده اند می گویند: «در حقیقت، زیانکاران کسانی اند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده اند.» آری، ستمکاران در عذابی پایدارند. (۴۶) و جز خدا برای آنان دوستانی [دیگر] نیست که آنها را یاری کنند، و هر که را خدا بی راه گذارد هیچ راهی برای او نخواهد بود. (۴۷) پیش از آنکه روزی فرا رسد که آن را از جانب خدا برگشتی نباشد، پروردگارتان را اجابت کنید. آن روز نه برای شما پناهی و نه برایتان [مجال] انکاری هست. (۴۸) پس اگر روی برتابند، ما تو را بر آنان نگهبان نفرستاده ایم. بر عهده تو جز رسانیدن [پیام] نیست، و ما چون رحمتی از جانب خود به انسان بچشانیم، بدان شاد و سرمست گردد، و چون به [سزای] دستاورد پیشین آنها، به آنان بدی رسد، انسان ناسپاسی می کند. (۴۹) فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن خداست؛ هر چه بخواهد می آفریند؛ به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می دهد. (۵۰) یا آنها را پسران [و دخترانی] توأم با یکدیگر می گرداند، و هر که را بخواهد عقیم می سازد. اوست دانای توانا. (۵۱) و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز [از راه] وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده ای بفرستد و به اذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده کار. (۵۲) و همین گونه، روحی از امر خودمان به سوی تو وحی کردیم. تو نمی دانستی کتاب چیست و نه ایمان [کدام است؟] ولی آن را نوری گردانیدیم که هر که از بندگان خود را بخواهیم به وسیله آن راه می نماییم، و به راستی که تو به خوبی به راه راست هدایت می کنی. (۵۳) راه همان خدایی که آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است از آن اوست. هس دار که [همه] کارها به خدا باز می گردد. (۵۴)

الزخرف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) حاء، میم. (۲) سوگند به کتاب روشننگر. (۳) ما آن را قرآنی عربی قرار دادیم، باشد که بیندیشید. (۴) و همانا که آن در کتاب اصلی [=لوح محفوظ] به نزد ما سخت والا و پر حکمت است. (۵) آیا به [صّرف] اینکه شما قومی منحرفید [باید] قرآن را از شما باز داریم؟ (۶) و چه بسا پیامبرانی که در [میان] گذشتگان روانه کردیم. (۷) و هیچ پیامبری به

سوی ایشان نیامد، مگر اینکه او را به ریشخند می گرفتند. (۸) و نیرومندتر از آنان را به هلاکت رسانیدیم و سنت پیشینیان تکرار شد. (۹) و اگر از آنان پرسیدی: «آسمانها و زمین را چه کسی آفریده؟» قطعاً خواهند گفت: «آنها را همان قادر دانا آفریده است.» (۱۰) همان کسی که این زمین را برای شما گهواره‌ای گردانید و برای شما در آن راهها نهاد، باشد که راه یابید. (۱۱) و آن کس که آبی به اندازه از آسمان فرود آورد، پس به وسیله آن، سرزمینی مرده را زنده گردانیدیم؛ همین گونه [از گورها] بیرون آورده می شوید. (۱۲) و همان کسی که جفتها را یکسره آفرید، و برای شما از کشتیها و دامها [وسیله‌ای که] سوار شوید قرار داد. (۱۳) تا بر پشت آن [ها] قرار گیرید، پس چون بر آن [ها] برنشستید، نعمت پروردگار خود را یاد کنید و بگویید: «پاک است کسی که این را برای ما رام کرد و [گره] ما را یارای [رام ساختن] آنها نبود.» (۱۴) «و به راستی که ما به سوی پروردگارمان بازخواهیم گشت.» (۱۵) و برای او بعضی از بندگان [خدا] را جزئی [چون فرزند و شریک] قرار دادند. به راستی که انسان بس ناسپاس آشکار است. (۱۶) آیا از آنچه می آفریند، خود، دخترانی بر گرفته و به شما پسران را اختصاص داده است؟ (۱۷) و چون یکی از آنان را به آنچه به [خدای] رحمان نسبت می دهد خبر دهند، چهره او سیاه می گردد، در حالی که خشم و تأسف خود را فرو می خورد. (۱۸) آیا کسی [را شریک خدا می کنند] که در زر و زیور پرورش یافته و در [هنگام] مجادله، بیانش غیر روشن است؟ (۱۹) و فرشتگانی را که خود، بندگان رحمانند، مادینه [و دختران او] پنداشتند. آیا در خلقت آنان حضور داشتند؟ گواهی ایشان به زودی نوشته می شود و [از آن] پرسیده خواهند شد. (۲۰) و می گویند: «اگر [خدای] رحمان می خواست، آنها را نمی پرستیدیم.» آنان به این [دعوی] دانشی ندارند [و] جز حدس نمی زنند. (۲۱) آیا به آنان پیش از آن [قرآن] کتابی داده‌ایم که بدان تمسک می جویند؟ (۲۲) [نه]، بلکه گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی یافتیم و ما [هم با] پی گیری از آنان، راه یافتگانیم.» (۲۳) و بدین گونه در هیچ شهری پیش از تو هشداردهنده‌ای نفرستادیم مگر آنکه خوشگذرانان آن گفتند: «ما پدران خود را بر آیینی [و راهی] یافته‌ایم و ما از پی ایشان راهسپیریم.» (۲۴) گفت «هر چند هدایت کننده‌تر از آنچه پدران خود را بر آن یافته‌اید برای شما بیاورم؟» گفتند: «ما [نسبت] به آنچه بدان فرستاده شده‌اید کافریم.» (۲۵) پس، از آنان انتقام گرفتیم. پس بنگر فرجام تکذیب کنندگان چگونه بوده است. (۲۶) و چون ابراهیم به [نا]پدیری خود و قومش گفت: «من واقعاً از آنچه می پرستید بیزارم، (۲۷) مگر [از] آن کس که مرا پدید آورد؛ و البته او مرا راهنمایی خواهد کرد.» (۲۸) و او آن را در پی خود سخنی جاویدان کرد، باشد که آنان [به توحید] باز گردند. (۲۹) بلکه اینان و پدرانشان را بر خوداری دادم تا حقیقت و فرستاده‌ای آشکار به سویشان آمد. (۳۰) و چون حقیقت به سویشان آمد، گفتند: «این افسونی است و ما منکر آنیم.» (۳۱) و گفتند: «چرا این قرآن بر مردی بزرگ از [آن] دو شهر فرود نیامده است؟» (۳۲) آیا آنانند که رحمت پروردگارت را تقسیم می کنند؟ ما [وسایل] معاش آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می اندوزند بهتر است. (۳۳) و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه‌های آنان که به [خدای] رحمان کفر می ورزیدند، سقفها و نردبانهایی از نقره که بر آنها بالا روند قرار می دادیم. (۳۴) و برای خانه‌هایشان نیز درها و تختهایی که بر آنها تکیه زنند. (۳۵) و زر و زیورهای [دیگر نیز]. و همه اینها جز متاع زندگی دنیا نیست، و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است. (۳۶) و هر کس از یاد [خدای] رحمان دل بگرداند، بر او شیطانی می گماریم تا برای وی دمسازی باشد. (۳۷) و مسلماً آنها ایشان را از راه باز می دارند و [آنها] می پندارند که راه یافتگانند. (۳۸) تا آنگاه که او [با دمسازش] به حضور ما آید، [خطاب به شیطان] گوید: «ای کاش میان من و تو، فاصله خاور و باختر بود، که چه بد دمسازی هستی!» (۳۹) و امروز هرگز [پشیمانی] برای شما سود نمی بخشد، چون ستم کردید؛ در حقیقت، شما در عذاب، مشترک خواهید بود. (۴۰) پس آیا تو می توانی کران را شنوا کنی، یا نابینایان و کسی را که همواره در گمراهی آشکاری است راه نمایی؟ (۴۱) پس اگر ما تو را [از دنیا] ببریم، قطعاً از آنان انتقام می کشیم، (۴۲) یا [اگر] آنچه را به آنان وعده داده‌ایم به تو نشان دهیم؛ حتماً ما بر آنان قدرت

داریم. (۴۳) پس به آنچه به سوی تو وحی شده است چنگ دَرَزَن، که تو بر راهی راست قرار داری. (۴۴) و به راستی که [قرآن] برای تو و برای قوم تو [مایه] تذکری است، و به زودی [در مورد آن] پرسیده خواهید شد. (۴۵) و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو؛ آیا در برابر [خدای] رحمان، خدایانی که مورد پرستش قرار گیرند مقرر داشته‌ایم؟ (۴۶) و همانا موسی را با نشانه‌های خویش به سوی فرعون و سران [قوم] او روانه کردیم. پس گفت: «من فرستاده پروردگار جهانیانم.» (۴۷) پس چون آیات ما را برای آنان آورد، ناگهان ایشان بر آنها خنده زدند. (۴۸) و [ما] نشانه‌ای به ایشان نمی‌نمودیم مگر اینکه آن از نظیر [و مشابه] آن بزرگتر بود، و به عذاب گرفتارشان کردیم تا مگر به راه آیند. (۴۹) و گفتند: «ای فسونگر، پروردگارت را به [پاس] آنچه با تو عهد کرده، برای ما بخوان، که ما واقعاً به راه درست درآمده‌ایم.» (۵۰) و چون عذاب را از آنها برداشتیم، بناگاه آنان پیمان شکستند. (۵۱) و فرعون در [میان] قوم خود ندا درداد [و] گفت: «ای مردم [کشور] من، آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر [کاخهای] من روان است از آن من نیست؟ پس مگر نمی‌بینید؟ (۵۲) آیا [نه] من از این کس که خود بی‌مقدار است و نمی‌تواند درست بیان کند بهترم؟ (۵۳) پس چرا بر او دستبندهایی زرین آویخته نشده؟ یا با او فرشتگانی همراه نیامده‌اند؟ (۵۴) پس قوم خود را سبک مغز یافت [و] آنان را فریفت [و] اطاعتش کردند، چرا که آنها مردمی منحرف بودند. (۵۵) و چون ما را به خشم درآوردند، از آنان انتقام گرفتیم و همه آنان را غرق کردیم. (۵۶) و آنان را پیشینه‌ای [بد] و عبرتی برای آیندگان گردانیدیم. (۵۷) و هنگامی که [در مورد] پسر مریم مثالی آورده شد، بناگاه قوم تو از آن [سخن] هلهله درانداختند [و اعراض کردند]، (۵۸) و گفتند: «آیا معبودان ما بهترند یا او؟» آن [مثال] را جز از راه جدل برای تو نزدند، بلکه آنان مردمی جلدپیشه‌اند. (۵۹) [عیسی] جز بنده‌ای که بر وی منت نهاده و او را برای فرزندان اسرائیل سرمشق [و آیتی] گردانیده‌ایم نیست. (۶۰) و اگر بخواهیم قطعاً به جای شما فرشتگانی که در [روی] زمین جانشین [شما] گردند قرار دهیم. (۶۱) و همانا آن، نشانه‌ای برای [فهم] رستاخیز است، پس زهار در آن تردید مکن، و از من پیروی کنید؛ این است راه راست! (۶۲) و مبادا شیطان شما را از راه به در برد، زیرا او برای شما دشمنی آشکار است. (۶۳) و چون عیسی دلایل آشکار آورد، گفت: «به راستی برای شما حکمت آوردم، و تا در باره بعضی از آنچه در آن اختلاف می‌کردید برایتان توضیح دهم. پس، از خدا بترسید و فرمانم بپذیرید.» (۶۴) در حقیقت، خداست که خود پروردگار من و پروردگار شماست. پس او را بپرستید؛ این است راه راست. (۶۵) تا [آنکه] از میانشان، احزاب دست به اختلاف زدند، پس وای بر کسانی که ستم کردند از عذاب روزی دردناک! (۶۶) آیا جز [این] انتظار می‌برند که رستاخیز - در حالی که حدس نمی‌زنند - ناگهان بر آنان در رسد؟ (۶۷) در آن روز، یاران - جز پرهیزگاران - بعضی‌شان دشمن بعضی دیگرند. (۶۸) ای بندگان من، امروز بر شما بیمی نیست و غمگین نخواهید شد. (۶۹) همان کسانی که به آیات ما ایمان آورده و تسلیم بودند. (۷۰) شما با همسرانتان شادمانه داخل بهشت شوید. (۷۱) سینه‌هایی از طلا - و جام‌هایی در برابر آنان می‌گردانند، و در آنجا آنچه دلها آن را بخواهند و دیدگان را خوش آید [هست] و شما در آن جاودانید. (۷۲) و این است همان بهشتی که به [پاداش] آنچه می‌کردید میراث یافتید. (۷۳) در آنجا برای شما میوه‌هایی فراوان خواهد بود که از آنها می‌خورید. (۷۴) بی‌گمان، مجرمان در عذاب جهنم ماندگارند. (۷۵) [عذاب] از آنان تخفیف نمی‌یابد و آنها در آنجا نومیدند. (۷۶) و ما بر ایشان ستم نکردیم، بلکه خود ستمکار بودند. (۷۷) و فریاد کشند: «ای مالک، [بگو]: پروردگارت جان ما را بستاند.» پاسخ دهد: «شما ماندگارید.» (۷۸) قطعاً حقیقت را برایتان آوردیم، لیکن بیشتر شما حقیقت را خوش نداشتید. (۷۹) یا در کاری ابرام ورزیده‌اند؟ ما [نیز] ابرام می‌ورزیم. (۸۰) آیا می‌پندارند که ما راز آنها و نجوایشان را نمی‌شنویم؟ چرا، و فرشتگان ما پیش آنان [حاضرند و] ثبت می‌کنند. (۸۱) بگو: «اگر برای [خدای] رحمان فرزندی بود، خود من نخستین پرستندگان بودم.» (۸۲) پروردگار آسمانها و زمین [و] پروردگار عرش، از آنچه وصف می‌کنند منزّه است. (۸۳) پس آنان را رها کن تا در یاوه‌گویی خود فرو روند و بازی کنند تا آن روزی را که بدان وعده داده می‌شوند دیدار کنند. (۸۴) و اوست که در آسمان خداست و در زمین خداست، و هموست سنجیده‌کار دانا. (۸۵) و خجسته است کسی که فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است

از آن اوست، و علم قیامت پیش اوست و به سوی او برگردانیده می‌شوید. (۸۶) و کسانی که به جای او می‌خوانند [و می‌پرستند] اختیار شفاعت ندارند، مگر آن کسانی که آگاهانه به حق گواهی داده باشند. (۸۷) و اگر از آنان پرسى: «چه کسی آنان را خلق کرده؟» مسلماً خواهند گفت: «خدا.» پس چگونه [از حقیقت] بازگردانیده می‌شوند؟ (۸۸) و گوید: «ای پروردگار من، اینها جماعتی‌اند که ایمان نخواهند آورد.» (۸۹) [و خدا فرمود:] از ایشان روی برتاب و بگو: «به سلامت.» پس زودا که بدانند. (۹۰)

الدخان

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) - حاء، میم. (۲) سوگند به کتاب روشنگر، (۳) [که] ما آن را در شبی فرخنده نازل کردیم، [زیرا] که ما هشداردهنده بودیم. (۴) در آن [شب] هر [گونه] کاری [به نحوی] استوار فیصله می‌یابد. (۵) [این] کاری است [که] از جانب ما [صورت می‌گیرد]. ما فرستنده [پیامبران] بودیم. (۶) [و این] رحمتی از پروردگار توست، که او شنوای داناست. (۷) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، اگر یقین دارید. (۸) خدایی جز او نیست؛ او زندگی می‌بخشد و می‌میراند؛ پروردگار شما و پروردگار پدران شماست. (۹) ولی نه، آنها به شک و شبهه خویش سرگرمند. (۱۰) پس در انتظار روزی باش که آسمان دودی نمایان برمی‌آورد، (۱۱) که مردم را فرو می‌گیرد؛ این است عذاب پر درد. (۱۲) [می‌گویند:] «پروردگارا، این عذاب را از ما دفع کن که ما ایمان داریم.» (۱۳) آنان را کجا [جای] پند [گرفتن] باشد، و حال آنکه به یقین برای آنان پیامبری روشنگر آمده است. (۱۴) پس، از او روی برتافتند و گفتند: «تعلیم یافته‌ای دیوانه است.» (۱۵) ما این عذاب را اندکی از شما برمی‌داریم [ولی شما] در حقیقت باز از سر می‌گیرید. (۱۶) روزی که دست به حمله می‌زنیم، همان حمله بزرگ؛ [آنگاه] ما انتقام کشنده‌ایم. (۱۷) و به یقین، پیش از آنان قوم فرعون را بیازمودیم، و پیامبری بزرگوار برایشان آمد، (۱۸) که [به آنان گفت:] «بندگان خدا را به من بسپارید، زیرا که من شما را فرستاده‌ایم.» (۱۹) و بر خدا برتری مجوید که من برای شما حاجتی آشکار آورده‌ام. (۲۰) و من به پروردگار خود و پروردگار شما پناه می‌برم از اینکه مرا سنگباران کنید. (۲۱) و اگر به من ایمان نمی‌آورید، پس، از من کناره بگیرید.» (۲۲) پس پروردگار خود را خواند که: «اینها مردمی گناهکارند.» (۲۳) [فرمود:] «بندگانم را شبانه ببر، زیرا شما مورد تعقیب واقع خواهید شد.» (۲۴) و دریا را هنگامی که آرام است پشت سر بگذار، که آنان سپاهی غرق‌شدنی‌اند.» (۲۵) [و،] چه باغها و چشمه‌سارانی [که آنها بعد از خود] بر جای نهادند، (۲۶) و کشتزارها و جایگاه‌های نیکو، (۲۷) و نعمتی که از آن برخوردار بودند. (۲۸) [آری،] این چنین [بود] و آنها را به مردمی دیگر میراث دادیم. (۲۹) و آسمان و زمین بر آنان زاری نکردند و مهلت نیافتند. (۳۰) و به راستی، فرزندان اسرائیل را از عذاب خفت‌آور رهانیدیم: (۳۱) از [دست] فرعون که متکبری از افراطکاران بود. (۳۲) و قطعاً آنان را دانسته بر مردم جهان ترجیح دادیم. (۳۳) و از نشانه‌ها [ی الهی] آنچه را که در آن آزمایشی آشکار بود، بدیشان دادیم. (۳۴) هر آینه این [کافران] می‌گویند: (۳۵) «جز مرگ نخستین، دیگر [واقعه‌ای] نیست و ما زنده‌شدنی نیستیم.» (۳۶) اگر راست می‌گویید، پس پدران ما را [باز] آورید. (۳۷) آیا ایشان بهترند یا قوم «تبع» و کسانی که پیش از آنها بودند؟ آنها را هلاک کردیم، زیرا که گناهکار بودند. (۳۸) و آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی نیافریده‌ایم؛ (۳۹) آنها را جز به حق نیافریده‌ایم، لیکن بیشترشان نمی‌دانند. (۴۰) در حقیقت، روز «جدا سازی» موعده همه آنهاست. (۴۱) همان روزی که هیچ دوستی از هیچ دوستی نمی‌تواند حمایتی کند، و آنان یاری نمی‌شوند، (۴۲) مگر کسی را که خدا رحمت کرده است، زیرا که اوست همان ارجمند مهربان. (۴۳) آری! درخت زقوم، (۴۴) خوراک گناه پیشه است. (۴۵) چون مس گداخته در شکمها می‌گدازد؛ (۴۶) همانند جوشش آب جوشان. (۴۷) او را بگیرید و به میان دوزخش بکشانید، (۴۸) آنگاه از عذاب آب جوشان بر سرش فرو ریزید. (۴۹) بچش که تو همان ارجمند بزرگواری! (۵۰) این است همان چیزی که در باره آن تردید می‌کردید. (۵۱) به راستی پرهیزگاران در جایگاهی آسوده [اند]، (۵۲) در بوستانها و کنار چشمه‌سارها. (۵۳) پرنیان نازک و دیبای ستر می‌پوشند [و] برابر هم نشسته‌اند. (۵۴) [آری،] چنین [خواهد بود] و آنها

را با حوریان درشت چشم همسر می گردانیم. (۵۵) در آنجا هر میوه‌ای را [که بخواهند] آسوده خاطر می طلبند. (۵۶) در آنجا جز مرگ نخستین، مرگ نخواهند چشید و [خدا] آنها را از عذاب دوزخ نگاه می دارد. (۵۷) [این] بخششی است از جانب پروردگار تو. این است همان کامیابی بزرگ. (۵۸) در حقیقت، [قرآن] را بر زبان تو آسان گردانیدیم، امید که پند پذیرند. (۵۹) پس مراقب باش، زیرا که آنان هم مراقبند. (۶۰)

الْجَانِيَةُ

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) حاء، میم. (۲) فرو فرستادن این کتاب، از جانب خدای ارجمند سنجیده کار است. (۳) به راستی در آسمانها و زمین، برای مؤمنان نشانه‌هایی است. (۴) و در آفرینش خودتان و آنچه از [انواع] جنبنده [ها] پراکنده می گرداند، برای مردمی که یقین دارند نشانه‌هایی است. (۵) و [نیز در] پیایی آمدن شب و روز، و آنچه خدا از روزی از آسمان فرود آورده و به [وسیله] آن، زمین را پس از مرگش زنده گردانیده است؛ و [همچنین در] گردش بادها [به هر سو]، برای مردمی که می اندیشند نشانه‌هایی است. (۶) این [ها] است آیات خدا که به راستی آن را بر تو می خوانیم. پس، بعد از خدا و نشانه‌های او به کدام سخن خواهند گروید؟ (۷) وای بر هر دروغزن گناه‌پیشه! (۸) [که] آیات خدا را که بر او خوانده می شود، می شنود و باز به حال تکبر - چنانکه گویی آن را نشنیده است - سماجت می ورزد. پس او را از عذابی پردرد خبر ده. (۹) و چون از نشانه‌های ما چیزی بداند، آن را به ریشخند می گیرد. آنان عذابی خفت آور خواهند داشت. (۱۰) پیشاپیش آنها دوزخ است، و نه آنچه را اندوخته و نه آن دوستانی را که غیر از خدا اختیار کرده‌اند، به کارشان می آید، و عذابی بزرگ خواهند داشت. (۱۱) این رهنمودی است؛ و کسانی که آیات پروردگارشان را انکار کردند، بر ایشان عذابی دردناک از پلیدی است. (۱۲) خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید، تا کشتیها در آن به فرمانش روان شوند، و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید، و باشد که سپاس دارید. (۱۳) و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد؛ همه از اوست. قطعاً در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه‌هایی است. (۱۴) به کسانی که ایمان آورده‌اند بگو تا از کسانی که به روزهای [پیروزی] خدا امید ندارند در گذرند، تا [خدا هر] گروهی را به [سبب] آنچه مرتکب می شده‌اند به مجازات رساند. (۱۵) هر که کاری شایسته کند، به سود خود اوست، و هر که بدی کند به زیانش باشد. سپس به سوی پروردگارتان برگردانیده می شوید. (۱۶) و به یقین، فرزندان اسرائیل را کتاب [تورات] و حکم و پیامبری دادیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان کردیم و آنان را بر مردم روزگار برتری دادیم. (۱۷) و دلایل روشنی در امر [دین] به آنان عطا کردیم، و جز بعد از آنکه علم برایشان [حاصل] آمد، [آن هم] از روی رشک و رقابت میان خودشان، دستخوش اختلاف نشدند. قطعاً پروردگارت روز قیامت میانشان در باره آنچه در آن اختلاف می کردند، داوری خواهد کرد. (۱۸) سپس تو را در طریقه آیینی [که ناشی] از امر [خداست] نهادیم. پس آن را پیروی کن، و هوسهای کسانی را که نمی دانند پیروی مکن. (۱۹) آنان هرگز در برابر خدا از تو حمایت نمی کنند [و به هیچ وجه به کار تو نمی آیند] و ستمگران بعضی شان دوستان بعضی [دیگر]ند، و خدا یار پرهیزگاران است. (۲۰) این [کتاب] برای مردم، بینش بخش و برای قومی که یقین دارند، رهنمود و رحمتی است. (۲۱) آیا کسانی که مرتکب کارهای بد شده‌اند پنداشته‌اند که آنان را مانند کسانی قرار می دهیم که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند [به طوری که] زندگی آنها و مرگشان یکسان باشد؟ چه بد داوری می کنند. (۲۲) و خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است، و تا هر کسی به [موجب] آنچه به دست آورده پاداش یابد، و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۳) پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و بر گوش او و دلش مهر زده و بر دیده‌اش پرده نهاده است؟ آیا پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پند نمی گیرید؟ (۲۴) و گفتند: «غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست؛ می میریم و زنده می شویم، و ما را جز طبیعت هلاک نمی کند.» و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی

ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی سپرند. (۲۵) و چون آیات روشن ما بر آنان خوانده شود، دلیلشان همواره جز این نیست که می گویند: «اگر راست می گویند پدران ما را [حاضر] آورید.» (۲۶) بگو: «خدا [ست که] شما را زندگی می بخشد، سپس می میراند، آنگاه شما را به سوی روز رستاخیز - که تردیدی در آن نیست - گرد می آورد، ولی بیشتر مردم [این را] نمی دانند.» (۲۷) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست، و روزی که رستاخیز بر پا شود، آن روز است که باطل اندیشان زیان خواهند دید. (۲۸) و هر امتی را به زانو در آمده می بینی؛ هر امتی به سوی کارنامه خود فراخوانده می شود [و بدیشان می گویند]: «آنچه را می کردید امروز پاداش می یابید.» (۲۹) این است کتاب ما که علیه شما به حق سخن می گوید. ما از آنچه می کردید، نسخه بر می داشتیم.» (۳۰) و اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، پس پروردگارشان آنان را در جوار رحمت خویش داخل می گرداند. این همان کامیابی آشکار است. (۳۱) و اما کسانی که کافر شدند [بدانها می گویند]: «پس مگر آیات من بر شما خوانده نمی شد؟ و [لی] تکبر نمودید و مردمی بدکار بودید.» (۳۲) و چون گفته شد: «وعده خدا راست است و شکی در رستاخیز نیست»، گفتید: «ما نمی دانیم رستاخیز چیست. جز گمان نمی ورزیم و ما یقین نداریم.» (۳۳) و [حقیقت] بدیهایی که کرده اند، بر آنان پدیدار می شود و آنچه را که بدان ریشخند می کردند، آنان را فرو می گیرد. (۳۴) و گفته شود: «همان گونه که دیدار امروزتان را فراموش کردید، امروز شما را فراموش خواهیم کرد، و جایگاهتان در آتش است و برای شما یاورانی نخواهد بود.» (۳۵) این بدان سبب است که شما آیات خدا را به ریشخند گرفتید و زندگی دنیا فریبتان داد. پس امروز نه از این [آتش] بیرون آورده می شوند، و نه عذرشان پذیرفته می گردد. (۳۶) پس سپاس از آن خداست: پروردگار آسمانها و پروردگار زمین، پروردگار جهانیان. (۳۷) و در آسمانها و زمین، بزرگی از آن اوست، و اوست شکست ناپذیر سنجیده کار. (۳۸)

الأحقاف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) - حاء، میم. (۲) فرو فرستادن این کتاب، از جانب خدای ارجمند حکیم است. (۳) [ما] آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است جز به حق و [تا] زمانی معین نیافریدیم، و کسانی که کافر شده اند، از آنچه هشدار داده شده اند رویگردانند. (۴) بگو: «به من خبر دهید، آنچه را به جای خدا فرا می خوانید به من نشان دهید که چه چیزی از زمین [را] آفریده یا [مگر] آنان را در [کار] آسمانها مشارکتی است؟ اگر راست می گویند، کتابی پیش از این [قرآن] یا بازمانده ای از دانش نزد من آورید.» (۵) و کیست گمراه تر از آن کس که به جای خدا کسی را می خواند که تا روز قیامت او را پاسخ نمی دهد، و آنها از دعایشان بی خبرند؟ (۶) و چون مردم محشور گردند، دشمنان آنان باشند و به عبادتشان انکار ورزند. (۷) و چون آیات روشن ما بر ایشان خوانده شود، آنان که چون حقیقت به سویشان آمد منکر آن شدند، گفتند: «این سحری آشکار است.» (۸) یا می گویند: «این [کتاب] را برافته است.» بگو: «اگر آن را برافته باشم؛ در برابر خدا اختیار چیزی برای من ندارید. او آگاه تر است به آنچه [با طعنه] در آن فرو می روید. گواه بودن او میان من و شما بس است، و اوست آمرزنده مهربان.» (۹) بگو: «من از [میان] پیامبران، نودرآمدی نبودم و نمی دانم با من و با شما چه معامله ای خواهد شد. جز آنچه را که به من وحی می شود، پیروی نمی کنم؛ و من جز هشداردهنده ای آشکار [بیش] نیستم.» (۱۰) بگو: «به من خبر دهید، اگر این [قرآن] از نزد خدا باشد و شما بدان کافر شده باشید و شاهدی از فرزندان اسرائیل به مشابَهت آن [با تورات] گواهی داده و ایمان آورده باشد، و شما تکبر نموده باشید [آیا باز هم شما ستمکار نیستید؟] البته خدا قوم ستمگر را هدایت نمی کند.» (۱۱) و کسانی که کافر شدند، به آنان که گرویده اند گفتند: «اگر [این دین] خوب بود، بر ما بدان پیشی نمی گرفتند.» و چون بدان هدایت نیافته اند، به زودی خواهند گفت: «این دروغی کهنه است.» (۱۲) و [حال آنکه] پیش از آن، کتاب موسی، راهبر و [مایه] رحمتی بود؛ و این [قرآن] کتابی است به زبان عربی که تصدیق کننده [آن] است، تا کسانی را که ستم کرده اند هشدار دهد و برای نیکوکاران مژده ای باشد. (۱۳) محققاً کسانی که گفتند:

«پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، بیمی بر آنان نیست و غمگین نخواهند شد. (۱۴) ایشان اهل بهشتند که به پاداش آنچه انجام می‌دادند جاودانه در آن می‌مانند. (۱۵) و انسان را [نسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمل رنج به او باردار شد و با تحمل رنج او را به دنیا آورد. و بار برداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: «پروردگارا، بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای سپاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری، و فرزندانم را برایم شایسته گردان؛ در حقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم.» (۱۶) اینانند کسانی که بهترین آنچه را انجام داده‌اند از ایشان خواهیم پذیرفت و از بدیهایشان درخواهیم گذشت؛ در [زمره] بهشتیانند؛ [همان] وعده راستی که بدانان وعده داده می‌شده است. (۱۷) و آن کس که به پدر و مادر خود گوید: «اف بر شما، آیا به من وعده می‌دهید که زنده خواهم شد و حال آنکه پیش از من نسله‌ها سپری [و نابود] شدند.» و آن دو به [درگاه] خدا زاری می‌کنند: «وای بر تو، ایمان بیاور. وعده [و تهدید] خدا حق است.» و [لی پسر] پاسخ می‌دهد: «اینها جز افسانه‌های گذشتگان نیست.» (۱۸) آنان کسانی‌اند که گفتار [خدا] علیه ایشان - همراه با امتیابی از جنیان و آدمیان که پیش از آنان روزگار به سر بردند - به حقیقت پیوست، بی‌گمان آنان زیانکار بودند. (۱۹) و برای هر یک در [نتیجه] آنچه انجام داده‌اند درجاتی است، و تا [خدا پاداش] اعمالشان را تمام بدهد؛ و آنان مورد ستم قرار نخواهند گرفت. (۲۰) و آن روز که آنهایی را که کفر ورزیده‌اند، بر آتش عرضه می‌دارند [به آنان می‌گویند]: «نعمتهای پاکیزه خود را در زندگی دنیایتان [خودخواهانه] صرف کردید و از آنها برخوردار شدید؛ پس امروز به [سزای] آنکه در زمین بناحق سرکشی می‌نمودید و به سبب آنکه نافرمانی می‌کردید، به عذاب خفت [آور] کیفر می‌باید.» (۲۱) و برادر عادیان را به یاد آور، آنگاه که قوم خویش را در ریگستان بیم داد - در حالی که پیش از او و پس از او [نیز] قطعاً هشدار دهندگانی گذشته بودند - که: «جز خدا را مپرستید؛ واقعاً من بر شما از عذاب روزی هولناک می‌ترسم.» (۲۲) گفتند: «آیا آمده‌ای که ما را از خدایانمان برگردانی؟ پس اگر راست می‌گویی، آنچه به ما وعده می‌دهی [بر سرمان] بیاور.» (۲۳) گفت: «آگاهی فقط نزد خداست، و آنچه را بدان فرستاده شده‌ام به شما می‌رسانم، ولی من شما را گروهی می‌بینم که در جهل اصرار می‌ورزید.» (۲۴) پس چون آن [عذاب] را [به صورت] ابری روی آورنده به سوی وادیهای خود دیدند، گفتند: «این ابری است که بارش دهنده ماست.» [هود گفت: «نه، بلکه همان چیزی است که به شتاب خواستارش بودید: بادی است که در آن عذابی پر درد [نهفته] است. (۲۵) همه چیز را به دستور پروردگارش بنیان کن می‌کند.» پس چنان شدند که جز سراهایشان دیده نمی‌شد. این چنین گروه بدکاران را سزا می‌دهیم. (۲۶) و به راستی در چیزهایی به آنان امکانات داده بودیم که به شما در آنها [چنان] امکاناتی نداده‌ایم، و برای آنان گوش و دیده‌ها و دل‌هایی [نیرومندتر از شما] قرار داده بودیم، و [لی] چون به نشانه‌های خدا انکار ورزیدند [نه] گوششان و نه دیدگانشان و نه دل‌هایشان، به هیچ وجه به دردشان نخورد، و آنچه ریشخندش می‌کردند به سرشان آمد. (۲۷) و بی‌گمان، همه شهرهای پیرامون شما را هلاک کرده و آیات خود را گونه‌گون بیان داشته‌ایم، امید که آنان بازگردند. (۲۸) پس چرا آن کسانی را که غیر از خدا، به منزله معبودانی، برای تقرب [به خدا] اختیار کرده بودند، آنان را یاری نکردند بلکه از دستشان دادند؟ و این بود دروغ آنان و آنچه برمی‌بافتند. (۲۹) و چون تنی چند از جن را به سوی تو روانه کردیم که قرآن را بشنوند؛ پس چون بر آن حاضر شدند [به یکدیگر] گفتند: «گوش فرا دهید.» و چون به انجام رسید، هشداردهنده به سوی قوم خود بازگشتند. (۳۰) گفتند: «ای قوم ما، ما کتابی را شنیدیم که بعد از موسی نازل شده [و] تصدیق‌کننده [کتابهای] پیش از خود است، و به سوی حق و به سوی راهی راست راهبری می‌کند. (۳۱) ای قوم ما، دعوت‌کننده خدا را پاسخ [مثبت] دهید و به او ایمان آورید تا [خدا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشد و از عذابی پر درد پناهتان دهد. (۳۲) و کسی که دعوت‌کننده خدا را اجابت نکند، در زمین در مانده‌کننده [خدا] نیست و در برابر او دوستانی ندارد. آنان در گمراهی آشکاری‌اند. (۳۳) مگر ندانسته‌اند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفریده و در آفریدن آنها درمانده نگردید؛ می‌تواند مردگان را [نیز] زنده کند؟ آری، اوست که بر

همه چیز تواناست. (۳۴) و روزی که کافران بر آتش عرضه می شوند [از آنان می پرسند:] «آیا این راست نیست؟» می گویند: «سوگند به پروردگاران که آری.» می فرماید: «پس به [سزای] آنکه انکار می کردید عذاب را بخشید.» (۳۵) پس همان گونه که پیامبران نستوه، صبر کردند، صبر کن، و برای آنان شتابزدگی به خرج مده. روزی که آنچه را وعده داده می شوند بنگرند، گویی که آنان جز ساعتی از روز را [در دنیا] نمانده اند؛ [این] ابلاغی است. پس آیا جز مردم نافرمان هلاکت خواهند یافت؟ (۳۶)

محمد

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند، [خدا] اعمال آنان را تباه خواهد کرد. (۲) و آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند و به آنچه بر محمد [ص] نازل آمده گرویده اند - [که] آن خود حق [و] از جانب پروردگارشان است - [خدا نیز] بدیهایشان را زدود و حال [و روز]شان را بهبود بخشید. (۳) این بدان سبب است که آنان که کفر ورزیدند، از باطل پیروی کردند، و کسانی که ایمان آوردند از همان حق - که از جانب پروردگارشان است - پیروی کردند. این گونه خدا برای [بیداری] مردم مثالهایشان را می زند. (۴) پس چون با کسانی که کفر ورزیده اند برخورد کنید، گردنها [یشان] را بزنید. تا چون آنان را [در کشتار] از پای در آورید، پس [اسیران را] استوار در بند کشید؛ سپس یا [بر آنان] منت نهید [و آزادشان کنید] و یا فدیة [و عوض از ایشان بگیرید]، تا در جنگ، اسلحه بر زمین گذاشته شود. این است [دستور خدا]؛ و اگر خدا می خواست، از ایشان انتقام می کشید، ولی [فرمان پیکار داد] تا برخی از شما را به وسیله برخی [دیگر] بیازماید، و کسانی که در راه خدا کشته شده اند، هرگز کارهایشان را ضایع نمی کند. (۵) به زودی آنان را راه می نماید و حالشان را نیکو می گرداند. (۶) و در بهشتی که برای آنان وصف کرده، آنان را درمی آورد. (۷) ای کسانی که ایمان آورده اید، اگر خدا را یاری کنید یاریتان می کند و گامهایتان را استوار می دارد. (۸) و کسانی که کفر ورزیدند، نگونسازی بر آنان باد؛ و [خدا] اعمالشان را برباد داد. (۹) این بدان سبب است که آنان آنچه را خدا نازل کرده است خوش نداشتند، و [خدا نیز] کارهایشان را باطل کرد. (۱۰) مگر در زمین نگشته اند، تا ببینند فرجام کسانی که پیش از آنها بودند به کجا انجامیده است؟ خدا زیر و زبرشان کرد و کافران را نظایر [همین کیفرها در پیش] است. (۱۱) چرا که خدا سرپرست کسانی است که ایمان آورده اند، ولی کافران را سرپرست [و یاری] نیست. (۱۲) خدا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده اند، در باغهایی که از زیر [درختان] آنها نهرها روان است درمی آورد، و [حال آنکه] کسانی که کافر شده اند، [در ظاهر] بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند، می خورند، و [لی] [جایگاه آنها آتش است. (۱۳) و بسا شهرها که نیرومندتر از آن شهری بود که تو را [از خود] بیرون راند، که ما هلاکشان کردیم و برای آنها یار [و یآوری] نبود. (۱۴) آیا کسی که بر حجتی از جانب پروردگار خویش است، چون کسی است که بدی کردارش برای او زیبا جلوه داده شده و هوسهای خود را پیروی کرده اند؟ (۱۵) مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته؛ و جویهایی از شیری که مزه اش دگرگون نشود؛ و رودهایی از باده ای که برای نوشندگان لذتی است؛ و جویبارهایی از انگبین ناب. و در آنجا از هر گونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آموزش پروردگار آنهاست. [آیا چنین کسی در چنین باغی دل انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می شود [تا] روده هایشان را از هم فرو پاشد؟ (۱۶) و از میان [منافقان] کسانی اند که [در ظاهر] به [سخنان] تو گوش می دهند، ولی چون از نزد تو بیرون می روند، به دانش یافتگان می گویند: «هم اکنون چه گفت؟» اینان همانانند که خدا بر دلهایشان مهر نهاده است و از هوسهای خود پیروی کرده اند. (۱۷) و [لی] آنان که به هدایت گراییدند [خدا] آنان را هر چه بیشتر هدایت بخشید و [توفیق] پرهیزگاری شان داد. (۱۸) آیا [کافران] جز این انتظار می برند که رستاخیز به ناگاه بر آنان فرا رسد؟ و علامات آن اینک پدید آمده است. پس اگر [رستاخیز] بر آنان در رسد، دیگر کجا جای اندرزشان است؟ (۱۹) پس بدان که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ و برای

گناه خویش آموزش جوی؛ و برای مردان و زنان با ایمان [طلب مغفرت کن]؛ و خداست که فرجام و مآل [هر یک از] شما را می‌داند. (۲۰) و کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «چرا سوره‌ای [در باره جهاد] نازل نمی‌شود؟» اما چون سوره‌ای صریح نازل شد و در آن نام کارزار آمد، آنان که در دل‌هایشان مرضی هست، مانند کسی که به حال بیهوشی مرگ افتاده به تو می‌نگرند. (۲۱) [ولی] فرمان‌پذیری و سخنی شایسته برایشان بهتر است. و چون کار به تصمیم کشد، قطعاً خیر آنان در این است که با خدا راست [دل] باشند. (۲۲) پس [ای منافقان،] آیا امید بستید که چون [از خدا] برگشتید [یا سرپرست مردم شدید] در [روی] زمین فساد کنید و خویشاوندیهای خود را از هم بگسلید؟ (۲۳) اینان همان کسانی که خدا آنان را لعنت نموده و [گوش دل] ایشان را ناشنوا و چشم‌هایشان را نابینا کرده است. (۲۴) آیا به آیات قرآن نمی‌اندیشند؟ یا [مگر] بر دل‌هایشان قفل‌هایی نهاده شده است؟ (۲۵) بی‌گمان، کسانی که پس از آنکه [راه] هدایت بر آنان روشن شد [به حقیقت] پشت کردند، شیطان آنان را فریفت و به آرزوهای دور و درازشان انداخت. (۲۶) چرا که آنان به کسانی که آنچه را خدا نازل کرده خوش نمی‌داشتند، گفتند: «ما در کار [مخالفت] تا حدودی از شما اطاعت خواهیم کرد.» و خدا از همداستانی آنان آگاه است. (۲۷) پس چگونه [تاب می‌آورند] وقتی که فرشتگان [عذاب]، جانشان را می‌ستانند و بر چهره و پشت آنان تازیانه می‌نوازند؟ (۲۸) زیرا آنان از آنچه خدا را به خشم آورده پیروی کرده‌اند و خرسندیش را خوش نداشتند؛ پس اعمالشان را باطل گردانید. (۲۹) آیا کسانی که در دل‌هایشان مرضی هست، پنداشتند که خدا هرگز کینه آنان را آشکار نخواهد کرد؟ (۳۰) و اگر بخواهیم، قطعاً آنان را به تو می‌نمایانیم، در نتیجه ایشان را به سیمای [حقیقی] شان می‌شناسی و از آهنگ سخن به [حال] آنان پی خواهی برد؛ و خداست که کارهای شما را می‌داند. (۳۱) و البته شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و شکیبایان شما را باز شناسانیم، و گزارش‌های [مربوط به] شما را رسیدگی کنیم. (۳۲) کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا باز داشتند و پس از آنکه راه هدایت بر آنان آشکار شد، با پیامبر [خدا] در افتادند، هرگز به خدا گزندی نمی‌رسانند؛ و به زودی [خدا] کرده‌هایشان را تباه خواهد کرد. (۳۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا را اطاعت کنید و از پیامبر [او نیز] اطاعت نمایید، و کرده‌های خود را تباه نکنید. (۳۴) آنان که کفر ورزیدند و مانع راه خدا شدند، سپس در حال کفر مردند، هرگز خدا از آنان در نخواهد گذشت. (۳۵) پس سستی نوزید و [کافران را] به آشتی مخوانید [که] شما برترید و خدا با شماست و از [ارزش] کارهایتان هرگز نخواهد کاست. (۳۶) زندگی این دنیا لهو و لعبی بیش نیست، و اگر ایمان بیاورید و پروا بدارید [خدا] پاداش شما را می‌دهد و اموالتان را [در عوض] نمی‌خواهد. (۳۷) اگر [اموال] شما را بخواهد و به اصرار از شما طلب کند بخل می‌ورزید، و کینه‌های شما را بر ملا می‌کند. (۳۸) شما همان [مردمی] هستید که برای انفاق در راه خدا فرا خوانده شده‌اید. پس برخی از شما بخل می‌ورزند، و هر کس بخل ورزد تنها به زیان خود بخل ورزیده، و [گرنه] خدا بی‌نیاز است و شما نیازمندید؛ و اگر روی برتائید [خدا] جای شما را به مردمی غیر از شما خواهد داد که مانند شما نخواهند بود. (۳۹)

الفتح

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ما تو را پیروزی بخشیدیم [چه] پیروزی درخشانی! (۲) تا خداوند از گناه گذشته و آینده تو درگذرد و نعمت خود را بر تو تمام گرداند و تو را به راهی راست هدایت کند. (۳) و تو را به نصرتی ارجمند یاری نماید. (۴) اوست آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند. و سپاهیان آسمانها و زمین از آن خداست، و خدا همواره دانای سنجیده کار است. (۵) تا مردان و زنانی را که ایمان آورده‌اند در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، در آورد و در آن جاویدان بدارد، و بدیهایشان را از آنان بزداید؛ و این [فرجام نیک] در پیشگاه خدا کامیابی بزرگی است. (۶) و [تا] مردان و زنان نفاق‌پیشه و مردان و زنان مشرک را که به خدا گمان بد برده‌اند، عذاب کند؛ بد زمانه بر آنان باد. و خدا بر ایشان خشم نموده و لعنتان کرده و جهنم را برای آنان آماده گردانیده و [چه] بد سرانجامی است، (۷) و سپاهیان آسمانها و

زمین از آن خداست، و خدا همواره شکست‌ناپذیر سنجیده‌کار است. (۸) [ای پیامبر،] ما تو را [به سمت] گواه و بشارت‌گر و هشداردهنده‌ای فرستادیم. (۹) تا به خدا و فرستاده‌اش ایمان آورید و او را یاری کنید و ارجش نهید، و [خدا] را بامدادان و شامگاهان به پاکی بستایید. (۱۰) در حقیقت، کسانی که با تو بیعت می‌کنند، جز این نیست که با خدا بیعت می‌کنند؛ دست خدا بالای دستهای آنان است. پس هر که پیمان‌شکنی کند، تنها به زیان خود پیمان می‌شکند، و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد. (۱۱) برجای‌ماندگان بادیه‌نشین به زودی به تو خواهند گفت: «اموال ما و کسانمان ما را گرفتار کردند، برای ما آموزش بخواه.» چیزی را که در دل‌هایشان نیست بر زبان خویش می‌رانند. بگو: «اگر خدا بخواهد به شما زبانی یا سودی برساند چه کسی در برابر او برای شما اختیار چیزی را دارد؟ بلکه [این] خداست که به آنچه می‌کنید همواره آگاه است. (۱۲) [نه چنان بود،] بلکه پنداشتید که پیامبر و مؤمنان هرگز به خانمان خود بر نخواهند گشت، و این [پندار] در دل‌هایتان نمودی خوش یافت، و گمان بد کردید، و شما مردمی در خور هلاکت بودید.» (۱۳) و هر کس به خدا و پیامبر او ایمان نیآورده است [بداند که] ما برای کافران آتشی سوزان آماده کرده‌ایم. (۱۴) و فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست: هر که را بخواهد می‌بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و خدا همواره آمرزنده مهربان است. (۱۵) چون به [قصد] گرفتن غنایم روانه شدید، به زودی برجای‌ماندگان خواهند گفت: «بگذارید ما [هم] به دنبال شما بیاییم.» [این گونه] می‌خواهند دستور خدا را دگرگون کنند. بگو: «هرگز از پی ما نخواهید آمد. آری، خدا از پیش در باره شما چنین فرموده.» پس به زودی خواهند گفت: «[نه،] بلکه بر ما رشک می‌برید.» [نه چنین است] بلکه جز اندکی در نمی‌یابند. (۱۶) به برجای‌ماندگان بادیه‌نشین بگو: «به زودی به سوی قومی سخت‌زورمند دعوت خواهید شد که با آنان بجنگید یا اسلام آورند. پس اگر فرمان برید خدا شما را پاداش نیک می‌بخشد، و اگر - همچنان که بیشتر پشت کردید - [باز هم] روی بگردانید، شما را به عذابی پردرد معذب می‌دارد.» (۱۷) بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ گناهی نیست و بر بیمار گناهی نیست [که در جهاد شرکت نکنند]؛ و هر کس خدا و پیامبر او را فرمان برد، وی را در باغهایی که از زیر [درختان] آن نه‌هایی روان است درمی‌آورد، و هر کس روی برتابد، به عذابی دردناک معذبش می‌دارد. (۱۸) به راستی خدا هنگامی که مؤمنان، زیر آن درخت با تو بیعت می‌کردند از آنان خشنود شد، و آنچه در دل‌هایشان بود بازشناخت و بر آنان آرامش فرو فرستاد و پیروزی نزدیکی به آنها پاداش داد. (۱۹) و [نیز] غنیمتهای فراوانی خواهند گرفت، و خدا همواره نیرومند سنجیده‌کار است. (۲۰) و خدا به شما غنیمتهای فراوان [دیگری] وعده داده که به زودی آنها را خواهید گرفت، و این [پیروزی] را برای شما پیش انداخت، و دستهای مردم را از شما کوتاه ساخت، و تا برای مؤمنان نشانه‌ای باشد و شما را به راه راست هدایت کند. (۲۱) و [غنیمتهای] دیگر [نیز هست] که شما بر آنها دست نیافته‌اید [و] خدا بر آنها نیک احاطه دارد، و همواره خداوند بر هر چیزی تواناست. (۲۲) و اگر کسانی که کافر شدند، به جنگ با شما برخیزند، قطعاً پشت خواهند کرد، و دیگر یار و یآوری نخواهند یافت. (۲۳) سنت الهی از پیش همین بوده، و در سنت الهی هرگز تغییری نخواهی یافت. (۲۴) و اوست همان کسی که در دل مکه - پس از پیروز کردن شما بر آنان - دستهای آنها را از شما و دستهای شما را از ایشان کوتاه گردانید، و خدا به آنچه می‌کنید همواره بیناست. (۲۵) آنها بودند که کفر ورزیدند و شما را از مسجد الحرام بازداشتند و نگذاشتند قربانی [شما] که بازداشته شده بود به محلش برسد، و اگر [در مکه] مردان و زنان با ایمانی نبودند که [ممکن بود] بی‌آنکه آنان را بشناسید، ندانسته پیمان‌شان کنید و تاوانشان بر شما بماند [فرمان حمله به مکه می‌دادیم] تا خدا هر که را بخواهد در جوار رحمت خویش درآورد. اگر [کافر و مؤمن] از هم متمایز می‌شدند، قطعاً کافران را به عذاب دردناکی معذب می‌داشتیم. (۲۶) آنگاه که کافران در دل‌های خود، تعصب [آن هم] تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر فرستاده خویش و بر مؤمنان فرو فرستاد، و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت، و [در واقع] آنان به [رعایت] آن [آرمان] سزاوارتر و شایسته [اتصاف به] آن بودند، و خدا همواره بر هر چیزی داناست. (۲۷) حقاً خدا رؤیای پیامبر خود را تحقق بخشید [که دیده بود:] شما بدون شک، به خواست خدا در حالی که سر تراشیده و موی [و ناخن]

کوتاه کرده‌اید، با خاطری آسوده در مسجد الحرام در خواهید آمد. خدا آنچه را که نمی‌دانستید دانست، و غیر از این، پیروزی نزدیکی [برای شما] قرار داد. (۲۸) اوست کسی که پیامبر خود را به [قصد] هدایت، با آیین درست روانه ساخت، تا آن را بر تمام ادیان پیروز گرداند و گواه بودن خدا کفایت می‌کند. (۲۹) محمد [ص] پیامبر خداست؛ و کسانی که با اویند، بر کافران، سختگیر [و] با همدیگر مهربانند. آنان را در رکوع و سجود می‌بینی. فضل و خشنودی خدا را خواستارند. علامت [مشخصه] آنان بر اثر سجود در چهره‌هایشان است. این صفت ایشان است در تورات، و مثل آنها در انجیل چون کشته‌ای است که جوانه خود بر آورد و آن را مایه دهد تا سبتر شود و بر ساقه‌های خود بایستد و دهقانان را به شگفت آورد، تا از [انبوهی] آنان [خدا] کافران را به خشم دراندازد. خدا به کسانی از آنان که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آمرزش و پاداش بزرگی وعده داده‌است. (۳۰)

الحجرات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست. (۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدایتان را بلندتر از صدای پیامبر مکنید، و همچنانکه بعضی از شما با بعضی دیگر بلند سخن می‌گویند با او به صدای بلند سخن مگویند، مبدا بی آنکه بدانید کرده‌هایتان تباه شود. (۳) کسانی که پیش پیامبر خدا صدایشان را فرو می‌کشند همان کسانی که خدا دل‌هایشان را برای پرهیزگاری امتحان کرده‌است؛ آنان را آمرزش و پاداشی بزرگ است. (۴) کسانی که تو را از پشت اتاقها [مسکونی تو] به فریاد می‌خوانند، بیشترشان نمی‌فهمند. (۵) و اگر صبر کنند تا بر آنان در آیی، مسلماً برایشان بهتر است و خدا آمرزنده و مهربان است. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر فاسقی برایتان خبری آورد، نیک و واری کنید، مبدا به نادانی گروهی را آسیب برسانید و [بعد] از آنچه کرده‌اید پشیمان شوید. (۷) و بدانید که پیامبر خدا در میان شماست. اگر در بسیاری از کارها از [رأی و میل] شما پیروی کند، قطعاً دچار زحمت می‌شوید، لیکن خدا ایمان را برای شما دوست‌داشتنی گردانید و آن را در دل‌های شما بیاراست و کفر و پلیدکاری و سرکشی را در نظرتان ناخوشایند ساخت. آنان [که چنین‌اند] ره‌یافتگانند. (۸) [و این] بخششی از خدا و نعمتی [از اوست]، و خدا دانای سنجیده‌کار است. (۹) و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید، و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند بجنگید تا به فرمان خدا باز گردد. پس اگر باز گشت، میان آنها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید، که خدا دادگران را دوست می‌دارد. (۱۰) در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادرانان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید، امید که مورد رحمت قرار گیرید. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نباید قومی قوم دیگر را ریشخند کند، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و نباید زنانی زنان [دیگر] را [ریشخند کنند]، شاید آنها از اینها بهتر باشند، و از یکدیگر عیب مگیرید، و به همدیگر لقبهای زشت مدهید؛ چه ناپسندیده است نام زشت پس از ایمان. و هر که توبه نکرد آنان خود ستمکارند. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از بسیاری از گمانها پرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است، و جاسوسی مکنید، و بعضی از شما غیبت بعضی نکنند؛ آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟ از آن کراهت دارید. [پس] از خدا بترسید، که خدا توبه‌پذیر مهربان است. (۱۳) ای مردم، ما شما را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و ملت و قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی متقابل حاصل کنید. در حقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید، خداوند دانای آگاه است. (۱۴) [برخی از] بادیه‌نشینان گفتند: «ایمان آوردیم.» بگو: «ایمان نیاورده‌اید، لیکن بگویند: اسلام آوردیم. و هنوز در دل‌های شما ایمان داخل نشده‌است. و اگر خدا و پیامبر او را فرمان برید از [ارزش] کرده‌هایتان چیزی کم نمی‌کند. خدا آمرزنده مهربان است.» (۱۵) در حقیقت، مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبر او گرویده و [دیگر] شک نیاورده و با مال و جان‌شان در راه خدا جهاد کرده‌اند؛ اینانند که راست‌کردارند. (۱۶) بگو: «آیا خدا را از دین [داری] خود خیر می‌دهید؟ و حال آنکه خدا آنچه را که در زمین

است می‌داند، و خدا به همه چیز داناست. (۱۷) از اینکه اسلام آورده‌اند بر تو منت می‌نهند؛ بگو: «بر من از اسلام آوردن منت مگذارید، بلکه [این] خداست که با هدایت کردن شما به ایمان، بر شما منت می‌گذارد، اگر راستگو باشید. (۱۸) خداست که نهفته آسمانها و زمین را می‌داند و خدا [ست که] به آنچه می‌کنید بیناست.» (۱۹)

ق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) قاف، سو گند به قرآن باشکوه، (۲) [که آنان نگر ویدند،] بلکه از اینکه هشدار دهنده‌ای از خودشان برایشان آمد، در شگفت شدند و کافران گفتند: «این [محمد و حکایت معاد] چیزی عجیب است» (۳) «آیا چون مُردیم و خاک شدیم [زنده می‌شویم]؟ این باز گشتی بعید است.» (۴) قطعاً دانسته‌ایم که زمین [چه مقدار] از اجسادشان فرو می‌کاهد. و پیش ما کتاب ضبط‌کننده‌ای است. (۵) [نه،] بلکه حقیقت را، وقتی برایشان آمد، دروغ خواندند، و آنها در کاری سردرگم [مانده] اند. (۶) مگر به آسمان بالای سرشان ننگریسته‌اند که چگونه آن را ساخته و زینتش داده‌ایم و برای آن هیچ گونه شکافتگی نیست. (۷) و زمین را گسترده‌ایم و در آن لنگر [آسا کوه] ها فرو افکندیم و در آن از هر گونه جفت دل‌انگیز رویانیدیم. (۸) [تا] برای هر بنده توبه کاری بیش‌افزا و پندآموز باشد. (۹) و از آسمان، آبی پر برکت فرود آوردیم، پس بدان [وسیله] باغها و دانه‌های درو کردنی رویانیدیم. (۱۰) و درختان تناور خرما که خوشه [های] روی هم چیده دارند. (۱۱) [اینها همه] برای روزی بندگان [من] است، و با آن [آب] سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم؛ رستخیز [نیز] چنین است. (۱۲) پیش از ایشان قوم نوح و اصحاب رسّ و ثمود، (۱۳) و عاد و فرعون و برادران لوط، (۱۴) و بیشه‌نشینان و قوم تُبع به تکذیب پرداختند؛ همگی فرستادگان [ما] را به دروغ گرفتند و [در نتیجه] تهدید [من] واجب آمد. (۱۵) مگر از آفرینش نخستین [خود] به تنگ آمدیم؟ [نه!] بلکه آنها از خلق جدید در شبهه‌اند. (۱۶) و ما انسان را آفریده‌ایم و می‌دانیم که نفس او چه وسوسه‌ای به او می‌کند، و ما از شاهرگ [او] به او نزدیک‌تریم. (۱۷) آنگاه که دو [فرشته] دریافت‌کننده از راست و از چپ، مراقب نشسته‌اند. (۱۸) [آدمی] هیچ سخنی را به لفظ در نمی‌آورد مگر اینکه مراقبی آماده نزد او [آن را ضبط می‌کند]. (۱۹) و سکرات مرگ، به راستی در رسید؛ این همان است که از آن می‌گریختی؛ (۲۰) و در صور دمیده شود؛ این است روز تهدید [من]. (۲۱) و هر کسی می‌آید [در حالی که] با او سوق‌دهنده و گواهی‌دهنده‌ای است. (۲۲) [به او می‌گویند]: «واقعاً که از این [حال] سخت در غفلت بودی. و [لی] ما پرده‌ات را [از جلوی چشمانت] برداشتیم و دیده‌ات امروز تیز است.» (۲۳) و [فرشته] همنشین او می‌گوید: «این است آنچه پیش من آماده است [و ثبت کرده‌ام].» (۲۴) [به آن دو فرشته خطاب می‌شود]: «هر کافر سرسختی را در جهنم فروافکنید، (۲۵) [هر] بازدارنده از خیری، [هر] متجاوز شکاکی (۲۶) که با خداوند، خدایی دیگر قرار داد. [ای دو فرشته،] او را در عذاب شدید فرو افکنید. (۲۷) [شیطان] همدمش می‌گوید: «پروردگار ما، من او را به عصیان و انداشتم، لیکن [خودش] در گمراهی دور و درازی بود.» (۲۸) [خدا] می‌فرماید: «در پیشگاه من با همدیگر مستیزید [که] از پیش به شما هشدار داده بودم. (۲۹) پیش من حکم دگرگون نمی‌شود، و من [نسبت] به بندگانم بیدادگر نیستم.» (۳۰) آن روز که [ما] به دوزخ می‌گوییم: «آیا پر شدی؟» و می‌گوید: «آیا باز هم هست؟» (۳۱) و بهشت را برای پرهیزگاران نزدیک گردانند، بی‌آنکه دور باشد. (۳۲) [و به آنان گویند]: این همان است که وعده یافته‌اید [و] برای هر توبه‌کار نگهبان [حدود خدا] خواهد بود: (۳۳) آنکه در نهان از خدای بخشنده بترسد و با دلی توبه‌کار [باز] آید. (۳۴) به سلامت [و شادکامی] در آن درآید [که] این روز جاودانگی است. (۳۵) هر چه بخواهند در آنجا دارند، و پیش ما فزونتر [هم] هست. (۳۶) و چه بسا نسلها که پیش از ایشان هلاک کردیم که [بس] نیرومندتر از اینان بودند و در شهرها پر سه زده بودند [اما سرانجام] مگر گریزگاهی بود؟ (۳۷) قطعاً در این [عقوبتها] برای هر صاحب‌دل و حق‌نپوشی که خود به گواهی ایستد، عبرتی است. (۳۸) و در حقیقت، آسمانها و زمین و آنچه را که میان آن دو است در شش هنگام آفریدیم و احساس ماندگی نکردیم. (۳۹) و بر آنچه می‌گویند صبر کن، و پیش از برآمدن آفتاب و پیش از غروب، به

ستایش پروردگارت تسبیح گوی. (۴۰) و پاره‌ای از شب و به دنبال سجود [به صورت تعقیب و نافله] او را تسبیح گوی. (۴۱) و روزی که منادی از جایی نزدیک ندا درمی‌دهد، به گوش باش. (۴۲) روزی که فریاد [رستاخیز] را به حق می‌شنوند، آن [روز] روز بیرون آمدن [از زمین] است. (۴۳) ماییم که خود، زندگی می‌بخشیم و به مرگ می‌رسانیم و برگشت به سوی ماست. (۴۴) روزی که زمین به سرعت از [اجساد] آنان جدا و شکافته می‌شود؛ این حشری است که بر ما آسان خواهد بود. (۴۵) ما به آنچه می‌گویند داناتریم، و تو به زور وادارنده آنان نیستی؛ پس به [وسیله] قرآن هر که را از تهدید [من] می‌ترسد پند ده. (۴۶)

الذاریات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به بادهای ذره‌افشان، (۲) و ابرهای گرانبار، (۳) و سبک سیران، (۴) و تقسیم‌کنندگان کار [ها]، (۵) که آنچه وعده داده شده‌اید راست است، (۶) و [روز] پاداش واقعیت دارد. (۷) سوگند به آسمان مشبک، (۸) که شما [درباره قرآن] در سخنی گوناگونید. (۹) [بگوی] تا هر که از آن برگشته، برگشته باشد. (۱۰) مرگ بر دروغپردازان! (۱۱) همانان که در ورطه نادانی بی‌خبرند. (۱۲) پرسند: «روز پاداش کی است؟» (۱۳) همان روز که آنان بر آتش، عقوبت [و آزموده] شوند. (۱۴) عذاب [موعود] خود را بپخشید، این است همان [بلایی] که با شتاب خواستار آن بودید. (۱۵) پرهیزگاران در باغها و چشمه ساراند. (۱۶) آنچه را پروردگارشان عطا فرموده می‌گیرند، زیرا که آنها پیش از این نیکوکار بودند. (۱۷) و از شب اندکی را می‌غنودند. (۱۸) و در سحرگاهان [از خدا] طلب آموزش می‌کردند. (۱۹) و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود. (۲۰) و روی زمین برای اهل یقین نشانه‌هایی [متقاعدکننده] است، (۲۱) و در خود شما؛ پس مگر نمی‌بینید؟ (۲۲) و روزی شما و آنچه وعده داده شده‌اید در آسمان است. (۲۳) پس سوگند به پروردگار آسمان و زمین، که واقعاً او حق است همان گونه که خود شما سخن می‌گویید. (۲۴) آیا خیر مهمانان ابراهیم به تو رسید؟ (۲۵) چون بر او درآمدند؛ پس سلام گفتند. گفت: «سلام، مردمی ناشناسید.» (۲۶) پس آهسته به سوی زنش رفت و گوساله‌ای فربه [و بریان] آورد. (۲۷) آن را به نزدیکشان برد [و] گفت: «مگر نمی‌خورید؟» (۲۸) و [در دلش] از آنان احساس ترسی کرد. گفتند: «مترس.» و او را به پسری دانا مژده دادند. (۲۹) و زنش با فریادی [از شگفتی] سر رسید و بر چهره خود زد و گفت: «زنی پیر نازا [چگونه بزاید]؟» (۳۰) گفتند: «پروردگارت چنین فرموده است. او خود حکیم داناست.» (۳۱) [ابراهیم] گفت: «ای فرستادگان، مأموریت شما چیست؟» (۳۲) گفتند: «ما به سوی مردمی پلیدکار فرستاده شده‌ایم، (۳۳) تا سنگهایی از گل رُس بر [سر] آنان فرو فرستیم. (۳۴) [که] نزد پروردگارت برای مسرفان نشان‌گذاری شده است. (۳۵) پس هر که از مؤمنان در آن [شهرها] بود بیرون بردیم. (۳۶) و [الی] در آنجا جز یک خانه از فرمانبران [خدا بیشتر] نیافتیم. (۳۷) و در آنجا برای آنها که از عذاب پر درد می‌ترسند، عبرتی به جای گذاشتیم. (۳۸) و [نیز] در [ماجرای] موسی، چون او را با حجتی آشکار به سوی فرعون گسیل داشتیم. (۳۹) پس [فرعون] با ارکان [دولت] خود روی برتافت و گفت: «این شخص، ساحر یا دیوانه‌ای است.» (۴۰) [تا] او و سپاهیان را گرفتیم و آنان را در دریا افکندیم در حالی که او [در آخرین لحظه] نکوهشگر [خود] بود. (۴۱) و در [ماجرای] عاد [نیز]، چون بر [سر] آنها آن باد مُهلک را فرستادیم. (۴۲) به هر چه می‌وزید آن را چون خاکستر استخوان مرده می‌گردانید. (۴۳) و در [ماجرای] ثمود [نیز] عبرتی بود، آنگاه که به ایشان گفته شد: «تا چندی برخوردار شوید.» (۴۴) تا [آنکه] از فرمان پروردگار خود سر برتافتند و در حالی که آنها می‌نگریستند، آذرخش آنان را فرو گرفت. (۴۵) در نتیجه نه توانستند به پای خیزند و نه طلب یاری کنند. (۴۶) و قوم نوح [نیز] پیش از آن [اقوام نامبرده همین گونه هلاک شدند]، زیرا آنها مردمی نافرمان بودند. (۴۷) و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم، و بی‌گمان، ما [آسمان] گستریم! (۴۸) و زمین را گسترانیده‌ایم و چه نیکو گسترندگانیم. (۴۹) و از هر چیزی دو گونه [یعنی نر و ماده] آفریدیم، امید که شما عبرت گیرید. (۵۰) پس به سوی خدا بگریزید، که من شما را از طرف او بیم‌دهنده‌ای آشکارم. (۵۱) و با خدا معبودی دیگر قرار مدهید که من از جانب او هشداردهنده‌ای

آشکارم. (۵۲) بدین سان بر کسانی که پیش از آنها بودند هیچ پیامبری نیامد جز اینکه گفتند: «ساحر یا دیوانه‌ای است.» (۵۳) آیا همدیگر را به این [سخن] سفارش کرده بودند؟ [نه!] بلکه آنان مردمی سرکش بودند. (۵۴) پس، از آنان روی بگردان، که تو در خور نکوهش نیستی. (۵۵) و پند ده، که مؤمنان را پند سود بخشد. (۵۶) و جن و انس را نیافریدم جز برای آنکه مرا بپرستند. (۵۷) از آنان هیچ روزی نمی‌خواهم، و نمی‌خواهم که مرا خوراک دهند. (۵۸) خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است. (۵۹) پس برای کسانی که ستم کردند بهره‌ای است از عذاب، همانند بهره عذاب یاران [قبلی]شان. پس [بگو]: در خواستن عذاب از من، شتابزدگی نکنند. (۶۰) پس وای بر کسانی که کافر شده‌اند از آن روزی که وعده یافته‌اند. (۶۱)

الطور

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به طور، (۲) و کتابی نگاشته شده، (۳) در طوماری گسترده؛ (۴) سوگند به آن خانه آباد [خدا]؛ (۵) سوگند به بام بلند [آسمان]؛ (۶) و آن دریای سرشار [و افروخته]؛ (۷) که عذاب پروردگارت واقع شدنی است؛ (۸) آن را هیچ بازدارنده‌ای نیست. (۹) روزی که آسمان سخت در تب و تاب افتد، (۱۰) و کوهها [جمله] به حرکت درآیند. (۱۱) پس وای بر تکذیب‌کنندگان در آن روز. (۱۲) آنان که به یاوه سرگردمند. (۱۳) روزی که به سوی آتش جهنم کشیده می‌شوند [چه] کشیدنی. (۱۴) [و به آنان گویند:] «این همان آتشی است که دروغش می‌پنداشتید. (۱۵) آیا این افسون است؟ یا شما [درست] نمی‌بینید؟ (۱۶) به آن درآیید؛ خواه بشکبید یا نشکبید، به حال شما یکسان است. تنها به آنچه می‌کردید مجازات می‌یابید.» (۱۷) پرهیزگاران در باغهایی و [در] ناز و نعمتند. (۱۸) به آنچه پروردگارشان به آنان داده دلشادند، و پروردگارشان آنها را از عذاب دوزخ مصون داشته است. (۱۹) [به آنان گویند:] «به [پاداش] آنچه به جای می‌آوردید بخورید و بنوشید؛ گواراتان باد!» (۲۰) بر تختهایی ردیف هم تکیه زده‌اند و حوران درشت‌چشم را همسر آنان گردانده‌ایم. (۲۱) و کسانی که گرویده و فرزندانشان آنها را در ایمان پیروی کرده‌اند، فرزندانشان را به آنان ملحق خواهیم کرد و چیزی از کار [ها]شان را نمی‌کاهیم. هر کسی در گرو دستاورد خویش است. (۲۲) با [هر نوع] میوه و گوشتی که دلخواه آنهاست آنان را مدد [و تقویت] می‌کنیم. (۲۳) در آنجا جامی از دست هم می‌ربایند [و بر سرش همچشمی می‌کنند] که در آن نه یاوه گویی است و نه گناه. (۲۴) و برای [خدمت] آنان پسرانی است که بر گردشان همی‌گردند، انگاری آنها مرواریدی‌اند که [در صدف] نهفته است. (۲۵) و برخی‌شان رو به برخی‌کنند [و] از هم پرسند، (۲۶) گویند: «ما پیشتر در میان خانواده خود بیمناک بودیم. (۲۷) پس خدا بر ما منت نهاد و ما را از عذاب گرم [مرگبار] حفظ کرد. (۲۸) ما از دیرباز او را می‌خواندیم، که او همان نیکوکار مهربان است.» (۲۹) پس اندرز ده که تو به لطف پروردگارت نه کاهنی و نه دیوانه. (۳۰) یا می‌گویند: «شاعری است که انتظار مرگش را می‌بریم [و چشم به راه بد زمانه بر اویم].» (۳۱) بگو: «منتظر باشید که من [نیز] با شما از منتظرانم.» (۳۲) آیا پندارهایشان آنان را به این [موضعگیری] و می‌دارد یا [نه]، آنها مردمی سرکشند؟ (۳۳) یا می‌گویند: «آن را بر یافته.» [نه]، بلکه باور ندارند. (۳۴) پس اگر راست می‌گویند، سخنی مثل آن بیاورند. (۳۵) آیا از هیچ خلق شده‌اند؟ یا آنکه خودشان خالق [خود] هستند؟ (۳۶) آیا آسمانها و زمین را [آنان] خلق کرده‌اند؟ [نه]، بلکه یقین ندارند. (۳۷) آیا ذخایر پروردگار تو پیش آنهاست؟ یا ایشان تسلط [تام] دارند؟ (۳۸) آیا نردبانی دارند که بر آن [بر شوند] و [بشنوند]؟ پس باید شنونده آنان برهانی آشکار بیاورد. (۳۹) آیا خدا را دختران است و شما را پسران؟ (۴۰) آیا از آنها مزدی مطالبه می‌کنی و آنان از [تعهد ادای] توان گرانبارند؟ (۴۱) آیا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می‌نویسند؟ (۴۲) یا می‌خواهند نیرنگی بزنند؟ و [لی] آنان که کافر شده‌اند، خود دچار نیرنگ شده‌اند. (۴۳) آیا ایشان را جز خدا معبودی است؟ منزّه است خدا از آنچه [با] او [شریک] می‌گردانند. (۴۴) و اگر پاره‌سنگی را در حال سقوط از آسمان ببینند می‌گویند: «بری متراکم است.» (۴۵) پس بگذارشان تا به آن روزی که در آن بیهوش می‌افتند برسند. (۴۶) روزی که نیرنگشان به هیچ‌وجه به کارشان نیاید و حمایت نیابند. (۴۷) و در

حقیقت، غیر از این [مجازات]، عذابی [دیگر] برای کسانی که ظلم کرده‌اند خواهد بود، ولی بیشترشان نمی‌دانند [که آن عذاب چیست]. (۴۸) و در برابر دستور پروردگارت شکیبایی پیشه کن که تو خود در حمایت مایی و هنگامی که [از خواب] بر می‌خیزی به نیایش پروردگارت تسبیح گوی. (۴۹) و [نیز] پاره‌ای از شب، و در فروشدن ستارگان تسبیح گوی او باش. (۵۰)

النجم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سو گند به اختر [= قرآن] چون فرود می‌آید، (۲) [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی مانده؛ (۳) و از سر هوس سخن نمی‌گوید. (۴) این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست. (۵) آن را [فرشته] شدیدالقولی به او فرا آموخت، (۶) [سروش] نیرومندی که [مسلط] در ایستاد. (۷) در حالی که او در افق اعلی بود؛ (۸) سپس نزدیک آمد و نزدیکتر شد، (۹) تا [فاصله‌اش] به قدر [طول] دو [انتهای] کمان یا نزدیکتر شد؛ (۱۰) آنگاه به بنده‌اش آنچه را باید وحی کند، وحی فرمود. (۱۱) آنچه را دل دید انکار [ش] نکرد. (۱۲) آیا در آنچه دیده است با او جدال می‌کنید؟ (۱۳) و قطعاً بار دیگری هم او را دیده است، (۱۴) نزدیک سدرالمنتهی، (۱۵) در همان جا که جنۃ‌المأوی است. (۱۶) آنگاه که درخت سدر را آنچه پوشیده بود، پوشیده بود. (۱۷) دیده [اش] منحرف نگشت و [از حد] در نگذشت. (۱۸) به راستی که [برخی] از آیات بزرگ پروردگار خود را بدید. (۱۹) به من خبر دهید از لات و عزی، (۲۰) و منات آن سومین دیگر، (۲۱) آیا [به خیالتان] برای شما پسر است و برای او دختر؟ (۲۲) در این صورت، این تقسیم نادرستی است. (۲۳) [این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقیقت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است. [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند، با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است. (۲۴) مگر انسان آنچه را آرزو کند دارد؟ (۲۵) آن سرا و این سرا از آن خداست. (۲۶) و بسا فرشتگانی که در آسمانهایند [و] شفاعتشان به کاری نیاید، مگر پس از آنکه خدا به هر که خواهد و خشنود باشد اذن دهد. (۲۷) در حقیقت، کسانی که آخرت را باور ندارند، فرشتگان را در نامگذاری به صورت مؤنث نام می‌نهند. (۲۸) و ایشان را به این [کار] معرفتی نیست. جز گمان [خود] را پیروی نمی‌کنند، و در واقع، گمان در [وصول به] حقیقت هیچ سودی نمی‌رساند. (۲۹) پس، از هر کس که از یاد ما روی برتافته و جز زندگی دنیا را خواستار نبوده است، روی برتاب. (۳۰) این منتهای دانش آنان است. پروردگار تو، خود به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر، و او به کسی که راه یافته [نیز] آگاه‌تر است. (۳۱) و هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است از آن خداست، تا کسانی را که بد کرده‌اند، به [سزای] آنچه انجام داده‌اند کیفر دهد، و آنان را که نیکی کرده‌اند، به نیکی پاداش دهد. (۳۲) آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاریها - جز لغزشهای کوچک - خودداری می‌ورزند، پروردگارت [نسبت به آنها] فراخ‌آمزش است. وی از آن دم که شما را از زمین پدید آورد و از همان گاه که در شکمهای مادرانتان [در زهدان] نهفته بودید به [حال] شما دانتر است، پس خودتان را پاک بشمارید. او به [حال] کسی که پرهیزگاری نموده دانتر است. (۳۳) پس آیا آن کسی را که [از جهاد] روی برتافت دیدی؟ (۳۴) و اندکی بخشید و [از باقی] امتناع ورزید. (۳۵) آیا علم غیب پیش اوست و او می‌بیند؟ (۳۶) یا بدانچه در صحیفه‌های موسی [آمده] خبر نیافته است؟ (۳۷) و [نیز در نوشته‌های] همان ابراهیمی که وفا کرد: (۳۸) که هیچ بردارنده‌ای بار گناه دیگری را بر نمی‌دارد. (۳۹) و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست. (۴۰) و [نتیجه] کوشش او به زودی دیده خواهد شد. (۴۱) سپس هر چه تمامتر وی را پاداش دهند. (۴۲) و اینکه پایان [کار] به سوی پروردگار توست. (۴۳) و هم اوست که می‌خنداند و می‌گریاند. (۴۴) و هم اوست که می‌میراند و زنده می‌گرداند. (۴۵) و هم اوست که دو نوع می‌آفریند: نر و ماده، (۴۶) از نطفه‌ای چون فرو ریخته شود. (۴۷) و هم پدید آوردن [عالم] دیگر بر [عهده] اوست. (۴۸) و هم اوست که [شما را] بی‌نیاز کرد و سرمایه بخشید. (۴۹) و هم اوست پروردگار ستاره «شعری». (۵۰) و هم اوست که عادیان قدیم را هلاک کرد. (۵۱) و نمود را [نیز] هلاک کرد [و] [کسی را] باقی نگذاشت. (۵۲) و بیشتر [از همه آنها] قوم نوح را، زیرا که آنان ستمگرتر و سرکش‌تر بودند. (۵۳) و

شهرها [ی سیدوم و عاموره] را فرو افکند. (۵۴) پوشاند بر آن [دو شهر، از باران گوگردی] آنچه را پوشاند. (۵۵) پس به کدام یک از نعمتهای پروردگارت تردید روا می‌داری؟ (۵۶) این [پیامبر نیز] بیم‌دهنده‌ای از [جمله] بیم‌دهندگان نخستین است. (۵۷) [و چه] نزدیک گشت قیامت. (۵۸) جز خدا کسی آشکارکننده آن نیست. (۵۹) آیا از این سخن عجب دارید؟ (۶۰) و می‌خندید و نمی‌گریید؟ (۶۱) و شما در غفلتید. (۶۲) پس خدا را سجده کنید و بپرستید. (۶۳)

القمر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) نزدیک شد قیامت و از هم شکافت ماه. (۲) و هر گاه نشانه‌ای ببینند روی بگردانند و گویند: «سحری دایم است.» (۳) و به تکذیب دست زدند و هوسهای خویش را دنبال کردند، و [لی] هر کاری را [آخر] قراری است. (۴) و قطعاً از اخبار، آنچه در آن مایه انزجار [از کفر] است به ایشان رسید. (۵) حکمت بالغه [حق این بود]، ولی هشدارها سود نکرد. (۶) پس، از آنان روی برتاب. روزی که داعی [حق] به سوی امری دهشتناک دعوت می‌کند، (۷) در حالی که دیدگان خود را فروهشته‌اند، چون ملخهای پراکنده از گورها [ی خود] برمی‌آیند. (۸) به سرعت سوی آن دعوتگر می‌شتابند. کافران می‌گویند: «امروز [چه] روز دشواری است.» (۹) پیش از آنان، قوم نوح [نیز] به تکذیب پرداختند و بنده ما را دروغزن خواندند و گفتند: «دیوانه‌ای است.» و [بسی] آزار کشید. (۱۰) تا پروردگارش را خواند که: «من مغلوب شدم؛ به داد من برس!» (۱۱) پس درهای آسمان را به آبی ریزان گشودیم. (۱۲) و از زمین چشمه‌ها جوشانیدیم تا آب [زمین و آسمان] برای امری که مقدر شده بود به هم پیوستند. (۱۳) و او را بر [کشتی] تخته‌دار و میخ‌آجین سوار کردیم. (۱۴) [کشتی] زیر نظر ما روان بود. [این] پاداش کسی بود که مورد انکار واقع شده بود. (۱۵) و به راستی آن [سفینه] را بر جای نهادیم [تا] عبرتی [باشد]؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۱۶) پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ (۱۷) و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۱۸) عادیان به تکذیب پرداختند. پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ (۱۹) ما بر [سر] آنان در روز شومی، به طور مداوم، تندبادی توفنده فرستادیم، (۲۰) [که] مردم را از جا می‌کند؛ گویی تنه‌های نخلی بودند که ریشه‌کن شده بودند. (۲۱) پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ (۲۲) و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کرده‌ایم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۲۳) قوم ثمود هشداردهندگان را تکذیب کردند. (۲۴) و گفتند: «آیا تنها بشری از خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت، ما واقعاً در گمراهی و جنون خواهیم بود.» (۲۵) «آیا از میان ما [وحی] بر او القا شده است؟ [نه]، بلکه او دروغگویی گستاخ است.» (۲۶) به زودی فردا بدانند دروغگوی گستاخ کیست. (۲۷) ما برای آزمایش آنان [آن] ماده‌شتر را فرستادیم و [به صالح گفتیم]: «مراقب آنان باش و شکیبایی کن.» (۲۸) و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده است: هر کدام را آب به نوبت خواهد بود. (۲۹) پس رفیقشان را صدا کردند و [او] شمشیر کشید و [شتر را] پی کرد. (۳۰) پس چگونه بود عذاب من و هشدارها [ی من]؟ (۳۱) ما بر [سر]شان یک فریاد [مرگبار] فرستادیم و چون گیاه خشکیده [کومه‌ها] ریزش شدند. (۳۲) و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۳۳) قوم لوط هشداردهندگان را تکذیب کردند. (۳۴) ما بر [سر] آنان سنگبارانی [انفجاری] فرورفتادیم [و] فقط خانواده لوط بودند که سحرگاهشان رهانیدیم. (۳۵) [و این] رحمتی از جانب ما بود؛ هر که سپاس دارد، بدین‌سان [او را] پاداش می‌دهیم. (۳۶) و [لوط] آنها را از عذاب ما سخت بیم داده بود، و [لی] در تهدیدها [ی ما] به جدال برخاستند. (۳۷) و از مهمان‌های [او] کام دل خواستند، پس فروغ دیدگان‌شان را ستردیم و [گفتیم]: «مزه [عذاب و هشدارهای مرا بچشید.]» (۳۸) و به راستی که سپیده‌دم عذابی پیگیر به سر وقت آنان آمد. (۳۹) پس عذاب و هشدارهای مرا بچشید. (۴۰) و قطعاً قرآن را برای پندآموزی آسان کردیم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟ (۴۱) و در حقیقت هشداردهندگان به جانب فرعونیان آمدند. (۴۲) [اما آنها] همه معجزات ما را تکذیب کردند، تا چون زبردستی زورمند [گریبان] آنان را گرفتیم. (۴۳) آیا کافران شما، از اینان [که بر شمردیم] برترند، یا شما را در نوشته‌ها [ی آسمانی] خط امانی

است؟ (۴۴) یا می گویند: «ما همگی انتقام گیرنده [و یار و یاور همدیگر]یم!» (۴۵) زودا که این جمع در هم شکسته شود و پشت کنند. (۴۶) بلکه موعدهشان قیامت است و قیامت [بسی] سخت تر و تلخ تر است. (۴۷) قطعاً بزهکاران در گمراهی و جنونند. (۴۸) روزی که در آتش به رو کشیده می شوند [و به آنان گفته می شود: «لهیب آتش را بجشید [و احساس کنید].» (۴۹) ما میم که هر چیزی را به اندازه آفریده ایم. (۵۰) و فرمان ما جز یک بار نیست [آن هم] چون چشم به هم زدنی. (۵۱) و هم مسلکان شما را سخت به هلاکت رساندیم؛ پس آیا پند گیرنده ای هست؟ (۵۲) و هر چه کرده اند در کتابها [ی اعمالشان درج] است. (۵۳) و هر خرد و بزرگی [در آن] نوشته شده. (۵۴) در حقیقت، مردم پرهیزگار در میان باغها و نهرها، (۵۵) در قرارگاه صدق، نزد پادشاهی توانايند. (۵۶)

الرحمن

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) [خدای] رحمان، (۲) قرآن را یاد داد. (۳) انسان را آفرید، (۴) به او بیان آموخت. (۵) خورشید و ماه بر حسابی [روان] اند. (۶) و بوته و درخت چهره ساینند. (۷) و آسمان را برافراشت و ترازو را گذاشت، (۸) تا مبدا از اندازه در گذرید. (۹) و وزن را به انصاف برپا دارید و در سنجش مکاهید. (۱۰) و زمین را برای مردم نهاد. (۱۱) در آن، میوه [ها] و نخلها با خوشه های غلاف دار، (۱۲) و دانه های پوست دار و گیاهان خوشبوست. (۱۳) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۱۴) انسان را از گل خشکیده ای سفال مانند، آفرید. (۱۵) و جن را از تشعشعی از آتش خلق کرد. (۱۶) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۱۷) پروردگار دو خاور و پروردگار دو باختر. (۱۸) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۱۹) دو دریا را [به گونه ای] روان کرد [که] با هم برخورد کنند. (۲۰) میان آن دو، حد فاصلی است که به هم تجاوز نمی کنند. (۲۱) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۲۲) از هر دو [دریا] مروارید و مرجان برآید. (۲۳) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۲۴) و او راست در دریا سفینه های بادبان دار بلند همچون کوهها. (۲۵) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۲۶) هر چه بر [زمین] است فانی شونده است. (۲۷) و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند. (۲۸) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۲۹) هر که در آسمانها و زمین است از او درخواست می کند. هر زمان، او در کاری است. (۳۰) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۳۱) ای جن و انس، زودا که به شما بپردازیم. (۳۲) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۳۳) ای گروه جنیان و انسیان، اگر می توانید از کرانه های آسمانها و زمین به بیرون رخنه کنید، پس رخنه کنید. [ولی] جز با [به دست آوردن] تسلطی رخنه نمی کنید. (۳۴) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۳۵) بر سر شما شراره هایی از [نوع] تفته آهن و مس فرو فرستاده خواهد شد، و [از کسی] یاری نتوانید طلبید. (۳۶) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۳۷) پس آنگاه که آسمان از هم شکافت و چون چرم گلگون گردد. (۳۸) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۳۹) در آن روز، هیچ انس و جنی از گنااهش پرسیده نشود. (۴۰) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۴۱) تبهکاران از سیمایشان شناخته می شوند و از پیشانی و پایشان بگیرند. (۴۲) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۴۳) این است همان جهنمی که تبهکاران آن را دروغ می خواندند. (۴۴) میان [آتش] و میان آب جوشان سرگردان باشند. (۴۵) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۴۶) و هر کس را که از مقام پروردگارش بترسد دو باغ است. (۴۷) پس کدامیک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۴۸) که دارای شاخسارانند. (۴۹) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۵۰) در آن دو [باغ] دو چشمه روان است. (۵۱) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۵۲) در آن دو [باغ] از هر میوه ای دو گونه است. (۵۳) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۵۴) بر بسترهایی که آستر آنها از ابریشم درشت بافت است، تکیه آنند و چیدن میوه [از] آن دو باغ [به آسانی] در دسترس است. (۵۵) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۵۶) در آن [باغها، دلبرانی] فروهشته نگاهند که دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده

است. (۵۷) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۵۸) گویی که آنها یاقوت و مرجانند. (۵۹) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۶۰) مگر پاداش احسان جز احسان است؟ (۶۱) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۶۲) و غیر از آن دو [باغ]، دو باغ [دیگر نیز] هست. (۶۳) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۶۴) که از [شدت] سبزی سیه‌گون می‌نماید. (۶۵) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۶۶) در آن دو [باغ] دو چشمه همواره جوشان است. (۶۷) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۶۸) در آن دو، میوه و خرما و انار است. (۶۹) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۷۰) در آنجا [زنانی] نکوخی و نکوریند. (۷۱) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۷۲) حورانی پرده‌نشین در [دل] خیمه‌ها. (۷۳) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۷۴) دست هیچ انس و جنی پیش از ایشان به آنها نرسیده است. (۷۵) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۷۶) بر بالش سبز و فرش نیکو تکیه زده‌اند. (۷۷) پس کدام یک از نعمتهای پروردگارتان را منکرید؟ (۷۸) خجسته باد نام پروردگار شکوهمند و بزرگوارت، (۷۹)

الواقعه

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آن واقعه چون وقوع یابد، (۲) [که] در وقوع آن دروغی نیست: (۳) پست‌کننده [و] بالا برنده است. (۴) چون زمین با تکان [سختی] لرزانده شود، (۵) و کوهها [جمله] ریزه ریزه شوند، (۶) و غباری پراکنده گردند، (۷) و شما سه دسته شوید: (۸) یاران دست راست، کدامند یاران دست راست؟ (۹) و یاران چپ؛ کدامند یاران چپ؟ (۱۰) و سبقت گیرندگان مقدمند؛ (۱۱) آنانند همان مقربان [خدا]، (۱۲) در باغستانهای پر نعمت. (۱۳) گروهی از پیشینیان، (۱۴) و اندکی از متأخران. (۱۵) بر تختهایی جواهرنشان، (۱۶) که روبروی هم بر آنها تکیه داده‌اند. (۱۷) بر گردشان پسرانی جاودان [به خدمت] می‌گردند، (۱۸) با جامها و آبریزها و پیاله‌ها [ی] از باده ناب روان. (۱۹) [که] نه از آن در دسر گیرند و نه بی‌خرد گردند. (۲۰) و میوه از هر چه اختیار کنند. (۲۱) و از گوشت پرنده هر چه بخواهند. (۲۲) و حوران چشم‌درشت، (۲۳) مثل لؤلؤ نهان میان صدف، (۲۴) [اینها] پاداشی است برای آنچه می‌کردند. (۲۵) در آنجا نه بیهوده‌ای می‌شنوند و نه [سخنی] گناه‌آلود. (۲۶) سخنی جز سلام و درود نیست. (۲۷) و یاران راست؛ یاران راست کدامند؟ (۲۸) در [زیر] درختان کُنار بی‌خار، (۲۹) و درختهای موز که میوه‌اش خوشه خوشه روی هم چیده است. (۳۰) و سایه‌ای پایدار. (۳۱) و آبی ریزان. (۳۲) و میوه‌ای فراوان، (۳۳) نه بریده و نه ممنوع. (۳۴) و همخوابگانی بالا بلند. (۳۵) ما آنان را پدید آورده‌ایم پدید آوردنی، (۳۶) و ایشان را دوشیزه گردانیده‌ایم، (۳۷) شوی دوست همسال، (۳۸) برای یاران راست. (۳۹) که گروهی از پیشینیانند، (۴۰) و گروهی از متأخران. (۴۱) و یاران چپ؛ کدامند یاران چپ؟ (۴۲) در [میان] باد گرم و آب داغ. (۴۳) و سایه‌ای از دود تار. (۴۴) نه خنک و نه خوش. (۴۵) اینان بودند که پیش از این ناز پروردگان بودند. (۴۶) و بر گناه بزرگ پافشاری می‌کردند. (۴۷) و می‌گفتند: «آیا چون مردیم و خاک و استخوان شدیم، واقعاً [باز] زنده می‌گردیم؟» (۴۸) یا پدران گذشته ما [نیز]؟» (۴۹) بگو: «در حقیقت، اولین و آخرین، (۵۰) قطعاً همه در موعد روزی معلوم گرد آورده شوند.» (۵۱) آنگاه شما ای گمراهان دروغپرداز، (۵۲) قطعاً از درختی که از زقوم است خواهید خورد. (۵۳) و از آن شکمهایتان را خواهید آکند. (۵۴) و روی آن از آب جوش می‌نوشید؛ (۵۵) [مانند] نوشیدن اشتران تشنه. (۵۶) این است پذیرایی آنان در روز جزا. (۵۷) ماییم که شما را آفریده‌ایم، پس چرا تصدیق نمی‌کنید؟ (۵۸) آیا آنچه را [که به صورت نطفه] فرو می‌ریزید دیده‌اید؟ (۵۹) آیا شما آن را خلق می‌کنید یا ما آفریننده‌ایم؟ (۶۰) ماییم که میان شما مرگ را مقدر کرده‌ایم و بر ما سبقت نتوانید جست؛ (۶۱) [و می‌توانیم] امثال شما را به جای شما قرار دهیم و شما را [به صورت] آنچه نمی‌دانید پدیدار گردانیم. (۶۲) و قطعاً پدیدار شدن نخستین خود را شناختید؛ پس چرا سر عبرت گرفتن ندارید؟ (۶۳) آیا آنچه را کشت می‌کنید، ملاحظه کرده‌اید؟ (۶۴) آیا شما آن را [بی‌یاری ما] زراعت می‌کنید، یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟ (۶۵) اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می‌گردانیم، پس در افسوس [و تعجب] می‌افتید. (۶۶) [و می‌گویید:] «واقعاً ما زیان

زده ایم، (۶۷) بلکه ما محروم شدگانیم. «(۶۸) آیا آبی را که می نوشید دیده اید؟ (۶۹) آیا شما آن را از [دل] ابر سپید فرود آورده اید، یا ما فرود آورنده ایم؟ (۷۰) اگر بخواهیم آن را تلخ می گردانیم، پس چرا سپاس نمی دارید؟ (۷۱) آیا آن آتشی را که برمی افروزد ملاحظه کرده اید؟ (۷۲) آیا شما [چوب] درخت آن را پدیدار کرده اید، یا ما پدید آورنده ایم؟ (۷۳) ما آن را [مایه] عبرت و [وسیله] استفاده برای بیابانگردان قرار داده ایم. (۷۴) پس به نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۷۵) نه [چنین است که می پندارید]، سوگند به جایگاه های [ویژه و فواصل معین] ستارگان. (۷۶) اگر بدانید، آن سوگندی سخت بزرگ است! (۷۷) که این [پیام] قطعاً قرآنی است ارجمند، (۷۸) در کتابی نهفته، (۷۹) که جز پاک شدگان بر آن دست ندارند، (۸۰) وحی است از جانب پروردگار جهانیان. (۸۱) آیا شما این سخن را سبک [و سست] می گیرید؟ (۸۲) و تنها نصیب خود را در تکذیب [آن] قرار می دهید؟ (۸۳) پس چرا آنگاه که [جان شما] به گلو می رسد، (۸۴) و در آن هنگام خود نظاره گرید - (۸۵) و ما به آن [محتضر] از شما نزدیکتریم ولی نمی بینید - (۸۶) پس چرا، اگر شما بی جزا می مانید [و حساب و کتابی در کار نیست]، (۸۷) اگر راست می گوید، [روح] را بر نمی گردانید؟ (۸۸) و اما اگر [او] از مقربان باشد، (۸۹) [در] آسایش و راحت و بهشت پر نعمت [خواهد بود]. (۹۰) و اما اگر از یاران راست باشد، (۹۱) از یاران راست بر تو سلام باد. (۹۲) و اما اگر از دروغزنان گمراه است، (۹۳) پس با آبی جوشان پذیرایی خواهد شد، (۹۴) و [فرجامش] دریافتان به جهنم است. (۹۵) این است همان حقیقت راست [و] یقین. (۹۶) پس به نام پروردگار بزرگ خود تسبیح گوی. (۹۷)

الحدید

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنچه در آسمانها و زمین است، خدا را به پاکی می ستایند، و اوست ارجمند حکیم. (۲) فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست: زنده می کند و می میراند، و او بر هر چیزی تواناست. (۳) اوست اول و آخر و ظاهر و باطن، و او به هر چیزی داناست. (۴) اوست آن کس که آسمانها و زمین را در شش هنگام آفرید؛ آنگاه بر عرش استیلا یافت. آنچه در زمین درآید و آنچه از آن برآید و آنچه در آن بالا رود [همه را] می داند. و هر کجا باشید او با شماست، و خدا به هر چه می کنید بیناست. (۵) فرمانروایی [مطلق] آسمانها و زمین از آن اوست، و [جمله] کارها به سوی خدا بازگردانیده می شود. (۶) شب را در روز درمی آورد و روز را [نیز] در شب درمی آورد، و او به راز دلها داناست. (۷) به خدا و پیامبر او ایمان آورید، و از آنچه شما را در [استفاده از] آن، جانشین [دیگران] کرده، انفاق کنید. پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند، پاداش بزرگی خواهند داشت. (۸) و شما را چه شده که به خدا ایمان نمی آورید و [حال آنکه] پیامبر [خدا] شما را دعوت می کند تا به پروردگارتان ایمان آورید، و اگر مؤمن باشید، بی شک [خدا] از شما پیمان گرفته است. (۹) او همان کسی است که بر بنده خود آیات روشنی فرو می فرستد، تا شما را از تاریکیها به سوی نور بیرون کشاند. و در حقیقت، خدا [نسبت] به شما سخت رئوف و مهربان است. (۱۰) و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی کنید و [حال آنکه] میراث آسمانها و زمین به خدا تعلق دارد؟ کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده اند، [با دیگران] یکسان نیستند. آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته اند. و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. (۱۱) کیست آن کس که به خدا و امی نیکو دهد تا [نتیجه اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؟ (۱۲) آن روز که مردان و زنان مؤمن را می بینی که نورشان پیشاپیششان و به جانب راستشان دوان است. [به آنان گویند:] «امروز شما را مژده باد به باغهایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است، در آنها جاودانید. این است همان کامیابی بزرگ. (۱۳) آن روز، مردان و زنان منافق به کسانی که ایمان آورده اند می گویند: «ما را مهلت دهید تا از نورتان [اندکی] برگیریم.» گفته می شود: «باز پس بر گردید و نوری درخواست کنید.» آنگاه میان آنها دیواری زده می شود که آن را دروازه ای است: باطنش رحمت است و ظاهرش روی به عذاب دارد. (۱۴) [دو رویان،] آنان را ندا درمی دهند: «آیا ما با شما نبودیم؟» می گویند: «چرا، ولی شما خودتان را در بلا افکندید و امروز و فردا کردید و

تردید آوردید و آرزوها شما را غره کرد تا فرمان خدا آمد و [شیطان] مغرورکننده، شما را در باره خدا بفریفت. (۱۵) پس امروز نه از شما و نه از کسانی که کافر شده‌اند عوضی پذیرفته نمی‌شود: جایگاهتان آتش است؛ آن سزاوار شماسست و چه بد سرانجامی است. (۱۶) آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدانها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید، و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند؟ (۱۷) بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند. به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیده‌ایم، باشد که بیندیشید. (۱۸) در حقیقت، مردان و زنان صدقه‌دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده‌اند، ایشان را [پاداش] دو چندان گردد، و اجری نیکو خواهند داشت. (۱۹) و کسانی که به خدا و پیامبران وی ایمان آورده‌اند، آنان همان راستینانند و پیش پروردگارشان گواه خواهند بود [و] ایشان راست اجر و نورشان؛ و کسانی که کفر ورزیده و آیات ما را تکذیب کرده‌اند آنان همدمان آتشند. (۲۰) بدانید که زندگی دنیا، در حقیقت، بازی و سرگرمی و آرایش و فخرفروشی شما به یکدیگر و فزون‌جویی در اموال و فرزندان است. [مثل آنها] چون مثل بارانی است که کشاورزان را رستنی آن [باران] به شگفتی اندازد، سپس [آن کشت] خشک شود و آن را زرد بینی، آنگاه خاشاک شود. و در آخرت [دنیا پرستان را] عذابی سخت است و [مؤمنان را] از جانب خدا آموزش و خشنودی است، و زندگانی دنیا جز کالای فرینده نیست. (۲۱) [برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان و بهشتی که پهنایش چون پهنای آسمان و زمین است [و] برای کسانی آماده شده که به خدا و پیامبرانش ایمان آورده‌اند، بر یکدیگر سبقت جویید. این فضل خداست که به هر کس بخواهد آن را می‌دهد، و خداوند را فزون‌بخشی بزرگ است. (۲۲) هیچ مصیبتی نه در زمین و نه در نفسهای شما [= به شما] نرسد، مگر آنکه پیش از آنکه آن را پدید آوریم، در کتابی است. این [کار] بر خدا آسان است. (۲۳) تا بر آنچه از دست شما رفته اندوهگین نشوید و به [سبب] آنچه به شما داده است شادمانی نکنید، و خدا هیچ خودپسند فخرفروشی را دوست ندارد: (۲۴) همانان که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل ورزیدن وامی دارند. و هر که روی گرداند قطعاً خدا بی‌نیاز ستوده است. (۲۵) به راستی [ما] پیامبران خود را با دلایل آشکار روانه کردیم و با آنها کتاب و ترازو را فرود آوردیم تا مردم به انصاف برخیزند، و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است، پدید آوردیم، تا خدا معلوم بدارد چه کسی در نهان، او و پیامبرانش را یاری می‌کند. آری، خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. (۲۶) و در حقیقت، نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان آن دو، نبوت و کتاب را قرار دادیم: از آنها [برخی] راه‌یاب [شد]ند، و [لی] بسیاری از آنان بدکار بودند. (۲۷) آنگاه به دنبال آنان پیامبران خود را، پی‌درپی، آوردیم، و عیسی پسر مریم را در پی [آنان] آوردیم و به او انجیل عطا کردیم، و در دل‌های کسانی که از او پیروی کردند رأفت و رحمت نهادیم و [اما] ترک‌دنیایی که از پیش خود در آوردند ما آن را بر ایشان مقرر نکردیم مگر برای آنکه کسب خشنودی خدا کنند، با این حال آن را چنانکه حق رعایت آن بود منظور نداشتند. پس پاداش کسانی از ایشان را که ایمان آورده بودند بدانها دادیم و [لی] بسیاری از آنان دستخوش انحرافند. (۲۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید و به پیامبر او بگروید تا از رحمت خویش شما را دو بهره عطا کند و برای شما نوری قرار دهد که به [برکت] آن راه سپرید و بر شما ببخشاید، و خدا آمرزنده مهربان است. (۲۹) تا اهل کتاب بدانند که به هیچ وجه فزون‌بخشی خدا در [حیطه] قدرت آنان نیست و فضل [و عنایت، تنها] در دست خداست: به هر کس بخواهد آن را عطا می‌کند، و خدا دارای کرم بسیار است. (۳۰)

المجادله

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) خدا گفتار [زنی] را که در باره شوهرش با تو گفتگو و به خدا شکایت می‌کرد شنید؛ و خدا گفتگوی شما را می‌شنود، زیرا خدا شنوای بیناست. (۲) از میان شما کسانی که زنانشان را «ظهار» می‌کنند [و می‌گویند: پشت تو چون پشت مادر من است] آنان مادرانشان نیستند. مادران آنها تنها کسانی‌اند که ایشان را زاده‌اند، و قطعاً آنها سخنی زشت و باطل

می گویند، و [لی] خدا مسلماً در گذرنده آمرزنده است. (۳) و کسانی که زنانشان راظهار می کنند، سپس از آنچه گفته اند پشیمان می شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آنکه با یکدیگر همخوابگی کنند، بنده ای را آزاد گردانند. این [حکمی] است که بدان پسند داده می شوید، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. (۴) و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیایی روزه بدارد؛ و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد. این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید، و این است حدود خدا. و کافران را عذابی پردرد خواهد بود. (۵) بی گمان، کسانی که با خدا و فرستاده او مخالفت می کنند ذلیل خواهند شد، همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند ذلیل شدند، و به راستی آیات روشن [خود] را فرستاده ایم، و کافران را عذابی خفت آور خواهد بود. (۶) روزی که خداوند همه آنان را بر می انگیزد و به آنچه کرده اند آگاهشان می گرداند. خدا [کارهایشان را] برشمرده است و حال آنکه آنها آن را فراموش کرده اند، و خدا بر هر چیزی گواه است. (۷) آیا ندانسته ای که خدا آنچه را که در آسمانها و آنچه را که در زمین است می داند؟ هیچ گفتگوی محرمانه ای میان سه تن نیست مگر اینکه او چهارمین آنهاست، و نه میان پنج تن مگر اینکه او ششمین آنهاست، و نه کمتر از این [عدد] و نه بیشتر، مگر اینکه هر کجا باشند او با آنهاست. آنگاه روز قیامت آنان را به آنچه کرده اند آگاه خواهد گردانید، زیرا خدا به هر چیزی داناست. (۸) آیا کسانی را که از نجوا منع شده بودند، ندیدی که باز بدانچه از آن منع گردیده اند، برمی گردند و با همدیگر به [منظور] گناه و تعدی و سرپیچی از پیامبر، محرمانه گفتگو می کنند و چون به نزد تو آیند، تو را بدانچه خدا به آن [شیوه] سلام نگفته سلام می دهند و در دلهای خود می گویند: «چرا به آنچه می گوئیم خدا ما را عذاب نمی کند؟» جهنم برای آنان کافی است؛ در آن درمی آیند، و چه بد سرانجامی است. (۹) ای کسانی که ایمان آورده اید، چون با یکدیگر محرمانه گفتگو می کنید، به [قصد] گناه و تعدی و نافرمانی پیامبر با همدیگر محرمانه گفتگو نکنید، و به نیکوکاری و پرهیزگاری نجوا کنید، و از خدایی که نزد او محشور خواهید گشت پروا دارید. (۱۰) چنان نجوایی صرفاً از [القات] شیطان است، تا کسانی را که ایمان آورده اند دلتنگ گرداند، و [لی] جز به فرمان خدا هیچ آسیبی به آنها نمی رساند، و مؤمنان باید بر خدا اعتماد کنند. (۱۱) ای کسانی که ایمان آورده اید، چون به شما گفته شود: «در مجالس جای باز کنید»، پس جای باز کنید تا خدا برای شما گشایش حاصل کند، و چون گفته شود: «برخیزید»، پس برخیزید. خدا [رتبه] کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که دانشمندند [بر حسب] درجات بلند گرداند، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. (۱۲) ای کسانی که ایمان آورده اید، هرگاه با پیامبر [خدا] گفتگوی محرمانه می کنید، پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه ای تقدیم بدارید. این [کار] برای شما بهتر و پاکیزه تر است؛ و اگر چیزی نیافتید بدانید که خدا آمرزنده مهربان است. (۱۳) آیا ترسیدید که پیش از گفتگوی محرمانه خود صدقه هایی تقدیم دارید؟ و چون نکردید و خدا [هم] بر شما بخشود، پس نماز را برپا دارید و زکات را بدهید و از خدا و پیامبر او فرمان برید، و خدا به آنچه می کنید آگاه است. (۱۴) آیا ندیده ای کسانی را که قومی را که مورد خشم خداوند به دوستی گرفته اند؟ آنها نه از شما یابند و نه از ایشان، و به دروغ سوگند یاد می کنند و خودشان [هم] می دانند. (۱۵) خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. راستی که چه بد می کردند. (۱۶) سوگندهای خود را [چون] سپری قرار داده بودند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند و [در نتیجه] برای آنان عذابی خفت آور است. (۱۷) در برابر خداوند نه از اموالشان و نه از اولادشان هرگز کاری ساخته نیست. آنها دوزخی اند [و] در آن جاودانه [می مانند]. (۱۸) روزی که خدا همه آنان را برمی انگیزد، همان گونه که برای شما سوگند یاد می کردند برای او [نیز] سوگند یاد می کنند و چنان پندارند که حق به جانب آنهاست. آگاه باش که آنان همان دروغگویانند. (۱۹) شیطان بر آنان چیره شده و خدا را از یادشان برده است؛ آنان حزب شیطانند. آگاه باش که حزب شیطان همان زیانکارانند. (۲۰) در حقیقت، کسانی که با خدا و پیامبر او به دشمنی برمی خیزند، آنان در [زمره] زبوان خواهند بود. (۲۱) خدا مقرر کرده است که: «حتماً من و فرستادگانم چیره گردیدیم.» آری، خدا نیرومند شکست ناپذیر است. (۲۲) قومی را نیایی که به خدا و روز بازپسین ایمان داشته باشند [و] کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت

کرده‌اند - هر چند پدرانشان یا پسرانشان یا برادرانشان یا عشیره آنان باشند - دوست بدارند. در دل اینهاست که [خدا] ایمان را نوشته و آنها را با روحی از جانب خود تأیید کرده است، و آنان را به بهشتهایی که از زیر [درختان] آن جویهایی روان است در می آورد؛ همیشه در آنجا ماندگارند؛ خدا از ایشان خشنود و آنها از او خشنودند؛ اینانند حزب خدا. آری، حزب خداست که رستگارانند. (۲۳)

الحشر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنچه در آسمانها و در زمین است تسبیح گوی خدای هستند، و اوست شکست‌ناپذیر سنجیده کار. (۲) اوست کسی که، از میان اهل کتاب کسانی را که کفر ورزیدند در نخستین اخراج [از مدینه] بیرون کرد. گمان نمی کردید که بیرون روند و خودشان گمان داشتند که دژهایشان در برابر خدا مانع آنها خواهد بود، و [لی] خدا از آنجایی که تصوّر نمی کردند بر آنان درآمد و در دلهایشان بیم افکند، [به طوری که] خود به دست خود و دست مؤمنان خانه‌های خود را خراب می کردند. پس ای دیده‌وران، عبرت گیرید. (۳) و اگر خدا این جلای وطن را بر آنان مقرر نکرده بود، قطعاً آنها را در دنیا عذاب می کرد و در آخرت [هم] عذاب آتش داشتند. (۴) این [عقوبت] برای آن بود که آنها با خدا و پیامبرش در افتادند؛ و هر کس با خدا در افتد؛ [بداند که] خدا سخت کیفر است. (۵) آنچه درخت خرما بریدید یا آنها را [دست نخورده] بر ریشه‌هایشان بر جای نهادید، به فرمان خدا بود، تا نافرمانان را خوار گرداند. (۶) و آنچه را خدا از آنان به رسم غنیمت عاید پیامبر خود گردانید، [شما برای تصاحب آن] اسب یا شتری بر آن نتاختید، ولی خدا فرستادگانش را بر هر که بخواهد چیره می گرداند، و خدا بر هر کاری تواناست. (۷) آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه‌ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان است، تا میان توانگران شما دست به دست نگرند. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است. (۸) [این غنایم، نخست] اختصاص به بینوایان مهاجری دارد که از دیارشان و اموالشان رانده شدند: خواستار فضل خدا و خشنودی [او] می‌باشند و خدا و پیامبرش را یاری می‌کنند. اینان همان مردم درست‌کردارند. (۹) و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند؛ هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند؛ و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دلهایشان حسدی نمی‌یابند؛ و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد، آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند. و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند. (۱۰) و [نیز] کسانی که بعد از آنان [=مهاجران و انصار] آمده‌اند [و] می‌گویند: «پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دلهایمان نسبت به کسانی که ایمان آورده‌اند [هیچ گونه] کینه‌ای مگذار! پروردگارا، راستی که تو رؤف و مهربانی.» (۱۱) مگر کسانی را که به نفاق برخاستند ندیدی که به برادران اهل کتاب خود - که از در کفر درآمده بودند - می‌گفتند: «اگر اخراج شدید، حتماً با شما بیرون خواهیم آمد، و بر علیه شما هرگز از کسی فرمان نخواهیم برد؛ و اگر با شما جنگیدند، حتماً شما را یاری خواهیم کرد.» و خدا گواهی می‌دهد که قطعاً آنان دروغ‌گویانند. (۱۲) اگر [یهود] اخراج شوند، آنها با ایشان بیرون نخواهند رفت، و اگر با آنان جنگیده شود [منافقان]، آنها را یاری نخواهند کرد، و اگر یاریشان کنند حتماً [در جنگ] پشت خواهند کرد و [دیگر] یاری نیابند. (۱۳) شما قطعاً در دل‌های آنان بیش از خدا مایه هراسید، چرا که آنان مردمانی‌اند که نمی‌فهمند. (۱۴) [آنان، به صورت] دسته جمعی، جز در قریه‌هایی که دارای استحکاماتند، یا از پشت دیوارها، با شما نخواهند جنگید. جنگشان میان خودشان سخت است. آنان را متحد می‌پنداری و [لی] دل‌هایشان پراکنده است، زیرا آنان مردمانی‌اند که نمی‌اندیشند. (۱۵) درست مانند همان کسانی که اخیراً [در واقعه بدر] سزای کار [بد] خود را چشیدند؛ و آنان را عذاب دردناکی خواهد بود. (۱۶) چون حکایت شیطان که به انسان گفت: «کافر شو.» و چون [وی]

کافر شد، گفت: «من از تو بیزارم، زیرا من از خدا، پروردگار جهانیان، می ترسم.» (۱۷) و فرجام هردوشان آن است که هر دو در آتش، جاوید می مانند؛ و سزای ستمگران این است. (۱۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا پروا دارید؛ و هر کسی باید بنگرد که برای فردا [ای خود] از پیش چه فرستاده است؛ و [باز] از خدا بترسید. در حقیقت، خدا به آنچه می کنید آگاه است. (۱۹) و چون کسانی مباحثید که خدا را فراموش کردند و او [نیز] آنان را دچار خودفراموشی کرد؛ آنان همان نافرمانانند. (۲۰) دوزخیان با بهشتیان یکسان نیستند؛ بهشتیانند که کامیابانند. (۲۱) اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی. و این مثلها را برای مردم می زنیم، باشد که آنان بیندیشند. (۲۲) اوست خدایی که غیر از او معبودی نیست، داننده غیب و آشکار است، اوست رحمتگر مهربان. (۲۳) اوست خدایی که جز او معبودی نیست، همان فرمانروای پاک سلامت [بخش، و] مؤمن [به حقیقت حقه خود که] نگهبان، عزیز، جبار [و] متکبر [است]. پاک است خدا از آنچه [با او] شریک می گردانند. (۲۴) اوست خدای خالق نوساز صورتگر [که] بهترین نامها [و صفات] از آن اوست. آنچه در آسمانها و زمین است [جمله] تسبیح او می گویند و او عزیز حکیم است. (۲۵)

المتحنه

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، دشمن من و دشمن خودتان را به دوستی برمگیرید [به طوری] که با آنها اظهار دوستی کنید، و حال آنکه قطعاً به آن حقیقت که برای شما آمده کافرند [و] پیامبر [خدا] و شما را [از مکه] بیرون می کنند که [چرا] به خدا، پروردگارتان ایمان آورده‌اید، اگر برای جهاد در راه من و طلب خشنودی من بیرون آمده‌اید. [شما] پنهانی با آنان رابطه دوستی برقرار می کنید در حالی که من به آنچه پنهان داشتید و آنچه آشکار نمودید دانانترم. و هر کس از شما چنین کند، قطعاً از راه درست منحرف گردیده است. (۲) اگر بر شما دست یابند، دشمن شما باشند و بر شما به بدی دست و زبان بگشایند و آرزو دارند که کافر شوید. (۳) روز قیامت نه خویشان شما و نه فرزندانان هرگز به شما سود نمی رسانند. [خدا] میانتان فیصله می دهد، و خدا به آنچه انجام می دهید بیناست. (۴) قطعاً برای شما در [پیروی از] ابراهیم و کسانی که با اویند سرمشقی نیکوست: آنگاه که به قوم خود گفتند: «ما از شما و از آنچه به جای خدا می پرستید بیزاریم. به شما کفر می ورزیم و میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شده تا وقتی که فقط به خدا ایمان آورید.» جز [در] سخن ابراهیم [که] به [نا] پدر [ی] خود [گفت]: «حتماً برای تو آمرزش خواهم خواست، با آنکه در برابر خدا اختیار چیزی را برای تو ندارم.» ای پروردگار ما! بر تو اعتماد کردیم و به سوی تو باز گشتیم و فرجام به سوی توست. (۵) پروردگارا، ما را وسیله آزمایش [و] آماج آزار [برای کسانی که کفر ورزیده‌اند مگردان، و بر ما ببخشای که تو خود توانای سنجیده کاری. (۶) قطعاً برای شما در [پیروی از] آنان سرمشقی نیکوست [یعنی] برای کسی که به خدا و روز بازپسین امید می بندد. و هر کس روی برتابد [بداند که] خدا همان بی نیاز ستوده [صفات] است. (۷) امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است. (۸) اما [خدا] شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنجیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید، زیرا خدا دادگران را دوست می دارد. (۹) فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون رانندتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند. و هر کس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون زنان با ایمان مهاجر، نزد شما آیند آنان را بیازمایید. خدا به ایمان آنان دانانتر است. پس اگر آنان را با ایمان تشخیص دادید، دیگر ایشان را به سوی کافران بازنگرانید: نه آن زنان بر ایشان حلالند و نه آن [مردان] بر این زنان حلال. و هر چه خرج [این زنان] کرده‌اند به [شوهران] آنها بدهید، و بر شما گناهی نیست که -در صورتی که مهرشان را به آنان بدهید- با ایشان ازدواج کنید، و به پیوندهای قبلی کافران متمسک نشوید [و

پایبند نباشید] و آنچه را شما [برای زنان مرتد و فراری خود که به کفار پناهنده شده‌اند] خرج کرده‌اید، [از کافران] مطالبه کنید، و آنها هم باید آنچه را خرج کرده‌اند [از شما] مطالبه کنند. این حکم خداست [که] میان شما داوری می‌کند، و خدا دانای حکیم است. (۱۱) و در صورتی که [زنی] از همسران شما به سوی کفار رفت [و کفار مهر مورد مطالبه شما را ندادند] و شما غنیمت یافتید؛ پس به کسانی که همسرانشان رفته‌اند، معادل آنچه خرج کرده‌اند بدهید، و از آن خدایی که به او ایمان دارید بترسید. (۱۲) ای پیامبر، چون زنان با ایمان نزد تو آیند که [با این شرط] با تو بیعت کنند که چیزی را با خدا شریک ن سازند، و دزدی نکنند، و زنا نکنند، و فرزندان خود را نکشند، و بچه‌های حرامزاده پیش دست و پای خود را با بهتان [و حيله] به شوهر نبندند، و در [کار] نیک از تو نافرمانی نکنند، با آنان بیعت کن و از خدا برای آنان آمرزش بخواه، زیرا خداوند آمرزنده مهربان است. (۱۳) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، مردمی را که خدا بر آنان خشم رانده، به دوستی مگیرید. آنها واقعاً از آخرت سلب امید کرده‌اند، همان گونه که کافران اهل گور قطع امید نموده‌اند. (۱۴)

الصف

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است به تسبیح خدا می‌پردازند، و اوست ارجمند حکیم. (۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؟ (۳) نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید. (۴) در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند. (۵) و [یاد کن] هنگامی را که موسی به قوم خود گفت: «ای قوم من، چرا آزارم می‌دهید، با اینکه می‌دانید من فرستاده خدا به سوی شما هستم؟» پس چون [از حق] برگشتند، خدا دل‌هایشان را برگردانید، و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۶) و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت: «ای فرزندان اسرائیل، من فرستاده خدا به سوی شما هستم. تورات را که پیش از من بوده تصدیق می‌کنم و به فرستاده‌ای که پس از من می‌آید و نام او «احمد» است بشارت‌تگرم.» پس وقتی برای آنان دلایل روشن آورد، گفتند: «این سحری آشکار است.» (۷) و چه کسی ستمگرتر از آن کس است که با وجود آنکه به سوی اسلام فراخوانده می‌شود، بر خدا دروغ می‌بندد؟ و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید. (۸) می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند و حال آنکه خدا - گر چه کافران را ناخوش افتد - نور خود را کامل خواهد گردانید. (۹) اوست کسی که فرستاده خود را با هدایت و آیین درست روانه کرد، تا آن را بر هر چه دین است فائق گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (۱۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را بر تجارتی راه نمایم که شما را از عذابی دردناک می‌رهاند؟ (۱۱) به خدا و فرستاده او بگروید و در راه خدا با مال و جانتان جهاد کنید. این [گذشت و فداکاری] اگر بدانید، برای شما بهتر است. (۱۲) تا گناهانتان را بر شما ببخشاید، و شما را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است و [در] سراهایی خوش، در بهشتهای همیشگی درآورد. این [خود] کامیابی بزرگ است. (۱۳) و [رحمتی] دیگر که آن را دوست دارید: یاری و پیروزی نزدیکی از جانب خداست. و مؤمنان را [بدان] بشارت ده. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاران خدا باشید، همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاران من در راه خدا چه کسانی‌اند؟» حواریون گفتند: «ما یاران خداییم.» پس طایفه‌ای کفر ورزیدند، و کسانی را که گرویده بودند، بر دشمنانشان یاری کردیم تا چیره شدند. (۱۵)

الجمعة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، خدایی را که پادشاه پاک ارجمند فرزانه است، تسبیح می‌گویند. (۲) اوست آن کس که در میان بی‌سوادان فرستاده‌ای از خودشان برانگیخت، تا آیات او را بر آنان بخواند و پاکشان گرداند و کتاب و حکمت بدیشان بیاموزد، و [آنان] قطعاً پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. (۳) و [نیز بر جماعتی] دیگر از

ایشان که هنوز به آنها نیویسته‌اند. و اوست ارجمند سنجیده‌کار. (۴) این فضل خداست، آن را به هر که بخواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل بسیار است. (۵) مثل کسانی که [عمل به] تورات بر آنان بار شد [و بدان مکلف گردیدند] آنگاه آن را به کار نبستند، همچون مثل خری است که کتابهایی را بر پشت می‌کشد. [و] چه زشت است وصف آن قومی که آیات خدا را به دروغ گرفتند. و خدا مردم ستمگر را راه نمی‌نماید. (۶) بگو: «ای کسانی که یهودی شده‌اید، اگر پندارید که شما دوستان خدایید نه مردم دیگر، پس اگر راست می‌گویید درخواست مرگ کنید.» (۷) و [لی] هرگز آن را به سبب آنچه از پیش به دست خویش کرده‌اند، آرزو نخواهند کرد، و خدا به [حال] ستمگران داناست. (۸) بگو: «آن مرگی که از آن می‌گریزید، قطعاً به سر وقت شما می‌آید؛ آنگاه به سوی دانای نمان و آشکار بازگردانیده خواهید شد، و به آنچه [در روی زمین] می‌کردید، آگاهتان خواهد کرد.» (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون برای نماز جمعه ندا در داده شد، به سوی ذکر خدا بشتابید، و داد و ستد را واگذارید. اگر بدانید این برای شما بهتر است. (۱۰) و چون نماز گزارده شد، در [روی] زمین پراکنده گردید و فضل خدا را جويا شوید و خدا را بسیار یاد کنید، باشد که شما رستگار گردید. (۱۱) و چون داد و ستد یا سرگرمی ببینند، به سوی آن روی آور می‌شوند، و تو را در حالی که ایستاده‌ای ترک می‌کنند. بگو: «آنچه نزد خداست از سرگرمی و از داد و ستد بهتر است، و خدا بهترین روزی دهندگان است.» (۱۲)

المنافقون

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) چون منافقان نزد تو آیند گویند: «گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی.» و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگویند. (۲) سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته و [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اند. راستی که آنان چه بد می‌کنند. (۳) این بدان سبب است که آنان ایمان آورده، سپس به انکار پرداخته‌اند و در نتیجه بر دل‌هایشان مهر زده شده و [دیگر] نمی‌فهمند. (۴) و چون آنان را ببینی، هیکلهایشان تو را به تعجب وا می‌دارد، و چون سخن گویند به گفتارشان گوش فرا می‌دهی گویی آنان شمعک‌هایی پشت بر دیوارند [که پوک شده و درخور اعتماد نیستند]: هر فریادی را به زیان خویش می‌پندارند. خودشان دشمنند؛ از آنان پرهیز؛ خدا بکشدشان؛ تا کجا [از حقیقت] انحراف یافته‌اند. (۵) و چون بدیشان گفته شود: «بیاید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد»، سرهای خود را بر می‌گردانند، و آنان را می‌بینی که تکبرکنان روی برمی‌تابند. (۶) برای آنان یکسان است: چه برایشان آمرزش بخواهی یا برایشان آمرزش نخواهی، خدا هرگز بر ایشان نخواهد بخشود. خدا فاسقان را راهنمایی نمی‌کند. (۷) آنان کسانی‌اند که می‌گویند: «به کسانی که نزد پیامبر خدایند انفاق مکنید تا پراکنده شوند، و حال آنکه گنجینه‌های آسمانها و زمین از آن خداست ولی منافقان در نمی‌یابند. (۸) می‌گویند: «اگر به مدینه برگردیم، قطعاً آنکه عزتمندتر است آن زبون‌تر را از آنجا بیرون خواهد کرد.» و [لی] عزت از آن خدا و از آن پیامبر او و از آن مؤمنان است؛ لیکن این دورویان نمی‌دانند. (۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [زنها] اموال شما و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل نگردانند، و هر کس چنین کند، آنان خود زیانکارانند. (۱۰) و از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید: «پروردگارا، چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم؟» (۱۱) و [لی] هر کس اجلش فرا رسد، هرگز خدا [آن را] به تأخیر نمی‌افکند، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (۱۲)

التغابن

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است خدا را تسبیح می‌گویند. او راست فرمانروایی و او راست سپاس و او بر هر چیزی تواناست. (۲) اوست آن کس که شما را آفرید؛ برخی از شما کافرند و برخی مؤمن و خدا به آنچه

می‌کنید بیناست. (۳) آسمانها و زمین را به حق آفرید و شما را صورتگری کرد و صورتهایتان را نیکو آراست، و فرجام به سوی اوست. (۴) آنچه را که در آسمانها و زمین است می‌داند، و آنچه را که پنهان می‌کنید و آنچه را که آشکار می‌دارید [نیز] می‌داند، و خدا به راز دلها داناست. (۵) آیا خبر کسانی که پیش از این کفر ورزیدند، و فرجام بد کارشان را چشیدند و عذاب پر دردی خواهند داشت، به شما نرسیده است؟ (۶) این [بدفراجمی] از آن روی بود که پیامبرانشان دلایل آشکار برایشان می‌آوردند و [لی] آنان [می] گفتند: «آیا بشری ما را هدایت می‌کند؟» پس کافر شدند و روی گردانیدند و خدا بی‌نیازی نمود، و خدا بی‌نیاز ستوده است. (۷) کسانی که کفر ورزیدند، پنداشتند که هرگز برانگیخته نخواهند شد. بگو: «آری، سوگند به پروردگارم، حتماً برانگیخته خواهید شد، سپس شما را به [حقیقت] آنچه کرده‌اید قطعاً واقف خواهند ساخت، و این بر خدا آسان است.» (۸) پس به خدا و پیامبر او و آن نوری که ما فرو فرستادیم ایمان آورید، و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است. (۹) روزی که شما را برای روز گردآوری، گرد می‌آورد، آن [روز]، روز حسرت [خوردن] است، و هر کس به خدا ایمان آورده، و کار شایسته‌ای کرده باشد، بدیهایش را از او بسترده، و او را در بهشتی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است درآورد. در آنجا بمانند. این است همان کامیابی بزرگ. (۱۰) و کسانی که کفر ورزیده، و آیات ما را تکذیب کرده‌اند، آنان اهل آتشند [و] در آن ماندگار خواهند بود، و چه بد سرانجامی است. (۱۱) هیچ مصیبتی جز به اذن خدا نرسد، و کسی که به خدا بگردد، دلش را به راه آورد، و خدا [ست که] به هر چیزی داناست. (۱۲) و خدا را فرمان برید و پیامبر [او] را اطاعت نمایید، و اگر روی بگردانید، بر پیامبر ما فقط پیام‌رسانی آشکار است. (۱۳) خدا [ست که] جز او معبودی نیست، و مؤمنان باید تنها بر خدا اعتماد کنند. (۱۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حقیقت برخی از همسران شما و فرزندان شما دشمن شمایند، از آنان بر حذر باشید، و اگر ببخشایید و در گذرید و بیامرزید، به راستی خدا آمرزنده مهربان است. (۱۵) اموال شما و فرزندانان صرفاً [وسیله] آزمایشی [برای شما]یند، و خداست که نزد او پاداشی بزرگ است. (۱۶) پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید، و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید، و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند، آنان رستگارانند. (۱۷) اگر خدا را وامی نیکو دهید، آن را برای شما دو چندان می‌گرداند و بر شما می‌بخشاید، و خدا [ست که] سپاس‌پذیر بردبار است. (۱۸) دانای نهان و آشکار [و] ارجمند سنجیده‌کار است. (۱۹)

الطلاق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای پیامبر، چون زنان را طلاق گوید، در [زمان بندی] عده آنان طلاقشان گوید و حساب آن عده را نگه دارید، و از خدا، پروردگارتان بترسید. آنان را از خانه‌هایشان بیرون مکنید، و بیرون نروند مگر آنکه مرتکب کار زشت آشکاری شده باشند. این است احکام الهی. و هر کس از مقررات خدا [پای] فراتر نهد، قطعاً به خودش ستم کرده است. نمی‌دانی، شاید خدا پس از این، پیشامدی پدید آورد. (۲) پس چون عده آنان به سر رسید، [یا] به شایستگی نگاهشان دارید، یا به شایستگی از آنان جدا شوید، و دو تن [مرد] عادل را از میان خود گواه گیرید، و گواهی را برای خدا به پا دارید. این است اندرزی که به آن کس که به خدا و روز بازپسین ایمان دارد، داده می‌شود، و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد. (۳) و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند، و هر کس بر خدا اعتماد کند او برای وی بس است. خدا فرمانش را به انجام رساننده است. به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است. (۴) و آن زنان شما که از خون دیدن [ماهانه] نومیدند، اگر شک دارید [که خون می‌بینند یا نه؟] عده آنان سه ماه است، و [دخترانی] که [هنوز] خون ندیده‌اند [نیز] عده‌شان سه ماه است، و زنان آبستن مدّتشان این است که وضع حمل کنند، و هر کس از خدا پروا دارد [خدا] برای او در کارش تسهیلی فراهم سازد. (۵) این است فرمان خدا که آن را به سوی شما فرستاده است؛ و هر کس از خدا پروا کند، بدیهایش را از او

بزادید و پاداشش را بزرگ گرداند. (۶) همانجا که [خود] سکونت دارید، به قدر استطاعت خویش آنان را جای دهید و به آنها آسیب [و زیان] مرسانید تا عرصه را بر آنان تنگ کنید. و اگر باردارند خرجشان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر برای شما [بچه] شیر می دهند مزدشان را به ایشان بدهید و به شایستگی میان خود به مشورت پردازید، و اگر کارتان [در این مورد] با هم به دشواری کشید [زن] دیگری [بچه] را شیر دهد. (۷) بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند، و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند. خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی کند. خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می کند. (۸) و چه بسیار شهرها که از فرمان پروردگار خود و پیامبرانش سر پیچیدند و از آنها حسابی سخت کشیدیم و آنان را به عذابی [بس] زشت عذاب کردیم. (۹) تا کیفر زشت عمل خود را چشیدند، و پایان کارشان زیان بود. (۱۰) خدا برای آنان عذابی سخت آماده کرده است. پس ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید. راستی که خدا سوی شما تذکاری فرو فرستاده است: (۱۱) پیامبری که آیات روشنگر خدا را بر شما تلاوت می کند، تا کسانی را که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند از تاریکیها به سوی روشنایی بیرون برد، و هر کس به خدا بگردد و کار شایسته کند او را در باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است، درمی آورد، جاودانه در آن می ماند. قطعاً خدا روزی را برای او خوش کرده است. (۱۲) خدا همان کسی است که هفت آسمان و همانند آنها هفت زمین آفرید. فرمان [خدا] در میان آنها فرود می آید، تا بدانید که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است. (۱۳)

التحریم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای پیامبر، چرا برای خشنودی همسرانت، آنچه را خدا برای تو حلال گردانیده حرام می کنی؟ خدا [ست که] آمرزنده مهربان است. (۲) قطعاً خدا برای شما [راه] گشودن سوگندهایتان را مقرر داشته است، و خدا سرپرست شماست، و اوست دانای حکیم. (۳) و چون پیامبر با یکی از همسرانش سخنی نهانی گفت، و همین که وی آن را [به زن دیگری] گزارش داد و خدا [پیامبر] را بر آن مطلع گردانید [پیامبر] بخشی از آن را اظهار کرد و از بخشی [دیگر] اعراض نمود. پس چون [مطلب] را به آن [زن] خبر داد، وی گفت: «چه کسی این را به تو خبر داده؟» گفت: «مرا آن دانای آگاه خبر داده است.» (۴) اگر [شما دو زن] به درگاه خدا توبه کنید [بتر است]، واقعاً دلہایتان انحراف پیدا کرده است. و اگر علیه او به یکدیگر کمک کنید، در حقیقت، خدا خود سرپرست اوست، و جبرئیل و صالح مؤمنان [نیز یاور اویند] و گذشته از این، فرشتگان [هم] پشتیبان [او] خواهند بود. (۵) اگر پیامبر، شما را طلاق گوید، امید است پروردگارش همسرانی بهتر از شما: مسلمان، مؤمن، فرمانبر، توبه کار، عابد، روزه دار، بیوه و دوشیزه به او عوض دهد. (۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خودتان و کسانتان را از آتشی که سوخت آن، مردم و سنگهاست حفظ کنید: بر آن [آتش] فرشتگانی خشن [و] سختگیر [گمارده شده] اند. از آنچه خدا به آنان دستور داده سرپیچی نمی کنند و آنچه را که مأمورند انجام می دهند. (۷) ای کسانی که کافر شده‌اید، امروز عذر نیاورید، در واقع به آنچه می کردید کیفر می یابید. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به درگاه خدا توبه‌ای راستین کنید، امید است که پروردگارتان بدیهایتان را از شما بزادید و شما را به باغهایی که از زیر [درختان] آن جویبارها روان است در آورد. در آن روز خدا پیامبر [خود] و کسانی را که با او ایمان آورده بودند خوار نمی گرداند: نورشان از پیشاپیش آنان، و سمت راستشان، روان است. می گویند: «پروردگارا، نور ما را برای ما کامل گردان و بر ما ببخشای، که تو بر هر چیز توانایی.» (۹) ای پیامبر، با کافران و منافقان جهاد کن و بر آنان سخت گیر [که] جای ایشان در جهنم خواهد بود و چه بد سرانجامی است. (۱۰) خدا برای کسانی که کفر ورزیده‌اند، آن نوح و آن لوط را مثل آورده [که] هر دو در نکاح دو بنده از بندگان شایسته ما بودند و به آنها خیانت کردند، و کاری از دست [شوهران] آنها در برابر خدا ساخته نبود، و گفته شد: «با داخل شوندگان داخل آتش شوید.» (۱۱) و برای کسانی که ایمان آورده‌اند، خدا همسر فرعون را

مثل آورده، آنگاه که گفت: «پروردگارا، پیش خود در بهشت خانه‌ای برایم بساز، و مرا از فرعون و کردارش نجات ده، و مرا از دست مردم ستمگر برهان.» (۱۲) و مریم دخت عمران را، همان کسی که خود را پاکدامن نگاه داشت و در او از روح خود دمیدیم و سخنان پروردگار خود و کتابهای او را تصدیق کرد و از فرمانبرداران بود. (۱۳)

الملك

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بزرگوار [و خجسته] است آنکه فرمانروایی به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست. (۲) همانکه مرگ و زندگی را پدید آورد تا شما را بیازماید که کدامتان نیکوکارترید، و اوست ارجمند آمرزنده. (۳) همان که هفت آسمان را طبقه طبقه بیافرید. در آفرینش آن [خدای] بخشایشگر هیچ گونه اختلاف [و تفاوتی] نمی‌بینی. بازنگر، آیا خلل [و نقصانی] می‌بینی؟ (۴) باز دوباره بنگر تا نگاهت زبون و در مانده به سویت باز گردد. (۵) و در حقیقت، آسمان دنیا را با چراغهایی زینت دادیم و آن را مایه طرد شیاطین [= قوای مزاحم] گردانیدیم و برای آنها عذاب آتش فروزان آماده کرده‌ایم. (۶) و کسانی که به پروردگارشان انکار آوردند، عذاب آتش جهنم خواهند داشت و چه بد سرانجامی است. (۷) چون در آنجا افکنده شوند، از آن خروشی می‌شنوند در حالی که می‌جوشد. (۸) نزدیک است که از خشم شکافته شود. هر بار که گروهی در آن افکنده شوند، نگاهبانان آن از ایشان پرسند: «مگر شما را هشدار دهنده‌ای نیامد؟» (۹) گویند: «چرا، هشدار دهنده‌ای به سوی ما آمد و [لی] تکذیب کردیم و گفتیم: خدا چیزی فرو نفرستاده است، شما جز در گمراهی بزرگ نیستید.» (۱۰) و گویند: «اگر شنیده [و پذیرفته] بودیم یا تعقل کرده بودیم در [میان] دوزخیان نبودیم.» (۱۱) پس به گناه خود اقرار می‌کنند. و مرگ باد بر اهل جهنم (۱۲) کسانی که در نهم از پروردگارشان می‌ترسند، آنان را آموزش و پاداشی بزرگ خواهد بود. (۱۳) و [اگر] سخن خود را پنهان دارید، یا آشکارش نمایید، در حقیقت وی به راز دلها آگاه است. (۱۴) آیا کسی که آفریده است نمی‌داند؟ با اینکه او خود باریک بین آگاه است. (۱۵) اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید، پس در فراخانی آن رهسپار شوید و از روزی [خدا] بخورید و رستاخیز به سوی اوست. (۱۶) آیا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که شما را در زمین فرو برد، پس بناگاه [زمین] به تپیدن افتد؟ (۱۷) یا از آن کس که در آسمان است ایمن شده‌اید که بر [سر] شما تندبادی از سنگریزه فرو فرستد؟ پس به زودی خواهید دانست که بیم دادن من چگونه است (۱۸) و پیش از آنان [نیز] کسانی که تکذیب پرداختند پس عذاب من چگونه بود؟ (۱۹) آیا در بالای سرشان به پرندگان ننگریسته‌اند [که گاه] بال می‌گسترند و [گاه] بال می‌آند؟ جز خدای رحمان [کسی] آنها را نگاه نمی‌دارد، او به هر چیزی بیناست. (۲۰) یا آن کسی که خود برای شما [چون] سپاهی است که یاریتان می‌کند، جز خدای رحمان کیست؟ کافران جز گرفتار فریب نیستند. (۲۱) یا کیست آن که به شما روزی دهد اگر [خدا] روزی خود را [از شما] باز دارد؟ [نه] بلکه در سرکشی و نفرت پافشاری کردند. (۲۲) پس آیا آن کس که نگویند راه می‌پیماید هدایت یافته تر است یا آن کس که ایستاده بر راه راست می‌رود؟ (۲۳) بگو: «اوست آن کس که شما را پدید آورده و برای شما گوش و دیدگان و دلها آفریده است. چه کم سپاسگزارید.» (۲۴) بگو: «اوست که شما را در زمین پراکنده کرده، و به نزد او [ست که] گرد آورده خواهید شد.» (۲۵) و می‌گویند: «اگر راست می‌گویید، این وعده کی خواهد بود؟» (۲۶) بگو: «علم [آن] فقط پیش خداست و من صرفاً هشدار دهنده‌ای آشکارم.» (۲۷) و آنگاه که آن [لحظه موعود] را نزدیک ببینند، چهره‌های کسانی که کافر شده‌اند در هم رود، و گفته شود: «این است همان چیزی که آن را فرامی‌خواندید.» (۲۸) بگو: «به من خبر دهید، اگر خدا مرا و هر که را با من است هلاک کند یا ما را مورد رحمت قرار دهد، چه کسی کافران را از عذابی پر درد پناه خواهد داد؟» (۲۹) بگو: «اوست خدای بخشایشگر، به او ایمان آوردیم، و بر او توکل کردیم. و به زودی خواهید دانست چه کسی است که خود در گمراهی آشکاری است.» (۳۰) بگو: «به من خبر دهید، اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود، چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟» (۳۱)

القلم

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) نون، سوگند به قلم و آنچه می نویسند، (۲) [که] تو، به لطف پروردگارت، دیوانه نیستی. (۳) و بی گمان، تو را پاداشی بی منت خواهد بود. (۴) و راستی که تو را خوبی والاست (۵) به زودی خواهی دید و خواهند دید، (۶) [که] کدام یک از شما دستخوش جنونید. (۷) پروردگارت خود بهتر می داند چه کسی از راه او منحرف شده، و [هم] او به راه یافتگان داناتر است. (۸) پس، از دروغزنان فرمان مبر. (۹) دوست دارند که نرمی کنی تا نرمی نمایند. (۱۰) و از هر قسم خورنده فرومایه ای فرمان میر: (۱۱) [که] عیجوست و برای خبرچینی گام برمی دارد، (۱۲) مانع خیر، متجاوز، گناه پیشه، (۱۳) گستاخ، [و] گذشته از آن زنازاده است، (۱۴) به صرف اینکه مالدار و پسر دار است، (۱۵) چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «افسانه های پیشینیان است.» (۱۶) زودا که بر بینی اش داغ نهیم [و رسوایش کنیم]. (۱۷) ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم، آنگاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و [میوه] آن [باغ] را حتماً بچینند. (۱۸) و [لی] «ان شاء الله» نگفتند. (۱۹) پس در حالی که آنان غنوده بودند، بلایی از جانب پروردگارت بر آن [باغ] به گردش در آمد. (۲۰) و [باغ]، آفت زده [و زمین بایر] گردید. (۲۱) پس [باغداران] بامدادان یکدیگر را صدا زدند، (۲۲) که: «اگر میوه می چینید، بامدادان به سوی کشت خویش روید.» (۲۳) پس به راه افتادند و آهسته به هم می گفتند (۲۴) که: امروز نباید در باغ بینوایی بر شما در آید.» (۲۵) و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع [بینوایان] توانا می دیدند، رفتند. (۲۶) و چون [باغ] را دیدند، گفتند: «قطعاً ما راه گم کرده ایم.» (۲۷) [نه] بلکه ما محرومیم. (۲۸) خردمندترینشان گفت: «آیا به شما نگفتم: چرا خدا را به پاکی نمی ستایید؟» (۲۹) گفتند: «پروردگارا، تو را به پاکی می ستاییم، ما واقعاً ستمگر بودیم.» (۳۰) پس بعضی شان رو به بعضی دیگر آوردند و همدیگر را به نکوهش گرفتند. (۳۱) گفتند: «ای وای بر ما که سرکش بوده ایم (۳۲) امید است که پروردگار ما بهتر از آن را به ما عوض دهد، زیرا ما به پروردگارمان مشتاقیم. (۳۳) عذاب [دنیا] چنین است، و عذاب آخرت، اگر می دانستند قطعاً بزرگتر خواهد بود. (۳۴) برای پرهیزگاران، نزد پروردگارشان باغستانهای پر ناز و نعمت است. (۳۵) پس آیا فرمانبرداران را چون بدکاران قرار خواهیم داد؟ (۳۶) شما را چه شده؟ چگونه داوری می کنید؟ (۳۷) یا شما را کتابی هست که در آن فرا می گیرید، (۳۸) که هر چه را برمی گزینید، برای شما در آن خواهد بود؟ (۳۹) یا اینکه شما تا روز قیامت [از ما] سوگندهایی رسا گرفته اید که هر چه دلتان خواست حکم کنید؟ (۴۰) از آنان پرس: کدامشان ضامن این [ادعا] یند؟ (۴۱) یا شریکانی دارند؟ پس اگر راست می گویند شریکانشان را بیاورند. (۴۲) روزی که کار، زار [و] رهایی دشوار] شود و به سجده فرا خوانده شوند و در خود توانایی نیابند. (۴۳) دیدگانشان به زیر افتاده، خواری آنان را فرو می گیرد، در حالی که [پیش از این] به سجده دعوت می شدند و تندرست بودند. (۴۴) پس مرا با کسی که این گفتار را تکذیب می کند واگذار. به تدریج آنان را به گونه ای که در نیابند [گریبان] خواهیم گرفت، (۴۵) و مهلتشان می دهیم، زیرا تدبیر من [سخت] استوار است. (۴۶) آیا از آنان مزدی درخواست می کنی، و آنان خود را زیر بار تاوان، گرانبار می یابند؟ (۴۷) یا [علم] غیب پیش آنهاست و آنها می نویسند؟ (۴۸) پس در [امثال] حکم پروردگارت شکیبایی ورز، و مانند همدم ماهی [=یونس] باش، آنگاه که اندوه زده ندا در داد. (۴۹) اگر لطفی از جانب پروردگارش تدارک [حال] او نمی کرد، قطعاً نکوهش شده بر زمین خشک انداخته می شد. (۵۰) پس پروردگارش وی را برگزید و از شایستگانش گردانید. (۵۱) و آنان که کافر شدند، چون قرآن را شنیدند چیزی نمانده بود که تو را چشم بزنند، و می گفتند: «او واقعاً دیوانه ای است.» (۵۲) و حال آنکه [قرآن] جز تذکارتی برای جهانیان نیست. (۵۳)

الحاقه

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آن رخ دهنده. (۲) چیست آن رخ دهنده؟ (۳) و چه دانی که آن رخ دهنده چیست؟ (۴) ثمود و عاد،

آن حادثه کوبنده را تکذیب کردند. (۵) اما ثمود به [سزای] سرکشی [خود] به هلاکت رسیدند. (۶) و اما عاد، به [وسیله] تندبادی توفنده سرکش هلاک شدند. (۷) [که خدا] آن را هفت شب و هشت روز پیپی بر آنان بگماشت: در آن [مدت] مردم را فرو افتاده می دیدی، گویی آنها تنه های نخلهای میان تهی اند. (۸) آیا از آنان کسی را بر جای می بینی؟ (۹) و فرعون و کسانی که پیش از او بودند و [مردم] شهرهای سرنگون شده [سدوم و عاموره] مرتکب خطا شدند. (۱۰) و از امر فرستاده پروردگارشان سرپیچی کردند، و [خدا هم] آنان را به گرفتگی سخت، فرو گرفت. (۱۱) ما، چون آب طغیان کرد، شما را بر کشتی سوار نمودیم. (۱۲) تا آن را برای شما [مایه] تذکری گردانیم و گوشه های شنوا آن را نگاه دارد. (۱۳) پس آنگاه که در صورت یک بار دمیده شود. (۱۴) و زمین و کوه ها از جای خود برداشته شوند و هر دوی آنها با یک تکان ریز ریز گردند. (۱۵) پس آن روز است که واقعه [آنچنانی] وقوع یابد. (۱۶) و آسمان از هم بشکافتد، و در آن روز است که آن از هم گسسته باشد. (۱۷) و فرشتگان در اطراف [آسمان] اند، و عرش پروردگارت را آن روز، هشت [فرشته] بر سر خود بر می دارند. (۱۸) در آن روز، شما [به پیشگاه خدا] عرضه می شوید، [و] پوشیده ای از شما پوشیده نمی ماند. (۱۹) اما کسی که کارنامه اش به دست راستش داده شود، گوید: «بیاید و کتابم را بخوانید. (۲۰) من یقین داشتم که به حساب خود می رسم. (۲۱) پس او در یک زندگی خوش است: (۲۲) در بهشتی برین، (۲۳) [که] میوه هایش در دسترس است. (۲۴) بخورید و بنوشید، گوارتان باد، به [پاداش] آنچه در روزهای گذشته انجام دادید. (۲۵) و اما کسی که کارنامه اش به دست چپش داده شود، گوید: «ای کاش کتابم را دریافت نکرده بودم. (۲۶) و از حساب خود خبردار نشده بودم. (۲۷) ای کاش آن [مرگ] کار را تمام می کرد. (۲۸) مال من، مرا سودی نبخشید. (۲۹) قدرت من از [کف] من برفت. (۳۰) [گویند]: «بگیرید او را و در غل کشید. (۳۱) آنگاه میان آتشش اندازید. (۳۲) پس در زنجیری که درازی آن هفتاد گز است وی را در بند کشید. (۳۳) چرا که او به خدای بزرگ نمی گروید. (۳۴) و به اطعام مسکین تشویق نمی کرد. (۳۵) پس امروز او را در اینجا حمایتگری نیست. (۳۶) و خوراکی جز چرکابه ندارد، (۳۷) که آن را جز خطاکاران نمی خورند. (۳۸) پس نه [چنان است که می پندارید]، سوگند یاد می کنم به آنچه می بینید، (۳۹) و آنچه نمی بینید، (۴۰) که [قرآن] قطعاً گفتار فرستاده ای بزرگوار است. (۴۱) و آن گفتار شاعری نیست [که] کمتر [به آن] ایمان دارید. (۴۲) و نه گفتار کاهنی [که] کمتر [از آن] پسند می گیرید. (۴۳) [پیام] فرود آمده ای است از جانب پروردگار جهانیان. (۴۴) و اگر [او] پاره ای گفته ها بر ما بسته بود، (۴۵) دست راستش را سخت می گرفتیم، (۴۶) سپس رگ قلبش را پاره می کردیم، (۴۷) و هیچ یک از شما مانع از [عذاب] او نمی شد. (۴۸) و در حقیقت، [قرآن] تذکری برای پرهیزگاران است. (۴۹) و ما به راستی می دانیم که از [میان] شما تکذیب کنندگانی هستند. (۵۰) و آن واقعاً بر کافران حسرتی است. (۵۱) و این [قرآن]، بی شبهه، حقیقتی یقینی است. (۵۲) پس به [پاس] نام پروردگار بزرگت تسبیح گوی. (۵۳)

المعارج

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) پرسنده ای از عذاب واقع شونده ای پرسید، (۲) که اختصاص به کافران دارد [و] آن را بازدارنده ای نیست. (۳) [و] از جانب خداوند صاحب درجات [و مراتب] است. (۴) فرشتگان و روح، در روزی که مقدارش پنجاه هزار سال است به سوی «او» بالا می روند. (۵) پس صبر کن، صبری نیکو. (۶) زیرا آنان [عذاب] را دور می بینند، (۷) و [ما] نزدیکش می بینیم. (۸) روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود، (۹) و کوهها چون پشم زده گردد، (۱۰) و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی [حال] نپرسد، (۱۱) آنان را به ایشان نشان می دهند. گناهکار آرزو می کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز، می توانست پسران خود را عوض دهد، (۱۲) و [نیز] همسرش و برادرش را، (۱۳) و قبیله اش را که به او پناه می دهد، (۱۴) و هر که را که در روی زمین است همه را [عوض می داد] و آنگاه خود را رها می کرد. (۱۵) نه چنین است. [آتش] زبانه می کشد، (۱۶) پوست سر و اندام را برکننده است. (۱۷) هر که را پشت کرده و روی برتافته، (۱۸) و گرد آورده و انباشته [و حسابش را نگاه داشته] فرا می خواند. (۱۹) به راستی که

انسان سخت آزمند [و بی تاب] خلق شده است. (۲۰) چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند. (۲۱) و چون خیری به او رسد بخل ورزد. (۲۲) غیر از نمازگزاران: (۲۳) همان کسانی که بر نمازشان پایداری می‌کنند. (۲۴) و همانان که در اموالشان حقی معلوم است، (۲۵) برای سائل و محروم. (۲۶) و کسانی که روز جزا را باور دارند. (۲۷) و آنان که از عذاب پروردگارشان بیمناکند. (۲۸) چرا که از عذاب پروردگارشان ایمن نمی‌توانند بود. (۲۹) و کسانی که دامن خود را حفظ می‌کنند، (۳۰) مگر بر همسران خود یا کنیزانشان که [در این صورت] مورد نکوهش نیستند. (۳۱) و هر کس پا از این [حد] فراتر نهد، آنان همان از حد در گذرند گانند. (۳۲) و کسانی که امانتها و پیمان خود را مراعات می‌کنند. (۳۳) و آنان که بر شهادتهای خود ایستاده‌اند. (۳۴) و کسانی که بر نمازشان مداومت می‌ورزند. (۳۵) آنها هستند که در باغهایی [از بهشت]، گرامی خواهند بود. (۳۶) چه شده است که آنان که کفر ورزیده‌اند، به سوی تو شتابان، (۳۷) گروه گروه، از راست و از چپ [هجوم می‌آورند]؟ (۳۸) آیا هر یک از آنان طمع می‌بندد که در بهشت پر نعمت در آورده شود؟ (۳۹) نه چنین است. ما آنان را از آنچه [خود] می‌دانند آفریدیم. (۴۰) [هرگز]، به پروردگار خاوران و باختران سوگند یاد می‌کنم که ما تواناییم، (۴۱) که به جای آنان بهتر از ایشان را بیاوریم؛ و بر ما پیشی نتوانند جست. (۴۲) پس بگذارشان یاوه گویند و بازی کنند تا روزی را که وعده داده شده‌اند ملاقات نمایند. (۴۳) روزی که از گورها [ی خود] شتابان برآیند، گویی که آنان به سوی پرچمهای افراشته می‌دوند. (۴۴) دیدگانشان فرو افتاده، [غبار] مذلت آنان را فرو گرفته است. این است همان روزی که به ایشان وعده داده می‌شد. (۴۵)

نوح

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ما نوح را به سوی قومش فرستادیم که: «قومت را، پیش از آنکه عذابی دردناک به آنان رسد، هشدار ده.» (۲) [نوح] گفت: «ای قوم من، من شما را هشدار دهنده‌ای آشکارم، (۳) که خدا را بپرستید و از او پروا دارید و مرا فرمان برید. (۴) [تا] برخی از گناهانتان را بر شما ببخشاید و [اجل] شما را تا وقتی معین به تأخیر اندازد. اگر بدانید، چون وقت مقرر خدا برسد، تأخیر بر نخواهد داشت. (۵) [نوح] گفت: «پروردگارا، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم، (۶) و دعوت من جز بر گریزشان نیفزود. (۷) و من هر بار که آنان را دعوت کردم تا ایشان را بیمارزی، انگستانشان را در گوشه‌ایشان کردند و ردای خویشتن بر سر کشیدند و اصرار ورزیدند و هر چه بیشتر بر کبر خود افزودند. (۸) سپس من آشکارا آنان را دعوت کردم. (۹) باز من به آنان اعلام نمودم و در خلوت [و] پوشیده نیز به ایشان گفتم. (۱۰) و گفتم: از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او همواره آمرزنده است. (۱۱) [تا] بر شما از آسمان باران پی در پی فرستد. (۱۲) و شما را به اموال و پسران، یاری کند، و برایتان باغها قرار دهد و نهرها برای شما پدید آورد. (۱۳) شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟ (۱۴) و حال آنکه شما را مرحله به مرحله خلق کرده است. (۱۵) مگر ملاحظه نکرده‌اید که چگونه خدا هفت آسمان را تُو بر تو آفریده است؟ (۱۶) و ماه را در میان آنها روشنایی‌بخش گردانید و خورشید را [چون] چراغی قرار داد. (۱۷) و خدا [ست که] شما را [مانند] گیاهی از زمین رویانید؛ (۱۸) سپس شما را در آن بازمی‌گرداند و بیرون می‌آورد بیرون آوردنی [عجیب]! (۱۹) و خدا زمین را برای شما فرشی [گسترده] ساخت، (۲۰) تا در راههای فراخ آن بروید.» (۲۱) نوح گفت: «پروردگارا، آنان نافرمانی من کردند و کسی را پیروی نمودند که مال و فرزندش جز بر زیان وی نیفزود. (۲۲) و دست به نیرنگی بس بزرگ زدند. (۲۳) و گفتند: زنهار، خدایان خود را رها مکنید، و نه «وَدَّ» را واگذارید و نه «سُواع» و نه «یَعُوث» و نه «یَعِوق» و نه «نَسِیر» را. (۲۴) و بسیاری را گمراه کرده‌اند. [بار خدایا]، جز بر گمراهی ستمکاران میفزای.» (۲۵) [تا] به سبب گناهانشان غرقه گشتند و [پس از مرگ] در آتشی در آورده شدند و برای خود، در برابر خدا یارانی نیافتند. (۲۶) و نوح گفت: «پروردگارا، هیچ کس از کافران را بر روی زمین مگذار، (۲۷) چرا که اگر تو آنان را باقی گذاری، بندگانت را گمراه می‌کنند و جز پلیدکار ناسپاس نزنند. (۲۸) پروردگارا، بر من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید، و بر

مردان و زنان با ایمان بیخشی، و جز بر هلاکت ستمگران میفزای.» (۲۹)

الجن

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بگو: «به من وحی شده است که تنی چند از جنیان گوش فرا داشتند و گفتند: راستی ما قرآنی شگفت آور شنیدیم. (۲) [که] به راه راست هدایت می‌کند. پس به آن ایمان آوردیم و هرگز کسی را شریک پروردگاران قرار نخواهیم داد. (۳) و اینکه او، پروردگار والای ما، همسر و فرزندی اختیار نکرده است. (۴) و [شگفت] آنکه کم خرد ما، در باره خدا سخنانی یاوه می‌سراید. (۵) و ما پنداشته بودیم که انس و جن هرگز به خدا دروغ نمی‌بندند. (۶) و مردانی از آدمیان به مردانی از جن پناه می‌بردند و بر سرکشی آنها می‌افزودند. (۷) و آنها [نیز] آن گونه که [شما] پنداشته‌اید، گمان بردند که خدا هرگز کسی را زنده نخواهد گردانید. (۸) و ما بر آسمان دست یافتیم و آن را پر از نگهبانان توانا و تیره‌های شهاب یافتیم. (۹) و در [آسمان] برای شنیدن، به کمین می‌نشستیم، [اما] اکنون هر که بخواهد به گوش باشد، تیر شهابی در کمین خود می‌یابد. (۱۰) و ما [درست] نمی‌دانیم که آیا برای کسانی که در زمینند بدی خواسته شده یا پروردگارشان برایشان هدایت خواسته است؟ (۱۱) و از میان ما برخی درستکارند و برخی غیر آن، و ما فرقه‌هایی گوناگونیم. (۱۲) و ما می‌دانیم که هرگز نمی‌توانیم در زمین خدای را به ستوه آوریم، و هرگز او را با گریز [خود] درمانده نتوانیم کرد (۱۳) و ما چون هدایت را شنیدیم بدان گرویدیم؛ پس کسی که به پروردگار خود ایمان آورد، از کمی [پاداش] و سختی بیم ندارد. (۱۴) و از میان ما برخی فرمانبردار و برخی از ما منحرفند: پس کسانی که به فرمانند، آنان در جستجوی راه درستند، (۱۵) ولی منحرفان، هیزم جهنم خواهند بود.» (۱۶) و اگر [مردم] در راه درست، پایداری ورزند، قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم. (۱۷) تا در این باره آنان را بیازماییم، و هر کس از یاد پروردگار خود دل بگرداند، وی را در قید عذابی [روز] افزون در آورد. (۱۸) و مساجد ویژه خداست، پس هیچ کس را با خدا مخوانید. (۱۹) و همین که «بنده خدا» برخاست تا او را بخواند، چیزی نمانده بود که بر سر وی فرو افتند. (۲۰) بگو: «من تنها پروردگار خود را می‌خوانم و کسی را با او شریک نمی‌گردانم.» (۲۱) بگو: «من برای شما اختیار زیان و هدایتی را ندارم.» (۲۲) بگو: «هرگز کسی مرا در برابر خدا پناه نمی‌دهد و هرگز پناهگاهی غیر از او نمی‌یابم. (۲۳) [وظیفه من] تنها ابلاغی از خدا و [رساندن] پیامهای اوست.» و هر کس خدا و پیامبرش را نافرمانی کند قطعاً آتش دوزخ برای اوست و جاودانه در آن خواهند ماند. (۲۴) [باش] تا آنچه را وعده داده می‌شوند ببینند، آنگاه دریابند که یاور چه کسی ضعیف‌تر و کدام یک شماره‌اش کمتر است. (۲۵) بگو: «نمی‌دانم آنچه را که وعده داده شده‌اید نزدیک است یا پروردگارم برای آن زمانی نهاده است؟» (۲۶) دانای نهان است، و کسی را بر غیب خود آگاه نمی‌کند، (۲۷) جز پیامبری را که از او خشنود باشد، که [در این صورت] برای او از پیش رو و از پشت سرش نگاهبانانی بر خواهد گماشت، (۲۸) تا معلوم بدارد که پیامهای پروردگار خود را رسانیده‌اند؛ و [خدا] بدانچه نزد ایشان است احاطه دارد و هر چیزی را به عدد شماره کرده است. (۲۹)

المزمل

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای جامه به خویشان فرو پیچیده، (۲) به پا خیز شب را مگر اندکی، (۳) نیمی از شب یا اندکی از آن را بکاه، (۴) یا بر آن [نصف] بیفزای و قرآن را شمرده شمرده بخوان. (۵) در حقیقت ما به زودی بر تو گفتاری گرانبار القا می‌کنیم. (۶) قطعاً برخاستن شب، رنجش بیشتر و گفتار [در آن هنگام] راستین‌تر است. (۷) [و] تو را، در روز، آمد و شدی دراز است. (۸) و نام پروردگار خود را یاد کن و تنها به او بپرداز. (۹) [اوست] پروردگار خاور و باختر، خدایی جز او نیست، پس او را کارساز خویش اختیار کن. (۱۰) و بر آنچه می‌گویند شکبیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر. (۱۱) و مرا با تکذیب‌کنندگان توانگر واگذار و اندکی مهلتشان ده. (۱۲) در حقیقت پیش ما زنجیرها و دوزخ، (۱۳) و غذایی گلوگیر و عذابی پر

درد است. (۱۴) روزی که زمین و کوهها به لرزه درآیند و کوهها به سان ریگ روان گردند. (۱۵) بی گمان، ما به سوی شما فرستاده‌ای که گواه بر شماست روانه کردیم، همان گونه که فرستاده‌ای به سوی فرعون فرستادیم. (۱۶) [ولی] فرعون به آن فرستاده عصیان ورزید، پس ما او را به سختی فرو گرفتیم. (۱۷) پس اگر کفر بورزید، چگونه از روزی که کودکان را پیر می گرداند، پرهیز توانید کرد؟ (۱۸) آسمان از [بیم] آن [روز] در هم شکافت؛ وعده او انجام یافتنی است. (۱۹) قطعاً این [آیات] اندرزی است، تا هر که بخواهد به سوی پروردگار خود راهی در پیش گیرد. (۲۰) در حقیقت، پروردگارت می داند که تو و گروهی از کسانی که با تواند، نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی خیزید، و خداست که شب و روز را اندازه گیری می کند. [او] می داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید، پس بر شما بیخوشد، [اینک] هر چه از قرآن میسر می شود بخوانید. [خدا] می داند که به زودی در میانان بیماری خواهند بود، و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می کنند [و] در پی روزی خدا هستند، و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می نمایند. پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و وام نیکو به خدا دهید؛ و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت. و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است. (۲۱)

المدثر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ای کشیده ردای شب بر سر، (۲) برخیز و بترسان. (۳) و پروردگار خود را بزرگ دار. (۴) و لباس خویشتن را پاک کن. (۵) و از پلیدی دور شو. (۶) و منت مگذار و فزونی مطلب. (۷) و برای پروردگارت شکیبایی کن. (۸) پس چون در صور دمیده شود، (۹) آن روز [چه] روز ناگواری است! (۱۰) بر کافران آسان نیست. (۱۱) مرا با آنکه [او را] تنها آفریدم و گذار. (۱۲) و دارایی بسیار به او بخشیدم، (۱۳) و پسرانی آماده [به خدمت، دادم]، (۱۴) و برایش [عیش خوش] آماده کردم. (۱۵) باز [هم] طمع دارد که بیفزایم. (۱۶) ولی نه، زیرا او دشمن آیات ما بود. (۱۷) به زودی او را به بالا رفتن از گردنه [عذاب] وادار می کنم. (۱۸) آری، [آن دشمن حق] اندیشید و سنجید. (۱۹) کشته بادا، چگونه [او] سنجید؟ (۲۰) [آری]، کشته بادا، چگونه [او] سنجید. (۲۱) آنگاه نظر انداخت. (۲۲) سپس رو ترش نمود و چهره در هم کشید. (۲۳) آنگاه پشت گردانید و تکبر ورزید، (۲۴) و گفت: «این [قرآن] جز سحری که [به برخی] آموخته اند نیست. (۲۵) این غیر از سخن بشر نیست.» (۲۶) زودا که او را به سقر در آورم. (۲۷) و تو چه دانی که آن سقر چیست؟ (۲۸) نه باقی می گذارد و نه رها می کند. (۲۹) پوستها را سیاه می گرداند. (۳۰) [و] بر آن [دوزخ]، نوزده [نگهبان] است. (۳۱) و ما موکلان آتش را جز فرشتگان نگردانیدیم، و شماره آنها را جز آزمایشی برای کسانی که کافر شده اند قرار ندادیم، تا آنان که اهل کتابند یقین به هم رسانند، و ایمان کسانی که ایمان آورده اند افزون گردد، و آنان که کتاب به ایشان داده شده و [نیز] مؤمنان به شک نیفتند، و تا کسانی که در دلهایشان بیماری است و کافران بگویند: «خدا از این وصف کردن، چه چیزی را اراده کرده است؟» این گونه، خدا هر که را بخواهد بپراه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند، و [شماره] سپاهیان پروردگارت را جز او نمی داند، و این [آیات] جز تذکری برای بشر نیست. (۳۲) نه چنین است [که می پندارند!] سوگند به ماه، (۳۳) و سوگند به شامگاه چون پشت کند، (۳۴) و سوگند به بامداد چون آشکار شود، (۳۵) که آیات [قرآن] از پدیده‌های بزرگ است. (۳۶) بشر را هشداردهنده است. (۳۷) هر که از شما را که بخواهد پیشی جوید یا باز ایستد. (۳۸) هر کسی در گرو دستاورد خویش است، (۳۹) بجز یاران دست راست: (۴۰) در میان باغها. از یکدیگر می پرسند، (۴۱) درباره مجرمان: (۴۲) «چه چیز شما را در آتش [سقر] در آورد؟» (۴۳) گویند: «از نماز گزاران نبودیم، (۴۴) و بینوایان را غذا نمی دادیم، (۴۵) با هرزه درایان هرزه درایی می کردیم، (۴۶) و روز جزا را دروغ می شمردیم، (۴۷) تا مرگ ما در رسید.» (۴۸) از این رو شفاعت کنندگان به حال آنها سودی نمی بخشد. (۴۹) چرا آنها از تذکر روی گردانند؟! (۵۰) گویی گورخرانی رمیده اند، (۵۱) که از (مقابل) شیری فرار کرده اند! (۵۲) بلکه هر کدام از آنها

انتظار دارد نامه جداگانه‌ای (از سوی خدا) برای او فرستاده شود! (۵۳) چنین نیست که آنان می‌گویند، بلکه آنها از آخرت نمی‌ترسند! (۵۴) چنین نیست که آنها می‌گویند، آن (قرآن) یک تذکر و یادآوری است! (۵۵) هر کس بخواهد از آن پند می‌گیرد؛ (۵۶) و هیچ کس پند نمی‌گیرد مگر اینکه خدا بخواهد؛ او اهل تقوا و اهل آمرزش است! (۵۷)

القیامه

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (۱) سوگند به روز قیامت، (۲) و سوگند به (نفس لوامه و) وجدان بیدار و ملامتگر (که رستاخیز حق است) (۳) آیا انسان می‌پندارد که هرگز استخوانهای او را جمع نخواهیم کرد؟! (۴) آری قادریم که (حتی خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم! (۵) (انسان شک در معاد ندارد) بلکه او می‌خواهد (آزاد باشد و بدون ترس از دادگاه قیامت) در تمام عمر گناه کند! (۶) (از این رو) می‌پرسد: «قیامت کی خواهد بود!» (۷) (بگو): در آن هنگام که چشمها از شدت وحشت به گردش در آید، (۸) و ماه بی‌نور گردد، (۹) و خورشید و ماه یک جا جمع شوند، (۱۰) آن روز انسان می‌گوید: «راه فرار کجاست؟!» (۱۱) هرگز چنین نیست، راه فرار و پناهگاهی وجود ندارد! (۱۲) آن روز قرارگاه نهایی تنها بسوی پروردگار تو است؛ (۱۳) و در آن روز انسان را از تمام کارهایی که از پیش یا پس فرستاده آگاه می‌کنند! (۱۴) بلکه انسان خودش از وضع خود آگاه است، (۱۵) هر چند (در ظاهر) برای خود عذرهایی بترشد! (۱۶) زبانت را بخاطر عجله برای خواندن آن [= قرآن] حرکت مده، (۱۷) چرا که جمع کردن و خواندن آن بر عهده ماست! (۱۸) پس هر گاه آن را خواندیم، از خواندن آن پیروی کن! (۱۹) سپس بیان (و توضیح) آن (نیز) بر عهده ماست! (۲۰) چنین نیست که شما می‌پندارید (و دلایل معاد را کافی نمی‌دانید)؛ بلکه شما دنیای زودگذر را دوست دارید (و هوسرانی بی‌قید و شرط را) (۲۱) و آخرت را رها می‌کنید! (۲۲) (آری) در آن روز صورتهایی شاداب و مسرور است، (۲۳) و به پروردگارش می‌نگرد! (۲۴) و در آن روز صورتهایی عبوس و در هم کشیده است، (۲۵) زیرا می‌داند غذایی در پیش دارد که پشت را در هم می‌شکند! (۲۶) چنین نیست (که انسان می‌پندارد! او ایمان نمی‌آورد) تا موقعی که جان به گلوگاهش رسد، (۲۷) و گفته شود: «آیا کسی هست که (این بیمار را از مرگ) نجات دهد؟!» (۲۸) و به جدائی از دنیا یقین پیدا کند، (۲۹) و ساق پاها (از سختی جان دادن) به هم بیچد! (۳۰) (آری) در آن روز مسیر همه بسوی (دادگاه) پروردگارت خواهد بود! (۳۱) (در آن روز گفته می‌شود): او هرگز ایمان نیاورد و نماز نخواند، (۳۲) بلکه تکذیب کرد و روی گردان شد، (۳۳) سپس بسوی خانواده خود باز گشت در حالی که متکبران قدم برمی‌داشت! (۳۴) (با این اعمال) عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (۳۵) سپس عذاب الهی برای تو شایسته‌تر است، شایسته‌تر! (۳۶) آیا انسان گمان می‌کند بی‌هدف رها می‌شود؟! (۳۷) آیا او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟! (۳۸) سپس بصورت خون بسته در آمد، و خداوند او را آفرید و موزون ساخت، (۳۹) و از او دو زوج مرد و زن آفرید! (۴۰) آیا چنین کسی قادر نیست که مردگان را زنده کند؟! (۴۱)

الإنسان

به نام خداوند بخشنده بخشایشگر (۱) آیا زمانی طولانی بر انسان گذشت که چیز قابل ذکری نبود؟! (۲) ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم، و او را می‌آزماییم؛ (بدین جهت) او را شنوا و بینا قرار دادیم! (۳) ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس! (۴) ما برای کافران، زنجیرها و غلها و شعله‌های سوزان آتش آماده کرده‌ایم! (۵) به یقین ابرار (و نیکان) از جامی می‌نوشند که با عطر خوشی آمیخته است، (۶) چشمه‌ای که بندگان خدا از آن می‌نوشند و [به دلخواه خویش] جاریش می‌کنند. (۷) [همان بندگان] که [به نذر خود وفا می‌کردند، و از روزی که گزند آن فراگیرنده است می‌ترسیدند. (۸) و به [پاس] دوستی [خدا]، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. (۹) ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از

شما نمی‌خواهیم. (۱۰) ما از پروردگارانمان از روز عبوسی سخت، هراسناکیم.» (۱۱) پس خدا [هم] آنان را از آسیب آن روز نگاه داشت و شادابی و شادمانی به آنان ارزانی داشت. (۱۲) و به [پاس] آنکه صبر کردند، بهشت و پرنیان پاداششان داد. (۱۳) در آن [بهشت] بر تختها [ی خویشت] تکیه زنند. در آنجا نه آفتابی بیند و نه سرمای. (۱۴) و سایه‌ها [ی درختان] به آنان نزدیک است، و میوه‌هایش [برای چیدن] رام. (۱۵) و ظروف سیمین و جامهای بلورین، پیرامون آنان گردانده می‌شود. (۱۶) جامهایی از سیم که درست به اندازه [و با کمال ظرافت] آنها را از کار در آورده‌اند. (۱۷) و در آنجا از جامی که آمیزه زنجبیل دارد به آنان می‌نوشانند. (۱۸) از چشمه‌ای در آنجا که «سلسبیل» نامیده می‌شود. (۱۹) و بر گرد آنان پسرانی جاودانی می‌گردند. چون آنها را ببینی، گویی که مروریدهایی پراکنده‌اند. (۲۰) و چون بدانجا نگری [سرزمینی از] نعمت و کشوری پهناور می‌بینی. (۲۱) [بهشتیان را] جامه‌های ابریشمی سبز و دیبای سستبر در بر است و پیرایه آنان دستبندهای سیمین است و پروردگارشان باده‌ای پاک به آنان می‌نوشاند. (۲۲) این [پاداش] برای شماس و کوشش شما مقبول افتاده است. (۲۳) در حقیقت، ما قرآن را بر تو به تدریج فرو فرستادیم. (۲۴) پس در برابر فرمان پروردگارت شکیبایی کن، و از آنان گناهکار یا ناسپاسگزار را فرمان مبر. (۲۵) و نام پروردگارت را بامدادان و شامگاهان یاد کن. (۲۶) و بخشی از شب را در برابر او سجده کن و شب [های] دراز، او را به پاکی بستای. (۲۷) اینان دنیای زودگذر را دوست دارند، و روزی گرانبار را [به غفلت] پشت سر می‌افکنند. (۲۸) ما میم که آنان را آفریده و پیوند مفاصل آنها را استوار کرده‌ایم، و چون بخواهیم، [آنان را] به نظایرشان تبدیل می‌کنیم. (۲۹) این [آیات]، پندنامه‌ای است. تا هر که خواهد، راهی به سوی پروردگار خود پیش گیرد. (۳۰) و تا خدا نخواهد، [شما] نخواهید خواست؛ قطعاً خدا دانای حکیم است. (۳۱) هر که را خواهد، به رحمت خویش در می‌آورد، و برای ظالمان عذابی پردرد آماده کرده است. (۳۲)

المرسلات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به فرستادگان پی‌درپی، (۲) که سخت توفنده‌اند. (۳) و سوگند به افشانندگان افشانگر، (۴) که [میان حق و باطل] جداگرند، (۵) و القاکننده وحی‌اند. (۶) خواه عذری باشد یا هشدار. (۷) که آنچه وعده یافته‌اید قطعاً رخ خواهد داد. (۸) پس وقتی که ستارگان محو شوند، (۹) و آنگاه که آسمان بشکافد، (۱۰) و آنگاه که کوه‌ها از جا کنده شوند، (۱۱) و آنگاه که پیمبران به میقات آیند، (۱۲) برای چه روزی تعیین وقت شده است؟ (۱۳) برای روز داوری. (۱۴) و تو چه دانی که روز داوری چیست؟ (۱۵) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان! (۱۶) مگر پیشینیان را هلاک نکردیم؟ (۱۷) سپس از پی آنان پسینیان را می‌بریم. (۱۸) با مجرمان چنین می‌کنیم. (۱۹) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۰) مگر شما را از آبی بی‌مقدار نیافریدیم؟ (۲۱) پس آن را در جایگاهی استوار نهادیم، (۲۲) تا مدتی معین! (۲۳) و توانا آمدیم، و چه نیک تواناییم. (۲۴) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۵) مگر زمین را محل اجتماع نگردانیدیم؟ (۲۶) چه برای مردگان چه زندگان. (۲۷) و کوه‌های بلند در آن نهادیم و به شما آبی گوارا نوشاندیم. (۲۸) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۲۹) بروید به سوی همان چیزی که آن را تکذیب می‌کردید. (۳۰) بروید به سوی [آن] دود سه شاخه، (۳۱) نه سایه‌دار است و نه از شعله [آتش] حفاظت می‌کند. (۳۲) [دوزخ] چون کاخی [بلند] شراره می‌افکند، (۳۳) گویی شترانی زرد رنگند. (۳۴) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۳۵) این، روزی است که دم نمی‌زنند. (۳۶) و رخصت نمی‌یابند تا پوزش خواهند. (۳۷) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۳۸) این [همان] روز داوری است شما و [جمله] پیشینیان را گرد می‌آوریم. (۳۹) پس اگر حیلتی دارید، در برابر من بسگالید. (۴۰) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۱) اهل تقوا در زیر سایه‌ها و بر کنار چشمه‌ساراند، (۴۲) با هر میوه‌ای که خوش داشته باشند. (۴۳) به [پاداش] آنچه می‌کردید، بخورید و بیاشامید؛ گواراتان باد. (۴۴) ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم. (۴۵) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۶) [ای کافران]، بخورید و اندکی برخوردار شوید که شما گناهکارید. (۴۷) [ولی] آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۴۸) و چون به آنان گفته شود: «رکوع کنید»، به رکوع

نمی‌روند. (۴۹) آن روز وای بر تکذیب‌کنندگان. (۵۰) پس به کدامین سخن پس از [قرآن] ایمان می‌آورند؟ (۵۱)

النبأ

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) در باره چه چیز از یکدیگر می‌پرسند؟ (۲) از آن خبر بزرگ، (۳) که در باره آن با هم اختلاف دارند. (۴) نه چنان است، به زودی خواهند دانست. (۵) باز هم نه چنان است، بزودی خواهند دانست. (۶) آیا زمین را گهواره‌ای نگردانیدیم؟ (۷) و کوهها را [چون] میخهایی [نگذاشتیم]؟ (۸) و شما را جفت آفریدیم. (۹) و خواب شما را [مایه] آسایش گردانیدیم. (۱۰) و شب را [برای شما] پوششی قرار دادیم. (۱۱) و روز را [برای] معاش [شما] نهادیم. (۱۲) و بر فراز شما هفت [آسمان] استوار بنا کردیم. (۱۳) و چراغی فروزان گذاردیم. (۱۴) و از ابرهای متراکم، آبی ریزان فرود آوردیم، (۱۵) تا بدان دانه و گیاه برویانیم، (۱۶) و باغهای در هم پیچیده و انبوه. (۱۷) قطعاً وعدگاه [ما با شما] روز داوری است: (۱۸) روزی که در «صور» دمیده شود، و گروه گروه بیاید؛ (۱۹) و آسمان، گشوده و درهایی [پدید] شود؛ (۲۰) و کوهها را روان کنند، و [چون] سرایی گردند. (۲۱) [آری،] جهنم [از دیر باز] کمینگاهی بوده، (۲۲) [که] برای سرکشان، بازگشتگاهی است. (۲۳) روز گاری دراز در آن درنگ کنند. (۲۴) در آنجا نه خنکی چشند و نه شربتی، (۲۵) جز آب جوشان و چرکابه‌ای. (۲۶) کیفی مناسب [با جرم آنها]. (۲۷) آنان بودند که به [روز] حساب امید نداشتند؛ (۲۸) و آیات ما را سخت تکذیب می‌کردند. (۲۹) و حال آنکه هر چیزی را برشمرده [به صورت] کتابی در آورده‌ایم. (۳۰) پس بچشید که جز عذاب، هرگز [چیزی] بر شما نمی‌افزاییم. (۳۱) مسلماً پرهیزگاران را رستگاری است: (۳۲) باغچه‌ها و تاکستانها، (۳۳) و دخترانی همسال با سینه‌های برجسته، (۳۴) و پیاله‌های لبالب. (۳۵) در آنجا نه بیهوده‌ای شنوند، و نه [یکدیگر را] تکذیب [کنند]. (۳۶) [این است] پاداشی از پروردگار تو، عطایی از روی حساب. (۳۷) پروردگار آسمانها و زمین و آنچه میان آن دو است، بخشایشگری که کس را یارای خطاب با او نیست. (۳۸) روزی که «روح» و فرشتگان به صف می‌ایستند، و [مردم] سخن نگویند، مگر کسی که [خدای] رحمان به او رخصت دهد، و سخن راست گوید. (۳۹) آن [روز]، روز حق است؛ پس هر که خواهد، راه بازگشتی به سوی پروردگار خود بجوید. (۴۰) ما شما را از عذابی نزدیک هشدار دادیم: روزی که آدمی آنچه را با دست خویش پیش فرستاده است بنگرد؛ و کافر گوید: «کاش من خاک بودم.» (۴۱)

النازعات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به فرشتگانی که [از کافران] به سختی جان ستانند، (۲) و به فرشتگانی که جان [مؤمنان] را به آرامی گیرند، (۳) و به فرشتگانی که [در دریای بی‌مانند] شناکنان شناورند، (۴) پس در پیشی گرفتن [در فرمان خدا] سبقت گیرنده‌اند، (۵) و کار [بندگان] را تدبیر می‌کنند. (۶) آن روز که لرزنده بلرزند، (۷) و از پی آن لرزه‌ای [دگر] افتد، (۸) در آن روز، دلهایی سخت هراسانند. (۹) دیدگان آنها فرو افتاده. (۱۰) گویند: «آیا [باز] ما به [مغاک] زمین برمی‌گردیم؟ (۱۱) آیا وقتی ما استخوان ریزه‌های پوسیده شدیم [زندگی را از سر می‌گیریم]؟» (۱۲) [و با خود] گویند: «در این صورت، این برگشتی زیان‌آور است.» (۱۳) و [لی] در حقیقت، آن [بازگشت، بسته به] یک فریاد است [و بس]. (۱۴) و بناگاه آنان در زمین هموار خواهند بود. (۱۵) آیا سرگذشت موسی بر تو آمد؟ (۱۶) آنگاه که پروردگارش او را در وادی مقدس «طوی» ندا درداد: (۱۷) «به سوی فرعون برو که وی سر برداشته است؛ (۱۸) و بگو: آیا سر آن داری که به پاکیزگی گرای، (۱۹) و تو را به سوی پروردگارت راه نمایم تا پروا بداری؟» (۲۰) پس معجزه بزرگ [خود] را بدو نمود. (۲۱) و [لی فرعون] تکذیب نمود و عصیان کرد. (۲۲) سپس پشت کرد [و] به کوشش برخاست، (۲۳) و گروهی را فراهم آورد [و] ندا درداد، (۲۴) و گفت: «پروردگار بزرگتر شما منم!» (۲۵) و خدا [هم] او را به کیفر دنیا و آخرت گرفتار کرد. (۲۶) در حقیقت، برای هر کس که [از خدا] بترسد، در این [ماجرا] عبرتی است. (۲۷) آیا آفرینش شما

دشوارتر است یا آسمانی که [او] آن را برپا کرده است؟ (۲۸) سقفش را برافراشت و آن را [به اندازه معین] درست کرد، (۲۹) و شبش را تیره و روزش را آشکار گردانید، (۳۰) و پس از آن، زمین را با غلطانیدن گسترده، (۳۱) آبش و چراگاهش را از آن بیرون آورد، (۳۲) و کوهها را لنگر آن گردانید، (۳۳) [تا وسیله] استفاده برای شما و دامهایتان باشد. (۳۴) پس آنگاه که آن هنگامه بزرگ دررسد، (۳۵) [آن] روز است که انسان آنچه را که در پی آن کوشیده است به یاد آورد (۳۶) و جهنم برای هر که بیند آشکار گردد. (۳۷) اما هر که طغیان کرد، (۳۸) و زندگی پست دنیا را برگزید، (۳۹) پس جایگاه او همان آتش است. (۴۰) و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید، و نفس خود را از هوس باز داشت... (۴۱) پس جایگاه او همان بهشت است. (۴۲) در باره رستاخیز از تو می پرسند که فرارسیدنش چه وقت است؟ (۴۳) تو را چه به گفتگو در آن. (۴۴) علم آن با پروردگار تو است. (۴۵) تو فقط کسی را که از آن می ترسد هشدار می دهی. (۴۶) روزی که آن را می بینند، گویی که آنان جز شبی یا روزی درنگ نکرده اند. (۴۷)

عبس

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) چهره در هم کشید و روی گردانید، (۲) که آن مرد نابینا پیش او آمد؛ (۳) و تو چه دانی، شاید او به پاکی گراید، (۴) یا پند پذیرد و اندرز سودش دهد. (۵) اما آن کس که خود را بی نیاز می پندارد، (۶) تو بدو می پردازی؛ (۷) با آنکه اگر پاک نگردد، بر تو [مسئولیتی] نیست. (۸) و اما آن کس که شتابان پیش تو آمد، (۹) در حالی که [از خدا] می ترسید، (۱۰) تو از او به دیگران می پردازی. (۱۱) زنهار [چنین مکن] این [آیات] پندی است. (۱۲) تا هر که خواهد، از آن پند گیرد. (۱۳) در صحیفه هایی ارجمند، (۱۴) والا و پاک شده، (۱۵) به دست فرشتگانی، (۱۶) ارجمند و نیکو کار. (۱۷) کشته باد انسان، چه ناسپاس است (۱۸) او را از چه چیز آفریده است؟ (۱۹) از نطفه ای خلقش کرد و اندازه مقررش بخشید. (۲۰) سپس راه را بر او آسان گردانید. (۲۱) آنگاه به مرگش رسانید و در قبرش نهاد. (۲۲) سپس چون بخواهد او را برانگیزد. (۲۳) ولی نه! هنوز آنچه را به او دستور داده، به جای نیاورده است. (۲۴) پس انسان باید به خوراک خود بنگرد، (۲۵) که ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم؛ (۲۶) آنگاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم؛ (۲۷) پس در آن، دانه رویانیدیم. (۲۸) و انگور و سبزی، (۲۹) و زیتون و درخت خرما، (۳۰) و باغهای انبوه، (۳۱) و میوه و چراگاه، (۳۲) [تا وسیله] استفاده شما و دامهایتان باشد. (۳۳) پس چون فریاد گوش خراش دررسد؛ (۳۴) روزی که آدمی از برادرش، (۳۵) و از مادرش و پدرش. (۳۶) و از همسرش و پسرانش می گریزد، (۳۷) در آن روز، هر کسی از آنان را کاری است که او را به خود مشغول می دارد. (۳۸) در آن روز، چهره هایی درخشانند، (۳۹) خندان [و] شادانند. (۴۰) و در آن روز، چهره هایی است که بر آنها غبار نشسته، (۴۱) [و] آنها را تاریکی پوشانده است؛ (۴۲) آنان همان کافران بدکارند. (۴۳)

التکویر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنگاه که خورشید به هم در پیچد، (۲) و آنگه که ستارگان همی تیره شوند، (۳) و آنگاه که کوهها به رفتار آیند. (۴) وقتی شتران ماده و انهداده شوند، (۵) و آنگه که وحوش را همی گرد آرند، (۶) دریاها آنگه که جوشان گردند، (۷) و آنگاه که جانها به هم در پیوندند، (۸) پرسند چو زان دخترک زنده به گور: (۹) به کدامین گناه کشته شده است؟ (۱۰) و آنگاه که نامه ها زهم بکشایند، (۱۱) و آنگاه که آسمان زجا کنده شود، (۱۲) و آنگه که جحیم را برافروزانند، (۱۳) و آنگه که بهشت را فرا پیش آرند، (۱۴) هر نفس بداند چه فراهم دیده. (۱۵) نه، نه! سوگند به اختران گردان، (۱۶) [کز دیده] نهان شوند و از نو آیند، (۱۷) سوگند به شب چون پشت گرداند، (۱۸) سوگند به صبح چون دمیدن گیرد، (۱۹) که [قرآن] سخن فرشته بزرگواری است. (۲۰) نیرومند [که] پیش خداوند عرش، بلند پایگاه است. (۲۱) در آنجا [هم] مطاع [و هم] امین است. (۲۲) و رفیق شما مجنون نیست؛ (۲۳) و قطعاً آن [فرشته وحی] را در افق رخشان دیده. (۲۴) و او در امر غیب بخیل نیست. (۲۵) و [قرآن] نیست سخن دیو رجیم. (۲۶) پس به کجا

می‌روید؟ (۲۷) این [سخن] بجز پندی برای عالمیان نیست؛ (۲۸) برای هر یک از شما که خواهد به راه راست رود. (۲۹) و تا خدا، پروردگار جهانها، نخواهد، [شما نیز] نخواهید خواست. (۳۰)

الانفطار

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (۲) و آنگاه که اختران پراکنده شوند، (۳) و آنگاه که دریاها از جا برکنده گردند، (۴) و آنگاه که گورها زیر و زبر شوند، (۵) هر نفسی آنچه را پیش فرستاده و بازپس گذاشته، بداند. (۶) ای انسان، چه چیز تو را در باره پروردگار بزرگوارت مغرور ساخته؟ (۷) همان کس که تو را آفرید، و [اندام] تو را درست کرد، و [آنگاه] تو را سامان بخشید. (۸) و به هر صورتی که خواست، تو را ترکیب کرد. (۹) با این همه، شما منکر [روز] جزایید. (۱۰) و قطعاً بر شما نگهبانانی [گماشته شده] اند: (۱۱) [فرشتگان] بزرگواری که نویسندگان [اعمال شما] هستند؛ (۱۲) آنچه را می‌کنید، می‌دانند. (۱۳) قطعاً نیکان به بهشت اندرند. (۱۴) و بی‌شک، بدکاران در دوزخند. (۱۵) روز جزا در آنجا درآیند، (۱۶) و از آن [عذاب] دور نخواهند بود. (۱۷) و تو چه دانی که چیست روز جزا؟ (۱۸) باز چه دانی که چیست روز جزا؟ (۱۹) روزی که کسی برای کسی هیچ اختیاری ندارد؛ و در آن روز، فرمان از آن خداست. (۲۰)

المطففين

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) وای بر کم‌فروشان، (۲) که چون از مردم پیمان‌ه ستانند، تمام ستانند؛ (۳) و چون برای آنان پیمان‌ه یا وزن کنند، به ایشان کم دهند. (۴) مگر آنان گمان نمی‌دارند که برانگیخته خواهند شد؟ (۵) [در] روزی بزرگ: (۶) روزی که مردم در برابر پروردگار جهانیان به پای ایستند. (۷) نه چنین است [که می‌پندارند]، که کارنامه بدکاران در «سَجین» است. (۸) و تو چه دانی که «سَجین» چیست؟ (۹) کتابی است نوشته شده. (۱۰) وای بر تکذیب‌کنندگان در آن هنگام: (۱۱) آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند. (۱۲) و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد. (۱۳) [همان که] چون آیات ما بر او خوانده شود، گوید: «اینها [افسانه‌های پیشینیان است.]» (۱۴) نه چنین است، بلکه آنچه مرتکب می‌شدند زنگار بر دل‌هایشان بسته است. (۱۵) زهی پندار، که آنان در آن روز، از پروردگارشان سخت محجوبند. (۱۶) آنگاه به یقین، آنان به جهنم درآیند. (۱۷) سپس [به ایشان] گفته خواهد شد: «این همان است که آن را به دروغ می‌گرفتید.» (۱۸) نه چنین است، در حقیقت، کتاب نیکان در «علیون» است. (۱۹) و تو چه دانی که «علیون» چیست؟ (۲۰) کتابی است نوشته شده. (۲۱) مقرّبان آن را مشاهده خواهند کرد. (۲۲) برآستی نیکوکاران در نعیم [الهی] خواهند بود. (۲۳) بر تختها [نشسته] می‌نگردند. (۲۴) از چهره‌هایشان طراوت نعمت [بهشت] را درمی‌یابی. (۲۵) از باده‌ای مُمهر شده نوشانیده شوند. (۲۶) [باده‌ای که] مُمهر آن، مُشک است، و در این [نعمتها] مشتاقان باید بر یکدیگر پیشی گیرند. (۲۷) و ترکیبش از [چشمه] «تسنیم» است: (۲۸) چشمه‌ای که مقرّبان [خدا] از آن نوشند. (۲۹) [آری، در دنیا] کسانی که گناه می‌کردند، آنان را که ایمان آورده بودند به ریشخند می‌گرفتند. (۳۰) و چون بر ایشان می‌گذشتند، اشاره چشم و ابرو با هم رد و بدل می‌کردند. (۳۱) و هنگامی که نزد خانواده [های] خود بازمی‌گشتند، به شوخ‌طبعی می‌پرداختند. (۳۲) و چون مؤمنان را می‌دیدند، می‌گفتند: «اینها [جماعتی] گمراهند.» (۳۳) و حال آنکه آنان برای بازرسی [کار]شان فرستاده نشده بودند. (۳۴) و [لی] امروز، مؤمنانند که بر کافران خنده می‌زنند. (۳۵) بر تختها [ی خود نشسته]، نظاره می‌کنند. (۳۶) [تا ببینند] آیا کافران به پاداش آنچه می‌کردند رسیده‌اند؟ (۳۷)

الانشقاق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنگاه که آسمان زهم بشکافد، (۲) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد. (۳) و آنگاه که زمین

کشیده شود، (۴) و آنچه را که در آن است بیرون افکند و تهی شود، (۵) و پروردگارش را فرمان برد و [چنین] سزد. (۶) ای انسان، حقاً که تو به سوی پروردگار خود بسختی در تلاشی، و او را ملاقات خواهی کرد. (۷) اما کسی که کارنامه‌اش به دست راستش داده شود، (۸) بزودی‌اش حسابی بس آسان کنند، (۹) و شادمان به سوی کسانش باز گردد. (۱۰) و اما کسی که کارنامه‌اش از پشت سرش به او داده شود، (۱۱) زودا که هلاک [خویش] خواهد، (۱۲) و در آتش افروخته درآید. (۱۳) او در [میان] خانواده خود شادمان بود. (۱۴) او می‌پنداشت که هرگز برنخواهد گشت. (۱۵) آری، در حقیقت، پروردگارش به او بی‌نا بود. (۱۶) نه، نه، سوگند به شفق، (۱۷) سوگند به شب و آنچه [شب] فروپوشاند، (۱۸) سوگند به ماه چون [بدر] تمام شود، (۱۹) که قطعاً از حالی به حالی برخواهد نشست. (۲۰) پس چرا آنان باور نمی‌دارند؟ (۲۱) و چون بر آنان قرآن تلاوت می‌شود چهره بر خاک نمی‌سایند؟ (۲۲) [نه!] بلکه آنان که کفر ورزیده‌اند، تکذیب می‌کنند. (۲۳) و خدا به آنچه در سینه دارند دانتر است. (۲۴) پس آنان را از عذابی دردناک خبر ده، (۲۵) مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، که آنان را پاداشی بی‌منت خواهد بود. (۲۶)

البروج

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به آسمان آکنده ز برج، (۲) و به روز موعود، (۳) و به گواه و مورد گواهی، (۴) مرگ بر آدم سوزان خندق. (۵) همان آتش مایه‌دار [و انبوه]. (۶) آنگاه که آنان بالای آن [خندق به تماشا] نشسته بودند. (۷) و خود بر آنچه بر [سر] مؤمنان می‌آوردند، گواه بودند. (۸) و بر آنان عیبی نگرفته بودند جز اینکه به خدای ارجمند ستوده ایمان آورده بودند. (۹) همان [خدایی] که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست و خدا [است که] بر هر چیزی گواه است. (۱۰) کسانی که مردان و زنان مؤمن را آزار کرده و بعد توبه نکرده‌اند، ایشان راست عذاب جهنم، و ایشان راست عذاب سوزان. (۱۱) کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، برای آنان باغهایی است که از زیر [درختان] آن جویها روان است؛ این است [همان] رستگاری بزرگ. (۱۲) آری، عقاب پروردگارت سخت سنگین است. (۱۳) هم اوست که [آفرینش را] آغاز می‌کند و بازمی‌گرداند. (۱۴) و اوست آن آمرزنده دوستدار [مؤمنان]. (۱۵) صاحب ارجمند عرش. (۱۶) هر چه را بخواهد انجام می‌دهد. (۱۷) آیا حدیث [آن] سپاهیان: (۱۸) فرعون و ثمود بر تو آمد؟ (۱۹) [نه]، بلکه آنان که کافر شده‌اند در تکذیب‌اند؛ (۲۰) با آنکه خدا از هر سو بر ایشان محیط است. (۲۱) آری، آن قرآنی ارجمند است، (۲۲) که در لوحی محفوظ است. (۲۳)

الطارق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به آسمان و آن اختر شبگرد. (۲) و تو چه دانی که اختر شبگرد چیست؟ (۳) آن اختر فروزان. (۴) هیچ کس نیست مگر اینکه نگاهبانی بر او [گماشته شده] است. (۵) پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟ (۶) از آب جهنده‌ای خلق شده، (۷) [که] از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید. (۸) در حقیقت، او [= خدا] بر بازگردانیدن وی بخوبی تواناست. (۹) آن روز که رازها [همه] فاش شود، (۱۰) پس او را نه نیرویی ماند و نه یاری. (۱۱) سوگند به آسمان بارش‌انگیز، (۱۲) سوگند به زمین شکافدار [آماده کشت]، (۱۳) [که] در حقیقت، قرآن گفتاری قاطع و روشنگر است؛ (۱۴) و آن شوخی نیست. (۱۵) آنان دست به نیرنگ می‌زنند. (۱۶) و [من نیز] دست به نیرنگ می‌زنم. (۱۷) پس کافران را مهلت ده، و کمی آنان را به حال خود واگذار. (۱۸)

الأعلى

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) نام پروردگار والای خود را به پاکی بستای: (۲) همان که آفرید و هماهنگی بخشید. (۳) و آنکه

اندازه گیری کرد و راه نمود. (۴) و آنکه چمنزار را بر آورد؛ (۵) و پس [از چندی] آن را خاشاکی تیره گون گردانید. (۶) ما بزودی [آیات خود را به وسیله سروش غیبی] بر تو خواهیم خواند، تا فراموش نکنی؛ (۷) جز آنچه خدا خواهد، که او آشکار و آنچه را که نهان است می داند. (۸) و برای تو آسانترین [راه] را فراهم می گردانیم. (۹) پس پسند ده، اگر پسند سود بخشد. (۱۰) آن کس که ترسد، بزودی عبرت گیرد. (۱۱) و نگون بخت، خود را از آن دور می دارد؛ (۱۲) همان کس که در آتشی بزرگ در آید؛ (۱۳) آنگاه نه در آن می میرد و نه زندگانی می یابد. (۱۴) رستگار آن کس که خود را پاک گردانید؛ (۱۵) و نام پروردگارش را یاد کرد و نماز گزارد. (۱۶) لیکن [شما] زندگی دنیا را بر می گزینید؛ (۱۷) با آنکه [جهان] آخرت نیکوتر و پایدارتر است. (۱۸) قطعاً در صحیفه های گذشته این [معنی] هست، (۱۹) صحیفه های ابراهیم و موسی. (۲۰)

الغاشیة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ (۲) در آن روز، چهره هایی زبوند، (۳) که تلاش کرده، رنج [بیهوده] برده اند. (۴) [ناچار] در آتشی سوزان در آیند. (۵) از چشمه ای داغ نوشانیده شوند. (۶) خوراکی جز خار خشک ندارند، (۷) [که] نه فربه کند، و نه گرسنگی را باز دارد. (۸) در آن روز، چهره هایی شادابند. (۹) از کوشش خود خشنودند. (۱۰) در بهشت برین اند. (۱۱) سخن بیهوده ای در آنجا نشنوند. (۱۲) در آن، چشمه ای روان باشد. (۱۳) تختهایی بلند در آنجاست. (۱۴) و قدحهایی نهاده شده. (۱۵) و بالشهایی پهلوی هم [چیده]. (۱۶) و فرشهایی [زربفت] گسترده. (۱۷) آیا به شتر نمی نگرند که چگونه آفریده شده؟ (۱۸) و به آسمان که چگونه برافراشته شده؟ (۱۹) و به کوه ها که چگونه برپا داشته شده؟ (۲۰) و به زمین که چگونه گسترده شده است؟ (۲۱) پس تذکره که تو تنها تذکردهنده ای. (۲۲) بر آنان تسلطی نداری، (۲۳) مگر کسی که روی بگرداند و کفر ورزد، (۲۴) که خدا او را به آن عذاب بزرگتر عذاب کند. (۲۵) در حقیقت، باز گشت آنان به سوی ماست، (۲۶) آنگاه حساب [خواستن از] آنان به عهده ماست. (۲۷)

الفجر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سو گند به سپیده دم، (۲) و به شبهای دهگانه، (۳) و به جفت و تاق، (۴) و به شب، وقتی سپری شود. (۵) آیا در این، برای خردمند [نیاز به] سو گندی [دیگر] است؟ (۶) مگر ندانسته ای که پروردگارت با عاد چه کرد؟ (۷) با عمارات ستون دار ارم، (۸) که مانندش در شهرها ساخته نشده بود؟ (۹) و با ثمود، همانان که در درّه، تخته سنگها را می بریدند؟ (۱۰) و با فرعون، صاحب خرگاهها [و بناهای بلند]؟ (۱۱) همانان که در شهرها سر به طغیان برداشتند، (۱۲) و در آنها بسیار تبهکاری کردند. (۱۳) [تا آنکه] پروردگارت بر سر آنان تازیانه عذاب را فرو نواخت، (۱۴) زیرا پروردگارت تو سخت در کمین است. (۱۵) اما انسان، هنگامی که پروردگارش وی را می آزماید، و عزیزش می دارد و نعمت فراوان به او می دهد، می گوید: «پروردگرم مرا گرامی داشته است.» (۱۶) و اما چون وی را می آزماید و روزی اش را بر او تنگ می گرداند، می گوید: «پروردگرم مرا خوار کرده است.» (۱۷) ولی نه، بلکه یتیم را نمی نوازید؛ (۱۸) و بر خوراک [دادن] بینوا همدیگر را بر نمی انگیزید؛ (۱۹) و میراث [ضعیفان] را چپاولگرانه می خورید؛ (۲۰) و مال را دوست دارید، دوست داشتنی بسیار. (۲۱) نه چنان است، آنگاه که زمین، سخت در هم کوبیده شود، (۲۲) و [فرمان] پروردگارت و فرشته [ها] صف در صف آیند، (۲۳) و جهنم را در آن روز [حاضر] آورند، آن روز است که انسان پسند گیرد؛ [ولی] کجا او را جای پسند گرفتن باشد؟ (۲۴) گوید: «کاش برای زندگانی خود [چیزی] پیش فرستاده بودم.» (۲۵) پس در آن روز هیچ کس چون عذاب کردن او، عذاب نکند. (۲۶) و هیچ کس چون در بند کشیدن او، در بند نکشد. (۲۷) ای نفس مطمئنه، (۲۸) خشنود و خدا پسند به سوی پروردگارت باز گرد، (۲۹) و در میان بندگان من در آی، (۳۰) و در بهشت من داخل شو. (۳۱)

البلد

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به این شهر، (۲) و حال آنکه تو در این شهر جای داری؛ (۳) سوگند به پدری [چنان] و آن کسی را که به وجود آورد؛ (۴) براستی که انسان را در رنج آفریده‌ایم. (۵) آیا پندارد که هیچ کس هرگز بر او دست نتواند یافت؟ (۶) گوید: «مال فراوانی تباه کردم.» (۷) آیا پندارد که هیچ کس او را ندیده است؟ (۸) آیا دو چشمش نداده‌ایم؟ (۹) و زبانی و دو لب. (۱۰) و هر دو راه [خیر و شر] را بدو نمودیم. (۱۱) و [لی] [نخواست از گردنه [عاقبت‌نگری] بالا-رود! (۱۲) و تو چه دانی که آن گردنه [سخت] چیست؟ (۱۳) بنده‌ای را آزاد کردن، (۱۴) یا در روز گرسنگی، طعام دادن: (۱۵) به یتیمی خویشاوند، (۱۶) یا بینوایی خاک‌نشین. (۱۷) علاوه بر این از زمره کسانی باشد که گرویده و یکدیگر را به شکیبایی و مهربانی سفارش کرده‌اند؛ (۱۸) اینانند خجستگان. (۱۹) و کسانی که به انکار نشانه‌های ما پرداخته‌اند، آنانند ناخجستگان شوم. (۲۰) بر آنان آتشی سرپوشیده احاطه دارد. (۲۱)

الشمس

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به خورشید و تابندگی اش، (۲) سوگند به مه چون پی [خورشید] رود. (۳) سوگند به روز چون [زمین را] روشن گرداند، (۴) سوگند به شب چو پرده بر آن پوشد، (۵) سوگند به آسمان و آن کس که آن را برافراشت، (۶) سوگند به زمین و آن کس که آن را گسترده، (۷) سوگند به نفس و آن کس که آن را درست کرد؛ (۸) سپس پلیدکاری و پرهیزگاری اش را به آن الهام کرد، (۹) که هر کس آن را پاک گردانید، قطعاً رستگار شد، (۱۰) و هر که آلوده اش ساخت، قطعاً در باخت. (۱۱) [قوم] ثمود به سبب طغیان خود به تکذیب پرداختند. (۱۲) آنگاه که شقی‌ترینشان بر [پا] خاست. (۱۳) پس فرستاده خدا به آنان گفت: «زنهار! ماده شتر خدا و [نوبت] آب خوردنش را [حرمت نهید].» (۱۴) و [لی] دروغزش خواندند و آن [ماده شتر] را پی کردند، و پروردگارشان به [سزای] گناهشان بر سرشان عذاب آورد و آنان را با خاک یکسان کرد. (۱۵) و از پیامد کار خویش، بیمی به خود راه نداد. (۱۶)

اللیل

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به شب چون پرده افکند، (۲) سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد، (۳) و [سوگند به] آنکه نر و ماده را آفرید، (۴) که همانا تلاش شما پراکنده است. (۵) اما آنکه [حق خدا را] داد و پروا داشت، (۶) و [پاداش] نیکوتر را تصدیق کرد، (۷) بزودی راه آسانی پیش پای او خواهیم گذاشت. (۸) و اما آنکه بخل ورزید و خود را بی‌نیاز دید، (۹) و [پاداش] نیکوتر را به دروغ گرفت، (۱۰) بزودی راه دشواری به او خواهیم نمود. (۱۱) و چون هلاک شد، [دیگر] مال او به کارش نمی‌آید. (۱۲) همانا هدایت بر ماست. (۱۳) و در حقیقت، دنیا و آخرت از آن ماست. (۱۴) پس شما را به آتشی که زبانه می‌کشد هشدار دادم. (۱۵) جز نگون‌بخت‌ترین مردم [در آن درنیاید: (۱۶) همان که تکذیب کرد و رخ برتافت. (۱۷) و پاک‌رفتارترین مردم] از آن دور داشته خواهد شد: (۱۸) همان که مال خود را می‌دهد [برای آنکه] پاک شود، (۱۹) و هیچ کس را به قصد پاداش یافتن نعمت نمی‌بخشد، (۲۰) جز خواستن رضای پروردگارش که بسی برتر است [منظوری ندارد]. (۲۱) و قطعاً بزودی خشنود خواهد شد. (۲۲)

الضحی

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به روشنایی روز، (۲) سوگند به شب چون آرام گیرد، (۳) [که] پروردگارت تو را

وانگذاشته، و دشمن نداشته است. (۴) و قطعاً آخرت برای تو از دنیا نیکوتر خواهد بود. (۵) و بزودی پروردگارت تو را عطا خواهد داد، تا خرسند گردی. (۶) مگر نه تو را یتیم یافت، پس پناه داد؟ (۷) و تو را سرگشته یافت، پس هدایت کرد؟ (۸) و تو را تنگدست یافت و بی‌نیاز گردانید؟ (۹) و اما [تو نیز به پاس نعمت ما] یتیم را میازار، (۱۰) و گدا را مران، (۱۱) و از نعمت پروردگار خویش [با مردم] سخن گوی. (۱۲)

الشرح

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آیا برای تو سینهات را نگشاده‌ایم؟ (۲) و بار گرانت را از [دوش] تو برنداشتیم؟ (۳) [باری] که [گویی] پشت تو را شکست. (۴) و نامت را برای تو بلند گردانیدیم. (۵) پس [بدان که] با دشواری، آسانی است. (۶) آری، با دشواری، آسانی است. (۷) پس چون فراغت یافتی، به طاعت درکوش؛ (۸) و با اشتیاق، به سوی پروردگارت روی آور. (۹)

التین

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به [کوه] تین و زیتون، (۲) و طور سینا، (۳) و این شهر امن [و امان]، (۴) [که] براستی انسان را در نیکوترین اعتدال آفریدیم. (۵) سپس او را به پست‌ترین [مراتب] پستی بازگردانیدیم؛ (۶) مگر کسانی را که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، که پاداشی بی‌منت خواهند داشت. (۷) پس چه چیز، تو را بعد [از این] به تکذیب جزا وامی‌دارد؟ (۸) آیا خدا نیکوترین داوران نیست؟ (۹)

العلق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بخوان به نام پروردگارت که آفرید. (۲) انسان را از علق آفرید. (۳) بخوان، و پروردگار تو کریمترین [کریمان] است. (۴) همان کس که به وسیله قلم آموخت. (۵) آنچه را که انسان نمی‌دانست [بتدریج به او] آموخت. (۶) حَقّاً که انسان سرکشی می‌کند، (۷) همین که خود را بی‌نیاز پندارد. (۸) در حقیقت، بازگشت به سوی پروردگار توست. (۹) آیا دیدی آن کس را که باز می‌داشت، (۱۰) بنده‌ای را آنگاه که نماز می‌گزارد؟ (۱۱) چه پنداری اگر او بر هدایت باشد، (۱۲) یا به پرهیزگاری وادارد [برای او بهتر نیست]؟ (۱۳) [و باز] آیا چه پنداری [که] اگر او به تکذیب پردازد و روی برگرداند [چه کیفری در پیش دارد]؟ (۱۴) مگر ندانسته که خدا می‌بیند؟ (۱۵) زنه‌ار، اگر باز نایستد، موی پیشانی [او] را سخت بگیریم؛ (۱۶) [همان] موی پیشانی دروغزن گناه‌پیشه را. (۱۷) [بگو] تا گروه خود را بخواند. (۱۸) بزودی آتشیانان را فرا خوانیم. (۱۹) زنه‌ار! فرمانش مبر، و سجده کن، و خود را [به خدا] نزدیک گردان. (۲۰)

القدر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ما [قرآن را] در شب قدر نازل کردیم. (۲) و از شب قدر، چه آگاهت کرد. (۳) شب قدر از هزار ماه ارجمندتر است. (۴) در آن [شب] فرشتگان، با روح، به فرمان پروردگارشان، برای هر کاری [که مقرر شده است] فرود آیند؛ (۵) [آن شب] تا دم صبح، صلح و سلام است. (۶)

البینة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) کافران اهل کتاب و مشرکان، دست بردار نبودند تا دلیلی آشکار بر ایشان آید: (۲) فرستاده‌ای از جانب خدا که [بر آنان] صحیفه‌هایی پاک را تلاوت کند، (۳) که در آنها نوشته‌های استوار است. (۴) و اهل کتاب دستخوش پراکنندگی نشدند، مگر پس از آنکه برهان آشکار برای آنان آمد. (۵) و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را پرستند، و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند، و نماز برپا دارند و زکات بدهند، و دین [ثابت و] پایدار همین است. (۶) کسانی از اهل کتاب که کفر ورزیده‌اند و [نیز] مشرکان در آتش دوزخند، [و] در آن همواره می‌مانند؛ اینانند که بدترین آفریدگانند. (۷) در حقیقت کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنانند که بهترین آفریدگانند. (۸) پاداش آنان نزد پروردگارشان باغهای همیشگی است که از زیر [درختان] آن، نهرها روان است، جاودانه در آن «همی» مانند؛ خدا از آنان خشنود است و [آنان نیز] از او خشنود، این [پاداش] برای کسی است که از پروردگارش بترسد. (۹)

الزلزلة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آنگاه که زمین به لرزش [شدید] خود لرزانیده شود، (۲) و زمین بارهای سنگین خود را برون افکند، (۳) و انسان گوید: «[زمین] را چه شده است؟» (۴) آن روز است که [زمین] خبرهای خود را باز گوید. (۵) [همان گونه] که پروردگارت بدان وحی کرده است. (۶) آن روز، مردم [به حال] پراکنده برآیند تا [نتیجه] کارهایشان به آنان نشان داده شود. (۷) پس هر که هموزن ذره‌ای نیکی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (۸) و هر که هموزن ذره‌ای بدی کند [نتیجه] آن را خواهد دید. (۹)

العاديات

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به مادیانهائی که با همه تازانند و با سم [های] خود از سنگ آتش می‌جهانند! (۲) و برق [از سنگ] همی جهانند، (۳) و صبحگاهان هجوم آرند، (۴) و با آن [یورش]، گردی برانگیزند، (۵) و بدان [هجوم]، در دل گروهی درآیند، (۶) که انسان نسبت به پروردگارش سخت ناسپاس است، (۷) و او خود بر این [امر]، نیک گواه است. (۸) و راستی او سخت شیفته مال است. (۹) مگر نمی‌داند که چون آنچه در گورهاست بیرون ریخته گردد، (۱۰) و آنچه در سینه‌هاست فاش شود، (۱۱) در چنان روزی پروردگارشان به [حال] ایشان نیک آگاه است؟ (۱۲)

القارعة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) کوبنده، (۲) چیست کوبنده؟ (۳) و تو چه دانی که کوبنده چیست؟ (۴) روزی که مردم چون پروانه [های] پراکنده گردند، (۵) و کوه‌ها مانند پشم زده شده رنگین شود. (۶) اما هر که سنجیده‌هایش سنگین برآید، (۷) پس وی در زندگی خوشی خواهد بود! (۸) و اما هر که سنجیده‌هایش سبک برآید، (۹) پس جایش «هاویه» باشد. (۱۰) و تو چه دانی که آن چیست؟ (۱۱) آتشی است سوزنده. (۱۲)

التكاثر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) تفاخر به بیشتر داشتن، شما را غافل داشت. (۲) تا کارت‌ان [و پایتان] به گورستان رسید. (۳) نه چنین است، زودا که بدانید. (۴) باز هم نه چنین است، زودا که بدانید. (۵) هرگز چنین نیست، اگر علم‌الیقین داشتید! (۶) به یقین دوزخ را می‌بینید. (۷) سپس آن را قطعاً به عین‌الیقین درمی‌یابید. (۸) سپس در همان روز است که از نعمت [روی زمین] پرسیده خواهید شد. (۹)

العصر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) سوگند به عصر [غلبه حق بر باطل]، (۲) که واقعاً انسان دستخوش زیان است؛ (۳) مگر کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده و همدیگر را به حق سفارش و به شکیبایی توصیه کرده‌اند. (۴)

الهمزة

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) وای بر هر بدگوی عیجویی، (۲) که مالی گرد آورد و برشمرده. (۳) پندارد که مالش او را جاوید کرده، (۴) ولی نه! قطعاً در آتش خردکننده فرو افکنده خواهد شد. (۵) و تو چه دانی که آن آتش خردکننده چیست؟ (۶) آتش افروخته خدا [بی] است. (۷) [آتشی] که به دلها می‌رسد. (۸) و [آتشی که] در ستونهایی دراز، آنان را در میان فرامی‌گیرد. (۹) و در ستونهایی دراز (۱۰)

الفیل

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد؟ (۲) آیا نیرنگشان را بر باد نداد؟ (۳) و بر سر آنها، دسته دسته پرندگان «آباییل» فرستاد. (۴) [که] بر آنان سنگهایی از گل [سخت] می‌افکندند. (۵) و [سرانجام، خدا] آنان را مانند کاه جویده شده گردانید. (۶)

قریش

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) برای الفت دادن قریش، (۲) الفتشان هنگام کوچ زمستان و تابستان، [خدا پیلداران را نابود کرد]. (۳) پس باید خداوند این خانه را بپرستند؛ (۴) همان [خدایی] که در گرسنگی غذایشان داد، و از بیم [دشمن] آسوده‌خاطرشان کرد. (۵)

الماعون

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) آیا کسی را که [روز] جزا را دروغ می‌خواند، دیدی؟ (۲) این همان کس است که یتیم را بسختی می‌راند، (۳) و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند. (۴) پس وای بر نماز گزارانی (۵) که از نمازشان غافلند، (۶) آنان که ریا می‌کنند، (۷) و از [دادن] زکات [و وسایل و مایحتاج خانه] خودداری می‌ورزند. (۸)

الکوثر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) ما تو را [چشمه] کوثر دادیم، (۲) پس برای پروردگارت نماز گزار و قربانی کن. (۳) دشمنت خود بی‌تبار خواهد بود. (۴)

الکافرون

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بگو: «ای کافران، (۲) آنچه می‌پرستید، نمی‌پرستم. (۳) و آنچه می‌پرستم، شما نمی‌پرستید. (۴) و نه

آنچه پرستیدید من می پرستم. (۵) و نه آنچه می پرستم شما می پرستید. (۶) دین شما برای خودتان، و دین من برای خودم. (۷)

النصر

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، (۲) و بینی که مردم دسته‌دسته در دین خدا درآیند، (۳) پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه‌پذیر است. (۴)

المسد

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بریده باد دو دست ابولهب، و مرگ بر او باد. (۲) دارایی او و آنچه اندوخت، سودش نکرد. (۳) بزودی در آتشی پرزبانه درآید. (۴) و زنش، آن هیمه‌کش [آتش فروز]، (۵) بر گردنش طنابی از لیف خرماست. (۶)

الإخلاص

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بگو: «اوست خدای یگانه، (۲) خدای صمد [ثابت - متعالی]، (۳) [کسی را] نزاده، و زاده نشده است، (۴) و هیچ کس او را همتا نیست.» (۵)

الفلق

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بگو: «پناه می‌برم به پروردگار سپیده دم، (۲) از شرّ آنچه آفریده، (۳) و از شرّ تاریکی چون فراگیرد، (۴) و از شرّ دمنندگان افسون در گره‌ها، (۵) و از شرّ [هر] حسود، آنگاه که حسد ورزد.» (۶)

الاناس

به نام خداوند رحمتگر مهربان (۱) بگو: «پناه می‌برم به پروردگار مردم، (۲) پادشاه مردم، (۳) معبود مردم، (۴) از شرّ وسوسه‌گر نهانی؛ (۵) آن کس که در سینه‌های مردم وسوسه می‌کند، (۶) چه از جنّ و [چه از] انس.» (۷)